

فصلنامه علمی
راهبرد اجتماعی فرهنگی

۵۴

سال سیزدهم - شماره چهارم - پیاپی پنجاه و چهارم - زمستان ۱۴۰۳

پژوهشکده تحقیقات راهبردی



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر غلامرضا جمشیدیها
دکتر محمدباقر خرمشاد
دکتر سیدمحمد حسینی
دکتر بهرام بیات
دکتر ابراهیم فیاض
دکتر حمید پارسانیا
دکتر سید سعید زاهد زاهدانی
دکتر حسین بستان (نجفی)
دکتر عبدالحسین کلانتری
دکتر غلامرضا تاجبخش

اعضاء هیئت تحریریه بین‌المللی

دکتر طلال عتریبسی

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰، کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱
تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱، نمابر: ۲۲۲۵۸۹۲۱
وبسایت: <http://rahbordfarhangi.csr.i>
پست الکترونیک: rahmagiran@gmail.com
قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۰/۲۵۵۹۵ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌شود.

به استناد نامه شماره ۳۵۱۱/۱۸/۲ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد اقتصادی دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد اقتصادی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

www.isc.gov.ir
www.sid.ir
www.magiran.com
www.csr.ir
www.ensani.ir
www.civilica.com
www.noomags.ir

پایگاه استنادی علوم جهان
مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
بانک اطلاعات نشریات کشور
پژوهشکده تحقیقات راهبردی
پرتال جامع علوم انسانی
مرجع دانش
پایگاه مجلات تخصصی نور

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سردبیر

دکتر غلامرضا جمشیدیها

جانشین سردبیر

دکتر ایمان عرفان منش

مدیر داخلی

دکتر مریم فخری

صفحه‌آرا

رضا عبداللهی بجندی

ویراستار

رضا دیا

شاپا: ۷۰۸۱-۲۲۵۱

شاپای الکترونیک: X-۶۵۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

بسمه تعالی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
 ۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح:** مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین‌کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ). عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

راهبرد اجتماعی فرهنگی

سال سیزدهم - شماره چهارم - پیاپی پنجاه و چهارم - زمستان ۱۴۰۳

فهرست مقاله‌ها

- سازوکار نظارت اجتماعی همگانی بر اساس سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام) ۱۳۸۳
محمد سلطانیه و مهدی سلطانیه
- واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل زوجین به فرزندآوری با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت ۱۴۱۱
غلامرضا تاج‌بخش
- تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی - اجتماعی دانشگاه‌ها: پژوهشی مبتنی بر فراترکیب ۱۴۴۵
علی ادیبی‌نیا، محمد مهدی ذوالفقارزاده و عباس نرگسیان
- ارزیابی وضعیت هویت اجتماعی در مقاصد گردشگری - زیارتی (مورد مطالعه: کلانشهر مشهد) ۱۴۸۱
سیدمحمد موسوی و محمدرضا مجیدی
- مدلیابی شادکامی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری در نوجوانان ۱۵۰۹
اعظم حسین‌پور، کاترین وزیر و نسرین باقری
- تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی در رابطه با دولت در سینمای ایران در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۵۸.ش ۱۵۴۱
علیرضا تلوری، حسن بشیر و ابراهیم متقی
- بررسی جامعه‌شناختی حکمرانی مسجدمحور به‌عنوان کلید توسعه: راهبردها و پیامدها (مطالعه موردی: شهر امل) ۱۵۷۱
صادق صالحی، حسین شریف‌پور، لیلا بنیاد، مهربان یارسامهر، اسماعیل شیرعلی و احمد رضایی
- قصد و انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت ۱۶۱۳
فاطمه تنها و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد
- نقد و بررسی عدالت آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی ۱۶۴۵
محمدجواد ولی‌زاده و رحمت‌الله محمودی
- بررسی مسائل و چالش‌های اجرایی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در ایران (مطالعه موردی استان گیلان) ۱۶۷۵
جواد نظری مقدم

سازوکار نظارت اجتماعی همگانی بر اساس سنت و روایات معصومین (علیهم السلام)^۱

محمد سلطانیه

استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

m.soltanieh@razavi.ac.ir

ORCID 0000-0001-7791-2620

مهدی سلطانیه

دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم، معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه استان سمنان، سمنان، ایران.

ms.1268@yahoo.com

ORCID 0000-0000-0000-0000

چکیده

پردازش نظام‌مند سازوکار کنترل اجتماعی و نظارت نظام‌مند در کلام و سیره عملی معصومین علیهم‌السلام، به‌عنوان یک اصل اساسی، باعث پیشبرد اهداف یک جامعه اسلامی خواهد شد. فهم نحوه چنین کنترلی از سمت امام معصوم و ابزارهای معرفتی و سیستمی شکل‌گیری و کاربست صحیح آن، در تعالی جامعه و حتی نهادهای اجتماعی نقش خواهد داشت. این پژوهش با هدف شناخت و معرفی این سازوکار و به روش اکتشافی توصیفی و با مراجعه به منابع اسلامی و علم جامعه‌شناسی صورت گرفته است. نتیجه اینکه با کنترل اجتماعی، موارد هدف‌گذاری شده و نتایج حاصل از آن بررسی می‌شود تا بدین وسیله فعالیت‌های نادرست از فعالیت‌های صحیح شناسایی و اصلاحات لازم در رسیدن به هدف انجام گردد. هر کنترل و نظارت اجتماعی، از دیدگاه قول و عمل امام معصوم مشتمل بر مؤلفه‌هایی است که این مؤلفه‌ها در ذیل مسئله کنترل اجتماعی همگانی در چهار شاخه اصلی نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر مدیران، نظارت مدیران بر افراد جامعه و نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر قابل تحقق است. نظارت مدیران بر افراد جامعه خود در دو حالت کنترل اجتماعی آشکار (به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم)، کنترل اجتماعی مخفی یا پنهان (به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم) محقق می‌شود. بر اساس دیدگاه روایات، برای تحقق هر یک از اقسام فوق به‌صورت صحیح، باید ابزار مناسب با همان قسم را به‌کار برد.

کلیدواژه‌ها: کنترل اجتماعی، نظارت همگانی، نظارت مستقیم و غیرمستقیم، کنترل آشکار و پنهان، روایات.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

10.22034/scs.2024.435183.1535



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

مقدمه و بیان مسئله

از ارکان مهم در یک جامعه پویا، فعال و سالم، وجود یک نظام دقیق و کامل برای کنترل و نظارت است که هم شامل کنترل برنامه‌های نظام‌مند و هم کنترل بر افراد می‌شود. به عبارتی این کنترل سازمانی، روند پیشرفت را نظام‌مند و قدرت بر اصلاح انحرافات را مهیا می‌کند. به همین دلیل است که در نبود این کنترل و نظارت، بهترین برنامه‌ها، بی‌ثمر خواهد ماند و به هدف نخواهد رسید. آنچه در این مقاله با یک موضوع میان‌رشته‌ای مورد اهتمام است، کنترل اجتماعی نظام‌مند در روایات است که اگر روشمند و وابسته به اصول دینی و اخلاقی باشد، دارای اثرها و فواید فراوانی است. اگر نظریه کنترلی بر پایه سنت پردازش شود، گام بزرگی در جهت تحقق و ماندگاری یک نظام اجتماعی صورت پذیرفته است؛ به‌دیگرسخن، هریک از افراد جامعه، به سبب عضویت در گروه‌های مختلف اجتماعی، خود را با هنجارهای آن گروه هماهنگ می‌کند. حال اگر برخی از این هنجارها، در تنافی با هم باشند؛ شخص هنجارهایی را که برای وی اهمیت بیشتری دارد، حفظ می‌کند و هنجارهایی که اهمیت کمتری دارد، نقض می‌کند (کوئن، ۱۳۸۷، ص. ۲۰۱؛ آگ برن و نیمکوف، ۱۳۵۶، ص. ۲۶۴). همین مسئله، وجود نظام نظارت اجتماعی شکل گرفته شده توسط انسان کامل را که دقیق‌ترین نظام است، توجیه می‌کند؛ بنابراین اقتباس و بهره‌برداری از اصول و روش‌های کنترلی این حضرات در سنت، می‌تواند خلأ عظیم موجود در کنترل اجتماعی و نظارت سازمانی را پُر نماید. چون فرایند جامعه‌پذیری غیرمتکامل، می‌تواند ناشی از کامل نبودن مفاد آموختنی‌ها هم باشد (یان، ۱۳۷۴، ص. ۱۳۳؛ ورسلی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴۰)؛ زیرا ارائه مؤلفه‌های نظارت معصومین (علیهم‌السلام) بر جامعه و تطبیق آن بر نحوه کنترل و نظارت در سازمان یا جامعه، ما را به بهترین عملکردها رهنمون خواهد ساخت. اگر این گزاره، تبدیل به یک عهد اجتماعی گردد، پایه کنترل جامعه هم شکل گرفته است. نکته قابل توجه به‌عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا مسئله مورد بحث، با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای قرآنی ارائه گردد. از طرف دیگر، به لحاظ نظری، سازوکار کنترل اجتماعی همگانی بر اساس روایات معصومین (علیهم‌السلام) هم ارائه نشده است و تلاش بر این بوده است تا تبیین مناسبی از این مسئله شکل گیرد. تبیین اساسی مسئله پژوهش، ذیل عنوان نظارت همگانی، خود بیان‌کننده این مسئله است که واگذاری امر کنترل و نظارت فقط بر عهده افراد یا نهادهای خاص، نمی‌تواند

جامعه اسلامی را شکوفا کند تا تمام ظرفیت‌های انسانی که در یک جامعه دینی امکان شکل‌گیری دارد، محقق شود. این نظارت همگانی، شامل نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر مدیران، نظارت مدیران بر افراد جامعه و نظارت مدیران بر یکدیگر می‌شود. نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه دارای چند حالت است که نظارت مستقیم و غیرمستقیم یا واسطه‌ای از انواع آن است. نظارت واسطه‌ای نیز حسب روایات، با نظارت آشکار و یا پنهان قابل تحقق است. از طرف دیگر، قرار گرفتن جمهوری اسلامی در کانون توجهات جهان و همچنین تهاجم فرهنگی همه‌جانبه دشمن برای از بین بردن وجهه تمدنی این نظام اسلامی، مسائل فرهنگی و نحوه مدیریت آن توسط نهادهای مرتبط، به یک مسئله چالشی تبدیل شده است؛ بنابراین برای برنامه‌ریزی و انجام کنش صحیح مطابق با معیارها در برخی از این مسئله مهم و اساسی، باید نحوه نظارت اجتماعی در سیره معصومین (علیهم‌السلام) به روشنی تبیین شود تا مشکلات و معضلات این حوزه، کمتر گردد. چون اساساً در شرایط فرهنگ و تمدن امروزی و التقاط فرهنگی اجتماعی جوامع مختلف، ضرورت بازتولید و ایجاد پویایی در فرهنگ و تمدن اسلامی کاملاً ضروری است (داودی کهکی؛ ذهبی و عباسی، ۱۴۰۲، ص. ۷۴۷) که این مهم، باید در تک‌تک عناصر و ساخت‌های تمدن اسلامی من جمله مسئله مهم نظارت و کنترل فهم و تبیین گردد؛ بنابراین با توجه به اهمیت این مسئله و ارتباط آن با شکوفایی اسلامی، مسئله پژوهش پیش‌رو، تبیین سازوکار نظارت اجتماعی همگانی نظام‌مند بر اساس سنت معصومین (علیهم‌السلام) است تا بتوان در مواجهه با مسائل جدید و چالش‌های نوظهور، به گسترش آگاهی مبتنی بر منابع اسلامی من جمله سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام) دست یافت (بوذری‌نژاد و رییس‌الساداتی، ۱۴۰۲، ص. ۲۸۱).

۱. هدف پژوهش

این مقاله با هدف شناخت کنترل اجتماعی سازمانی نظام‌مند بر اساس سنت معصومین (علیهم‌السلام) است. بر این اساس، کلیدواژه‌های مرتبط با بحث در روایات مورد بررسی و تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. نکته قابل توجه به‌عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا این موضوع با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای دینی ارائه گردد.

۲. سؤال پژوهش

در پژوهش حاضر یک پرسش اصلی وجود دارد. از دیدگاه سنت و روایات، نظارت اجتماعی همگانی چگونه محقق می‌شود؟

۳. پیشینه پژوهش

به مسئله کنترل و مخصوصاً کنترل درونی، در ادبیات دینی بسیار پرداخته شده است؛ اما نظارت سازمانی با ادبیات علوم اجتماعی و از منظر روایی، پیشینه مرتبط ندارد. تلاش نگارنده بر این است که نظارت سازمانی از نگاه روایات را تبیین و به سوالات پیرامون آن پاسخ‌های مناسب دهد. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱- احمد شفازاده (۱۳۹۸). بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن. راهبرد اجتماعی فرهنگی، (۳۳).

این مقاله درصدد بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن است. هیرشی که از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی به‌شمار می‌آید، علت اصلی عدم کجروی و بزهکاری فرد را پیوندهای اجتماعی او دانسته و به نظر او، هم‌نوایی فرد با جامعه عامل اصلی کنترل اجتماعی و پرهیز از کجروی است. از منظر قرآن کریم نیز، شیوه‌های مقابله با کجروی، به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: کنترل فردی، کنترل اجتماعی و کنترل قانونی. دریافت حمایت و احساس وجود منابع حمایتی یا حمایت ادراک شده در تقویت دلبستگی، تعهد و باور در مورد هنجارهای جامعه و مواظبت از هم‌نشین در کاهش انحراف مؤثر خواهند بود.

۲- احمد شفازاده (۱۳۹۸). بررسی نظریه هیرشی در کنترل اجتماعی از دیدگاه احادیث. اسلام و مطالعات اجتماعی، (۲۷).

اسلام دینی همه‌جانبه‌نگر است که تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها را در نظر دارد. نظریه‌های کنترل اجتماعی معتقدند همه مردم ظرفیت‌گریز از قانون را دارند و جامعه نوین فرصت‌های بسیاری برای فعالیت غیرقانونی فراهم آورده است. نتایج نشان می‌دهد دین مبین اسلام، دربردارنده آموزه‌هایی است که در پرتو قوانین الهی می‌توان رشد و استحکام جامعه را به ارمغان آورد؛ ولی نظریه هیرشی یک تفکر غالب آمریکایی است و با انتقادهایی همراه است.

۳- غلام‌حیدر کوشا (۱۳۸۹). کنترل اجتماعی غیررسمی از منظر آیات و روایات. معرفت فرهنگی اجتماعی، (۳).

این تحقیق درصدد بررسی کنترل اجتماعی غیررسمی در متون دینی است. بر

اساس این پژوهش، دین مبین اسلام کنترل غیررسمی را به‌عنوان یک اهرم کنترلی کارآمد مورد توجه قرار داده است. از منظر دین، آمال و آرزوها در نحوه رفتار تأثیر می‌گذارد و باورهای دینی نظیر ثواب و عقاب اخروی زمینه هم‌نوایی افراد جامعه را فراهم می‌نماید. نیز اهرم‌های کنترلی نظیر حیا، ترس، تمجید و مذمت، مراقبت و امر به معروف و نهی از منکر سبب کاهش کجروی و هدایت شدن افراد می‌گردد.

۴- ابوالفضل محمدی و همکاران (۱۳۹۵). باورهای مؤثر در هدایت و کنترل رفتارهای سازمانی از دیدگاه آیات منتخب قرآن کریم. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۱) رفتارهای اعضای سازمان نقش اساسی در موفقیت و شکست سازمان‌ها دارد. بسیاری از پژوهش‌های رفتار سازمانی نقش باورها و ارزش‌ها را در هدایت و کنترل رفتار سازمانی نقش ویژه‌ای می‌دانند. در این مقاله، شش مضمون سازمان‌دهنده یعنی علم خدا بر عملکرد انسان (رفتار، گفتار، نیت)، ثبت و ضبط عملکرد (رفتار، گفتار، نیت)، مرگ و بازگشت انسان به همراه عملکرد، ارائه عملکرد و آگاه کردن انسان نسبت به عملکرد خودش، محاسبه دقیق عملکرد و داوری بدون ظلم، پاداش و کیفر رفتار بر مبنای عملکرد تبیین شده است. یافته‌های این پژوهش این نظر را مطرح می‌کند که باور و اعتقاد به این مضامین ششگانه در هدایت و کنترل رفتار سازمانی نقش مهمی دارد.

۵- رسول برون (۱۳۹۴). اصول نظارت و کنترل در سازمان با نگاهی به مدیریت اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آیات.

در کتاب حاضر تلاش شده تا اصول نظارت و کنترل در سازمان مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در هر مجموعه سازمانی ایجاد ارتباطات اصولی شغلی و انسانی افراد و نیز اداره کردن و هماهنگ‌سازی منابع انسانی، مادی و امکاناتی موجود آن در جهت اهداف سازمانی و فردی نیازمند به اهرمی مؤثر است که به‌عنوان مدیریت شناخته می‌شود.

در منابع فوق، مسئله کنترل اجتماعی سازمانی به‌صورت مستقل و همچنین با نگاه به منابع روایی بررسی نشده است؛ هدف این مقاله، پاسخ به این سؤال است که دیدگاه اسلام در این خصوص چیست؟ زیرا چگونگی حفظ و بقاء نظام اسلامی از طریق این فرایند ممکن است؛ البته نویسنده در مقاله دیگری این موضوع را بر اساس آیات قرآن کریم بررسی کرده است و در این مقاله، به بررسی این مسئله در روایت همت گماشته است. به‌همین منظور، اقسام کنترل اجتماعی و نه کنترل‌های فردی در مصادر روایی تبیین شده است و مواردی که قابل پیاده‌سازی در نظام‌های اجتماعی

است، مورد مذاقه قرار گرفته است. نکته قابل توجه به عنوان بدیع بودن پژوهش، این است که تلاش شده است تا این موضوع با ادبیات جامعه‌شناسی و محتوای قرآنی ارائه گردد.

۴. ملاحظه‌های نظری: تعریف مفاهیم

۴-۱. کنترل اجتماعی^۱

کنترل «توان اعمال قدرت، هدایت یا باز داشتن اعمال دیگران» تعریف شده است. به همین دلیل، کنترل اجتماعی یک فرایند اجتماعی است که از مجموعه‌ای از منابع مادی، نمادین، قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد بهره می‌برد تا بتواند هم‌نوایی رفتاری اعضای خود را محقق کرده و با کجروی‌ها مقابله و برخورد نماید (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۲). به عبارت دیگر، کنترل اجتماعی مجموع روش‌هایی است که اعضای یک گروه به وسیله آن، به پذیرش رفتارها، هنجارها، قواعد رفتاری و حتی آداب و رسوم منطبق با گروه مطلوب، سوق داده می‌شوند (قنادان و دیگران، ۱۳۷۵، ص. ۲۰۷؛ بیرو، ۱۳۷۰، ص. ۳۴۸). پس می‌توان چنین گفت که کنترل اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس گفته می‌شود که یک گروه اجتماعی، برای حفظ یکپارچگی و هم‌نوایی خود، از آن استفاده می‌کند تا افراد هدف خود را جامعه‌پذیر نماید (شایان مهر، ۱۳۷۷، ص. ۴۴۲).

کنترل اجتماعی در قالب اجبار و اقناع امکان تحقق دارد. مقصود از اجبار، یعنی با به کار بردن اهرم‌هایی مثل مجازات‌های قانونی و تنبیه شخص مجبور به انجام عملی گردد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۴۴۷) و مقصود از اقناع، یعنی واداشتن درونی فرد به پذیرش هنجارهای اجتماعی است که با اهرم‌های مختلفی مثل اعطای درجه، تبلیغ، پاداش، تمجید، اعتباربخشی، قدردانی و تشویق شکل می‌پذیرد (ساروخانی، ۱۳۷۱، ص. ۶۹۸؛ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸، ص. ۱۴).

۴-۲. نظارت

نظارت از مجموعه عناوینی است که از مسئله کنترل کجروی‌های افراد جامعه از دیدگاه آموزه‌های دینی قابل استخراج است و شامل نظارت خداوند بر کنش‌های انسان و نظارت انسان‌ها بر کنش‌های یکدیگر می‌شود (صدیق اورعی؛ عبدخدایی و داوری، ۱۳۹۲، ص. ۱۲). نظارت به معنای تحت نظر و دیده‌بانی و حراست نیز در

معانی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۹۴۶). در سرپرستی امور، کنترل و بررسی افعال استفاده شده است (معلوف، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵۹). نظارت در اصطلاح علم مدیریت، فرایندی برای حصول اطمینان درباره فعالیت‌های انجام‌شده و بررسی میزان تطابق آن با برنامه‌ریزی‌ها است (قوامی، ۱۳۸۶، ص. ۴۸۹؛ لئونارد، ۱۳۶۸، ص. ۵۵۸؛ پیروز و دیگران، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۶). در جامعه‌شناسی، مجموعه فشاری که افراد از جانب سایرین در جامعه حس می‌کنند، «نظارت اجتماعی» گفته می‌شود (کازینو، ۱۳۶۴، ص. ۷۱). در یک تقسیم‌بندی، نظارت به‌گونه‌های ذیل امکان تحقق دارد:

- نظارت رسمی که شامل اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، از آن در مسیر مقابله با وقوع جرم و کجروی در جامعه استفاده می‌کنند که نوعاً قهری و اجباری هستند؛ البته این نوع از نظارت، محدود به برخی از هنجارهای رسمی است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، ص. ۲۵؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۱).

- نظارت غیررسمی که به تناسب شرایط و حالات افراد و جامعه، توسط هریک از اعضاء و در محیط‌های مختلف خانواده، مدرسه، محل کار، اماکن مذهبی و غیره شکل می‌گیرد. این نوع نظارت بر اساس اصول اخلاقی، ارزش‌ها و هنجارهای متعارف محقق می‌شود. ضمانت اجرای این نظارت غیررسمی متغیرهای درونی و اهرم‌های بیرونی است. متغیرهای درونی مثل ترس از پذیرفته‌نشدن رفتار در اجتماع، ترس از روبه‌روشدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد اطرافیان و غیره؛ اهرم‌های بیرونی هم مثل تمجید و تشویق و یا سرزنش و توبیخ دیگران (سلیمی و داوری، ۱۳۹۱، ص. ۵۰۷).

۳-۴. سازمان^۱

سازمان گروهی از افراد است که به روشی سازمان‌یافته برای یک هدف مشترک، با هم کار می‌کنند. سازمان عبارت است از یک نهاد اجتماعی که مبتنی بر هدف می‌باشد، ساختار آن به‌صورتی آگاهانه طرح‌ریزی شده است، دارای سیستم‌های فعال و هماهنگ است و سرانجام با محیط خارجی ارتباط دارد (باقری فشخامی، ۱۳۹۲).

۴-۴. کنترل اجتماعی همگانی

به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به‌صورت رسمی و غیررسمی به‌کار می‌رود. این

1. organization

انتظارات، شامل ارزش‌ها، عقاید، هنجارها و باورها و در کل لایه‌های عمیق جهان اجتماعی همه جوامع می‌شود (کوئن، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۷).

۵. روش پژوهش

با توجه به سؤال اصلی این مقاله، روشن است که مقاله از نوع اکتشافی - توصیفی است و دارای فرضیه خاص نیست؛ البته بر اساس روایات، کنترل اجتماعی سازمانی یک اصل اساسی و مسلم برای ایجاد و نگهداشت هر نظام و یا سازمان است و به‌عنوان پیش‌فرض مقاله، قابل طرح است. با توجه به میان‌رشته‌ای بودن موضوع مقاله، نویسنده تلاش کرده است پژوهشی بنیادین با استفاده از روش اکتشافی و رویکرد توصیفی - تحلیلی، با مراجعه مستقیم به اسناد و مراجع دست‌اول روایی و همچنین جامعه‌شناسی انجام دهد. کلیدواژه‌های مرتبط با بحث در روایات جستجو شد، سپس با توصیف داده‌ها، تحلیل و مقایسه آن‌ها، مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت تا نتیجه قابل قبول حاصل شود.

۶. یافته‌های پژوهش

افراد برای حفظ و بقاء خود در جامعه، احساس کامل دارند که باید بر اساس الگوهای ثابت موجود در مناسبات اجتماعی رفتار کنند و خود و دیگران را ملتزم به عمل بر اساس این الگوها بدانند. چون وجود الگوهای ثابت، زمینه‌ساز ثبات انتظارات اجتماعی است. باین‌همه، همیشه در اجتماع انسانی، زمینه‌های بیگانه‌شدن و عمل بر خلاف هنجارها و ارزش‌ها وجود دارد؛ چون زندگی انسان‌ها در کنار یکدیگر، محتاج کنش متقابل در یک محیط است که بین منافع فردی تضاد ایجاد می‌کند؛ بنابراین ممکن است افراد یا گروه‌هایی برای تحقق تمایلات شخصی یا گروهی خود، برخلاف منافع دیگران یا مصالح جامعه عمل کنند و هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. در چنین حالتی، فهم قواعد و نحوه کنترل و نظارت بر رفتار دیگران بر اساس قواعد الهی (در این مقاله قواعد حاصل از روایات محل بحث است) باعث ایجاد هم‌نوایی بالا در جامعه و به تبع آن رشد و کمال جامعه خواهد شد. در دیدگاه شیعی، روایاتی معتبر است که برخلاف محتوای آیات قرآن کریم نباشد. به عبارت دیگر، برای استناد مسئله‌ای به منابع اسلامی یا حتی اسلامی کردن یک موضوع، باید علاوه بر بررسی آیات قرآن به منابع روایی هم رجوع کرده و نگاه ناطقان قرآن را در آن موضوع، بررسی کرد؛ لذا برای اینکه دیدگاه شریعت به مسئله کنترل اجتماعی

سازمانی را به دست آورد، باید اقسام کنترل اجتماعی سازمانی از دیدگاه قرآن (Soltanieh, 2022, pp. 238-240) با روایات معصومین (علیهم‌السلام) هم تفسیر شود تا کنه مطلب به خوبی روشن شود؛ بنابراین کنترل اجتماعی نظام‌مند بر اساس روایات، در یک بررسی دقیق، ذیل یک عنوان قابل بررسی است که عبارت‌اند از:

۶-۱. کنترل اجتماعی همگانی در روایات

انسان بر اساس ویژگی‌های خاص وجودی خودش مثل خرد، توان و ظرفیت، اختیار و اراده و بر اساس اقتضائاتی مثل هم‌نوعی، همکاری با دیگران و اجتماعی بودن، نمی‌تواند نسبت به اطراف خویش بی‌تفاوت بوده و احساس تکلیف نداشته باشد. طبق نگاه قرآن افرادی که از عمل به وظیفه و مسئولیت‌پذیری گریز دارند و تنها به جنبه‌های مادی و حیوانی خود بسنده می‌کنند، دچار بحران هویت، غفلت و از خود بیگانگی هستند. «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»؛ از زندگی دنیا فقط به ظاهر (شناخت سطحی) بسنده می‌کنند و از آخرت غافل‌اند (روم / آیه ۷). حس مسئولیت نسبت به خود و دیگران از آموزه‌های مهم قرآن و روایات است و در روایات فراوانی نسبت به آن تأکید شده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»؛ آن‌ها را نگاه‌دارید که همه نسبت به اعمالشان مسئول و مورد سؤال هستند (صافات / آیه ۲۴). در روایتی آمده است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ»؛ من مورد سؤال قرار می‌گیرم و شما هم مورد سؤال واقع می‌شوید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۴۱).

یکی از عرصه‌های بروز حس مسئولیت، اجتماع است. اگر انسان‌ها در مرحله اول خود را اصلاح نکنند و در عرصه شخصی و خانوادگی آن‌گونه که باید، به‌درستی برخورد نکنند، قطعاً نمی‌توانند از خرد و اندیشه خود در عرصه‌های بزرگ‌تر مثل عرصه‌های اجتماعی بهره مناسب ببرند. وقتی فرد وجود خودش را از رذایل پاک کرد و قلب خود را به نور ایمان جلا داد، در عرصه اجتماعی دغدغه درست و ارزشمند خواهد داشت و حضور او به‌عنوان یک ناظر اجتماعی مفید خواهد بود. در هر انسانی دریایی از غرایز و تمایلات وجود دارد که اگر هرکس به دنبال ارضای بی‌حد و بدون قید آن‌ها در محیط مورد فعالیت خود باشد، قطعاً باعث به‌هم‌ریختگی نظام اخلاقی و اجتماعی آن محیط خواهد شد؛ لذا تمام افراد در جامعه موظف‌اند پاسداشت حد و مرز خود باشند. زمانی این مرزها به بهترین حالت حفظ و باقی می‌مانند که همه

افراد جامعه، درصدد کنترل حسن اجرای خود و دیگران باشند. اسلام به این نظارت همگانی، عنوان امر به معروف و نهی از منکر اطلاق کرده است. در کنترل اجتماعی از دیدگاه اسلام، مسئله نظارت بر جامعه یا سازمان‌ها و عملکرد آن‌ها مقید به افراد خاص و یا مدیران نیست؛ بلکه تمام افراد جامعه موظف به چنین کنترلی هستند. این کنترل از جایگاه والایی برخوردار است، به حدی که تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در برابر این کنترل و نظارت همگانی، همچون قطره‌ای در برابر دریاست (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۴، ص ۵۱۴). روایات، عاملان به این کنترل اجتماعی را خلفاء خدا و جانشینان انبیاء معرفی کرده و امتی که به این وظیفه خطیر عمل می‌کند را بهترین امت دانسته است (آل عمران / آیه ۱۱۰). طبعاً اگر در جامعه این عمل نهادینه شود و همگان خود را نسبت به جامعه و عملکرد همه افراد آن مسئول بدانند و بر یکدیگر اعمال کنترل و نظارت کنند، آن جامعه یا سازمان، بهترین عملکرد آن بهترین عملکرد را خواهد داشت. چون یا اصلاح افراد فاسد و خطاکار یا انزوا و خروج از مجموعه را به دنبال خواهند داشت.

این کنترل اجتماعی همگانی، در تمام سطوح جامعه جاری است و منحصر به قشر خاصی نیست؛ همه افراد از بالاترین شخص تا پایین‌ترین آن، می‌توانند بدون در نظر گرفتن جایگاه افراد و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای، بر دیگران نظارت داشته باشند و نقاط ضعف و قوت یکدیگر را با رعایت شرایط و احترام متقابل به یکدیگر اطلاع دهند. بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می‌توان برای نظارت عمومی در سازمان‌ها چهار حالت را متصور شد که عبارت‌اند از:

۶-۱-۱. نظارت افراد جامعه بر یکدیگر

همواره در میان جوامع انسانی، افرادی برخلاف سیره انسانی عمل می‌کنند؛ بنابراین عقل حکم می‌کند که باید افراد جامعه، برای مواجهه صحیح با انحرافات، در فعالیت‌ها و عملکردهای خود و اطرافیان دقت لازم را داشته باشند و با نگاه تیزبینانه، انحرافات و تخلفات را رصد نمایند؛ چون هر فردی به محیط اطراف خود، آشنایی بهتری دارد و قطعاً بسیار سریع‌تر از نهادهای نظارتی می‌تواند خطا را شناسایی کرده و تذکر دلسوزانه بدهد. چون هوشیاری اطرافیان، به دلیل احساس ناامنی در فرد خاصی، تأثیر بهتری در وی خواهد گذاشت.

رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روایتی می‌فرمایند: «إِنَّ الْمَعْصِيَةَ

إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا، وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يَغَيِّرْ عَلَيْهِ أَضْرَتُ بِالْعَامَّةِ»؛ اگر کسی معصیت یا ناهنجاری‌های اجتماعی را پنهانی انجام دهد، ضرر آن فقط به خودش می‌رسد؛ ولی اگر آشکار انجام دهد و با نهی از منکر آن را دگرگون نسازند، تمام جامعه ضرر می‌کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص. ۱۳۶)؛ بنابراین اگر همه از خطای دیگران با مسامحه عبور کنند، تمام افراد متضرر خواهند شد. امام صادق (علیه‌السلام) درباره عدم کنترل همگانی و عدم توجه جامعه به خطاهای دیگران می‌فرماید: «كُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ»؛ هر بدعت و خطایی ضلالت است و تمام گمراهی‌ها و انحرافات به بدبختی ختم می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۶). به عبارتی، پایان مسیرهای انحرافی، چیزی جز ضرر و زیان و در نتیجه فروپاشی جامعه نخواهد بود. اگر انحراف، اصلاح نشود و شیوع پیدا کند، چون جامعه در قبال آن، بی‌اعتنا بوده است، دامن همه آحاد جامعه را خواهد گرفت و آتش آن همه‌گیر خواهد شد؛ بنابراین بهترین دیدگاه برای تقویت کنترل افراد جامعه نسبت به یکدیگر این است که همه بدانند بنا بر روایات همه نسبت به هم مسئول‌اند و تمام انسان‌ها در مقابل یکدیگر و اجتماع، تکلیفی به عهده دارند.

۶-۱-۲. نظارت افراد جامعه بر مدیران

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره کنترل و نظارت تک‌تک افراد جامعه بر مدیران می‌فرماید: «گاهی مردم ستودن افرادی را برای کار و تلاش روا می‌دارند؛ اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود ستایش نکنید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است را بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد ادا کنم ... و گمان نکنید که اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران خواهد آمد و یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود و لذا از گفتن حق یا مشورت دادن در عدالت و انصاف خودداری نکنید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۳۱۶).

لازمه این فرمایش حضرت، حق کنترل و نظارت مردم بر فعالیت‌های حاکمان و مدیران است؛ لذا همگان باید در پیشبرد امور، با نظارت کارآمد و نقد منصفانه و دلسوزانه مشارکت نمایند. به عبارتی، این کنترل و نظارت آحاد جامعه بر مدیران و مسئولان جامعه است که آنها را از صحیح یا اشتباه بودن تصمیمات، اجرائیات و

میزان نفوذ آن در جامعه مطلع خواهد کرد. این واکنش افراد جامعه، آن هم به‌عنوان یک حق که باید مطالعه شود، مدیران را بر معیار صلاح؛ استوار نگه خواهد داشت. در جای دیگر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةِ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ»؛ حق من بر عهده شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و مرا همواره مورد نصیحت و خیرخواهی قرار دهید (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴، ص ۶۰). نصیحت و خیرخواهی از طرف هیچ‌احدی، بدون علم و آگاهی از عملکرد عالمانه ممکن نیست و قطعاً فاقد اثر می‌باشد و لذا باید قبل از نظارت، علم و آگاهی حاصل شود تا در نتیجه آن نصیحت و خیرخواهی عالمانه و منصفانه صورت گیرد. این نصیحت، مصداق کامل همان نظارت مردم بر مسئولان است که به محض اینکه خطا یا اشتباه در راه و روش آنان مشاهده کردند، از باب خیرخواهی آن را متذکر شوند تا اصلاح صورت بگیرد؛ بنابراین اگر تک‌تک افراد جامعه یا کارکنان یک سازمان، هیچ حقی در امور کلان نداشته باشند، در این هنگام موضوع کنترل افراد جامعه نسبت به حاکمان یا کارکنان نسبت به مدیران سازمان، فاقد مقتضی لازم است و امری کاملاً لغو و بی‌فایده و حتی مضر به حال کارکنان است؛ چون مبنای نظارت افراد جامعه نسبت به حاکمان یعنی حق تصرف آنان وجود ندارد و لذا این نظارت متزلزل بوده و نوعی دخالت در امور بالادستی به حساب می‌آید و نه تنها فایده‌ای در بر ندارد بلکه موجبات تنبیه افراد خاطی را هم فراهم می‌سازد.

۳-۱-۶. نظارت مدیران بر افراد جامعه

این نوع نظارت، انواع و شاخه‌های مختلف دارد که به شرح ذیل است:

الف) کنترل اجتماعی مستقیم در روایات

کنترل اجتماعی مستقیم توسط مدیر، آثار بسیاری دارد؛ چون زمانی که شخص مدیر به‌صورت مستقیم وارد عرصه کنترل شود، به تمام ضعف‌های برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و... پی می‌برد و نتیجه این آگاهی سازنده، رفع نقص‌های احتمالی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سازمانی است. به بیان دیگر، نظارت مستقیم مدیر سبب ایجاد انضباط در محیط کار و نیز بالا رفتن فرایند کیفی در اجرای برنامه خواهد شد. در روایات شواهد بسیاری درباره کنترل اجتماعی مستقیم توسط مدیر، وجود دارد. این شواهد اغلب مربوط به زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است؛ چون در زمان ایشان، حاکمیت پیشوایان معصوم شکل گرفت.

اگرچه در این خصوص، از بقیه معصومین هم احادیثی بیان شده است که به برخی از این شواهد اشاره می‌گردد:

۱- امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «روش و سیره امیرالمؤمنین این‌گونه بود که هر روز صبح به تک‌تک بازارهای کوفه سر می‌زد؛ درحالی‌که تازین‌های دوشاخه به نام سببیه همراه داشت. در هر بازار می‌ایستاد و با صدای بلند می‌فرمود: ای گروه تجار، قبل از هر دادوستدی از خداوند طلب خیر کنید و با آسان گرفتن در تجارت، از خدا طلب برکت کنید و گران‌فروشی نکنید تا خریداران، از شما نگرینند و حلیم و بردبار باشید و از دروغ گفتن و قسم خوردن پرهیز نمایید و از ستم کنارگیری کنید و انصاف را رعایت کنید و به ربا نزدیک نشوید و در وزن کم نگذارید و در زمین فساد نکنید. امام به همه بازارهای کوفه می‌رفت و این سخنان را می‌فرمود، سپس برمی‌گشت و با مردم می‌نشست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۵۱). عبارت: «مَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ» در روایت، نشان‌دهنده شأن نظارتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به‌عنوان حاکم دارد.

۲- از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است که: «روزی بر مردی وارد شد که آرد خرید و فروش می‌کرد. پس امام به ایشان فرمود از خیانت بپرهیز، کسی که غش نماید در اموالش خیانت می‌شود و اگر مالی نداشته باشد در اهلش خیانت می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۴۶). اگرچه مورد روایت، پرهیز از غش در معامله است؛ اما از بعد دیگر، نشان‌دهنده نظارت امام جامعه بر آحاد افراد است. جایی‌که امام اشتباه مردم در معامله و غیر آن مشاهده می‌کنند، خود تذکر می‌دهد تا روال صحیح توسط مردم اتخاذ گردد.

۳- امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمودند: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در بازار از کنار حبوبات فروشی عبور می‌کرد. به آن مرد فرمود: اطعمه تو را نیکو می‌بینم و از قیمت آن سؤال کرد. در این هنگام خداوند به او وحی کرد که اطعمه را زیور و کند و آن حضرت این کار را انجام داد و به‌واسطه این کار متوجه نامرغوبی کالا شد. سپس به صاحب کالا فرمود: جز این نمی‌بینم که بین خیانت و فریب مسلمانان جمع کرده‌ای؛ البته مراد از طعام در این روایت، طبق روایت ابوسعید از پیامبر گندم و حبوبات است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۱۶۱)؛ خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ص. ۴۸۳). این روایت نیز، گویای حضور حاکم جامعه در بازار مسلمین و تذکر و مواخذه آنان بعد از اطمینان از اشتباه آنان است. حتی این

مسئله به حدی مهم است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به وسیله وحی، مطلع فریبه کاری فروشنده گردید تا تذکر حاکمیتی لازم را به فروشنده بدهد.

۴- «رُوی أَنَّهُ (علیه السلام) اجْتَاَزَ لَيْلَةً عَلَى امْرَأَةٍ مَسْكِينَةٍ لَهَا أَطْفَالٌ صِغَارٌ يَبْكُونَ مِنَ الْجُوعِ وَ هِيَ تُشَاغِلُهُمْ وَ تُلْهِيُهُمْ حَتَّى يَنَامُوا...»؛ روایت شده که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شبی از شبها در هنگام سرکشی از احوال مردم عبورش به خانه زنی بینوا افتاد که کودکان خردسالش از شدت گرسنگی گریان بوده و خواب به چشمانشان نمی آمد ... امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به محض اطلاع از وضع رقت بار آنها به همراه قنبر، خدمتگزارش به منزل رفت و مقداری خرما، روغن، نان و چیزهای دیگر را در همیانی گذاشت و به دوش گرفت ... قنبر که این منظره را به چشم خود دید، عرض کرد مولای من، من در این شب صحنه‌ای غیرمنتظره از شما دیدم و از علت آن آگاه نشدم و آن اینکه چرا صدای گوسفند را تقلید می کردید؟ درحالی که از علت حمل غذاها (رسیدن به ثواب و تقرب به خدا) آگاه بودم. امام فرمود: زمانی که به خانه این زن وارد شدم کودکان از شدت گرسنگی گریان بودند خواستم موقع خروج علاوه بر خوردن غذا آنها را شادمان ببینم و راهی برای این عمل خداپسندانه جز این پیدا نکردم و لذا این گونه آنها را خوشحال کردم» (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۱۵). ارتباط روایت با محل بحث در این است که «اجتاز» در فرهنگ لغت، به معنای عبور کردن همراه با دقت و توجه به اطراف آمده است (ابراهیم و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۶؛ مختار عمر، ۱۴۲۹ق، ص. ۸۰) که نشان از نوعی کنترل، نظارت و بررسی اطراف و اکناف دارد و این روایت به خوبی نظارت مستقیم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را بر مرکز خلافتش نشان می دهد. حضور ائمه (علیهم السلام) مخصوصاً امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سطح شهر و نگاه دقیق و موشکافانه به اطراف شهر و شناسایی فقیر، یتیم و مسکین و دستگیری از آنها و یا شناسایی دقیق از قوت و ضعف مراکز حکومتی، همه می تواند دلیل روشنی بر حضور بی واسطه و کنترل اجتماعی مستقیم بر مرکز حکومت باشد.

روایات بیان شده به روشنی دلالت بر حضور بی واسطه ائمه اطهار (علیهم السلام) و نظارت مستقیم آنها بر اتفاقات زمین و زمان حکومتشان دارد. حضور مستقیم پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، امام صادق و دیگر ائمه (علیهم السلام) در بازار و تذکر سانی به خریداران و فروشندگان، دلالت بر نظارت مستقیم آنها بر سازمانها،

نهادهای و مراکز حکومتی دارد؛ البته این مسئله قابل توجه است که نظارت مستقیم در مکانی رخ داده است که امام ساکن در آن بوده و این مناطق از وسعت قابل توجهی برخوردار نیست. چراکه اصولاً نظارت مستقیم بر تمام بلاد حکومت امری غیرممکن برای مدیر آن جامعه است.

به بیان دیگر امکان نظارت مستقیم برای مدیر زمانی میسر است که سازمان کوچک و دارای کارکنان مختصر باشد؛ ولی در سازمان‌های بزرگ یا حکومت‌های وسیع نظارت بر تمام بخش‌ها و مراکز، نه تنها مانند نظارت در سازمان‌های کوچک مثر نیست و آثار مثبت فراوان ندارد بلکه حتی می‌تواند مخرب و چه بسا باعث هرج و مرج در محیط سازمان و انحراف سازمان از برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌ها باشد. چراکه وقتی مدیر، به دنبال نظارت مستقیم باشد باید تمام وقت خود را در پی شناسایی محاسن و معایب و سپس تقویت یا رفع آن معایب بگذارد و از وظایف دیگر مدیریت که برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، و غیره است بازماند. درحقیقت مدیر و مسئول سازمان‌های بزرگ یا کوچک باید فعالیت‌ها و وظایف خود را به دسته‌های مختلف تقسیم کند و بین آن‌ها اهم و مهم نماید و وقت خود را در فعالیت‌های مهم‌تر هزینه نماید. اگر چنین عملکردی نداشته باشد و فعالیت‌های غیر مهم را بر موارد مهم و ضروری مقدم نمایند و به عبارتی شخصاً بخواهد بر تمام بخش‌های سازمان و عملکرد تمام کارکنان نظارت نماید، فرصتی برای پرداختن به باقی فعالیت‌هایی که چه بسا از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است نخواهد یافت. روایات متعددی به این مطلب اشاره دارد که هر فردی در مدیریت برنامه‌ها و فعالیت‌هایش باید اهم را بر غیر آن مقدم کند و الا نه تنها بهره مناسبی نخواهد برد بلکه حتی دچار خسران بزرگ هم خواهد شد و تمام منفعت یا بخش بزرگی از منافع را از دست خواهد داد. حضرت علی (علیه‌السلام) در سه روایت، این مفهوم را بیان فرموده‌اند که: «مَنْ اشْتَغَلَ بِمَا لَا يُعْنِيهِ فَاتَهُ مَا يُعْنِيهِ»؛ کسی که به امور غیر مهم مشغول شود، موارد مهم و مورد اهتمام از او فوت می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص. ۶۲۰). در تعبیر دیگری، همین مطلب را بیان کردند که: «مَنْ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهِمَّةِ الْمَأْمُولِ»؛ مامول یعنی چیزی که بدان امید و آرزو داشته است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص. ۴۷۶). در نهایت: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ ضُرُورَتِهِ فَوَّتَهُ ذَلِكَ مَنَفَعَتَهُ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص. ۴۳۸).

روایات فوق تماماً توصیه می‌کنند که انسان‌ها باید در تمام زندگی اهم و مهم

کرده و در مدیریت ابتدا به موارد مهم بپردازند و در صورت امکان به موارد مهم (بعد از رسیدگی به اهم) پرداخته شود. این توصیه در مسائل کلان و در مدیریت سازمان‌ها جایگاه بالاتری دارد و عمل به آن منفعت بیشتری را هم به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین مدیران سازمان‌های بزرگ، امکان نظارت مستقیم و بدون واسطه را به صورت مبسوط در سازمان ندارند و حال اینکه نظارت باید به صورت مستمر و مطلوب انجام شود؛ لذا لازم است برای انجام این مهم از افراد دیگری بهره ببرند و ابزارهای مختلف را در این کار به کار گیرند. استفاده از افراد و ابزار دیگر موجب می‌شود که شاخه‌ای دیگر از نظارت به وجود آید که به آن نظارت واسطه‌ای و غیرمستقیم گویند.

ب) کنترل اجتماعی غیرمستقیم یا واسطه‌ای در روایات

۱- کنترل اجتماعی آشکار: کنترل اجتماعی آشکار به نظارت و کنترلی گفته می‌شود که عملیات نظارتی بر کارکنان، به صورت علنی صورت می‌گیرد؛ به نحوی که تمام کارکنان سازمان از کنترل عملکردشان توسط ناظر مطلع هستند. این کنترل معمولاً توسط شخص مدیر یا به واسطه عوامل مختلف که مدیر سازمان از دخالت مستقیم صرف نظر کرده و فقط نتیجه واسطه را بررسی می‌نماید، انجام می‌شود؛ روش اول را کنترل مستقیم و روش دوم را کنترل غیرمستقیم می‌نامند (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص. ۷۲۰؛ سالاری فر و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۳۷۹-۳۸۰).

با توجه به اینکه کنترل اجتماعی امری غیرقابل انکار برای پیش برد اهداف هر سازمان است، باید به صورت دائم و مستمر انجام شود و از آنجاکه مدیر شخصاً امکان نظارت مستقیم و مستمر را در تمام مسائل ندارد به ناچار باید به دنبال افرادی امین برای انجام این مهم باشد تا از طریق آن‌ها بتواند بر امور، برنامه‌ها و عملکرد کارکنان سازمانش نظارت صحیح، بدون عیب و بدون وقفه داشته باشد که این بهره‌بردن از افراد خاص یا واحدهای ویژه برای امر نظارت را، نظارت غیرمستقیم یا واسطه‌ای گویند (ساروخانی، ۱۳۷۷، ص. ۷۲۰). در روایات و مخصوصاً در نهج البلاغه، شواهد فراوانی مبنی بر به کارگیری امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از ناظران متعدد در حکومت خود برای کنترل وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

- نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سال سی و هشت هجری به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار حضرت در اردشیر خَرّه: «گزارشی از تو به من داده‌اند که اگر چنان کرده باشی خدای خود را به خشم آورده و امام خویش را

نافرمانی کرده‌ای. خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌های آن‌هاست و با ریختن خون‌هایشان به‌دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند می‌بخشی» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳، ص ۳۹۲). این نامه نشان می‌دهد که حضرت با در اختیار داشتن افرادی زیرک و کاردان، مسئله نظارت بر اعضای بلندپایه حکومت سازمانی خود را به‌صورت دقیق رصد می‌کرده است.

- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به زیاد بن ابیه در سال سی‌ونه هجری بعد از اینکه معاویه نامه فریبه‌کارانه‌ای به زیاد بن ابیه به بهانه‌برادری نوشت اما در حقیقت قصد او فریب زیاد برای همکاری بود. «اطلاع یافتیم که معاویه برای تو نامه‌ای نوشته تا عقل تو را بلغزند و اراده‌ات را سست کند. از او بترس که شیطان است و از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ به‌سوی انسان می‌آید تا در حال غفلت، او را تسلیم خود سازد و شعورش را برباید» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۴، ص ۳۹۲).
- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به فرماندار بصره عثمان بن حنیف انصاری در سال سی‌وشش هجری: «پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فراخوانده و تو به‌سرعت به‌سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی مقابل تو گذاشتند ... پس آن غذایی که حلال و حرام بودنش را نمی‌دانی دور بیفکن و آنچه را به پاکیزگی و حلال بودنش یقین داری مصرف کن» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹۲).
- برخورد قاطع امام علی (علیه‌السلام) با متخلفان احتمالی در امور اقتصادی: «به من خبر دادند که خانه‌ای به هشتاد دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهی آن را امضاء کرده‌اند. ای شرح بدان به‌زودی کسی به سراغت می‌آید که به نوشته‌ات نگاه نمی‌کند ... تا تو را از آن خانه بیرون کرده و تنها به قبر بسپارد» (نهج‌البلاغه، نامه ۳، ص ۳۴۲).
- نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به یکی از فرماندارانش در سال چهل هجری: «بعد از یاد خدا و درود! از تو خبری رسیده است که اگر چنان باشی پروردگارت را به خشم آوردی ... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که

حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰، ص ۳۸۸).

• نامه امام علی (علیه‌السلام) در آستانه جنگ جمل به ابوموسی اشعری در سال سی‌وشش هجری: «بعد از حمد و ستایش خدا سخنی از تو به من گزارش شده است که هم به نفع تو و هم به زیان تو است» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۳، ص ۴۲۸).

• نامه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به زیاد بن عبید فرماندار امام در فارس: «فرستاده من قضیه عجیبی را به من گزارش داده است. او مدعی شد که خود به او گفته‌ای که کردها به تو حمله کردند» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۷۲-۱۷۳).

تمام این روایات، دلالت بر بهره‌گیری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از مأموران خبره، برای کنترل عمال حکومتی و سازمان‌های تابعه حکومت دارد. با به‌کارگیری مأمورانی در مسیر نظارت و کنترل، حضرت نه تنها از وظایف اصلی خود در هدایت و مدیریت کلان بازمانده بلکه ضمن مدیریت صحیح، با استفاده از منابع ذی‌صلاح انسانی، کنترل بسیار دقیق و مناسبی بر ارکان و زیرمجموعه‌های خود داشته است و بدین‌وسیله از تمام نقاط ضعف و قوت کارکنان خود مطلع شده است تا هر آنچه لازم و بایسته نظارت اجتماعی است را انجام داده و در نتیجه حرکت جامعه به سمت هدف را تسهیل نمایند.

۲- کنترل اجتماعی پنهان: کنترل اجتماعی پنهان در سازمان‌ها امری ضروری و غیرقابل‌انکار است. استفاده از ناظران پنهان ضریب صحت و اطمینان را در کنترل بالا می‌برد. چون در کنترل آشکار این احتمال وجود دارد که کارکنان با ظاهرسازی، عملکرد مناسبی از خود بروز دهند و بدین‌وسیله اسباب فریب ناظران را مهیا سازند؛ لذا بهره‌گیری از ناظران مخفی و پنهان باعث می‌شود: اولاً، احتمال ظاهرسازی از بین برود و ثانیاً، افرادی که فعالیت‌های خوب و مثمرتری دارند، ولی در عین حال هیاهوی بیرونی از خود نشان نمی‌دهند، شناسایی شده و در منصب‌های مناسب‌تری به‌کارگیری شوند. ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در مرحله اول به مدیران، درباره خطر افراد ظاهرساز، توجه داده‌اند و سپس برخورد با این عوامل را در استفاده از مأمورانی مخفی و غیرقابل‌شناخت، چاره کرده و نسبت به آن مطالبی را بیان فرموده‌اند. استفاده از مأموران مخفی در سیره حکومتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) وجود داشته است و اخبار بسیاری این نوع نظارت را توسط حضرت تأیید می‌کند که

از باب نمونه به یک مورد اشاره می‌شود: امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در بخشی از نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «يَا مَالِكُ تَقَدَّرَ أَعْمَالُهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ»؛ ای مالک، رفتار کارگزارانت را بررسی کن و مأمورانی مخفی در حالی که راست‌گو و اهل وفا هستند را بر آن‌ها به‌گمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آن‌ها، سبب امانتداری و مهربانی آن‌ها با رعیت خواهد بود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۰). وجه دلالت عبارت «فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ» بر نظارت پنهانی، بدین‌صورت است که نظارت پنهانی غیرمستقیم مدیران، سبب اطلاع و آگاهی مدیر خبیر از اوضاع و احوال آنان می‌شود و اگر کسی، خارج از قواعد مدیر، با مردم و رعیت رفتار نادرستی داشته باشد (امانتدار نبوده باشد) رفتار خود را اصلاح و با مردم با مدارا برخورد خواهد کرد؛ بنابراین کنترل اجتماعی پنهان و نظارت سازمانی مخفی، فواید زیادی مثل حرکت تمام عناصر جامعه و سازمان در مسیر اهداف، تشویق آن‌ها در انجام وظایف محوله، برخورد مناسب با ارباب‌رجوع و انجام صحیح و بدون وقفه تمام فعالیت‌ها دارد؛ بنابراین مدیران، در بهره‌گیری از این اهرم سازنده در کنترل، باید بیشترین تلاش را داشته باشند. با توجه به دو روایت فوق، مشخص است که اطلاع امام از اتفاقات جامعه تحت حکومت خود در آن مناطق خاص، به‌واسطه مأموران مخفی است؛ چون اولاً، گزارش‌ها از ریز عملکرد فرمانداران است. ثانیاً، درباره عملکرد منفی فرمانداران است که شاهد بر استفاده حضرت از مأموران مخفی است.

۴-۱-۶. نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر

با توجه به متون حدیثی و مخصوصاً نامه‌های امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و عملکرد پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، یکی از وظایف اصلی مدیران ارشد نظارت بر بقیه مدیران است که اولاً، به نحوه استفاده از بیت‌المال توسط آن‌ها پی ببرند و ثانیاً، نسبت به چگونگی انتخاب مسئولان و کارکنان توسط مدیران خودآگاه شوند تا درنهایت بدین‌وسیله بر حسن اجرای امور به‌صورت کامل آگاه شوند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در موارد فراوانی استانداران خود را مورد مذاقه قرار داده و در موارد بسیاری هم استانداران را به نظارت کارگزارانشان توجه داده است تا بدین‌وسیله از نحوه عملکرد آن‌ها و حرکت در مسیر صلاح اطمینان حاصل نمایند. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «کارگزاران دولتی را از بین مردمی باتجربه و باحیاء از

خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن؛ زیرا اخلاق آن‌ها گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر و آینده‌نگری آن‌ها بیشتر است... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و ناظرانی راستگو و وفای‌پیشه بر آن‌ها به‌گمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آن‌ها سبب امانت‌داری و مهربانی آن‌ها با رعیت خواهد بود و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش ناظران تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را به تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او پس بگیر، سپس او را خوار و ذلیل کن و خیانت‌کار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۱۰).

توصیه حضرت به استانداران برای نظارت بر عملکرد کارگزاران همه دلیل بر نظارت مدیران و مسئولان بر یکدیگر می‌باشد. نظارت مدیران بر مدیران در حقیقت نظارت بر ارکان حکومتی در دولت‌های اسلامی است؛ البته این نظارت از جایگاه بالاتری نسبت به سایر اقسام نظارت برخوردار است؛ چون کوچک‌ترین خطاها در این رده از افراد منجر به بزرگ‌ترین انحرافات در مجموعه جامعه یا سازمان خواهد شد و لذا باید نظارت در این گروه جدی‌تر و دقیق‌تر انجام پذیرد. درباره این نوع از نظارت، شواهد فراوانی در روایات ما وجود دارد که در ذیل به بعضی از آن‌ها به‌صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱- «أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَّغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ... بَلَّغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ»؛ پس از یاد خدا، از تو به من خبری رسیده است... به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشته به خیانت خورده‌ای. پس هر چه زودتر حساب اموال خودت را برای من بفرست (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰، ص ۳۸۹).

۲- «پس از یاد خدا همانا تو را در امانت خود شریک کردم و هم راز خود گرفتم... آیا به معاد ایمان نداری؟... چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌نوشی. چگونه با اموال یتیمان و فقیران و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می‌خری و... پس از خدا بت‌رس و اموال آن‌ها را بازگردان که اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذرخواهی من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین

هم مثل تو عمل می‌کردند از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزوی خود نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آن‌ها پس بگیرم» (نهج البلاغه، نامه ۴۱، ص ۳۸۹).

این اطلاعات دقیق امام به‌عنوان یک حاکم و مدیر، از سایر مدیران ارشد حکومت و نحوه نکوهش و برخورد قاطع نشان از نظارت دقیق حضرت بر مدیرانش دارد.

۳- نامه امام به فرماندار بصره عثمان بن حنیف انصاری در سال سی‌وشش هجری: «أَمَّا بَعْدُ، يَا بَنَ حَنِيفٍ، فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدُبَةٍ، فَأُسْرَعْتُ إِلَيْهَا، تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ، وَتُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ، وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَابِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَغَنِيَهُمْ مَدْعُوءٌ، فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضُمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ...»؛ پس از یاد خدا ای پسر حنیف به من گزارش داده‌اند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش دعوت کرده و تو به سرعت به‌سوی آن‌ها شتافتی درحالی‌که خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پُر غذا مقابل تو گذاشتند ... پس دقت کن که در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری (نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۳۹۲).

۴- نامه امام علی (علیه‌السلام) به فرماندار بصره عبدالله بن عباس پس از جنگ جمل در سال سی‌وشش هجری: «قَدْ بَلَغَنِي تَنَمُّرُكَ لِبَنِي تَمِيمٍ وَغِلْظَتُكَ عَلَيْهِمْ...»؛ به من گزارش دادند که با قبیله بنی تمیم بدرفتاری کردی و با آن‌ها به خشونت رفتار نمودی... (نهج البلاغه، نامه ۱۸، ص ۳۵۴).

موارد فراوان دیگری هم از نظارت‌های دقیق حضرت وجود دارد؛ روایاتی در آنها، از عباراتی مثل «قدبلغنی» برای اثبات نظارت بر عملکرد مدیران می‌توان استفاده کرد که نشان‌دهنده نظارت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر کارگزاران حکومتی دارد؛ مثل نامه شصت‌ویک نهج البلاغه (نظارت حضرت به فرماندار هیت)، نامه بیست‌وپنج (نامه حضرت به مسئولان مالیاتی)، نامه پنجاه‌ویک (نامه به کارگزاران بیت‌المال) است که به جهت اختصار از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آموزه‌های روایات، این نتیجه به‌دست آمده است که نظارت و کنترل اجتماعی همگانی در جامعه، رکن اساسی امامت جامعه و مدیریت اهل بیت بوده است؛ زیرا دستیابی به اهداف واقعی جامعه اسلامی بدون آن، غیرممکن است. برای حل مسئله مقاله یعنی سازوکار نظارت اجتماعی همگانی بر اساس سنت و سیره معصومین، سیره و کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) واکاوی گردید تا بتوان نظام قابل ارائه‌ای به‌دست آورد. نتایج ذیل، دستاوردهای مقاله است:

۱- نظارت و کنترل اجتماعی یک فرایند اجتماعی است که از مجموعه‌ای از منابع مادی، نمادین، قواعد و اصول معین که ضمانت اجرا دارد بهره می‌برد تا بتواند هم‌نوایی رفتاری اعضای خود را محقق کرده و با کجروی‌ها مقابله و برخورد نماید. این فرایند، برای حصول اطمینان درباره فعالیت‌های انجام‌شده و بررسی میزان تطابق آن با برنامه‌ریزی‌ها است.

۲- نظارت اجتماعی همگانی، به‌عنوان مقسم اصلی بحث قرار داده شد و ذیل آن، اقسام چهارگانه نظارت از روایات استخراج گردید که عبارت‌اند از: نظارت افراد جامعه بر یکدیگر، نظارت افراد جامعه بر حاکمان یا مدیران، نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه و نظارت حاکمان یا مدیران بر یکدیگر.

۳- نظارت حاکمان یا مدیران بر افراد جامعه دارای چند حالت است که نظارت مستقیم و غیرمستقیم یا واسطه‌ای از انواع آن است. نظارت واسطه‌ای نیز حسب روایات، در دو حالت نظارت آشکار و یا پنهان قابل تحقق است.

۴- نظارت و کنترل اجتماعی آشکار به معنای نظارت روشن، شفاف و اعلام شده است. این کنترل اجتماعی هم ظرفیت پیشگیری و هم تنبیهی دارد؛ یعنی نظارت‌هایی را که به‌صورت علنی و با توجه به علم افراد اعمال می‌شود، از وقوع تخلفات و انحرافات جلوگیری می‌کند. در صورت وقوع جرم و خطا هم، تنبیهات و تعزیرهای لازم باید اجرا شود تا همه افراد جامعه یا سازمان به‌کارآمدی این کنترل‌های اجتماعی و نظارتی یقین پیدا کرده و بدانند که با متخلفان برخورد قاطع صورت می‌پذیرد.

۵- نظارت و کنترل اجتماعی مخفی، نظارتی بدون اطلاع افراد جامعه است تا میزان ناسازگاری واقعی افراد با نظام اجتماعی مشخص گردد و برنامه‌ریزی لازم برای تطابق هر چه بیشتر افراد با آرمان‌های اجتماعی یا سازمانی انجام شود.

پیشنهادها

در پایان پیشنهاد می‌شود سازوکار و نظام موجود در هریک از اقسام این نظارت و مدیریت در آیات الهی و روایات معصومین (علیهم‌السلام) مورد واکاوی قرار بگیرد تا زمینه‌های اجرای این نوع کنترل و نظارت، با وضوح بیشتری قابل تحقق باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج‌البلاغه.
سالاری فر، مسعود و دیگران (۱۳۹۰). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
آگ برن، ویلیام اف. و می‌یر اف. نیمکوف (۱۳۵۶). زمینه جامعه‌شناسی. اقتباس آریان‌پور، تهران: کتاب‌های جیبی (با همکاری انتشارات فرانکلین).
ابراهیم، مصطفی و دیگران (۱۳۷۹)، المعجم الوسیط. قاهره: صدر لمجمع اللغة العربية.
احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق). مکاتیب الائمة (علیهم‌السلام). مجتبی فرجی، قم: دارالحدیث.
باقری فشحامی، نینا (۱۳۹۲). ارتباط میان آگاهی کارکنان در تعامل با مشتریان از اهداف سازمان و کارایی آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی.
بوذری نژاد، یحیی و رییس‌الساداتی، ریحانه‌سادات (۱۴۰۲). آزادی اجتماعی از منظر محمد عبده، سید قطب و علامه طباطبایی با تأکید بر تفاسیر المنار، فی ظلال القرآن و المیزان. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۲(۴۶).
بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان.
پیروز، علی؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس و بهشتی‌نژاد، سیدمحمود (۱۳۸۵). مدیریت در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غررالحکم و درر الکلم. مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الامام علی (علیه‌السلام)). سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.

- حرامعلی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (علیهم‌السلام).
- خسروی حسینی، سید غلامرضا (۱۳۷۵). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. تهران: انتشارات مرتضوی.
- داودی کهکی، ریحانه؛ ذهبی، سیدعباس و عباسی، بابک (۱۴۰۲). *راهبردهای ساخت تمدن سعادت‌مندان بر مبنای آراء فارابی*. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۴۷).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *دائرة‌المعارف علوم اجتماعی*. تهران: دانشگاه تهران.
- سلطانیه، محمد و مهدی (۱۴۰۱). *کنترل اجتماعی سازمانی از دیدگاه قرآن کریم*. *فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۱(۳)، ۲۲۹-۲۵۴.
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی کجروی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). *دائرة‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (کتاب اول)*. تهران: کیهان.
- صدق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*. تهران: سمت.
- صدیق اورعی، غلامرضا؛ عبدخدایی، محمدسعید و داوری، محمد (۱۳۹۲). *راهکارهای کنترل اجتماعی خشن از دیدگاه قرآن کریم*. *اسلام و علوم اجتماعی*، سال پنجم، (۹).
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *کشف‌الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)*. حسین درگاهی، تهران: وزارت ارشاد.
- فنادان، منصور و دیگران (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)*. تهران: آوای نور.
- قوامی، سیدمصمصام‌الدین (۱۳۸۶). *مدیریت از منظر کتاب و سنت*. قم: مرکز تحقیقات علمی دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
- کازینو، ژان (۱۳۶۴). *قدرت تلویزیون*. تهران: امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *اصول کافی (ط. اسلامیة)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کوئن، بروس (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل،

تهران: انتشارات سمت.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.

لئونارد، کازمایر (۱۳۶۸). *اصول مدیریت*. ترجمه اصغر زمریان و آرمن مهرورزان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار، درر اخبار الائمه الاطهار (علیهم السلام)*. جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مختار عمر، احمد (۱۴۲۹ق). *معجم اللغة العربية المعاصرة*. القاهرة: عالم الکتب.

معلوف، لویس (۱۳۸۷). *المنجد فی اللغة و الادب و العلوم*. محمد بندر ریگی، تهران: اسلامی.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸). *پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی*. تحقیقات حقوقی، ۲(۲۵-۲۶).

ورسلی، پیتر (۱۳۷۴). *نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه سعید معیدفر، مجموعه علوم اجتماعی (۴)، تهران: تبیان.

یان، رابرتسون (۱۳۷۴). *درآمدی بر جامعه*. ترجمه حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی.

References

- Ahmadi Mianji, Ali (1426). Schools of Imams, peace be upon them, Mojtabi Faraji, Qom, Dar al-Hadith. (In Persian)
- Azarbaijani & et al. (2019). Social Psychology with an Approach to Islamic Sources, Q4, Qom, Hozha Research Institute and University. (In Persian)
- Bagheri Fashkhani, Nina (2013). The relationship between employees' awareness in interaction with customers of the organization's goals and their efficiency, Master's Thesis, Management, Islamic Azad University. (In Persian)
- Biro, Alan (1370). Dictionary of Social Sciences, translated by Bagher Saroukhani, second edition. Tehran, Nash Kihan. (In Persian)
- Casino, Zhan (1364). TV Power, Tehran, Amir Kabir. (In Persian)
- Coen, Bruce (2017). Basics of Sociology, translated by Gholam Abbas Tosli and Reza Fazel, Tehran, Samit Publications. (In Persian)
- Dehkhoda, Ali-Akbar (1377). Dictionary of Dehkhoda, Tehran, Tehran University Press. (In Persian)
- Hali, Hassan bin Yusuf bin Mutahhar (1411). Revealing Certainty in the

- Virtues of the Commander of the Faithful, peace be upon him, Hussein Dargahhi, Tehran, Zarat Arshad. (In Persian)
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan (1409). Shiite means of understanding Sharia issues, Qom, The Foundation of Ahl al-Bayt, peace be upon them. (In Persian)
- Ibrahim, Mustafa and others (1379). al-Mu'jam al-Wasit, Cairo, Sadr of the Arab Language Conference. (In Persian)
- Kalini, Muhammad bin Yaqoob (1407). Usul Kafi (T. Islamiyya), Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyya. (In Persian)
- Khosravi Hosseini, Seyyed Gholamreza (1375). Translation and research of the vocabulary of the words of the Qur'an, second edition, Tehran, Mortazavi Publications. (In Persian)
- Laithi Wasti, Ali bin Muhammad (1376). Eyes of Al-Hakm and Al-Mo'az, Hossein Hosni Birjandi, Qom, Dar al-Hadith. (In Persian)
- Leonard, Kazmeir (2018). Principles of Management, translated by Asghar Zamrian and Armen Mehrovarzan, Tehran, Government Management Education Center. (In Persian)
- Maalouf, Louis (2017). Al-Manjad fi al-Lagheh and Al-Adab and Uloom, Mohammad Bandar Rigi, Tehran, Islamic. (In Persian)
- Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403). Bihar al-Anwar, Derer Akhbar al-Imae al-Athar, a group of researchers, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi. (In Persian)
- Mukhtar Omar, Ahmed (1429). Al-Mu'jam al-Lagha al-Arabiyyah al-Mudhamdane, Cairo, Alam al-Katb. (In Persian)
- Najafi Abrandabadi, Ali Hossein (1378). Crime prevention and local police, legal research, 2(25-26), Shahrivar. (In Persian)
- Pirouz Ali (2015). Khemti Abu Talib, Shafiei Abbas, Beheshtinejad Seyyed Mahmoud, Management in Islam, 4th edition, Qom, Hozwa Research Institute and University. (In Persian)
- Qanadan, Mansour and others (1375). Sociology (key concepts), first edition, Tehran, Avai Noor. (In Persian)
- Qavami, Seyyed Samsam al-Din (2016). Management from the perspective of book and tradition, 3rd edition, Qom, Scientific Research Center of the Secretariat of the Council of Experts. (In Persian)
- Rahmatullah Sediq Sarostani (1387). Social pathology (Sociology of social deviations), Tehran, Samt. (In Persian)
- Salimi, Ali and Davari, Mohammad (2018). Sociology of Kajrovi, Qom, Hozha and University Research Institute. (In Persian)
- Sarukhani, Bagher (1371). Sociology of Communication, Tehran, Information Publications. (In Persian)
- Sarukhani, Baqir (1377). Encyclopedia of Social Sciences, Tehran University. (In Persian)
- Sediq Orei, Gholamreza and Abd Khodai, Mohammad Saeed and Davari, Mohammad (2013). violent social control strategies from the perspective of the Holy Quran, Islam and Social Sciences, Year 5, (9), Spring and Summer. (In Persian)

- Shayan Mehr, Alireza (1377). Comparative Encyclopaedia of Social Sciences (Book 1), First Edition, Tehran, Kayhan. (In Persian)
- Soltanieh, Mahdi and Mohammad (2022). Organizational social control from the perspective of the Holy Quran. Center for Strategic Research, 3(11), 229-254. (In Persian)
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1366). The compilation of Gharral al-Hakm and Derr al-Kalam, Mustafa Daraiti, Qom, Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad (1410). Gharr al-Hukm wa Derr al-Kalam (My collection of words and rulings of Imam Ali, peace be upon him) Seyyed Mahdi Rajaei, Qom, Dar al-Kitab al-Islami. (In Persian)

واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل زوجین به فرزندآوری با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت

غلامرضا تاج‌بخش

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیتا... العظمی بروجردی، تهران، ایران.

Tajbakhsh@abru.ac.ir

0000-0002-1155-8857

چکیده

موضوع کاهش نرخ باروری و حرکت جمعیتی جامعه به سمت سالمندشدن ازجمله دلایلی است که بررسی و پرداختن به موضوع مهم فرزندآوری را برای محققان ضروری کرده است. براین‌اساس هدف پژوهش حاضر، واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل به فرزندآوری با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت است. روش‌شناسی پژوهش حاضر کمی (روش کیو) است. جامعه آماری این پژوهش شامل نخبگان لرستانی صاحب‌نظر در حوزه مباحث جمعیتی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق‌ساخته و برای تحلیل یافته‌ها از نرم‌افزار اسپس‌اس‌اس ۲۶ و ایموس گرافیک ۲۴ استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که احساس ناامنی زوجین در بُعد شغلی با ۴/۹۷، احساس ناامنی در بُعد هزینه‌های زندگی با ۴/۷۲، احساس ناامنی در بُعد مالی و درآمدی با ۴/۶۱، در بُعد مسکن با ۴/۵۵، مهاجرت کردن با ۴/۴۲، مهارت‌های زندگی زوجین با ۳/۶۷ بیشترین تأثیر را بر گرایش به فرزندآوری زوجین استان لرستان دارد. عوامل متفاوتی در تمایل زوجین به فرزندآوری نقش دارند. ازجمله این عوامل که در این پژوهش به اثبات رسیدند عبارت‌اند از: عوامل اقتصادی چون درآمد مالی، اشتغال، مسکن، عوامل سیاسی چون حمایت دولت از زوجین و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب و عوامل فرهنگی و اجتماعی که بتواند نگاه زوجین به فرزندآوری را تغییر دهد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، فرزندآوری، باروری، نخبگان، لرستان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.453584.1562



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

شناخت پویایی‌های باروری که مهم‌ترین مؤلفه جمعیت را در جهان کنونی تشکیل می‌دهد، برای برنامه‌های توسعه ضرورتی انکارناپذیر است. این موضوع برای کشورهای در حال توسعه که دغدغه بیشتری برای توسعه و رشد دارند، اهمیت دارد. ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه کاهش باروری سریعی را در دهه اخیر تجربه کرده است و بنابر نظر جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان این روند کاهش در سال‌های آتی همچنان ادامه خواهد داشت. امروزه مسئله فرزندآوری از موضوع‌های مهم در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران محسوب می‌شود. تغییرات جمعیتی به‌ویژه کاهش باروری در ایران تغییرات زیادی در ساختار سنی جمعیت را ایجاد نموده و این کاهش جمعیت و افزایش تعداد سالمندان سبب عدم نشاط اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌شود.

ایران به موازات دیگر کشورهای جهان، تغییرات جمعیتی گسترده‌ای را تجربه نموده است. میزان کلی باروری در بازه سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ در کشورهای همسایه ایران نشان می‌دهد در افغانستان (رتبه ۲۳ جهان)؛ عراق، ۳/۶۸ (رتبه ۴۶ جهان)؛ پاکستان، ۳/۵۵ (رتبه ۵۳ جهان)؛ ترکیه ۲/۰۸ و ایران ۲/۰۱ (رتبه ۱۱۹ جهان) فرزند به ازاء هر زن در سن باروری (۴۹-۱۵ سال) وجود دارد (سالنامه آماری ثبت احوال، ۱۳۹۸، ص. ۳۵). طی چهار دهه گذشته باروری در کشور روند بسیار کاهشی داشته و داده‌ها حاکی از کاهش باروری طی سال‌های ۱۳۶۵ به بعد است. در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ نرخ باروری از ۶/۵ فرزند به ۲/۵ فرزند رسید. در سال ۱۳۹۵-۱۳۸۵ روند نزولی ادامه پیدا نمود و به ۱/۲۴ فرزند رسید و در سال ۱۴۰۰ به زیر یک درصد رسیده است و با این نرخ رشد جمعیت و نرخ مولید در کشور، واضح و روشن است که زیر سطح جانشینی (۲/۱) قرار داریم. این بدان معناست که به ازای هر دو نفر بزرگسال، کمتر از دو کودک متولد می‌شود و در نتیجه تعداد مولید برای ثابت نگه‌داشتن میزان جمعیت کفایت نمی‌کند.

تجربه‌گذار باروری در ایران بیانگر آن است که عواملی همچون اتخاذ سیاست‌های دولت در زمینه کنترل مولید (از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ و از ۱۳۶۸ به بعد)، تغییر معیشت و ساختار اشتغال (گذار از اشتغال کشاورزی محور به صنعت و خدمات‌محور)، گذار جامعه از حالت سنتی به سمت نوین شدن، افزایش سطح سواد و تحصیلات زنان، گسترش شهرنشینی، ارتقاء خدمات در حوزه بهداشت و درمان و

در نتیجه کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی، دسترسی بیشتر به امکانات و خدمات زیربنایی، افزایش هزینه فرزندان، شوک‌های اقتصادی و افزایش سن ازدواج در کاهش باروری تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. افزایش سن ازدواج به‌ویژه در نزد زنان را می‌توان ترجمانی از روند کاهش باروری دانست؛ زیرا موجب کوتاه شدن دوران باروری و در نتیجه کاهش موالیید می‌شود.

در دهه‌های اخیر در اثر گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه جهان، تحولاتی در زمینه‌های فرهنگی و ساختاری روی داده که سبب دگرگونی نقش‌های نهاد خانواده شده است. از این‌رو مسئله کاهش باروری در دهه اخیر محققان عرصه جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات فرهنگی را به خود مشغول داشته است. الگوی فرزندآوری در جامعه در حال‌گذار ایران دچار دگرگونی و پراکندگی مفهوم شده است. در حال حاضر بررسی و شناخت نگرش و عوامل مؤثر بر فرزندآوری یکی از ضرورت‌های مهم به‌شمار می‌رود چراکه برنامه‌های در نظر گرفته شده این بخش؛ وجوه مختلف توسعه‌یافتگی و سلامت اجتماعی در بخش کلان محسوب می‌شود تا از این راه عوامل مرتبط با آن مانند رضایت زوجین از زندگی، زندگی سالم و حفظ تعادل هویت‌مندی در نظام جهانی با توجه به تحولات روبه‌رشد به شکل بهتری برنامه‌ریزی و اجرا شود و بی‌توجهی به آن منجر به دچار شدن جامعه به بحران سالمندی جمعیت می‌شود و این امر منجر به اثرهای زیانباری در ابعاد مختلف خواهد شد. بر این اساس کنکاش علمی و تخصصی به این موضوع منجر به شناخت بهتر علل و بسترهای کاهش باروری در لرستان می‌شود. برخی مؤلفه‌ها همچون دوگانگی ساختاری (بین ساختارهای سنتی و نوین)، نوسازی فرهنگی و آموزشی، مصرف کالا‌های فرهنگی، جهانی شدن و... باعث نوگرایی نسل حاضر گردیده است و این ویژگی آمادگی این نسل برای پذیرش الگوها و شیوه‌های جدید در حیات اجتماعی و قبول دگرگونی‌های نوین و رویگردانی و عدم مقاومت برای حفظ الگوهای سنتی و قدیمی را ایجاد نموده است (تاج‌بخش، ۱۳۹۱، ص. ۳۷).

کاهش نرخ رشد جمعیت، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش نیروی انسانی و سونامی سالمندی در جامعه ایرانی در حال گسترش است. این مهم سبب شد مقام معظم رهبری با دیدگاهی کلان، جامع و آینده‌نگر ارتقای شاخص‌های مهم جمعیتی را به متولیان و برنامه‌ریزان یادآوری نمایند. معظم‌له اصول چهارده‌گانه‌ای را جهت هدایت سیاست‌های کلی جمعیت تعیین کردند و نقش گسترده‌ای برای تمام نهادها و سازمان‌های متولی و اثرگذار برشمردند. مطابق بند ۲ سیاست‌های کلی جمعیت، رفع

موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل کارآمد یکی از وظایف مهم دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور است.

بر اساس آخرین آمار مرکز ملی آمار ایران، جمعیت استان لرستان ۱/۸۰۵/۲۱۵ نفر می‌باشد. بر اساس آمارها در استان لرستان ۸ درصد جمعیت را کودکان، ۲۱ درصد نوجوانان، ۱۷٫۵ درصد جوانان، ۴۳ درصد افراد میانسال و ۱۰٫۵ درصد سالمندان تشکیل می‌دهند بر همین اساس ۸ درصد جمعیت کودکان نمی‌توانند جایگزین ۱۰٫۵ درصد سالمندان استان شوند و ۳۰ سال آینده بیش از ۴۳ درصد جمعیت استان را سالمندان تشکیل می‌دهند که مولد نیستند و در سال‌های آینده شاهد استانی پیر و سالمند خواهیم بود. در سال ۱۴۰۰ تعداد ۱۵ هزار و ۲۱۱ واقعه ازدواج در لرستان ثبت شده که این آمار در سال گذشته به ۱۴ هزار و ۶۱۲ مورد رسیده است، همچنین در سال ۱۴۰۰، ۴ هزار و ۲۱۵ واقعه طلاق در استان ثبت شده است که این رقم طی سال گذشته با کاهش هفت درصدی به سه هزار و ۹۶۳ نفر رسید.

با توجه به آمار بالا و روند کاهش جمعیت جوان این استان و پیری آن پرداختن به مقوله مهمی چون جوان‌سازی جمعیت بسیار ضروری است، چراکه جمعیت نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح اجتماعی نیز می‌تواند ساختارهای خرد و کلان این استان و حتی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. وجود و حضور بانشاط نسل جوان در این استان می‌تواند با قرار گرفتن در مسیر درست و برنامه‌ریزی فرهنگی کلان به پویایی و رشد توسعه این استان کمک کند.

۱. هدف پژوهش

تاکنون مطالعه مدونی درباره موضوع فرزندآوری در استان لرستان انجام نشده و با توجه به کاهش فرزندآوری در این استان ضروری است به این موضوع مهم استان پرداخته شود؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر واکاوی دیدگاه نخبگان از گرایش به فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن در استان لرستان است.

۲. سؤالات پژوهش

در این پژوهش با توجه به ماهیت مسئله پژوهش و اهداف ذکر شده به بررسی چند سؤال اساسی در این پژوهش می‌پردازیم. سؤالات این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- چه عواملی بر موضوع فرزندآوری خانواده‌های استان لرستان مؤثر است؟
- ۲- میزان تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد جمعیتی به چه میزان است؟
- ۳- چه راهکارهایی برای افزایش فرزندآوری در استان لرستان می‌توان ارائه کرد؟

۳. پیشینه پژوهش

قیصر و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود پیش‌بینی، شبیه‌سازی و تحلیل پویا از تحولات ساختاری جمعیت کشور ایران و آثار و تبعات آن در نرخ وابستگی جمعیتی دهه‌های آتی با توجه به تحولات نامتوازن جمعیتی طی دوره ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵ را بررسی نمودند. نتایج شبیه‌سازی با روش مدل‌سازی سیستم‌های پویا نشان داد که جمعیت کشور با متوسط سالانه نرخ باروری $1/6$ در سال ۱۴۲۶ به ۹۴۱۳۲۰۰۰ میلیون نفر می‌رسد. پس از آن روند نزولی به‌خود گرفته و در سال ۱۴۵۵ به ۸۶۴۱۶۴۰۰ نفر خواهد رسید. اسلامی و فرخاری (۱۴۰۲) در پژوهش خود پژوهش با استفاده از نظریه سیستمی در پاسخ به پرسش چگونگی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در ایران به توصیف مراحل گوناگون این امر پرداخته و اهداف و ابزار این سیاست را مورد ارزیابی قرار دادند.

یافته‌های تاجبخش (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان کاوشی در فهم تجربه زیسته زوجین از فرزندآوری انجام داد. یافته‌های پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی به یازده بن‌مایه اصلی ختم شد که عبارت‌اند از: فرزندگرایی ایدئال، عوامل روانی و فردی، تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، نگرش‌ها و اعتقادات، مسائل جنسی و خانوادگی، روابط بین‌زوجی و دیدگاه معرفت‌شناختی زوجین به زندگی. فضای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سالم و ایجاد حس رضایت و امنیت در جامعه، تأثیر بسزایی در تمایل زوجین به فرزندآوری دارد.

رهنا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران» نشان دادند که عواملی مانند سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، دینداری، سن ازدواج، نگرش والدین، خانواده‌گرایی، دسترسی به روش‌های پیشگیری و... از عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران هستند.

تاجبخش (۱۴۰۰) در پژوهشی به مطالعه «زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری در شهر شیراز» پرداخت. یافته‌ها نشان داد عواملی نظیر بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، فقدان اثربخشی و کارآمدی سیاست‌های جمعیتی، ترس از بیماری کرونا، فرسایش سرمایه اجتماعی درون خانوادگی، سبک نوین زندگی و

ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های نوظهور، کم‌رنگ‌شدن ابعاد نگرشی و عملی ارزش‌های دینی، نابسامانی و شوک‌های اقتصادی، بزرگ‌پنداری دافعه‌های فرزندآوری، محدودیت‌های پذیرفته‌شده اجتماعی و تحولات خانواده در کاهش باروری اثرگذار هستند.

غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری براساس دیدگاه زنان: یک مطالعه کیفی» بیان نمودند کاهش باروری ناشی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش زهره‌زاده (۱۳۹۹) با عنوان «میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سواد سلامت و سلامت معنوی» نشان داد که گرایش به فرزندآوری با سلامت معنوی ارتباط معناداری دارد.

همچنین آزموده (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان داد میزان باروری با سن زوجین و میزان تحصیلات در زنان سنین باروری مؤثر است.

یافته‌های پژوهش رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که فرزندان هزینه‌های احساسی، محدودیت، زحمات جسمانی و هزینه‌های خانوادگی زیادی برای والدین ایجاد می‌کنند.

نتایج پژوهش صادقی (۱۳۹۵) با عنوان «تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران» بیانگر آن است که تعامل مجموعه‌ای از نیروهای ساختی - نهادی، معنایی و فرهنگی منجر به شکل‌گیری باروری زیر سطح جانشینی در ایران شده است.

عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «نامنی اقتصادی و باروری» نشان دادند که با وجود نقش تعدیل‌کننده متغیرهای تحصیلات و فاصله بین واقعیات و انتظارات اقتصادی و سن زنان، تأثیر معنادار نامنی اقتصادی بر باروری همچنان پایدار بوده است.

گتو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود بر اساس نظریه‌گذار دوم جمعیتی و با تأکید بر تغییرات فرهنگی و نگرشی برای تبیین باروری پایین و افزایش مشارکت زنان در بازار کار پرداخت. تحقیق ایشان نظریه‌گذار دوم جمعیتی را تأیید نمود.

یافته‌های پژوهش ارسال و گلدستین (۲۰۱۰) نشان داد که نامنی اقتصادی به‌عنوان یک عامل بالقوه مؤثر در روند کاهش باروری تأثیر فراوان دارد.

یافته‌های پژوهش هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) نشان داد که نرخ باروری واقعی و تمایل به فرزنددارشدن در زنانی که معتقد به اهمیت بسیار مهم دین در زندگی

روزمره هستند؛ بالاتر از کسانی است که چنین اعتقادی ندارند یا اهمیت کمی برای آن قائل هستند

یافته‌های پژوهش اتوه (۲۰۰۸) با عنوان «تغییرات خانوادگی در زمینه باروری پایین در کشور ژاپن» نشان داد که نرخ‌های پایین باروری در این کشور به برخی از تغییرات و تحولات حوزه خانواده مرتبط است، وی به تغییرات مهمی نظیر کاهش نقش‌های سنتی خانوادگی بواسطه تحصیلات زنان و فرصت‌های شغلی ایجاد شده می‌پردازد.

ادسیرا (۲۰۰۴) با استفاده از داده‌های پیمایش ۱۹۸۵ و ۱۹۹۹ در جامعه اسپانیا نشان داد که در سال ۱۹۸۵ اندازه خانواده در بین مشارکت‌کنندگان مذهب کاتولیک و غیرکاتولیک تقریباً یکسان و برابر بوده؛ اما در سال‌های بعد نرخ باروری در میان اشخاصی که در برنامه‌های مذهبی کلیسا حضور نمی‌یافتند، به‌طور معناداری کاهش یافته است.

همان‌گونه‌که در بخش پیشینه‌های داخلی و خارجی آورده شد، پژوهش‌های بسیاری درباره باروری انجام شده است. هرکدام از این پژوهش‌ها بر بُعد خاصی از آن و سنجش تأثیر متغیرهای متعددی در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های ذکر شده در مقاله حاضر حکایت از فقدان پژوهشی مستقل و مستقیم مرتبط با اهداف، روش و ساختار این تحقیق دارد. در نتیجه اهمیت این پژوهش در آن است که با رویکرد کیفی و به‌طور ویژه به این موضوع مهم در میدان وسیع تحقیق می‌پردازد.

۴. مبانی نظری

هفت دیدگاه و نظریه در این مقاله برای تبیین تحولات باروری مورد استفاده قرار گرفته است که عبارت‌اند از: نظریه‌گذار جمعیت، نظریه‌گذار دوم جمعیتی، نظریه‌سازی (مدرنیزاسیون)، نظریه ارتقاء اجتماعی، نظریه اشاعه، نظریه‌های اقتصادی و نظریه‌های آموزشی.

۴-۱. نظریه‌گذار جمعیتی

ازجمله نخستین نظریه‌هایی بوده است که برای کاهش جهانی باروری مطرح گردید. این نظریه به تغییرات از باروری و مرگ‌ومیر بالا به ثبات در سطح پایین مرگ‌ومیر و باروری پایین در حدود سطح جانشینی اشاره دارد.

۲-۴. نظریه‌گذار دوم جمعیتی

نظریه‌ای برای تبیین باروری پایین یا به تعبیر دیگر باروری زیر سطح جانشینی و تداوم آن در جوامع پیشرفته اواخر نوین است؛ بنابراین نظریه، تغییرات اساسی در سطح جامعه در چند دهه آخر قرن بیستم علی‌الخصوص تغییرات فرهنگی و ارزشی، تغییرات اساسی متناظر با آن در سطح خانواده را در جوامع باروری پایین و تداوم باروری نوین پیش آورده است که متناسب با بار در زیر سطح جانشینی است.

۳-۴. نظریه نوسازی (مدرنیزاسیون)

بر این باور است که نوسازی محیط، نوعی شیوه زندگی و فکری به وجود می‌آورد که سرنوشت‌گرایی و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده و آینده‌نگری و آمال و آرزوی رسیدن به زندگی مرفه را در انسان تقویت می‌کند. فاوست^۱ معتقد است که: «نوسازی محیط (در اثر تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی و ...) موجب نوساختن گرایش‌ها و ارزش‌های فردی شده و رفتار و شیوه زندگی وی را تغییر می‌دهد. در نتیجه، «خانواده‌گرایی» تضعیف گشته و میل به زندگی مرفه‌تر، حفظ سلامت جسمانی و روانی افزایش می‌یابد. از این رو نزد چنین والدینی به دلیل فشارهای مادی، روانی و جسمانی که فرزند در زندگی ایجاد می‌نماید، ارزش فرزند کاهش می‌یابد» (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱، ص. ۹۳). برخی از صاحب‌نظران، عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و آمال خانواده را عامل برتر در تبیین باروری می‌دانند و معتقدند که هر چند عوامل نوسازی و اقتصادی ممکن است در تبیین تفاوت‌های باروری مؤثر باشد، ولی توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضروری است. صاحب‌نظرانی چون جفری مک نیکل و سوزان گرین هال نیز معتقدند که در تبیین باروری باید به مجموع عوامل نهادی، که در شکل‌گیری رفتارهای باروری مؤثرند، توجه کرد

۴-۴. نظریه ارتقاء اجتماعی (نظریه شعور اجتماعی)

این نظریه که توسط آرسن دمون، فیلسوف فرانسوی مطرح شد بر این اعتقاد است که داشتن فرزند کمتر یا بیشتر ارتباط نزدیکی با منزلت اجتماعی والدین دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه‌ای با داشتن فرزند بیشتر امکان ارتقاء منزلت اجتماعی و

ترقی در رده‌های اجتماعی بیشتر باشد. خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند (حسینی، ۱۳۸۶، صص. ۵۵-۵۶).

۴-۵. نظریه اشاعه

بر این باور است که کنترل باروری در ارتباط مستقیم با نگرش افرادی قرار دارد که: اولاً، مفهوم واژه بعد خانوار و انواع وسایل پیشگیری از باروری را شناخته و ثانیاً، از آن وسایل هم استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر این نظریه بر نظام‌های نگرشی و ارزشی در تبیین تفاوت‌ها و تغییرات باروری و بعد مطلوب خانواده تأکید می‌کند.

۴-۶. نظریه اقتصادی عرضه و تقاضا

توسط ریچارد استرلین، از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان باروری مطرح شد و با استفاده از آن در صدد تبیین اقتصادی باروری هستند. این نظریه به نظریه «عرضه و تقاضا» و هزینه‌های تنظیم شهرت یافته است. نظریه هاری لیبشتاین بر این فرض استوار است که فواید و هزینه‌های فرزندان عواملی هستند که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان تأثیر می‌گذارد. والدین به ارزیابی هزینه‌ها و مخارج ناشی از فرزندان می‌پردازند. چنانچه منافع داشتن فرزند بیش از هزینه‌ها یا مخارج او باشد، نگرش والدین مثبت خواهد بود و تصمیم به داشتن فرزند خواهند گرفت (Robinson, 1997, p. 82). بر اساس این نظریه، رضایت از زندگی و تعداد مطلوب فرزندان، عامل اصلی در باوری زنان تلقی می‌گردد. گری بکر در نظریه خود بر این باور است که رفتار باروری، نتیجه انتخاب خانواده است. در این نظریه فرزندان به‌عنوان کالای مصرفی با دوام در نظر گرفته می‌شوند که طی زمان منفعت دارند و تقاضا برای آن‌ها همانند تقاضا برای کالاهای مصرفی بادوام، تحت تأثیر عواملی چون: تعداد فرزندان که می‌توانند زنده بمانند، هزینه‌های رشد و تربیت آن‌ها، هزینه‌های فرصت‌های ازدست‌رفته و سطح درآمد خانواده قرار خواهد گرفت (Behende & kanitkar, 1994 به نقل از حسینی، ۱۳۸۶).

۴-۷. نظریه آموزشی

بر این باورند با افزایش سطوح تحصیلات زنان و بالا رفتن سن ازدواج آنان و نیز افزایش مطالبات و انتظاراتشان، در نتیجه این امر به میزان‌های پایین‌تر باروری منجر می‌شود؛ زیرا تحصیلات با نگرش‌های مثبت‌تر نسبت به کنترل مولید و آگاهی بیشتر از جلوگیری از حاملگی رابطه مثبت و معنادار دارد.

با توجه به اهمیت دیدگاه‌های ذکر شده در این مقاله؛ محقق از میان نظریات بالا، صرفاً از نظریات گذار دوم جمعیتی، نظریه نوسازی، نظریه‌های اقتصادی و نظریه‌های آموزشی برای تبیین تحولات باروری در لرستان استفاده نمود.

۵. روش پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، از روش «Q» و راهبرد «پیمایش» استفاده شد. روش کیو بر خلاف روش پژوهش‌های پیمایشی که پاسخ‌دهندگان به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که معرف جمعیت آماری مورد نظر باشند، در روش کیو پاسخگویان به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که معرف آن حوزه مورد نظر باشند (تاج‌بخش، ۱۴۰۰، ص. ۱۰).

در بخش کمی محققان از «پرسشنامه ساختمند» برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده‌اند. براین‌اساس این پرسشنامه بر روی یک طیف لیکرت «شش درجه‌ای» طراحی شده و درجه مقیاس آن از عدد ۰ که نشان‌دهنده عدم تأثیر تا عدد ۶ که حکایت از تأثیر زیاد دارد را شامل می‌شود. در این پژوهش در بخش کمی واحد تحلیل شامل خبرگانی است که در حوزه فرزندآوری و مسائل جمعیتی صاحب‌نظر هستند. جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگانی است که در شهرستان‌های مختلف استان لرستان حضور داشته و پرسشنامه‌های مربوط به فرزندآوری بین آنها توزیع شده است. نمونه‌گیری به‌صورت «هدفمند» صورت گرفته است. در روش کیو محقق در جستجوی خبرگانی بود که در حوزه مسئله پژوهش، یعنی فرزندآوری صاحب‌نظر هستند، یعنی این‌گزینه‌ها به‌صورت تصادفی نبوده است. در روش کیو، عوامل در اختیار تعدادی از داوران قرار گرفته و حاصل نظرهای آنها در قالب یک پرسشنامه در اختیار تعدادی از افراد نمونه قرار گرفته و پس از رفع ابهامات پرسشنامه، این پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. بر این مبنای حجم نمونه در روش کمی برای خبرگان ۹۰ نفر بود.

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده و برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس اس ۲۶»^۱ استفاده می‌شود. همچنین برای ترسیم مدل معادله ساختاری پژوهش نیز از نرم‌افزار «ایموس گرافیک ۲۴»^۲ استفاده می‌شود. در این پژوهش، آمارهای توصیفی همچون آزمون

1. Spss 26

2. Amos Graphic 24

دبلیو کندال، فراوانی مطلق، میانگین، انحراف معیار و در آمار استنباطی از آمارهای ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و... استفاده شد.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، ابتدا یافته‌های متغیرهای جمعیت‌شناختی ارائه می‌شود و سپس یافته‌های استنباطی و درنهایت تحلیل یافته‌های آماری نیز مورد بررسی و تفسیر قرار می‌گیرد.

جدول (۱): توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد	مجموع	
				فراوانی	درصد
۱	سن	۳۶	۴۰	۹۰	۱۰۰
		۱۷	۱۸/۹		
		۳۷	۴۱/۱		
		۰	۰		
۲	جنسیت	۵۰	۵۵/۶	۹۰	۱۰۰
		۴۰	۴۴/۴		
۳	تحصیلات	۹	۱۰	۹۰	۱۰۰
		۳۵	۳۸/۹		
		۱۹	۲۱/۱		
		۲۷	۳۰		
۴	رشته تحصیلی	۲۹	۳۲/۲	۹۰	۱۰۰
		۴۳	۴۷/۸		
		۱	۱/۱		
		۵	۵/۶		
		۱۲	۱۳/۳		
۵	وضعیت تأهل	۳۱	۳۴/۴	۹۰	۱۰۰
		۵۳	۵۸/۹		
		۶	۶/۷		
۶		۱۵	۱۶/۷		

ردیف	متغیر	فراوانی	درصد	مجموع	
				فراوانی	درصد
محل سکونت	بروجرد	۱۵	۱۶/۷	۹۰	۱۰۰
		۱۵	۱۶/۷		
		۱۵	۱۶/۷		
		۱۵	۱۶/۷		
		۱۵	۱۶/۷		

با توجه به یافته‌های جدول شماره ۱، برای متغیر سن، بیشترین پاسخگویی برای خبرگانی است که سن آنها بین ۵۱ تا ۶۴ سال است و کمترین میزان پاسخگویی مربوط به خبرگانی است که سن آنها ۶۵ سال به بالا است. برای متغیر جنسیت بیشترین میزان پاسخگویی خبرگان مربوط به مردان است و از لحاظ تحصیلات بیشترین میزان پاسخگویی مربوط به خبرگانی است که تحصیلات آنها در سطح کارشناسی است و کمترین میزان پاسخگویی مربوط به خبرگانی است که تحصیلات آنها در سطح کاردانی است. همچنین بیشترین میزان پاسخگویی مربوط به خبرگانی است که رشته تحصیلی آنها علوم پزشکی بوده و کمترین میزان پاسخگویی مربوط به رشته علوم دینی است. از حیث وضعیت تأهل، بیشترین پاسخگویی مربوط به خبرگان متأهل بوده و کمترین پاسخگویی مربوط به خبرگانی است که مطلقه هستند. درنهایت از نظر محل سکونت، توزیع برابری برای پاسخگویی خبرگان در شهرستان‌های مختلف استان لرستان قرار دارد.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت گرایش به فرزندآوری در استان لرستان و شناسایی علل اثرگذار بر آن و پاسخگویی به سه سؤال اصلی و مهم زیر است:

۱- چه عواملی بر موضوع فرزندآوری خانواده‌های استان لرستان مؤثر است؟

۲- میزان تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد جمعیتی به چه میزان است؟

۳- چه راهکارهایی برای افزایش فرزندآوری در استان لرستان می‌توان ارائه کرد؟

برای پاسخگویی به سؤال اول؛ رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر فرزندآوری، از آزمون دلبلیو کنдал استفاده شده است. این آزمون به‌عنوان یک ضریب توافق، به بررسی میزان توافق رتبه‌ها در بین خبرگان می‌پردازد. بر مبنای این آزمون، علاوه بر معناداری تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه، به رتبه‌بندی نیز می‌پردازد. همچنین اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر فرزندآوری بر اساس میانگین آنها و رتبه‌بندی

شاخص‌های اصلی در جدول زیر آمده است.

جدول (۲): آزمون دبلیو کندال؛ رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اساس مقیاس‌ها

ردیف	شاخص‌های مؤثر بر فرزندآوری	میانگین رتبه‌ای
۱	فرهنگی	۵/۹۷
۲	اجتماعی	۵/۰۶
۳	اقتصادی	۴/۷۴
۴	سیاسی	۳/۷۴
۵	روانی	۳/۳۱
۶	پزشکی	۲/۹۱
۷	خانوادگی	۲/۲۸

بر اساس یافته‌های جدول ۲، عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بیشترین تأثیر را بر تمایل زوجین به فرزندآوری داشته است. از سوی دیگر عوامل روانی، پزشکی و خانوادگی کمترین تأثیر را بر تمایل زوجین به فرزندآوری داشته‌اند. **برای پاسخ به سؤال دوم** که میزان تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد جمعیتی به چه میزان است؟ ضرورت دارد میزان تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد جمعیتی و درک بهتر تمایل زوجین به خرده مقیاس‌ها و گویه‌های مربوط به آنها توجه بیشتری کرد تا بتوان تصویری بهتری از عوامل مؤثر بر فرزندآوری زوجین رسید. براین اساس در جدول ۳، خرده مقیاس‌های مربوط به هر کدام از این عوامل به ترتیب و با به‌کارگیری آزمون دبلیو کندال مشخص شده است.

جدول (۳): آزمون دلبلیو کندال؛ رتبه‌بندی ابعاد مؤثر بر فرزندآوری

ردیف	ابعاد مؤثر بر فرزندآوری	میانگین رتبه‌ای
۱	احساس ناامنی زوجین در بُعد شغلی	۴/۹۷
۲	احساس ناامنی زوجین در بُعد هزینه‌های زندگی	۴/۷۲
۳	احساس ناامنی زوجین در بُعد مالی و درآمدی	۴/۶۱
۴	احساس ناامنی زوجین در بُعد مسکن	۴/۵۵
۵	مهاجرت کردن	۴/۴۳
۶	ضعف مهارت‌های زندگی زوجین	۳/۶۷
۷	سخت بودن تربیت درست و اصولی فرزند امروزی	۳/۵۸
۸	حمایت ناکافی از زوجین نابارور	۳/۵۰
۹	اختلال در تکامل هویت اجتماعی زوجین با افزایش تعداد فرزند	۳/۴۸
۱۰	کاهش منافع احساسی داشتن چندین فرزند	۳/۴۰
۱۱	اختلافات و تعارضات زناشویی	۳/۳۹
۱۲	احساس ناامنی زوجین نسبت به آینده شغلی و تحصیلی فرزندان	۳/۳۸
۱۳	کم رنگ شدن ابعاد نگرشی و عملی ارزش‌های دینی	۳/۳۴
۱۴	تهدید سلامتی زن با افزایش فرزندان	۳/۳۳
۱۵	عدم علاقه به زود ایفا کردن نقش والدی	۲۹/۳
۱۶	مشکلات جنسی و عدم باروری زوجین	۳/۲۸
۱۷	فاصله زیاد بین انتظارات و واقعیات اقتصادی	۳/۲۷
۱۸	تحولات خانواده نظیر افزایش سن ازدواج	۳/۲۷
۱۹	مخالفت اطرافیان با بارداری مجدد زن	۳/۲۵
۲۰	جنسیت‌سالاری؛ مردسالاری یا زن‌سالاری	۳/۲۴
۲۱	عدم تقدیرگرایی زوجین و سپردن همه‌چیز به قضاوقدر	۳/۲۳
۲۲	عدم علاقه و نگرش منفی زوجین به داشتن فرزند	۳/۲۱

بر مبنای جدول بالا می‌توان عنوان نمود اولین عامل مهم در ارتباط با فرزندآوری زوجین، احساس ناامنی زوجین در بُعد شغلی است. مسئله اشتغال همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد و زوجین خصوصاً در قرن حاضر بوده است. امروزه بر

کسی پوشیده نیست که داشتن یک شغل دائمی و باثبات سبب می‌شود که افراد جامعه برای آینده خود برنامه‌ریزی کنند و عدم داشتن یک شغل مناسب و غیرقطعی سبب می‌شود که زوجین همواره دغدغه اقتصادی داشته و ترس از داشتن فرزند و عدم رفع نیازها و مخارج بچه به صورت مستقیم با مسئله فرزندآوری در ارتباط باشد. از این رو داشتن یک شغل مناسب می‌تواند تا حدود زیادی بر نگرش و تمایل زوجین به فرزندآوری اثرگذار باشد.

عامل اثرگذار بعدی بر تمایل به فرزندآوری در میان زوجین، مسئله تأمین هزینه‌های زندگی است. بر کسی پوشیده نیست که در جامعه امروز ایران اقشار مختلف جامعه، خصوصاً قشر فرودست همواره با مشکلات اقتصادی و هزینه‌های زندگی که ناشی از تورم بالا است، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. عامل اول تا حدود زیادی با عامل دوم در ارتباط است، یعنی بخش مهمی از هزینه‌های زندگی در ارتباط با داشتن یک شغل مناسب است و از سوی دیگر حمایت دولت و برنامه‌ریزی‌های کلان و خصوصاً توجه به اقشار پایین جامعه می‌تواند نوع نگاه زوجین به مسئله فرزندآوری را تغییر دهد؛ زیرا برآوردن هزینه‌های رشد و تربیت فرزندان نقش مهمی در تمایل به فرزندآوری دارد. عامل بعدی نیز شکل دیگری از عامل دوم است، یعنی تأمین هزینه‌های مالی فرزندآوری. در ارتباط با این عامل می‌توان به یک موضوع مهم اشاره کرد و آن داشتن یک پس‌انداز و پشتوانه مالی که تا حدود زیادی بتواند برای زوجین در خصوص آینده فرزندشان آسودگی خاطر به عمل آورد.

عامل چهارم در بُعد مسکن است. مسکن از ابتدای تاریخ تا کنون همواره دغدغه اصلی انسان بوده است و جای تعجب ندارد که بر مسئله فرزندآوری نیز اثرگذار باشد. امروزه یکی از مسائل اساسی که زوجین جوان با آن روبه‌رو هستند، داشتن سرپناهی است که خودشان مالک آن باشد و بتوانند با خیال آسوده در آن زندگی کنند. هرچند که دولت با طرح نهضت مسکن ملی، مسکن مهر و طرح مسکن جوانی جمعیت سعی دارند تا از جوانان برای داشتن مسکن حمایت کنند، این مسئله می‌تواند گام مهمی در راستای ایجاد تمایل و علاقه زوجین جوان به داشتن فرزند و افزایش تعداد فرزندان باشد. همچنین نوع مسکن و فضای خانه نیز در داشتن فرزند اثرگذار است؛ به عنوان مثال زوجینی که خانه‌های کوچکی دارند، حتی اگر توان مالی داشته باشند به دلیل فضای کم خانه یا آپارتمانی بودن خانه تمایلشان به داشتن فرزند کم می‌شود.

عامل پنجم مهاجرت کردن است. مهاجرت‌ها به دو شکل داخلی و خارجی مطرح

است. در شکل داخلی مهاجرت‌ها در ۴ صورت مهاجرت شهر به شهر، شهر به روستا، روستا به شهر و شهر به روستا وجود دارد که در دو نوع اول به دلیل فقدان پشتوانه در مقصد می‌تواند انگیزه فرزندآوری را کم نماید. نوع دیگر مهاجرت بین‌المللی یک بحث سیاسی است. در جامعه ایرانی کم نیستند افراد یا زوجینی که از شرایط جامعه ناراضی هستند یا برای ادامه تحصیل یا داشتن فرصت زندگی بهتر و مهاجرت به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. در چنین شرایطی داشتن فرزند می‌تواند به‌عنوان یک مانع برای مهاجرت زوجین شناخته شود و براین اساس تمایل به داشتن فرزند در بین چنین زوجینی کاهش می‌یابد؛ البته دیده می‌شود که برخی از زوجین برای تأمین آینده فرزندانشان مهاجرت می‌کنند و این اتفاق عمدتاً در میان طبقات بالای جامعه و سلب‌ریتی‌ها بیشتر رخ می‌دهد.

عامل مهمی دیگری که در تمایل زوجین به فرزندآوری می‌تواند اثرگذار باشد، ضعف مهارت‌های زندگی زوجین است. اینکه زوجین بدانند که چگونه زندگی خود را مدیریت کنند، چگونه برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنند، علائق یکدیگر را بشناسند و... حتی ریزترین مسائل زندگی زناشویی مثل شناختن غذا یا رنگ مورد علاقه همسر در ارتباط زوجین و بالا بردن سطح مهارت زندگی زوجین اثرگذار است؛ بنابراین در تشریح این عامل باید عنوان نمود که علاوه بر علاقه‌مندی زوجین به یکدیگر، کسب شناخت زوجین از یکدیگر و مهارت‌های آنها در تربیت و شناخت فرزند نیز می‌تواند در تمایل آنها به فرزندآوری مهم باشد.

بی‌راهه نیست اگر بگوییم که جامعه ایرانی با یک وضعیت پسمادرن روبه‌رو است، هرچند عده‌ای عقیده دارند که جامعه ایرانی هنوز هم در حال گذار از مرحله سنتی به مدرنیته است، اما شواهد حاکی از آن است که ما با پست‌مدرنیته نیز مواجه هستیم. یکی از نشانه‌های وضعیت پست‌مدرن در جامعه ایرانی، فروپاشی سلسله مراتب و به‌هم‌خوردن نظم سنتی خانواده، خصوصاً در زندگی شهری است. امروزه دیگر نمی‌توان از مسائلی چون اقتدار و سلطه پدر یا مادرسالاری سخن به‌میان آورد؛ زیرا سلسله مراتب خانواده درهم‌شکسته و تا حدودی ما با مسئله‌ای به نام فرزندسالاری روبه‌رو هستیم. چنین وضعیتی و چرخش از یک نظم سنتی به مرکزیت‌گریزی پست‌مدرن می‌تواند تربیت و رشد فرزندان را به‌وسیله والدین با چالش روبه‌رو کند.

امروزه در جامعه ایرانی ما با نسل‌هایی طرف هستیم که تقریباً به بسیاری از اصول والدین خود پایبند نیستند و ارزش‌هایی دارند که با ارزش‌های پدر و مادر خود

کاملاً متضاد هستند، چنین وضعیتی سبب شده است که تربیت اصولی و درست فرزندان بسیار دشوار شود و کسب چنین تجربیاتی توسط زوج‌های جوان می‌تواند تمایل آنها در داشتن فرزند یا رغبت آنها به داشتن فرزند بیشتر را کاهش دهد. یکی از عواملی که به شدت بر زندگی زوجین اثرگذار است، داشتن فرزند است. داشتن فرزند با تمامی مسائل و دغدغه‌هایی که به همراه دارد؛ اما زندگی زوجین را بسیار شیرین می‌کند؛ اما برخی از زوجین به دلیل مشکلات خاص پزشکی، خصوصاً مشکلات ژنتیکی نمی‌توانند حضور بچه را در زندگی خود تجربه کنند. اغلب زوجینی که با چنین مشکلاتی روبه‌رو هستند به دلیل هزینه‌های سنگین پزشکی رغبتشان به داشتن فرزند بسیار کم می‌شود یا از داشتن فرزند به دلیل مشکلات مالی ناامید می‌شوند. حتی دیده شده است که زندگی زوجینی که با این مشکلات روبه‌رو می‌شوند تا آستانه فروپاشی رفته یا حتی از هم فرو می‌پاشد.

براین اساس یکی از انتظارات زوجین این است که سیستم سیاسی حاکم که دولت نماینده آن است از آنها برای مسائل ناباروری حمایت کند و شرایط و مزایای خاصی را در اختیار آنها قرار دهد، به نظر می‌رسد یکی از وظایف دولت در جهت اجرای سیاست‌های جمعیت باید حمایت از زوجین نابارور باشد، اگر این زوجین از حمایت مالی خوبی برخوردار باشند، می‌توانند به داشتن فرزند امیدوار شوند و پایه‌های زندگی زناشویی‌شان مستحکم‌تر شود.

یکی دیگر از عوامل مهم و اثرگذار در نگاه زوجین نسبت به مسئله فرزندآوری، هویت زوجین و موضوع تکامل این هویت است. اصولاً حضور فرزند زیاد در زندگی، سبب افزایش دغدغه‌ها و مشکلات زوجین می‌شود. یکی از دغدغه‌هایی که زوجین در خصوص مسئله فرزندآوری دارند، این است که آنها معتقدند حضور فرزند در زندگی و افزایش آنها سبب می‌شود که نتوانند از خود و زندگی و شریک زندگی‌شان شناخت درستی کسب کنند و داشتن فرزند زیاد تا حدودی معرفت‌شناسی زوجین و کسب شناخت و هویت آنها را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند؛ زیرا داشتن فرزند زیاد در کنار مسائل زندگی و رسیدگی به تربیت و رشد فرزندان و مسئولیت‌های خانوادگی خود انرژی دو چندان را می‌طلبد.

داشتن چند فرزند می‌تواند، احساسات زوجین را دچار اختلال کرده و با چالش روبه‌رو کند. یکی از عوامل مهمی که امروزه والدین با آن روبه‌رو هستند، کنترل احساسات نسبت به فرزندان یا شریک زندگی خود است. کاهش منافع احساسی سبب اختلال در رفتار زوجین و ارتباط آنها با فرزندان می‌شود. گاه‌آ دیده شده که

والدین نسبت به یکی از فرزندان حس شفقت بیشتری داشته و این مسئله سبب بروز تعارض‌ها میان سایر فرزندان و حتی شریک زندگی شده است؛ بنابراین کنترل و شناخت عواطف و احساسات نقش مهمی در تمایل به داشتن فرزند یا افزایش تعداد فرزندان توسط زوجین دارد.

امروزه بر کسی پوشیده نیست که آمار طلاق در جامعه ایرانی روبه‌افزایش است و چندین دهه است این آمار سیر صعودی داشته است؛ اما سؤال مهم این است که چه چیزی سبب افزایش تعارض‌های زناشویی شده است که در نهایت به طلاق منجر می‌شود؟ برای این مسئله می‌توان دلایل زیادی را برشمرد؛ اما یکی از این دلایل که به‌شدت به تعارض‌های زناشویی می‌انجامد، عدم شناخت کافی زوجین و نداشتن تفاهم است. عشق‌های کورکورانه و عدم شناخت درست زوجین از یکدیگر سبب شده است تا زندگی بسیاری از زوجین جوان از هم بپاشد.

در کنار این موضوع باید عنوان کرد که داشتن یا نداشتن فرزند نیز خود دغدغه‌ای است که زوجین با آن مواجه هستند. داشتن فرزند مسئله‌ای است که طرفین چه زن و چه مرد باید بر روی آن توافق داشته باشند، وگرنه حضور بچه در زندگی چه‌بسا نه تنها اختلاف‌ها و تعارض‌ها را از بین نبرد بلکه این تعارض‌ها را بیشتر کرده و زندگی زوجین را از هم بپاشاند. شناخت کافی زوجین از یکدیگر و توافق بر سر مسئله فرزندآوری و تعداد فرزند، موضوعی است که تمامی زوجین باید از آن آگاه بوده تا تعارضات زندگی زناشوییشان کاهش یابد.

انسان معاصر چه در ایران چه در سایر نقاط جهان با یک چالش جدی روبه‌رو است و این چالش همانا ناامنی هستنی شناختی است. به نظر می‌رسد در زندگی مدرن و حتی پست‌مدرن امروز اعتماد به آینده از بین رفته و زندگی بیش از هر چیز شبیه به یک ریسک و قمار شده است. وجود ساختارهای بیمار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود عاملی است که این ناامنی هستنی شناختی را بیش‌ازپیش مهم کرده است، وجود ناامنی هستنی شناسانه سبب شده است تا انسان معاصر با ترس هستنی شناسانه نیز روبه‌رو باشد. این ترس به تمام شئون زندگی افراد رخنه کرده است. بدیهی است که این ترس بر نگاه زوجین نسبت به مسئله فرزندآوری اثرگذار باشد.

خصوصاً در طبقات پایین جامعه که با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند، همواره ترس از اینکه سرنوشت فرزندانشان چه خواهد شد؟ یک سؤال اساسی و مهم است. در شرایط کنونی جامعه ایرانی این ترس در تمامی طبقات اجتماعی دیده می‌شود، حتی

در طبقات بالا و متوسط رو به بالا که از پشتیبانی‌های اقتصادی برخوردار هستند به دلیل ترس از سرنوشت و آینده فرزندان، داشتن فرزند و افزایش تعداد فرزند با تردید روبه‌رو است و اصولاً سعی در این دارند که فرزند کمتری داشته باشند تا بتوانند آینده آن را تأمین کنند. مسئله در طبقات پایین جامعه اساساً حادتر است، چراکه مسائل اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی در این طبقات بسیار زیاد است و علاوه بر عدم تأمین آینده فرزندان، ترس از به انحراف کشیده شدن فرزندان و درگیری با آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، روسپی‌گری، خشونت و... در نگاه زوجین طبقات پایین جامعه اثرگذار است.

یکی دیگر از مصادیق مهم تمایل زوجین بر فرزندآوری، مسئله دین و ارزش‌های دینی است. در دو دهه اخیر شاهد افول برخی از ارزش‌های دینی و جایگزینی ارزش‌های نوین به جای آنها در خصوص مسئله فرزندآوری بوده‌ایم؛ البته ذکر این نکته حائز اهمیت است که رخداد چنین مسئله‌ای اگرچه فردی به نظر می‌رسد؛ اما تا حدود زیادی ساختاری و کلان است. یکی از اصول اساسی دین اسلام تأکید بر داشتن فرزند زیاد و تربیت صالح فرزندان است؛ اما امروزه در جامعه ایرانی شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» جایگزین نگاه دینی شده است. این به معنای افول ارزش‌های دینی در جامعه ایرانی، خصوصاً طبقات متوسط و بالا است، چراکه این طبقات بیش از طبقات پایین جامعه در معرض پدیده نوسازی قرار گرفته‌اند.

یکی از مسائل پزشکی دیگری که بر فرزندآوری به شدت اثرگذار است، سلامتی زن است. باید قبول کنیم که در مسئله فرزندآوری بار اصلی بر دوش زنان است. زنان باید در حدود ۹ ماه از فرزند محافظت کنند و سپس وقتی به دنیا آمد باز هم از او مراقبت کرده و او را به ثمر برسانند. بارداری برای زن یک ریسک است و می‌تواند سلامتی و حیات او را تهدید کند، حتی در برخی از موارد دیده شده که زن در هنگام زایمان جان خود را از دست داده است. در کنار این موضوع، درد زایمان و عوارض بعد از زایمان تا مدت‌ها با زن همراه است و اگر زن به صورت سزارین فرزند خود را به دنیا آورد، حتی وجود فرزندان بعدی نیز می‌تواند سلامت او را به خطر بیندازند. از سوی دیگر در طول ۹ ماه حاملگی مسائل روانی و ترس از نقص بچه نیز می‌تواند بر سلامتی زن اثرگذار باشد.

عدم علاقه زوجین به ایفا کردن نقش پدر و مادر نیز یکی از بحث‌های مهم مسئله فرزندآوری است. ذکر این نکته مهم است که این موضوع بیشتر در میان زوجین جوان دیده می‌شود. اصولاً زوجین جوان بیشتر علاقه دارند در ابتدای زندگی،

به وضعیت زندگی خود سروسامان دهند یا تمایل دارند که به تحصیل خود ادامه دهند و حتی شاغل شوند و سپس برای داشتن فرزند اقدام کنند. همین مسئله سبب شده است تا تمایل زوجین به داشتن فرزند در ابتدای زندگی کاهش یابد. از دیگر مسائل پزشکی که می‌تواند زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار دهد، مشکلات جنسی و عدم باروری است، این مسئله در میان بسیاری از زوجین دیده شده است و به دلیل سنگین بودن هزینه‌های درمان بسیاری از زوجین از داشتن فرزند به دلیل مشکلات جنسی و ناباروری ناامید شوند. حمایت دولت چه از لحاظ دارویی و چه از لحاظ پزشکی و آموزشی می‌تواند نقش مهمی در امید به داشتن فرزند زوجین نابارور ایجاد کند.

تقریباً نزدیک به دو دهه است که کشور با مسئله تحریم، تورم و فساد روبه‌رو است. این مسائل به خودی خود زندگی افراد و خانواده‌ها را با مشکلات زیادی در حوزه اقتصادی و معیشتی روبه‌رو کرده است. باید قبول کنیم که همه انسان‌ها یک نگاه آرمانی در کنار نگاه واقعی دارند. در واقع آنها همواره میل به بهترین بودن و شدن دارند؛ اما زندگی در چنین شرایطی عملاً این نوع نگاه‌های آرمانگرایانه را مخدوش کرده است. اصولاً زوجین سعی دارند بهترین آینده را برای فرزندان خود رغم بزنند، بهترین تغذیه، بهترین تحصیل، بهترین تفریحات، بهترین آینده و... اما با داشتن چنین شرایطی، اصولاً انتظارات آنها سرکوب شده و میل آنها به داشتن یا افزایش تعداد فرزندان به شدت کاهش می‌باید و تا زمانی که کشور با چنین مسائلی روبه‌رو است، داشتن انتظارات بالا در هر حوزه‌ای غیرمنطقی است.

یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه، افزایش سن ازدواج است. امروزه سبک زندگی افراد جامعه تحت شرایط نوسازی جامعه ایرانی به شدت تغییر کرده است. می‌توان گفت ملاک‌های سنتی زندگی زناشویی به شدت افول کرده و انتظارات جدیدی جایگزین آنها شده است. این شرایط بیشتر زندگی مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا زنان؛ زیرا اصولاً زنان از مردان انتظار خانه، ماشین، شغل و درآمد مناسب برای زندگی دارند و در شرایط کنونی جامعه برآورده کردن چنین معیارهایی خصوصاً برای طبقات پایین جامعه تقریباً غیرممکن است. به همین دلیل هم مردان و هم زنان سرخورده شده و میل آنها به ازدواج و تشکیل خانواده به شدت کاهش می‌یابد و در نتیجه همین مسئله به شکل مستقیم مسئله فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

قضات و دخالت دیگران، خصوصاً خانواده‌ها در زندگی زوجین، از دیگر مسائلی

است که مسئله فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این بین نوع نگاه اطرافیان به زندگی زوجین حائز اهمیت است؛ به‌عنوان مثل بسیاری از اطرافیان در مورد داشتن فرزند و تعداد فرزندان همواره اظهار نظر کرده و در مسائلی چون بارداری مجدد دخالت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال زوجی که یک طرف آن خانواده سنتی قرار دارد و طرف دیگر آن خانواده مدرن و امروزی به‌طور قطع به مشکل خواهند خورد، چراکه خانواده سنتی اصرار بر داشتن فرزند زیاد و بارداری مجدد زن دارند و خانواده سنتی اصرار بر نداشتن یا داشتن تعداد کم فرزند دارند و از بارداری مجدد زن جلوگیری می‌کنند. چنین دخالت‌های و سلب اختیار کردن از زوجین می‌تواند زندگی آنها را تا آستانه فروپاشی جلو ببرد؛ بنابراین باید از دخالت اطرافیان در زندگی زوجین، خصوصاً خانواده‌ها کاسته شود و مسئله داشتن یا نداشتن و تعداد فرزندان بر عهده زوجین قرار بگیرد تا آنها بتوانند بهترین تصمیمات را بگیرند.

باید قبول کنیم که ساختار سنتی جامعه ایرانی با وجود گذارهای متفاوت تاریخی هنوز هم پابرجا است، هرچند به‌شدت متزلزل شده است. امروزه مسئله جنسیت‌سالاری در جامعه ایرانی به نوعی بحران تبدیل شده است. این امر همواره از زمان‌های دور وجود داشته است؛ به‌عنوان مثال در میان برخی از اقوام، داشتن فرزند پسر نوعی امتیاز برای زن و مرد محسوب می‌شود. زن به‌دلیل پسرزا بودن همواره مورد ستایش قرار می‌گیرد و زنی که دخترزا باشد، همواره مورد شماتت و سرزنش قرار می‌گیرد. از سوی دیگر مسئله جنسیت فرزند می‌تواند زندگی زوجین را تحت تأثیر قرار دهد و باعث بروز تعارض‌های بسیاری شود؛ به‌عنوان مثال دیده شده در جوامع مردسالار، مردانی که زنشان پسرزا نیست، زن دیگری برای خود اختیار می‌کنند، تا صاحب پسر شوند. وجود چنین مسائلی می‌تواند زن و دختر را به‌شدت سرکوب کند.

یکی از باورهایی که می‌تواند فرزندآوری را تحت تأثیر خود قرار دهد، مسئله قضا و قدر و تقدیرگرا بودن زوجین است. در این میان شعار «خدایی که بچه رو داده، رزقشم می‌ده» بسیار پررنگ است. در خانواده‌هایی که نگاه دینی و سنتی دارند، اصولاً نگاه قضا قدری حاکم بوده و بر این مبنا در چنین خانواده‌های شاهد تعداد زیادی از فرزندان هستیم.

آخرین عاملی که بر نگرش زوجین به فرزندآوری اثرگذار است، عدم علاقه و نگاه منفی زوجین به داشتن فرزند است. بسیاری از زوجین داشتن فرزند را برای خود به‌عنوان یک محدودیت در نظر می‌گیرند و مایلند که زندگی خود را بدون داشتن فرزند ادامه دهند. معمولاً زوجینی که مشغول به تحصیل یا دغدغه اشتغال و

مهاجرت دارند چنین نگرشی دارند؛ البته مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز در داشتن چنین نگاهی بی‌تأثیر نیست.

۶-۱. آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش

جدول (۴): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرها	مقدار پیرسون	معناداری	تعداد	نتایج
فرزندآوری ↔ اجتماعی	۰/۲۸۰	۰/۰۰۴	۹۰	تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ فرهنگی	۰/۳۷۷	۰/۰۰۰	۹۰	تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ سیاسی	۰/۱۲۶	۰/۰۰۳	۹۰	تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ اقتصادی	۰/۲۱۱	۰/۰۰۴	۹۰	تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ پزشکی	۰/۱۶۱	۰/۱۲۹	۹۰	عدم تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ روانی	۰/۱۹۷	۰/۰۰۳	۹۰	تأیید رابطه
فرزندآوری ↔ خانوادگی	-۰/۳۵۴	۰/۹۸۳	۹۰	عدم تأیید رابطه

در جدول ۵، رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش بر مبنای آزمون همبستگی پیرسون سنجیده شده است. بر اساس یافته‌های این جدول، می‌توان گفت که از بین هفت رابطه‌ای که بررسی شد، نسبت بین پنج رابطه تأیید شده و دو رابطه نیز رد شده است. از میان این رابطه‌ها، بیشترین همبستگی بین متغیر فرزندآوری و متغیر فرهنگی با مقدار پیرسون ۰/۳۷۷ و میزان معناداری ۰/۰۰۰ وجود دارد، سپس بین متغیر فرزندآوری و متغیر اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد، برای رابطه این دو متغیر مقدار پیرسون برابر با ۰/۲۸۰ و سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۴ است. بین متغیر فرزندآوری و متغیر روانی با مقدار پیرسون ۰/۲۱۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۳ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین متغیر روانی و فرزندآوری با مقدار پیرسون ۰/۱۹۷ و معناداری ۰/۰۰۳ و متغیر سیاسی و فرزندآوری با مقدار پیرسون ۰/۱۲۶ و معناداری ۰/۰۰۳ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بر مبنای این یافته‌ها می‌توان گفت عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی با تمایل به فرزندآوری مرتبط هستند، به عبارت دیگر نظر خبرگانی که در این پژوهش مشارکت کرده‌اند به این صورت می‌تواند جمع‌بندی شود که این عوامل می‌تواند بیش از سایر متغیرها، نوع نگاه و تمایل به فرزندآوری را در میان زوجین تبیین کند و عوامل پزشکی و خانوادگی قدرت این تبیین‌کنندگی را ندارند.

همچنین قدرت تبیین این عوامل بر مبنای نظرهای خبرگان در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد.

جدول (۵): بررسی رابطه بین متغیر وابسته (فرزندآوری) و ابعاد متغیرهای مستقل

فرزندآوری		ابعاد	وابسته / مستقل
Sig	R		
۰/۰۰۱	*۰/۳۴۱	آسیبها	اجتماعی
۰/۰۰۲	*۰/۳۹۵	باورها	
۰/۰۰۰	*۰/۳۳۳	ارزشهای سنتی	فرهنگی
۰/۰۰۳	*۰/۲۱۹	باورهای نوین	
۰/۰۰۰	*۰/۱۶۴	سیاست گذاری ناکارآمد	سیاسی
۰/۴۰۶	۰/۰۸۹	بی اعتمادی سیاسی	
۰/۰۰۵	*۰/۱۳۳	نامنی	اقتصادی
۰/۰۰۱	*۰/۳۴۶	نارضایتی	
۰/۰۰۲	*۰/۲۳۲	تهدیدها	پزشکی
۰/۲۱۲	-۰/۱۳۳	تجربیات	
۰/۲۸۹	-۰/۱۱۳	هراس آمیز	روانی
۰/۰۰۲	*۰/۲۳۵	احساسی	
۰/۱۶۴	۰/۱۴۸	تجربیات	خانوادگی
۰/۱۳۳	۰/۱۵۹	تغییرات	

* رابطه‌های معنادار

برای تبیین بهتر و دقیق‌تر رابطه بین متغیرها، ضروری است که نسبت بین ابعاد متغیرهای مستقل و ابعاد متغیر وابسته نیز از طریق آزمون همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار بگیرد. جدول ۵، نشان می‌دهد که بین ابعاد مختلف متغیرها چه نوع رابطه‌ای وجود دارد. بر مبنای داده‌های این جدول می‌توان گفت که به ترتیب خرده مقیاس‌های باورها، آسیب‌ها، نارضایتی اقتصادی، ارزش‌های سنتی، بُعد احساسی و تهدیدها، باورهای نوین سیاست گذاری ناکارآمد و نامنی اقتصادی بیشترین رابطه را با تمایل به فرزندآوری زوجین از نظر خبرگان داشته است. شدت و نوع این رابطه‌ها نیز قابل توجه است. بر مبنای نظر خبرگان، جهت تمامی این رابطه‌ها مثبت و مستقیم بوده است و از لحاظ شدت نیز می‌توان عنوان نمود که شدت این رابطه‌ها در سطح متوسطی قرار دارد.

۲-۶. تحلیل رگرسیونی

در ادامه پژوهش به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش به تحلیل رگرسیونی می‌پردازیم. جدول ۶، مدل رگرسیونی چندمتغیره فرزندآوری را نشان می‌دهد.

جدول (۶): مدل رگرسیونی چندمتغیره فرزندآوری

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای استاندارد	Beta	مقدار t
اجتماعی	۰/۰۵۰	۰/۱۲۳	۰/۳۲۴	۰/۴۰۳
فرهنگی	۰/۳۴۴	۰/۰۹۶	۰/۳۷۰	۳/۵۸۳
سیاسی	۰/۲۷۱	۰/۱۷۳	۰/۱۵۴	۱/۵۷۲
اقتصادی	۰/۲۶۱	۰/۱۴۷	۰/۲۰۱	۱/۷۷۳
پزشکی	۰/۴۷۱	۰/۲۲۵	۰/۲۱۲	۲/۰۹۸
روانی	۰/۳۸۸	۰/۱۹۸	۰/۱۹۹	۱/۹۶۶
خانوادگی	-۰/۵۵۷	۰/۲۳۸	-۰/۲۵۵	-۲/۳۳۸

بر مبنای یافته‌های جدول ۶، می‌توان ادعا نمود متغیر فرهنگی با میزان بتای ۰/۳۷۰ و سطح معناداری ۰/۰۰۱ بیشتر از سایر متغیرها بر تمایل به فرزندآوری اثرگذار است. جهت این رابطه مثبت بوده و با افزایش ابعاد متغیر فرهنگی، تمایل به فرزندآوری نیز تغییر می‌کند. سپس متغیر اجتماعی، اقتصادی، روانی و سیاسی بیشترین تأثیر را بر متغیر فرزندآوری دارند.

جدول (۷): شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی متغیر فرزندآوری

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری F	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون چندگانه	۷	۱۵۳۲/۵۷۷	۲۱۸/۹۴۰	۴/۵۲۲	۰/۰۰۱	۰/۵۴۳	۰/۶۱۱
باقیمانده	۸۲	۳۹۷۰/۱۴۵	۴۸/۴۱۶				
مجموع	۸۹	۵۵۰۲/۷۲۲					

همان‌گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، میزان f برابر با ۰/۰۰۱ و معنادار

است. همچنین بر مبنای ضرایب تعیین محاسبه شده حدود ۰/۶۱ از واریانس مربوط به هویت جوانان با متغیرهای ارائه شده در مدل توضیح داده شده است. همچنین این جدول میزان همبستگی بین متغیرهای مدل و فرزندآوری را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت گرایش به فرزندآوری در استان لرستان و شناسایی علل اثرگذار بر آن و پاسخگویی به سه سؤال اصلی و مهم تحقیق بود: اولاً، چه عواملی بر موضوع فرزندآوری خانواده‌های استان لرستان مؤثر است؟ و ثانیاً، میزان تأثیرگذاری هر کدام از ابعاد جمعیتی به چه میزان است؟ و از همه مهم‌تر چه راهکارهایی برای افزایش فرزندآوری در استان لرستان می‌توان ارائه کرد؟

در پاسخگویی به سؤالات اول و دوم نتایج این پژوهش نشان داد عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی و... وجود دارد که نشان‌دهنده اثرگذاری این متغیرها در سطح خرد و کلان بر موضوع تمایل زوجین بر فرزندآوری است؛ اما برای بسط نتایج این پژوهش ضروری است تا نتایج آن با نتایج سایر پژوهش‌ها بررسی و مقایسه شود.

نتایج این پژوهش از آن جهت که نشان داد که عوامل اجتماعی بر فرزندآوری اثرگذار است با نتایج پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاجبخش (۱۴۰۰)، غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) و گتو و همکاران (۲۰۱۵) همسو بوده و نتایج این پژوهش‌ها را تأیید می‌کند.

از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که عوامل فرهنگی نیز بر تمایل زوجین بر فرزندآوری تأثیر دارد، براین اساس یافته‌های این پژوهش، نتایج پژوهش‌های تاجبخش (۱۴۰۰)، غفاری و سردشت و متقی (۱۳۹۹)، صادقی (۱۳۹۵)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴)، عنایت و همکاران (۱۳۹۲)، گتو و همکاران (۲۰۱۵) و ادسیرا (۲۰۰۴) را تأیید می‌کند.

عوامل سیاسی چون ناکارآمدی سیاست‌های دولت و بی‌اعتمادی سیاسی از دیگر عوامل اثرگذار بر تمایل زوجین به داشتن فرزند بوده است، از بُعد سیاسی، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاجبخش (۱۴۰۰) همسو بوده و نتایج این پژوهش را بر اساس بُعد سیاسی تمایل زوجین به فرزندآوری تأیید می‌کند. نامنی و نارضایتی اقتصادی در بُعد اقتصادی از جمله ابعادی بودند که چه در یافته‌های کمی و کیفی بر نوع نگاه زوجین به فرزندداری اثرگذار بودند، از این جهت باید

گفت عوامل اقتصادی نقش پررنگی در تمایل زوجین بر فرزندآوری دارند بر این مبنا نتایج این پژوهش، یافته‌های پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰)، غفاری سردشت و متقی (۱۳۹۹)، عباسی شوازی و خانی (۱۳۹۴)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) و گلدستین (۲۰۱۰) را تأیید کرده و با آنها همسو است.

مسائل فرزندآوری در بُعد فردی و روانی نیز بسیار مهم بوده و باید بر آن تأکید نمود. تصورات، احساسات و روحیات زوجین نیز بر روابط و نگرش افراد به فرزندآوری بسیار مهم است. بر این مبنا نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش تاج‌بخش (۱۴۰۰)، رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) و هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) همسو است.

همچنین در بُعد اعتقادی، نگرشی و معرفتی نیز نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های تاج‌بخش (۱۴۰۰)، زهره‌زاده (۱۳۹۹)، محمودیان و نوبخت (۱۳۹۴) و ادسیرا (۲۰۰۴) همسو بوده و نتایج آنها را تأیید می‌کند. ازسوی دیگر نتایج این پژوهش نشان داد که تغییرات نهاد خانواده متناسب با گذار جامعه ایرانی از سنت به‌سوی نوسازی همراه بوده است و بر این مبنا نهاد خانواده نیز بر تمایل به فرزندآوری زوجین اثرگذار بوده است. براین‌اساس نتایج این پژوهش از بُعد خانوادگی با نتایج پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰)، رستگارخالد و مقدمی (۱۳۹۷) و اتوه (۲۰۰۸) همسو بوده و نتایج آنها را تأیید می‌کند.

ازسوی دیگر نهاد سلامت و خصوصاً مسائل پزشکی نیز از جمله عواملی است که فرزندآوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یافته‌های پژوهش‌های رهنما و همکاران (۱۴۰۱)، تاج‌بخش (۱۴۰۰) و زهره‌زاده (۱۳۹۹) نتایج این پژوهش را از بُعد پزشکی تأیید می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که مسائل جنسی و شناخت جنسی زوجین از یکدیگر می‌تواند مقوله فرزندآوری را تحت تأثیر قرار دهد، از این جهت باید ادعا نمود نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش رهنما و همکاران (۱۴۰۱) و آزموده (۱۳۹۸) اثرگذار است. درنهایت روابط بین زوجی نیز عامل مهمی در فرزندآوری زوجین است، از این جهت نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات رستگار خالد و مقدمی (۱۳۹۷) و هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

هم‌افزایی دولت سیزدهم با مجلس شورای اسلامی در مقوله جوانی جمعیت و رویکرد مثبت هر دو قوه برای جلوگیری از سونامی سالمندی و پایین آمدن نرخ زاد و ولد در بین خانواده‌های جامعه منجر به تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در مجلس و ابلاغ آن توسط رئیس‌جمهور در مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ گردید

که در صورت هم‌افزایی همه نهادها و ارگان‌های دخیل؛ نویدبخش تحولات مثبت سیاست جمعیتی کشور دارد.

بدون‌شک، فرزندآوری از جمله مسائل روز جامعه ایرانی است که بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های دولت فعلی در جهت رفع این مسئله است. استان لرستان نیز از جمله مناطقی است که تحت تأثیر این سیاست‌گذاری‌ها قرار گرفته است. با توجه به اینکه جامعه ایرانی و جمعیت کشور به‌طور کلی به سمت پیروی در حال حرکت است، توجه به این موضوع ضروری است؛ اما توجه به بسترهای فرزندآوری نیز باید به شکلی جدی در دستور کار مسئولان قرار گیرد. نباید فراموش کرد که استان لرستان جز پنج استان محروم کشور به حساب می‌آید که در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی باید بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان داد در استان لرستان عوامل مهم و اساساً ریشه‌داری بر تمایل زوجین بر فرزندآوری اثرگذار است، شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، پزشکی، اجتماعی، خانوادگی و... از جمله عواملی هستند که باید بیش‌ازپیش مورد عنایت افراد و خصوصاً مسئولان قرار گیرند. ازسوی‌دیگر با توجه به موقعیت اقتصادی و سیاسی استان لرستان در کشور باید به این نکته توجه نمود که اگر قرار است که سیاست‌های جمعیتی در این استان به ثمر برسد، توجه به زیرساخت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و بهداشت و سلامت باید به‌طور اساسی مورد بازبینی قرار گرفته و در جهت رفع این مشکلات برنامه‌ریزی مدونی صورت گیرد، در غیر این‌صورت حتی با افزایش جمعیت و تمایل زوجین به موضوع فرزندآوری نه‌تنها مشکلات حل نمی‌شود بلکه در یک دورنمای سیاسی چندساله اوضاع در این استان به واسطه موقعیت فرودستی این استان بحرانی خواهد شد.

پیشنهادها

راهبردهای پیشنهادی البته با برنامه‌ریزی بلندمدت برای افزایش فرزندآوری در استان لرستان می‌توان ارائه کرد. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش به‌شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- در حوزه حکمرانی جمعیت ضرورت دارد دولت نظارت و رصد مستمر بر سیاست‌های انگیزشی مقرر در قانون جوانی جمعیت را دنبال نماید تا هدف‌گذاری افزایش نرخ فرزندآوری تا پایان برنامه هفتم توسعه محقق گردد.
- ۲- در بخش قانون‌گذاری، حمایت‌های دولت در بخش فرزندآوری بیشتر متوجه

- فرزند سوم به بالا است که فوریت دارد این مسئله مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد و حمایت مطلوب از خانواده‌های (فرزند اولی) هم صورت گیرد.
- ۳- در حوزه اقتصادی ضرورت دارد برای ترغیب خانواده‌ها به فرزندآوری اقدامات مؤثری از جمله بهبود نرخ اشتغال خانواده، افزایش اطمینان به پایداری شغلی، کاهش هزینه‌های تأمین مسکن، حمایت‌های درمانی و اقتصادی از والدین نوزادان صورت پذیرد.
- ۴- با هدف تبیین و ارتقای فرهنگ فرزندآوری و طراحی و برنامه‌ریزی برای مقابله با هجمه فرهنگ بیگانه که در تأخیر در امر فرزندآوری خود را نشان می‌دهد اقدامات شایسته‌ای از طریق صداوسیما، مطبوعات، رسانه‌های مجازی، نخبگان دانشگاهی و حوزوی در ارائه آموزش‌های همگانی در خصوص اهمیت فرزندآوری و مقام شامخ و رفیع خانواده‌های پُرجمعیت صورت گیرد.
- ۵- در خصوص مسائل بهداشتی و درمانی، با توجه به اینکه استان لرستان منطقه‌ای محروم، کم‌برخوردار و در حال توسعه است ایجاد تمهیدات پزشکی و بهداشتی برای زوجین و فرزندان آنها به شدت احساس می‌شود.
- ۶- احیا و تقویت نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور فرهنگ‌سازی، ظرفیت‌سازی و برنامه‌ریزی جهت سامان‌دهی و فعالیت‌های توأم با حمایت‌های مادی و معنوی برای تسهیل فرزندآوری به‌هنگام و آگاهانه، مبتنی بر ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی.

فهرست منابع

- آزموده، الهام؛ براتی فر، سعیده؛ هانیه، بهنام و آزاد مهر، مریم (۱۳۹۴). ارتباط ترجیح جنسی، فاصله موالید و ترکیب فرزندان بر رفتار باروری زنان. *نشریه مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه*، ۳(۳)، ۸-۱۵.
- اسلامی، روح‌اله و فرخاری، محبوبه (۱۴۰۲). بررسی چرخه سیاست‌گذاری افزایش جمعیت در جمهوری اسلامی ایران (با تمرکز بر دوره چهارم سیاست‌های جمعیتی). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۵)، ۱-۳۰.
- تاج بخش، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکاف نسل‌ها در شهرستان شوشتر. *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۹(۲)، ۵۳-۷۶.
- تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۰). مطالعه زمینه‌ها و بسترهای کاهش نرخ باروری: پژوهشی کیفی. *فصلنامه جمعیت*، ۲۷(۱۱۳ و ۱۱۴)، ۶۹-۹۶.
- تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۰). واکاوی عوامل فرهنگی مؤثر بر وقوع طلاق، با کاربست روش Q. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۱۲(۴)، ۱-۲۳.
- تاجبخش، غلامرضا (۱۴۰۲). کاوشی در فهم تجربه زیسته زوجین از فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن. *فصلنامه پژوهش‌انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۸(۲)، ۱-۳۱.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۳). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- حسینی، حاتم (۱۳۸۶). *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- رستگار خالد، امیر و مقدمی، ساجده (۱۳۹۷). بررسی رابطه تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۱)، ۱۵۳-۱۷۴.
- رهنما، آمنه؛ روزبه، نسیم؛ سلیمی اصل، علی؛ کاظمی گراشی، زهره؛ عباس‌زاده، مهشید و دبیری، فاطمه (۱۴۰۱). عوامل مرتبط با فرزندآوری در ایران: یک مطالعه مروری سیستماتیک. *طب پیشگیری*، ۹(۱)، ۶-۱۷.
- زهره‌زاده، احمد؛ عبداللهی، محبوبه؛ توکلی ثانی، سیده بلین و چارچقیان خراسانی، الهام (۱۳۹۹). بررسی میزان گرایش به فرزندآوری و ارتباط آن با سواد سلامت و سلامت معنوی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات جامع سلامت شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۷. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۲۷(۸)، ۳۲-۴۱.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۹۸). *سالنامه آماری سال ۱۳۹۸*. تهران: سازمان ثبت

احوال کشور.

- سرای، حسن (۱۳۹۳). بازتولید جمعیت ایران: وضع موجود و ملاحظاتی درباره سیاست‌گذاری. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۲(۶۸)، ۱-۳۶.
- صادقی، رسول (۱۳۹۵). تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۵(۲۰)، ۲۱۷-۲۴۶.
- عباسی شوازی، محمدجلال و خانی، سعید (۱۳۹۳). ناامنی اقتصادی و باروری: مطالعه موردی زنان دارای همسر شهرستان سنندج. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۹(۱۷)، ۳۷-۷۶.
- عنایت، حلیمه و پرنیان، لیلیا (۱۳۹۲). مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری. *زن و جامعه*، ۴(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- غفاری سردشت، فاطمه و متقی، زهرا (۱۳۹۹). تبیین عوامل مؤثر بر فرزندآوری براساس دیدگاه زنان: یک مطالعه کیفی. *نوید نو*، ۲۳(۷۶)، ۳۳-۴۳.
- قیصر، عمران؛ اسکندری سبزی، سیما؛ سلمان‌پور زوز، علی و حاجی اصغری، سید یوسف (۱۴۰۲). پیش‌بینی جمعیت و تحلیل پویا از تحولات ساختار جمعیتی در ایران (سال ۱۳۵۵ الی ۱۴۵۵). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۱۲(۴)، ۲۵۱-۲۸۲.
- محمودیان، حسین و پوررحیم، محمدرضا (۱۳۸۱). ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی شهرستان بهشهر). *فصلنامه جمعیت*، ۵(۴۱)، ۸۹-۱۰۳.
- محمودیان، حسین و نوبخت، رضا (۱۳۸۹). مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس. *نشریه مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱(۱)، ۱۹۵-۲۱۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). *بررسی روند تغییرات و ساختار جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰*. تهران: مرکز آمار ایران.

Adsera, Alicia (2004). *Marital Fertility and Religion: Recent Changes in Spain*. IZA Discussion Paper No. 1399.

Atoh, Makoto (2008). *The Relevance of Ideational Changes to Family Transformation in Postwar Japan*. pp. 223-250. In: *International Family Change: Ideational Perspectives*, edited by Ruk-malie Jayakody, Arl.

Goldstein, J.; Lutz, W. & M. R. Testa (2003). The Emergence of Sub Replacement Family Size Ideals in Europe. *Population Research Policy Review*, (22), 479-496.

Guetto, Raffaele; Luijckx, Ruud & Scherer, Stefani. (2015) *Religiosity*,

- gender attitudes and women's labour market participation and fertility decisions in Europe. *Acta Sociologica*, 58(2), 155–172. DOI: 10.1177/0001699315573335
- Hayford, S. R. & Morgan, S. P. (2008). Religiosity and fertility in the United States: The role of fertility intentions. *Social Forces*, 86(3), 1163-1188.
- Robinson, Warren C. (1997). The Economic Theory of Fertility Over Three Decades, *Population Studies. A Journal of Demography*, 51(1), 63-74.

References

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal & Khani, Saeed (2014). Economic insecurity and fertility: A case study of married women in Sanandaj city. *Iranian Demographic Association Letter*, 9(17), 37-76. (In Persian)
- Adsera, Alicia (2004) Marital Fertility and Religion: Recent Changes in Spain. IZA Discussion Paper No. 1399.
- Atoh, Makoto (2008) The Relevance of Ideational Changes to Family Transformation in Postwar Japan. 223-250. In: *International Family Change: Ideational Perspectives*, edited by Ruk-malie Jayakody, Arlo
- Azmoudeh, Elham; Baratifar, Saeideh; Hanieh, Behnam and Azadmehr, Maryam (2015). The relationship between sexual preference, birth spacing and child composition on women's reproductive behavior, *Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*, 3(3), 8-15. (In Persian)
- Enayat, Halimeh & Leila Parnian (2013). Studying the relationship between cultural globalization and the tendency to have children, *Women and Society*, 4(2), 109-136. (In Persian)
- Eslami, Ruhollah & Farkhari, Mahboobeh (2023). A study of the population growth policy cycle in the Islamic Republic of Iran (with a focus on the fourth period of population policies. *Sociocultural Strategy*, 12(5), 1-30. (In Persian)
- Ghafari-Sardasht, Fatemeh & Mottaghi, Zahra (2019). Explaining the factors affecting childbearing based on women's perspectives: A qualitative study. *Navid-No*, 23(76), 33-43. (In Persian)
- Goldstein, J.; Lutz, W. & M. R. Testa (2003). The Emergence of Sub Replacement Family Size Ideals in Europe, *Population Research Policy Review*, (22), 479-496.
- Guetto, Raffaele & Luijkx, Ruud & Scherer, Stefani (2015). Religiosity, gender attitudes and women's labour market participation and fertility decisions in Europe. *Acta Sociologica*, 58(2), 155–172. DOI: 10.1177/0001699315573335.

- Hayford, S. R. & Morgan, S. P. (2008). Religiosity and fertility in the United States: The role of fertility intentions. *Social Forces*, 86(3), 1163-1188.
- Hosseini, Hatem (2007). Introduction to Socio-Economic Demography and Family Planning, Hamadan: Bu-Ali Sina University. (In Persian)
- Mahmoudian, Hossein & Nobakht, Reza (2009). Religion and Fertility: Analysis of Fertility Behavior of Sunni and Shiite Religious Groups in Goladar City, Fars Province. *Journal of Social Issues of Iran*, 1(1), 195-215. (In Persian)
- Mahmoudian, Hossein & Pourrahim, Mohammad Reza (2002). The Value of a Child from the Perspective of Young Couples and Its Relationship with Fertility (Case Study of Behesher County), *Quarterly Journal of Population*, 5(41), 89-103. (In Persian)
- National Civil Registration Organization (2019). Statistical Yearbook of 2019, Tehran: National Civil Registration Organization. (In Persian)
- Kaiser, Omran, Eskandari-Sabzi, Sima, Salmanpour-Zanoos, Ali, & Haji-Asghari, Seyed Yousef. (2023). Population Forecasting and Dynamic Analysis of Population Structure Developments in Iran (1978-1976). *Socio-Cultural Strategy*, 12(4), 251-282. (In Persian)
- Rahnama, Ameneh, Roozbeh, Nasibeh, Salimi Asl, Ali, Kazemi Garashi, Zohreh, Abbaszadeh, Mahshid, Dabiri, Fatemeh (2022). Factors Related to Childbearing in Iran: A Systematic Review. *Preventive Medicine*, 9(1) < 6-17. (In Persian)
- Rastegar Khaled, Amir & Moghaddam, Sajideh (2018). Study of the Relationship between Tendency to Traditional Values and Attitudes to Children, *Sociology of Social Institutions*, 5(11), 153-174. (In Persian)
- Robinson, Warren, C. (1997) "The Economic Theory of Fertility Over Three Decades, *Population Studies*". *A Journal of Demography*, 51(1), 63-74.
- Sadeghi, Rasoul (2016). Analysis of the socio-cultural contexts of fertility decline in Iran, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, 5(20), 217-246. (In Persian)
- Saraei, Hassan (2014). Reproduction of the Iranian population: current status and considerations on policy-making, *Quarterly Journal of Social Sciences*, 22(68), 1-36. (In Persian)
- Statistical Center of Iran (2017). Study of the Changes and Structure of the Country's Population and Its Future to the Horizon of 1430, Tehran: Statistical Center of Iran. (In Persian)
- TajBakhsh, Gholamreza (2012). Study of Social Factors Affecting Generation Gap in Shushtar County. *Quarterly Journal of Social Development*, 9(2), 53-76. (In Persian)
- Tajbakhsh, Gholamreza (2021). Analysis of cultural factors affecting the occurrence of divorce, with application Q Method, *Cultural Sociology*, 12(4), 1-23. (In Persian)


- Tajbakhsh, Gholamreza (2021). Study of the contexts and contexts of fertility rate decline: a qualitative study. *Quarterly Journal of Population*, 27(113-114), 69-96. (In Persian)
- Tajbakhsh, Gholamreza (2023). An exploration into understanding couples' lived experience of childbearing and its related factors. *Quarterly Journal of Deviations and Social Issues Research*, 8(2), 1-31. (In Persian)
- Zohrezadeh, Ahmad, Abdollahi, Mahboobeh, Tavakoli-Sani Seyede Belin, Charghchian-Khorasani Elham (2019). Studying the rate of childbearing tendency and its relationship with health literacy and spiritual health in women referring to comprehensive health service centers in Torbat-e Heydariyeh city in 2018. *Razi Journal of Medical Sciences*, 27(8), 32-41. (In Persian)

تدوین معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی - اجتماعی دانشگاه‌ها: پژوهشی مبتنی بر فراترکیب

علی ادیبی نیا

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.


ali.adibinia@ut.ac.ir

 0009-0005-6532-465X

محمد مهدی ذوالفقارزاده

دانشیار گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


zolfaghar@ut.ac.ir

 0000-0002-6803-4616

عباس نرگسیان

دانشیار گروه رهبری و سرمایه انسانی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

anargesian@ut.ac.ir


 0000-0003-0598-5630

چکیده

پرورش و تعالی شخصیت دانشجویان و تربیت آنان به‌عنوان نسل آینده جامعه‌ای که باید به‌صورت فعالانه در آن حضور یافته و تعامل داشته باشند همواره مورد توجه بوده است و ابعاد مربوط به آن، به‌نوعی خود را در ساحت فرهنگی و اجتماعی و تربیتی این نهاد مرجع در جامعه نشان می‌دهد؛ لذا شناسایی معیارهای ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها در این حوزه اهمیت دارد و هدف از اجرای پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های ایران می‌باشد. در پژوهش حاضر که با بهره‌گیری از روش اسنادی و فراترکیب به جمع‌آوری اطلاعات پژوهش پرداخته است، جهت تجزیه و تحلیل آن نیز از روش هفت مرحله‌ای فراترکیب سندلوسکی و باروسو استفاده نموده است. برای ارزیابی کیفیت فراترکیب نیز از ابزار گلین (۲۰۰۶) استفاده شده است. در مجموع، مبتنی بر راهبرد جستجو منابع، ۵۲ منبع از ۵۷۱ منبع برای فراترکیب نهایی مناسب بود که از بین این منابع، ۸ بعد، ۳۱ مؤلفه و ۶۴ معیار شناسایی گردید و مورد تأیید خبرگان این حوزه نیز قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که ابعاد کارویژه‌های مهم، تعاملات و ارتباطات، برنامه‌ها، گروه‌های دانشگاهی، نظام مدیریتی، زیرساخت‌ها و امکانات، فعالیت‌های ویژه اساتید و کارکنان و درنهایت، تولیدات محتوایی، بر ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه مؤثر است. نتایج پژوهش حاضر این قابلیت را دارد تا در راستای ارزیابی عملکرد و رتبه‌بندی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های ایران در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ارزیابی عملکرد، معیارهای فرهنگی، معیارهای فرهنگی و اجتماعی، دانشگاه، رویکرد فراترکیب.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2024.456284.1569

 CC BY

 OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز انتظاری که از نهاد دانشگاه وجود داشته است صرفاً انتقال دانش و معرفت بوده است، در حالی که پرورش و تعالی شخصیت دانشجویان و تربیت آنان به عنوان نسل آینده جامعه‌ای که باید به صورت فعالانه‌ای در آن حضور یابند و تعامل داشته باشند نیز همواره مورد توجه بوده است. این ابعاد، به نوعی خود را در ساحت فرهنگی اجتماعی و تربیتی این نهاد مرجع در جامعه نشان می‌دهد. بر این اساس، در کنار علم‌آموزی، مهارت‌اندوزی و پژوهش لازم است تا به فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی نیز پرداخته شود که امری رایج در تمام نهادهای دانشگاهی است؛ اما موضوعی که در اینجا اهمیت پیدا می‌کند، سنجش و ارزیابی این قبیل فعالیت‌ها و میزان کارایی و اثربخشی آن می‌باشد.

باید توجه داشت که ارزیابی فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها ملاحظات خاص خود را دارد چرا که معمولاً هرگاه سخن از فرهنگ در دانشگاه و دانشگاهیان کشور مطرح می‌شود، فرهنگ به صورت ضمنی یا در تقابل با علم قرار می‌گیرد و بی‌رحمانه به حاشیه می‌رود و یا در سایه علم مقوله‌ای فرعی و فوق برنامه به حساب می‌آید. در همین راستا پارسانیا (۱۳۸۷)، با نگاهی انتقادی بیان می‌کند که در نگاه پوزیتیویستی^۱ علم همواره در تعامل با فرهنگ قرار می‌گیرد و در این تعامل گاه اجازه ورود به حوزه فرهنگ را پیدا نکرده و از آن دفع می‌شود و گاه بخشی از آن و یا همه آن به درون فرهنگ وارد شده و با حضور خود تغییراتی را در دیگر عناصر فرهنگی به وجود می‌آورد و لکن تأثیرات فرهنگ بر علم و تأثیر علم بر قسمت‌هایی از فرهنگ که غیر از علم می‌باشد، همیشه بیرونی است به نحوی که علم همواره هویت خود را حفظ می‌کند و هرگز معارف غیرعلمی درونی فرهنگ، هویتی علمی پیدا نخواهد کرد. این در حالی است که دو مقوله فرهنگ و علم نه تنها در مقابل هم نیستند بلکه مکمل و به صورت روح و جسم یک حقیقت به عنوان عوامل حیاتی در دانشگاه به حساب می‌آیند.

در همین راستا تقابل نابرابر علم و فرهنگ را می‌توان در معیارهای رتبه‌بندی دانشگاه‌های کشور نیز مشاهده نمود. به نحوی که حوزه فرهنگی و اجتماعی جایگاه چندانی در ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها ندارد. بر همین اساس در آخرین گزارش پایگاه رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در ایران، رتبه‌بندی و ارزیابی ۱۱۵ دانشگاه

1. positivist

دولتی و ۱۷ دانشگاه غیردولتی کشور توسط گروه رتبه‌بندی ISC انجام گرفت و در هیچ‌یک از معیارهای مورد ارزیابی به حوزه فرهنگی و اجتماعی مستقیماً اشاره نشده است (پایگاه ISC، ۱۴۰۲). علت این موضوع را نمی‌توان صرفاً در سیاست‌های مدیریتی جست‌وجو کرد بلکه ابعاد گسترده‌تری همچون چندبُعدی بودن ماهیت حوزه فرهنگی و اجتماعی و همچنین نگاه‌های سیاسی برخی مسئولان مربوطه در ادوار گذشته نیز از دلایل کم‌توجهی به موضوع فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌های کشور، یکی دیگر از عوامل کم‌توجهی به ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی در این حوزه در آموزش عالی، در کنار ماهیت کیفی آن است که بر پیچیدگی این مهم می‌افزاید. مؤلفه‌های کیفی، ارزیابی پیچیده‌تری را نیاز دارند که بایستی در شناسایی به آن توجه ویژه‌ای داشت. ذوالفقارزاده و همکاران (۱۳۹۰) نیز با بیان سه مقوله فرهنگساز بودن نهاد دانشگاه، تنوع مقولات فرهنگی در دانشگاه و مبنای روش‌شناختی، معرفت‌شناختی و فلسفی فرهنگ، به پیچیدگی فرهنگ در دانشگاه‌ها اشاره می‌کند؛ اما این پیچیدگی نباید باعث توقف شود و از سوی دیگر هم نباید به دام تقلیل‌گرایی، قالب‌نگری و ساده‌انگاری در این حوزه خطیر افتاد. براین اساس، پژوهش حاضر برای رفع این خلأ و نیاز در عرصه آموزش عالی، با استفاده از فراترکیب پژوهش‌های انجام شده قصد دارد تا ابعاد، معیارها و مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها را شناسایی نماید. ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های کشور در چنین شرایطی که از سویی با ناکارآمدی مدیران فرهنگی و از سویی دیگر با تهاجم فرهنگی بر قشر جوان و فرهیخته دانشجوی همراه می‌باشد، توجه به حوزه فرهنگی و اجتماعی به صورت بایسته و شایسته و نه به‌شکلی صوری امری اجتناب‌ناپذیر و ضرورتی غیرقابل‌انکار است. ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها می‌تواند اهرم اثربخشی برای تحقق این توجه شایسته باشد.

مطابق با اسناد بالادستی از جمله سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲)، در فصل پنجم این سند به نظام فرهنگی و تربیتی دانشگاه اشاره شده است. راهبرد سوم این فصل اشاره به تبیین و طراحی نظام رتبه‌بندی فرهنگی و تربیتی اسلامی دانشگاه‌ها به منظور ایجاد فضای رقابتی دارد. همچنین ذیل راهبرد فوق به سه اقدام نیز اشاره شده است:

۱- طراحی، تدوین و بهینه‌سازی مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، ساختار و کارکرد نظام رتبه‌بندی فرهنگی و تربیتی با نگرش اسلامی؛

۲- تدوین آیین‌نامه رتبه‌بندی فرهنگی و تربیتی دانشگاه‌ها و بازتعریف تخصیص بودجه و ظرفیت‌های دانشگاه‌ها براساس آن؛

۳- ایجاد نهاد رتبه‌بندی و نظارت و ارزیابی دانشگاه‌ها در سطح ملی به‌صورت فرادستگاهی در جهت افزایش فضای رقابتی میان دانشگاه‌ها.

برهمن اساس، سازمان‌دهی تحقیق در پژوهش حاضر نیز به این صورت بوده است که ابتدا مطالعات داخلی و خارجی متعدد در حوزه فرهنگی و اجتماعی با رویکردی فراترکیب جهت شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و سپس معیارهای ارزیابی عملکرد در دانشگاه‌ها تا سر حد اشباع نظری طی شده است و سعی شده است یافته‌های حاصل از پژوهش در یک چهارچوب منسجم ارائه شود. همچنین در مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر، صرفاً به مقالات مربوط به آموزش عالی اکتفا نشده بلکه هر مقاله علمی و یا سند معتبری که در حوزه معیارهای فرهنگی و اجتماعی صورت گرفته است نیز مورد توجه و الگوبرداری بوده است. در پایان نیز یافته‌های پژوهش در اختیار چند نفر از خبرگان و اساتید هیئت علمی در دانشگاه تهران و وزارت علوم قرار گرفت و نهایتاً پس از برخی اصلاحات در مقوله‌های پژوهش، مورد تأیید قرار گرفت.

۱. هدف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های ایران جهت رتبه‌بندی فرهنگی دانشگاه‌های کشور می‌باشد.

۲. سؤال‌های پژوهش

برهمن اساس، سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: «معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها چیست؟» به‌منظور پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، سؤال‌های فرعی زیر مطرح می‌شود:

- ۱- ابعاد ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها چیست؟
- ۲- مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها چیست؟

۳. پیشینه پژوهش

۳-۱. پژوهش‌های داخلی

کریمیان و صفایی اصل (۱۴۰۰)، در پژوهشی به ارزیابی میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی و تربیتی دانشگاه فرهنگیان پرداختند و با طرح برخی معیارها همچون

برنامه‌های اردویی، ویژه برنامه‌های مناسبتی، انجمن‌های فرهنگی و اجتماعی، کرسی‌های آزاداندیشی، جشنواره‌های فرهنگی، همایش‌های مرتبط با امور فرهنگی و برنامه‌های تربیتی، به اثربخشی آن‌ها پرداختند.

در پژوهشی دیگر توسط جواهری و هلالی ستوده (۱۴۰۱)، سیاست‌های فرهنگی دانشگاه را از منظر نسبت میان آرمان تا واقعیت بررسی شد که یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین آرمان‌های فرهنگی و واقعیت نگرش‌ها و گرایش‌های دانشجویان فاصله معناداری وجود دارد که این وضعیت ممکن است به دلیل ناکارآمدی سیاست‌ها یا نقصان در شیوه اجرای آن‌ها باشد یا به نادیده گرفتن تأثیر عملکرد نهادها و شرایط ساختاری جامعه بر نگرش‌ها و رفتار فرهنگی جوانان و بی‌اعتنایی به مختصات زیست اجتماعی آنان در دنیای امروز مربوط باشد.

ریگی (۱۴۰۰) نیز به ارزیابی کیفیت دانشگاه‌های ایران از بعد فرهنگی و اجتماعی پرداخت، و مشکلات ناشی از مقوله فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌های ایران را از دو بُعد فردی و سازمانی بررسی نمود.

هادوی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «آمایش شاخص‌های پایش اهداف کلان فرهنگی دانشگاه»، به شاخص‌هایی همچون اسناد و نظام‌های اداری، تعداد جلسات، منابع انسانی، دسترسی فیزیکی و فضاها، فرهنگی، اردوها، برنامه‌های معرفت‌افزایی، تقدیر از کارکنان فعال و برگزیده، همکاری‌های رسانه‌ای و تولیدات محتوایی، تدوین منشورها و کارنامه‌های تربیتی اشاره می‌کند.

عبدی و کاووسی (۱۳۹۳)، سرانه مراکز مذهبی مانند مساجد و مراکز تفریحی مورد توجه قرار داده‌اند. جشن‌ها و اعیاد، تعداد برنامه‌های مناسبتی شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، خبرگزاری‌ها و تارنماهای اینترنتی، آثار مکتوب، کسب و کارهای فرهنگی، تعداد کسب و کارهای نوظهور فرهنگی اشاره می‌کند.

همچنین در بررسی برخی پژوهش‌های داخلی شاخص‌های مشارکت دانشجویی نیز در ارزیابی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد تأکید بوده است.

در پژوهش گنجی و همکاران (۱۳۹۷)، برخی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت فرهنگی و اجتماعی را از منظر نظری و تجربی بررسی شده است. مباحث نظری در پژوهش فوق‌الذکر مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها در زمینه مشارکت فرهنگی و اجتماعی و همچنین سایر متغیرهای اجتماعی مطالعه شده که با بهره‌گیری از روش پیمایش اجتماعی انجام شده است.

در مقاله پژوهشی با عنوان «توسعه مشارکت دانشجویان در دانشگاه» توسط

جهانیان (۱۳۸۹)، به شناسایی راهکارهای توسعه مشارکت دانشجویان پرداخته شده است.

در پژوهشی دیگر نیز توسط پالیزبان (۱۳۹۰) مشارکت سیاسی دانشجویان به عنوان یکی از شاخص‌های این حوزه مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۳. پژوهش‌های خارجی

طبق بررسی‌های صورت گرفته از مطالعات خارجی برخی از پژوهش‌ها به جنبه‌های مالی شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها پرداختند. در پژوهشی با عنوان «نقش جشنواره‌های فرهنگی دانشگاه در ارتقای ارزش ویژه برند دانشگاهی» با توضیح نسبت منابع دانشگاهی تخصیص یافته به فعالیت‌های فرهنگی، شاخص تخصیص بودجه را مطرح می‌کند (Kim & Kim, 2016). شاخص دیگری که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد توجه قرار داد، شاخص اعتمادسازی و رضایت جامعه دانشگاهیان است. این شاخص نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است اعتماد جامعه را جلب کند و رضایت عمومی را برای مردم، دانشجویان، دانش‌آموختگان و سایر ذی‌نفعان فراهم آورد (Hailu and Wu, 2020).

جانسون و دیویس (۲۰۱۸)، به بررسی روش‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در ارزیابی کیفیت و دسترسی به امکانات فرهنگی در دانشگاه‌ها می‌پردازند و بر نقش این موضوع در ارتقای تجربه دانشجویان و جذابیت دانشگاه‌ها به ویژه برای جامعه محلی تأکید می‌کند. در مقاله مذکور، نویسندگان به شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیت و دسترسی به فضاهای فرهنگی در دانشگاه‌ها پرداخته‌اند. برخی از این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- تنوع فضاهای فرهنگی: شامل موزه‌ها، نگارخانه‌ها، تالارهای نمایش، کتابخانه‌ها و سایر فضاهای فرهنگی موجود در دانشگاه است؛
- ۲- تجهیزات و فناوری: شامل وجود تجهیزات نوین، صوتی و تصویری، اینترنت بی‌سیم و سیستم‌های پخش ویدیو و صوتی در فضاهای فرهنگی است؛
- ۳- دسترسی فیزیکی: شامل وجود ساختارهای قابل دسترسی برای افراد با نیازهای خاص، راهروها و درب‌های مناسب برای استفاده آسان از فضاهای فرهنگی است؛
- ۴- برنامه‌ریزی رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی: شامل برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها، کنسرت‌ها و سایر فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه است؛
- ۵- تجربه دانشجویان: شامل ارضای نیازهای فرهنگی و هنری دانشجویان، ارتباط

مستقیم با هنرمندان و فضاهای آموزشی و خلاقانه در دانشگاه است. تقدیر و جوایز برای دستاوردهای برجسته فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها نیز یکی از شاخص‌های فرهنگی می‌باشد. در همین راستا در پژوهشی اشاره می‌شود که جوایز موجب افزایش خلاقیت و نوآوری دانشجویان و اساتید در فعالیت‌های دانشگاهی می‌شود و یادگیری را نیز افزایش می‌دهد (Carbone, 2021). در پژوهش‌های صورت گرفته تعداد و تنوع کانون‌ها و سازمان‌های فرهنگی دانشگاه‌ها به‌عنوان یک شاخص مهم مطرح می‌گردد. آموزش کارکنان نیز از شاخص‌های مورد توجه در حوزه فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها است. برنامه‌های آموزشی برای کارکنان درگیر در فعالیت‌های فرهنگی می‌تواند کیفیت و اثربخشی رویدادها را بهبود بخشد. شاخص اشتراک‌گذاری دانش نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است دانش و اطلاعات خود را با جامعه و سایر نهادها به اشتراک بگذارد. این اشتراک‌گذاری می‌تواند شامل انتشار مقالات و پژوهش‌های علمی، ساختارهای همکاری با صنعت و دیگر سازمان‌ها، برگزاری همایش‌ها و همکاو‌ها، و تبادل دانش با دانشگاه‌ها و مؤسسات دیگر باشد (Etzkowitz & et al, 2000).

شاخص دیگری که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد، و در تارنمای یونسکو^۱ نیز قابل مشاهده است، شاخص تسهیل فرهنگ‌سازی و ترویج هنر و فرهنگ است. این شاخص نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است محیطی فرهنگی، هنری و خلاقانه را برای اعضای جامعه دانشگاهی فراهم کند (unesco, 2005). شاخص دیگری که در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، شاخص تعامل با صنعت و بازار کار است. این شاخص نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه‌ها ارتباطات مستقیم و مثبت با صنعت و بازار کار دارند و چگونه به‌طور فعال به توسعه مهارت‌ها و آمادگی دانشجویان برای ورود به بازار کار کمک می‌کنند (Salmi, 2017; Arambewela, 2006). شاخص دیگری که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد، شاخص تعامل دانشگاه با صنعت و کارآفرینی است. این شاخص نیز نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است ارتباط و همکاری با صنعت و سازمان‌های کارآفرینی را برقرار کند و دانشجویان را به فعالیت‌های کارآفرینی و ارتباط با بازار کار ترغیب کند (Salamzadeh & et al, 2022).

1. <https://www.unesco.org/creativity/en/activities/cdis>

یکی از شاخص‌هایی که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد، شاخص ارتباط با دانشگاه‌های بین‌المللی است. این شاخص نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است ارتباطات بین‌المللی را با دانشگاه‌های دیگر در سراسر جهان توسعه دهد و در برنامه‌های تبادل دانشجویان و اساتید، همکاری در طرح‌های تحقیقاتی و ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی مؤثر باشد (Damme, 2001; Knight & Wit, 1995). شاخص دیگری که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد، شاخص ایجاد فرصت‌های بین‌المللی است. این شاخص نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه تلاش می‌کند برای ایجاد فرصت‌های بین‌المللی برای دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان خود، با دانشگاه‌ها و مؤسسات خارجی، آنها را تشویق به مشارکت نماید (Hudzik, 2011). شاخص دیگری که می‌توان در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها مورد استفاده قرار داد، شاخص ارتباط با محلی‌ها و توسعه محلی است. این شاخص نشان می‌دهد که دانشگاه چقدر با محیط محلی خود در ارتباط است و چگونه در توسعه محلی و تقویت اقتصاد و اجتماعی منطقه مشارکت می‌کند. می‌تواند شامل ارتباط با سازمان‌های محلی، شرکت در طرح‌ها و پروژه‌های محلی و حمایت از اقتصاد محلی باشد (Perkmann & Walsh, 2009; Williamson & et al, 2016).

شاخص ارتباطات بین‌فرهنگی به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های این حوزه نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است ارتباطات بین‌فرهنگی را ترویج دهد و فرصت‌هایی را برای تبادل فرهنگی و بین‌فرهنگی برای اعضای دانشگاه ایجاد کند. این شاخص می‌تواند از طریق برنامه‌های ترویج تفاهم بین‌فرهنگی، رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی، همکاری با سازمان‌ها و جوامع فرهنگی محلی و ارتباطات بین‌المللی بررسی شود (Phongsirikul & Thongrin, 2019; Scager & et al, 2016). همکاری‌های درون‌دانشگاهی نیز به‌عنوان یک شاخص فرهنگی موجب برانگیختن همکاری مؤثر، استقلال دانشجویان و رفتار خودتنظیمی می‌گردد. همچنین این شاخص باعث ایجاد احساس مسئولیت و مالکیت مشترک بر فرایند مشارکتی و محصول نهایی تکالیف گروهی می‌شود (Scager & et al, 2016). شاخص مشارکت اجتماعی و خدمات جامعه نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه به مشارکت با جامعه و ارائه خدمات به آن تمایل دارد و فعالیت‌های خدماتی، آموزشی و مشاوره‌ای که برای جامعه ارائه می‌دهد را شامل می‌شود (Dryjanska et al, 2022; Astin & et al., 2000).

حفظ و حراست از ارزش‌ها و اخلاقیات به‌عنوان یکی از شاخص‌های شناسایی شده در این پژوهش نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه تلاش می‌کند ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی را در فعالیت‌ها و برنامه‌های خود رعایت کند و محیطی اخلاقی و ارزشمند را برای اعضای جامعه دانشگاهی فراهم کند. این شاخص می‌تواند از طریق سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های اخلاقی، برنامه‌های آموزشی در حوزه ارزش‌ها و انتظارات اخلاقی بررسی شود (Hernando & et al, 2018). فرهنگ سازمانی به‌عنوان شاخصی دیگر در این حوزه، نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است فرهنگ و ارزش‌های منحصر به فرد درون سازمانی خود را به‌خوبی ترویج دهد و اعضای دانشگاه را به تعهد و همدلی با این فرهنگ سازمانی ترغیب کند. این شاخص می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی و آموزش فرهنگ سازمانی، فرصت‌های مشارکت و سازمان‌دهی در تصمیم‌گیری‌ها، و ارزیابی نظام‌مند فرهنگ سازمانی بررسی شود (Masland, 1985). توسعه پایدار به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های شناسایی شده نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه تلاش می‌کند در فعالیت‌ها و سیاست‌های خود به اصول توسعه پایدار توجه کند و در جهت حفظ محیط زیست، اجتماعی و اقتصادی تلاش کند. این شاخص می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی، طرح‌های پژوهشی و اقدامات عملی برای کاهش اثرهای منفی بر محیط زیست و توسعه پایدار بررسی شود (Paula & et al, 2022; Findler & et al, 2019; Disterheft & et al, 2012).

شاخص فعالیت‌های داوطلبانه و خدمات اجتماعی نشان می‌دهد که چقدر دانشگاه توانسته است فرصت‌های مشارکت داوطلبانه را برای دانشجویان فراهم کند و در ارائه خدمات اجتماعی به جامعه نقش فعالی ایفا کند. این شاخص می‌تواند از طریق برنامه‌های داوطلبانه، طرح‌های خدمات اجتماعی، همکاری با سازمان‌های غیرانتفاعی و ارائه خدمات به نیازمندان بررسی شود (Mustafa & et al., 2020; Astin & et al., 2000). شاخص دیگری که در ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها استفاده می‌شود، شاخص مسئولیت اجتماعی است. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه دانشگاه‌ها به مسئولیت‌های اجتماعی خود، از جمله تعهد به پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی، سازگاری اجتماعی و توسعه محلی پاسخ می‌دهند (Pizzutilo & Venezia, 2021; Morawska-Jancelewicz & et al, 2021).

بررسی پیشینه پژوهش بیانگر دو رویکرد کلی نسبت به مقوله شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی می‌باشد. در رویکرد اول برخی پژوهش‌های مورد مطالعه، خصوصاً پژوهش‌های داخلی توجه بیشتری به فعالیت‌هایی دارند که ماهیت فرهنگی و تربیتی

دارند و در رویکرد دوم برخی پژوهش‌ها نیز فعالیت‌های فوق برنامه را به‌مثابه فعالیت فرهنگی در نظر گرفته‌اند که این رویکرد بیشتر در پژوهش‌های خارجی نمود داشت. این در حالی است که می‌توان گفت، هیچ‌یک از این دو رویکرد نتوانسته‌اند تمامی ویژگی‌های مدنظر را به‌صورت مسنجم پوشش دهند و در مقایسه با ویژگی‌هایی که در این پژوهش به آن اشاره شده است جامعیت و انسجام کمتری دارند.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. مفاهیم نظری

۴-۱-۱. ارزیابی عملکرد

اندازه‌گیری عملکرد، از دیدگاه نیلی و همکارانش (۱۹۹۵)، به‌عنوان فرایند جهت کمی‌سازی فعالیت‌ها تعریف می‌گردد. در این مفهوم، اصطلاح اندازه‌گیری، با کمی‌سازی و اصطلاح عملکرد، با فعالیت متناظر می‌باشد؛ همچنین آن‌ها پیشنهاد می‌دهند که عملکرد بایستی به‌عنوان اثربخشی و کارایی یک فعالیت تعریف شود که از این نظر، به تعاریفی خواهیم رسید که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

• یک شاخص عملکرد، به‌عنوان معیاری جهت کمی‌سازی اثربخشی یا کارایی یک فعالیت تعریف می‌گردد؛

• اندازه‌گیری عملکرد، فرایند کمی کردن اثربخشی و کارایی فعالیت‌ها می‌باشد؛

• سیستم اندازه‌گیری عملکرد، به مجموعه‌ای از معیارهای مورد استفاده برای کمی‌سازی اثربخشی و کارایی یک فعالیت گفته می‌شود.

۴-۱-۲. ارزیابی عملکرد دانشگاه

فلسفه وجودی ارزیابی در آموزش عالی گزارش‌دهی^۱، توجیه^۲ و پاسخگویی^۳ است (فراستخواه و بازرگان، ۱۳۹۶). ارزیابی عملکرد که به‌عنوان فرایندی جهت قضاوت و بررسی کارآمدی برنامه‌های از پیش تعیین‌شده به کار گرفته می‌شود، نیازمند استفاده از ابزارها و الگوهای مخصوص به خود می‌باشد. رقابت شدید نهادهای آموزش عالی و دانشگاه‌ها و کوشش آنها در جهت ارائه خدمات با کیفیت بالاتر، موجب شده تا نیاز این نهادها به رویکردی جامع و کامل که بتواند تمامی زمینه‌های عملکردی مرتبط با موفقیت را مدنظر قرار دهد و عملکرد نهاد دانشگاه را در قالب آن ارزیابی نماید،

1. Reporting

2. Justification

3. Accountability

روز به روز افزایش یافته است (یارمحمدیان و دیگران، ۱۳۹۳). توسعه و رشد ارزیابی موفق به خصوص در حیطه سنجش عملکرد وابسته به مشخص نمودن سطوح فعالیت‌ها و نوع کیفیت با توجه متغیرهای درونی دانشگاه‌ها و روابط و تعاملات اجتماعی می‌باشد. به‌دیگرسخن محیط دانشگاه فراهم‌کننده ورودی و گیرنده خروجی‌های آن می‌باشد. همچنین محیط دانشگاه را می‌توان در سه سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۰).

۳-۱-۴. شاخص‌های فرهنگی

طبق پژوهش صورت گرفته توسط عبدی و کاوسی (۱۳۹۳)، شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی به‌منظور شناخت موقعیت کنونی وضعیت فرهنگی کشور، میزان مشارکت مردم در فرهنگ، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مختلف فرهنگی، ارزیابی میزان موفقیت یا ناکامی برنامه‌ها و الگوهای فرهنگی اجرا شده و یا در حال اجرا و نیز طراحی و تدوین چشم انداز مطلوب در آینده طراحی و به‌کار برده می‌شوند. علی‌رغم بسیاری از تلاش‌های صورت‌گرفته از دهه ۱۹۷۰ از سوی دولت‌ها و سازمان‌های مختلف بین‌المللی برای طراحی و تدوین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، نخستین شاخص‌های رسمی توسعه فرهنگی از سوی متخصصان و کارشناسان یونسکو در سال ۱۹۸۸ ارائه شده است. یونسکو ۱۲۹ شاخص فرهنگی را در قالب ۷ بُعد اصلی و ۲۸ مؤلفه دسته‌بندی نمود که دو سال بعد به‌دلیل شماری از انتقادات موارد قبلی را اصلاح نموده و در قالب ۱۵۵ شاخص جدید مطرح کرد.

داکسبوری^۱ (۲۰۰۳) بر این باور است که فشارها جهت تدوین شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، معمولاً از دو جهت قابل بررسی می‌باشد: نخست مقیاس‌هایی جهت بازبینی، ارزیابی و اثربخشی برنامه‌های فرهنگی به‌دست آید. دوم، بخشی از پروژه‌های تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی و حیات اجتماعی می‌باشد که امروزه بسیار فراگیر شده‌اند. به باور وی وجود دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف در مورد چگونگی و میزان تأثیر فعالیت‌های فرهنگی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی در جوامع دقت زیادی را می‌طلبد. جکسون^۲ و هرنانز^۳ به دشواری و پیچیده‌بودن فرایند تدوین شاخص‌های فرهنگی اقرار می‌کنند و معتقد هستند که برای سنجش هنر، فرهنگ و خلاقیت در یک جامعه دو مشکل عمده روش‌شناسی و نظری وجود دارد: مشکل

1. Duxbury
2. Jackson
3. Herrnanz

نخست نظری اینکه وجود تعاریف مختلف و مختصری است که نمی‌توانند تمامی جنبه‌ها و ویژگی‌های پدیده‌های فرهنگی را شامل شود، و مشکل دوم برقراری روابط علت و معلولی بین عوامل دخیل در پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی امری بسیار پیچیده و مشکل است.

از جمله افرادی که در زمینه طراحی مدل سنجش توسعه فرهنگی تلاش‌های قابل توجهی انجام داده را می‌توان به هاوکز^۱ استرالیایی اشاره کرد. مقاله معروف وی در سال ۲۰۰۱ با عنوان توسعه فرهنگی به‌عنوان بعد چهارم توسعه پایدار توجهات بسیاری را در جهان به‌خود جلب نمود.

۲-۴. مبانی نظری

۲-۴-۱. تاریخچه و سیر تکامل ارزیابی عملکرد

ارزیابی عملکرد^۲ به‌صورت چندمنبعی در سال‌های ۱۹۴۰ الی ۱۹۵۰ برای نخستین‌بار توسط نیروهای اطلاعاتی ارتش پادشاهی کشور انگلستان مورد بهره‌برداری و استفاده قرار گرفت و پس از آن در کشور آمریکا نیز این شکل از ارزیابی عملکرد در نیروهای نظامی آن کشور توسعه پیدا کرد. با گذشت زمان در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ نیز این شکل از نظام ارزیابی عملکرد در برخی بانک‌های ایالات متحده^۳ و شرکت نفت خلیج در حوزه ارتقای مشاغل مورد تأکید مدیران و رؤسای آنان قرار گرفت. پس از آن نیز در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی مجموعه‌ای از تحقیقات درباره این شکل مدل‌های ارزیابی چندوجهی و چندجانبه شروع به‌کار کرد و در نهایت به نگارش کتابی با همین موضوع، منجر گردید که تأثیر قابل توجهی در کاربرد این شکل از روش در سازمان‌ها گذاشت (موسی‌خانی و دیگران، ۱۳۸۸).

۲-۲-۴. گستره مفهوم عملکرد

در استعاره‌های سازمانی، عملکرد به چتری شبیه‌سازی می‌گردد که تمامی مفاهیم مورد نیاز یک سازمان برای دستیابی به موفقیت و فعالیت‌های مربوط به آن را تحت پوشش قرار می‌دهد. به این علت که نوع عملکرد سازمانی خاص، منحصربه‌فرد می‌باشد، مفهوم عملکرد کلی یک سازمان نیز پدیده‌ای پیچیده می‌باشد (اولیا و دیگران، ۱۳۸۹). در جدول ۱ به گستره مفهوم عملکرد در سال‌های مختلف و سیر

1. Hawkes

2. Performance evaluation

3. IBM

تطور و تکامل آن اشاره شده است.

جدول (۱): گستره مفهوم عملکرد

دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰	۲۰۰۰ به بعد
کارایی	کارایی	کارایی	کارایی	کارایی	کارایی
اثربخشی	اثربخشی	اثربخشی	اثربخشی	اثربخشی	اثربخشی
بهره‌وری	بهره‌وری	بهره‌وری	بهره‌وری	بهره‌وری	بهره‌وری
		انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری	انعطاف‌پذیری
			خلاقیت	خلاقیت	خلاقیت
					بهبود مستمر

در کلیه تعاریف ارزیابی به مفهوم علمی آن می‌توان سه عنصر و مؤلفه مشترک «فرایند منظم و هدفدار جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات»، «قضاوت ارزشی درباره میزان مطلوبیت مورد ارزیابی» و «اقدام و عمل مترتب بر نتایج ارزیابی» را مشاهده کرد (ابیلی و دیگران، ۱۴۰۰)

۵. روش پژوهش

روش فراترکیب^۱ نوعی مطالعه کیفی می‌باشد که اطلاعات مربوط به پژوهش و یافته‌های مستخرج از سایر مطالعات کیفی مرتبط با موضوع پژوهش و یا موارد مشابه با آن را بررسی نموده و سپس با رویکردی نظام‌مند، به کشف موضوعات جدید برای محققان می‌پردازد (Thorne & et al, 2004). به‌دیگر سخن، رویکرد فراترکیب که نوعی روش تحقیق اکتشافی می‌باشد، به دنبال ایجاد و استخراج یک چهارچوب مرجع مشترک برای کلیه یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های قبلی می‌باشد. همچنین در این روش، پژوهش‌های کیفی مستقل را با فرایند ترجمه، تحلیل و ترکیب در سطحی نظری جمع‌آوری می‌کند. در واقع فراترکیب فرایند جست‌وجو، ارزیابی، ترکیب و تفسیر پژوهش‌های کیفی پیشین در یک موضوع خاص می‌باشد (سهرابی؛ خلیلی و رودی، ۱۳۹۶). تحلیل محتوای کیفی نیز بر اساس هدف پژوهش می‌تواند با دو رویکرد استقرایی و قیاسی انجام پذیرد. براین اساس، هنگامی از رویکرد قیاسی استفاده می‌شود که ساختار تحلیل بر پایه دانش قبلی بنا شده باشد و یا هدف از انجام پژوهش، آزمون نظریه باشد. درمقابل هنگامی از رویکرد استقرایی استفاده می‌شود که پیرامون موضوع مورد نظر، دانش قبلی، کافی نباشد و یا دانش موجود

یکپارچه و منسجم نبوده و یا متکثر باشد (تسلیمی و علیپور، ۱۳۹۸). بر همین اساس و با توجه به اینکه در پژوهش‌های پیشین، پژوهش منسجم و یکپارچه‌ای پیرامون شناسایی معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها صورت نگرفته است، در پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی در دستور کار قرار گرفته است.

پیرامون روش فراترکیب، الگوهای مختلفی مطرح شده که شناخته‌شده‌ترین آنها شامل الگوی هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۷)، الگوی شش مرحله‌ای والش و داوون^۲ (۲۰۰۵) و الگوی سه مرحله‌ای نوبلت و هیر^۳ (۱۹۸۸) می‌باشد. در پژوهش حاضر از الگوی ساندلوسکی و باروسو استفاده شده است که در پژوهش‌های فراترکیب بیشتر از دیگر الگوها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در پژوهش حاضر تحلیل ۵۷۱ منبع داخلی و خارجی در حوزه معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها بررسی شد و در نهایت ۵۲ منبع داخلی و خارجی برای تحلیل نهایی انتخاب شده‌اند. از این تعداد ۶ منبع داخلی و ۴۶ منبع خارجی بوده‌اند. در این پژوهش داده به کمک روش اسنادی و ابزار یادداشت‌برداری گردآوری شده‌اند. در روش اسنادی جهت نگارش ادبیات پژوهش، از یادداشت‌برداری یا ابزار فیش‌برداری از منابع منتشر شده در زمینه معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها استفاده شده است. همچنین با بهره‌برداری از روش تحلیل محتوا، مرحل چهارم فراترکیب جهت تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج منابع استفاده شده است. به نحوی که با تحلیل و بررسی مطالعات و آثار پژوهشگران و صاحب‌نظران در این حوزه، به دسته‌بندی نظرها و ایده‌های آنها و ارائه چهارچوب جدیدی از معیارهای فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها پرداخته شده است. علاوه بر این، برای استخراج مفاهیم، مؤلفه‌ها و معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، از روش هفت مرحله‌ای فراترکیب (Sandelowski & Barroso, 2007) استفاده شده است که این هفت مرحله به ترتیب عبارت‌اند از:

1. Sandelowski and Barroso
2. Walsh and Dawn
3. Noblet and Hare (1988)



Source: (Sandelowski and Barroso, 2007)

شکل (۱): گام‌های فرایندی و روش کلی فراترکیب

در ادامه مراحل پیاده‌سازی روش فراترکیب در این پژوهش بیشتر تشریح شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر شامل یک سؤال اصلی پیرامون معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و دو سؤال فرعی پیرامون ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها می‌باشد که برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش لازم است ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های این حوزه با یک رویکرد کل‌نگر شناسایی شده و سپس معیارهای مربوط به آن تعیین گردد. لذا در پژوهش حاضر، ۸ بُعد، ۳۱ مؤلفه و ۶۴ معیار مطابق با جدول ۵، تحت عناوین بعد، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی بیان شده است. در ادامه مراحل رسیدن به این ابعاد، مؤلفه‌ها و معیارها در چهارچوب گام‌های روش فراترکیب بیان می‌گردد.

مرحله اول: تنظیم پرسش پژوهش

در مرحله نخست از الگوی ساندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)، پرسش‌های مبنایی، بر اساس داده‌های جدول ۱ بیان گردید و با پاسخ به این سؤالات، محدوده کاری پژوهش مشخص و محدودیت‌های احتمالی که زمینه‌ساز مسائل و ابهام‌های احتمالی در مراحل بعدی پژوهش می‌شود، برطرف شد.

جدول (۲): پرسش‌های مرحله اول فراترکیب مبتنی بر ساندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)

پارامتر	پرسش‌های پژوهش کیفی فراترکیب
چیستی کار ^۱	مطالعه منابع علمی و تعیین معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها
جامعه مورد مطالعه ^۲	۵۷۱ منبع منتشر شده (مقالات داخلی و خارجی) پیرامون معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها
بازه زمانی ^۳	منابع علمی منتشرشده پیرامون معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۲ میلادی و ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ شمسی تا زمان انجام پژوهش
چگونگی روش ^۴	بررسی موضوعی منابع، روش‌ها و معیارهای انتخاب منابع، یادداشت و نکته برداری، تجزیه و تحلیل، دسته‌بندی و مقوله‌بندی مفاهیم پژوهش

در این مرحله با توجه به ماهیت و چیستی مسئله، فقط منابعی برای تحلیل انتخاب شدند که درباره مفاهیم، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها بحث کرده بودند. بعد از آن، منابع علمی منتشرشده در پایگاه‌های اطلاعاتی، مجله‌ها و موتورهای جستجو، طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۲ میلادی و ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۲ شمسی بررسی و جست‌وجو شدند و درنهایت، به چگونگی انتخاب روش‌ها، معیارهای تحلیل، دسته‌بندی و مقوله‌بندی مفاهیم مدنظر پرداخته شد.

مرحله دوم: بررسی نظام‌مند متون

برای بررسی منابع علمی منتشرشده، کلیدواژه‌های مندرج در جدول ۱، در موتورهای جست‌وجوی خارجی همچون گوگل و پایگاه‌های داده‌های علمی همچون گوگل اسکالر، اسکوپوس، اشپیرینگر، امرالد، تیلور و فرانسس و پایگاه‌های داده‌های علمی داخلی مانند نورمگز، مگیران و علم‌نت جست‌جو شده است. در مطالعات خارجی فعالیت‌های فوق‌برنامه نیز معنای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مدنظر پژوهش حاضر را دارد لذا ما در بررسی‌های خود علاوه بر جست‌جوی‌های گوناگون واژگان مرتبط با cultural and social performance با جست‌جوی دیگر واژگان همچون extracurricular activity, extra academic activity در دانشگاه‌ها و

1. What
2. Who
3. When
4. How

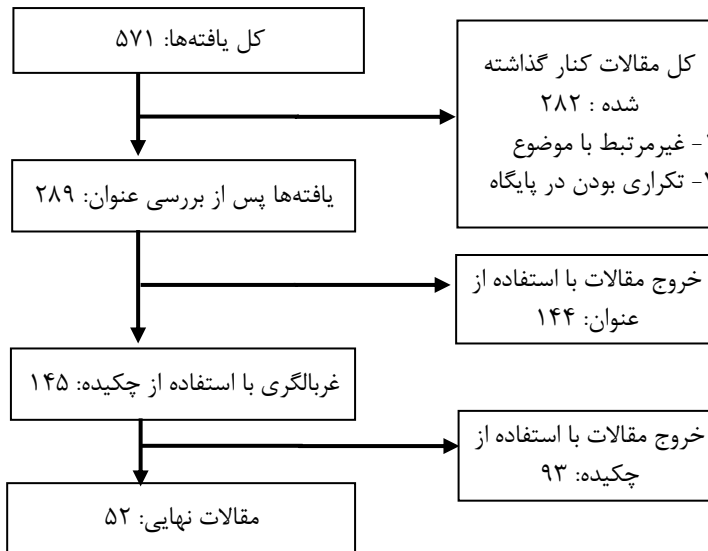
دانشکده‌ها، گستره پژوهش خود را توسعه و دقت بخشیدیم.

جدول (۳): واژگان کلیدی جستجو شده

تعداد	پایگاه داده‌های داخلی				پایگاه داده‌های خارجی				واژگان جستجو	
	علم نت	مگیران	نورمگز	تیلور و فرنسیس	اسکالر	اسکوپوس	اینپربنکر	امرالذ	واژگان انگلیسی	واژگان فارسی
۱۲۵	۱۱	۶	۳۶	۱۲	۲۸	۹	۱۳	۱۰	Cultural and social indicators	شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها
۱۶۷	۳۸	۳۹	۴۴	۴	۲۶	۶	۹	۱	Cultural and social evaluation of universities	ارزیابی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها
۱۱	۱	۱	۳	۰	۵	۰	۱	۰	Cultural and social evaluation indicators of universities	شاخص‌های ارزیابی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها
۱۵۶	۳۵	۱۳	۳۰	۶	۱۲	۱۲	۴۷	۱	University extracurricular activities	فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه
۲۰	۰	۰	۰	۰	۴	۰	۱۶	۰	Evaluation of university extracurricular activities	ارزیابی فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه
۹۲	۶	۶	۴	۳۳	۶	۱۵	۱۲	۱۰	Evaluation of university performance	ارزیابی عملکرد فرهنگی دانشگاه
۵۷۱	مجموع مقالات اولیه یافت شده									

مرحله سوم: جستجو و انتخاب منابع مناسب

در مرحله سوم، جهت بررسی، تحلیل و انتخاب منابع مناسب و مورد نظر، از الگوریتم مطرح شده در شکل ۱، استفاده شده است؛ به این معنا که منابع مورد نظر، بر اساس عنوان، چکیده، محتوا و روش‌شناسی، مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین برای رسیدن به منابع نهایی، از طریق مؤلفه روش‌شناسی، بر چهار معیار جامعه آماری، روش، جمع‌آوری داده، طرح تحقیق و نتایج تمرکز شد. سرانجام، ۵۲ منبع برای فراترکیب نهایی انتخاب شد که از این تعداد، ۴۶ منبع به زبان انگلیسی و ۶ منبع به زبان فارسی بود.



شکل (۲): فرایند غربالگری مقالات مرتبط

مرحله چهارم: استخراج نتایج منابع

در مرحله چهارم، بعد از گردآوری داده‌های مربوط به منابع منتخب، بر اساس مشخصات نام و نام خانوادگی پژوهشگر، سال انتشار مقالات، نوع منبع علمی و مشخصات روش‌شناختی (جامعه پژوهش، روش پژوهش و ابزار پژوهش) مشخص شد که از ۵۲ مدرک منتخب برای فراترکیب نهایی، ۴۶ عنوان از آنها انگلیسی بود و ۶ عنوان از آنها نیز مقاله فارسی بوده‌اند. شایان ذکر است که به دلیل محدودیت فضای لازم، جدول ۵۲ منبع انتخاب شده برای فراترکیب، اضافه نشده است؛ اما در محتوای پژوهش به کلیه موارد پرداخته شده و در ارجاعات پایان‌متنی نیز قرار گرفته است.

مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها

در مرحله پنجم از این روش فراترکیب، پس از استخراج مقوله‌های اصلی از ۵۲ منبع منتخب که شامل ۱۱۰ کد اولیه بود، کدهای تکراری حذف و سپس مقوله‌های اصلی استخراج و کدگذاری شدند. در جدول ۳، ضمن اشاره به ۸ مقوله اصلی پژوهش، فراوانی و رتبه هر مقوله را نیز بیان کرده است.

جدول (۴): کدگذاری مقوله‌های اصلی و فراوانی و رتبه آنها

رتبه	فراوانی	مقوله	ردیف
۱	۲۷	رویکردها و جهت‌گیری‌های مهم	۱
۲	۲۲	تعاملات و ارتباطات	۲
۳	۱۴	برنامه‌ها و رویدادها	۳
۴	۱۳	گروه‌های دانشگاهی	۴
۵	۸	نظام مدیریتی	۵
۶	۵	زیرساخت‌ها امکانات و تجهیزات	۶
۷	۳	فعالیت‌ها و برنامه‌های ویژه اساتید و کارکنان	۷
۸	۲	تولیدات محتوایی رسانه‌ای و فضای مجازی	۸

بر اساس داده‌های جدول ۲، مقوله‌های رویکردها و جهت‌گیری‌های مهم، تعاملات و ارتباطات، برنامه‌ها و رویدادها، گروه‌های دانشگاهی، نظام مدیریتی، زیرساخت‌ها امکانات و تجهیزات، فعالیت‌ها و برنامه‌های ویژه اساتید و کارکنان و نهایتاً تولیدات محتوایی رسانه‌ای و فضای مجازی به ترتیب با ۲۷، ۲۲، ۱۴، ۱۳، ۸، ۵، ۳ و ۲ فراوانی در رتبه‌های اول تا هشتم قرار دارند. پس از استخراج و انتخاب مقوله‌های اصلی، مفاهیم مرتبط با آنها نیز استخراج شد.

مرحله ششم: کنترل کیفیت کدهای مستخرج

در مرحله ششم که به کنترل کیفیت کدهای استخراج شده اختصاص دارد، روایی و پایایی کدهای مستخرج بررسی شد. برای ارزیابی کیفیت فراترکیب از ابزار گلین (۲۰۰۶) برای تعیین دقت، اهمیت و اعتبار مطالعات کیفی استفاده شده است. افزون‌براین، به‌منظور بررسی پایایی روش فراترکیب، ابتدا منابع منتخب برای فراترکیب، همراه با کدهای اولیه استخراج شده، در اختیار متخصصان دیگر مسائل فرهنگی و اجتماعی در وزارت علوم و دانشگاه تهران قرار گرفت تا آنها نیز مقوله‌های اصلی و فرعی را از بین این کدها استخراج کنند. دو نفر از خبرگان از اعضای هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، یکی از خبرگان از اعضای مرکز پژوهش‌های مجلس و یکی دیگر از خبرگان از مدیران فرهنگی وزارت علوم بوده‌اند. همه متخصصان روی ۸ مقوله اصلی پژوهش اتفاق نظر داشتند؛ اما در خصوص مقوله‌های فرعی استخراج شده اختلاف نظر اندکی وجود داشت که به اصلاح آنها پرداخته شد.

جدول (۵): اعضای کارگروه تخصصی

شماره	مسئولیت یا سمت اجرایی	سابقه فعالیت
۱	مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	دکتری مدیریت دولتی و هیئت علمی دانشگاه تهران، دبیر اتاق فکر فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، مدیر گروه «مدیریت و حکمرانی»، عضو شورای سیاست‌گذاری و رئیس شورای علمی و مدیریت محتوای طرح تعالی منش استادی وزارت علوم.
۲	معاون دفتر سیاست‌گذاری معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	سابقه فعالیت در روابط عمومی وزارت علوم، مدیریت فرهنگی در دانشگاه‌ها، و مشاور فرهنگی، رئیس اداره فعالیت‌های اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۳	معاون علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران	استاد هیئت علمی و معاون فرهنگی سابق دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
۴	عضو و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس	دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تهران

مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

در پژوهش حاضر، ابتدا کلیه معیارهای مستخرج از مطالعات داخلی و خارجی به‌عنوان کدهای پژوهش در نظر گرفته شد و سپس بر مبنای مفاهیم کدهای حاصله، کدهای مشابه نیز در یک مفهوم واحد دسته‌بندی گردید که در جدول زیر به آن اشاره شده است.

جدول (۶): دسته‌بندی ویژگی‌های استخراج‌شده از مقالات

مقوله اصلی	مقوله فرعی	منابع	کد
مشارکت اجتماعی	مشارکت اجتماعی و خدمات جامعه	Dryjanska et al, 2022; Astin et al., 2000	۱. کار و پژوهش‌های مهم
حفظ و حراست از ارزش‌ها و اخلاقیات	حفظ و حراست از ارزش‌ها و اخلاقیات، پشتیبانی روان‌شناختی، حمایت از آثار هنری	Hernando et al, 2018; Brajkovic, 2020; Davis, 2014	
فرهنگ سازمانی	فرهنگ سازمانی	Masland, 1985	
پایداری و توسعه محیط زیست	توسعه پایدار، حفظ محیط زیست	Paula et al, 2022; Findler et al, 2019; Disterheft et al, 2012	

منابع	مقوله فرعی	مقوله اصلی	تعداد
Pugh & et al, 2018; power & Malmberg, 2008; عبدی و کاووسی، ۱۳۹۳	ایجاد فرهنگ کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت، کسب و کارهای فرهنگی	کارآفرینی و نوآوری	
Mustafa & et al., 2020; Astin et al., 2000	فعالیت‌های خدماتی و اجتماعی داوطلبانه	فعالیت‌های داوطلبانه	
Pizzutilo & Venezia, 2021; Morawska-Jancelewicz & et al, 2021	مسئولیت اجتماعی، نوآوری اجتماعی	فعالیت‌های اجتماعی	
هادوی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸	تعداد پیوست‌های فرهنگی مبتنی بر الگوهای ایرانی اسلامی	الگوهای ایرانی و اسلامی	
هادوی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸	تدوین منشورها و کارنامه‌های تربیتی	تدوین منشور فرهنگی	
salmi, 2017; Arambewela, 2006; Salamzadeh & et al, 2022; Ankrah & AL-Tabbaa, 2015;	ارتباط با صنعت و کارآفرینی	تعامل و ارتباط با صنعت و جامعه	۲. تعاملات و ارتباطات
Damme, 2001; Knight & Wit, 1995; Hudzik, 2011;	ارتباط با دانشگاه‌های بین‌المللی	ارتباطات بین‌المللی	
Phongsirikul & Thongrin, 2019; Scager & et al, 2016; Gibbons & et al, 1994; Knight, 2003	ارتباطات بین فرهنگی	ارتباطات بین فرهنگی	
Perkmann & Walsh, 2009;	ارتباط و همکاری با محیط محلی	ارتباط و همکاری جامعه	
Scager & et al, 2016	همکاری بین برنامه‌ها و بخش‌های مختلف	همکاری درون‌دانشگاهی	
Williamson & et al, 2016; Gibbons & et al, 1994	همکاری و هماهنگی با سایر نهادها	همکاری نهادی	
Knight, 2003	ارتباط با دانشگاه‌های دیگر	همکاری با دانشگاه‌های دیگر	
Jones & Abes, 2013; Denson & Chang, 2009; عبدی و کاووسی، ۱۳۹۳ هادوی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸	تنوع برنامه‌ها، برگزاری مراسم ملی، مذهبی، اردوهای برگزار شده، برنامه‌های معرفت‌افزایی دینی	برنامه‌های فرهنگی	۳. برنامه‌ها
Carbone, 2021	تقدیر و جوایز برای دستاوردهای برجسته فرهنگی و اجتماعی دانشگاه	جوایز	
power & Malmberg, 2008	رویدادهای فرهنگی و اجتماعی	رویدادها	
Kuzu, 2021;	تعداد و تنوع کانون‌ها، کانون‌های دانشجویی	کانون‌ها	۴. دانشگاه‌های گروه‌های
Pascarella & Terenzini, 2005; Astin, 1984; گنجی و دیگران، ۱۳۹۸	مشارکت دانشجویان، مشارکت فرهنگی، مشارکت سیاسی	مشارکت دانشجویی	

ردیف	مقاله اصلی	مقاله فرعی	منابع
			جهانیان، ۱۳۸۹ پالیزبان، ۱۳۹۰
	توانمندسازی و آموزش	حمایت از رشد شخصی و حرفه‌ای	Krause & coates, 2008
	ایجاد فرصت	فرصت آموزشی فرهنگی، فرصت‌های رهبری دانشجویان	Hurtado & et al, 1998; Liu & et al., 2015
۵. نظام مدیریتی	مالی	تخصیص بودجه، بودجه فرهنگی، سطح بودجه و منابع تخصیص یافته، اعتمادسازی	Kim & Kim, 2016; Kezar & Rhoads, 2001
	ارزیابی	سازوکارهای بازخورد، ارزیابی تأثیر فرهنگی، رضایت دانشجویان، رضایت و انگیزش دانشجویان، اعتمادسازی و رضایت جامعه	Matarasso, 2017; Kuh & et al, 2006; Oplatka & et al, 2012; Hailu and Wu, 2020
	مدیریتی	اسناد و نظامات، جلسات و منابع انسانی	هادوی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸
۶. زیرساخت‌ها و امکانات	کیفیت دسترسی به امکانات فرهنگی	فضاهای فرهنگی، تجهیزات و فناوری، دسترسی فیزیکی، برنامه‌ریزی، رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی، تجربه دانشجویان	Johnson & Davis, 2018; عبدی و کاووسی، ۱۳۹۳
	اساتید	مشارکت اعضای هیئت علمی، مربی‌گری اساتید	Chen & Wang, 2018; Barr & Tagg, 1995
۷. فعالیت‌های ویژه کارکنان	کارکنان	آموزش کارکنان، مشارکت کارکنان، تقدیر کارکنان	Paavola, 2020; هادوی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸
	همکاری رسانه‌ای	تعامل با رسانه‌های اجتماعی، نمایش پیشرفت‌ها و دستاوردها	عبدی و کاوسی، ۱۳۹۳ هادوی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۸
۸. تولیدات محتوایی	نشر و اشتراک‌گذاری	اشتراک‌گذاری دانش، تسهیل فرهنگ‌سازی و ترویج هنر و فرهنگ، شفافیت و انتشار اطلاعات فرهنگی، آثار مکتوب	Etzkowitz & et al, 2000; unesco, 2005; Leidner, 2010; عبدی و کاووسی، ۱۳۹۳

درنهایت، پس از دستیابی به یافته‌های فراترکیب معیارهای ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها در قالب جدول شماره ۵، در شکل ۳ نیز مشروح

دانشگاه‌ها بر شمرده‌اند. برخی پژوهش‌ها خصوصاً پژوهش‌های داخلی با رویکرد فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی به این موضوع پرداخته بودند که می‌توان به پژوهش‌های عبدی و کاوسی (۱۳۹۳) و هادوی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) اشاره نمود. برخی پژوهش‌ها نیز با رویکرد فعالیت‌های فوق برنامه به موضوع معیارهای فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه پرداخته بودند که تجلی آن را می‌توان در پژوهش‌های خارجی بیشتر مشاهده نمود و می‌توان به پژوهش درایانسکا و همکاران (۲۰۲۲)، آستین و همکاران (۲۰۰۰) و موراوسکا و همکاران (۲۰۲۱) اشاره کرد. به نحوی می‌توان گفت که هیچ‌یک از این دو رویکرد نتوانسته‌اند که تمامی ویژگی‌های مدنظر را پوشش دهند و در مقایسه با ویژگی‌هایی که در این پژوهش به آن اشاره شده است جامعیت کمتری دارند؛ البته این موضوع با توجه به رویکرد کل‌نگر فرایند انجام پژوهش فراترکیب که خروجی یکپارچه، جامع و منسجمی ارائه می‌نماید، طبیعی می‌باشد. به این معنا که استفاده از این روش، به دلیل رویکرد نظام‌مند و فراگیر بودن آن می‌تواند ابعدی از موضوع را بیان کند که دیگر پژوهش‌های منفرد از آن غافل مانده‌اند. بر همین اساس و با توجه به یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، طبقه‌بندی جدید و یکپارچه‌ای برای ارزیابی معیارهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها با ۸ بُعد، ۳۱ مؤلفه و ۶۴ معیار شناسایی گردید.

پیشنهادها

در پایان و با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد، پژوهش حاضر به‌عنوان مدخلی برای تغییر رویکرد وزارت علوم به معاونت فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها مورد توجه پژوهش‌های آتی قرار گیرد. به‌نحوی که پس از بازنگری سیاست‌های کلی آموزش عالی، مقوله فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان یک مؤلفه در رتبه‌بندی دانشگاه‌ها تأثیر داشته باشد. همچنین پژوهش حاضر می‌تواند به رتبه‌بندی فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها کمک کند؛ لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به ارزیابی عملکرد فردی دانشگاهیان خصوصاً دانشجویان و اساتید نیز پرداخته شود تا ضمن ایجاد کارنامه فردی، امکان صحت‌سنجی و اعتبار عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه نیز برقرار شود. این اقدام چنانچه به‌درستی و بر اساس ظرفیت‌های علمی و پژوهشی متقن صورت پذیرد، می‌تواند ضمن تقویت عملکرد فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها، یکی از معیارهای مؤثر در انتخاب و ارتقا دانشجویان و اساتید در مراحل و فرایندهای سازمانی باشد.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش نیز پراکندگی و عدم انسجام معیارها در مطالعات داخلی و خارجی بوده است. به‌نحوی که طی بررسی‌های صورت گرفته در مطالعات پژوهش، هیچ‌یک از مطالعات معیارهای فرهنگی و اجتماعی را به‌صورت یک مجموعه تجمیع شده جهت ارزیابی عملکرد مورد بررسی قرار نداده است بلکه به‌صورت موردی هر یک از معیارهای فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه بررسی همان معیارهای موردی نیز به‌منظور بررسی تأثیر آن بر روی عوامل دیگری همچون مسائل آموزشی و تحصیلی بوده است، نه از حیث ارزیابی عملکرد فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها و این موضوع موجب گردید تا گروه پژوهش با بهره‌گیری از منابع متعدد با رویکردی نظام‌مند این خلأ را در قالب پژوهش فراترکیب حاضر برطرف نمایند؛ البته این نکته نیز حائز اهمیت است که در روش فراترکیب بدون در نظر گرفتن شرایط بومی و فرهنگی کشور ایران، معیارهای مربوطه از مجموع پژوهش‌های داخلی و خارجی شناسایی و انسجام‌بخشی شده‌اند؛ لذا بایستی در سیاست‌گذاری‌ها و مطالعات آتی این حوزه نسبت به بومی‌سازی آن اهتمام جدی ورزید.

فهرست منابع

- ابیلی، خدایار و دیگران (۱۴۰۰). شناسایی و اعتبارسنجی شاخص‌های ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی نظام آموزش عالی. *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۷(۴)، ۲۹۹-۳۱۸.
- اولیاء، محمد صالح؛ مدرسی، سید ناصر و بهجت، محسن (۱۳۸۹). آشنایی با سیستم‌های ارزیابی عملکرد. تهران: انتشارات نص.
- پارسانیا، حمیدرضا (۱۳۸۷). نسبت علم و فرهنگ. *راهبرد فرهنگ*، ۱(۲)، ۵۱-۶۴.
- پالیزبان، محسن (۱۳۹۰). بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه سیاست*، ۴۱(۲)، ۳۳-۴۹.
- تسلیمی، محمدسعید و علیپور، میثم (۱۳۹۸). رویکردهای استعدادپژوهی در خط‌مشی‌های نخبگانی کشور. *مدیریت دولتی*، ۱۱(۱)، ۱۲۲-۱۵۰.
- جوهری، فاطمه و هلالی ستوده، مینا (۱۴۰۱). سیاست‌های فرهنگی دانشگاه: نسبت میان آرمان تا واقعیت. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۸(۴)، ۲۳-۴۱.

- جهانیان، رمضان (۱۳۸۹). توسعه مشارکت دانشجویان در دانشگاه. پژوهش‌های مدیریت، (۸۴).
- ریگی، عاطفه (۱۴۰۰). ارزیابی کیفیت دانشگاه‌های ایران از بُعد اجتماعی - فرهنگی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، (۱)۱۸، ۲۲۰-۱۹۳.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ امیری، علی نقی و زارعی متین، حسن (۱۳۹۰). کشف «فرهنگ دانشگاه»: واکاوی نظری و گونه شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)، (۱)۵، ۹۷-۴۵.
- سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲). جلسه ۷۳۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵.
- سهرابی، بابک؛ خلیلی جعفرآباد، احمد و رودی، امیر (۱۳۹۶). کشف ویژگی‌های حوزه‌های تحقیقاتی نوظهور با استفاده از روش فراترکیب. سیاست علم و فناوری، (۴)۹، ۳۰-۱۵.
- عبدی، مصطفی و کاوسی، اسماعیل (۱۳۹۳). طراحی و ارائه الگوی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ایران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. مطالعات توسعه اجتماعی ایران، (۱)۷، ۱۱۰-۹۳.
- فراستخواه، مقصود و بازرگان، عباس (۱۳۹۶). نظارت و ارزیابی در آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت.
- کریمیان، حسین و صفایی اصل، محسن (۱۴۰۰). ارزیابی میزان اثربخشی برنامه‌های فرهنگی - تربیتی دانشگاه فرهنگیان. مطالعات سیاست‌گذاری تربیت معلم، (۲)۸، ۸۴-۶۱.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن و حیدریان، امین (۱۳۹۷). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت فرهنگی در فضای دانشگاه. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، (۷۱)۲۹، ۴۰-۱۹.
- موسی‌خانی، مرتضی؛ حق‌خواه، داود و حسن‌زاده، رقیه (۱۳۸۸). ارائه یک چهارچوب مفهومی برای ارزیابی عملکرد دانشگاه. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال سوم، (۳).
- هادوی‌نژاد، مصطفی؛ اسماعیل‌زاده، منصور و دستاران، لیلا (۱۳۹۸). آمایش شاخص‌های پایش اهداف کلان فرهنگی دانشگاه: مطالعه‌ای موردی. دومین همایش ملی فرهنگ دانشگاهی، بیرجند.
- یارمحمدیان، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۳). ارائه مدلی برای ارزیابی عملکرد

دانشگاه‌ها؛ مورد مطالعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسکان. فصلنامه علمی - پژوهشی ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ششم، (۲).
 یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۰). درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- Ankrah, S., & AL-Tabbaa, O. (2015). Universities–industry collaboration: A systematic review. *Scandinavian Journal of Management*, 31(3), 387-408. doi:10.1016/j.scaman.2015.02.003
- Arambewela, R. & Hall, J. (2006). A Comparative Analysis of International Education Satisfaction Using SERVQUAL. *Journal of Services Marketing*, 20(5), 317-330. doi:10.1108/08876040610681141
- Astin, A. W. (1984). Student Involvement: A Developmental Theory for Higher Education. *Journal of College Student Development*, 40(5), 518-529.
- Astin, A. W.; Vogelgesang, L. J.; Ikeda, E. K. & Yee, J. A. (2000). *How Service Learning Affects Students*. Higher Education Research Institute, University of California, Los Angeles.
- Barr, R. B. & Tagg, J.(1995). From Teaching to Learning —A New Paradigm For Undergraduate Education. *Change: The Magazine of Higher Learning*, 27(6), 12–26. doi:10.1080/00091383.1995.10544672
- Carbone, A. (2021). The value of the Australian Awards for University Teachers(AAUT): Building and maintaining excellence in teaching and learning across the nation. *Journal of University Teaching & Learning Practice*, 18(6), 12-17. https://doi.org/10.53761/1.18.6.2
- Chen, J. & Wang, R. (2018). Cultural entrepreneurship in higher education institutions: A systematic review of literature. *Education Sciences*, 8(3), 114.
- Damme, D. V. (2001). Quality issues in the internationalisation of higher education. *Higher Education*, 41(4), 415–441. doi:10.1023/a:1017598422297
- Denson, N. & Chang, M. J. (2009). Racial and Ethnic Diversity in Higher Education: A Critical Review of the Research Literature. *ASHE Higher Education Report*, 35(3), 1-124.
- Disterheft, A.; Ferreira da Silva Caeiro, S. S.; Ramos, M. R. & de Miranda Azeiteiro, U. M. (2012). Environmental Management Systems(EMS) implementation processes and practices in European higher education institutions-Top-down versus participatory approaches. *Journal of Cleaner Production*, (31), 80–90.
- Dryjanska L.; Kostalova J. & Vidović D. (2022). *Higher Education Practices for Social Innovation and Sustainable Development*. In: Păunescu C., Lepik KL., Spencer N.(eds) Social Innovation in Higher Education. Innovation, Technology, and Knowledge Management. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-84044-0_6
- Duxbury, N. (2003). *Cultural indicators and Benchmarks in Community*,

- Quebec, Canada, Strategic Policy and Research Department of Canadian Heritage.
- Etzkowitz, H.; Webster, A.; Gebhardt, C. & Cantisano Terra, B. R.(2000). The future of the university and the university of the future: Evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm. *Research Policy*, 29(2), 313-330.
- Ferreira, M. (2006). *Rethinking academic culture in the information age*, Unpublished doctoral dissertation, McGill University, Canada.
- Findler, F.; Schönherr, N.; Lozano, R.; Reider, D. & Martinuzzi, A.(2019). *The impacts of higher education institutions on sustainable development*. International Journal of Sustainability in Higher Education. doi:10.1108/ijshe-07-2017-0114
- Gibbons, M.; Limoges, C.; Nowotny, H.; Schwartzman, S.; Scott, P., & Trow, M. (1994). *The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies*. Sage Publications.
- Hernando, A.; Diez-Vega, I.; Lopez del Hierro, M.; Martínez-Alsina, N.; Diaz-Meco, R.; Busto, M. J. & González-Cuevas, G. (2018). Ethical values in college education: a mixed-methods pilot study to assess health sciences students' perceptions. *BMC Medical Education*, 18(1). doi:10.1186/s12909-018-1396-7
- Hudzik, J. K. (2011). *Comprehensive Internationalization: From Concept to Action*. NAFSA: Association of International Educators.
- Hurtado, S.; Milem, J. F.; Clayton-Pedersen, A. R. & Allen, W. R. (1998). Enhancing campus climates for racial/ethnic diversity: Educational policy and practice. *The Review of Higher Education*, 21(3), 279-302.
- Johnson, R. & Davis, S. (2018). Measuring Quality and Accessibility of Cultural Facilities in Higher Education Institutions. *Journal of Cultural Management and Policy*, 12(1), 45-62
- Jones, S. R. & Abes, E. S. (2013). *Identity Development of College Students: Advancing Frameworks for Multiple Dimensions of Identity*. Jossey-Bass.
- Joy, Davis (2014). Museums and higher education working together: challenges and opportunities. *Museum Management and Curatorship*, 29(3), 293-296. DOI: 10.1080/09647775.2014.919166
- Kezar, A. & Rhoads, R. A. (2001). The dynamic tensions of service learning in higher education: A philosophical perspective. *Michigan Journal of Community Service Learning*, 8(1), 43-54
- Kim, H. & Kim, Y. (2016). The role of university cultural festivals in promoting university brand equity. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 28(2), 284-302.
- Kirsi, Paavola (2020). *The Significance of Training in Employee Engagement Case Study of a Consulting Firm*.
- Knight, J. & De Wit, H. (Eds.). (1995). *Internationalization of higher education in Asia Pacific countries*. European Association for International Education.
- Knight, J. (2003). Updating the Definition of Internationalization.

- International Higher Education*, (33), 2-3.
- Krause, K. L. & Coates, H. (2008). Students' Engagement in First-Year University. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 33(5), 493-505.
- Kuh, G. D.; Kinzie, J.; Buckley, J. A.; Bridges, B. K. & Hayek, J. C. (2006). *What Matters to Student Success: A Review of the Literature*. Commissioned Report for the National Symposium on Postsecondary Student Success: Spearheading a Dialog on Student Success.
- Kuzu, O. H. (2021). Student clubs at universities: a content analysis on diversity. *Journal of Qualitative Research in Education*, (27), 52-73. doi:10.14689/enad.27.4
- Liu, Z.; Hossain, L. & Kwok, L. (2015). Cultural festivals as a vehicle for international student engagement. *Journal of Studies in International Education*, 19(1), 30-47.
- Lucia, Brajkovic (2020). *Student Affairs and Services in Higher Education: Global Foundations*. Issues, and Best Practices - Third Edition, ISBN: 978-3-00-066108-2
- Masland, A. T. (1985). Organizational Culture in the Study of Higher Education. *The Review of Higher Education*, 8(2), 157-168. doi:10.1353/rhe.1985.0026
- Matarasso, F. (2017). *A restless art: How participation transforms people and communities*. Calouste Gulbenkian Foundation.
- Morawska-Jancelewicz, J. (2021). The Role of Universities in Social Innovation Within Quadruple/Quintuple Helix Model: Practical Implications from Polish Experience. *Journal of the Knowledge Economy*. doi:10.1007/s13132-021-00804-y
- Milkyas, Hailu & Jianhua, Wu (2020). The Use of Academic Social Networking Sites in Scholarly Communication. *Scoping Review Data and Information Management*, 5(2), 277-298.
- Mustafa, S. M. S.; Wahab, R. A.; Radzi, F. A. M. & Hamzah, K. H. J. K. (2020). Participation in and Benefits of Volunteering Activities Among University Students. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 10(14), 31-37.
- Neely, A.; Gregory, M. & Platts, K. (1995). *Performance measurement system design; a literature review and research agenda*. International Journal of Operations & Production Management
- Noblit, G. W. & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies (Vol. 11)*. Sage.
- Oplatka, I. & Hemsley-Brown, J. (2012). Understanding the Social Impact of Academic-Community Research Collaboration: A Literature Review. *Journal of Social Service Research*, 38(5), 628-641. doi:10.1080/01488376.2012.719682
- Pascarella, E. T. & Terenzini, P. T. (2005). *How college affects students: A third decade of research (Vol. 2)*. Jossey-Bass.
- Paula Gonçalves Serafini, Jéssica Morais de Moura, Mariana Rodrigues de Almeida, Júlio Francisco Dantas de Rezende(2022), Sustainable

- Development Goals in Higher Education Institutions: A systematic literature review, *Journal of Cleaner Production*, doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.133473
- Perkmann, M. & Walsh, K. (2009). The Two Faces of Collaboration: Impacts of University-Industry Relations on Public Research. *Industrial and Corporate Change*, 18(6), 1033-1065.
- Phongsirikul, M. & Thongrin, S. (2019). Developing Intercultural Awareness in ELT: Students' Attitudes toward their Intercultural Learning Experience. *REFlections*, 26(1), 78-114. Retrieved from <https://so05.tci-thaijo.org/index.php/reflections/article/view/203947>
- Pizzutilo, F. & Venezia, E. (2021). On the maturity of social responsibility and sustainability integration in higher education institutions: Descriptive criteria and conceptual framework. *The International Journal of Management Education*, 19(3), 100515. doi:10.1016/j.ijme.2021.100515
- Power, D. & Malmberg, A. (2008). The contribution of universities to innovation and economic development: in what sense a regional problem? *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 1(2), 233-245. doi:10.1093/cjres/rsn006
- Pugh, R.; Lamine, W.; Jack, S. & Hamilton, E. (2018). The entrepreneurial university and the region: what role for entrepreneurship departments? *European Planning Studies*, 26(9), 1835-1855. doi:10.1080/09654313.2018.1447551
- Salamzadeh, Yashar; Adeyemi Sangosanya, Taofeek; Salamzadeh, Aidin & Vitor Braga (2022). *Entrepreneurial universities and social capital: The moderating role of entrepreneurial intention in the Malaysian context*, About the journal. *The International Journal of Management Education*, <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2022.100609>
- Salmi, J. (2017). *The Challenge of Establishing World-Class Universities*. The World Bank. DOI:10.1596/978-0-8213-7865-6
- Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). Toward a Meta synthesis of qualitative findings on motherhood in HIV-positive women. *Research in Nursing & Health*, 26(2), 153-170.
- Scager, K.; Boonstra, J.; Peeters, T.; Vulperhorst, J. & Wiegant, F. (2016). Collaborative Learning in Higher Education: Evoking Positive Interdependence. *CBE Life Sci Educ.* Winter, 15(4), ar69. doi: 10.1187/cbe.16-07-0219. PMID: 27909019; PMCID: PMC5132366.
- Thorne, S.; Jensen, L.; Kearney, M. H.; Noblit, G. & Sandelowski, M. (2004). Qualitative metasynthesis: reflections on methodological orientation and ideological agenda. *Qualitative health research*, 14(10), 1342-1365.
- Walsh, D. & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: a literature review. *Journal of advanced nursing*, 50(2), 204-211.
- Williamson, HJ.; Young, BR.; Murray, N.; Burton, DL.; Levin, BL.; Massey, OT. & Baldwin, JA. (2016). Community-University

Partnerships for Research and Practice: Application of an Interactive and Contextual Model of Collaboration. *J High Educ Outreach Engagem*, 20(2), 55-84. PMID: 28184179; PMCID: PMC5295659
<https://www.unesco.org/creativity/en/activities/cdis>

References

- Abdi, Mustafa and Kavsi, Esmaeil (2014). Designing and presenting a model for measuring cultural development in Iran using grounded theory, *Iranian Social Development Studies*, 7(1), 110–93. (In Persian)
- Abili, Khodayar, Nasiri Firouz, Alireza, Pourkarimi, Javad and Keramati, Mohammadreza (2021). Identification and validation of indicators for evaluating cultural policymaking in the higher education system, *Public Policy Quarterly*, 7(4), 318-299. (In Persian)
- Ankrah, S. & AL-Tabbaa, O. (2015). Universities–industry collaboration: A systematic review. *Scandinavian Journal of Management*, 31(3), 387–408. doi:10.1016/j.scaman.2015.02.003
- Arambewela, R. & Hall, J. (2006). A Comparative Analysis of International Education Satisfaction Using SERVQUAL. *Journal of Services Marketing*, 20(5), 317-330. doi:10.1108/08876040610681141
- Astin, A. W. (1984). Student Involvement: A Developmental Theory for Higher Education. *Journal of College Student Development*, 40(5), 518-529.
- Astin, A. W., Vogelgesang, L. J., Ikeda, E. K., & Yee, J. A. (2000). *How Service Learning Affects Students*. Higher Education Research Institute, University of California, Los Angeles.
- Barr, R. B. & Tagg, J. (1995). From Teaching to Learning—A New Paradigm For Undergraduate Education. *Change: The Magazine of Higher Learning*, 27(6), 12–26. doi:10.1080/00091383.1995.10544672
- Carbone, A. (2021). The value of the Australian Awards for University Teachers(AAUT): Building and maintaining excellence in teaching and learning across the nation. *Journal of University Teaching & Learning Practice*, 18(6), 12-17. <https://doi.org/10.53761/1.18.6.2>
- Chen, J. & Wang, R. (2018). Cultural entrepreneurship in higher education institutions: A systematic review of literature. *Education Sciences*, 8(3), 114.
- Damme, D. V. (2001). Quality issues in the internationalisation of higher education, *Higher Education*, 41(4), 415–441. doi:10.1023/a:1017598422297
- Denson, N. & Chang, M. J. (2009). Racial and Ethnic Diversity in Higher Education: A Critical Review of the Research Literature. *ASHE Higher Education Report*, 35(3), 1-124.
- Disterheft, A., Ferreira da Silva Caeiro, S. S., Ramos, M. R., & de Miranda Azeiteiro, U. M. (2012). Environmental Management Systems(EMS) implementation processes and practices in European higher education

- institutions-Top-down versus participatory approaches. *Journal of Cleaner Production*, (31), 80–90.
- Dryjanska L.; Kostalova J. & Vidović D. (2022) Higher Education Practices for Social Innovation and Sustainable Development. In: Păunescu C., Lepik KL., Spencer N.(eds) *Social Innovation in Higher Education. Innovation, Technology, and Knowledge Management*. Springer, Cham. https://doi.org/10.1007/978-3-030-84044-0_6
- Etzkowitz, H.; Webster, A.; Gebhardt, C. & Cantisano Terra, B. R. (2000). The future of the university and the university of the future: Evolution of ivory tower to entrepreneurial paradigm. *Research Policy*, 29(2), 313-330.
- Farastkhah, Maghsoud & Bazargan, Abbas (2017). *Monitoring and Evaluation in Higher Education*, Tehran. Samt Publications. (In Persian)
- Ferreira, M. (2006). *Rethinking academic culture in the information age*, Unpublished doctoral dissertation, McGill University, Canada.
- Findler, F., Schönherr, N., Lozano, R., Reider, D. & Martinuzzi, A. (2019). The impacts of higher education institutions on sustainable development. *International Journal of Sustainability in Higher Education*. doi:10.1108/ijsh-07-2017-0114
- Ganji, Mohammad; Niazi, Mohsen & Heydarian, Amin (2018). Studying social factors affecting cultural participation in the university environment, *Quarterly Journal of Applied Sociology*, 29(71), 40–19. (In Persian)
- Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., Schwartzman, S., Scott, P. & Trow, M. (1994). *The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies*. Sage Publications.
- Hadavinejad, Mustafa and Esmaeilzadeh, Mansour and Dastaran, Leila (2019). Setting up indicators for monitoring the university's cultural macro-goals: A case study, *Second National Conference on Academic Culture*, Birjand. (In Persian)
- Hernando, A., Diez-Vega, I., Lopez del Hierro, M., Martínez-Alsina, N., Diaz-Meco, R., Busto, M. J., González-Cuevas, G. (2018). Ethical values in college education: a mixed-methods pilot study to assess health sciences students' perceptions. *BMC Medical Education*, 18(1). doi:10.1186/s12909-018-1396-7
- Hudzik, J. K. (2011). *Comprehensive Internationalization: From Concept to Action*. NAFSA: Association of International Educators.
- Hurtado, S., Milem, J. F., Clayton-Pedersen, A. R., & Allen, W. R. (1998). Enhancing campus climates for racial/ethnic diversity: Educational policy and practice. *The Review of Higher Education*, 21(3), 279-302.
- Islamic University Document (2013). Session 735 of the Supreme Council of the Cultural Revolution dated 25/4/1392. (In Persian)
- Jahaniyan, Ramazan (2010). Developing Student Participation in University, *Management Research*, (84). (In Persian)

- Javaheri, Fatemeh & Helali Sotoudeh, Mina (2021). University cultural policies: the relationship between ideal and reality. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 28(4), 23-41. (In Persian)
- Johnson, R. & Davis, S. (2018). Measuring Quality and Accessibility of Cultural Facilities in Higher Education Institutions. *Journal of Cultural Management and Policy*, 12(1), 45-62
- Jones, S. R. & Abes, E. S. (2013). Identity Development of College Students: Advancing Frameworks for Multiple Dimensions of Identity. *Jossey-Bass*.
- Joy Davis (2014). Museums and higher education working together: challenges and opportunities, *Museum Management and Curatorship*, 29(3), 293-296. DOI: 10.1080/09647775.2014.919166
- Karimian, Hossein & Safaei-Asl, Mohsen (2021). Evaluating the effectiveness of cultural-educational programs at Farhangian University. *Teacher Education Policy Studies*, 8(2), 84–61. (In Persian)
- Kezar, A. & Rhoads, R. A. (2001). The dynamic tensions of service learning in higher education: A philosophical perspective. *Michigan Journal of Community Service Learning*, 8(1), 43-54
- Kim, H. & Kim, Y. (2016). The role of university cultural festivals in promoting university brand equity. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 28(2), 284-302.
- Kirsi Paavola (2020). The Significance of Training in Employee Engagement Case Study of a Consulting Firm
- Knight, J. & De Wit, H.(Eds.). (1995). Internationalization of higher education in Asia Pacific countries. *European Association for International Education*.
- Knight, J. (2003). Updating the Definition of Internationalization. *International Higher Education*, (33), 2-3.
- Krause, K. L. & Coates, H. (2008). Students' Engagement in First-Year University. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 33(5), 493-505.
- Kuh, G. D., Kinzie, J., Buckley, J. A., Bridges, B. K., & Hayek, J. C. (2006). What Matters to Student Success: A Review of the Literature. Commissioned Report for the National Symposium on Postsecondary Student Success: Spearheading a Dialog on Student Success.
- Kuzu, O. H. (2021). Student clubs at universities: a content analysis on diversity. *Journal of Qualitative Research in Education*, (27), 52-73. doi:10.14689/enad.27.4
- Liu, Z., Hossain, L., & Kwok, L. (2015). Cultural festivals as a vehicle for international student engagement. *Journal of Studies in International Education*, 19(1), 30-47.
- Lucia Brajkovic (2020). *Student Affairs and Services in Higher Education: Global Foundations, Issues, and Best Practices - Third Edition*, ISBN: 978-3-00-066108-2

- Masland, A. T. (1985). Organizational Culture in the Study of Higher Education. *The Review of Higher Education*, 8(2), 157–168. doi:10.1353/rhe.1985.0026
- Matarasso, F. (2017). *A restless art: How participation transforms people and communities*. Calouste Gulbenkian Foundation.
- Morawska-Jancelewicz, J. (2021). The Role of Universities in Social Innovation Within Quadruple/Quintuple Helix Model: Practical Implications from Polish Experience. *Journal of the Knowledge Economy*. doi:10.1007/s13132-021-00804-y
- Musakhani, Morteza, Haqkhah, Davoud and Hassanzadeh, Roghieh (2009). Presenting a conceptual framework for evaluating university performance. *Quarterly Journal of Educational Leadership and Management*, Islamic Azad University, Garmsar Branch, Year 3, (3). (In Persian)
- Mustafa, S. M. S., Wahab, R. A., Radzi, F. A. M., & Hamzah, K. H. J. K. (2020). Participation in and Benefits of Volunteering Activities Among University Students. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 10(14), 31–37.
- Noblit, G. W. & Hare, R. D. (1988). *Meta-ethnography: Synthesizing qualitative studies* (Vol. 11). Sage.
- Oplatka, I. & Hemsley-Brown, J. (2012). Understanding the Social Impact of Academic-Community Research Collaboration: A Literature Review. *Journal of Social Service Research*, 38(5), 628-641. doi:10.1080/01488376.2012.719682
- Palizban, Mohsen (2008). Studying the level of students' willingness to participate in politics and its influencing factors, *Politics Quarterly*, 41(2), 33-49. (In Persian)
- Parsania, Hamidreza (2008). The relationship between science and culture. *Culture Strategy*, 1(2), 64-51. (In Persian)
- Pascarella, E. T. & Terenzini, P. T. (2005). *How college affects students: A third decade of research* (Vol. 2). Jossey-Bass.
- Paula Gonçalves Serafini, Jéssica Morais de Moura, Mariana Rodrigues de Almeida, Júlio Francisco Dantas de Rezende (2022). Sustainable Development Goals in Higher Education Institutions: A systematic literature review, *Journal of Cleaner Production*, doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.133473
- Perkmann, M. & Walsh, K. (2009). The Two Faces of Collaboration: Impacts of University-Industry Relations on Public Research. *Industrial and Corporate Change*, 18(6), 1033-1065.
- Phongsirikul, M. & Thongrin, S. (2019). Developing Intercultural Awareness in ELT: Students' Attitudes toward their Intercultural Learning Experience. *REFlections*, 26(1), 78–114. Retrieved from <https://so05.tci-thaijo.org/index.php/reflections/article/view/203947>
- Pizzutilo, F. & Venezia, E. (2021). On the maturity of social responsibility and sustainability integration in higher education institutions: Descriptive criteria and conceptual framework. *The International*

- Journal of Management Education, 19(3), 100515.
doi:10.1016/j.ijme.2021.100515
- Power, D. & Malmberg, A. (2008). The contribution of universities to innovation and economic development: in what sense a regional problem? *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 1(2), 233–245. doi:10.1093/cjres/rsn006
- Pugh, R., Lamine, W., Jack, S. & Hamilton, E. (2018). The entrepreneurial university and the region: what role for entrepreneurship departments? *European Planning Studies*, 26(9), 1835–1855. doi:10.1080/09654313.2018.1447551
- Rigi, Atefeh (2021). Evaluating the Quality of Iranian Universities from a Socio-Cultural Perspective, *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 18(1), 193-220. (In Persian)
- Salmi, J. (2017). The Challenge of Establishing World-Class Universities. The World Bank. DOI:10.1596/978-0-8213-7865-6
- Sandelowski, M. & Barroso, J. (2007). Toward a Meta synthesis of qualitative findings on motherhood in HIV-positive women. *Research in Nursing & Health*, 26(2), 153-170.
- Scager K., Boonstra J., Peeters T., Vulperhorst J. & Wiegant F. (2016). Collaborative Learning in Higher Education: Evoking Positive Interdependence. *CBE Life Sci Educ. Winter*, 15(4), ar69. doi: 10.1187/cbe.16-07-0219. PMID: 27909019; PMCID: PMC5132366.
- Scager, K., Boonstra, J., Peeters, T., Vulperhorst, J. & Wiegant, F. (2016). Collaborative Learning in Higher Education: Evoking Positive Interdependence. *CBE Life Sci Educ. Winter*, 15(4), ar69. doi: 10.1187/cbe.16-07-0219. PMID: 27909019; PMCID: PMC5132366.
- Sohrabi, Babak, Khalili Jafarabad, Ahmad & Rudy, Amir (2017). Discovering the characteristics of emerging research areas using the meta-synthesis method. *Science and Technology Policy*, 9(4), 15–30. (In Persian)
- Taslimi, Mohammad Saeed & Alipour, Meysam (2019). Talent research approaches in the country's elite policies. *Government Management*, 11(1), 150-122. (In Persian)
- Thorne, S., Jensen, L., Kearney, M. H., Noblit, G. & Sandelowski, M. (2004). Qualitative metasynthesis: reflections on methodological orientation and ideological agenda. *Qualitative health research*, 14(10), 1342-1365.
- Walsh, D. & Downe, S. (2005). Meta-synthesis method for qualitative research: a literature review. *Journal of advanced nursing*, 50(2), 204-211.
- Williamson HJ., Young BR., Murray N., Burton DL., Levin BL., Massey OT. & Baldwin JA. (2016), Community-University Partnerships for Research and Practice: Application of an Interactive and Contextual Model of Collaboration. *J High Educ Outreach Engagem.* 20(2):55-84. PMID: 28184179; PMCID: PMC5295659


- Yarmohammadian, Mohammad Hossein, Shah Talebi, Somayeh, Foladvand, Maryam and Shah Talebi, Badri (2014). Presenting a model for evaluating university performance; Case study of Islamic Azad University, Khoraskan Branch, Scientific-Research Quarterly Journal of New Approaches to Educational Management, Year 6, (2). (In Persian)
- Yashar Salamzadeh, Taofeek Adeyemi Sangosanya, Aidin Salamzadeh, Vitor Braga (2022). Entrepreneurial universities and social capital: The moderating role of entrepreneurial intention in the Malaysian context, About the journal. The International Journal of Management Education, <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2022.100609>
- Zolfagharzadeh, Mohammad Mahdi, Amiri, Ali Naghi & Zarei Matin, Hassan (2011). Discovering “University Culture”: Theoretical and Typological Analysis of University Culture Studies. Strategic Management Thought (Management Thought), 5(1), 45-97. (In Persian)
- <https://www.unesco.org/creativity/en/activities/cdis>

ارزیابی وضعیت هویت اجتماعی در مقاصد گردشگری - زیارتی (مورد مطالعه: کلانشهر مشهد)

سیدمحمد موسوی


استادیار گروه مدیریت جهانگردی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران
(نویسنده مسئول).

s.mohammadmousavi@sku.ac.ir

 0000-0003-1634-445X

محمدرضا مجیدی

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
mmajidi@ut.ac.ir

 0000-0001-6801-9136

چکیده

هویت اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در حوزه جامعه‌شناسی گردشگری، نقشی بی‌بدیل در ارتقا سطح امنیت اجتماعی مقاصد گردشگری را دارد. هدف: پژوهش حاضر با هدف معرفی مؤلفه‌ها و شاخص‌های بومی هویت اجتماعی در مقاصد گردشگری و زیارتی، به بررسی وضعیت این مؤلفه‌ها در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد پرداخته است. روش: تحقیق حاضر کاربردی بوده و دارای رویکردی توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش از چهارچوب توسعه پایدار گردشگری و کدهای اخلاقی در گردشگری و برای هویت اجتماعی از نظریه امنیت اجتماعی شده بهره برده شد. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی - کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها از نظرسنجی خبرگان با استفاده از پرسشنامه خبرگی و از روش‌های آماری با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف پنج‌تایی لیکرت در نمونه مورد مطالعه شهر مشهد بهره برده شده است. یافته‌ها: هویت اجتماعی دارای دو مؤلفه روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی است که وضعیت دو مؤلفه روابط درون‌گروهی (جمع‌گرایی و تعهد)، روابط بین‌گروهی (آگاهی، گفتگو و احترام) از ابعاد هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد نامطلوب ارزیابی شده است. نتیجه‌گیری: توسعه پایدار گردشگری در کلانشهر مشهد معطوف به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه، در شرایط متغیر و متحول اجتماعی است. کلانشهر مشهد برای پیشرفت گردشگری بیش از هر چیز نیازمند وجود روابط گرم و مؤثر بین افراد در جامعه میزبان است که تعهد و احترام، انسجام و وفاق اجتماعی و درنهایت آگاهی فعال اجتماعی را ممکن می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: هویت اجتماعی، مقصد، گردشگری، زیارت، مشهد.

شاپای الکترونیک: ۲۵۵۸-۲۵۵۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبردها اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2024.456075.1567





مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبردها اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه گردشگری به عنوان رویکردی جدید در توسعه اقتصادی و اجتماعی مقاصد، جایگاه در خور توجهی یافته است. همچنین به عنوان صنعتی پویا و پیچیده در نظام جهانی و از موفق ترین صنایع جهان به شمار می رود (رضوانی و دیگران، ۱۳۹۳). تأثیر قابل توجه توسعه گردشگری در عوامل اقتصادی، جنبه های زیست محیطی، فرهنگی - اجتماعی زندگی و رفاه باعث شده است بسیاری از کشورها به انتخاب گردشگری به عنوان اولویت خود در توسعه اقتصادی شناخته شوند. گردشگری شهری مفهومی در گردشگری است و یکی از وظایف اصلی شهرها است که اهمیت آن هنوز هم در حال رشد است (Hakeem & Khan, 2018)، با این حال پژوهشگران بر این باورند صنعت گردشگری قبل از آنکه به عنوان پدیده ای اقتصادی مطرح باشد، به عنوان امری اجتماعی - فرهنگی قلمداد شده و فرهنگ به عنوان جاذبه اصلی برای گردشگری و سفر محسوب می گردد (Jaafar & et al., 2015, p. 6).

گردشگری با انسان و انگیزه ها، خواسته ها و نیازها و آرزوهای او که برگرفته از فرهنگ جامعه است، ارتباط دارد به حدی که می توان گفت عامل اصلی جذب گردشگر همین اختلاف هویتی و فرهنگی ملت ها است؛ بنابراین گردشگری وابسته به انسان و انسان محور است. نگرش مثبت میزبانان به گردشگران، تواضع و ادب و برخوردهای صمیمی و دوستانه که نشئت گرفته از فرهنگ آن ها است مبنای اصلی یک تجربه لذت بخش برای گردشگران و توسعه و پیشرفت صنعت گردشگری است (یوسفی و شریفی تهرانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۸).

در تحقیقات گردشگری، جامعه میزبان و در مقابل آنها مسافران، معادل «تعامل اجتماعی» در یک فضای جامعه شناسانه است. در این سطح است که سعی می گردد که تعاملات میان جوامع میزبان و گردشگر در مقاصد گردشگری بررسی شود (ایمانی خوشخو و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۷). در واقع سفر و گردشگری تعاملی است اجتماعی میان جامعه میزبان و میهمان. در واقع جامعه شناسان می کوشند تا آنجا که ممکن است این نکته را به دقت و به گونه ای عینی توصیف و تبیین کنند که انسان ها چرا و چگونه در گروه های هویتی مختلف با یکدیگر رابطه دارند (حبیبی قاسم آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲).

بُعد اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری به روابط انسان ها با یکدیگر، ارتقا سطح روابط افراد، افزایش دسترسی به خدمات و توسعه فرهنگ های مختلف مرتبط است

(زاهدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱). در این نگاه، سرمایه و هویت اجتماعی و توجه به فرهنگ جامعه و همچنین تقویت انسجام اجتماعی و عزت‌نفس که به ساکنان اجازه خواهد داد تا زندگی خود را کنترل کنند (Chris, 2012, p. 341). نگاه اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری با معیارهایی همانند رعایت حقوق مردم محلی، زندگی شرافتمندانه و افزایش رضایتمندی مردم، توانمندسازی و مشارکت فعالانه مردم محلی در توسعه، رعایت حقوق زنان را می‌توان یافت (V.R. Van der, 2005, p. 172).

از طرفی نیز در علوم اجتماعی و متون حاصل از آن نشان می‌دهد که هویت اجتماعی در دوران معاصر، به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل فرهنگی - اجتماعی زندگی مردم در جوامع در حال توسعه به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران تبدیل شده است و از آن به‌عنوان شالوده هستی‌شناختی افراد و جزء اساسی‌ترین مسائل نسل امروز مطرح است (حیدری ساربان، ۱۳۹۵). هویت اجتماعی و توجه به فرهنگ جامعه و امتیازات آن و توجه به حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و عزت‌نفس که به جامعه میزبان گردشگر می‌دهد به میزبان اجازه خواهد داد تا زندگی خود را کنترل کنند (Chris, 2012, p. 341). در واقع جوامع متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند همان چیزی که به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد خود را به‌عنوان یک جزء از جامعه تلقی نمایند (Buzan, 2000). مثل هویت مشترکی که افراد و گروه‌های مختلفی اجتماعی در مقصد گردشگری از خود بروز می‌دهند (موسوی، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۸).

درک ما از هویت اجتماعی، این است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از سوی دیگر، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر از جمله خودمان چیست؟ یکی از نخستین کارهایی که ما در مشاهده یک مسافر غریبه انجام می‌دهیم این است که او را در نقطه‌ای از نقشه شناختیمان قرار دهیم (جنکینز، ۱۳۸۱، صص. ۷-۸). از نظر بوزان جوامع متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند همان چیزی که به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد خود را به‌عنوان یک جزء از جامعه تلقی نمایند. مثل هویت مشترکی که افراد و گروه‌های مختلفی اجتماعی در مقصد گردشگری از خود بروز می‌دهند (Buzan, 2000).

درواقع می‌توان از نگاه اجتماعی در گردشگری، هویت اجتماعی درونی خود جامعه میزبان در مقصد گردشگری را بررسی کرد؛ زیرا شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اجتماعی مقاصد گردشگری می‌تواند نقطه شروعی برای تحقق امنیت اجتماعی در این مقاصد باشد. از طرفی، تعیین وضعیت موجود از نظر صاحب

نظران گردشگری نیز می‌تواند زمینه‌ای باشد تا مدیران و مسئولان گردشگری، بهتر تصمیم‌گیری کرده و ارزیابی درستی از ظرفیت هویتی موجود در مقصد هدف گردشگری خود داشته باشند.

از آنجاکه موضوع هویت اجتماعی در حوزه گردشگری به‌خصوص مقاصد زیارتی کمتر بحث شده است و دارای خلأ علمی و پژوهشی در این حوزه هستیم که علت آن هم فقر موضوعی در حوزه مبانی نظری جامعه‌شناسی گردشگری و زیارت است. این پژوهش که در چهارچوب توسعه پایدار گردشگری و کدهای اخلاقی گردشگری انجام شده است می‌تواند نقطه شروعی برای نقد و ارزیابی وضعیت هویت اجتماعی در صنعت گردشگری و زیارت کشور باشد؛ لذا این مقاله بر آن است ضمن معرفی مهم‌ترین شاخص‌های هویت اجتماعی در مقاصد گردشگری، این شاخص‌ها را برای مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد مورد بررسی و ارزیابی میدانی قرار دهد. کلانشهر مشهد نیز با توجه به موقعیت گردشگری و زیارتی که داراست هم به‌لحاظ اقتصادی و تجاری و هم به‌لحاظ اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای در صنعت گردشگری کشور است؛ لذا بررسی جامعه‌شناسانه و هویتی جامعه میزبان در شهر مشهد اهمیت پژوهش را دوچندان می‌نماید؛ لذا شایسته است تا به‌لحاظ نگاه اجتماعی در گردشگری، وضعیت ابعاد هویت اجتماعی در این کلانشهر بررسی و مطالعه شود.

۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی و معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت اجتماعی در یک مقصد گردشگری - زیارتی.
- ۲- ارزیابی وضعیت مؤلفه‌های هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد.

۲. سؤال‌های پژوهش

- ۱- مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت اجتماعی در یک مقصد گردشگری - زیارتی چیست؟
- ۲- وضعیت مؤلفه‌های هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد چگونه است؟

۳. پیشینه پژوهش

در این قسمت از مقاله به پژوهش‌های گذشته که در حیطه هویت اجتماعی و

گردشگری انجام گرفته‌اند، می‌پردازیم.

عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی شهر زیارتی پایدار مورد مطالعه: شهر مشهد انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که هشت مؤلفه اجتماعی - فرهنگی در شهر زیارتی مشهد (امنیت، ایمنی، آموزش، فرهنگ میزبانی، هویت دینی، فضاهاى مذهبی، فضاهاى فرهنگی و تفریحی و سرمایه فرهنگی)، در فرایند تحلیل عاملی تأییدی به حک و اصلاح رسید.

حیدری ساربان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه گردشگری با هویت اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل، مطالعه موردی: دهستان سردابه، نقش مثبت متغیرهای هویت مذهبی، هویت ملی، هویت خانوادگی و هویت جنسیتی در توسعه گردشگری را تأیید کرد.

بابایی و فردوسی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی اثرهای گردشگری بر هویت اجتماعی شهروندان شهر ابرکوه پرداختند که نتایج این پژوهش نشان داد که مابین گردشگری و هویت اجتماعی شهروندان در سطح ۹۹ درصد با ضریب همبستگی ۸۱/۰ رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

بیضایی و صداقتی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان ارائه شاخص‌های هویت فرهنگی ایرانی - اسلامی منطبق با انواع گردشگری فرهنگی و با ملاحظه عامل پایداری گردشگری انجام دادند که نتایج این پژوهش نشان داد ایران در حوزه شاخص‌های هویت فرهنگی و در ابعاد مختلف فرهنگی - میراثی، خرده‌فرهنگ‌ها، تاریخی - فرهنگی، دینی - مذهبی و... از قابلیت‌های فراوانی برای جذب گردشگر و توسعه گردشگری فرهنگی برخوردار است که علاوه بر مزایای اقتصادی قابل توجه برای کشور، می‌تواند عامل مهمی برای معرفی و نشر فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی در مقیاس بین‌المللی باشد.

شهرایی فراهانی (۱۴۰۱) در نقد نظری علمی با عنوان گردشگری و هویت فرهنگی، نگاهی چندسویه مدعی شد که در میان سویه‌های گوناگون ارتباط میان گردشگری و هویت فرهنگی، می‌توان با بسترسازی و ایجاد نگاهی متفاوت به هویت فرهنگی و ازسوی دیگر گردشگری، همسویی میان آن‌ها برقرار کرد.

شیانی و هاشمی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان تجربه گردشگری و هویت ملی مورد مطالعه: شهروندان شهر شیراز انجام دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که شش متغیر تجربه وجودی، خاطره‌انگیز بودن سفر، سفر مذهبی، سفر خارجی، کیفیت سفر و سن در مجموع ۲۸/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق (هویت ملی) را تبیین کرده‌اند.

وثوقی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان ارزیابی تأثیر هویت شهر بر رضایت و وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: شهر کرمان) به بررسی مؤلفه‌های هویت شهر به‌عنوان جاذبه‌های گردشگری پرداختند که نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان داد هویت شهر عامل بسیار مهمی در ارتباط گردشگر و مقصد است و بر رضایت از مقصد و وفاداری گردشگر اثر مستقیم و معناداری دارد. همچنین رضایت از مقصد بر وفاداری و هویت شهر بر وفاداری با میانجی‌گری رضایت اثر غیرمستقیم و معناداری دارند.

جان‌پرور و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله با عنوان گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه دست یافتند که توسعه گردشگری و ارتباط میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف که خود می‌تواند منجر به آشنایی اقوام و فرهنگ‌ها با یکدیگر و درنهایت تقویت همبستگی ملی گردد. دریادل و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان نقش گردشگران در شکل‌گیری هویت مقاصد هدف گردشگری مطالعه موردی: منطقه ثامن مشهد انجام دادند. نتایج کلی این پژوهش نشان داد که حضور گردشگران بر ویژگی‌های هویت اجتماعی و فرهنگی ساکنان منطقه ثامن اثر زیادی نداشته است؛ اما در شاخص‌های ابعاد معماری - کالبدی و مبلمان شهری این اثرگذاری ویژه‌تر بوده است.

درمجموع آنچه که می‌توان از بسیاری از پژوهش‌های گذشته در خصوص هویت اجتماعی و گردشگری دریافت این است که عمده پژوهش‌ها به سمت رابطه این دو عنصر و اجزای و شاخص‌های وابسته به آن سوق دارد و پژوهش‌های کمتری نسبت به وضعیت‌شناسی و شناخت موضوعی هویت در مقاصد گردشگری به‌خصوص مقاصد زیارتی پرداخته‌اند؛ لذا ما بر آنیم تا در این مقاله وضعیت هویت اجتماعی و در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد را بررسی نماییم.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. مقصد گردشگری

یک مقصد سفر یا گردشگری مجموعه‌ای محصولات و خدمات مسافرتی است که با عنوان یک نام یا برند مقصد در شکل‌گیری تجربیات بازدیدکنندگان و گردشگران نقش عمده‌ای را بازی می‌نماید. این تجربه بر اساس برنامه سفر گردشگران، پیشینه فرهنگی، هدف از بازدید و تجربیات گذشته آنها شکل می‌گیرد (THI AI CAM, 2011).

۴-۱-۲. توسعه پایدار اجتماعی گردشگری

توسعه پایداری اجتماعی در گردشگری به توانایی یک جامعه اعم از محلی یا منطقه‌ای و ملی برای پذیرش بازدیدکنندگان در دوره‌های زمانی کوتاه یا بلند اشاره دارد، به گونه‌ای که هیچ ناهماهنگی و تضادی در ساخت اجتماعی جامعه به وجود نیاید و یا به حداقل ممکن کاهش یابد (رضوانی، ۱۳۹۰).

۴-۱-۳. هویت اجتماعی

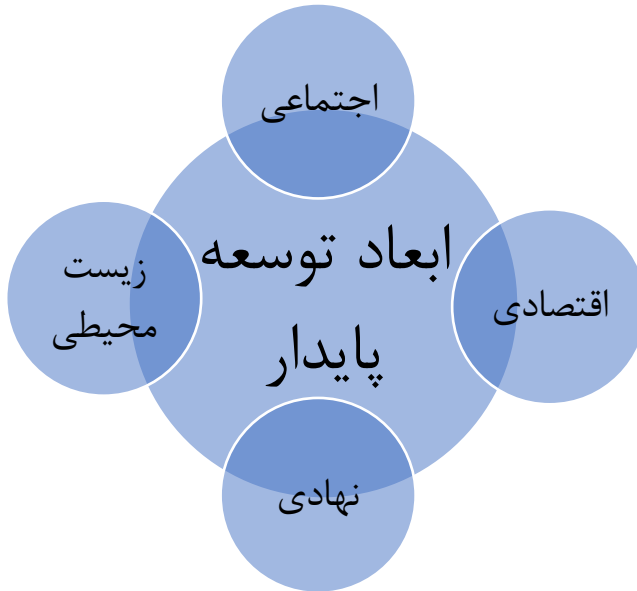
از نظر بوزان جوامع متشکل از یک احساس هویت اجتماعی هستند همان چیزی که به افراد و گروه‌ها امکان می‌دهد خود را به‌عنوان یک جزء از جامعه تلقی نمایند. مثل هویت مشترکی که افراد و گروه‌های مختلفی اجتماعی در مقصد گردشگری از خود بروز می‌دهند. با این تفصیل بوزان بحث خود را با تأکید بر اصول نظام ارگانیکی بیان نمود و در ادامه عناصر ارگانیکی امنیت اجتماعی را هویت نامیده و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می‌کند (Buzan, 2000).

۴-۲. مبانی نظری پژوهش

۴-۲-۱. توسعه پایدار گردشگری

گردشگری پایدار ابعاد مختلفی دارد که هسته آن برابری بین نسلی به‌عنوان هدف اصلی توسعه پایدار می‌باشد (Abdullaev, 2004). از این‌رو گردشگری پایدار با الهام از توسعه پایدار، گردشگری است که نیازهای نسل حاضر را بدون اینکه از ظرفیت‌های مربوط به نسل آینده مایه گذارد، تامین نماید (Weaver, 2001, p. 661). توسعه پایدار گردشگری نمی‌تواند توسط یک عامل واحد صورت پذیرد. برای تحقق توسعه پایدار بایستی بسیاری پیش‌نیازهای فرهنگی و گروه‌های ذینفع جامعه را در نظر گرفت (University of Dortmund, 2001, p. 40).

پس اگر رهیافت توسعه پایدار گردشگری شامل ۴ بُعد اصلی اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی در نظر بگیریم (نمودار ۱).



شکل (۱): ابعاد توسعه پایدار گردشگری

اگر از سایر ابعاد توسعه پایدار گردشگری عبور کنیم امروزه یکی از مهم‌ترین ابعاد این چهارچوب، بُعد اجتماعی آن است. محققان در پایداری اجتماعی، چهارعنصر اصلی را شناسایی کرده‌اند: ۱- عدالت اجتماعی، ۲- همبستگی اجتماعی، ۳- مشارکت، ۴- امنیت. در این مطالعه مؤلفه‌هایی چون فرصت‌های برابر و همراه با پیشرفت برای همه انسان‌ها، زندگی همراه با تعاون و همکاری، فرصت‌های برابر برای تمامی افراد در جهت ایفای نقش‌های اجتماعی آمده است (DFID, 2002, p. 2). در واقع توسعه پایدار به‌عنوان الگواره مسلط بر گردشگری، در نگاه اجتماعی‌اش علاوه بر تأمین نیازهای مادی جامعه، به توسعه سرمایه و هویت اجتماعی جامعه محلی و میزبان گردشگر در مقاصد نیز توجه دارد.

۴-۲-۲. کدهای اخلاقی در گردشگری

در گردشگری کدهای اخلاقی وجود دارد که می‌تواند زمینه را برای کنترل درونی جوامع فراهم آورد و بیشترین نقش را در شکل‌دهی هویت جامعه داشته باشد. برای آنکه کنترل درونی انسان در جهت صحیحی حرکت کند، کدهای اخلاقی تعریف می‌شوند؛ زیرا افراد جامعه بر اساس برداشت ذهنی خود عمل می‌کنند. کدهای اخلاق گردشگری، پنج هدف عمده ذیل را تعقیب می‌کنند:

اول؛ عمل کردن به‌عنوان تسهیل‌گر ارتباط میان دولت و سایر بخش‌های بدنه گردشگری؛

دوم؛ ایجاد آگاهی در دولت و صنعت گردشگری به منظور مدیریت همه‌جانبه اثرات زیست‌محیطی؛

سوم؛ افزایش آگاهی در بین گردشگران در خصوص رفتار مناسب آنان؛

چهارم؛ ایجاد آگاهی در میان جوامع میزبان در خصوص نیاز به حفاظت از منابع محیطی؛

پنجم؛ تشویق همکاری میان سازمان‌های دولتی گردشگری، جامعه میزبان، صنعت و تشکل‌های غیردولتی (جهانیان و زندی، ۱۳۹۷).

لذا شایسته است در هر جامعه میزبان گردشگر باید از جهات مختلف این کدهای جهانی را شناخت و در ارائه مدل‌های نظری و کاربردی سرلوحه قرار داد.

۴-۲-۳. نظریه امنیت اجتماعی شده

در این پژوهش نظریه امنیت اجتماعی شده (افتخاری، ۱۳۹۲) و ابعاد سه‌گانه آن (تأمین اجتماعی، فرهنگ اجتماعی و هویت اجتماعی) شناسایی شد. در این مقاله با تکیه بر بُعد هویت اجتماعی و با تبیین اصول این بُعد، به معرفی و واکاوی آن اقدام شد. همچنین در ادامه با توجه به مفاهیم و مبانی نظری مطرح شده در الگوی امنیت اجتماعی در مقاصد گردشگری (موسوی، ۱۳۹۹) که به مباحث حوزه جامعه‌شناسی گردشگری (چهارچوبی برای جامعه‌شناسی گردشگری، نگاه اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری و کدهای اخلاقی در گردشگری) پرداخته است، ۲ مؤلفه و ۵ شاخص و ۱۰ واحد ارزیابی شناسایی شد که هویت اجتماعی یک مقصد گردشگری با آنها قابلیت طراحی پیدا می‌کند (جدول ۱).

جدول (۱): مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اجتماعی از منابع مرتبط

مؤلفه	شاخص	مرجع
روابط درون گروهی	جمع‌گرایی	Buzan (1983), Wæver (1996), Ritzer (2010), Doxey (1975), De Kadt (1979), Choi and Sirakaya (2006). قاسمی خطیر (۱۳۸۸)، عظیمی هاشمی (۱۳۹۱)، علی‌خواه و نجیبی ربیعی (۱۳۸۴)، مشکینی و دیگران (۱۳۹۵).
	تعهد	
هویت اجتماعی	آگاهی	Theil (2007), Lindstrom (2008), Moller (2000), Iemert (1993), Pourahmad & et al. (2011), Kılıçlar (2018), Mthembu (2009). علی‌خواه و نجیبی ربیعی (۱۳۸۴)، ضرابی و زنگنه (۱۳۸۹)، متقی و دیگران (۱۳۹۵)، بخارایی و همکاران (۱۳۹۳)، عبدلی و دیگران (۱۳۹۳)، قاسمی خطیر (۱۳۸۸)، آقاسی و همکاران (۱۳۸۸)، عظیمی هاشمی (۱۳۹۱)، نهج‌البلاغه.
	گفتگو	
	احترام	
روابط بین گروهی		

منبع: (موسوی، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول ۱، جمع‌گرایی به‌عنوان اولین معیار سنجش مؤلفه روابط درون گروهی، شامل میزان اولویت منافع جمعی بر فردی در یک گروه و تعیین باورهای افراد گروه توسط جمع در جامعه میزبان گردشگر است که در این پژوهش به‌عنوان گزاره‌های عینی و ذهنی، شاخص جمع‌گرایی در نظر گرفته می‌شود. همچنین تعهد از مؤلفه روابط درون گروهی، شامل میزان احساس تعلق، تکلیف و غرور افراد جامعه میزبان گردشگر نسبت به یکدیگر است که در این پژوهش به‌عنوان گزاره‌های عینی و ذهنی، شاخص تعهد در نظر گرفته می‌شود. آگاهی، معیار مؤلفه روابط بین گروهی است که میزان شناخت و درک متقابل گروه‌های هویتی در جامعه میزبان از هم در مقصد گردشگری را شامل می‌شود که در این پژوهش به‌عنوان گزاره‌های عینی و ذهنی، شاخص آگاهی در نظر گرفته می‌شود. گفتگو نیز به‌عنوان دومین معیار سنجش مؤلفه روابط بین گروهی، شامل سطح تمایل به مذاکره بین گروه‌های هویتی مختلف و حل تعارض برای رسیدن به همگرایی بیشتر است که در این پژوهش به‌عنوان گزاره‌های عینی و ذهنی، شاخص گفتگو در نظر گرفته می‌شود. درنهایت احترام به‌عنوان معیار سنجش مؤلفه روابط بین گروهی در جامعه میزبان

گردشگری است، شامل سطح احترام گروه‌های هویتی به اعتقادات سایر گروه‌ها و پرهیز از تحقیر یکدیگر در مقصد گردشگری است که در این پژوهش به‌عنوان گزاره‌های عینی و ذهنی، شاخص احترام در نظر گرفته می‌شود. با توجه به مطالب بیان‌شده، و در پاسخ به پرسش اول پژوهش هریک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های مطرح در هویت اجتماعی یک مقصد گردشگری - زیارتی به همراه واحد ارزیابی آن، در جدول ۲ آمده است.

جدول (۲): مؤلفه و شاخص‌های هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی

مؤلفه	شاخص	واحد ارزیابی
روابط درون‌گروهی	جمع‌گرایی	میزان اولویت منافع جمعی بر فردی در یک گروه و تعیین باورهای افراد گروه توسط جمع در جامعه میزبان
	تعهد	میزان احساس تعلق، تکلیف و غرور افراد جامعه میزبان نسبت به یکدیگر
روابط برون‌گروهی	آگاهی	میزان شناخت و درک متقابل گروه‌های هویتی در جامعه میزبان از هم در مقصد
	گفتگو	سطح تمایل به مذاکره بین گروه‌های هویتی مختلف و حل تعارض برای رسیدن به همگرایی بیشتر
	احترام	سطح احترام گروه‌های هویتی به اعتقادات سایر گروه‌ها و پرهیز از تحقیر یکدیگر در مقصد

منبع: (موسوی، ۱۳۹۹)

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر نوع پژوهش، توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل متخصصان حوزه گردشگری و زیارت در کلانشهر مشهد است و در دو ماهه اول سال ۱۴۰۳ انجام شده است. متخصصان گردشگری شامل مدیران و کارشناسان فعال حوزه گردشگری و زیارت کلانشهر مشهد؛ از جمله: هتل‌ها، دفاتر خدمات گردشگری، شهرداری‌های مناطق، مؤسسات آموزشی، پژوهشی و خدماتی گردشگری و اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان خراسان رضوی‌اند که نسبت به مسائل حوزه گردشگری و زیارت در شهر مشهد آگاهی و شناخت کافی دارند که در این پژوهش تعداد آنها نامحدود برآورد شده

است. روش نمونه‌گیری، غیراحتمالی و از نوع اتفاقی و در دسترس است؛ به طوری که پرسشنامه میان صاحب‌نظران گردشگری و گردشگران خارجی در دسترس پژوهشگر، توزیع شده است. حجم نمونه با توجه به نامحدود در نظر گرفتن جامعه آماری و جدول استاندارد مورگان، ۳۸۴ نفر به دست آمد.

ابزار اولیه گردآوری داده‌ها، پرسشنامه خبرگی شامل ۱۳ گویه و برگرفته شده از مؤلفه‌های شاخص‌های نهایی هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی (جدول ۲) است که بر اساس پاسخ‌های دوگانه بلی و خیر طراحی گردیده است که ارتباط هریک از گویه‌ها را با متغیر مربوطه می‌سنجد. نظرسنجی خبرگی در این پژوهش پس از مطالعه ادبیات پژوهش و بر اساس نظرهای ۲۵ نفر از خبرگان حوزه گردشگری و زیارت با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا دکترای مدیریت و گردشگری و دارای سابقه اجرایی در حوزه گردشگری به دست آمده است.

در این پژوهش برای آزمون روایی، از نسبت روایی محتوایی (CVR) استفاده شد. بر اساس نظرهای به دست آمده ۲۵ نفر از خبرگان حوزه گردشگری با تحصیلات کارشناسی ارشد یا دکترای مدیریت و گردشگری و دارای سابقه تجربی در حوزه گردشگری، شاخص روایی محتوایی مقدار ۹۱ درصد به دست آمد. همچنین شاخص روایی محتوا (CVI) برای هریک از گویه‌ها پرسشنامه نیز محاسبه گردید. با توجه به اینکه مقادیر به دست آمده تأیید خبرگی هریک از گویه‌ها بالای ۶۰ درصد (۸۴ تا ۱۰۰ درصد) به دست آمده است؛ لذا روایی آن تأیید می‌شود (جدول ۳).

جدول (۳): تأیید خبرگی گویه‌های پرسشنامه

ردیف	مؤلفه	شاخص	گویه	درصد تأیید
۱	روابط درون‌گروهی	جمع‌گرایی	اولویت دادن منافع گروهی به منافع فردی	۸۸
۲			در درون گروه‌های هویتی (قومی) میزبان به دست آمدن باور و اعتقاد افراد گروه از درون گروه‌های هویتی خود در مقصد	۸۴
۳		تعهد	احساس تعلق افراد بومی و محلی مقصد به گروه هویتی متعلق به آن	۹۸
۴			احساس غرور افراد بومی و محلی مقصد به گروه هویتی متعلق به آن	۸۶

ردیف	مؤلفه	شاخص	گویه	درصد تأیید
۵	روابط بین گروهی	آگاهی	شناخت گروه‌های هویتی میزبان از همدیگر	۹۷
۶			درک متقابل گروه‌های هویتی میزبان از همدیگر	۹۵
۷		گفتگو	تمایل به مذاکره بین گروه‌های هویتی میزبان	۹۹
۸			تمایل به حل تعارض بین گروه‌های هویتی میزبان	۸۶
۹		احترام	احترام گروه‌های هویتی در مقصد به اعتقادات و باورهای همدیگر	۱۰۰
۱۰			پرهیز گروه‌های هویتی در مقصد از تحقیر همدیگر	۱۰۰

پس از تأیید تمامی گویه‌های پرسشنامه توسط خبرگان، پرسشنامه نهایی بر اساس طیف پنج‌تایی لیکرت (خیلی موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و خیلی مخالفم) تنظیم شد و پس از توزیع در جامعه آماری پژوهش از آنها خواسته شد به سؤالات پاسخ مناسبی دهند. در واقع در این پرسشنامه از پاسخ‌دهندگان خواسته شد نظر خود را درباره وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد، مشخص کنند. در مقاله حاضر با توجه به پیشینه موضوع در شهر تهران (موسوی، ۱۳۹۹) و مطالعه ادبیات موجود، فرض بر نامطلوب بودن وضعیت هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی مشهد است. لازم به ذکر است که در این مقاله کلیه متغیرهای این پژوهش در نرم‌افزار آکسل طبقه‌بندی شده است و پس از آن از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس برای آمار توصیفی، آزمون آلفای کرونباخ و آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا و قبل از اینکه به پرسش‌های پژوهش، پاسخ دهیم بایستی ذکر گردد که تحلیل توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری انجام شد، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد نمونه در این مقاله برای گردشگران و زائران خارجی، شامل جنسیت، سن، تحصیلات، رشته و تخصص، شغل، مدت زمان اقامت، ملیت و همراه

مسافر و برای صاحب‌نظران، شامل جنسیت، سن، سطح تحصیلات، رشته و تخصص، شغل و محل کار است. همچنین پایایی سؤالات پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ و تکنیک دو نیم کردن بررسی گردید.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش که مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت اجتماعی در یک مقصد گردشگری - زیارتی را سؤال می‌نماید، باید گفت مطابق ملاحظات نظری بُعد هویت اجتماعی در نظریه امنیت اجتماعی شده، به‌عنوان یک نظریه بومی و استاندارد برای این پژوهش انتخاب گردید و نهایتاً بر اساس چهارچوب توسعه پایدار گردشگری و کدهای اخلاقی در گردشگری، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مدنظر شناسایی و معرفی گردید. در ادامه و در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش وضعیت مؤلفه‌های هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد، با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای، به بررسی وضعیت مؤلفه‌های هویت اجتماعی (روابط درون‌گروهی و روابط بین‌گروهی) در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد پرداخته شد.

در این مقاله واحد تحلیل آمار توصیفی پژوهش، مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد است و نمونه آماری پژوهش نیز در دو سطح متخصصین حوزه گردشگری ت زیارتی شهر مشهد و گردشگران و زائران خارجی در نظر گرفته شده است. نتایج در دو نمونه آماری نشان می‌دهد که متخصصان حوزه گردشگری و زیارت شهر مشهد را ۶۴٫۷ درصد مرد و ۳۵٫۳ درصد زن و گردشگران خارجی را ۷۵٫۸ درصد مرد و ۲۴٫۲ درصد زن تشکیل می‌دهند. مدرک کارشناسی با ۵۳٫۰ درصد بیشترین فراوانی را دارد و مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم با کمترین فراوانی (۲۰٫۸ درصد) در نمونه متخصصین را داراست همچنین در بین گردشگران خارجی بیشترین فراوانی با ۴۶٫۹ درصد مربوط به کارشناسی و کمترین فراوانی با ۱۰٫۱ درصد برای مدرک کارشناسی ارشد و دکتراست. بیشترین محدوده سنی در نمونه آماری متخصصان را افراد با ۲۸ تا ۴۰ سال و در گردشگران خارجی افراد با سن ۴۱ تا ۵۰ شامل شده‌اند. ۶۵٫۴ درصد افراد متخصص، راهنمای تور بودند که بیشترین فراوانی را به‌لحاظ شغلی در میان متخصصان حوزه گردشگری داشته‌اند؛ در بین گردشگران و زائران خارجی نیز حدود ۶۷ درصد کار آزاد در مقابل ۳۳ درصد کارمند داشته‌اند. ۴۲٫۳ درصد از متخصصین گردشگری با تخصص زیارت بیشترین فراوانی را داشته‌اند و ۸٫۷ درصد افراد با رشته و تخصص تاریخ، دارای کمترین فراوانی در جامعه آماری بودند. از جهت محل کار نیز بیشتر متخصصان گردشگری شهر مشهد (۳۳٫۲ درصد) در مؤسسات و هولدینگ‌های گردشگری - زیارتی و بعد از آن با درصد فراوانی ۲۵٫۶، کار

آزاد داشته‌اند. در نمونه آماری گردشگران و زائران خارجی نیز ۵۷ درصد گردشگران خارجی مدت اقامت بین ۵ تا ۱۰ روز را تشکیل داده و ۶۰ درصد نیز به‌عنوان بیشترین فراوانی گردشگران عراقی را نیز شامل می‌شده‌اند. ۷۷,۲ گردشگران و زائران خارجی با بیشترین فراوانی، به همراه خانواده‌شان به مشهد سفر کرده‌اند.

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌های به‌دست‌آمده (موسوی، ۱۳۹۹) برای مؤلفه‌های روابط درون‌گروهی و روابط بین‌گروهی، به ارائه آماره‌های حداقل و حداکثر نمره، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی از منظر گردشگران و زائران خارجی و متخصصان گردشگری و زیارت می‌پردازیم (جدول ۴).

جدول (۴): آماره‌های توصیفی مؤلفه‌های هویت اجتماعی از منظر گردشگران و

زائران خارجی

هویت اجتماعی	روابط بین‌گروهی	روابط درون‌گروهی	
2.7059	2.7517	2.6602	میانگین
2.7500	2.8333	2.5000	میانه
2.00	2.00	2.00	مد
.53833	.52691	.59540	انحراف معیار
.290	.278	.355	واریانس
.079	-.112	.411	چولگی
-1.182	-1.119	-1.053	کشیدگی
1.83	1.83	2.00	دامنه
2.00	2.00	2.00	مینیمم
3.83	3.83	4.00	ماکزیمم
1039.08	1056.67	1021.50	جمع

با توجه به جدول ۴، مؤلفه روابط بین‌گروهی میانگین بیشتری (۲,۷۵) را نسبت به میانگین مؤلفه روابط درون‌گروهی (۲,۶۶) داراست. نتایج آمار توصیفی در مجموع نشان می‌دهد که از منظر گردشگران و زائران خارجی، نه‌تنها مؤلفه‌های روابط بین‌گروهی و درون‌گروهی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند بلکه روابط درون‌گروهی از وضعیت نامطلوب‌تری نسبت به روابط بین‌گروهی در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد برخوردار است.

جدول (۵): آماره‌های توصیفی هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن از منظر متخصصان گردشگری و زیارت

روابط درون گروهی	روابط بین گروهی	هویت اجتماعی	
2.6693	2.7582	2.7138	میانگین
2.6250	2.8333	2.7500	میان
2.00	2.00	2.00	مد
.58928	.52574	.53370	انحراف معیار
.347	.276	.285	واریانس
.407	-.110	.079	چولگی
-1.033	-1.120	-1.167	کشیدگی
2.00	1.83	1.83	دامنه
2.00	2.00	2.00	مینیمم
4.00	3.83	3.83	ماکزیمم
1025.00	1059.17	1042.08	جمع

با توجه به جدول ۵، از منظر متخصصان حوزه گردشگری و زیارت، روابط درون گروهی نسبت به روابط بین گروهی در مقصد گردشگری - زیارتی کلانشهر مشهد از مطلوبیت کمتری برخوردار است و در مجموع وضعیت هر دو مؤلفه هویت اجتماعی نامطلوب ارزیابی می‌گردد.

باین حال، هر دو مؤلفه هویت اجتماعی (روابط درون گروهی و روابط بین گروهی) در شهر مشهد هم از نظر متخصصان گردشگری و زیارت و هم از نظر گردشگران و زائران خارجی و زائران وضعیت مطلوبی ندارند؛ زیرا میانگین آنها کمتر از ۳ بوده است. همچنین عدد ۲ در طیف پنج‌گزینه‌ای پرسشنامه به‌عنوان مُد گزارش شده و دارای بیشترین فراوانی بوده است.

در جدول‌های بالا به میزان دامنه تغییرات نمرات متغیرها، میانگین و انحراف معیار آن‌ها نیز اشاره شده است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد تمامی متغیرهای آمده در جداول در دامنه قابل‌قبولی برای دو شاخص چولگی و کشیدگی قرار دارند. لازم به ذکر است که دامنه قابل‌قبول برای چولگی و کشیدگی بین ۳ تا -۳ است و در صورتی که متغیر در این دامنه باشد، دارای توزیع نرمال است.

نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت هویت اجتماعی و مؤلفه‌های

آن از منظر گردشگران و زائران خارجی و متخصصان گردشگری و زیارت در مشهد در جدول ۶ و ۷ آمده است.

جدول (۶): نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای بررسی وضعیت هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن از منظر گردشگران و زائران خارجی

مقایسه با ۳				
سطح خطا	درجه آزادی	آماره تی	میانگین	
.000	383	-11.185	2.6602	روابط درون‌گروهی
.000	383	-9.233	2.7517	روابط بین‌گروهی
.000	383	-10.704	2.7059	هویت اجتماعی

با توجه به سطح معنی‌داری برای هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن که کمتر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌شود میانگین هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن اختلاف معناداری با عدد ۳ که میانگین طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت می‌باشد، دارد و با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده در جدول ۶ این معیار از عدد ۳ کوچک‌تر بوده و از وضعیت نامطلوبی از منظر گردشگران و زائران خارجی برخوردار است. همچنین جدول ۶ نشان می‌دهد که آماره تی معنادار است.

جدول (۷): نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای بررسی وضعیت هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن از منظر متخصصان گردشگری و زیارت

مقایسه با ۳				
سطح خطا	درجه آزادی	آماره تی	میانگین	
.000	383	-10.998	2.6693	روابط درون‌گروهی
.000	383	-9.011	2.7582	روابط بین‌گروهی
.000	383	-10.510	2.7138	هویت اجتماعی

همچنین با توجه به اینکه سطح معناداری در جدول ۷ نیز برای هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن، کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه میانگین بُعد مربوطه و مؤلفه‌های آن اختلاف معناداری با عدد ۳ دارد، و با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده در جدول بالا و اینکه همه ارقام از عدد ۳ کوچک‌تر است، وضعیت هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن از عدم مطلوبیت از منظر متخصصان گردشگری و زیارت برخوردار است.

نتیجه‌گیری

نگاه هویتی به جامعه میزبان در کلانشهر مشهد به‌عنوان قطب زیارتی و گردشگری کشور از اهمیت خاصی برخوردار بود. توجه به تنوع قومیتی و هویتی ساکنین و فعالین گردشگری و زیارتی کلانشهر مشهد، بحث روابط گروه‌های اجتماعی مختلف و شناخت و نحوه ارتباط آن‌ها با همدیگر برای مقصد پیش نیاز توسعه پایدار گردشگری مشهد است. به‌طور کلی در صورت شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم رفتاری مشترک و به‌طور کلی فرهنگ، جامعه میزبان گردشگر دچار بحران معنا نمی‌گردد و می‌تواند منجر به تلقی مشترکی از امنیت گردد (عبداللهی و الهیاری، ۱۳۸۲). بررسی‌ها نشان داد که موضوع هویت اجتماعی در حوزه گردشگری به‌خصوص مقاصد زیارتی کمتر بحث شده است و دارای خلأ علمی و پژوهشی جدی در این حوزه هستیم که علت آن هم فقر موضوعی در حوزه مبانی نظری جامعه‌شناسی گردشگری و زیارت است. این پژوهش که در چهارچوب توسعه پایدار گردشگری و کدهای اخلاقی گردشگری انجام شد می‌تواند نقطه شروعی برای نقد و ارزیابی وضعیت هویت اجتماعی در صنعت گردشگری و زیارت کشور باشد

درواقع همان‌طور که گفته شد شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت اجتماعی مقاصد گردشگری می‌تواند نقطه شروعی برای تحقق امنیت اجتماعی در مقاصد گردشگری - زیارتی باشد و از طرفی نیز تعیین وضعیت موجود از نظر علمی و کارشناسی گردشگری نیز می‌تواند مقدمه‌ای برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های درست مدیران و مسئولان گردشگری کلانشهر مشهد باشد؛ لذا مدیران قادر خواهند بود تا با استفاده از ابزارهای علمی و ارزیابی‌های درست خود از فرصت‌ها و تهدیدهای هویتی موجود در کلانشهر مشهد خود جهت مدیریت بهتر مقصد خود بهره‌برند.

در هویت اجتماعی دو مؤلفه روابط درون‌گروهی و روابط بین‌گروهی، شناسایی و برای هر یک از آنها شاخص‌هایی استخراج شد. برای مؤلفه روابط درون‌گروهی دو شاخص جمع‌گرایی و تعهد، برای مؤلفه روابط بین‌گروهی سه شاخص آگاهی، گفتگو و احترام شناسایی شده است (موسوی، ۱۳۹۹). در ادامه همان‌طور از نتایج تحلیل مشخص شد، وضعیت هویت اجتماعی و مؤلفه‌های آن در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد نامطلوب ارزیابی شده است. مؤلفه‌های به‌دست‌آمده برای هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی مشهد با برخی از مؤلفه‌های به‌دست‌آمده در پژوهش‌های عظیمی هاشمی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری ساربان (۱۳۹۵)، بیضایی و صدقاتی (۱۳۹۶)، وثوقی و همکاران (۱۳۹۷)، جان‌پرور و همکاران (۱۳۹۸)

مطابقت دارد و در سایر پژوهش‌های مطرح شده نیز ارتباط بین هویت اجتماعی در مقاصد گردشگری نیز تا حد زیادی مورد تأیید قرار گرفته است.

در مجموع می‌توان گفت که نتایج به دست آمده در این پژوهش رد فرضیه صفر را در مورد نامطلوب بودن وضعیت هویت اجتماعی در مقصد گردشگری - زیارتی شهر مشهد از نظر هر دو گروه (گردشگران خارجی و متخصصان گردشگری) نشان می‌دهد؛ لذا فرضیه پژوهش مبنی بر نامطلوب بودن وضعیت هویت اجتماعی و هریک از مؤلفه‌های آن در مقصد گردشگری - زیارتی مشهد از منظر پاسخ‌دهندگان تأیید می‌گردد.

هویت اجتماعی مرتبط با رفتار خود جامعه میزبان در مقصد است، به طوری که گروه‌های مختلف اجتماعی در مقصد گردشگری می‌توانند نقش سازنده‌ای را در فراهم آوردن امنیت اجتماعی ایجاد نمایند. گروه‌های مختلف مردمی و میزبان در شهر مشهد می‌توانند از طریق ارتباط محکم و قوی بین خودشان با احساس تعلق، احساس غرور و همچنین با درک، شناخت و احترام به سایر گروه‌های اجتماعی در مقصد زمینه را برای توسعه پایدار گردشگری شهر مشهد ایجاد نمایند.

بر اساس واکاوی‌های انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان داشت که رویکرد جامعه‌شناسی به بحث هویت اجتماعی و به اضافه نگاه امنیت‌شناسی درون‌نگر (ایجابی) به مقاصد می‌تواند مدیران شهری و گردشگری شهر مشهد در شناسایی متغیرهای مؤثر هویتی و اجتماعی آگاه کرده و منبعی مؤثر برای پیشگیری و حتی واکنش به تهدیدهایی احتمالی که می‌تواند امنیت اجتماعی جامعه میزبان در مقاصد گردشگری و زیارتی را به مخاطره اندازد، فراهم آورد.

در کل توسعه پایدار گردشگری در کلانشهر مشهد معطوف به حفظ تداوم هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه، در شرایط متغیر و متحول اجتماعی است. کلانشهر مشهد برای پیشرفت گردشگری بیش از هر چیز نیازمند وجود روابط گرم و مؤثر بین افراد در جامعه میزبان است که تعهد و احترام، انسجام و وفای اجتماعی و در نهایت آگاهی فعال اجتماعی را ممکن می‌سازد.

پیشنهاد‌های سیاستی

در این قسمت از مقاله به ارائه پیشنهاد‌های سیاستی مدیران و سیاست‌گذاران امر پرداخته می‌شود:

۱- آموزش جامعه میزبان و گروه‌های مختلف اجتماعی ذینفع در حوزه گردشگری در شهر مشهد می‌تواند توسط متخصصان گردشگری و زیارت استان در این

- کلانشهر با همکاری شهرداری، اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و سایر نهادهای مرتبط با تأکید بر توسعه پایدار گردشگری در مشهد صورت گیرد.
- ۲- فرهنگ‌سازی توسعه پایدار گردشگری و تأکید بر روابط درون‌گروهی و بین‌گروهی جامعه میزبان در شهر مشهد از اقدامات مؤثر دولت به‌خصوص نهاد شهرداری مشهد در این خصوص است.
- ۳- لازم است این الگو در سایر مقاصد گردشگری - زیارتی در کشور در مقیاس‌های متفاوت با شهر مشهد، نیز واکاوی و آزمون شود.
- ۴- حضور فعال و مؤثر نمایندگان گروه‌های مختلف اجتماعی گردشگری و زیارت شهر مشهد در رویدادها و نمایشگاه‌های بین‌المللی و ارتباط مؤثر با سایر مقاصد گردشگری کشور و به‌خصوص کشورهای همسایه و حوزه تمدنی کشورمان در راستای تقویت ارتباط فرهنگی، دینی و اجتماعی اثرگذار.
- ۵- مراقبت و توجه دولت و متولیان استانی گردشگری و زیارت مشهد به مکان‌ها و نقاط مستعد آسیب‌پذیری فرهنگی - دینی از طریق آموزش و سامان‌دهی اکیپ‌هایی شهری جهت حفاظت پیشگیرانه.
- ۶- ترویج و توسعه فرهنگ قانونمندی و آگاهی پویا در خصوص نظام حقوقی به جوامع محلی و گردشگران از طریق آموزش‌های فنی، رسانه‌ای و تبلیغاتی در کلانشهر مشهد.
- ۷- ایجاد کارگروه‌های علمی و اندیشه‌ورزی برای توسعه فرهنگی و اجتماعی گردشگری و زیارت در شهر مشهد.
- ۸- طراحی بسته‌های سیاستی جامع گردشگری با پیوست توسعه پایدار هویت اجتماعی شهر مشهد.

فهرست منابع

نهج‌البلغه.

- آقاسی، عبا...؛ ابراهیم‌زاده، عیسی و هادیانی، زهره (۱۳۸۸). نقش امنیت در توسعه گردشگری پایدار مطالعه موردی شهرستان چابهار. اولین همایش ملی امنیت و توسعه پایدار گردشگری، اصفهان، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اصفهان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی‌شده، رویکرد اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایمانی خوشخو، محمدحسین؛ پورجم علویجه، افسانه و نادعلی‌پور، زهرا (۱۳۹۴). مطالعات گردشگری. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بابایی، یاور و فردوسی، سجاد (۱۳۹۸). تحلیل و بررسی اثرات گردشگری بر هویت اجتماعی. کنفرانس ملی اکوتوریسم، فرهنگ و توسعه گردشگری.
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن و احمدی، اعظم (۱۳۹۳). امنیت اجتماعی، ضرورتی در ترویج صنعت گردشگری (مطالعه موردی: کلانشهر مشهد). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۳(۱۱)، ۷۶-۹۵.
- بیضایی، میترا و صداقتی، عاطفه (۱۳۹۶). ارائه شاخص‌های هویت فرهنگی ایرانی - اسلامی منطبق با انواع گردشگری فرهنگی و با ملاحظه عامل پایداری گردشگری. میراث و گردشگری، ۲(۷)، ۱۱۱-۱۳۱.
- جان‌پرور، محسن؛ صالح‌آبادی، ریحانه و مهدی، معصومه (۱۳۹۸). گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۲(۵)، ۱۳-۲۸.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- جهانیان، منوچهر و زندی، ابتهال (۱۳۹۱). اکوتوریسم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- حیبی قاسم‌آبادی، امیرنصرت (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی سفر و گردشگری با رویکرد توسعه پایدار. تهران: ناشر جامعه‌شناسان.
- حیدری ساربان، وکیل (۱۳۹۵). بررسی رابطه گردشگری با هویت اجتماعی جوانان روستایی شهرستان اردبیل. مطالعه موردی: دهستان سردابه. برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۱۹(۵)، ۱۳۰-۱۵۲.

- دریادل، طاهره؛ مافی، عزت‌الله و رجبی، مریم (۱۴۰۱). نقش گردشگران در شکل‌گیری هویت مقاصد هدف گردشگری مطالعه موردی: منطقه ثامن مشهد. *جغرافیایی فضای گردشگری*، ۴۳(۱۱)، ۷۹-۹۸.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). *توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضوانی، محمدرضا؛ حسام، مهدی و کریمی، سیدهادی (۱۳۹۳). *تحلیل شبکه در گردشگری*. تهران: انتشارات مهکامه.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۹۰). *جهانی شدن و توسعه پایدار. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۲(۳)، ۱-۱۸.
- شهرابی فراهانی، مهدیه (۱۴۰۱). *گردشگری و هویت فرهنگی، نگاهی چندسویه*. *گردشگری فرهنگ*، ۳(۱۰)، ۵۳-۵۴.
- شیانی، ملیحه و هاشمی، سمیه (۱۳۹۱). *تجربه گردشگری و هویت ملی مورد مطالعه: شهروندان شهر شیراز. مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۲)، ۵۷-۷۸.
- ضرابی، اصغر و زنگنه، مهدی (۱۳۸۹). *جایگاه امنیت اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری با تأکید در ایران*. *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای صنعت توریسم*.
- ضرابی، اصغر و زنگنه، مهدی (۱۳۸۹). *جایگاه امنیت اجتماعی در توسعه پایدار گردشگری با تأکید در ایران*. *مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای صنعت توریسم*.
- عبداللهی، عبدالله و الهیاری، خدیجه (۱۳۸۲). *فرایند جهانی شدن در چالش با امنیت اجتماعی (رهیافت فضایی)*. *مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی*، شماره یک، معاونت اجتماعی ناجا، تهران.
- عبدلی، اصغر؛ محمدی، جمال و ابراهیمی، رضا (۱۳۹۳). *تحلیلی بر میزان احساس امنیت اجتماعی گردشگران شهری (مطالعه موردی: گردشگران داخلی شهر اصفهان)*. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۱۸(۵۰)، ۲۳۵-۲۵۷.
- عظیمی هاشمی، مژگان؛ شریعتی مزینانی، سعید و اعظم کاری، فائزه (۱۳۹۱). *مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی شهر زیارتی پایدار مورد مطالعه: شهر مشهد*. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۶(۴)، ۱۳۵-۱۵۹.
- علی‌خواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۴). *زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری*. *رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲)، ۱۰۹-۱۳۱.
- قاسمی خطیر، نبی‌اله (۱۳۸۸). *بررسی و مطالعه پیامدهای گردشگری بر امنیت اجتماعی منطقه خلیج فارس با رویکرد جامعه‌شناختی*. *همایش بین‌المللی خلیج فارس*.

- متقی، سمیرا؛ صادقی، محمد و دلالت، مراد (۱۳۹۵). نقش امنیت در توسعه گردشگری خارجی (نمونه موردی: گردشگران خارجی شهر یزد). نشریه گردشگری شهری، ۳(۱)، ۷۷-۹۱.
- مشکینی، ابوالفضل؛ حسینی، معصومه؛ ربانی، طاهّا و عباسزاده، صغری (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی گردشگران شهری (مطالعه موردی: شهر طرّقه). نشریه گردشگری شهری، ۳(۱)، ۱۷-۳۰.
- موسوی، سیدمحمد (۱۳۹۹). *ارائه الگو امنیت اجتماعی در مقاصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر تهران)*، رساله دکتری مدیریت گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.
- وثوقی، لیلیا؛ یزدانی، محمدرضا و توانایی، عاطفه (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر هویت شهر بر رضایت و وفاداری گردشگران (مطالعه موردی: شهر کرمان). نشریه گردشگری شهری، ۵(۱)، ۱۷-۳۱.
- یوسفی، جواد و شریفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیلی بر اثرات اجتماعی و فرهنگی توسعه گردشگری (مطالعه شهرستان بیرجند). راهبرد توسعه، ۱۲(۴۸)، ۱۳۷-۱۵۵.

- Abdullaev, A. (2004). Rural tourism and sustainable development in Hookkaido, Candidate for the Degree of Master. *Division of Urban and Environmental Engineering*, 162-165.
- Buzan, Barry. (2000). Security studies: beyond strategy, www. Yorku.com.
- Choi, H.S. Chris & Sirakaya, Ercan (2006). Measuring residents' attitude toward sustainable tourism: development of sustainable ourism scale. *Journal of Travel Research*, (43), 380-394.
- Chris, Ryan (2012). Assisting the poor in China through tourism development: A eview of research. *Tourism Management*, 33(2), 239-248.
- De Kadt, E. (Ed.). (1979). *Tourism: Passport to development?* New York: Oxford University Press.
- DFID (2002). Indicatrs for socially sustainability development. [Http://:www.livelihood.Org/info/wssd-indbr-pdf](http://www.livelihood.Org/info/wssd-indbr-pdf) Martin, speech delivered to conference on the European social Agenda and the international partners, the social dimensions of sustainable development.
- Doxey, G. V. (1975). A Causation Theory of Visitor-Resident Irritants: Methodology and Research Inferences. *In Travel and Tourism Research Associations Sixth Annual Conference Proceedings (195-198)*. San Diego: September.
- Duim, V.R. van der (2005). Tourismscapes: An Actor-network Perspective on Sustainable Tourism Development, *Wageningen: WUR Wageningen*, 164-165.

- Hakeem, S. M. A. & Khan, M. Y. (2018). Urban tourism: the perspective on tourism impacts in Cambridge, United Kingdom. *Маркетинг іменеджмент інновацій*, (3), 268-275.
- Jaafar, M.; Ismail, S. & Rasoolimanesh, S.M. (2015). Perceived social effects of tourism development: a case study of kinabalu national park, *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 10(2), 5-20.
- Kılıçlar, A.; Uşaklı, A. & Tayfun, A. (2018). Terrorism prevention in tourism destinations: Security forces vs. civil authority perspectives. *Journal of Destination Marketing & Management*, (8), 1-15.
- Lemert, C. (1993). 'Social Theory: Its Uses and Pleasures' in Lemert, C. (ed.) *Social Theory: The Multicultural and Classic Readings*, Oxford, Westview Press.
- Lindstrom, M. (2008). Social Capital, Anticipated Ethnic Discrimination and Self-Reported Psychological Health: A Population-Based Study. *Social Science & Medicine*, 66(1), 1-13.
- Mthembu, N. (2009). Tourism Crime, Safety and Security in the Umhlathuze District Municipality, MSs Thesis of Recreation and Tourism, Faculty of Arts, University of New Zealand, P. 138.
- Pourahmad, A.; Eyvazlou, M. & Mahbob, H. (2011). Examine the relationship between religiosity and sense of security in rural and urban areas (study city Kuhdasht). *Journal of Strategic Studies security and social order, the first year, the first issue*, S37-1.
- Theil, H. (2007). *Economics and Information Theory*. Amsterdam: North Holland.
- THI AI CAM, T. (2011). *EXPLAINING TOURISTS SATISFACTION AND INTENTION TO REVISIT NHA TRANG, VIET NAM*. Master Thesis in Fisheries and Aquaculture Management and Economics (30 ECTS), The Norwegian College of Fishery Science University of Tromso, Norway & Nha Trang University, Vietnam.
- University of Dortmund (2001). *Sustainable Regional Development for Tourism in County Donegal*. Republic of Ireland, Faculty of Spatial Planning.
- Weaver, David B. (2001). *The encyclopedia of ecotourism*. CABI Publishing, New York.

References

- Nahjul-Balagha. (In Persian)
- Abdoli, Asghar; Mohammadi, Jamal; Ebrahimi, Reza. (2014). "An analysis of the level of social security of urban tourists (case study: domestic tourists in Isfahan)". *Journal of Geography and Planning*, 18(50), 235-257. (In Persian)
- Abdollahi, Abdollah; Al-Hayaari, Khadija. (2003). "The Process of Globalization in Challenge to Social Security (Spatial Approach)". *Collection of Papers of the Social Security Conference, Issue 1, NAJA Social Affairs Office, Tehran*. (In Persian)
- Abdullaev, A. (2004). Rural tourism and sustainable development in Hookkaido, Candidate for the Degree of Master. *Division of Urban and Environmental Engineering*, 162-165.
- Aghasi, Abda...; Ebrahinzadeh, Isa; Hadiani, Zohreh. (2009). "The role of security in the development of sustainable tourism: a case study of Chabahar city". *The first national conference on security and sustainable development of tourism, Isfahan, Publications of the Applied Research Office of the Isfahan Provincial Police Command*. (In Persian)
- Alikhah, Fardin; Najibi Rabiei, Maryam. (2005), "Women and fear of crime in urban spaces". *Social Welfare*, 6(22), 109-131. (In Persian)
- Azimi Hashemi, Mojgan; Shariati-Mazinani, Saeed; Azam-Kari, Faezeh (2012). "Socio-cultural components of a sustainable pilgrimage city, case study: Mashhad city". *Iranian Journal of Social Studies*, 6 (4), 135-159. (In Persian)
- Babaei, Yavar and Ferdowsi, Sajjad (2019). "Analysis and investigation of the effects of tourism on social identity", *National Conference on Ecotourism, Culture and Tourism Development*. (In Persian)
- Beizaei, Mitra, and Sedaghati, Atefeh. (2017). "Presenting Iranian-Islamic cultural identity indicators in accordance with types of cultural tourism and considering the sustainability factor of tourism". *Heritage and Tourism*, 2 (7), 111-131. (In Persian)
- Bokharai, Ahmad; Sharbatian, Mohammad Hassan; Ahmadi, Azam. (2014). "Social Security, a Necessity in Promoting the Tourism Industry (Case Study: Mashhad Metropolitan City)". *Tourism Planning and Development*, 3(11), 76-95. (In Persian)
- Buzan, Barry. (2000). *Security studies: beyond strategy*, www. Yorku.com.
- Choi, H.S. Chris & Sirakaya, Ercan (2006). Measuring residents' attitude toward sustainable tourism: development of sustainable ourism scale. *Journal of Travel Research*, (43), 380-394.
- Chris, Ryan (2012). Assisting the poor in China through tourism development: A eview of research. *Tourism Management*, 33(2), 239-248.
- Daryadel, Tahereh, Mafi, Ezzatollah and Rajabi, Maryam. (2014). "The Role of Tourists In the formation of tourism destination identity, a case

- study: Samen region of Mashhad". *Geography of Tourism Space*, 43(11), 79-98. (In Persian)
- De Kadt, E. (Ed.). (1979). *Tourism: Passport to development?* New York: Oxford University Press.
- DFID (2002). Indicators for socially sustainability development. [Http://:www.livelihood.org/info/wssd-indbr-pdf](http://www.livelihood.org/info/wssd-indbr-pdf) Martin, speech delivered to conference on the European social Agenda and the international partners, the social dimensions of sustainable development.
- Doxey, G. V. (1975). A Causation Theory of Visitor-Resident Irritants: Methodology and Research Inferences. *In Travel and Tourism Research Associations Sixth Annual Conference Proceedings (195-198)*. San Diego: September.
- Duim, V.R. van der (2005). Tourismscapes: An Actor-network Perspective on Sustainable Tourism Development, *Wageningen: WUR Wageningen*, 164-165.
- Eftekhari, Asghar. (2013). Socialized Security, an Islamic Approach. Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute Publications. (In Persian)
- Ghasemi-Khatir, Nabi-Allah. (2009). "Investigation and study of the consequences of tourism on social security in the Persian Gulf region with a sociological approach". International Conference on the Persian Gulf. (In Persian)
- Habibi Ghasemabadi, Amir Nosrat (2016). *Sociology of travel and tourism with a sustainable development approach*, Tehran, Sociologists Publisher. (In Persian)
- Hakeem, S. M. A. & Khan, M. Y. (2018). Urban tourism: the perspective on tourism impacts in Cambridge, United Kingdom. *Маркетинг іменеджмент інновацій*, (3), 268-275.
- Heydari Sarban, Vakil. (2016). Investigating the Relationship between Tourism and the Social Identity of Rural Youth in Ardabil County, Case Study: Sardabeh Village. *Tourism Planning and Development*, 5(19), 130-152. (In Persian)
- Heydari-Sarban, Vakil. (2016). "Investigating the relationship between tourism and the social identity of rural youth in Ardabil city", case study: Sardabeh village. *Tourism Planning and Development*; 19 (5), 130-152. (In Persian)
- Imani Khoshkho, Mohammad Hossein; Pourjam Alavijeh, Afsaneh; Nadalipour, Zahra. (2015). *Tourism Studies*. Tehran: Jihad-Daneshgahi Publishing Organization. (In Persian)
- Jaafar, M.; Ismail, S. & Rasoolimanesh, S.M. (2015). Perceived social effects of tourism development: a case study of kinabalu national park, *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 10(2), 5-20.
- Jahanian, Manouchehr; Zandi, Ebtihal. (2012). *Ecotourism*. Tehran: Jihad-Daneshgahi Publishing. (In Persian)

- Janparvar, Mohsen, Salehabadi, Reyhaneh and Mehdi, Masoumeh (2019). "Strategic Cultural Tourism to Strengthen the National Identity of the Islamic Republic of Iran". *Applied Studies in Social Sciences and Sociology*. 2(5), 13-28. (In Persian)
- Jenkins, Richard. (2002). *Social Identity*. Translated by Touraj Yarahmadi, Tehran: Shiraz (In Persian)
- Kılıçlar, A.; Uşaklı, A. & Tayfun, A. (2018). Terrorism prevention in tourism destinations: Security forces vs. civil authority perspectives. *Journal of Destination Marketing & Management*, (8), 1-15.
- Lemert, C. (1993). 'Social Theory: Its Uses and Pleasures' in Lemert, C. (ed.) *Social Theory: The Multicultural and Classic Readings*, Oxford, Westview Press.
- Lindstrom, M. (2008). Social Capital, Anticipated Ethnic Discrimination and Self-Reported Psychological Health: A Population-Based Study. *Social Science & Medicine*, 66(1), 1-13.
- Meshkini, Abolfazl; Hosseini, Masoumeh; Rabbani, Taha; Abbaszadeh, Soghari. (2016). "Investigating Factors Affecting the Feeling of Social Security of Urban Tourists (Case Study: Torqeba City)". *Urban Tourism Journal*, 3(1), 17-30. (In Persian)
- Mottaghi, Samira; Sadeghi, Mohammad; Dalalat, Morad. (2016). "The Role of Security in the Development of Foreign Tourism (Case Study: Foreign Tourists in Yazd City)". *Urban Tourism Journal*, 3(1), 77-91. (In Persian)
- Mousavi, Seyed Mohammad (2010). *Presenting a Social Security Model in Tourism Destinations (Case Study: Tehran City)*, PhD Thesis in Tourism Management, University of Science and Culture, Tehran. (In Persian)
- Mthembu, N. (2009). *Tourism Crime, Safety and Security in the Umhlatuze District Municipality*, MSs Thesis of Recreation and Tourism, Faculty of Arts, University of New Zealand, P. 138.
- Pourahmad, A.; Eyvazlou, M. & Mahbob, H. (2011). Examine the relationship between religiosity and sense of security in rural and urban areas (study city Kuhdasht). *Journal of Strategic Studies security and social order, the first year, the first issue*, S37-1.
- Rezvani, Mohammad Reza, Hesam, Mehdi, Karimi, Seyed Hadi (2014). *Network Analysis in Tourism*, Mahkameh Publications, Tehran. (In Persian)
- Rezvani, Mohammad Reza. (2011). *Rural Tourism Development with a Sustainable Tourism Approach*. Tehran: Tehran University Press, Second Edition. (In Persian)
- Shahrabi-Farahani, Mahdieh. (2014). "Tourism and Cultural Identity, a Multifaceted Perspective: Cultural Tourism 3(10), 53-54. (In Persian)
- Shiani, Malihe and Hashemi, Somayeh. (2012). "Tourism Experience and National Identity Case Study: Citizens of Shiraz". *Iranian Journal of Sociology*, 14(2), 57-78. (In Persian)
- Theil, H. (2007). *Economics and Information Theory*. Amsterdam: North

- Holland.
- THI AI CAM, T. (2011). *EXPLAINING TOURISTS SATISFACTION AND INTENTION TO REVISIT NHA TRANG, VIET NAM*. Master Thesis in Fisheries and Aquaculture Management and Economics (30 ECTS), The Norwegian College of Fishery Science University of Tromso, Norway & Nha Trang University, Vietnam.
- University of Dortmund (2001). *Sustainable Regional Development for Tourism in County Donegal*. Republic of Ireland, Faculty of Spatial Planning.
- Vosoghi, Leila, Yazdani, Mohammadreza and Tamahani, Atefeh. (2018). "Evaluating the Impact of City Identity on Tourist Satisfaction and Loyalty (Case Study: Kerman City)". *Urban Tourism Journal*, 5(1), 17-31. (In Persian)
- Weaver, David B. (2001). *The encyclopedia of ecotourism*. CABI Publishing, New York.
- Yousefi, Javad; Sharifi-Tehrani, Mohammad. (2016). "An Analysis of the Social and Cultural Effects of Tourism Development (Study of Birjand County)". *Development Strategy*, 12 (48), 137-155. (In Persian)
- Zahedi, Shams-Sadat. (2011). "Globalization and Sustainable Development". *Strategic Studies of Public Policy*, 2 (3), 1-18. (In Persian)
- Zarrabi, Asghar; Zanganeh, Mehdi. (2010). "The Place of Social Security in Sustainable Tourism Development with Emphasis on Iran". *Collection of Articles of the Regional Conference on Tourism Industry*. (In Persian)
- Zarrabi, Asghar; Zanganeh, Mehdi. (2010). "The place of social security in sustainable tourism development with emphasis on Iran". *Collection of articles of the regional conference of the tourism industry*. (In Persian)

مدلیابی شادکامی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری در نوجوانان^۱

اعظم حسین پور

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

a.hosseinpour075@gmail.com

0009-0009-7216-9984 ID

کاترین وزیری

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).
vaziri42@gmail.com

0000-0002-4085-1016 ID

نسربین باقری

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.
Bagheri.nas@gmail.com

0000-0002-5919-2591 ID

چکیده

شادکامی یکی از اجزای ضروری امید به زندگی و افزایش کیفیت زندگی در اجتماع است؛ بنابراین توجه به آن از سنین نوجوانی که دوران رشد و شکل‌گیری هویت است، اهمیت فراوانی دارد. هدف پژوهش حاضر مدلیابی شادکامی در اجتماع بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری اجتماعی در نوجوانان بود. طرح پژوهش کاربردی و روش انجام آن توصیفی - همبستگی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی نوجوانان دختر شاغل به تحصیل در دوره دوم دبیرستان تشکیل می‌دادند که ۳۵۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد (۲۰۰۲)، شخصیت نوجوان آیزنک (۱۹۷۵) و سازگاری دانش‌آموزان سینها و سینگ (۱۹۹۳) پاسخ دادند. نتایج نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی و شادکامی نوجوانان رابطه مثبتی وجود دارد؛ اما نتوانست شواهدی از نقش میانجی‌گری سازگاری اجتماعی بین این دو متغیر پیدا کند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که ویژگی‌های شخصیتی به‌طور مستقیم بر شادکامی نوجوانان تأثیر می‌گذارند و سازگاری اجتماعی در این رابطه نقشی واسطه‌ای ندارد.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی)، سازگاری اجتماعی، نوجوانان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.435806.1536



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

مقدمه و بیان مسئله

اهمیت شادکامی در سال‌های اخیر به‌حدی افزایش یافته که روان‌شناسان متعددی مانند سلیگمن معتقدند به‌جای تمرکز بر مطالعه اختلالات روانی و جسمی، باید به بررسی شادکامی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه پرداخت؛ چراکه شادکامی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی، فرهنگ و اجتماع یک جامعه شناخته می‌شود و در نهایت منجر به بهبود کیفیت زندگی افراد آن جامعه خواهد شد (عیوض‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، دوران نوجوانی به‌عنوان مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین دوره برای شکل‌گیری شخصیت واقعی انسان شناخته می‌شود، چراکه این دوره مصادف با تحولات شخصیتی، هیجانی، شناختی و اجتماعی است (Shubert et al., 2019). این تحولات نقشی اساسی در رشد سالم و سلامت روان‌شناختی نوجوانان ایفا می‌کنند و به‌نوبه خود در ارتقای فرهنگ سلامت جامعه مؤثر خواهند بود (رضی‌ئی؛ فتاحی اندبیل و دوکانه‌ای فرد، ۱۴۰۱).

درباره شادکامی، آرگیل^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کند شادکامی از ارزیابی فرد از خود و زندگی‌اش نشئت می‌گیرد که این ارزیابی تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و برداشت فرد از نگاه دیگران به او است و این شادکامی افراد ریشه در ویژگی‌های شخصیتی و روابط بین فردی دارد که در بستر فرهنگی جامعه شکل می‌گیرند (درخشان و دیگران، ۱۳۹۹). شخصیت به‌عنوان مجموعه‌ای از الگوهای ثابت تفکر، احساس و رفتار تعریف می‌شود که سبک تعامل فرد با محیط اجتماعی و جامعه را تعیین می‌کند (کوچکی و دیگران، ۱۴۰۱). مطالعات متعدد نیز نشان داده‌اند بین ویژگی‌های شخصیتی افراد و شادکامی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد (Buijs et al., 2021). آنچه اهمیت پیدا می‌کند این است که ابعاد شخصیتی ریشه در ساختار ژنتیکی و نوروفیزیولوژیکی انسان دارند و نه صرفاً عوامل فرهنگی و بین‌افراد که در دو انتهای یک طیف شخصیتی قرار می‌گیرند، مانند درون‌گراها و برون‌گراها، تفاوت‌های قابل توجهی در ساختار عصبی مغز وجود دارد (فیست و فیست، ۱۳۹۳). برون‌گراها معمولاً افرادی اجتماعی، خوش‌بین، اهل معاشرت و تنوع‌طلب هستند، آن‌ها از جمع و گفتگو لذت می‌برند و تمایل دارند احساسات خود را به‌راحتی بروز دهند. درمقابل، درون‌گراها بیشتر انزواطلب، محتاط، آرام و متفکر هستند، آن‌ها ترجیح می‌دهند در تنهایی به سر ببرند و احساسات خود را کنترل می‌کنند (الهی؛

1. Argyle

بامدادی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸). تیپ‌ها و صفات شخصیتی نقشی کلیدی در شناخت عواطف افراد ایفا می‌کنند. این ویژگی‌ها بر رفتارها، نقش‌ها و روابط افراد در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله روابط عاطفی، اجتماعی، شغلی و حتی دریافت حمایت‌های اجتماعی و ادراکی، تأثیر می‌گذارند.

از طرفی، از دغدغه‌های اصلی هر نظام فرهنگی و اجتماعی، تعلیم و تربیت کودکان و نوجوان مطرح است. دوران نوجوانی، دوره‌ای حساس و سرنوشت‌ساز است که با چالش‌های منحصر به فردی، از جمله مسئله سازگاری اجتماعی همراه است و نقشی اساسی را در سلامت روان، عملکرد تحصیلی و اجتماعی و کیفیت کلی زندگی نوجوانان ایفا می‌کند. عدم دستیابی به سازگاری اجتماعی در دوران نوجوانی، پیامدهای منفی متعددی از قبیل ایجاد مشکل و ایجاد اختلال، منجر به بروز مشکلات در روابط اجتماعی، گرایش به انحراف‌های ضداجتماعی و اخلاقی و افول ارزش‌های فرهنگی جامعه در فرد می‌شود (Agbaria & Bdier, 2020). این نوجوانان ممکن است با مشکلات عاطفی، رفتاری و تحصیلی مواجه شوند، در روابط اجتماعی خود دچار چالش شوند و به انحرافات ضداجتماعی و اخلاقی گرایش پیدا کنند. علاوه بر این، افول ارزش‌های فرهنگی جامعه نیز در این افراد محتمل است (Fifitnova, 2021).

با توجه به اهمیت حیاتی سازگاری اجتماعی در دوران نوجوانی، ضرورت توجه به این موضوع و تلاش برای تقویت این مهارت در نوجوانان از طریق روش‌های مناسب، امری انکارناپذیر است. دستیابی به سازگاری، بستر لازم برای رشد و تحول، رفع نیازها و خواسته‌های فرد و دستیابی به یک زندگی شاد و رضایت‌بخش را فراهم می‌کند (Yeung; Ramirez & Lu, 2017). در این میان، نقش ویژگی‌های شخصیتی، به ویژه برون‌گرایی و درون‌گرایی، در شادکامی و سازگاری نوجوانان حائز اهمیت است. مطالعات نشان داده‌اند که افراد برون‌گرا به‌طور کلی شادتر و دارای روابط اجتماعی قوی‌تری هستند، در حالی که افراد درون‌گرا تمایل به تفکر عمیق‌تر و تمرکز بیشتر بر دنیای درونی خود دارند. با این حال، رابطه دقیق بین ویژگی‌های شخصیتی، سازگاری و شادکامی در دوران نوجوانی هنوز به‌طور کامل روشن نشده است. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که برون‌گرایی با سازگاری و شادکامی بیشتر مرتبط است، در حالی که برخی دیگر شواهدی از نقش مثبت درون‌گرایی در این زمینه ارائه کرده‌اند (Moynihan & Peterson, 2001؛ الهی؛ بامدادی و شیرمحمدی، ۱۳۹۸). این تناقض‌ها در یافته‌ها ضرورت انجام تحقیقات بیشتر برای درک بهتر رابطه

پیچیده بین ویژگی‌های شخصیتی، سازگاری اجتماعی و شادکامی در دوران نوجوانی را برجسته می‌کند. از سویی، این مطالعه با روشن کردن نقش میانجی‌گری سازگاری اجتماعی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و شادکامی، می‌تواند گامی مهم در جهت درک عمیق‌تر عوامل مؤثر بر سلامت روان و بهزیستی نوجوانان بردارد و در نهایت به ارائه راهکارهای مؤثرتری برای ارتقای سلامت روان و شادکامی این گروه سنی حساس منجر شود؛ لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی این رابطه و پاسخ به این سؤال کلیدی طراحی شده است: آیا مدل‌یابی شادکامی در اجتماع بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری اجتماعی نوجوانان برازش خوبی دارد؟

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی شادکامی در اجتماع بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری اجتماعی در نوجوانان بود؛ لذا سؤال‌های پژوهش را می‌توان به شرح ذیل مطرح کرد:

۱- آیا ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) اثر مستقیم معناداری بر شادکامی در اجتماع دارد؟

۲- آیا سازگاری اجتماعی اثر مستقیم معناداری بر شادکامی در اجتماع دارد؟

۳- آیا سازگاری اجتماعی اثر غیرمستقیم معناداری بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) و شادکامی در اجتماع دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع تحقیق پژوهش‌های متعددی انجام گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. کوچکی و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با موضوع «نقش میانجی‌گری نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و شادکامی دانشجویان» با جامعه آماری انجام دادند که از میان آنان نمونه‌ای متشکل از ۳۵۶ نفر دانشجوی دختر و پسر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل معادلات ساختاری نشان داد که در همه شاخص‌های برازش، مدل ساختاری شادکامی از برازش مناسب و قابل‌قبولی برخوردار است. در مجموع این متغیرها توانسته‌اند که ۳۶ درصد از واریانس متغیر شادکامی را پیش‌بینی و تبیین نمایند.

حسینی، خادم و عبدالهی (۱۴۰۱) پژوهشی با موضوع «بررسی رابطه ناگویی هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی با شادکامی در زنان در شهر شیراز» با جامعه آماری زنان ساکن شهر شیراز انجام دادند که ۱۸۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج پژوهش بررسی داده‌ها از طریق رگرسیون نشان داد که روان‌رنجورخویی، پیش‌بین منفی و معنادار شادکامی و برون‌گرایی، پیش‌بین مثبت و معنادار شادکامی بودند. درخشان و دیگران (۱۳۹۹) پژوهشی خود با موضوع «ارائه مدل پیش‌بینندهای شادکامی دانش‌آموزان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و تحصیلی» با جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی که تعداد ۲۲۴ نفر از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند، انجام دادند. برای بررسی داده‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج نشان داد جهت‌گیری گفت‌وشنود، روان‌رنجورخویی و برون‌گرایی پیش‌بینی‌کننده معنادار شادکامی بودند.

جزایری، دلاو و درتاج (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «رابطه ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی و فعالیت‌های ارادی با میزان شادکامی زنان شاغل» انجام دادند. جامعه آماری زنان شاغل تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها تعداد ۴۰۰ نفر بر اساس فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون گام‌به‌گام تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که بین ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی و فعالیت‌های ارادی با شادکامی رابطه معناداری وجود دارد.

بوسری و ارب^۱ (۲۰۲۳) پژوهشی با موضوع «بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی با بهزیستی ذهنی و بازبینی شخصیت شاد» انجام دادند. در این پژوهش رضایت از زندگی و بهزیستی ذهنی را از طریق بررسی مؤلفه‌های شادی عاطفه مثبت، عاطفه منفی و رضایت از زندگی بررسی کردند. جامعه آماری آن ۱۴ کشور بود که ۲۲۱۳۵ نفر نمونه پژوهش را تشکیل می‌دادند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیت افراد با شادکامی آنان ارتباط منحصربه‌فردی دارد.

پریهر^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی با موضوع «همبستگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان با شادی» انجام داد. هدف پژوهش تلاشی برای مشاهده میزان شادکامی در بین دانش‌آموزان و نیز یافتن همبستگی‌های سطح شادکامی بود. جامعه آماری پژوهش را

1. Busseri & Erb

2. Parihar

دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند که ۲۰۶ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی مستقل و آنوا استفاده شده است. نتایج نشان داد که سطح شادی دانش‌آموزان با آسایش مسکونی، صلاحیت، نمره تحصیلی و استفاده از ابزارها تغییر نمی‌کند. با این حال، سطح شادکامی با جنسیت و وضعیت رابطه متفاوت است.

باقر^۱ (۲۰۱۶) پژوهشی با موضوع «رابطه شادکامی و متغیرهای شخصیت» انجام داد. هدف پژوهش بررسی رابطه بین شادی و خوش‌بینی، رضایت از زندگی، امید، افسردگی و اضطراب بود. جامعه آماری پژوهش را دانشجویانی تشکیل می‌دادند که از بین آن‌ها ۵۱۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد که شادکامی با متغیرهای شخصیتی خوش‌بینی، رضایت از زندگی و امید رابطه مثبت و معناداری دارد اما با افسردگی و اضطراب رابطه منفی و معناداری را دارد.

پیشینه نشان داد که شادکامی با طیف وسیعی از مزایای سلامتی، از جمله افزایش طول عمر، سیستم ایمنی قوی‌تر و سلامت روان بهتر همراه است و افراد شادتر تمایل به خلاقیت بیشتر، انگیزه بالاتر و موفقیت بیشتر در زندگی دارند. همچنین، جوامع شادتر، از انسجام اجتماعی و ثبات اقتصادی بیشتری برخوردارند. از سویی تحقیقات نشان داده‌اند که افراد با ویژگی‌های شخصیتی خاص، مانند برون‌گرایی، خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری، به‌طور کلی شادتر از افرادی هستند که فاقد این ویژگی‌ها هستند و هر فردی دارای مجموعه‌ای منحصر به فرد از ویژگی‌های شخصیتی است که می‌تواند بر نحوه تجربه شادکامی او تأثیر بگذارد. سازگاری اجتماعی نیز نقش مهمی در سلامت روان و شادکامی ایفا می‌کند و افراد با سطوح بالای سازگاری، بهتر می‌توانند با چالش‌ها و مشکلات زندگی کنار بیایند و از آن‌ها عبور کنند؛ لذا نوآوری پژوهش حاضر، انجام مدل بین شادکامی، ویژگی‌های شخصیتی و سازگاری اجتماعی است که به ما کمک می‌کند تا روابط پیچیده بین این سه مفهوم را بهتر درک کنیم و با درک این روابط، می‌توانیم با دقت بیشتری میزان شادکامی هر فرد را پیش‌بینی کنیم، چراکه این دانش می‌تواند به طراحی مداخلات مؤثر برای افزایش شادکامی و سلامت روان نوجوانان کمک کند.

۳. چهارچوب مفهومی

۳-۱. روان‌شناسی مثبت‌نگر

در سال ۱۹۹۸، در خلال نشست سالانه انجمن روان‌شناسی آمریکا، مارتین سلیگمن اولین کسی بود که از اصطلاح «روان‌شناسی مثبت» استفاده کرد (Choon et al., 2022). در سال‌های گذشته رویکرد آسیب‌شناسی برای مطالعه سلامتی انسان انتقادهایی را همراه داشته است؛ زیرا بسیاری از روان‌شناسان و محققان بهداشت روانی جنبه‌های مثبت سلامت را نادیده گرفته بودند (Ryff & Singer, 1998)؛ اما رویکردهای جدید و نوین به سلامتی بر خوب بودن تأکید دارند عدم وجود بیماری را برای احساس سلامتی کافی نمی‌دانند بلکه بر این باورند که داشتن حس رضایت-مندی از زندگی، پیشرفت کافی، خلق‌وخوی مثبت و ارتباط مناسب با جمع از ویژگی‌های شخص سالم است (عابدینی ولامدهی و روانبخش، ۱۴۰۰)؛ بنابراین، با ظهور روان‌شناسی مثبت‌گرا تمرکز پژوهش به تجزیه و تحلیل نقاط قوت و توانایی‌های فردی که منجر به عملکرد بهینه می‌شود و جنبه‌های مثبت زندگی و وجود انسان را قادر می‌سازد به‌طور کامل بیان شود، تغییر کرده است (Kern & et al., 2020).

۳-۲. شادکامی

۳-۲-۱. تاریخچه شادکامی

از عهد باستان به احساسات مثبت انسان از جمله شادی توجه می‌شده است. افلاطون در کتاب جمهوری به سه عضو در وجود آدمی اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: قوه تخیل یا استدلال، احساسات و امیال. شادمانی از نظر افلاطون حالتی از انسان است که بین این سه عضو، تعادل و هماهنگی برقرار باشد (جعفری صحرارودی، ۱۳۹۹). ارسطو شادمانی واقعی را عبارت از زندگی معنوی می‌داند و جان لاک و جرمی بنتهام معتقدند که شادمانی مبتنی بر تعداد وقایع لذت‌بخش است. به عقیده ارسطو دست‌کم سه نوع شادی وجود دارد: در پایین‌ترین سطح نظریه مردم عادی است که شادی همان لذت است. در سطح بالاتر از آن مردمی با فرهنگ بالاتر که معتقدند شادی همان موفقیت و کامیابی است. نوع سوم شادی به‌زعم ارسطو شادی ناشی از معنویت است (احمدی، ۱۳۹۹).

۳-۲-۲. تعریف شادکامی

سازمان جهانی بهداشت، شادکامی را یکی از اجزا ضروری امید به زندگی و کیفیت

زندگی قلمداد کرده و از آن به عنوان بخش مهمی از مفهوم سلامت نگاه می‌کند. از نظر لغوی برخی آن را معادل لذت آنی، احساس مثبت، لذت طولانی مدت یا لذت از تمام زندگی دانسته‌اند (عیوض‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۱). شادی به عنوان یک احساس درونی مثبت تعریف می‌شود که از ادراک شناختی و عاطفی فرد از زندگی خود ناشی می‌شود. خوشبختی مفهومی همه‌جانبه است که زیربنای دو مؤلفه احساس و شناخت می‌باشد. مؤلفه عاطفی مربوط به لذت است (تعادل بین احساسات خوشایند و ناخوشایند)، در حالی که مؤلفه شناختی مربوط به سلامت روان است (Ahmed & Mohamed, 2022). روان‌شناسان، شادکامی را معادل میزان ارزش مثبتی می‌دانند که فرد در مورد خودش احساس می‌کند که شامل هیجانات مثبت (خوشحالی و سرور)، رضایت از زندگی و فقدان عواطف منفی (اضطراب و افسردگی) می‌باشد (Steptoe, 2019).

۳-۲-۳. شادکامی و بُعد اجتماعی

بُعد اجتماعی، مباحثی مانند چگونگی تعامل و برقراری ارتباط مثبت با دیگران، کمک کردن و نوع دوستی و برون‌گرایی را دربرمی‌گیرد. از سویی، یکی از آثار عمده شادی و شادکامی عبارت است از جستجوی مصاحبت و همراهی با دیگران، معاشرت‌پذیری فرح‌بخش در اوقات فراغت و کمک به دیگران. به بیان دیگر، از ویژگی‌های افراد شاد، برون‌گرایی و اجتماعی بودن است که پس از خوش‌بینی، مهم‌ترین ویژگی آن‌ها می‌باشد. برون‌گرایی که دربردارنده ویژگی‌هایی چون معاشرت، محرک طلب‌بودن، تسلط‌خواهی، فعالیت زیاد و گرمی می‌باشد، از یک همبستگی عمده با تجربه عواطف مثبت مانند شادی و محبت برخوردار است (میر، خمر و گمشادزهی، ۱۴۰۱).

۳-۲-۴. پیامدهای شادکامی

مطالعات نشان می‌دهد که اهمیت شادکامی رابطه مثبتی با نتایج مطلوبی دارد که در زندگی به دست می‌آوریم. شادکامی در زندگی سبب موفقیت، طول عمر بیشتر، پیشرفت اقتصادی و رفتارهای بهتر اقتصادی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۹). رایف و کینز (۱۹۹۵) معتقدند که افراد شادکام کسانی هستند که در پردازش اطلاعات در جهت خوش‌بینی و خوشحالی سوگیری دارند. یعنی اطلاعات را به گونه‌ای پردازش و تفسیر می‌کنند که به خوشحالی آن‌ها منجر می‌شوند. بر اساس مطالعات انجام شده،

شادکامی ادراک تنیدگی را کاهش و توانایی شخص را برای کار و فعالیت افزایش می‌دهند (میر؛ خمر و گمشادزهی، ۱۴۰۱). عدم شادی می‌تواند فرد را در برابر بیماری جسمانی آسیب‌پذیرتر ساخته و در درازمدت به‌سوی مرگ بکشاند. عدم شادی می‌تواند به‌مثابه یک قاتل باشد؛ زیرا حالت هیجانی غیرشادی که برای مدتی طولانی دوام می‌یابد، می‌تواند به شیوه‌های مخربی بر نظام فیزیولوژیک بدن تأثیر بگذارد و موجب اختلال در سیستم ایمنی بدن شود. بنا به یافته‌های روان‌شناسی وقتی انسان خوشحال است دنیا را دلپذیرتر می‌یابد، آسان‌تر و بهتر تصمیم می‌گیرد، روابط با مردم محبت‌آمیزتر و استوارتر می‌شود و برای یاری‌دادن به دیگران آمادگی بیشتری پیدا می‌کند. اعتماد به خویشتن و امید به آینده افزون‌تر می‌شود (جعفری صحراودی، ۱۳۹۹).

۳-۳. ویژگی‌های شخصیتی

۳-۳-۱. تعریف ویژگی‌های شخصیتی

شخصیت تعریفی است که هم به شکل عامیانه و هم به شکل کاربردی استفاده می‌شود. اساساً هر فردی ویژگی‌ها، رفتار، توانایی‌ها و خصوصیت‌های منحصربه‌فرد خودش را دارد که شیوه‌های رفتاری، الگوهای پاسخ‌دهی، و عکس‌العمل‌های او را به محیط بیرونی و درونی بیان می‌کند که این صفات، شخصیت وی را می‌سازند. شخصیت تحت عنوان سازمانی درون سیستم‌های شناختی، احساسی، عاطفی و مفهومی فرد تعریف شده که تعیین‌کننده عکس‌العمل‌های خاص هر فرد به محیط پیرامونش است و به‌صورت تقریباً پایدار، حالت‌های ثابت و رفتارهایی که نشان‌دهنده امیال فردی شخص هستند، اشاره می‌کند. شخصیت از عناصر درونی، ارزش‌ها، افکار و صفات وراثتی و عناصر بیرونی و رفتارهای قابل مشاهده متأثر است. هنگامی که درباره شخصیت افراد صحبت می‌شود، به‌درستی اشاره به مجموعه تقریباً ثابتی از رفتارها و احساساتی داریم که به‌طور اساسی به‌وسیله عوامل ژنتیکی و محیطی به‌وجود آمده‌اند. شخصیت انسان‌ها به‌طور تصادفی و یا ناگهانی پدید نمی‌آید بلکه نتیجه تعدادی از عوامل تأثیرگذار است که هر فرد را از دیگری متمایز می‌کند. صفات شخصیتی به‌عنوان بعد ظاهری تغییرات انسان مورد بررسی قرار می‌گیرند که هم نتیجه تأثیرات محیطی و هم نتیجه تأثیرات ژنتیک می‌باشند (Peltonen & et al., 2020).

۳-۲. ساختار شخصیت از نظر یونگ

یونگ (۱۹۶۱-۱۸۷۵) همکار فروید و بنیان‌گذار روان‌شناسی تحلیلی می‌باشد. او معتقد است که شخصیت علاوه بر گذشته توسط آینده هم تشکیل می‌شود و تأکید زیادی بر ناهشیاری دارد. یونگ برای اشخاص، با احتساب اینکه اکثراً متأثر از جهان بیرون هستند یا جهان درون دو گونه شخصیت پیشنهاد کرد: دسته اول را برون‌گرا و دسته دوم را درون‌گرا نامید. بخش بزرگی از ادراک هشیار و عکس‌العمل‌های ما در برابر دنیای اطرافمان به‌واسطه‌ی دیدگاه‌های برون‌گرایی و درون‌گرایی تعیین می‌شود. دو نگرش برون‌گرایی و درون‌گرایی قسمت‌های اصلی سیستم شخصیتی یونگ هستند (Zafar; Khan & Meenakshi, 2017).

۳-۳-۳. درون‌گرایی برون‌گرایی

دیدگاه برون‌گرایانه، افراد را به سمت دنیای عینی بیرون هدایت می‌کند، در صورتی که دیدگاه درون‌گرایانه شخص را متأثر از دنیای ذهنی درون خویش می‌سازد. این دو دیدگاه غالباً در هر شخصی وجود دارد؛ اما معمولاً یکی غالب و آگاهانه و دیگری ناخودآگاه و مغلوب می‌باشد. همه اشخاص هم دارای نگرش درون‌گرایی و هم برون‌گرایی می‌باشند؛ اما فقط یکی از این دو در شخصیت آن‌ها بر دیگری غلبه دارد. یونگ باور داشت که کارکردی که غالب است، رفتار شخص را هدایت می‌کند ولی کارکرد غیرغالب هم تأثیرگذار است. این کارکرد به ناهشیار شخصی فرد وارد شده و در بعضی موارد بر روی او مؤثر واقع می‌شود؛ برای مثال احتمال دارد که اشخاص درون‌گرا میل زیادی برای فرار از درون خویشان و افکارشان به سمت دنیای بیرون و انتقال به دیگران را تجربه کرده و گاهی به‌طور غیرقابل پیش‌بینی برون‌گرا شوند. نشانه دیگر قدرت درون‌گرایی سرکوب شده این است که افراد درون‌گرا، برون‌گرایان را جذاب تلقی می‌کنند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه بر مبنای نظریه یونگ ترجیحات غالب و نوع شخصیت در طول زندگی پایدار هستند ولی این احتمال وجود دارد که در پُررنگ‌بودن صفات تفاوت به‌وجود آید؛ به‌طورمثال یک فرد درون‌گرا قادر است از میزان درون‌گرایی خود کم کند و اجتماعی‌تر شود و یا یک شخص حسی برخی از صفات مفید و بی‌ژگی شهود را تمرین کند و در نظر داشته باشد (O'Byrne et al., 2002). یونگ عقیده دارد که همه اشخاص قابلیت کسب هر یک از این دو گرایش را دارند؛ اما تنها یکی از این دو گرایش بر روان فرد مسلط می‌شود و دیگری به‌صورت پنهان در ناهشیار شخص باقی می‌ماند و در مواقع خاص تأثیر خود را بر رفتار فرد خواهد گذاشت (فائزی، ۱۴۰۰).

۳-۴. سازگاری

۳-۴-۱. تعریف سازگاری

مفهوم سازگاری از واژه انطباق در زیست‌شناسی گرفته شده که یکی از پایه‌های نظریه تکامل داروین^۱ (۱۸۹۵) است و به ساختارهای بیولوژیکی و فرایندهایی که زنده ماندن انواع موجودات را تسهیل می‌کند، اشاره دارد. در این باره محققان بیان کردند که سازگاری یک ساختار فیزیولوژیکی یا کالبدشناختی، یک فرایند زیست‌شناختی یا یک الگوی رفتاری است که در طول تاریخ به بقا و تولیدمثل کمک شایانی کرده است (مهیار، ۱۳۹۹). سازگاری برآیند تأثیر عوامل متعددی از جمله عوامل سه‌گانه فردی جمعیتی (سن، جنس، تمایزات فرهنگی، قومیتی و نژادی و هوش)، عوامل شخصیتی (فشار و استرس، افسردگی، عزت‌نفس، ابراز وجود، خوش بینی، احساس برجستگی و بزرگی، خودارزشمندی، سبک اسنادی و نوع کنترل، جهت‌گیری‌های انگیزشی و شیوه‌های یادگیری، ثبات عاطفی و هوش هیجانی و خودکارآمدی) و عوامل متغیرهای موقعیتی محیطی (نظیر مطلوبیت اجتماعی، سبک‌های مقابله‌ای، مهارت‌های حل مسئله، نقش مشاوران، نقش عوامل خانوادگی، معلمان) است (اینانلو و قمری، ۱۴۰۰).

۳-۴-۲. انواع سازگاری

سینه‌ها و سینگ^۲ (۱۹۹۳) سازگاری را به سه نوع اصلی سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی و سازگاری آموزشی تقسیم می‌کنند. اسکات^۳ (۱۹۸۹) نیز انواع سازگاری را به صورت: سازگاری آموزشی یا تحصیلی، سازگاری بین فردی یا اجتماعی، سازگاری خانوادگی عنوان می‌کند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود (اسکات، ۱۹۸۹؛ نقل از حسینی و اسدی، ۱۳۹۹):

۱- **سازگاری اجتماعی:** سازگاری اجتماعی به معنای منطبق بودن با مقتضیات اجتماعی است و شامل رعایت اصول و قوانین جامعه و کارآبودن در ارتباطات اجتماعی است و شامل سازوکارهایی است که موجب پذیرش فرد در گروه می‌شود (Lee; Wang & Chen, 2019).

۲- **سازگاری آموزشی یا تحصیلی:** سازگاری آموزشی به این معنا است که

1. Darwin

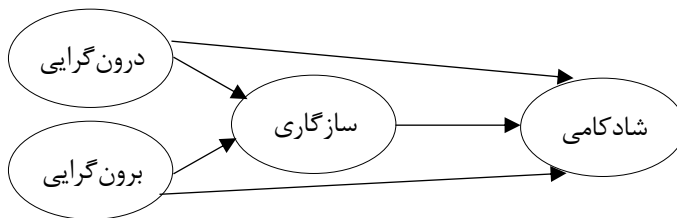
2. Sinha & Singh

3. Scott

دانش آموز تا چه اندازه با خواسته‌ها و ویژگی‌های آموزشی مختلف محیط جدید کنار می‌آید و شامل مؤلفه‌های مانند انگیزه برای یادگیری، اقدام برای برآورده کردن خواسته‌های تحصیلی، رضایت عمومی از محیط تحصیلی و حضور در آن، احساس غرور ناشی از موفقیت‌های تکلیفی، میانگین نمرات درسی، پذیرش اجتماعی همسالان و نحوه عملکرد با مسئولان مدرسه است (Willems et al., 2021).

۳- سازگاری عاطفی: سازگاری هیجانی که تعادل هیجانی یا پایداری هیجانی نیز نامید می‌شود، از سازه‌هایی است که به‌طور نظام‌مندی در تعیین ساختار شخصیتی افراد ایفای نقش می‌کنند. از لحاظ مفهومی سازگاری هیجانی به کمک علائمی از قبیل مقابله با هیجانات منفی، کنترل افکار و باورهای غیرمنطقی و توانمندی در کنترل تکانه‌ها در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا تعریف می‌شود (رحمانی؛ تقوایی و پیرانی، ۱۴۰۰).

باتوجه به آنچه در چهارچوب نظری گفته شد، پژوهشگر به دنبال بررسی دو نوع از ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی و برون‌گرایی نوجوانان که در تقابل با یکدیگر قرار دارند، در رابطه با شادکامی آن‌ها در اجتماع می‌باشد که در این میان با سازگاری اجتماعی نمایان است؛ لذا براین اساس مدل مفهومی به شرح ذیل ترسیم می‌گردد:



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

۴. روش پژوهش

روش پژوهش باتوجه به ماهیت موضوع مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه نوجوان تک‌والد ۱۵ الی ۱۸ ساله، مشغول به تحصیل در دوره دوم متوسطه سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ شهر تهران، تشکیل می‌دادند و بر اساس دیدگاه کلین (۲۰۱۱) که عنوان می‌کند در مدل‌یابی معادلات ساختاری حجم نمونه مورد قبول باید حداقل ۲/۵ و حداکثر ۵

برابر گویه‌ها یا سؤالات ابزارهای اندازه‌گیری باشد (کلین، ۲۰۱۱)؛ در پژوهش حاضر با احتساب مجموع ۱۱۳ گویه تعداد ۳۵۲ نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در مرحله اجرا، از بین مدارس دخترانه منطقه یک شهر تهران، به صورت تصادفی ۵ مدرسه و سپس از هر مدرسه دو کلاس انتخاب شدند و با همکاری مسئولان مدارس و با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش: نداشتن مشکلات انضباطی و رضایت آگاهانه شرکت در طرح پژوهش و این ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تمایل به همکاری، در تحقیق شرکت داده شدند. لازم به ذکر است گروه‌بندی دانش‌آموزان بر اساس ویژگی شخصیتی درون‌گرایی و برون‌گرایی بر اساس نتیجه پرسشنامه اول تحلیل شدند. همچنین ملاحظه‌های اخلاقی اعم از مطلع‌بودن شرکت‌کنندگان از روند پژوهش و جلب رضایت جهت شرکت در مطالعه و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان نیز در پژوهش رعایت گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برازش مدل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار amos24 انجام پذیرفت. جهت سنجش متغیرهای پژوهش از ابزار پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

۱- پرسشنامه شادکامی آکسفورد OHI: آرگایل و هیلز در سال ۲۰۰۲ این پرسشنامه ساختند که متشکل از ۲۹ گویه و بر اساس طیف ۴ درجه‌ای (صفر تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود که حداقل نمره برابر با صفر و حداکثر نمره برابر با ۸۷ است و نمره بالاتر نشان‌دهنده شادکامی بیشتر در فرد خواهد بود و بالعکس. پرسشنامه دارای زیرمؤلفه‌های خودپنداره، رضایت از زندگی، آمادگی رواتی، سردوق‌بودن، احساس زیبایی‌شناختی، خودکارآمدی و امیدواری می‌باشد. آرگایل و همکاران پایایی پرسشنامه آکسفورد را به کمک ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و پایایی باز آزمایی آن را طی هفت هفته ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. روایی همزمان این پرسشنامه با استفاده از ارزیابی دوستان افراد درباره آن‌ها ۰/۴۳ محاسبه شد. در پژوهش علی‌پور آگاه‌هریس (۱۳۸۶) آلفای کرونباخ برای کل فهرست برابر با ۰/۹۱ بود. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ به دست آمد.

۲- پرسشنامه شخصیت نوجوان JEPQ: آیزنگ این پرسشنامه را در سال ۱۹۷۵ ساخت که هدف بررسی چهار عامل شخصیتی درون‌گرایی، برون‌گرایی، روان‌رنجورخوبی و روان‌پریشی در ۸۱ گویه و پاسخ‌ها به صورت بلی و خیر می‌باشد. در این مقیاس که در عامل E نمره خام بالای ۱۲ معرف این است که آزمودنی صفت و ویژگی‌های برون‌گرایی را داراست و هرچه نمره از ۱۲ بالاتر رود، می‌گوییم

برون‌گرایی غالب است و هرچه نمره فرد از ۱۲ پایین‌تر بیاید، می‌گوییم که درون‌گرایی غالب است. لازم به ذکر است که در این پژوهش تنها از مقیاس برون‌گرایی و درون‌گرایی استفاده شد. به منظور تعیین پایایی و روایی این پرسش‌نامه، آیزنک آن را بر روی گروه واحد در دو زمان مختلف اجرا کرد و روایی و اعتبار آن را به دست آورد. ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) برای مردان ۰/۹۰ و برای زنان ۰/۸۵ = E به دست آمده است. (آیزنک، ۱۹۷۵؛ به نقل از فتحی آشتیایی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

۳- پرسشنامه سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی AISS: این پرسشنامه توسط سینها و سینگ در سال ۱۹۹۳ ساخته شد که دارای ۶۰ سؤال و ۳ مؤلفه عاطفی، اجتماعی و آموزشی یا تحصیلی می‌باشد که نمره‌گذاری به صورت دو گزینه‌ای (بله=۱ و خیر=۰) می‌باشد که حداقل نمره کسب‌شده صفر و حداکثر نمره ۶۰ می‌باشد و کسب نمره بالا نشانه سازگاری پایین و کسب نمره پایین نشانه سازگاری مطلوب می‌باشد. پایایی پرسشنامه با استفاده از سه روش دونیمه‌کردن، آزمون بازآزمون و کودریچاردسون به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۳، ۰/۹۴ به دست آمده است (Sinha & Singh, 1993). پرسشنامه توسط کرمی (۱۳۷۷) ترجمه و هنجاریابی شده است. هنجاریابی پرسشنامه در ایران روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام گرفت و ضریب اعتبار کل مقیاس با روش دونیمه‌کردن ۰/۹۵، با روش بازآزمون ۰/۹۳ و روش کودریچاردسون ۰/۹۴ تعیین شد (ساعتچی؛ کامکاری و عسکریان، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵ به دست آمد.

۵. یافته‌های پژوهش

به منظور شناخت بهتر جامعه آماری و آشنایی با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل‌های داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، در این پژوهش در مجموع ۳۵۲ دختر نوجوان حضور داشتند که ۱۲۷ نفر نوجوانان دارای ویژگی شخصیتی درون‌گرایی و ۲۲۵ نفر نیز دارای ویژگی شخصیتی برون‌گرایی بودند. در مورد سن آزمودنی‌ها، ۱۲۵ نفر ۱۷ سال، ۱۱۴ نفر ۱۶ سال، ۷۸ نفر ۱۵ سال و ۳۵ نفر نیز ۱۸ سال داشتند.

جدول (۱): میانگین، انحراف استاندارد، چولگی متغیرهای پژوهش

گروه	متغیر پژوهش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی		کشیدگی	
					آماره	خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد
درون‌گرای	ویژگی‌های شخصیتی	۱۲۷	۷۶/۷۶۹	۸/۲۰۷	-۰/۰۴۷	۰/۲۱۲	۰/۲۰۸	۰/۴۲۲
	سازگاری	۱۲۷	۱۲۵/۵۱	۱۱/۴۶	۰/۱۶۰	۰/۲۱۲	۱/۰۵۸	۰/۴۲۲
	شادکامی	۱۲۷	۴۱/۴۴	۱۲/۶۷۵	۰/۲۲۵	۰/۲۱۲	-۰/۱۱۷	۰/۴۲۲
برون‌گرای	ویژگی‌های شخصیتی	۲۲۵	۷۸/۰۰۰	۸/۵۷۱	-۰/۱۶۷	۰/۲۱۲	-۰/۴۳۷	۰/۴۲۲
	سازگاری	۲۲۵	۱۲۷/۲۹	۱۲/۹۶۵	۰/۱۴۹	۰/۲۱۲	۰/۹۳۲	۰/۴۲۲
	شادکامی	۲۲۵	۴۰/۷۳	۱۱/۹۸۰	۰/۶۹۰	۰/۲۱۲	۰/۵۰۶	۰/۴۲۲

مقادیر میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. مقادیر آماره چولگی و کشیدگی از مقدار ۱، کمتر می‌باشند که نشان‌دهنده رعایت پیش‌فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش است. بعد از اطمینان از نرمال بودن داده‌های پژوهش ضرایب همبستگی پیرسون مدل بررسی شد.

جدول (۲): ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای پژوهش

	ویژگی‌های شخصیتی	شادکامی	سازگاری
درون‌گرای	۱		
	سازگاری	۰/۵۰۴**	۱
	شادکامی	۰/۵۱۴**	۰/۳۶۸**
برون‌گرای	۱		
	سازگاری	۰/۵۶۷**	۱
	شادکامی	۰/۴۸۷**	۰/۴۷۹**

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد در گروه درون‌گرای، ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری ۰/۵۰۴، با شادکامی ۰/۵۱۴ و همچنین سازگاری نیز با شادکامی ۰/۳۶۸ رابطه مثبت و معناداری در سطح آلفای یک‌صدم دارند. در دیگر گروه برون‌گرای، ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری ۰/۵۶۷، با شادکامی ۰/۴۸۷ و همچنین سازگاری

نیز با شادکامی ۰/۴۷۹ در سطح آلفای یک صدم رابطه مثبت و معناداری دارند. پیش از برازش مدل و پاسخ‌گویی به هر سؤال پژوهش، ارزیابی پیش‌فرض‌ها نشان داد: آزمون شاپیرو - ویلک نشان داد که توزیع همه متغیرها نرمال است، نمودار پراکنش نشان داد که رابطه بین متغیرها خطی است، ضریب تحمل و VIF نشان داد که هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد و شاخص کشیدگی نمره‌های فاصله مهلنوبایس نشان داد که توزیع داده‌ها نرمال است.

جدول (۳): مؤلفه‌های مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیرهای مکنون	متغیرهای نشانگر	B	β	SE	C.R	P-value	CR	AVE
ویژگی‌های شخصیتی	شخصیت	۱/۰۰۰	۰/۷۲۹				۰/۸۵	۰/۰۶
	شخصیت	۱/۰۹۶	۰/۵۷۱	۰/۲۲۰	۴/۹۷۲	۰/۰۰۱		
سازگاری	عاطفی	۱/۰۰۰	۰/۸۴۵				۰/۷۳	۰/۰۶
	اجتماعی	۰/۲۰۳	۰/۴۲۴	۰/۰۸۱	۲/۵۰۴	۰/۰۱۲		
	آموزشی	۰/۵۰۷	۰/۵۹۸	۰/۱۶۳	۳/۱۱۷	۰/۰۰۲		
شادکامی	خودپنداره	۱/۰۰۰	۰/۷۰۳				۰/۷۴	۰/۰۷
	رضایت از زندگی	۰/۴۴۲	۰/۴۴۷	۰/۱۵۸	۲/۷۹۳	۰/۰۰۵		
	آمادگی روانی	۰/۹۵۱	۰/۷۱۰	۰/۲۳۴	۴/۰۶۷	۰/۰۰۱		
	سرذوق بودن	۰/۸۰۰	۰/۵۸۲	۰/۲۲۷	۳/۵۲۳	۰/۰۰۱		
	زیبایی‌شناختی	۰/۸۸۶	۰/۶۲۸	۰/۲۳۶	۳/۷۴۸	۰/۰۰۱		
	خودکارآمدی	۰/۴۴۷	۰/۳۹۸	۰/۱۷۸	۲/۵۱۰	۰/۰۱۲		
	امیدواری	۰/۴۰۰	۰/۵۲۲	۰/۱۳۸	۲/۹۰۵	۰/۰۰۴		

جدول ۳ نشان می‌دهد که بارهای عاملی استاندارد همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۱۳)، بارهای عاملی از توان لازم برای سنجش متغیر مکنون خود برخوردار هستند. در ستون انتهای جدول دو شاخص برازش تحلیلی عاملی، پایایی سازه و روایی همگرا آمده است که مقادیر نشان از برازش مطلوب مدل می‌دهند. سپس قبل از بررسی ضرایب مسیر باید در ابتدا از برازش مدل با داده‌ها اطمینان حاصل کرد.

جدول (۴): شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

مقیاس‌های پژوهش	(CMIN/DF)	(x2)	(GFI)	(RMSEA)	(CFI)	(NFI)	(IFI)
ویژگی‌های شخصیت	۰/۲۰۷	۰/۸۱۳	۰/۹۹۶	۰/۰۰۱	۰/۹۷۸	۰/۹۸۹	۱/۰۴۶
سازگاری	۲/۹۴۸	۰/۸۴۲	۱/۰۰۰	۰/۵۹۲	۰/۹۹۸	۰/۹۲۱	۱/۰۲۰
شادکامی	۶/۲۶۷	۰/۷۱۳	۰/۹۶۶	۰/۰۵۶	۱/۰۰۰	۰/۹۱۰	۱/۰۴۵

جدول ۴، نتایج شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری را نشان می‌دهد کلیه شاخص‌های برازندگی از جمله CMIN، χ^2 ($P > ۰/۰۵$)، GFI، CFI، NFI و IFI، بجز شاخص CMIN در متغیر شادکامی و RMSEA در متغیر سازگاری، در دامنه قابل قبول ۰/۹۰ به بالا هستند و شاخص RMSEA نیز در دامنه مجاز کمتر از ۰/۰۸ قرار دارد که بر اساس میرز و همکاران (۲۰۰۶)، می‌توانیم ادعا کنیم که برازش مدل خوب و قابل قبول است.

جدول (۵): شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی

شاخص‌ها	حد قابل قبول	مقادیر
نسبت کای اسکور به درجات آزادی (CMIN/DF)	کوچک‌تر از ۳	2/۸۰۷
سطح معناداری کای دو (x2)	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۳۲
شاخص برازش هنجار شده (GFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۶۱
ریشه میانگین مجذور خطای میانگین (RMSEA)	کوچک‌تر از ۰/۰۸	۰/۰۸۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۷۳
شاخص برازش نسبی (NFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۲۰
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۹۷۶

بررسی شاخص‌های برازندگی حاصل از آزمون مدل ساختاری پژوهش در جدول ۵ نشان داد که شاخص‌های در محدوده قابل قبولی قرار دارند که نشان‌دهنده مطلوب بودن مدل اندازه‌گیری و مدل پیشنهادی می‌باشد، در ادامه نتایج آزمون سؤال‌های پژوهش بر اساس ضرایب مسیر مدل ساختاری ارائه شده است.

سؤال اول: آیا ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) اثر مستقیم معناداری بر شادکامی دارد؟

جدول (۶): ضرایب رگرسیون مستقیم متغیر ویژگی‌های شخصیتی با شادکامی

P-value	T	S. E	Beta	B	متغیرها
۰/۰۵	۱/۹۶۰	۰/۱۴۰	۱/۰۰۱	۰/۲۷۵	درون‌گرایی - ویژگی‌های شخصیتی - شادکامی
۰/۰۱۹	۲/۳۴۴	۰/۰۵۰	۰/۵۵۳	۰/۱۱۸	برون‌گرایی - ویژگی‌های شخصیتی - شادکامی

همان‌طور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد در گروه درون‌گرایی مسیر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی به شادکامی ($\beta=1/001, p<0/05$)، و در گروه برون‌گرایی نیز مسیر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی به شادکامی ($\beta=0/553, p<0/05$)، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

سؤال دوم: آیا سازگاری اثر مستقیم معناداری بر شادکامی دارد؟

جدول (۷): ضرایب رگرسیون مستقیم متغیر سازگاری با شادکامی

P-value	T	S. E	Beta	B	متغیرها
۰/۳۸۲	-۰/۸۷۴	۰/۱۱۶	-۰/۳۶۸	-۰/۱۰۲	درون‌گرایی - سازگاری - شادکامی
۰/۳۴۳	۰/۹۴۹	۰/۰۳۷	۰/۱۹۰	۰/۰۳۵	برون‌گرایی - سازگاری - شادکامی

نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد در گروه درون‌گرایی مسیر مستقیم سازگاری به شادکامی ($\beta=-0/368, p<0/05$) و در گروه برون‌گرایی نیز مسیر مستقیم سازگاری به شادکامی ($\beta=0/190, p<0/05$)، عدم معناداری را نشان می‌دهد.

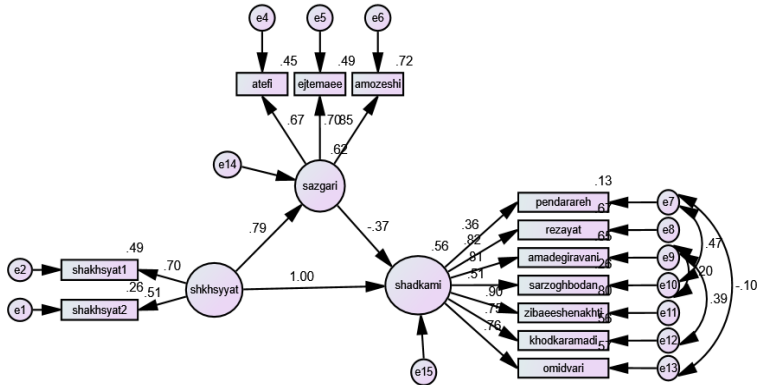
سؤال سوم: آیا سازگاری اثر غیرمستقیم معناداری بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) و شادکامی دارد؟

جدول (۸): ضرایب رگرسیون غیرمستقیم متغیرهای مدل

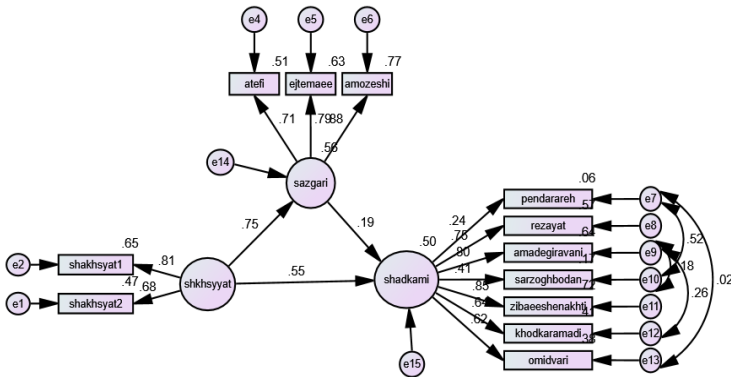
P-value	T	S. E	Beta	B	متغیرها
۰/۰۰۱	۴/۴۲۷	۰/۱۷۷	۰/۷۹۰	۰/۷۸۵	ویژگی‌های شخصیتی - سازگاری
۰/۳۸۲	-۰/۸۷۴	۰/۱۱۶	-۰/۳۶۸	-۰/۱۰۲	سازگاری - شادکامی
۰/۰۰۱	۰/۳۶۰	۰/۱۶۲	۰/۷۴۷	۰/۸۶۸	ویژگی‌های شخصیتی - سازگاری
۰/۳۴۳	۰/۹۴۹	۰/۰۳۷	۰/۱۹۰	۰/۰۳۵	سازگاری - شادکامی

همان‌طور که نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد در گروه درون‌گرایی، مسیر

غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیتی به سازگاری ($\beta=0/790, p<0/01$) رابطه مثبت و معناداری را نشان می‌دهد و مسیر غیرمستقیم سازگاری به شادکامی ($\beta=-0/368, p<0/05$)، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین در گروه برون‌گرایی، مسیر غیرمستقیم ویژگی‌های شخصیتی به سازگاری ($\beta=0/747, p<0/01$) رابطه مثبت و معناداری را نشان می‌دهد و در مسیر غیرمستقیم سازگاری به شادکامی ($\beta=0/190, p<0/05$)، عدم معناداری را نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل مفهومی پژوهش گروه درون‌گرایی



شکل (۳): مدل مفهومی پژوهش گروه برون‌گرایی

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش مدل‌یابی شادکامی در اجتماع بر اساس ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با میانجی‌گری سازگاری اجتماعی در نوجوانان بود.

سؤال اول: آیا ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) اثر مستقیم معناداری بر شادکامی دارد؟

نتایج یافته‌ها نشان داد در هر دو گروه درون‌گرایی و برون‌گرایی مسیر مستقیم ویژگی‌های شخصیتی به شادکامی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش با پژوهش‌های بوسری و ارب (۲۰۲۳) و کوچکی و دیگران (۱۴۰۱) هم‌راستا می‌باشد. در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان نمود که شادکامی از هیجان‌های اساسی بشر شناخته شده و هر فردی بنا بر ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات فردی که دارد، شادی را در کم‌وکیف متفاوتی تجربه می‌کند؛ بنابراین نوجوانی که نسبت به ویژگی‌های شخصیتی خود آگاهی و شناخت داشته باشد، یعنی از غالب‌بودن جنبه درون‌گرایی یا برون‌گرایی خود آگاه شده باشد و در محیط از جمله مدرسه، خانواده و غیره بر اساس آن تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و رفتار کند، به‌طوری‌که نگرش و داوری مثبتی نسبت به انتخاب‌هایش داشته باشد، یعنی تمایل به تجربه کردن هیجان‌های مثبت باشد، در این صورت این هیجان‌ها و تجربه‌های مثبت بر تمامی جنبه‌های زندگی نوجوان، تأثیر می‌گذارد و او احساس شادکامی بالاتری را تجربه می‌کند. در این راستا پژوهش بوسری و ارب (۲۰۲۳) و کوچکی و دیگران (۱۴۰۱) نشان دادند که ویژگی‌های شخصیتی موجب افزایش شادکامی در افراد می‌شود.

در تبیین عدم تفاوت شادکامی در هر دو گروه درون‌گرایی و برون‌گرایی می‌توان بیان نمود که نوجوانان درون‌گرا از نظر یونگ معمولاً متأثر از عامل‌های درونی و ذهنی تأثیر می‌پذیرند و تحت تأثیر نیازهای درونی و شخصی هستند، آن‌ها اوضاع و شرایط بیرونی را درک کرده و مدنظر قرار می‌دهند، اما عوامل درونی برای آن‌ها اولویت دارد و رفتارهایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Allen & Walter, 2018)؛ بنابراین هنگامی که نوجوانان درون‌گرا بتوانند نیازهای خود را در محیط پاسخگو باشند، این‌گونه آرامش را تجربه می‌کنند و می‌توانند شادکامی را برای خود به ارمغان بیاورند. از سوی دیگر نوجوانان برون‌گرا برخلاف نوجوانان درون‌گرا، تمرکزشان بر دنیای خارج از خود و محیط است و اعمال و رفتارهایشان چه ارادی و تا حدی غیرارادی، حاصل عوامل بیرونی و نه معلول بررسی‌های ذهنی می‌باشد. اشخاص برون‌گرا

زیاده‌گو، اجتماعی، اهل خودنمایی، پُر جنب‌وجوش و هیجان خواه‌اند، نوجوانان برون‌گرا به اشیا و افراد توجه می‌کنند. زندگی در زمان حال را ترجیح می‌دهند و خود اعمال مورد نظر آن‌ها است. پُر حرف، اهل معاشرت و اجتماعی، زود آشنا و خونگرم هستند (Allen & Walter, 2018)؛ بنابراین هنگامی که این افراد در محیط قرار می‌گیرند، به‌خاطر ویژگی شخصیتی خود که پُر انرژی و شاد هستند و به‌دنبال تجربه‌های مثبت، غافل‌گیرانه و رضایت‌آمیز از زندگی هستند، در نتیجه با برآورده‌شدن نیازهایشان در محیط، شادکامی را که نتیجه این فعالیت‌های لذت‌بخش است را تجربه می‌کنند.

سؤال دوم: آیا سازگاری اثر مستقیم معناداری بر شادکامی دارد؟

نتایج یافته‌ها نشان داد هر دو گروه درون‌گرایی و برون‌گرایی مسیر مستقیم سازگاری به شادکامی رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش با پژوهش جعفری صحرارودی (۱۳۹۹) ناهمسو بود. در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان نمود که مطالعات نشان می‌دهند که اهمیت شادکامی رابطه مثبتی با نتایج مطلوبی دارد که در زندگی به‌دست می‌آوریم. نوجوانان تمایل بسیار زیادی دارند که در شرایط ناگوار به موضوعات بد با شرایط نامناسب فکر کنند. در حالی که نوجوانان شادکام به‌طور غالب با پیدایش شرایط بد و ناگوار به آن بی‌توجهی می‌کنند. جعفری صحرارودی (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان کرد که امروزه در دنیای زندگی می‌کنیم که بیش از هر زمان دیگر نیازمند انعطاف‌پذیری و سازگاری فردی و بین‌فردی هستیم و بدون شک داشتن سازگاری و انعطاف‌پذیری می‌تواند نقش به‌سزایی در بهبود، سلامت زندگی و شادکامی افراد داشته باشد؛ اما نتایج نشان داد که سازگاری نوجوانان رابطه معناداری با شادکامی آنان ندارد. در این باره ناهمسو می‌توان این‌گونه گفت که دوره نوجوانی از دوره‌های حساس و پرچالش برای هر فردی به‌واسطه تغییرات جسمی، روانی در فرد شناخته می‌شود و نوجوان بایستی تلاش کند تا بتواند با شرایط جدید به‌طور مطلوب واکنش نشان داده و خود را با محیط خود سازگار کند و این واکنش نوجوان می‌تواند شادکامی او را تحت تأثیر قرار دهد. از سویی بسیاری از نوجوان در ساگازی عاطفی و اجتماعی مشکل دارند و یا توسط همسالان خود مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند (شاکری حسن‌وند، ۱۳۹۷) که این می‌تواند بر شادکامی آنان تأثیر بگذارد و شادکامی مطلوبی را درک و گزارش نکنند. بنابر نظر آریپ و همکاران (آریپ و دیگران، ۲۰۱۱؛ نقل از علی‌آبادی تکابی و دیگران، ۱۴۰۱) که تأکید کرده‌اند که به‌واسطه اهمیت سازگاری در زندگی اجتماعی، عاطفی و تحصیلی نوجوانان لازم

است که سازگاری به روش‌های قابل‌مقبولی در آنان تقویت شود؛ چراکه دستیابی به یک حد مطلوب از سازگاری در حیطه‌های مختلف، امکان رشد و تحول، رفع نیازهای و خواسته‌های فرد را امکان‌پذیر و یا تسهیل می‌نماید.

سؤال سوم: آیا سازگاری اثر غیرمستقیم معناداری بر رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (برون‌گرایی - درون‌گرایی) و شادکامی دارد؟

یافته‌ها نشان داد که در هر دو گروه ویژگی‌های شخصیتی با شادکامی رابطه مثبت و معنادار ولی سازگاری با شادکامی رابطه معناداری ندارد. به بیان دیگر، سازگاری نتوانسته است که نقش میانجی را در این رابطه ایفا کند. در تبیین آن می‌توان این‌گونه بیان نمود که شخصیت افراد موضوع پیچیده‌ای است که در روش‌های مختلف افکار، احساسات و رفتارهای افراد نشان داده می‌شود و این شخصیت فردی، جز اصلی‌ترین بعد و ساختار روان‌شناختی فرد محسوب شده که به شکل‌گیری سبک زندگی او کمک می‌کند (حسینی؛ خادم و عبدالهی، ۱۴۰۱). به عبارتی این ویژگی‌های شخصیتی که صفات فرد را تشکیل می‌دهند، جز ثابتی از فرد می‌باشند و هنگامی که فرد با توجه به صفات خود، یک ثبات رفتاری داشته باشد، در محیط هنگامی که با مسائل و شرایط متفاوت روبه‌رو می‌شود، به‌خاطر ثبات رفتاری بهتر می‌تواند با موارد پیش آمده مقابله کند و سازگاری از خود نشان دهد. در این صورت هنگامی که فرد بتواند با محیط و اجتماع خود سازگاری مطلوبی را ایجاد کند؛ بنابراین تجربه‌های مثبت در او افزایش می‌یابد و رضایت از زندگی کسب می‌کند که می‌تواند منجر به افزایش شادکامی در فرد شود. اما در نوجوانان این اتفاق نمی‌افتد و آنان بخاطر شرایط متغیر خود، ثبات رفتاری و عاطفی نداشته، به‌همین خاطر در سازگاری با محیط خود به مشکل برخوردده و از این لحاظ درک شادکامی آنان دچار تردید خواهد شد. علاوه‌براین، در تفاوت درون‌گراها و برون‌گراها می‌توان گفت که نوجوانان درون‌گرا با توجه به صفات و ویژگی‌های درونی که به‌دنبال ثبات رفتاری هستند و رفتارهایشان را بر اساس عوامل درونی و تمایلات شخصی و با توجه به دانش ژرفی که درباره مسائل مختلف کسب می‌کنند، به‌دنبال آرامش درونی و به‌دور از هیاهو و شلوغی هستند و تلاش می‌کنند که با ارتباط محدودی که نهایتاً با یک یا چند نفر دارند، نیازهای روانی خود را مرتفع سازند. هنگامی که نوجوانان نتوانند بر اساس ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی، خود را با شرایط محیطی وفق دهند و به‌نوعی به سازگاری با محیط دست پیدا نکنند، آنگاه نمی‌توانند احساس رضایت کرده و شادکامی کمتری را از دستاوردهای خود تجربه می‌کنند. برخلاف نوجوانان

درون‌گرا، نوجوانان برون‌گرا نیازهای روانی خود را در محیط به‌دست می‌آورند و اعمال و رفتارهایشان حاصل عوامل بیرونی است، آن‌ها به‌خاطر اینکه تحت‌تأثیر سیستم عصبی مرکزی قرار دارند؛ بنابراین کمتر مستعد تحریک‌پذیری هستند (Allen & Walter, 2018) و موانع و مشکلات محیطی کمتر می‌تواند آن‌ها را دچار استرس و اضطراب بکند؛ اما گاهی رفتارهای نابالغانه و سرشار از هیجان‌های ناپخته می‌تواند بر رفتارهای آن‌ها تأثیر گذاشته و سازگاری نوجوان را با اختلال همراه کند و هنگامی که تجربه مثبت سازگاری تکرار نشود، و عواطف منفی بتواند بر روی این‌گونه افراد تأثیر بگذارد، یک نارضایتی در نوجوانان ایجاد می‌شود که به شادکامی کمتر در وی منجر خواهد شد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی چه درون‌گرایی و چه برون‌گرایی، صفات ثابت شخصیت افراد را تشکیل می‌دهند و نوجوانان با توجه به شناخت این صفات و ویژگی‌ها می‌توانند به یک ثبات رفتاری دست پیدا کنند؛ اما به‌خاطر شرایط متغییر دوره نوجوانی، سازگاری نوجوانان دستخوش تغییرات می‌شود که می‌تواند شادکامی آنان را مختل کند.

پیشنهادها

باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده و اهمیت شادکامی در دوران نوجوانی، می‌توان راهبردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاست‌های آموزشی زیر را پیشنهاد داد:

الف) راهبرد فرهنگی

۱- تقویت فرهنگ مثبت‌اندیشی و شادکامی:

- تولید و ترویج محتوای فرهنگی در رسانه‌ها، فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی که بر اهمیت شادکامی، مثبت‌اندیشی و روابط اجتماعی سالم تأکید می‌کند.
- تشویق به انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری که منجر به تقویت روحیه جمعی و شادکامی در میان نوجوانان می‌شود، مانند جشنواره‌های هنری، نمایشگاه‌های فرهنگی، و کارگاه‌های هنری.

۲- آموزش خانواده‌ها

- راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها جهت آشنایی با اهمیت شادکامی و روش‌های پرورش این حس در فرزندان، از طریق آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت.

ب) راهبرد اجتماعی

۱- تقویت شبکه‌های اجتماعی و حمایتی:

- ایجاد و توسعه گروه‌ها و انجمن‌های اجتماعی و حمایتی در مدارس و محله‌ها که نوجوانان بتوانند در آنها شرکت کنند و از طریق ارتباطات اجتماعی مثبت، شادکامی خود را افزایش دهند.
- حمایت از فعالیت‌های داوطلبانه و کارهای خیریه که نوجوانان می‌توانند در آنها شرکت کنند، زیرا این فعالیت‌ها می‌توانند به افزایش حس رضایت و شادکامی کمک کنند.

۲- ایجاد فضاهای اجتماعی امن:

- توسعه فضاهای عمومی و تفریحی مناسب برای نوجوانان، مانند پارک‌ها، مراکز تفریحی و کافه‌های جوانان، که محیط‌های امن و حمایتی برای ارتباطات اجتماعی مثبت فراهم کنند.

پ) راهبرد سیاست‌های آموزشی

۱- سیاست‌گذاری در حوزه آموزش و پرورش

- تدوین و اجرای سیاست‌های آموزشی که به تقویت شادکامی و بهبود سلامت روانی در برنامه‌های درسی مدارس بپردازد؛ به‌عنوان مثال، گنجاندن درس‌هایی در زمینه مهارت‌های زندگی، مدیریت استرس، و روابط اجتماعی سالم در برنامه‌های درسی.
- ۲- پشتیبانی از سلامت روان
- افزایش بودجه و منابع برای ارائه خدمات مشاوره و روان‌شناسی در مدارس و مراکز اجتماعی، با هدف پیشگیری و درمان مشکلات روانی و ارتقای شادکامی در میان نوجوانان.

فهرست منابع

- احمدی، طلعت (۱۳۹۹). تأثیر شادکامی بر سلامت روان و کیفیت زندگی میان دانش‌آموزان متوسط ناحیه یک شهرستان سنندج. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*، (۲۳)، ۹۵-۱۰۲.
- الهی، طاهره؛ بامدادی سبینی، محمد و شیرمحمدی، فاطمه (۱۳۹۸). احساس تنهایی اجتماعی - عاطفی در شخصیت‌های برون‌گرا و درون‌گرا با توجه به نقش انواع حمایت اجتماعی ادراک‌شده. *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷۰۱، (۳۲)، ۲۱-۱۱.
- اینانلو، مهدی و قمری، محمد (۱۴۰۰). پیش‌بینی سازگاری تحصیلی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای و اخلاق تحصیلی دانش‌آموزان. *نشریه علمی آموزش و ارزشیابی*، ۱۴(۱۵)، ۱۳-۳۴.
- جزایری، سیدحسین؛ دلاور، علی و درتاج، فریبرز (۱۳۹۷). تدوین مدل شادکامی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، هوش هیجانی، سبک دلبستگی، فعالیت‌های ارادی و ویژگی جمعیت‌شناختی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۹(۳۵)، ۲۷-۵۶.
- جعفری صحراودی، ملیحه (۱۳۹۹). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با سازگاری و شادکامی. *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳(۲۴)، ۱۴۵-۱۵۹.
- حسینی کلائی، سیده ساناز و اسدی، مسعود (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش والدگری موفق به مادران بر سازگاری عاطفی، تحصیلی و اجتماعی دختران نوجوان. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۳)، ۸۹-۱۲۰.
- حسینی، سیدحمید؛ خادم، سیده‌فاطمه و عبداله‌هی، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی رابطه ناگویی و هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی با شادکامی در زنان شهر شیراز. *پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان*، ۳(۲)، ۳۳-۴۱.
- درخشان، معراج؛ صدری میرچی، اسماعیل؛ فتحی، داود؛ احمدبوکانی، سلیمان و بهروز، مریم (۱۳۹۹). ارائه مدل پیش‌بیننده‌های شادکامی دانش‌آموزان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و تحصیلی. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۷).
- رحمانی‌بادی، ابوالفضل؛ تقوایی، داود و پیرانی، ذبیح (۱۴۰۰). بررسی مدل میانجی‌گرانه بهزیستی روان‌شناختی در ارتباط بین هوش موفق و سازگاری

- هیجانی با خودتنظیمی یادگیری. تحقیقات علوم رفتاری، ۱۹(۴)، ۶۹۵-۶۸۶.
- رضی‌ئی، زهرا؛ فتاحی اندبیل، اعظم و دوکانه‌ای فرد، فریده (۱۴۰۱). رابطه چشم‌انداز زمان و شادکامی با نقش میانجی سبک زندگی در نوجوانان دختر. رویش روان‌شناسی، ۱۱(۱۱)، ۱۰۳-۱۱۴.
- ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز و عسگریان، مهنراز (۱۳۸۹). آزمون‌های روانشناختی. جلد اول. تهران: انتشارات ویرایش.
- شاگری حسنونند، م. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی بر سازگاری اجتماعی و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه روان‌شناسی - روان‌شناسی دانشگاه پیام نور استان البرز، مرکز پیام نور کرج.
- عابدینی ولامدهی، راضیه و روانبخش، فائزه (۱۴۰۰). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس هوش هیجانی و رضایت از زندگی در بین معلمان دوره ابتدایی شهرستان زاوه. فصلنامه توسعه حرفه‌ای معلم، ۶(۲)، ۲۱-۳۵.
- علی‌آبادی تکابی، فروزنده؛ باباخانی، وحیده و محسن‌زاده، فرشاد (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت تفکر خلاق و مدیریت استرس بر سازگاری اجتماعی، عاطفی و آموزشی در نوجوانان بی‌سرپرست ۱۷-۱۵ سال. رویش روان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۲۰۴-۱۹۱.
- عیوض‌نژاد، بهاره؛ میرمحمدخانی، مجید؛ منصوری، کامیار و پهلوان، داریوش (۱۴۰۱). بررسی میزان شادکامی و عوامل شغلی مرتبط با آن: مطالعه‌ای مقطعی در کارکنان بیمارستان. طلوع بهداشت، ۲۱(۶)، ۹۵-۱۰۸.
- فانزی، م. (۱۴۰۰). رابطه بین الگوهای مزاجی و ویژگی‌های شخصیتی (درون‌گرایی - برون‌گرایی) با سبک‌های فرزندپروری والدین. پایان‌نامه کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸). آزمون‌های روانشناختی - ارزشیابی شخصیت و سلامت روان. تهران: انتشارات بعثت.
- فیست، گریگوری جی و فیست، آن رابرتس جس (۱۳۹۳). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
- کوچکی، عاشورمحمد؛ شریعت‌نیا، کاظم؛ اسدی، اردشیر و میرانی، ارسطو (۱۴۰۱). نقش میانجی‌گر نیازهای بنیادین روان‌شناختی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و شادکامی دانشجویان. علوم روان‌شناختی، ۲۱(۱۱۸)، ۲۰۹۱-۲۱۹۱.

- ملایی، عبدالعظیم (۱۳۹۳). بررسی ضرورت و امکان انعقاد پیمان پولی دوجانبه. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مهیار، مریم (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر. فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، (۳)، ۲۰۹-۲۳۱.
- میر، حبیب؛ خمر، الهام و گمشادزهی، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی شادکامی و مؤلفه‌های آن در مدارس ابتدایی پسرانه روستایی و شهری شهرستان زهک. پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۵(۵۲)، ۴۷۱-۴۸۹.
- Agbaria, Q. (2020). The role of self-control, social support and (positive and negative affects) in reducing test anxiety among Arab teenagers in Israel. *Child Indicators Research*, (13), 1023-1041. <https://doi.org/10.1007/s12187-019-09669-9>
- Ahmed, H. A. A. E. K. & Mohamed, B. E. S. (2022). Relationship between morality, happiness, and social support among elderly people. *Middle East Current Psychiatry*, 29(1). <https://doi.org/10.1186/s43045-022-00195-z>
- Allen, M. S. & Walter, E. E. (2018). Linking big five personality traits to sexuality and sexual health: A meta-analytic review. *Psychological bulletin*, 144(10). <https://doi.org/10.1037/bul0000157>
- Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness (Rev. ed)*. East Sussex, Great Britain: Routledge. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315812212/psychology-happiness-michael-argyle>
- Baqer, G. (2016). Relationship between happiness and personality variables. *European Psychiatry*, 33(S1), S210-S210. <https://doi.org/10.1016/j.eurpsy.2016.01.502>
- Buijs, V. L.; Jeronimus, B. F.; Lodder, G.; Steverink, N. & de Jonge, P. (2021). Social needs and happiness: A life course perspective. *Journal of Happiness Studies*, 22(4), 1953-1978. <https://doi.org/10.1007/s10902-020-00287-9>
- Busseri, M. A. & Erb, E. M. (2023). *The happy personality revisited: Re-examining associations between Big Five personality traits and subjective well-being using meta-analytic structural equation modeling*. *Journal of Personality*. <https://doi.org/10.1111/jopy.12862>
- Choon, S. W.; Yong, C. C.; Tan, S. K. & Tan, S. H. (2022). A proposed integrated happiness framework to achieve sustainable development. *Heliyon*, 8(10). [https://www.cell.com/heliyon/pdf/S2405-8440\(22\)02101-6.pdf](https://www.cell.com/heliyon/pdf/S2405-8440(22)02101-6.pdf)
- Fifitnova, F. (2021). Social adjustment and academic achievement of efl students at higher education. *The Journal of English Literacy Education: The Teaching and Learning of English as a Foreign Language*, 8(2), 138 -149. <https://doi.org/10.36706/jele.v8i2.14328>

- Kern, M. L. (2020). Systems informed positive psychology. *The Journal of Positive Psychology*, 15(6), 705-715. <https://doi.org/10.1080/17439760.2019.1639799>
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling*, edition 2, Guilford press, New York & London. [https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=t2CvEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Kline+,R.+B.+\(2005\).+Principles+and+practice+of+structural+equation+modeling,+edition+2,+Guilford+press,+New+York+%26+London.+&ots=sWUEW7b_cP&sig=1UsbAazj_oNExjTmH-nt1QSZ_GBI#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=t2CvEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Kline+,R.+B.+(2005).+Principles+and+practice+of+structural+equation+modeling,+edition+2,+Guilford+press,+New+York+%26+London.+&ots=sWUEW7b_cP&sig=1UsbAazj_oNExjTmH-nt1QSZ_GBI#v=onepage&q&f=false)
- Lee, M. Y.; Wang, H. S. & Chen, C. J. (2020). Development and validation of the social adjustment scale for adolescents with Tourette syndrome in Taiwan. *Journal of pediatric nursing*, (51), e13-e20. <https://doi.org/10.1016/j.pedn.2019.05.023>
- Lee, M. Y.; Wang, H. S. & Chen, C. J. (2019). Development and validation of the social adjustment scale for adolescents with Tourette syndrome in Taiwan. *Journal of Pediatric Nursing*. doi:1001016/j.pedn.20190050023
- Meyers, L.S.; Gamest, G. & Goarin, A.J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation, Thousand oaks*. London: New Deihi, Sage publication.
- Moynihan, L. M. & Peterson, R. S. (2001). A contingent configuration approach to understanding the role of personality in organizational groups. *Research in Organizational Behavior*, (23), 327-378. [https://doi.org/10.1016/S0191-3085\(01\)23008-1](https://doi.org/10.1016/S0191-3085(01)23008-1)
- O'Byrne, K. K.; Haddock, C. K.; Poston, W. S. & Institute, M. A. H. (2002). Parenting style and adolescent smoking. *Journal of Adolescent Health*, 30(6), 418-425. [https://doi.org/10.1016/S1054-139X\(02\)00370-1](https://doi.org/10.1016/S1054-139X(02)00370-1)
- Parihar, S. H. (2022). PERSONAL CORRELATES OF HAPPINESS-STUDENTS'PERSPECTIVE. *Journal of Strategic Human Resource Management*, 11(3).
- Peltonen, E.; Sharmila, P.; Asare, K. O.; Visuri, A.; Lagerspetz, E. & Ferreira, D. (2020). When phones get personal: Predicting Big Five personality traits from application usage. *Pervasive and Mobile Computing*, (69), 101269. <https://doi.org/10.1016/j.pmcj.2020.101269>
- Ryff, C. D. & Singer, B. (1998). The contours of positive human health. *Psychological inquiry*, 9(1), 1-28. <https://www.jstor.org/stable/1449605>
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2013). *Using multivariate statistics* ((6), 497-516). Boston, MA: pearson. <https://www.pearsonhighered.com/assets/preface/0/1/3/4/0134790545.pdf>
- Shubert, J.; Wray-Lake, L.; Syvertsen, A. K. & Metzger, A. (2019). Examining character structure and function across childhood and adolescence. *Child development*, 90(4), 505-524. <https://doi.org/10.1111/cdev.13035>
- Sinha, A. K. P. & Singh, R. P. (1993). *The adjustment Inventory for school*

- Faizi, M. (2021). The Relationship Between Temperamental Patterns and Personality Traits (Introversion - Extraversion) with Parenting Styles. Master's Thesis in General Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Fiest, Gregory J., & Fiest, Anne Roberts. (2014). Theories of Personality, Translated by Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Ravan Publishing. (In Persian)
- Fathi Ashtiani, Ali. (2009). Psychological Tests – Personality Assessment and Mental Health. Tehran: Bait Publishing. (In Persian)
- Hosseini, S. H., Khadem, S. F., & Abdollahi, F. (2022). Investigating the Relationship Between Alexithymia, Emotional Regulation, and Personality Traits with Happiness in Women of Shiraz City. *Interdisciplinary Research in Women's Studies*, 3(2), 33-41. 20.1001.1.27831175.1400.3.2.2.3 (In Persian)
- Hosseini Kalaie, S. S. & asadi, M. (2020). The Effectiveness of successful parenting education to Mothers on Emotional, Educational and Social adjustment in adolescent girls. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 11(43), 89-120. doi: 10.22054/qccpc.2020.50638.2340(In Persian)
- Inanlou, M., & Ghamari, M. (2021). Predicting Academic Adjustment Based on Coping Strategies and Academic Ethics of Students. *Scientific Journal of Education and Evaluation*, 14(15), 13-34. <https://doi.org/10.30495/jinev.2021.1881389.2053> (In Persian)
- Jafari Sahra Roudi, M. (2020). The Relationship Between Family Communication Patterns and Adjustment and Happiness. *New Advances in Psychology, Educational Sciences, and Training*, 3(24), 145-159. <https://www.jonapte.ir/fa/showart-d3f1f8e1a8ee83207e917866d3b4928b> (In Persian)
- Jazayeri, S. H., Delavar, A., & Dortaj, F. (2018). Developing a Model of Happiness Based on Personality Traits, Emotional Intelligence, Attachment Styles, Voluntary Activities, and Demographic Characteristics. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture, Allameh Tabatabai University*, 9(35), 27-56. <http://yafte.lums.ac.ir/article-1-2668-fa.html> (In Persian)
- Koucheki A M, Shariatnia K, Asadi A, Mirani A. (2022). The mediating role of psychological basic needs in the relationship between personality traits and students' happiness. *Journal of Psychological Science*. 21(118), 2091-2106. doi:10.52547/JPS.21.118.2091 URL: <http://psychologicalscience.ir/article-1-1653-fa.html> (In Persian)
- Mahyari, M. (2020). Analysis and Investigation of the Relationship Between Emotional Intelligence and Social Adjustment of Female Students. *Scientific Journal of New Approaches in Islamic Studies*, 3, 209-231. <https://civilica.com/doc/1497374/> (In Persian)
- Mir, H., Khomr, E., & Gomshadzahi, F. (2022). Examining Happiness and Its Components in Rural and Urban Boys' Primary Schools in Zahak

- County. *New Advances in Psychology, Educational Sciences, and Training*, 5(52), 471-489. <https://www.jonappte.ir/fa/showart-4b514cfe0684ac6a857b24bbb28ac4e9> (In Persian)
- Rahmani Badi, A., Taghavi, D., & Pirani, Z. (2021).). Study of Mediating Model of Psychological Well-being in Relationship between Successful Intelligence and Emotional Adjustment with Learning Self-Regulation. *Journal of research in behavioural sciences*, 19(4), 686-695. SID. <https://sid.ir/paper/1020203/en> (In Persian)
- Raziee Z, Fattahi Andabil A, Dokaneheifard F. (2023). The relationship between time perspective and happiness with the mediating role of lifestyle in female adolescents. *Rooyesh*. 11(11), 103-114. URL: <http://frooyesh.ir/article-1-3800-fa.html> (In Persian)
- Saatchi, Mahmoud; Kamkari, Kambiz; & Asgariyan, Mahnaz. (2010). *Psychological Tests, Volume One. First Edition*, Tehran: Virayesh Publishing. (In Persian)
- Shakeri Hasanvand, M. (2018). *The Effectiveness of Positive Thinking Skills Training on Social Adjustment and Self-Efficacy of Female High School Students in Khorramabad*. Master's Thesis. Department of Psychology - Psychology, Payame Noor University of Alborz Province, Payame Noor Center of Karaj. (In Persian)

تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی در رابطه با دولت در سینمای ایران در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۵۸.ش^۱

علیرضا تلوری

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

telvari.alireza@gmail.com

id 0009-0007-3056-6055

حسن بشیر

استاد تمام گروه ارتباطات و تبلیغ، دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

bashir@isu.ac.ir

id 0000-0003-0793-6832

ابراهیم متقی

استاد تمام گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

emottaghi@ut.ac.ir

id 0000-0002-2458-7999

چکیده

شناخت مفهوم «دولت» به‌عنوان مهم‌ترین رکن نظام سیاسی، یکی از راهبردی‌ترین مسائل در پژوهش‌های سیاسی - اجتماعی به‌شمار می‌آید. رسانه‌های ارتباط جمعی منبع مهمی برای صورت‌بندی افکار عمومی در نسبت با نهاد دولت قلمداد می‌گردد. در این میان، «سینما» تأثیرگذارترین رسانه‌ای است که از یک‌سو توان جذب افکار و برانگیختن تصورات و اذهان مردم را دارد و از سوی دیگر شرایط اجتماعی حاکم و نقش دولت در هر دوره تاریخی را بازنمایی می‌کند. در همین راستا، پس از انقلاب اسلامی ایران، سینما به‌مثابه ابزاری راهبردی و محور سیاست‌گذاری‌های فرهنگی - رسانه‌ای، مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، نیل به تفسیر و تبیین گفتمانی از پدیده دولت در هنر - رسانه‌ی سینما است. سؤال اصلی پژوهش آن است که با توجه به نقش مهم دولت در زندگی اجتماعی، این نهاد چگونه و در قالب چه گفتمان‌هایی در فیلم‌های سینمایی بازنمایی شده است؟ با به‌کارگیری روش «تحلیل گفتمان پدام» و نظریه‌های گفتمان و بازنمایی، ۱۶ فیلم مهم سیاسی - اجتماعی تولیدشده در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۹ تحلیل شده

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی بازنمایی دولت در سینمای ایران (تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات است.

این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

است. نتیجه حاصل از تحلیل گفتمان فیلم‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد تقریباً تمامی فیلم‌های سیاسی سینمایی تولیدشده در این سال‌ها به بازنمایی دولت اقتدارگرای پهلوی و نمایش ظلم‌وستم آن بر جامعه ایران پرداخته است و سینمای سیاسی ایران در دهه ۶۰ تا پایان جنگ تحمیلی، متأثر از فضای انقلابی آن زمان، با انتقاد از نظام سیاسی پیشین، دولت را در قالب گفتمان «دولت اقتدارگرا» بازنمایی کرده است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، برجسته‌سازی، روش پدام، جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی سینما، دولت، روش تحلیل گفتمان، سینما، سینمای دهه ۶۰.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



10.22034/scs.2024.458221.1574



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

دولت پیوند اصلی میان سیاست و جامعه در همه نظام‌های سیاسی نوین جهان است. شناخت دولت و آشنایی با وجوه مختلف این واقعیت سیاسی - اجتماعی بسیار مهم و ضروری است؛ این نهاد همواره با تاریخ جوامع انسانی پیوند خورده است و در این تاریخ به‌عنوان بازیگری اجتماعی، تعاملی مستمر با دیگر پدیده‌های موجود در جامعه دارد. یکی از وجوه مهم قابل مطالعه درباره دولت، ارتباط آن با عرصه رسانه و تأثیراتی است که این دو نهاد بر یکدیگر و بر جامعه دارند. با گسترش روزافزون ارتباطات و فناوری‌های رسانه‌ای، گستره کارکردی محتواهای رسانه‌ای به‌ویژه در حوزه سیاست افزایش یافته است، به‌طوری که می‌توان گفت بسیاری از تصمیم‌های سیاسی در سطح ملی و جهانی، متأثر از رسانه‌ها گرفته می‌شود. پیوند دولت و جامعه در مفهوم افکار عمومی متجلی می‌شود. دولت‌ها برای ساخت و تأثیرگذاری بر افکار عمومی به رسانه‌های جمعی متوسل می‌شوند. از میان رسانه‌ها، سینما رسانه پُر نفوذی است که می‌تواند آنچه در صحنه اجتماع به‌وقوع می‌پیوندد را در زبانی دیگر به نمایش درآورد؛ اما این بازنمایی علاوه بر انعکاس وقایع و شرایط اجتماعی، امکان بازتولید مفاهیم و جهت‌دهی به افکار را نیز دارا می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر سینما به‌عنوان یک میانجی راهبردی توأمان ساخته و سازنده متن‌ها و فرامتن‌های سیاسی - اجتماعی است؛ بنابراین می‌توان گفت سینما و فیلم‌های سینمایی نقش کلیدی را در نسبت میان دولت و جامعه ایفا می‌کنند.

در ایران نیز سینما رفته‌رفته به یکی از منابع مهم تأثیرگذاری توسط نهاد دولت بر افکار عمومی تبدیل شده است. پس از انقلاب اسلامی و متأثر از مشی سیاسی و ایدئولوژیک دولت تازه بر سر کار آمده، ارزش‌های فرهنگی که تا پیش از آن از آب‌سخور حکومت شاهنشاهی تغذیه می‌کرد، ذیل نظام فرهنگی جدید تعریف شد و اساسی‌ترین سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی در اختیار دولت قرار گرفت. بازنمایی استبداد حکومت پیشین و تلاش برای ایجاد گفتمان نوی فرهنگی مبتنی بر اصول شریعت و ایدئولوژی دینی مدنظر دولت جدید، از اصول مهم دولت انقلابی برای تأثیرگذاری بر فضای فرهنگی جامعه بود. در این میان، یکی از مؤثرترین ابزارهای فرهنگی یعنی سینما، مورد توجه سیاستمداران قرار گرفت. سینما به‌عنوان یک هنر - رسانه امکان آن را داشت تا علاوه بر آنکه به هدف حذف فرهنگی نظام سیاسی پیشین نائل آید، جامعه آرمانی مطلوب دولت را به بهترین شکل به نمایش بگذارد. بر

همین مبنا بود که در ابتدای انقلاب، تمام ارکان سینما تحت نفوذ دولت درآمد و برپایه سیاست‌های نظارتی، همه فیلم‌ها برای اخذ مجوز نمایش می‌بایست از مرحله تصویب فیلمنامه تا مرحله نمایش، با نظارت مراکز مربوطه مثل اداره کل نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی به مرحله تولید برسند (طالبی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص. ۵۲).

در جامعه سینمایی ایران از فیلم به‌عنوان سندی برای تجلی تصویری سیاست‌های فرهنگی هر دولت استفاده می‌شود (راوودراد و تمنایی، ۱۳۹۲، ص. ۸۳).

در این میان، دولت از جمله موضوعات برجسته‌ای است که در فیلم‌های سینمایی به انحاء مختلف به‌نمایش درآمده است. اغلب فیلم‌های سینمایی تولیدشده در این سال‌ها به نمایش حکومت پیشین و شرح ظلم‌و‌ستم و ناعدالتی‌ها و مبارزات مردمی علیه آن پرداخته‌اند. به‌عبارت دیگر، گفتمان جدید مدنظر درباره دولت و روایت حکومت پهلوی محور اصلی مضمون فیلم‌ها محسوب می‌شد. کشف گفتمان حاکم بر این فیلم‌ها ما را تا حدود زیادی به شناخت از سیاست‌های فرهنگی دولت پس از انقلاب اسلامی و نسبت میان دولت و جامعه نائل می‌آورد. پژوهش حاضر قصد دارد با تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی، به کشف و شناسایی گفتمان‌های بازنمایی‌شده در رابطه با دولت در سینما بپردازد.

۱. هدف پژوهش

سینما و فیلم‌های سینمایی نقش مهمی در جامعه‌شناسی سیاسی ایفا می‌کنند و نسبت میان دولت و جامعه را به‌عنوان موضوع اصلی این دانش به‌نمایش می‌گذارند. هدف پژوهش حاضر شناخت نحوه بازنمایی دولت در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی است.

۲. سؤال پژوهش

پرسش اصلی عبارت است از اینکه بازنمایی دولت در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

۳. پیشینه پژوهش

خاشعی و میرحاجی (۱۳۹۴) در پژوهشی درباره رابطه میان دولت و سینما نشان می‌دهد که با تغییر در گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه، بازنمایی مدیران دولتی در هر دوره ساخت فیلم تحول می‌یابد. براین‌اساس، در دوره سازندگی به‌دلیل وجود گفتمان غیرسیاسی، مدیران در حوزه رفتار سازمانی، تعامل با کارکنان و مسائل

تربیتی بازنمایی شده‌اند. در سینمای دوره اصلاح‌طلبی، فضای گفتمانی سیاسی‌تر و دغدغه‌مندتر نسبت به مسائل حکومتی، بر بازنمایی مدیریت در سینما حاکم است. و در سینمای دوره عدالت‌طلبی، مدیران نسبت به سایر دوره‌ها بیشتر از درون حکومت و همسو با نظام هستند. میرحاجی در این پژوهش با تأکید بر کارکرد ایدئولوژیک بازنمایی‌ها در هر متنی، درک آن را مهم‌ترین مسئله در بررسی بازنمایی‌ها می‌داند. در بررسی که جمشیدی (۱۳۹۴) درباره بازنمایی انتخابات در ایران انجام داده است، حاکمیتِ نگاهی بدبینانه و منفی نسبت به انتخابات در سینمای ایران مشاهده می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون، موضوعاتی از قبیل عوام‌فریبی، سرمایه‌سالاری در انتخابات، فساد اخلاقی نامزدها، مافیای‌گویی تشکیلات سیاسی و جناحی و اهداف معطوف به قدرت به جای اهداف معطوف به خدمت، در بازنمایی انتخابات ایران استخراج شده‌است. انتخابات در فیلم‌های سینمایی نه مسئله اصلی که موضوعی حاشیه‌ای است و در مقابل فقر و مشکلات اقتصادی مطرح می‌شود. بازنمایی انتخابات در سینما، موضوعی سیاسی است که نسبت به مفهوم دولت قرابت معنایی ویژه‌ای دارد.

گیویان و سروری زرگر (۱۳۸۸) به بررسی بازنمایی ایران در سینمای هالیوود پرداخته‌اند. ایران در این سینما، به‌مثابه «دیگری فرودست» غرب بازنمایی شده است و به اشکال مختلف طرد می‌شود. در این فیلم‌ها، ایرانی‌ها با کلیشه‌های خشن، خشونت‌طلب، عجیب‌وغریب، هیولایی، برخاسته از سرزمینی ناشناخته، مایه دردسر، بی‌منطق، متعصب مذهبی و بدوی؛ و زنان ایرانی ساکت، مطیع و درعین حال شهوانی به تصویر درآمده‌اند.

مکس یوهانس^۱ (۲۰۱۹) در مقاله «تصویر پشت‌صحنه، بازنمایی مردم‌سالاری در سینمای هالیوود»، نیز با تحلیل تطبیقی صحنه‌هایی از فیلم‌ها، ماهیت سیاسی کنش‌های پشت‌صحنه را نشان می‌دهد. از نظر این پژوهش، رسانه‌های سینمایی به‌ویژه هالیوود علاوه بر تأثیر بر سیاست، به‌دنبال دستیابی به ابهام‌ها و سازوکارهای سیاست نوین هستند. پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام‌شده در حوزه بازنمایی رسانه‌ای، دولت و سینما نشان می‌دهد، پژوهشی که به‌طور ویژه به موضوع «بازنمایی دولت در سینمای ایران» پرداخته باشد، انجام نشده است. در این پژوهش، با توجه به فقدان پژوهش علمی در این زمینه، نحوه بازنمایی دولت در سینمای سیاسی ایران

به روش تحلیل گفتمان تحلیل شد.

۴. ملاحظه‌های نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. دولت

دولت رکن اساسی نظام سیاسی در هر جامعه است. از نظر ماکس وبر، دولت «اجتماعی انسانی است که حق انحصاری استفاده مشروع از زور را در قلمرو ارضی معینی دارد» (تنهایی، ۱۳۹۰، صص. ۲۵ و ۲۶) و دولت به معنای امروزی آن (دولت نوین) متشکل از دستگاه اجرایی و نظام قضایی است که می‌تواند به‌وسیله نهاد قانون‌گذاری تغییر کند. «دولت نوین با مرزهای جغرافیایی صریحاً تعریف‌شده‌ای مشخص می‌شود که در درون آن‌ها دستگاه سیاسی و اداری وسیعاً شناخته‌شده، انحصاراً عمل می‌کند و درنهایت می‌تواند اقتدار خود را از طریق کاربرد زور تحمیل کند» (راش، ۱۳۸۱، ص. ۲۳). از مجموع مباحث گسترده در مورد انواع دولت، می‌توان آن‌ها را در دو قطب کلی «اقتدارگرا» و «مردم‌سالارانه» تقسیم‌بندی کرد. «اقتدارگرایی»^۱ نوعی از حکومت است که در آن، آزادی فرد قربانی قدرت حاکم و یا به نفع آن محدود می‌شود. در حکومت اقتدارگرا، حضور پُرنرنگ نیروهای انتظامی (پلیس)، ایجاد ترس و تهدید، سرکوب و ... به چشم می‌خورد. این حکومت که با عناوینی چون دیکتاتوری و حکومت مطلقه نیز شناخته می‌شوند، با انحصار در منابع و ابزارهای قدرت دولتی و «تمرکز وسایل اداره جامعه در دست دولت متمرکز ملی به اعمال قدرت می‌پردازند» (روکر، ۱۳۸۸، ص. ۴۶). حکومت اقتدارگرا عموماً با تکیه بر ارتش و قوای نظامی، به ایجاد نظم در جامعه مبادرت می‌ورزد و از هرگونه مبارزه طبقاتی جلوگیری می‌کند، و در صورت بروز آشوب و درگیری سیاسی، غالباً از ابزار خشونت، سرکوب، تهدید، ترس، تطمیع و ... استفاده می‌کنند. اساسی‌ترین خصلت دولت‌های اقتدارطلب، حاکمیت یک «ایدئولوژی فراگیر» است. غالباً این ایدئولوژی با «حق الهی خواندن حکومت» و با توسل به اندیشه کاریزما، قدرت خود را تثبیت و توجیه می‌کنند. «سلسله‌مراتب سازمانی، نهادهای نمایندگی و پارلمانی، در صورت وجود، شکل صوری دارد، حزب واحد و تحت رهبری یک فرد غالب است. انحصار وسایل ارتباط جمعی و تسلیحات از دیگر ویژگی‌های این نوع حکومت می‌باشد»

1. Authoritarianism

(راش، ۱۳۸۱، ص. ۸۰).

در مقابل، دولت «مردم‌سالارانه»^۱ وجود دارد که بر مبنای اصل مشروط‌بودن قدرت به مردم‌سالاری و آزادی فردی شکل گرفته است. در این دولت برخلاف دولت اقتدارگرا، نه تنها فرد قربانی خواست قدرت دولتی نمی‌شود بلکه «دولت نماینده مردم برای رسیدگی به امور جامعه است» (بشیریه، ۱۳۸۹، ص. ۳۰۷). دولت به پشتوانه قانون به اعمال قدرت می‌پردازد. اصل قانون و تفکیک قوا، حقوق شهروندی، ظهور جامعه مدنی، برجسته‌شدن افکار عمومی و حق آزادی فردی از اصلی‌ترین ویژگی‌های دولت‌های لیبرال دموکراسی به‌شمار می‌آید.

۴-۱-۲. گفتمان

«گفتمان»^۲ از مفاهیم اساسی در مطالعات فرهنگی در چند قرن اخیر است که به‌وفور مورد استفاده قرار می‌گیرد. گفتمان مفهومی چندبُعدی است که هیچ‌گاه تعریف و معنای واحدی نداشته است و هیچ‌گاه بر یک امر خاص مستقر نمی‌شود؛ در واقع، شیوه خاص بازنمایی خود و دیگری و روابط بین آن‌هاست. گفتمان در واقع «تلفیق دو زبان کاربردی (واژه‌های نشانه‌ای و اشاره‌ای) و زبان انتزاعی (واژه‌های نوشتاری و خواندنی) است» (بشیر، ۱۳۹۹، صص. ۲۷ و ۲۸). بنابر تعریف فوکو، «گفتمان‌ها سازنده موضوعات هستند و نه تعریف‌کننده آن که در فرایند این سازندگی، هویت و مداخله خود را پنهان می‌کنند» (Foucault, 1978, p. 190). مسئله اصلی فوکو در گفتمان این است که «کدام گروه، مرجع یا شخص، قدرت و اقتدار آن را دارد که قواعد یک گفتمان را تعریف و تنظیم کند، مرزهای گفتمانی خود را مشخص کند و به عناصر مفصل‌بندی‌شده معنایی جدید ببخشد» (تاجیک، ۱۳۸۳، ص. ۵۲). در گفتمان گزاره‌ها، عبارات، قضایا و معانی از این جنبه که کی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی به‌کار رفته است اهمیت می‌یابند. به‌بیان دیگر، بستر و شرایط زمانی و مکانی گفتارها، مطالب و متون، شکل، نوع و محتوای هر گفتمان را تعیین می‌کند؛ بنابراین، گفتمان «در فرایند جریان‌ات اجتماعی و با بهره‌برداری از شیوه‌های مختلف زبانی و فرازبانی و در بستر زمانی و مکانی ویژه‌ای شکل می‌گیرد؛ لذا در هر دوره، عصر و جامعه و برای هر مقطع اجتماعی و سیاسی گفتمان خاصی وجود دارد که منعکس‌کننده ویژگی‌های

1. Democratic

2. Discourse

ساختاری و اندیشه‌ای حاکم بر فرد و جامعه است» (بشیر، ۱۳۹۹، ص. ۲۳). از نظر فرکلاف گفتمان مجموعه‌ای به هم پیوسته از سه اصل عمل (کردار) اجتماعی، عمل گفتمانی (شامل تولید، توزیع و مصرف متن) و خود متن است و تحلیل گفتمان، تحلیل این سه اصل و روابط میان آن‌هاست. فرض اصلی وی آن است که «پیوندی معنا دار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹، صص. ۹۷-۹۸). فرکلاف، گفتمان را عرصه ظهور و بازتولید قدرت و در عین حال نقد و مقاومت در مقابل آن می‌داند. روابط قدرت نیز نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است. از این رو، وی همچون سایر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، بر نقش برجسته زبان و ایدئولوژی در توجیه، تولید و بازتولید سلطه و روابط نابرابر قدرت تأکید می‌کند و وظیفه تحلیل گفتمان انتقادی را توجه به عمیق‌ترین و ظریف‌ترین وجه اعمال قدرت در اجتماع از رهگذر افشای تزویر زبان می‌داند. گفتمان‌های حاکم بر یک متن در اثر شرایط زمانی، سیاسی و اجتماعی به وجود می‌آیند و ساخت گفتمانی هر متن، به شرایطی که متن در آن تولید شده است، بستگی دارد؛ علاوه بر آن، دریافت‌های گفتمانی مخاطبان هم، بسته به شرایط تاریخی و اجتماعی آن‌ها متفاوت خواهد بود.

۳-۱-۴. سیاست فرهنگی

دیدگاه «سیاست فرهنگی»^۱، نسبت میان سینما و دولت را به خوبی بیان می‌کند. از نظر تونی بنت، سیاست فرهنگی «بر فرمول‌بندی و قانون‌گذاری سیاست در نهادهایی تمرکز دارد که فرم و محتوای محصولات فرهنگی را تولید و مدیریت می‌کند» (منتظر قائم و یادگاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۳). به تعبیر دقیق‌تر، «فرهنگ از طریق دولتی بودن قابل درک است» (بارکر، ۱۳۸۷، ص. ۷۶۱). حکومت‌ها با اتخاذ سیاست‌های فرهنگی، نگرش و گرایش‌های ارزشی خود در حوزه فرهنگ را به نمایش می‌گذارند. این نگرش‌ها خود متأثر از گفتمان و فرهنگ سیاسی غالب است. در ابتدای انقلاب اسلامی، به دلیل آنکه اولین اصل دولت در دهه ۱۳۶۰ حمایت از فیلم ایرانی در مقابل فیلم خارجی بود، اقدامات متعددی صورت گرفت که منجر به افزایش میزان حضور دولت در میدان سینما و در نهایت محکم‌شدن جایگاه سینمای دولتی شد؛ بخش زیادی از سالن‌های نمایش پس از انقلاب بنا بر سوابق پیش از

انقلاب سینماداران مصادره شد، سینماهای رهاشده در اختیار حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت و بخش‌ها و نهادهای دولتی فراوانی وارد عرصه فیلم‌سازی شدند؛ مانند سازمان صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و... «بدین ترتیب در هر سه حوزه تولید، توزیع و نمایش آثار سینمایی در دهه ۱۳۶۰ حضور دولت بیش از هر نهادی پُررنگ‌تر است» (زاودراد، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۷).

در تمامی دیدگاه‌های مرتبط با رسانه در این سال‌ها، آنچه حرف اول را می‌زد، مطالبه «سینمای مبارز» و «سینمای پیام‌دار» بود (دادرس، ۱۳۸۴، ص. ۲۸). در جهت نیل به این سینمای ایدئال، تمام اختیارات حوزه سینما به وزارت ارشاد اسلامی واگذار شد و تمامی ارکان سینما تحت نفوذ معاونت امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درآمد. «بر پایه سیاست‌های نظارتی، هیچ فیلمی نمی‌توانست تولید شود مگر آنکه از مرحله تصویب فیلم‌نامه تا مرحله نمایش، زیر نظارت مراکز مربوط، مثل اداره کل نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی و بخش فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی عمل کند» (طالبی‌نژاد، ۱۳۷۷، ص. ۵۲). بدین ترتیب، بر سینمای ابتدای انقلاب، فضایی کاملاً دولتی و آرمانی حاکم بود.

۲-۴. مبانی نظری

۲-۱. نظریه تحلیل گفتمان

«تحلیل گفتمان غالباً به مطالعه و بررسی آن دسته از کارکردها و تأثیر زبان‌شناختی، معناشناختی، نشانه‌شناختی، سبک‌شناختی اطلاق می‌شود که توصیف و تشریح آن‌ها مستلزم در نظر گرفتن توالی، ترادف و توارد جمله و همین‌طور ساختار جمله است» (مک دانل، ۱۳۸۰، ص. ۱۷). به عبارت دیگر تحلیل گفتمان تلاش در جهت تحلیل متن در زمینه‌های موقعیتی و نیل به معنای فرامتنی است. در تحلیل گفتمان نشانه‌های زبانی و فرازبانی و نیز معانی ظاهری و پنهانی جریان‌های گفتمانی تحلیل می‌گردد. «این امر تنها با خروج از معنای تحت‌اللفظی و کشف معنای ضمنی و مستتر در متن حاصل می‌شود» (بشیر، ۱۳۹۹، ص. ۵۱). در واقع با تکیه بر تحلیل گفتمان، «نقش عناصری مانند جهان‌بینی، سوگیری و تعصب، روابط قدرت و مسائل اجتماعی - سیاسی و تاریخی در شکل‌گیری گفتمان روشن می‌شود» (آقاگل‌زاده و خیرآبادی، ۱۳۹۳، ص. ۴۰).

مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان عبارت‌اند از:

- ۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده؛
- ۲- روشن کردن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن، یعنی جریان تولید گفتمان؛
- ۳- نشان دادن موقعیت و زمینه‌های خاص تولیدکننده گفتمان (زمینه تولید گفتمان)؛
- ۴- اساساً هدف عمده تحلیل گفتمان آن است که روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... به دست دهد. مبادی فکری این روش همان پیش‌فرض‌های پسانوین هستند (رید و هارولدسن، ۱۳۸۷، ص. ۸۵).

۴-۲-۲. نظریه بازنمایی

مفهوم بازنمایی از مفاهیم کلیدی در تحلیل متون و رسانه است. پیوند این مفهوم با موضوع نمایش واقعیت، بیان می‌دارد آنچه ما در نزد خود واقعی فرض می‌کنیم، چیزی نیست که خارج از بازنمایی وجود داشته باشد. بازنمایی بر این اصل استوار است که رسانه ابزاری خنثی در نشان دادن تصاویر نیست؛ «زیرا متکی بر زبان و معناست و زبان و معنا نیز در چهارچوب گفتمان همواره متکی به قدرت است» (ربیبی و احمدزاده نامور، ۱۳۸۷، ص. ۳۷). از نظر فوکو، «بازنمایی همیشه در یک گفتمان صورت می‌پذیرد و گفتمان تعیین می‌کند که درباره یک متن خاص چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت» (استوری، ۱۳۸۶، ص. ۳۴).

دو دسته نظریه بازنمایی وجود دارد: کلاسیک و جدید. بر اساس نظریه کلاسیک، «بازنمایی آثار هنری و فرهنگی هر جامعه بازتاب‌دهنده مسائل اجتماعی زمان خود هستند و همچون آینه اجتماع عمل می‌کنند» (Webb, 2009, p. 42). اما نظریات جدید دیدگاهی متفاوت دارند. نظریه پردازان این رویکرد مانند هال که متأثر از مطالعات فرهنگی و فلسفه چرخش زبانی هستند، معتقدند که رسانه، انعکاس آینه‌وار واقعیت نیست. آن‌ها بازنمایی را استفاده از زبان برای تولید معنا درباره جهان واقعی می‌دانند؛ بنابراین تعریف، «معنا در ذات وجود ندارد و برساخته می‌شود» (میرحاجی، ۱۳۹۵، ص. ۵۲). استوارت هال می‌گوید: «هیچ چیز معناداری خارج از گفتمان وجود ندارد؛ و مطالعات رسانه‌ای وظیفه‌اش سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق رویه‌ها و صورت‌بندی‌های گفتمانی تولید می‌شود» (Calvert & Levis, 2002, p. 200).

اساسی‌ترین کارکرد نظریه بازنمایی، نشان دادن نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌دهی به افکار عمومی است. باید گفت بازنمایی رویدادها به واسطه رسانه‌ها، همواره با

سوگیری عقیدتی همراه است و در جهت تضعیف یا تثبیت گفتمان خاصی عمل می‌کند؛ لذا در مطالعه و تحلیل هر متن، بایستی نقش ایدئولوژیک آنچه بازنمایی شده است، مورد توجه قرار گیرد. چراکه امروزه «بازنمایی رسانه‌ای یکی از راه‌های تقویت قدرت حاکم و تثبیت ایدئولوژی مسلط است» (Chandler, 2003, p. 9).

۴-۲-۳. نظریه برجسته‌سازی و چهارچوب‌بندی

مطابق با دیدگاه برجسته‌سازی، آنچه ما از واقعیت می‌شناسیم و به آن آگاهی داریم در وهله اول نشئت‌گرفته از رسانه‌های جمعی است و موضوعاتی که می‌شناسیم واقعیت‌های دست‌دوم هستند. به عبارت دیگر، افراد عادی جامعه تنها آنچه که به واسطه رسانه‌های جمعی دارای ارزش خبری و منتشر شده‌اند را می‌شناسند. بر این مبنا، «هرچه گستره رسانه بیشتر باشد، نقش آن در حدوث واقعیت بیشتر است» (دهقان، ۱۳۷۸، ص. ۶).

تفکر غالب در این نظریه این است که از طریق برجسته‌سازی می‌توان تغییرات رفتاری قابل‌قبولی در مخاطبان به‌وجود آورد؛ و یا حداقل تغییرات شناختی ایجاد کرد. در فرایند برجسته‌سازی، نهادهای قدرت رسانه‌ای، با تمرکز بر موضوعات و رویدادهای خاص، آنها را گزینش کرده و سپس در چهارچوب معین آنها را پردازش می‌کنند. «چهارچوب‌گذاری در واقع به گزینش نامحسوس جنبه‌های خاص یک موضوع اشاره دارد که توسط رسانه‌ها و در جهت نمایش اهمیت آن جنبه‌ها اشاره دارد» (دیرینگ و اورت، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۲). به عبارت دیگر «چهارچوب‌بندی»، سطح دوم برجسته‌سازی یا نسخه‌ی پالایش‌شده آن است. چهارچوب با مفهوم زمینه در روش تحلیل گفتمان قرابت پیدا می‌کند. به بیان دیگر، چهارچوب‌ها، طرح‌های تفسیری هستند که افراد را قادر می‌سازند تا «تعیین، درک و شناسایی کرده و برچسب بزنند» (Park, 2003, pp. 146-147). می‌توان چهارچوب‌ها را به‌مثابه قالب‌هایی در نظر گرفت که محتوای رسانه‌ای را به مخاطب عرضه می‌کنند و فهم و ادراک ما را از واقعیت تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. از این‌رو در مطالعه و بررسی محتواهای رسانه‌ای می‌توان گفت که «چهارچوب‌بندی به معنای آن است که رسانه‌ها نه آینه‌ای برای انعکاس واقعیت، بلکه سازنده واقعیت و شکل‌دهنده به آن هستند» (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۸۱).

این پژوهش در چهارچوب نظریه تحلیل گفتمان و با استفاده از نظریه‌های

بازنمایی و برجسته‌سازی، به تحلیل گفتمان دولت در فیلم‌های سینمایی می‌پردازد. به‌بیان‌دیگر، در هر فیلم، دولت در قالب گفتمانی خاص و مستتر بازنمایی شده است و مقاله حاضر در پی آن است تا در چهارچوب این نظریات، گفتمان و معناهای ضمنی مستتر در فیلم‌های سینمایی را کشف و استخراج کند.

۵. روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش، با توجه به موضوع اصلی، یعنی دولت، شامل فیلم‌هایی است که مضمون آن‌ها سیاسی است و با بن‌مایه‌های مرتبط با سیاست یعنی دولت، اعتراضات سیاسی، حکومت، انقلاب، قدرت و... شکل گرفته‌اند. این فیلم‌ها که با شاخصه‌هایی چون بن‌مایه، موضوع و سوژه، اتمسفر و جو فیلم، گره اصلی و عوامل سیاسی همراه هستند، تحت‌عنوان فیلم‌های «سیاسی - اجتماعی» تعریف می‌شوند. «سینمای سیاسی اولین گام سینمای پس از انقلاب بود که اساساً به جهت بنیان‌گذاری خویش، یعنی انقلاب، موضوعات نشأت‌گرفته از آن را دستمایه خود قرار داد» (مستغاثی، ۱۳۸۰، ص. ۴۹). در مجموع، ۱۶ فیلم مهم سیاسی تولیدشده در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۹ ه.ش. گزینش شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. اسامی آن‌ها عبارت‌است از: از فریاد تا ترور (منصور تهرانی)، توجیه (محسن مخملباف)، نقطه‌ضعف (محمد رضا اعلامی)، سناتور (مهدی صباغ‌زاده)، سفر سنگ (مسعود کیمیایی)، تیرباران (علی اصغر شادروان)، بایکوت (محسن مخملباف)، فریاد مجاهد (مهدی مدنیان)، خونبارش (امیر قویدل)، تشریفات (مهدی فخیم‌زاده)، آفتاب‌نشین‌ها (مهدی صباغ‌زاده)، برنج خونین (امیر قویدل و اسدالله نیک‌نژاد)، دادشاه (حبیب کاووش)، شیلات (رضا میرلوحی)، ریشه در خون (سیروس الوند)، گزارش یک قتل (محمد علی نجفی).

در تحلیل محتوای فیلم‌ها «روش عملیاتی تحلیل گفتمان» (پدام)، به‌کاررفته است. مراحل معناسازی در روش پدام مبتنی بر روش تحلیل گفتمان فرکلاف است؛ اما از آن فراتر می‌رود. «روش تحلیل گفتمان فرکلاف شامل سه سطح توصیف (توصیف متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی خاص)، تفسیر (توضیح فرایندها و روابطی که زمینه خلق و درک گفتمان را به‌وجود آورده است و توضیح تأثیر انتخاب‌های گفتمانی) و تبیین (بیان چرایی رابطه بین عناصر گفتمانی و اجتماعی) است» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۹).

در روش پدام این سه مرحله به پنج سطح صعود کرده است (بشیر، ۱۳۹۱، ص.

۱۵). این روش شامل پنج سطح تحلیلی است. این سطوح عبارت‌اند از: سطح - سطح، عمق - سطح، سطح - عمق، عمق - عمق (عمیق) و عمیق‌تر. هر سطح دارای ویژگی‌هایی است. بر دوسطح اول و دوم نوعی توصیف حاکم است. سطح اول با نام «برداشت از اصل متن» درصدد کشف کلمات و جملاتی است که در متن دارای بار معنایی خاص در راستای اهداف تحقیق باشند (بشیر، ۱۳۹۹، صص. ۱۸۳-۱۸۴). سطح دوم «جهت‌گیری و گرایش متن» نامیده می‌شود. در اینجا معانی جملات نه تنها در قالب کلمات و معناهای صریح و ضمنی آن‌ها، به شکل انفرادی و ترکیبی مورد توجه قرار می‌گیرند که فراتر از آن به جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های گوناگون جملات و درنهایت خود متن، نسبت به مسائل مختلف اما مرتبط با موضوع تحقیق توجه می‌شود. سطح سوم «تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن» نامیده می‌شود که تحلیلگر تلاش می‌کند معنای مرتبط با بافت یا بافت‌های مرتبط با خلق متن را تبیین کند. درحقیقت در این مرحله تحلیلگر درصدد کشف رابطه متن با زمینه خلق متن و بینامتنیت‌های مورد استفاده پدیدآورنده متن است (بشیر، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۵). سطح چهارم مرحله خروج از ساختار ظاهری متن و توجه به فرامتن‌های مرتبط با متن است. در این مرحله تلاش می‌شود میان متن، زمینه و فرامتن‌های مرتبط با متن پلی ایجاد و معانی نهفته آشکار شود (بشیر، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۱۰). سطح بعدی که به نوعی خروج از روش فرکلاف است سطح عمیق‌تر تحلیل نام دارد که به بررسی گفتمان‌های اجتماعی حاکم بر متن می‌پردازد. در این مرحله، متن، بینامتنیت و فرامتن هم‌زمان مورد توجه قرار می‌گیرد و تحلیل نهایی ارائه می‌شود (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۲). توجه به فرامتن در سطح پنجم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این مرحله، باید متادال‌های فراتر از متن به دست‌آید. کشف متادال فراگیر، نیازمند کشف گفتمان متن، آشنایی با گفتمان‌های دیگر در سطح محلی و جهانی و شیوه ربط‌دادن این گفتمان‌ها با همدیگر است که به نوعی ارتباط بینامتنی را نشان می‌دهد (بشیر، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۶).

۶. یافته‌های پژوهش

جهت پاسخ به پرسش اصلی پژوهش یعنی «نحوه بازنمایی دولت در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی» در فاصله سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۹، از روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام بهره گرفته شده است. یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد فیلم‌های تولیدشده با موضوع دولت در دهه ۶۰، غالباً حکومت مطلق‌گرای شاهنشاهی را

به‌نمایش گذاشته است. رژیم خودکامه شاه و اعتراضات مردمی به‌عنوان الگوی اصلی رابطه جامعه و دولت به تصویر درآمده است. ظلم‌وستم بر مردم بی‌بضاعت، مشکلات اقتصادی و فقر، بی‌عدالتی، عیش‌ونوش و فساد حاکمان و خودکامگی از جمله موضوعات مطرح‌شده در این فیلم‌هاست. علاوه‌براین، نمایش مبارزات مردمی علیه حکومت در جهت رفع بی‌عدالتی‌ها محور گره‌های داستانی فیلم‌هاست. خفقان، سرکوب، سانسور مطبوعات، شکنجه، فشار از بالا، اعدام و برخورد شدید نظامی با مبارزین و مصلحین، نمونه‌ای از مفاهیم برجسته در این فیلم‌ها به‌شمار می‌آید.

برای اجرای سطوح به روش «پدام» از به‌کارگیری ستون‌های مختلف در جداول تحلیلی استفاده شده است. هر ستون معرف یک مرحله است: در سطح اول، متن هدفمند از میان جملات و گزاره‌های متن گفتگوها، تصاویر و موسیقی که با اهداف کلی تحقیق همسویی دارند، گزینش و در ستون اول از جدول سطوح اول تا سوم درج شده‌اند. در سطح دوم، برداشت معنایی مرتبط با جملات سطح اول، تحت‌عنوان «جهت‌گیری و گرایش متن» آورده شده است. سپس در سطحی عمیق‌تر و انتزاعی‌تر، میان معنای تحت‌اللفظی در سطح اول و معنای ضمنی جملات در سطح دوم، ارتباط معنایی فراتر از متن ایجاد شده و در ستون سوم درج شده است (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن). پس از این سه مرحله که در واقع نوعی توصیف را شکل می‌دهند، در سطح چهارم یا عمیق (جدول شماره ۲)، بینامتنیت ذهنی تحلیلگر و بینامتنیت‌های مرتبط با توجه به معناهاى ضمنی، تحلیل و محورهای مهم بازنمایی‌شده در فیلم‌ها در قالب دال‌های اساسی کشف گردیده‌اند و هر محور با دلالت‌های مرتبط نوشته شده است. درنهایت در ستون پنجم، گفتمان حاکم بر متن با گفتمان‌های فرامتنی مفصل‌بندی و گفتمان(های) غالب درباره بازنمایی دولت استخراج گردیده است.

۶-۱. سطوح اول تا سوم تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی

مرحله توصیف و در واقع اولین مرحله از روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام شامل سه سطح اول سطح - سطح، عمق - سطح و سطح - عمق می‌شود که جمع‌بندی این مراحل در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۱): جمع‌بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی سیاسی
(۱۳۶۹-۱۳۵۸)

ردیف	ردیف	برداشت از متن اصلی	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۱	۱	سخنران انقلابی: اینک دستگاه حاکمه شش لایحه را به همه‌پرسی گذاشته است و از ملتی می‌خواهد به پای صندوق‌های رأی برود که نه آزادی بیان، نه آزادی اندیشه و نه آزادی ابراز مخالفت را دارد.	سوءاستفاده از آزادی بیان در جهت منافع حکومتی / برجسته‌سازی فضای خفقان	تعارض میان آزادی مردم و قدرت دولت / انسداد سیاسی
۲	۲	سخنران انقلابی دیگر: در این مملکت که سانسور شدید بر تمامی شئون و نشریات آن حاکم است و در زیر چکمه‌های دیکتاتوری قلم‌ها را شکسته، نفس‌ها را در گلو خفه کرده‌اند، چگونه می‌تواند آزادی و حق ابراز عقیده وجود داشته باشد. حتی مطبوعات ما دیکته‌شده استعمارگران غربی است.	فراگیری سانسور و خفقان در عرصه رسانه‌های جامعه / دولت تحت فرمان اوامر دولت‌های غربی	رسانه تحت کنترل شدید دولت / وابستگی همه‌جانبه حکومت به بیگانگان
۳	۳	سكانس حمله به مدرسه فیضیه و قتل عام مردم	برجسته‌سازی کشتار بی‌رحمانه مردم	شدت اعمال خشونت دولت بر مردم / حذف فیزیکی مخالفان حکومت
۴	۴	مردان انقلابی در حال گفت‌وگو: اونام (نیروهای ارتش و اوباش) تقصیر ندارند. قدرت لایزال رو تو وجود شاه می‌دونن و بس. یه عده به گوششون خوندن که اگه شاه پاشو از مملکت بذاره بیرون، قحطی و طاعون همه‌جا رو می‌گیره.	القای قدرت لایزال دولت به نیروهای ارتش به‌عنوان ستون نظامی حکومت	نظریه‌سازی ایدئولوژی قدرتمند دولت / ارتش مرکز قدرت نظامی دولت
۵	۵	صحنه انواع شکنجه روانی و جسمی نوسوزندان فرزند در	برجسته‌سازی مجازات ناجوانمردانه مخالفان	نظریه‌سازی خشونت شدید دولت

ردیف	ردیف	برداشت از متن اصلی	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
		برابر چشم پدر	به‌دست دولت	
۶		تصاویر زندگی مرفه شاهنشاهی و مردم فقیر و بدبخت. راوی: این معنای عدالت اجتماعی است. این‌ها که در بستر خوارها پول می‌لولند و چون زالو خون گرسنگان را می‌مکنند. درحالی‌که فقر و گرسنگی سراسر مرز و بوم را دربر گرفته است، میلیون‌ها و حتی میلیاردها دلار خرج تبلیغات و حیف و میل و خوشگذرانی‌های هزار فامیل می‌شود.	برجسته‌سازی بی‌عدالتی و ثروت‌اندوزی دولتمردان با چپاول اموال مردم	زندگی اعیانی دولتمردان / تکیه بر ثروت ناعادلانه
۷		سخنرانی امام خمینی: می‌گن که مدیر کیهان گفته است ما دیگه راحتیم برای اینکه اونوقت ما می‌نوشتیم اینا نظر می‌کردن حالا دیگه خودشون می‌نویسن. چرا باید مطبوعات ما انقدر بی‌حیثیت باشد!	برجسته‌سازی کنترل همه‌جانبه مطبوعات و عدم آزادی بیان	عدم استقلال رسانه از عرصه قدرت
۸		مبارز در گفت‌وگو با سرگرد در بازجویی: خودتو گول نزن سرهنگ! وقتی که دخترای جوون زیر ۱۸ سال رو به زور می‌برن و بغل ضحاک می‌اندازن که بتونه جوون بمونه و غریزه‌اش از بین نره این کجاش امنیته؟! تازه بعد از اینکه مثل انار دست به دست گشت و چلوندنش یه پرونده براش می‌سازن و سرش رو زیر آب می‌کنن. این ماهیت بُتیه که شما می‌پرستین.	شهوت‌پرستی و ارتکاب اعمال غیراخلاقی توسط شاه	ابتلاء دولتمردان به انواع فساد جنسی

ردیف	عنوان	برداشت از متن اصلی	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۹	چونار	سرباز در حال قرائت حکم: به نام نامی خدایگان اعلی حضرت همایونی، شاهنشاه آریامهر.	جایگاه خدایگانی شاه برای حامیان وی	خدانگاری دولت و حق الهی خواندن حکومت
۱۰		تساویر حکومت نظامی، جبهه‌سازی با سربازان در برابر مردم معترض و قتل عام آنها. اعتراضات مردمی با حمایت نیروهای ارتش	برخورد قاهرانه، کشتار مردم و سرکوب اعتراضات مردمی با حمایت نیروهای ارتش	ارتش مرکز قدرت نظامی دولت / نظریه‌سازی خشونت شدید دولت / سرکوب معترضان سیاسی / حذف فیزیکی مخالفان
۱۱	از فریاد تا ترور	تساویر محله‌های معتادنشین، حاشیه‌نشین و فقیر در زمان حکومت پهلوی و وضع اسفناک آنها با پس‌زمینه سرود «یار دبستانی من»	برجسته‌سازی وضعیت نابسامان معیشتی در حکومت پهلوی	عدم توجه دولت به توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه
۱۲		مبارز متهم: شما این دادگاه علنی رو تشکیل دادید و خبرنگاران داخلی و خارجی رو دعوت کردید که علناً و در مقابل چشم همه جهان حق رو به مسلخ بکشید.	پیگیری مقاصد سیاسی دولت به واسطه رسانه تحت کنترل / دولت در برابر جهانیان شایعه‌پراکنی می‌کند	انحصار رسانه در دست دولت / دروغ‌پردازی دولت
۱۳	آفتاب‌نشین‌ها	ارباب: مگه شما شکایت نکرده بودین؟ مگه قانون جوابتونو نداد؟ سید با پوزخند: کدوم قانون ارباب؟! قانون که طرف شماست. طرف شما که پول دارین. نه طرف ما فقیر بیچاره‌ها.	حاکمیت بی‌عدالتی در سازمان‌های دیوانی حکومت	ناعدالتی در سیستم قضایی حکومت / انحصار قدرت و ثروت
۱۴		زن سید: دولتی‌ها کی طرف ما رو گرفتن که بار دومشون باشه؟	بی‌توجهی مطلق دولت به جامعه / وجود فاصله میان اقشار مردمی و حکومت	اولویت منافع درون‌گروهی بی‌اعتمادی جامعه به دولت
۱۵	روز بون	مهندس نادری: حمید! این کرم لعنتی (آفتی که شالیزارها رو از بین میبره) اومد یا آوردنش؟! حمید: اگر اسمشو اهمال هم	حکومت منابع ملی را در ازای کسب سود سیاسی و اقتصادی شخصی خود تخریب	ثروت‌اندوزی دولتمردان با خیانت به ثروت ملی

ردیف	ردیف	برداشت از متن اصلی	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
		بگذاریم باز می‌بینیم که می‌کند آوردنش.		
	۱۶	امنیه برای اینکه مردم جای دادشاه را لو بدهند، به ده حمله کرده، آتش می‌زند، جوانان را می‌برند و مردم را آواره می‌کنند.	ایجاد فشار و تهدید بی‌رحمانه دولتمردان علیه مردم بی‌گناه	به‌کارگیری سیاست تهدید جهت استیلای قدرت
	۱۷	سرهنگ خطاب به دادشاه در حال مذاکره برای تسلیم کردنش: اووم اصل چهار رو می‌خوای بگی؟ خوب اونا (آمریکایی‌ها) اگه دو تا حموم و سه تا منبع آب هم بسازن، باز تو این صحرای جهنمی خدمت شده. چرا نمی‌خوای باور کنی؟ بذارین کارشون رو بکنن.	از نظر دولت، امریکا به آبادانی کشور خدمت می‌کند و نباید با آن مخالف بود.	نظریه‌سازی وابستگی شدید دولت ناکارآمد به کشورهای خارجی
	۱۸	بلوچ مبارز: ظلمی که قشون شاه می‌کنه قَجَر هم نکرد.	اعتقاد مبارزان به بی‌رحمی شدید شاه / برجسته‌سازی ظالم‌بودن شاه از نظر مردم / ارتش نماینده ستم شاه	تکیه دولت بر قدرت نظامی برای برقراری نظم / حاکمیت خشونت شدید علیه مردم / ستم دولت بر جامعه
	۱۹	استوار حَقگو (با عصبانیت) خطاب به راننده کامیون حمل قاچاق که ظاهراً مأمور یکی از سناتورهای رژیم است: دروغ میگی، مٹ سگ دروغ میگی. همتون دروغ می‌گین. همتون می‌دونین چی بار زدین. اما دروغ می‌گین تا جوونای مردم رو بدبخت کنین. همتون دروغ می‌گین تا هستی مردم رو نابود کنین. شماها کثافتین. شماها	برجسته‌سازی مفاسد اقتصادی و اجتماعی سناتور	ارتکاب دولتمردان به انواع فساد

دادشاه

سناتور

تجزیه و تحلیل	بهره‌برداری	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
		لجنین. لعنتیا!	
۲۰	شازده قاجاری صاحب نفوذ: نه آقا ابرام! تهدید همراه تطمیع. پول بهشون بده. پول رو همه تأثیر می‌ذاره، کار ما رم راه میندازه.	به اطاعت و اداب داشتن مردم با تطمیع و تهدید.	نظریه‌سازی سیاست تهدید و تطمیع جهت حفظ قدرت.
۲۱	شعار انقلابیون در خیابان‌ها: نصر من الله و فتح قریب، مرگ بر این حکومت پرفریب.	برجسته‌سازی صفت فریبکاری حکومت	نظریه‌سازی فریب و نیرنگ دولت

۶-۲. سطح چهارم (عمیق) تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی

مبتنی بر روش پدام، سطح چهارم تحلیل گفتمان، به مقایسه خانه‌های گوناگون جدول شماره ۱ با هم می‌پردازد. در واقع سطح چهارم، مرحله عمیق و گذر از سه ستون اول جدول تحلیلی است. بر این اساس، با مقایسه خانه‌های جدول و تفسیر روابط بینامتنی نتایج ستون سوم با معنای فرامتنی، جهت‌گیری آنها در رابطه با بازنمایی دولت استخراج می‌گردد و بدین ترتیب، محورهای اصلی و دلالت‌های مرتبط با آن در بازنمایی دولت‌ها کشف می‌شود. جدول شماره ۲ محورهای اصلی مستخرج در سطح چهارم را نشان می‌دهد.

جدول (۲): محورهای عمیق دولت بازنمایی شده در فیلم‌های سینمایی

محورهای عمیق دولت بازنمایی شده	
۱. سلطه هژمونیک	۲. استبداد دولتی
<ul style="list-style-type: none"> • اعمال قدرت حداکثری • ضعیف‌نگه‌داشتن جامعه با کنترل افکار جمعی • فراگیرسازی ایدئولوژی سیاسی به‌عنوان راه‌حلی برای مطیع ساختن جامعه • انتظار طرفداری کورکورانه و پذیرش سلطه به‌واسطه عدم آگاهی و کم‌سوادی جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> • سلطه یکجانبه و مستبدانه مبتنی بر اندیشه خدایگانی • تصمیم‌گیری سیاسی دولت و در رأس آن شاه بر اساس اراده و خواست خویش • دیکتاتوری • تمرکز قدرت در دست یک خانواده
۳. اعمال خشونت	۴. تکیه بر ارتش
<ul style="list-style-type: none"> • کنترل اجبارآمیز • اعمال فشار 	<ul style="list-style-type: none"> • ارتش به‌عنوان نیروی حامی و وسیله‌ای برای کنترل از بالا

محورهای عمیق دولت بازنمایی شده	
<ul style="list-style-type: none"> • مجازات سنگین • شکنجه و ایجاد فشار روانی 	<ul style="list-style-type: none"> • ارتش به‌عنوان یکی از عوامل اقتدار حکومت
<ul style="list-style-type: none"> • ۵. وابستگی همه‌جانبه • وابستگی همه‌جانبه به کشورهای خارجی • خودباختگی و سرسپردگی در برابر خواست دولت‌های خارجی • تحویل امور کشور به مستشاران آمریکایی و انگلیسی • وضع قوانین حمایت از خارجی‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • ۶. اشرافی‌گری • برتری‌جویی نژادی • اسراف و تبذیر مادی • تشریفات و مصرف‌گرایی
<ul style="list-style-type: none"> • ۷. ظلم و تبعیض علیه مردم • غارت اموال مردم • ظلم‌وستم بر اقشار ضعیف • ناعدالتی قضایی و قانونی میان دولتمردان و اقشار دیگر جامعه • تقسیم ناعادلانه سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی در کل کشور 	<ul style="list-style-type: none"> • ۸. سیاست تهدید و تطمیع • توسل به تهدید و تطمیع جهت برقراری نظم مورد نظر • تهدید به مرگ خانواده، آبروریزی، فشار روانی و ... • وعده پول و مقام جهت کسب وفاداری
<ul style="list-style-type: none"> • ۹. کارشکنی • خیانت به منافع ملی 	<ul style="list-style-type: none"> • ۱۰. خفقان سیاسی • ایجاد فضای وحشت و خفقان سیاسی • ممانعت از هرگونه اظهارنظر و مشارکت سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> • ۱۱. قتل مخالفان حکومت • سیاست حذف فیزیکی • تبعید 	<ul style="list-style-type: none"> • ۱۲. سرکوب شدید اعتراضات • اسکات معترضان سیاسی و اجتماعی با روش‌های قهری • قتل عام، حمله خشونت‌بار، متفرق‌سازی همراه با برخورد فیزیکی، زندان و دستگیری
<ul style="list-style-type: none"> • ۱۳. انحصار ثروت و قدرت • انحصار منابع ثروت و قدرت با ابزار فشار و سلطه اجبارآمیز • سلطه مستقیم مانند نیروی نظامی و غیرمستقیم مانند در دست داشتن قدرت رسانه‌ای و نرم 	<ul style="list-style-type: none"> • ۱۴. رواج فساد • دولتمردان فاسد از نظر اخلاقی و سازمانی • ابتلای دولتمردان به انواع امراض جنسی و اخلاقی • کشتار به‌ناحق مردم • قاچاق (فساد مالی و اجتماعی) • ردوبدل رشوه و تلکه‌کردن
<ul style="list-style-type: none"> • ۱۵. نارضایتی معیشتی 	<ul style="list-style-type: none"> • ۱۶. رسانه وابسته

محورهای عمیق دولت بازنمایی شده	
<ul style="list-style-type: none"> • انحصار دولتی رسانه‌ها • نقش آمرانه عرصه سیاسی در برابر رسانه • سانسور شدید • تحت کنترل درآوردن مطبوعات، جریان اخبار و تحلیل 	<ul style="list-style-type: none"> • نابسامانی معیشتی • گستردگی فقر • توسعه نیافتگی علی‌رغم ثروت عظیم ملی
<p>۱۸. فریب افکار عمومی</p> <ul style="list-style-type: none"> • رسانه ابزار قدرتمند سیاستمداران برای جلب، هدایت و فریب افکار عمومی • تکیه بر اخبار دروغ، اغواگری و عوام‌فریبی 	<p>۱۷. شکاف دولت و جامعه</p> <ul style="list-style-type: none"> • ترس شدید جامعه از دولت • دولت هیچ‌گاه نماینده هیچ طبقه‌ای نبوده است

۳-۶. سطح پنجم (عمیق‌تر) تحلیل گفتمان فیلم‌های سینمایی

در این مرحله گفتمان‌های حاکم بر فیلم‌ها تبیین می‌گردد. براین اساس از برآیند دال‌های استخراج‌شده، گفتمان‌های مرتبط کشف و ارتباط میان دال‌ها و گفتمان‌ها توضیح داده می‌شود. درواقع این مرحله، آخرین مرحله تحلیل گفتمان به روش پدام می‌باشد.

۳-۶-۱. گفتمان دولت اقتدارگرا

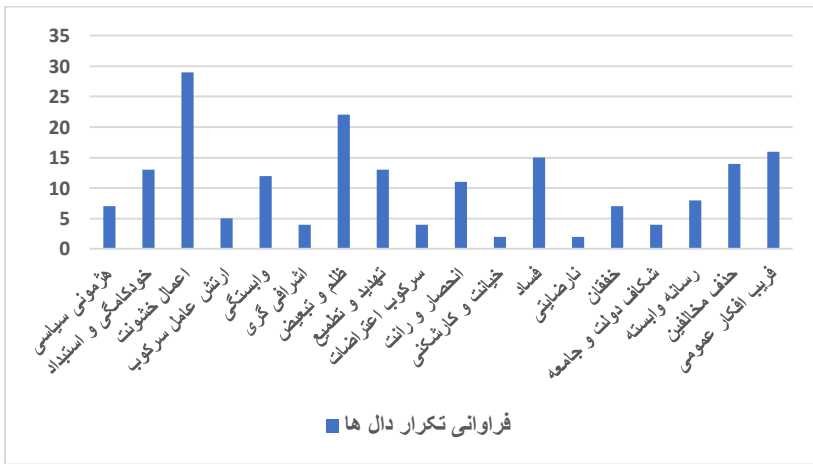
براساس محورهای عمیق در سطح چهارم، دولت بازنمایی‌شده در فاصله سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۵۸ در گفتمان اقتدارگرایی معنا می‌یابد. دال اصلی این گفتمان با محوریت «هژمونی سیاسی» و «استبداد و خودکامگی» بیان می‌شود. به عبارت دیگر، دولت بازنمایی‌شده در این فیلم‌ها که همان حکومت شاهنشاهی پهلوی است، دولتی است که با هدف اعمال سلطه حداکثری بر همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به قدرت‌طلبی می‌پردازد و از این اندیشه سرچشمه می‌گیرد که حکومت امری موروثی و تفویض‌شده از جانب خداست که در یک خاندان به ودیعه گذاشته شده است. دولت در وضعیتی قرار دارد که می‌تواند با اقناع طبقات دیگر جامعه، آن‌ها را به پذیرش ارزش‌های سیاسی حاکم وادارد و این کار را از طریق تضعیف و بی‌سواد نگه‌داشتن مردم انجام می‌دهد. خودکامگی دولت با مفاهیمی چون اندیشه خدایگانی حکومت و سلطه یک‌جانبه نمایش داده شده است. اطلاق صفت «خدایگان، اعلی حضرت همایونی» به شاه نمونه‌ای از بازنمایی دال خودکامگی و استبداد است. در این گفتمان قدرت به صورت یکجانبه، از بالا و تحکم‌آمیز اعمال می‌گردد و اقشار جامعه در عرصه سیاسی

هیچ گونه مشارکتی ندارند؛ بنابراین دولت با تکیه بر ارتش و قوای نظامی به برقراری ثبات و نظم می‌پردازد. نقش ارتش به‌عنوان مهم‌ترین حامی حکومت در سراسر فیلم‌ها به انحاء گوناگون بازنمایی شده است. تمرکزگرایی و قدرت‌طلبی، حکومت را بر آن می‌دارد تا هرگونه مخالفت، اصلاح و حرکت از سوی جامعه را نفی و از رشد آن جلوگیری کند؛ مصلحان، روشنگران و گروه‌های اجتماعی را تحت کنترل مستقیم و غیرمستقیم خود درآورد و در این راه از سانسور، کنترل‌گری رسانه‌ای و اعمال فشار دریغ نکند. مجازات‌های شدید، شکنجه، خشونت، بکارگیری سیاست حذف، تهدید و تطمیع، سرکوب مبارزات، ایجاد فضای خفقان و وحشت، کنترل رسانه‌ها و فریب افکار عمومی، چپاول مال مردم و اعمال زور و ظلم و بی‌عدالتی، اعمالی است که حکومت با تکیه بر آن‌ها سلطه سیاسی خود را تداوم می‌بخشد.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز دولت بازنمایی شده در گفتمان اقتدارگرا، غلبه «اشرافی‌گری» در عرصه سیاسی و در میان صاحبان قدرت است. این در حالی است که قشر وسیعی از جامعه با انواع مشکلات معیشتی و فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند. فاصله میان دولت و جامعه و عدم اعتماد جامعه به دولت در این گفتمان بسیار بالاست. مردم در فیلم‌ها در برابر دولت به تصویر درآمده‌اند به گونه‌ای که هیچ قرابتی میان خود و حاکمین نمی‌بینند. علاوه‌براین، قدرتمندان در گفتمان اقتدارگرا به انواع فساد اخلاقی، مالی و اداری دچار هستند و در عرصه سیاسی تنها منافع مادی و قدرت‌طلبانه خود را پی می‌گیرند. سناتورها، افراد وابسته به حکومت شاهنشاهی و نظامیان حکومتی، افرادی هستند که به قاچاق مواد مخدر، دست‌اندازی بر اموال مردم و اعمال خلاف اخلاق می‌پردازند. دولتمردان با کارشکنی‌های مکرر به مردم کشور و منابع ملی ضرر می‌رسانند. آن‌ها حتی با وابستگی به کشورهای خارجی سعی دارند تا در راه توسعه و نوسازی اقتصادی و سیاسی قدم بردارند؛ اما درعمل با حراج منابع ارزشمند ملی، به جامعه خیانت می‌کنند. اغواگری و فریب افکار عمومی ویژگی دیگری است که در این دولت به طرق گوناگون به تصویر درآمده است.

درمجموع گفتمان دولت اقتدارگرا، با دال مرکزی «خودکامگی و استبداد» و «هژمونی سیاسی» و دال‌های دیگر «اعمال خشونت»، «ارتش عامل سرکوب»، «وابستگی»، «اشرافی‌گری»، «ظلم و تبعیض»، «انحصار و رانت»، «تهدید و تطمیع»، «خیانت و کارشکنی»، «خفقان»، «سرکوب اعتراضات»، «ناراضایتی اقتصادی - اجتماعی»، «فساد»، «رسانه وابسته»، «شکاف دولت و جامعه»، «حذف مخالفین و مصلحین» و «فریب افکار عمومی» تعریف می‌شود. نمودار شماره ۱ فراوانی بازنمایی

دال‌ها را در ۱۶ فیلم مورد بررسی نشان می‌دهد.



نمودار (۱): فراوانی بازنمایی ۱۶ دال مستخرج از فیلم‌ها

نتیجه‌گیری

مبتنی بر تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت نحوه بازنمایی دولت در فیلم‌های سینمایی، تحت تأثیر دو حوزه اصلی سیاست‌های سینمایی و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه بوده است. بر این مبنا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اهمیت روزافزون ارزش‌های انقلابی، اخلاقی و دینی به‌ویژه در عرصه سیاسی و تلاش برای توسعه و نوسازی اقتصادی، امنیتی و نظامی نوع جدیدی از گفتمان سیاسی شکل گرفت که در آن ایدئولوژی دینی و انقلابی غلبه داشت و ایجاد یک گفتمان جدید و مخالف با رژیم سیاسی سابق در صدر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت قرار داشت. متأثر از این فضا، به لحاظ موضوعی و حواشی فرامنتی فیلم‌ها می‌توان گفت تقریباً تمامی فیلم‌های تولیدشده در ژانر سیاسی در دهه ۶۰ با توجه به فضای فرهنگی ابتدای انقلاب، در نقد و مذمت حکومت سابق یعنی دولت پهلوی ساخته شده‌اند که در آن به نمایش مبارزات مردمی و انقلابی، ستمگری‌های شاهنشاهی و اربابان و مفسد اخلاقی و اقتصادی حاکمان پرداخته‌اند. رژیم خودکامه شاه و اعتراض‌های مردمی به‌عنوان الگوی اصلی رابطه جامعه و دولت به‌تصویر درآمده است. ظلم‌وستم بر مردم بی‌بضاعت، مشکلات اقتصادی و فقر، بی‌عدالتی، عیش‌ونوش، فساد حاکمان و خودکامگی از جمله موضوعات مطرح‌شده در این فیلم‌هاست و دولت بازنمایی‌شده، دولتی است ستمگر، مستبد با رفتارهای

خشونت‌آمیز شدید علیه توده مردم.

با اجرای روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام، دولت در فیلم‌های سینمایی سیاسی فاصله سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۶۹، با گفتمان اقتدارگرایی بازنمایی شده است. این گفتمان با دال اصلی استبداد، خودکامگی و هژمونی سیاسی بیانگر وجود دولتی اقتدارگرا، مستبد و اشرافی است که با تکیه بر ارتش، نیروی نظامی و مجازات‌های قدرتمندانه مانند شکنجه و اعمال خشونت برای برقراری نظم حکمرانی می‌کند. این دولت با تضعیف جامعه، افق افکار عمومی و رواج اندیشه خدایگانی به تداوم سلطه مستبدانه خویش می‌پردازد. در ساختار این دولت، شاه و خاندان او و تمام متعلقان و وابستگان تحت عنوان اشراف، دارای حق مالکیت مطلق هستند و حکم قانون همان حکم شاه است؛ لذا انحصار منابع ثروت و قدرت و تمرکزگرایی در این گفتمان به شدت وجود دارد و اشرافی‌گری مادی به‌عنوان شاخصه بارز صاحبان قدرت توصیف می‌شود. آن‌ها در جهت نیل به مقاصد سیاسی و منافع فردی، از حذف مخالفان و مصلحان هیچ ابایی ندارند. وابستگی به دولت‌های خارجی از دیگر ویژگی‌های بازنمایی شده دولت در این گفتمان است و این در حالی است که نابسامانی معیشتی در میان مردم و نارضایتی و بی‌عدالتی رواج دارد.

در مجموع، می‌توان گفت متأثر از سیاست‌های فرهنگی دولت انقلابی در دهه ۶۰، از فیلم‌های سینمایی به‌عنوان وسیله‌ای در جهت اثبات و تقویت نظام جدید سیاسی و تخریب نظام سیاسی پیشین، یعنی حکومت شاهنشاهی پهلوی بهره برده شده است.

فہرست منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل زاده، فردوس و خیرآبادی، رضا (۱۳۹۳). زبان‌شناسی خبر. تهران: علمی.
- استوری، جان (۱۳۸۶). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامہ. ترجمہ حسین پایندہ، تهران: نشر آگہ.
- بارکر، کریس (۱۳۸۷). مطالعات فرهنگی: نظریہ و عملکرد. تهران: پژوهشکدہ مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- بشیر، حسن (۱۳۹۱). رسانه‌های بیگانہ: قرائتی با تحلیل گفتمان (ج ۱). تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بشیر، حسن (۱۳۹۲). رسانه‌های بیگانہ: قرائتی با تحلیل گفتمان (ج ۲). تهران: انتشارات سیمای شرق.
- بشیر، حسن (۱۳۹۹). روش عملیاتی تحلیل گفتمان. تهران: سروش.
- بشیر، حسن و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۸۸). مطالعہ مقایسہ‌ای رویکردهای انتخاباتی تحلیل گفتمان سرمقالہ‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحلہ انتخابات مجلس هشتم (از ۲۵ اسفند ۱۳۸۶ تا اردیبهشت ۱۳۸۷). فصلنامہ پژوهش‌های ارتباطی، ۱۶ (۵۷)، ۹۳-۱۱۴.
- بشیر، حسین (۱۳۸۹). جامعہ‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی). تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، یادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسہ تحقیقات و توسعہ علوم انسانی.
- تنہایی، حسین (۱۳۹۰). درآمدی بر مکاتب و نظریہ‌های جامعہ‌شناسی. تهران: بہمن برنا.
- جمشیدی، ابراہیم (۱۳۹۴). بازنمایی انتخابات در سینمای ایران (۱۳۵۹-۱۳۹۴). دوفصلنامہ مطالعات انتخابات، ۴ (۱۱ و ۱۰)، ۸۷-۱۱۸.
- خاشعی، وحید و میرحاجی، سید مہدی (۱۳۹۴). بازنمایی مدیران دولتی در فیلم‌های سینمایی پس از انقلاب اسلامی ایران. مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۱۶ (۳۲)، ۱۶۵-۱۹۶.
- دادرس، علی (۱۳۸۴). تاریخچہ سینمای کودک و نوجوان ایران. فصلنامہ سینمایی

فارابی، (۵۶)، ۱۵-۴۶.

دهقان، علیرضا (۱۳۷۸). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی، کاربرد یک الگوی جامعه‌شناختی. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، (۱۳)، ۳-۲۶.

دیرینگ، جیمز و اورت، راجرز (۱۳۸۵). مبانی برجسته‌سازی رسانه‌ها. ترجمه علی اصغرکیا و مهدی رشکیانی، تهران: سازمان معین ادارات.

راش، مایکل (۱۳۸۱). جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.

راودراد، اعظم (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی سینما و سینمای ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راودراد، اعظم و تمنایی، امیرحسین (۱۳۹۲). تحلیل رابطه سیاست‌های فرهنگی سینمایی ایران با فیلم‌های معرفی‌شده به‌عنوان نمایندگان سینمای ایران به آکادمی اسکار. نشریه تحقیقات فرهنگی ایران، (۲۱)، ۸۱-۱۰۴.

ربیعی، علی و احمدزاده نامور، فرناز (۱۳۸۷). نظریه بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها. نشریه دانش سیاسی، (۸)، ۳۷-۶۲.

روکر، پل. (۱۳۸۸). رژیم‌های غیردموکراتیک؛ نظریه‌های سیاست و حکومت. ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران: کویر.

رید، بلیک و هارولدسن، ادوین (۱۳۸۷). طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات. ترجمه مسعود اوحدی، تهران: سروش.

طالبی‌نژاد، احمد (۱۳۷۷). در حضور سینما: تاریخ تحلیلی سینمای پس از انقلاب. تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

گیویان، عبدالله و سروری زرگر، محمد (۱۳۸۸). بازنمایی ایران در سینمای هالیوود. تحقیقات فرهنگی ایران، (۴)۲، ۱۴۷-۱۷۸.

مستغاثی، سعید (۱۳۸۰). تحول ژانر در سینمای پس از انقلاب. فصلنامه فارابی، (۴۲) و (۴۳)، ۴۹-۹۰.

مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسینعلی نودری، تهران: فرهنگ گفتمان.

منتظر قائم، مهدی و یادگاری، محمدحسن (۱۳۹۴). مطالعه بازنمایی حجاب، پوشش و آرایش هنرپیشگان زن در پوسترهای فیلم‌های سینمای ایران و مطابقت آن با

سیاست‌گذاری فرهنگی سه دولت (سازندگی، اصلاحات و اصولگرا) به روش رهیافت گفتمانی استورات هال. دین و ارتباطات. ۲۲(۲)، ۱۵۷-۱۹۳.
 مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.

میرحاجی، سیدمهدی (۱۳۹۵). بررسی نشانه‌شناسانه ارتباط میان بازنمایی مدیران دولتی در سینما و گفتمان مدیریتی حاکم بر کشور در دوره ساخت فیلم. فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی، ۵(۱)، ۴۹-۶۶.

Calvert, Ben & Levis, Neil (2002). *Television Studies: the key concepts*. Routledge.

Chandler, D. (2003). *Media Representation*. Elsevier.

Foucault, M. (1978). Politics and the Study of Discourse. *Ideology and Consciousness*, (3), 157-193.

Johannes, Pause (2019). Capturing Backstage. Representations of Democracy in Hollywood Cinema. *Frames Cinema Journal*, (15).

Park, J. (2003). Contrasts in the Coverage of Korea and Japan by US Television networks A Frame Analysis: A Frame Analysis. *The International Gazette*, 65(2), 145-164.

Webb, Jen. (2009). *Understanding Representation*. London: Sage Publication.

References

Aghagolzade, F. & Kheirabady, R. (1393). News linguistics. Tehran: Elmi. (In Persian)

Aghagolzadeh, F. (2014). Critical discourse analysis: development of discourse analysis in linguistics. Tehran: Scientific and Cultural. (In Persian)

Barker, Ch. (1999). Cultural studies, theory and practice. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. (In Persian)

Bashir, H. & Hatami, H. (2009). A comparative study of electoral approaches: analysis of the discourse of the editorials of the Islamic Republic and Kahan about the second stage of the 8th Majlis elections (from March 25, 1986 to May 6, 1987). *Communication Research*, 16(57), 93-114. (In Persian)

Bashir, H. (2012). Foreign media: a reading with discourse analysis, collection of discourse analysis of world media(vol1). Tehran: Simaya Sharq. (In Persian)

Bashir, H. (2012). Foreign media: a reading with discourse analysis, collection of discourse analysis of world media (vol2). Tehran: Simaya Sharq. (In Persian)

Bashir, H. (2020). Operational method of discourse analysis. Tehran: Soroush. (In Persian)

- Bashiriyah, H. (2010). Political sociology: the role of social forces in political life. Tehran: Ney. (In Persian)
- Calvert & Levis. (2002). Television Studies: the key concepts. Routledge.
- Chandler, D. (2003). Media Representation. Elsevier.
- Dadras, A. (2005). History of Iranian children's cinema. Farabi, (56), 15-46. (In Persian)
- Dehghan, A. (1999). Investigating the impact of the media on public opinion using a sociological model. Journal of Social Sciences, 13(13), 3-26. (In Persian)
- Diring, J. & Oret, R. (2006). Basics of media highlighting, Translated by Ali Asghar Kia, Mehdi Rashkiani. Tehran: Ministry of Administration. (In Persian)
- Fairclough, N. (2000). Critical discourse analysis. Tehran: Media Studies and Research Center. (In Persian)
- Foucault, M. (1978). Politics and the Study of Discourse. Ideology and Consciousness, (3), 157-193.
- Givian, A. & Sarvi Zargar, M. (2009). Representation of Iran in Hollywood cinema. Iranian Cultural Research Quarterly, 2(4), 147-177.
- Jamshidi, E. (2015). Representation of elections in Iranian cinema (1359-1394). spring and summer election studies, 4(10,11), 87-118. (In Persian)
- Johannes, Pause (2019). Capturing Backstage. Representations of Democracy in Hollywood Cinema. Frames Cinema Journal, (15).
- Khashai, V. & Mirhaji, Mehdi (2014). Representation of government managers in movies after the Islamic revolution of Iran. Quarterly Journal of Culture and Communication Studies, 16(32), 165-196. (In Persian)
- Mahdizadeh, Seyyed Mohammad (2007). Media and representation. Tehran: Media Studies and Planning Office. (In Persian)
- McDonnell, D. (2001). An introduction to discourse theories, translated by Hossein Ali Nowzari. Tehran: Farhang Gofman. (In Persian)
- Michael, R. (2002). Society and politics: an introduction to political sociology, translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Samt. (In Persian)
- Mirhaji, M. (2015). A semiotic study of the relationship between the representation of government managers in cinema and the management discourse ruling the country during the filmmaking period. Management of Government Organizations, 5(1), 49-66. (In Persian)
- Montazerqaem, M. & Yadgari, M. (2014). Studying the representation of hijab, clothing and make-up of female actresses in the posters of Iranian cinema and its compatibility with the cultural policy of three governments (constructionist, reformist and fundamentalist): using Stewart Hall's discursive approach. Religion and Communication, 22(2), 157-193. (In Persian)
- Mostaghathi, S. (2001). Genre evolution in post-revolutionary cinema. Farabi, (42-43), 49-89. (In Persian)


- Park, J. (2003). Contrasts in the Coverage of Korea and Japan by US Television networks A Frame Analysis: A Frame Analysis. *The International Gazette*, 65(2), 145-164.
- Rabiei, A. & Ahmadzadeh Namour, F. (2008). Theory of media representation and analysis of mutual public opinion of Americans and Iranians. *Political Science*, (8), 37-62. (In Persian)
- Ravadrad, A. & Tamannaee, A. (2013). Analysis of the relationship between Iran's cultural-cinematic policies and the films nominated as representatives of Iranian cinema to the Oscar Academy. *Iranian Cultural Research*, (21), 81-104. (in Persian)
- Ravadrad, A. (2020). *Sociology of cinema and Iranian cinema*. Tehran: University of Tehran Publishing. (In Persian)
- Reed, Blake & Haroldson, Edwin (2007). *Classification of concepts in communication*. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Rooker, P. (2009). *Non-democratic regimes: theories, politics and governance*, translated by Alireza Samii Isfahani. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Story, John (2006). *Cultural studies about popular culture*, translated by Hossein Payandeh. Tehran: Agh. (In Persian)
- Tajik, M. (2005). *Discourse, counter-discourse and politics*. Tehran: Human Sciences Research and Development Institute. (In Persian)
- Talebinejad, A. (1998). *In the presence of cinema: Analytical history of post-revolutionary cinema*. Tehran: Farabi Cinema Foundation. (In Persian)
- Tanhaee, H. (2011). *An introduction to the schools and theories of sociology*. Tehran: Bahman Barna. (In Persian)
- Webb, Jen. (2009). *Understanding Representation*. London: Sage Publication.

بررسی جامعه‌شناختی حکمرانی مسجد محور به‌عنوان کلید توسعه: راهبردها و پیامدها (مطالعه موردی: شهر آمل)^۱

صادق صالحی

استاد گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
(نویسنده مسئول).


S.saleh@umz.ac.ir

 0000-0003-2108-2132

حسین شریف‌پور

استادیار مدیریت پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.


Ali_2124@yahoo.com

 0009-0004-8396-061X

لیلا بنیاد

پژوهشگر پسادکترای جامعه‌شناسی محیط زیست، گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.


l.bonyad@umail.umz.ac.ir

 0000-0001-6895-4247

مهربان پارسامهر

دانشیار گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.


parsamehr@umz.ac.ir

 0000-0002-9611-9190

اسماعیل شیرعلی

دانشیار گروه مردم‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.


esmaeil.shirali@gmail.com

 0000-0003-3795-7108

احمد رضایی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

arezaei@umz.ac.ir

 0000-0003-4696-5900

۱. پژوهش حاضر بخشی از یک طرح پژوهشی با عنوان «تبیین نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی به‌عنوان حلقه‌های میانی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری به‌عنوان کلید توسعه استان (با پایلوت شهرستان آمل)»، فی‌مابین دانشگاه مازندران و استانداری مازندران می‌باشد و مجری طرح اینجانب صادق صالحی بوده‌ام.

این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز به شرح زیر:

چکیده

پژوهش حاضر در راستای تحقق سیاست‌گذاری‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با هدف مطالعه و بررسی تجربی - تحلیلی جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در حل مسائل اجتماعی - فرهنگی شهر آمل، انجام شده است. با توجه به اهداف و سؤال‌های پژوهشگران این پژوهش با رویکرد کیفی، روش داده‌بنیاد و روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شد. جامعه آماری ۲۹ نفر از کنشگران و مصاحبه‌شوندگان فعال محلات در بخش‌های مختلف شهر آمل بودند که به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. تحلیل یافته‌ها نشان داد حکمرانی که با واسطه حلقه‌های میانی در بهبود و انتظام به نظام حکمرانی شهری آمل تأثیرگذار بوده، «حکمرانی مسجدمحور» است. این نوع حکمرانی نمونه‌ای از حکمرانی در تمدن نوین اسلامی است که با حفظ کارکردهای انسان نوین نقش مهمی در توسعه شهری ایفا می‌کند. منظور از حکمرانی مسجدمحور آن است که همواره مسجد به‌عنوان یک سیستم اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و مذهبی واسط بین دولت و مردم باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش راهبردهای ارتقاء حکمرانی شهری در آمل در قالب مقولاتی مورد بررسی قرار گرفت که دارای پیامدهایی چون: مسجد احیاء‌کننده اعتماد مردم به حکمرانان، ایجاد اتاق شیشه‌ای به‌منظور شفافیت‌سازی و جلوگیری از انفعال مسجد به معنای مکانی صرفاً مذهبی، می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حلقه‌های میانی، نظام حکمرانی شهری، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. حکمرانی مسجدمحور، آمل.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه شهرهای کشورهای در حال توسعه و نظام مدیریت شهری در این کشورها با مسائل و چالش‌های متعددی از جمله کمبود خدمات، کمبود بهداشت، افزایش بی‌رویه جمعیت، حاشیه‌نشینی، عدم مشارکت شهروندان در امور شهری، ضعف فرهنگ شهری، فقر، بد مسکنی، آلودگی هوا، ناامنی، بی‌عدالتی یا توزیع نابرابر امکانات در مناطق شهری و غیره روبه‌رو هستند. این در حالی است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی، فناوری‌های نوین و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، ص. ۴۸). از سوی دیگر، به‌دنبال تحولات گسترده جهانی، دگرگونی‌هایی در ساختار و کارکرد شهرها رخ داده است که تحلیل آنها را برای مدیریت شهری، دشوار می‌سازد. در نظام مدیریت شهری نوین برای رفع مشکلات و چالش‌های زندگی شهری، الگوهای متعددی ارائه شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمرانی خوب شهری است (زیاری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۷۰). بررسی سیاست‌های بالادستی در حوزه مدیریت شهری نشان می‌دهد که در نبود مشارکت و نظارت مردمی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری گرفتار در دیوان‌سالاری‌های عظیم و رانت‌جویی‌های سازمان‌های عمومی، در مقابله با شرایط شهرنشینی وابسته شکست خورده‌اند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۲)؛ بنابراین آنچه که می‌تواند سیاست‌های توسعه شهری را در راستای نیازهای شهر قرار دهد وجود حلقه‌های واسط میان سیاست‌گذاری‌های دولت و نیازهای واقعی مردم در شهر می‌باشد. این حلقه‌های میانی و واسط بین حاکمیت سیاسی و جامعه هستند که از یک‌سو حضور مصاحبه‌شوندگان، متخصصان و کارشناسان را در فرایند سیاست‌گذاری امکان‌پذیر ساخته و از سوی دیگر با مشارکت همه ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری سبب می‌شوند تا جهت‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌ها از خیر و منفعت عمومی به‌سوی منافع گروه‌های خاص و صاحب نفوذ منحرف نشود.

باوجود آنکه حلقه‌های میانی به‌عنوان یک اصطلاح در رشته‌های مختلف مرسوم بوده؛ اما از این رویکرد که این اصطلاح در کنار نهادهای مدنی و سمن‌ها به‌عنوان یک حلقه واسط به‌منظور ایجاد حرکت خودجوش و عملیاتی و با هدف شکل‌گیری تمدن‌سازی اسلامی ظهور کند، اول بار در گفتمان رهبری مورد توجه قرار گرفت. واژه حلقه میانی از ابداعات مقام معظم رهبری است که در تاریخ اول خرداد

۱۳۹۸ معرفی شده است. ایشان در دیدار جمعی از فعالان گروه‌های جهادی بحث حلقه‌های میانی را بیان نمودند. ایشان در این دیدار به ترسیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته و خاطرنشان کردند که جامعه نیازمند یک حرکت عمومی به‌سوی گام دوم انقلاب اسلامی است و جوان‌های متعهد را محور این حرکت معرفی می‌نماید (محمدزاده بنی‌طرفی، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۰). آمل از دیرباز جایگاه بسیار مهمی از حیث شکل‌گیری و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد داشته است. در حال حاضر، آمل دارای بیش از ۲۷ سازمان مردم‌نهاد می‌باشد و از نظر موضوع فعالیت سمن‌ها داری تنوع می‌باشد که از جمله موضوع فعالیت‌های آنها عبارت است از: خیریه، محیط زیستی، حوزه اجتماعی، حقوق شهروندی و... علاوه بر این، آمل از لحاظ رتبه‌بندی خیریه‌ها در سطح کشور و استان اول می‌باشد (مصاحبه با خانم سهرابی، معاون سازمان‌های مردم‌نهاد، اداره کل امور اجتماعی استانداری مازندران، ۱۴۰۱).

۱. اهداف و سؤال‌های پژوهش

با توجه به اهمیت نقش و اهمیت سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی در شکل‌گیری و بهبود نظام حکمرانی شهری، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤال‌های اساسی ذیل می‌باشد:

- ۱- نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهر آمل چیست؟
- ۲- پیامدها و عواقب شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی به‌عنوان حلقه‌های میانی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری کدامند؟
- ۳- راهکارهای اساسی برای ارتقاء نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی به‌عنوان حلقه‌های میانی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری به‌عنوان کلید توسعه استان کدامند؟

۲. پیشینه پژوهش

موضوع حکمرانی خوب شهری نیازمند تعامل سه‌گانه دولت، نهادهای مدنی و مردم می‌باشد؛ بنابراین نقش حلقه‌های واسطه چه به‌صورت کنشگران مردمی و سازمان‌های مدنی و چه به‌صورت گروه‌های خودجوش که از آنها تحت عنوان حلقه‌های میانی یاد می‌شود، غیرقابل‌انکار است. از آنجاکه کمتر پژوهشی مشابه پژوهش حاضر به کنکاش پیرامون نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی با محوریت مسجد به‌عنوان

یک مکان مذهبی پرداخته است، در این بخش به بررسی پژوهش‌هایی که تا حدودی مرتبط با موضوع بوده است، پرداخته می‌شود.

جدول (۱): خلاصه‌ای از پژوهش‌هایی انجام‌شده پیرامون موضوع تحقیق

موضوع	نام نویسندگان و سال	روش	یافته‌های پژوهش
فرنامه‌های ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس حلقه‌های میانی پیشروی جمهوری اسلامی ایران	اخوان نیلچی و همکاران (۱۴۰۳)	فرنامه‌سازی از طریق روش مصاحبه	یافته‌های حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها نشان داد فرنامه مطلوب جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت سازی‌های جدید برای بهره‌گیری از توان مردمی بر محور جریان حلقه‌های میانی و تحقق همه‌جانبه مردم‌سالاری می‌باشد. برای تحقق این فرنامه، در کنار افزایش به رسمیت شناختن و اختیار دادن به گروه‌های مردمی تمرکز بر افزایش اعتماد مردم به دولت با نقش‌آفرینی مؤثر و همه‌جانبه حلقه‌های میانی برای فتح قله در جمهوری اسلامی امری ضروری می‌باشد.
تحول‌خواهی آموزش و پرورش در بستر مسجد؛ ارائه الگوی مدارس مسجدمحور براساس راهبرد پژوهش داده‌بنیاد	حدادی پیشه و همکاران (۱۴۰۲)	پژوهش کیفی و روش مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته	یافته‌های پژوهش حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که مقوله «مدرسه مسجدمحور» به‌عنوان مقوله هسته تحول‌خواهی آموزش و پرورش

موضوع	نام نویسندگان و سال	روش	یافته‌های پژوهش
<p>ارائه مدل مردمی ارزیابی عملکرد کارکنان با تأکید بر حلقه‌های میانی گام دوم انقلاب رویکرد داده‌بنیاد</p>	<p>ویس مرادی و همکاران (۱۴۰۲)</p>	<p>پژوهش کیفی و روش یک مصاحبه نیمه ساخت یافته</p>	<p>یافته‌های پژوهش در قالب مدل الگوواره‌ای مدل مردمی ارزیابی عملکرد کارکنان به عنوان مقوله محوری (مردمی شدن، اهمیت به نظر مردم، مشارکت مردم)، شرایط علی (مهارت‌های شغلی اثربخش)، عوامل زمینه‌ای (مهارت‌های شغلی، عوامل جمعیت‌شناختی، رضایت شغلی)، شرایط مداخله‌گر (عدم صلاحیت‌مداری، روش‌های نادرست ارزیابی و ناامیدی در خصوص اثرگذاری ارزیابی)، راهبردهای تعاملی (ترفیع کارکنان بر اساس مهارت تحقق اهداف سازمان) و پیامدها (رفع ضعف‌های کارکنان، استفاده از کارکنان توانمند) طراحی شده است.</p>
<p>جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی</p>	<p>محمدزاده بنی طرفی (۱۴۰۱)</p>	<p>توصیفی - کتابخانه‌ای</p>	<p>یافته‌های این پژوهش نشان دادند که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جنگ روایت‌ها راهبرد جهاد تبیین را برگزیدند و از سوی دیگر، ایشان با آرایه بیانیه گام دوم، هدف پیش روی انقلاب اسلامی را مشخص نموده و جوانان را مخاطب قرار داده‌اند. از این رو، مسئولیت اصلی این جهاد در مسیر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده حلقه‌های میانی است که در ارتباط با بدنه جامعه از یک سو و مسئولان نظام اسلامی از سوی دیگر هستند؛ لذا ضرورت دارد که نقش حلقه‌های میانی در جهاد تبیین با هدف تحقق بیانیه گام دوم مشخص گردد.</p>

موضوع	نام نویسندگان و سال	روش	یافته‌های پژوهش
تحلیل الگوی مدیریت فرهنگی مؤسسات مسجدمحور (مطالعه موردی کانون فرهنگی تبیان)	خان محمدی و رنجبری (۱۴۰۱)	تحلیل مضمون و روش مصاحبه	نتایج به دست آمده از پژوهش از قبیل: هدایت‌گری مبتنی بر «تواضع و پروا پیشگی»، «مشورت‌محوری»، «برنامه‌ریزی طرح‌محور»، «ارتباطات افقی»، «بودجه‌بندی اقتضایی»، «مسئولیت‌سپاری» و کارگزینی مبتنی بر «روابط عاطفی ناصحانه» نشان می‌دهد که می‌توان از این الگوی مدیریتی برای فعال‌سازی کانون‌های فرهنگی مسجدمحور استفاده کرد.
واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت امام جماعت در نظام فرهنگی مسجدمحور	خیرآبادی و همکاران (۱۳۹۸)	تحلیل مضمون و مصاحبه	یافته‌های پژوهش مضامین فراگیر استخراج شده شامل ضرورت حضور امام، نقش امام، نگرش امام، وظایف امام و موانع ایفایشان توسط امام خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان داد در صورت ایفای نقش و موفقیت امام جماعت در مسجد می‌توان امیدوار بود کارکردهای مسجد احیا شده و مسجد بتواند نقش محوری خود در نظام فرهنگی را به‌خوبی ایفا نماید.

بررسی پژوهش‌های مرتبط با حکمرانی مسجدمحور و استفاده از حلقه‌های میانی به‌عنوان حلقه‌های واسط در گفتمان‌های علمی و دانشگاهی نشان داد که پژوهش‌های پیرامون حلقه‌های میانی از دیدگاه نظریه‌پردازان با رویکردهای متنوعی بررسی شده است. به لحاظ محتوایی پژوهش‌ها عمدتاً پیرامون مدارس، ادبیات حلقه‌های میانی در سخنان رهبری، ارائه الگوهای فرهنگی، ارزیابی عملکرد کارکنان تأکید شده و کمتر پژوهشی به نقش حلقه‌های میانی در توسعه و ارتقاء حکمرانی خوب شهری پرداخته است و بدین سبب پژوهش حاضر در نوع خود توانسته است ادبیات جدیدی را در ارتباط بین مسجد به‌عنوان یک مکان مذهبی با شیوه‌های از حکمرانی شهری که همان حکمرانی مسجدمحور برقرار کند.

۳. مبانی نظری

۳-۱. ملاحظه‌های نظری پژوهش

۳-۱-۱. حکمرانی و حکمرانی خوب شهری

مفهوم حکومت قبل از ۱۹۹۰ تحت عنوان یک فرایند در نظر گرفته می‌شد و پس از آن تاریخ، تحت عنوان یک نهاد (مجموعه‌ای از نهادها)، یکی از بازیگران اجتماعی در کنار دیگر بازیگران و یا بخشی از جامعه در کنار بخش‌هایی چون بخش خصوصی و نهادهای مدنی تعریف شده است (گرچی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۹). هیچ نظریه جامعی وجود ندارد که توضیح دهد حکمرانی چیست. تفسیرهای مختلفی از آنچه «حکمرانی» به آن اشاره دارد، مطابق با بسترها و ایدئولوژی‌های سیاسی سیاست‌گذاران وجود دارد (Hydén & et al., 2004)؛ بنابراین ما هنوز فاقد یک چهارچوب تحلیلی جهانی هستیم که در آن حکمرانی بتواند مورد ارزیابی قرار گیرد؛ اما به‌طور سنتی، حکمرانی با آنچه دولت‌ها با دستگاه‌های دولتی (دیوان‌سالاری) انجام می‌دهند برابر است (Healey, 1997). بدین ترتیب، حکمرانی، مفهومی است که شامل کنشگران (فعالان) متقابلاً متضاد؛ متشکل از دستگاه دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری مشورتی می‌باشند (Cars & et al., 2002). واژه حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در زمینه سیاست‌گذاری و هم در حوزه اجرا دارد (بدیسار و احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۸۸). درواقع حکمرانی به دلیل عدم اعتماد به دولت شکل گرفته است، چراکه بسیاری از مردم از توانایی دولت برای رفع مشکل مردم ناامید شده‌اند و این امر موجب تجدیدنظر در نظریه‌های سنتی مدیریت دولتی گشته است؛ بنابراین مدیریت دولتی که در گذشته به‌عنوان ابزاری قوی برای حل مشکلات اجتماعی فرض می‌شد، با بحران هویت مواجهه شده است (هاکیو، ۱۹۹۶، به نقل از الوانی و ثانی، ۱۳۹۶، ص. ۲). نظریه حکمرانی خوب، تعامل فعال و کارآمد بین دولت و شهروندان است و مهم‌ترین موفقیت آن به‌دست قدرتهای مشارکت‌کننده در مدیریت سیاسی است (Keping, 2018, p. 6). حکمرانی خوب به‌وضوح به‌عنوان یک مسئله مدیریتی و مدیریت عمومی مطرح است. با این تفکر، مفهوم حکمرانی از ذیل مفهوم سیاسی آن جدا می‌شود و در یک جایگاه غیرسیاسی تحت شرایط نهادی، قانونی و رسمی قرار می‌گیرد. موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده که بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان، تأکید می‌شود. در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی دولت، مردم، جامعه مدنی و

بخش خصوصی در انجام فعالیت‌ها وجود دارد (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲، صص. ۹۵-۹۶). حکمرانی نظریه‌ای است که می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند آموزش و پرورش، نفت، معماری، اقتصاد و سیاست به کار گرفته شود. حکمرانی شهری در صدد جستجوی نقش نهادهای سیاسی محلی در تسهیل حکمرانی است و بر ویژگی‌های سه‌گانه حکمرانی متمرکز است:

۱- محدودیت‌های سیاسی و نهادی به شهرها تحمیل شده است و شهرها با استقلال محدود درباره سطوح بالاتر حکومت روبه‌رو هستند. این نشان می‌دهد حکمرانی شهری به گفتگو با سطوح نهادی بالاتر برای استخراج منابع مالی یا کسب استقلال کارآمد در بعضی موضوعات خاص تمایل دارد.

۲- تسلط سرمایه خصوصی و منابع اشتراکی برای رهبری اشتراکی ایجاد می‌کنند. این‌گونه اقدامات سبب تقویت ظرفیت مدیریت شهر می‌شود.

۳- رابطه بین شهر و جامعه مدنی: سطح محلی دربرگیرنده اجتماع تجاری محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و کثرت انجمن و کثرت انجمن‌های اجتماع محلی (Torfing & et al., 2012؛ قاسمی و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۱۱۷-۱۴۱).

از بین شاخص‌های متعدد حکمرانی خوب شهری، در پژوهش حاضر، پنج شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی، شفافیت، قانون‌مداری، اثربخشی، کارایی و مشارکت برای سنجش حکمرانی خوب شهری استفاده شده‌اند. حق اظهارنظر و پاسخگویی بدین معناست که مردم بتوانند دولت و یا مدیریت شهری را در برابر آنچه که بر مردم تأثیر می‌گذارد مورد سؤال و بازخواست قرار دهند (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۷، صص. ۳).

جدول (۲): شاخص‌های حکمرانی خوب شهری

صاحب‌نظر / سازمان بین‌المللی	ابعاد حکمرانی خوب
Word Bank, 2000	پاسخگویی، مشارکت، شفافیت، کارایی و مسئولیت‌پذیری
UN. Secretariat, 2006	پاسخگویی، مشارکت، کارایی، شفافیت، عدالت، حاکمیت قانون، مسئولیت‌پذیری و اجماع‌پذیری
Roberts & et al., 2007	شفافیت، عدالت، کارایی، پاسخگویی و مدیریت منابع
Srivastava, 2009	مشارکت، کارایی، انصاف و شمولیت، قانون‌مداری، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و توافق
Epstein & Gang, 2009	پاسخگویی، کنترل فساد، اثربخشی دولت، قانون‌مداری،

صاحب نظر / سازمان بین‌المللی	ابعاد حکمرانی خوب
	آزادی‌های فردی و حقوق سیاسی
Elahi, 2009	تساوی در برابر قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، کارایی، رضایت‌مندی و توافق
Lockwood, 2010	مشارکت، قانون‌مداری، شفافیت، عدالت، کارایی، انعطاف‌پذیری، ثبات و رضایت‌مندی

منبع: (بابائی مراد، ۱۴۰۱، ص. ۲۲۹)

منظور از قانون‌مداری، مراعات چهارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دوربودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها است (آدینه‌وند و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۴۷). منظور از مشارکت، قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است (ابراهیم‌زاده و اسدیان، ۱۳۹۲، ص. ۲۱). شفافیت به مفهوم پیروی تصمیم‌های گرفته‌شده از مقررات و قوانین و بدین مفهوم است که اطلاعات آزادانه در اختیار کسانی قرار گیرد که از این دسترس و مستقیماً تصمیمات و اجرای آن تأثیر می‌پذیرند. همچنین شفافیت یعنی اطلاعات کافی که به شکلی قابل فهم فراهم شده باشد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، ص. ۵۳). کارایی و اثربخشی به این معناست که فرایندها و مؤسساتی تأمین‌کننده نیازهای مردم‌اند که باید بهترین استفاده را از منابع در اختیار خود ببرند. مفهوم اثربخشی در حکمرانی خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی است و حفظ محیط زیست را دربرمی‌گیرد (زهیری، ۱۳۹۳، ص. ۹۷).

۲-۳. تعریف مفاهیم

۱-۲-۳. حلقه‌های میانی: تعاریف و کارکردها

با ظهور انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی و انقلابی، جمهوری اسلامی نه تنها بر خلاف القائات امپراتوری رسانه‌ای غرب با مردم‌سالاری مخالف نبود بلکه خود پرچمدار نوع نوینی از مردم‌سالاری است؛ البته نه از جنس لیبرال دموکراسی غربی که نقش و جایگاه مردم در آن تشریفاتی و ویتیرینی است بلکه در این نوع مردم‌سالاری که مبتنی بر نگرش دینی و توحیدی دارد و بر همین مبنا و الگوواره، مردم ستون خیمه انقلاب و نظام هستند، فاعل و اقامه‌کننده قسط و عدالت‌اند و این مردم‌اند که باید انتخاب کنند چه مسیری را برای رشد و تعالی خود برمی‌گزینند.

این تفاوت جوهری مردم‌سالاری اسلامی با غربی است. واقعیت این است که در سال‌های آغازین انقلاب، متن و توده‌های مردم چون در کوران انقلاب پرحرارت بودند حضور مؤثرتر و فراگیرتری داشتند و هر جا که مردم می‌آیند مانع‌زدایی‌ها و پیشروی‌ها بیشتر اتفاق می‌افتند؛ اما به مرور سایه سنگین ساختارگرایی‌ها و ساختارسازی‌های دیوان‌سالارانه حجاب‌ها و موانعی در مسیر ایجاد کرد. علاوه‌برآن، گروه‌های فکری و پیش‌زمینه‌های معیوب نظری که ناشی از درک ناقص پدیده با عظمت انقلاب بود، مزید بر علت شد و پس از انقلاب، آرام‌آرام نقش‌ها و فعالیت‌های خودجوش مردم به محاق رفت و در پیچ‌وخم نهادسازی و ساختارسازی، تحرک و جوشش‌های نظام‌مند و هوشمندانه مردمی که ریشه در تعهد ایمانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشت، کم‌رونق شد. شاید عدم تعبیه سازوکارهای درستی که این مردم‌محوری را تداوم دهد و تضمین بخشد، بزرگ‌ترین عامل این وضعیت و خلق دوگانه‌های کاذبی چون دوگانه مردم / حاکمیت، نظم ساختاری / فعالیت انقلابی و غیره شد، درحالی‌که در نظریه انقلابی که در بیانیه گام دوم به آن اشاره شد، این تناقض بزرگ تبدیل به یک جمع سالم و ذاتی شده است و آن تناقض، جمع بین نظم اجتماعی، سیاسی و جوشش انقلابی است. در این نظریه، فعالیت‌ها و کنش‌های خودجوش مردمی در قالب تشکیلات ایمانی اعمال می‌شود و حاکمیت هم که یک نظم مستقر دارد در قبال این حرکت‌ها ایفای نقش تکمیل‌کنندگی، تسهیل‌گری و جهت‌دهی می‌کند؛ البته این مهم مستلزم اصلاح برخی سازوکارهای دیوان‌سالارانه و نیز تمرکززدایی از حاکمیت است و باید برای حضور مردم از لحاظ قانونی ساختاری و حمایتی، اقدامات لازم ایجاد شود و پیوست مردمی و اجتماعی برای تمام موضوعات و اقدامات حاکمیتی در نظر گرفته شود. مسئله این است که چگونه می‌توان با حفظ نظام‌های اجتماعی و سیاسی و ساختارهای حاکمیتی در بستر انقلاب، ظرفیت‌ها و کنشگری‌های مردمی و انقلابی را توأمان در کنار هم استحصال و حفظ کرد؟ و آیا اساساً الگویی وجود دارد که از طرفی مانع ساختارگرایی افراطی و اسارت در چنبره دیوان‌سالاری شود و ظرفیت‌های مردم را استخراج و به‌کارگیری کرده و از طرفی دیگر مانع بی‌نظمی، بی‌قاعدگی، ساختارشکنی و هرج‌ومرج شود؟ آیا نظام حاکمیتی، قانونی و سیاست‌گذاری موجود می‌تواند ظرف تحقق این مهم باشد؟ (مجیدی، ۱۴۰۲، صص. ۳۰-۳۱).

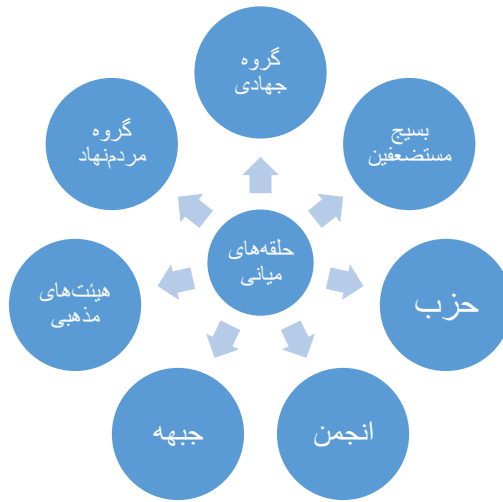
۲-۲-۲. چیستی حلقه میانی

تعبیر جریان‌های حلقه‌های میانی در سپهر سیاسی ایران تعبیری نو و بدیع است که همان‌طور که قبلاً مطرح شد، این مفهوم اولین بار توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۸ در دیدار با دانشجویان مطرح شده است. این مفهوم‌پردازی در پاسخ به سؤالی مطرح شده که لازمه روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی بوده و به‌عنوان یک راهکار عملی برای وارد کردن جوانان در عرصه مدیریت کشور طرح شده است. در واقع، طی یک فرایند و در یک بازه میان‌مدت بادی مبادرت به کادرسازی شود و این رسالت حلقه‌های میانی است. تشکل حلقه‌های میانی به‌عنوان مأموریت ویژه جوانان نقش بدیلی دارد در جهت تسریع در حرکت عمومی مردم که لازمه تمدن‌سازی اسلامی است (مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویی، ۱۳۹۸/۳/۱).

جوانان به‌مثابه مصاحبه‌شوندگان فکری می‌توانند مؤثرترین پیشران‌های یک جامعه باشند. چون جایگاه و استعدادها، فکری، معنوی و هنری ویژه‌ای دارند و خود نیز طیف گسترده‌ای از جمعیت هستند و از طرفی دیگر در بسط و تولید افکار و ایدئولوژی‌ها نقش برجسته‌ای دارند (سرخیل، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۳). بدین ترتیب و با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان حلقه‌های میانی را این‌گونه تعریف کرد: آن مجموعه‌هایی که واجد ذهن فعال و زبان گویا و دارای تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه، برای ایجاد حرکت برنامه عملیاتی و پیدا کردن و ارائه راهکار و همچنین، به‌عنوان هادی و پیشران ملت در حرکت عمومی به‌سمت تمدن‌سازی اسلامی ایفای نقش می‌کنند، حلقه‌های میانی نام دارند. این حلقه‌ها در واقع حد واسط بین ملت و حاکمیت هستند. لازم به ذکر است که این مفهوم در یک بافت معنایی به‌عنوان فرایند و مسیر به‌میدان‌آمدن جوانان و ایفای نقش پیشرانی ملت و بالتبع ورود به عرصه مدیریت کشور و تشکیل دولت جوان حزب‌اللهی مطرح شد. یعنی تشکیل این حلقه‌های میانی از استلزام‌های تشکل دولت جوان حزب‌اللهی است (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱).

۲-۲-۳. گونه‌شناسی حلقه‌های میانی

با توجه به خصوصیات ماهوی و ارکان مفهومی حلقه‌های میانی مخصوصاً حد واسط بودن میان مردم و حاکمیت، می‌توان تشکل‌های زیر را به‌عنوان بخشی از مصادیق جریان‌های حلقه‌های میانی دانست:



منبع: (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱)

شکل (۱): مصادیق حلقه میانی

حزب^۱: حزب و حزب‌الله به معنای عام در قرآن کریم آمده است و تمامی مسلمانان متهد در این دایره قرار می‌گیرند؛ اما در استعمال خاص و اصلاحی عبارت است از: گروهی از افراد همفکر و منسجمی که برای خود و توده‌های مردم کانال‌کشی می‌کنند و به آن‌ها جهت‌دهی فکری و سیاسی می‌کنند. در سازوکارهای مشخص که نتیجه قهری این فرایند پذیرش و اقبال اجتماعی است که موجب تصاحب قدرت سیاسی و مقبولیت عمومی خواهد شد. براین اساس، حزب دارای چهار رکن است:

۱- سازمان‌های مرکزی و رهبری‌کننده و پایدار و ماندنی؛

۲- سازمان‌های محلی پایدار مرتبط با سازمان‌های مرکزی حزب؛

۳- دارای آرمان و اصول و منافع مشترک؛

۴- مردم‌بنیان بودن.

به‌طور کلی یک حزب می‌تواند دارای حوزه، واحد، بخش، کمیته، کمیته مرکزی و کنگره باشد (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸).

انجمن، جمعیت^۲: بیشتر به گروه‌های رسمی گفته می‌شود و شامل تشکلی از اشخاص حقیقی یا حقوقی است که برای پیگیری هدف‌های مشترک گرد هم می‌آیند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۷۰۳). تفاوت انجمن با حزب را

1. Party
2. Union

می‌توان در گستره و عمومیت آن دانست، به این معنا که سازمان‌های محلی که به‌عنوان شعب آن هستند به گسترده‌گی حزب وجود ندارد.

جبهه^۱: سازمانی که نمایندگان سیاسی طبقات و اقشار مردمی برای تبدیل به یک هدف مشترک در آن متحد می‌شوند و به‌خاطر منافع مشترکی که در برنامه جبهه منعکس می‌شود، مبارزه می‌کنند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸). جبهه در واقع تجمع چندین حزب و تشکل مردمی است که به‌صورت موقت یا دائم با هم همراه می‌شوند.

هیئت‌های مذهبی: تشکلی است خودجوش و مردمی و از اختصاصات جامعه شیعی که بر پایه محبت و مودت اهل بیت (علیهم‌السلام) شکل می‌گیرد و در جهت اقامه و احیای شعائر اهل بیت (علیهم‌السلام) تلاش و مجاهدت می‌کنند. یکی از کارکردهای عام هیئت‌های مذهبی تمرین و ممارست برای انجام کارهای گروهی و جمعی است. هیئت‌ها می‌توانند بستری برای شروع اعتراض‌ها و انقلاب‌های اجتماعی باشند؛ مانند نقش آنها در وقوع انقلاب اسلامی ایران و حوادثی مانند حادثه ۹ دی ماه سال ۱۳۸۸ (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۳۸).

گروه جهادی: هرگونه فعالیت جمعی که با هدف‌گیری والا و سخت‌کوشی و مبارزه با موانع در جهت پیشرفت و سازندگی و خدمت به محرومان باشد، فعالیت جهادی است. این حرکت که عمدتاً از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی شروع شد و در دهه ۷۰ توسعه یافت و تا کنون در حال رشد کمی و کیفی است، یکی از مصادیق حلقه‌های میانی است (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، ص. ۳۹).

گروه مردم‌نهاد یا سمن^۲: که شامل انواع خیریه‌ها و گروه‌های مردمی می‌شود. ویژگی‌های تشکل‌های مردم‌نهاد بر اساس برآیند تعارف آن از دیدگاه سازمان‌ها و دانشمندان مختلف عبارت‌اند از:

- ۱- بُعد اقتصادی غیرانتفاعی بودن، توزیع غیرانتفاعی، خودگردان و معاف مالیاتی.
- ۲- بُعد سیاسی: عدم وابستگی به دولت، خصوصی بودن، خودگردانی و استقلال و غیرسیاسی بودن.
- ۳- بُعد اجتماعی: داوطلبانه بودن مدیریت مردم‌سالارانه و مشارکتی و سازمان‌یافتگی.
- ۴- بُعد حقوقی: برخورداری از شخصیت حقوقی (شیری و دلیری، ۱۴۰۰، ص. ۱۶۷).

1. Front

2. Non-governmental Organization(NGO)

بسیج مستضعفین: به‌عنوان یک روحیه و مکتبی که حاکی است از پیش‌قراولی و حضور در میدان‌های مورد نیاز انقلاب اسلامی که نه‌تنها در بُعد امنیتی و دفاعی منحصر نمی‌شود، در تمام میادین علمی، سازندگی، سیاسی و... امتداد و حضور می‌یابد. با توجه به فراگیر بودن و نظام عضوگیری آن و رویکرد آحادی آن از طرفی و ارتباط متقابل آن با حاکمیت، از طرف دیگر یک حد واسطی دارد که می‌توان این مقوله را هم از مصادیق حلقه‌های میانی دانست (مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویی، ۱۳۹۸/۳/۱) که البته منحصر در آن‌ها نیست. هرکدام از گونه‌ها و مصادیق حلقه‌های میانی می‌توانند این کارکردها را داشته باشند؛ البته به شرطی که مسئله‌محور و با رویکرد حل مسئله کار را پیش ببرند (مجیدی و سبزی کریم‌آبادی، ۱۴۰۱، صص. ۳۸-۴۰).

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با روش داده‌بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش گروه‌های از کنشگران فردی و سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است که ۲۹ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. بازه زمانی انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش در بهار ۱۴۰۳ بوده است، مدت زمان هر مصاحبه به دلیل بحث‌انگیز بودن مباحث مرتبط با موضوع مصاحبه گاهی تا ۸۰ دقیقه به طول می‌انجامید، مصاحبه تا زمانی که پاسخ‌ها تکرار می‌شد ادامه داشت؛ در واقع در این نوع پژوهش‌ها (پژوهش‌های کیفی)، حجم نمونه بر اساس اشباع نظری تعیین شد. به عبارت دیگر، مصاحبه‌ها آنقدر ادامه می‌یافت تا محققان به نقطه‌ای رسیدند که متقاعد شدند، مصاحبه با فرد جدید، اطلاعات بیشتری در اختیار تحقیق قرار نخواهد داد. مکان ثابتی برای انجام مصاحبه وجود نداشت. برخی مصاحبه‌ها در مکان حوزه علمیه آمل، برخی در دانشکده علوم قرآنی آمل یا دفاتر شورای شهر، انجام گرفته است. به منظور تحلیل یافته‌ها از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است و در نهایت مقوله هسته استخراج شد. مدل الگوارهای پژوهش، مدل اشتراوس و کوربین (۱۹۹۷) بوده که در قالب شش دسته مقوله هسته، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط میانجی / مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تقسیم‌بندی می‌شود. اشتراوس و کوربین بر دقت روشی کار، شفافیت فرایند مرحله‌مند کدگذاری و توزیع داده‌ها به خوشه‌های مقوله‌ای مشخص و قابلیت مقایسه بودن کار در قالب یک مدل الگوارهای تأکید دارند (فراستخواه، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۱). در

پژوهش حاضر محقق پس از اتمام فرایند کدگذاری، مصاحبه‌ها را به برخی از مصاحبه‌شوندگانی که مصاحبه با آن‌ها انجام شده بود؛ برگرداند و مجدداً مورد بازبینی قرار گرفت و نظرهای آن‌ها اعمال شد. در این تحقیق، ملاحظه‌های اخلاقی ایجاب می‌کرد تا با رعایت حقوق مؤلفان در تمام قسمت‌های تحقیق که از نوشته‌ای استفاده می‌گردید، نقل قول شده و یا ارجاع داده شود. همچنین با رضایت آگاهانه افراد آن‌ها را در موقعیت پاسخگویی قرار می‌دادیم. نهایتاً، در هر کجا که لازم بود تأنجایی که شرایط تحقیق اقتضاء می‌کند و در صورت نیاز پاسخگو، صادقانه اهداف تحقیق برای آنها شرح داده می‌شد.

جدول (۳): توصیف ویژگی‌ها مشارکت کنندگان در مصاحبه

جنسیت	سمت	سن	سطح تحصیلات
مرد	دبیر بازنشسته	۶۸	کارشناسی
مرد	رئیس اداره تبلیغات اسلامی آمل	۴۵	کارشناسی - حوزه
مرد	پاسدار	۳۷	کارشناسی
مرد	سردار بازنشسته	۶۶	دیپلم
مرد	سردار بازنشسته	۶۷	دیپلم
مرد	سردار بازنشسته	۶۷	دیپلم
مرد	کارمند بازنشسته	۶۰	کارشناسی
مرد	امام جماعت مسجد	۴۰	کارشناسی - حوزه
مرد	فعال کارآفرین	۳۹	سیکل
زن ^۱	مدیر مؤسسه زنان	۵۳	دکترا
مرد	نماینده طایفه	۷۲	کارشناسی
مرد	فعال محیط‌زیست	۵۵	کارشناسی
مرد	رئیس کانون رضوی بابلسر	۶۸	دیپلم
مرد	انجمن گردشگری پایدار مازندران	۶۰	دکترا
مرد	فرمانده سپاه	۴۰	دکترا
مرد	دبیر جبهه فرهنگی	۳۹	کارشناسی

۱. با توجه به بافت مذهبی شهر آمل زنان فعال در حوزه کنشگری مردمی یا سازمان‌های مردم‌نهاد عمدتاً به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت‌های گسترده‌ای دارند؛ اما کمتر از مردان به‌عنوان صاحب‌نظر حاضر به مصاحبه شدند.

جنسیت	سمت	سن	سطح تحصیلات
مرد	معاون فرهنگی سپاه	۴۲	کارشناسی
مرد	دستیار استاندار مازندران در امر مردمی‌سازی دولت	۴۷	کارشناسی
مرد	رئیس بسیج محلات	۵۶	دیپلم
مرد	کنشگر نهادهای مدنی	۴۹	کارشناسی
مرد	کنشگر نهادهای مدنی	۴۷	کارشناسی ارشد
مرد	استاد دانشگاه و صاحب‌نظر حوزه علوم سیاسی	۵۳	دکترا
مرد	استاد دانشگاه و صاحب‌نظر حوزه حکمرانی	۵۹	دکترا
مرد	استاد دانشگاه و صاحب‌نظر حوزه محیط زیست	۴۹	دکترا
مرد	استاد دانشگاه (حوزوی)	۴۵	دکترا
مرد	کنشگر محله‌محور	۳۵	دیپلم
مرد	مشاور مدرسه - کنشگر محله‌محور	۴۰	فوق دیپلم
مرد	کنشگر سازمانی در حوزه محیط زیست	۴۲	فوق دیپلم
مرد	استاد دانشگاه و صاحب‌نظر در حوزه حکمرانی	۵۸	دکترا

۵. یافته‌ها پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیشتر مصاحبه‌کنندگان تحصیلات کارشناسی (۱۱ نفر) اکثراً مرد (۲۸ نفر) و بیشترین بازه سنی مربوط به سنین (۶۹-۶۰) سال می‌باشد. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی در جدول شماره ۴ و ۵ نشان داده شده است. این یافته‌ها بیانگر تفسیر و برداشت گروه‌های مصاحبه‌کننده از موضوع نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در بهبود و انتظام‌بخشی نظام حکمرانی شهری، راهبردها و پیامدها (مورد مطالعه: شهر آمل) می‌باشد. در مرحله اول کلیه مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها با کدگذاری باز مقوله‌بندی شده است. در ادامه، در مرحله کدگذاری محوری مفاهیم مشابه و نزدیک به هم از نظر معنایی، بر اساس

پرسش‌های پژوهش در قالب مقوله‌های محوری طبقه‌بندی شده است. در این بخش سؤالات پژوهش به ترتیب پاسخ داده می‌شود:

۱- نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهر آمل چیست؟

یافته‌های حاصل از مصاحبه با کنشگران مردمی و صاحب‌نظران نشان داد که بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری در شهر آمل دارای ویژگی‌های خاصی است. درواقع پس از اتمام مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، مرحله کدگذاری گزینشی به استخراج یک مقوله هسته منجر شد، که عبارت است از: «حکمرانی مسجدمحور». درواقع می‌توان گفت حکمرانی که با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی باعث بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری در شهر آمل شده است، حکمرانی مسجدمحور است. حکمرانی مسجدمحور نمونه‌ای از حکمرانی در تمدن نوین اسلامی است که با حفظ کارکردهای انسان نوین نقش مهمی در توسعه شهری ایفا می‌کند. مسجد از گذشته‌های دور مأوا و پناه فعالیت‌های اجتماعی - اجتماعی و سیاسی مردم بوده است. در این پژوهش منظور از حکمرانی مسجدمحور آن است که همواره مسجد به‌عنوان یک سیستم اجتماعی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و مذهبی واسط بین دولت و مردم باشد. درواقع، نقش مسجد فراتر از سمن‌هاست، چراکه مسجد نقش حلقه میانی دارد که همواره هم عامل محور است و هم ساختارمحور؛ هم نقش خرد ایفا می‌کند و هم نقش کلان؛ هم وابسته است (به اصول اولیه و مبانی اسلامی) و هم مستقل.

جدول (۴): نمونه‌ای از گزاره‌ها، مفاهیم و مقولات مربوط به مقوله هسته (حکمرانی مسجدمحور)

مقوله هسته	مقوله	مفاهیم	گزاره
حکمرانی مسجدمحور	توجه ویژه تدوین به اسناد ملی مسجد توسط حکمرانان	توجه به بعد تاریخی مساجد	به نظر من مسجد یه تاریخ یه تاریخ چند هزارساله است.
			حتی یه تمدن مثلاً در همین آمل؛ بنابراین می‌تونه اصول، راهبردها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها را در حوزه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی نشان دهد.
			به نظر بنده بیشتر مساجد ما هویت دارند اونم یک هویت تاریخی که در گذر زمان به‌دست آوردند.

مقوله هسته	مقوله	مفاهیم	گزاره
		جامعه‌سازی حول محور نظام‌های ارزشی به‌عنوان کارکرد مسجد	<p>من جایگاه مسجد و نقش اون رو بالا می‌بینم به نظرم نقش مسجد تغییر نظام ارزشی باشه آقای دکتر....</p> <p>سیاست گذاری مسجد نیز می‌تواند نوعی جامعه‌سازی حول محوریت نظام‌های ارزشی تلقی شود.</p> <p>شاید بتوان یکی از خدماتی که مسجد ارائه می‌دهد رو جامعه‌سازی دانست که بعدها در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش داره.</p>
		تغییر فرایند سیاست‌گذاری از طریق مسجد	<p>به نظر ما به‌عنوان افرادی که کارهامون رو در درون ساختار مسجد با کمک مردم انجام می‌دیم این است که سیاست‌گذاری مسجد به حکمرانان محلات این اجازه را می‌دهد که بتوانند فرایند سیاست‌گذاری را از پایین به بالا و با توجه به ظرفیت‌های محلات مختلف انجام دهند.</p> <p>اگر ما یک بیانیه مدون برای مساجد محله‌مون داشته باشیم می‌تونیم مشارکت مردم محله رو طبق اون پیش ببریم.</p> <p>در مسجد تمام تصمیمات ما با گفتگو انجام میشه هیچ‌کدام دستوری نیست.</p>
	مسجد احیاء کننده اعتماد مردم به حکمرانان	مسجد احیاء کننده توان انقلابی و کار جهادی	<p>من اعتقاد دارم نماز جماعت و جلسات پس از نماز با امام جماعت به‌عنوان حکمران اصلی هر محله می‌تواند به مردم این اطمینان را بدهد که تمامی مشکلات قابلیت حل شدن را دارند و مسئولین نیز توان خود را در این زمینه به کار خواهند گرفت.</p> <p>اصل کارهای جهادی اگه به زمانی تو میدون جنگ بود الان تو کارهای فرهنگیه.</p> <p>مسجد به کمک هویت دینی و تاریخی که داره میتونه واقعاً تحول آفرین باشه.</p>

مقوله هسته	مقوله	مفاهیم	گزاره
حکمرانی مسجد محور		نقش جمع‌گرا بودن مسجد در شکل‌دادن به کارهای گروهی	به نظر من به‌عنوان یک انسانی که همیشه به مسجد رفت‌وآمد دارم اینه که جمع‌گرایی که در مسجد وجود دارد باعث دوری از فردیت شده و انسان را به‌سمت کارهای مشارکت محورانه و کار گروهی خواهد برد.
			خود مسجد فضا را برای گفتگو پیرامون کارها فراهم میاره.
			ببینید وقتی با هم تصمیم می‌گیرم با هم باید عمل کنیم این خصلت کار جمعیه.
		اعتماد مردم به مساجد حتی توسط انسان‌های غیرمذهبی	ببینید خانم دکتر از نظر من وقتی ما کارهای مردم رو به ترتیب در مسجد انجام می‌دهیم حتی انسان‌های غیرمذهبی هم اعتمادشان به ما بیشتر میشه .
			ما اعتقاد داریم و ایمان داریم شاید نماز نخونن ولی اعتماد پیدا می‌کنن که ما در مسجد دستشون رو گرفتیم کمکشون کردیم
			برخورد ما خیلی مهمه خانم دکتر واقعاً برخورد ما مهمه همه باید جذب بشن مذهبی غیرمذهبی بچه‌های هیئت و سایر بچه‌ها همه.
ایجاد ساختار مسجد محور با محوریت امام جماعت	ارتباط عرضی مردم با امام جماعت	ارتباط حکمران که همان امام جماعت مسجد است با مردم در عرض یکدیگرند، حکمران خود از مردم است و آشنا به درد و مشکلات اجتماعی آنهاست؛ البته این نظر منه ممکنه برخی موافق نباشن.	
		در جامعه اسلامی کسی نباید دستور بده به نظر بنده همه با هم برابرند.	
		امام جماعت از جنس خود مردم باید باشه از ساده‌ترین مردم.	
		برساخت مشکلات محله با اولویت‌بندی مردم	دستورات حکمران محله‌ای نسبت به مردم از بالا به پایین نیست. موضوعات و چالش‌ها با کمک خود مردم شکل گرفته و اولویت‌بندی با خود مردم بوده

مقوله هسته	مقوله	مفاهیم	گزاره
			است. ما اینطور احساس می‌کنیم که مردم بهتر می‌دانند و آگاه‌تر هستند که کدوم مشکلات باید اول حل بشوند.
		ساختار انعطاف‌پذیر مسجد	مثلاً می‌خوام این نکته رو خدمتون عرض کنم که ساختار مسجد مانند سایر سازمان‌ها یا نهادها نیست، انعطاف‌پذیر است. اگر امام جماعت نتوانست در جلسه‌ای شرکت کنند، یکی از خیران محله امور را برعهده می‌گیرد. به نظرم در مسجد نوعی انعطاف در انجام وظایف هست که در سازمان‌های دیگه شما کمتر می‌تونید پیدا کنید.

۲- راهکارهای اساسی برای ارتقاء نقش و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی به‌عنوان حلقه‌های میانی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری به‌عنوان کلید توسعه استان کدام‌اند؟

تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با ۲۹ نفر از صاحب‌نظران در قالب گروه‌های مختلف نشان داد که راهکارهای اساسی به‌منظور بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری در قالب شش مقوله قابل بررسی است.

الف) تقویت مدل‌های مردم‌سالارانه و نوین دینی

یافته‌های حاصل از مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان محلی نشان داد یکی از راهبردهایی که می‌تواند در راستای بهبود عملکرد حکمرانی منطقه‌ای - شهری در شهر آمل مورد استفاده قرار گیرد، تقویت مدل‌های مردم‌سالارانه و نوین دینی است. این مدل‌ها با الگو گرفتن از تمدن اسلامی به‌دنبال جامعه‌سازی و تمدن‌سازی دینی هستند و در حلقه‌های میانی خود را متأثر از نظام ارزشی شکل می‌دهند. برخی از مصاحبه‌شوندگان محلی اعتقاد داشتند که مدل‌های مردم‌سالاری در نظام ارزشی دینی حول محور یک مکان مذهبی (مسجد) که می‌تواند جنبه‌های ورزشی - هنری - فرهنگی - اجتماعی - مشاوره‌ای داشته باشد، در گردش است. از دیدگاه برخی مصاحبه‌شوندگان و کنشگران نیز آن الگوی اسلامی و مردم‌سالاری که در آمل شکل گرفته است، خود می‌تواند به الگویی برای سایر شهرها با محوریت مساجد باشد. از

دیدگاه برخی مصاحبه‌شوندگان ساختار مسجد مانند سایر سازمان‌ها یا نهادها نیست، انعطاف‌پذیر است. اگر امام جماعت نتوانست در جلسه‌ای شرکت کنند، یکی از خیران محله امور را بر عهده می‌گیرد.

ب) توجه ویژه تدوین به اسناد ملی مسجد توسط حکمرانان

فحوای کلام مصاحبه‌شوندگان محلی نشان داد که مسجد به‌عنوان یک ساختار و یک تاریخ چند هزارساله نیازمند یک سند در حوزه اسناد بالادستی است به‌گونه‌ای که بتواند اصول، راهبردها، خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها را در حوزه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی نشان دهد.

برخی از مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که سیاست‌گذاری مسجد نیز می‌تواند نوعی جامعه‌سازی حول محوریت نظام‌های ارزشی تلقی شود. سیاست‌گذاری مسجد به حکمرانان محلات این اجازه را می‌دهد که بتوانند فرایند سیاست‌گذاری را از پایین به بالا و با توجه به ظرفیت‌های محلات مختلف انجام دهند.

پ) ایجاد ساختار مسجدمحور با محوریت امام جماعت

یکی از نکاتی که در خصوص راهبردهای در خصوص نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در بهبود نظام حکمرانی شهری، مستخرج از مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان و کنشگران دانشگاهی و مردمی به‌دست آمد ایجاد ساختار مسجدمحور با محوریت امام جماعت بود.

برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند ارتباط حکمران که همان امام جماعت مسجد است با مردم در عرض یکدیگرند. در اینجا، حکمران خود از مردم است و آشنا به درد و مشکلات اجتماعی آنهاست؛ بنابراین، به بهترین وجه ممکن می‌تواند حلال مشکلات باشد. یکی دیگر از نکاتی که توسط مصاحبه‌شوندگان مورد توجه بود، دستورات حکمران محله‌ای نسبت به مردم از بالا به پایین نیست بلکه موضوعات و چالش‌ها با کمک خود مردم شکل گرفته و اولویت‌بندی با خود مردم بوده است. برخی از مصاحبه‌شوندگان بر ساختار متفاوت مسجد با سایر سازمان‌ها اشاره داشت، ساختار مسجد مانند سایر سازمان‌ها یا نهادها نیست، انعطاف‌پذیر است، اگر امام جماعت نتوانست در جلسه‌ای شرکت کنند، یکی از خیران محله امور را بر عهده می‌گیرد.

ت) تأمین نیازهای نیازمندان با توجه به سبب مصرفی هر خانوار

یکی از راهبردهایی که بایستی در بهبود عملکرد حکمرانی شهری - منطقه‌ای شهر آمل مورد توجه قرار گیرد کمک به نیازمندان با توجه به مایحتاج منحصر به فرد هر خانواده است به‌گونه‌ای که نیازمندی از طرف خانواده احساس شود نه اینکه افراد خیر

تعیین‌کننده نیازها باشند. در این صورت عرضه محصولات و کالاها دقیقاً متناسب با نیازهای مددجویان است. این نکته‌ای که همیشه هم از طرف خیران و هم از سمت دریافت‌کنندگان این کالاهای مؤمنانه بررسی می‌شود.

در همین راستا، برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند سبب مصرفی که در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد هم می‌تواند به‌صورت کالا و هم دریافت خدمات به‌صورت رایگان باشد. این خدمات به شکل‌های مختلف آموزشی، مشاوره‌ای، ورزشی، هنری و به‌ویژه پزشکی از طرف خیران در بخش‌های مختلف ارائه شده و بسیار مورد استقبال متقاضیان قرار می‌گیرد. یکی از کنشگران نیز بر بازه‌های زمانی کمک‌های مختلف تأکید داشت. علاوه بر کمک‌های همیشگی که ما انجام می‌دیم، در ماه رمضان یا شروع سال تحصیلی این بن کالاهای یا کمک‌ها به‌طور خاصی ارائه می‌شود.

ث) قرار دادن پیوست مردمی‌سازی در همه کارها

برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که باید در همه کارها پیوست مردمی داشته باشیم. بدین‌منظور بایستی ابتدا هم به مردم تکلیف و اختیار بدهیم و هم امکانات. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توانیم از مردم کار بخواهیم و بعد امکانات را در اختیارشان قرار ندهیم اگر این اتفاق رقم بخورد مردم دیگه عملاً اعتماد خود را از دست می‌دهند.

برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند اگر قرار است الگوی مردمی‌سازی اتفاق افتد، روش مشارکت مردم رو باید تغییر کند. درواقع مردم را وارد میدان کنیم، در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها - دست کم تا جایی تو بحث‌ها به‌گونه‌ای که مشکلات محله رو مشکلات خودشان بدانند.

برخی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه سپردن کار به مردم به‌صورت تخصصی را مقدمه مردمی‌سازی می‌دانند و معتقدند تقسیم حلقه‌های میانی و سپردن کار به‌صورت تخصص‌های متفاوت به مردم شرایط را برای سرعت بخشیدن و انجام کارها را با کیفیت لازم و رضایت‌بخش فراهم می‌کند.

ج) رسیدن به حکمرانی اسلامی به‌عنوان یک الگو

یکی از مشارکت‌کنندگان بر این نکته اشاره داشت که آن نوع از حکمرانی که ما از آن تحت عنوان حکمرانی اسلامی یاد می‌کنیم برگرفته از آیه ۲۵ سوره حدید در قرآن است که از عبارت حکومت «برقرای عدالت برای مردم» یاد کرده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان محلی بر این نکته اذعان داشتند که الگوی حکمرانی اسلامی به‌ویژه در سال‌های اخیر در زمینه اقتصادی خوب عمل کرده حتی در زمینه‌های بحث‌هایی مثل پیاده‌روی اربعین، انتخابات و کارهای جهادی خیلی خوب عمل کردیم؛

اما در ساختار اداری نه هنوز محقق نشده و واقعاً مردم آن جایگاهی را که می‌بایست داشته باشند ندارند. از دیدگاه مشارکت‌کنندگان الگوی حکمرانی اسلامی که نمونه آن را به کمک تجربه‌نگاری از طرح‌های اولیه بیان کردیم را ما در برخی نقاط استان اجرا کرده‌ایم؛ مثلاً در زمینه اقتصادی از زمینه سنتی تیکرک سری برای گلریزان مسجد یا مجمع سری در عید غدیر مبلغ زیادی در دو شب جمع‌آوری شد.

جدول (۵): نمونه‌ای از گزاره‌ها، مفاهیم و مقولات مربوط به راهبردهای حکمرانی مسجدمحور

مقوله	مفاهیم	گزاره
تقویت مدل‌های مردم‌سالارانه و مدرن دینی	الگو گرفتن از تمدن اسلامی	به نظر من می‌تونم این‌طور بگم این مدل‌ها با الگو گرفتن از تمدن اسلامی به‌دنبال جامعه‌سازی و تمدن‌سازی دینی هستند و در حلقه‌های میانی خود را متأثر از نظام ارزشی شکل می‌دهند.
		شما اگر تاریخ بخونید و به منابع تاریخی سربرزنید متوجه می‌شوید که تمدن اسلامی به‌عنوان یک الگو مطرح بوده از گذشته.
		تمدن اسلامی در طول تاریخ بسیار درخشیده و به‌لحاظ تأثیراتی که داشته واقعاً بی‌همتا بوده.
	شکل‌گیری مدل‌های مردم‌سالاری حول یک مکان	مدل‌های مردم‌سالاری در نظام ارزشی دینی حول محور یک مکان مذهبی (مسجد) که می‌تواند جنبه‌های ورزشی - هنری - فرهنگی - اجتماعی - مشاوره‌ای داشته باشد.
		اصلاً ببینید اجتماع مردم حول یک مکان یا میدان‌های شهر بوده یا به‌ویژه در تمدن اسلامی مسجدها بودند.
		شما در فضاها دینی می‌تونید بهترین نوع حکومت مردم بر مردم رو ببینید.
مردم‌سالاری	ببینید به نظر من حتی می‌تونم بگم الگوی اسلامی و مردم‌سالاری مشارکت‌محورانه و خودجوش که در آمل شکل گرفته است، خود می‌تواند به الگویی برای سایر شهرها با محوریت مساجد باشد.	

مقوله	مفاهیم	گزاره	
ایجاد ساختار مسجدمحور با محوریت امام جماعت		<p>آمل از گذشته به‌دلیل قدمت زیادی که دارد به‌لحاظ دینی و مردمی قابل توجه بوده.</p> <p>وجود حوزه‌های علمیه مراجع تقلید آملی در قم در شکل‌گیری یک الگوی مردم‌سالاری بی‌تأثیر نبوده.</p>	
		<p>ارتباط حکمران که همان امام جماعت مسجد است با مردم در عرض یکدیگرند، حکمران خود از مردم است و آشنا به درد و مشکلات اجتماعی آنهاست؛ البته این نظر منہ ممکنه برخی موافق نباشن</p> <p>در جامعه اسلامی کسی نباید دستور بده به نظر بنده همه با هم برابرند.</p> <p>امام جماعت از جنس خود مردم باید باشه از ساده‌ترین مردم.</p>	
	ارتباط عرضی مردم با امام جماعت	<p>ارتباط حکمران محله‌ای نسبت به مردم از بالا به پایین نیست .</p> <p>موضوعات و چالش‌ها با کمک خود مردم شکل گرفته و اولویت‌بندی با خود مردم بوده است.</p> <p>ما این‌طور احساس می‌کنیم که مردم بهتر می‌دانند و آگاه‌تر هستند که کدام مشکلات باید اول حل بشوند.</p>	
		<p>مثلاً می‌خوام این نکته رو خدمتتون عرض کنم که ساختار مسجد مانند سایر سازمان‌ها یا نهادها نیست، انعطاف‌پذیر است، اگر امام جماعت نتوانست در جلسه‌ای شرکت کنند، یکی از خیرین محله امور را بر عهده می‌گیرد.</p> <p>به نظرم در مسجد نوعی انعطاف در انجام وظایف هست که در سازمان‌های دیگه شما کمتر می‌تونید پیدا کنید.</p> <p>کار توی مسجد سخت نیست، لذت‌بخشه، دستوری نیست به نظرم.</p>	
	برساخت مشکلات محله با اولویت‌بندی مردم	<p>ساختار انعطاف‌پذیر مسجد</p>	<p>به نظر من مسجد یه تاریخ یه تاریخ چند هزارساله است.</p>
		<p>توجه به بعد تاریخی مساجد</p>	
	اسناد		

مقوله	مفاهیم	گزاره
		حتی به تمدن مثلاً در همین آمل؛ بنابراین می‌تونه اصول، راهبردها، خط مشی‌ها و سیاست‌ها را در حوزه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی نشان دهد.
		به نظر بنده بیشتر مساجد ما هویت دارند اونم یک هویت تاریخی که در گذر زمان به دست آوردند.
	جامعه‌سازی حول محور نظام‌های ارزشی به عنوان کارکرد مسجد	من جایگاه مسجد و نقش اون رو بالا می‌بینم به نظرم نقش مسجد تغییر نظام ارزشی باشه آقای دکتر....
		سیاست گذاری مسجد نیز می‌تواند نوعی جامعه‌سازی حول محوریت نظام‌های ارزشی تلقی شود
		شاید بتوان یکی از خدماتی که مسجد ارائه میدهند رو جامعه‌سازی دانست که بعدها در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش داره
	تغییر فرایند سیاست گذاری از طریق مساجد	به نظر ما به عنوان افرادی که کارهامون رو در درون ساختار مسجد با کمک مردم انجام می‌دیم این است که سیاست گذاری مسجد به حکمرانان محلات این اجازه را می‌دهد که بتوانند فرایند سیاست گذاری را از پایین به بالا و با توجه به ظرفیت‌های محلات مختلف انجام دهند.
اگر ما یک بیانیه مدون برای مساجد محله مون داشته باشیم می‌تونیم مشارکت مردم محله رو طبق اون پیش ببریم		
در مسجد تمام تصمیمات ما با گفتگو انجام میشه هیچ‌کدام دستوری نیست.		
نامین نیازهای نیازمندان با توجه به سبب مصرفی هر خانوار	کمک‌های افقی (عرضی) به نیازمندان نه عمودی	کمک به نیازمندان با توجه به مایحتاج منحصر به فرد هر خانواده است به گونه‌ای که نیامندی از طرف خانواده احساس نشود نه اینکه افراد خیر تعیین کننده نیازها باشند.
		همیشه اولویت‌ها را با توجه به فصل یا ماه جمع‌آوری می‌کنیم و تهیه می‌کنیم

مقوله	مفاهیم	گزاره	
	دریافت انواع کمک‌ها توسط نیازمندان	ما تلاش می‌کنیم کمک‌های مردمی مون بر اساس سبد مصرفی اون‌ها باشه کلاً متفاوته	
		همچنین کاری که ما در محله خودمون انجام می‌دیم اینه سبد مصرفی که در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد هم می‌تواند به‌صورت کالا و هم دریافت خدمات به‌صورت رایگان باشد...	
		ممکنه کمک به نیازمندان مشاوره درسی باشه یا مشاوره پزشکی باشه.	
		بسیاری از اوقات کمک‌های ما بر میگردد به مشکلات خانوادگی بین زن و شوهرها و مشاوره‌های ما بدین‌شکل هستش.	
	ارائه کمک‌ها با توجه زمان‌های خاصی در سال	علاوه‌بر کمک‌های همیشگی که ما انجام می‌دیم در ماه رمضان یا شروع سال تحصیلی این بن کالاها یا کمک‌ها به‌طور خاصی ارائه میشه.	
		وقتی نزدیک عید میشه کمک‌های ما بیشتر حالت اجناس و پوشاک هست.	
		در زمان کرونا تلاش داشتیم کمک‌ها را به دفعات بیشتری ارائه دهیم.	
	قرار دادن پیوست مردمی‌سازی در همه کارها	قرار دادن تکلیف و امکانات همزمان در اختیار مردم	ببینید ما اگه به مردم اختیار می‌دیدیم و تکلیف می‌خوایم بایستی تسهیلات و امکانات رو هم در اختیارشون قرار بدیم بدون تسهیلات نمیشه.
			ببینید الان خیلی از مردم معتقدند که دولت فقط برای خرج کردن نیاز به ما داره.
			اگر می‌گیم کلیه مردم مسئول پرداخت مالیات هستند اون‌ها بایستی در جریان هزینه‌های مستخرج از این مالیات هم باشند.
مشارکت دادن مردم در بحث‌ها		ما روش مشارکت مردم رو باید تغییر بدیم و مردم رو بیاریم تو بحث‌ها.	
	روش مشارکت خیلی مهمه حتماً باید دیالوگی باشه به قول هنرمندا.		

مقاله	مفاهیم	گزاره
	سپردن کارها به صورت تخصصی به مردم	مردم باید به‌گونه‌ای در جریان مشکلات محله رو مشکلات خودشان بدانند.
		ما باید مردم رو به‌صورت تخصصی به‌کار بگیریم و کارها را به‌شون بسپاریم به‌صورت تخصصی مردم خودشون کارگزاران محله هاشون باشن در همه کارها. خیلی ساده بگم آقای دکتر ریش و قیچی دست مردم باشه خودشون میدونن.
		در خیلی از کارها مردم حساسیت دارند که یه نفر کاربلد اون کار رو انجام بده.
رسیدن به حکمرانی اسلامی به‌عنوان یک الگو	مردم محور بودن حاکمیت	حکمرانی مدنظر ما برگرفته از آیه ۲۵ سوره حدید هست حکومت باید برای مردم باشد هر کاری می‌کنیم برای مردم.
		ببینید منظور ما از حکمرانی مردم محور همینه دیگه اگه مردم با ما نباشند خانم دکتر ما باید برای کی کار کنیم فعالیت کنیم.
	عدم محقق شدن حکمرانی مردم در ساختار اداری	در زمینه اقتصادی این حکمرانی رو خوب عمل کردیم اما در ساختار اداری نه هنوز محقق نشده.
		به نظر من تئوری تا حدود زیادی خوب بودیم ولی مدیریتی و عملیاتی جای کار داریم.
	جبهه خرمشهر نمونه سازوکار حکمرانی مردم	کارهای جمعی ما تا حد زیادی قابل قبول هست ولی ساختارها خیلی فراهم نیست می‌تونم بگم اون قسمت می‌لنگیم.
		این مردمی‌سازی که داریم ازش صحبت می‌کنیم و روش مانور می‌دیم در عمل پیاده کردیم و اسم‌اش رو گذاشتیم سازوکار جبهه خرمشهر ما.
یکی از مهم‌ترین کارهایی که به‌طورمثال تو بابل‌سر انجام دادیم همین تجربه‌نگاری فعالیت‌هاست در خصوص خرمشهر.		
	خود این جبهه خرم شهر می‌تونه یه الگو باشه برای سراسر کشور.	

۳- پیامدها و عواقب شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی به‌عنوان حلقه‌های میانی در شکل‌گیری و بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری کدام‌اند؟

یافته‌های پژوهش در قالب پیامدهای نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری در شهر آمل در قالب سه مقوله نشان داده شد.

الف) مسجد احیاء‌کننده اعتماد مردم به حکمرانان

از پیامدهای تلاش برای حکمرانی مسجدمحور در شهر آمل آن است که مسجد می‌تواند توان انقلابی و پویای اعتماد بین مردم و حکمرانان را احیاء کند. در واقع نماز جماعت و جلسات پس از نماز با امام جماعت به‌عنوان حکمران اصلی هر محله می‌تواند به مردم این اطمینان را بدهد که تمامی مشکلات قابلیت حل‌شدن را دارند و مسئولان نیز توان خود را در این زمینه به‌کار خواهند گرفت.

یکی از مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشت که جمع‌گرایی که در مسجد وجود دارد باعث دوری از فردیت شده و انسان را به‌سمت کارهای مشارکت‌محورانه و کار گروهی خواهد برد که معمولاً هم موفقیت‌آمیز است. برخی از مصاحبه‌شوندگان محلی بیان داشتند که وقتی ما کارهای مردم را به‌ترتیب در مسجد انجام می‌دهیم حتی انسان‌های غیرمذهبی هم اعتمادشان به ما بیشتر خواهد شد.

ب) ایجاد اتاق شیشه‌ای به‌منظور شفافیت‌سازی کمک‌های خیران توسط امام جماعت مسجد به‌عنوان حکمران اصلی هر محله

یافته‌های حاصل از مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان محلی نشان داد برای افزایش اعتماد اجتماعی مردم به فعالیت‌های کانون‌ها چه در مشاغل خانگی چه در مساجد مردم باید نسبت به کمک‌های خیران شفاف‌سازی را از طرف حکمرانان ببینند. در واقع مردم بایستی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی در زندگی نیازمندان محلات خود مشاهده کنند. برخی مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند امام جماعت مسجد در کنار مصاحبه‌شوندگان محله با توجه به اشرافی که بر روی چالش‌ها و مشکلات و خدمات مورد نیاز محلات خود دارند می‌توانند الگوی حکمرانی مخصوص به‌خود را داشته باشند و همین امر تجربه منحصربه‌فردی از حکمرانی را در اختیار محلات مختلف قرار می‌دهد.

برخی از مصاحبه‌شوندگان هم اعتقاد داشتند که امام جماعت مسجد با فعالیت‌های بیشتر در شبکه‌های اجتماعی این کارهای خیر و اتفاقاتی که ما رقم می‌زنیم رو به مردم نشان دهد.

پ) جلوگیری از انفعال مسجد به معنای مکانی صرفاً مذهبی و تبدیل امام جماعت مسجد به عنوان حکمران هر محله

نکته‌ای که از جانب برخی از مصاحبه‌شوندگان مورد توجه قرار گرفت آن است میزان فعالیت مساجد، خدماتی که ارائه می‌دهند و تسهیلاتی که از خیران یا سایر سازمان‌ها دریافت می‌کنند بستگی به میزان فعالیت و توانمندی حکمران اصلی شهر دارد. برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که امروز شرایط کشور ایجاب می‌کند که مساجد بیش از آنکه صرفاً در مباحث مذهبی و اعتقادی فعالیت داشته باشند، از مسجد به عنوان یک جبهه فرهنگی علیه شبهات استفاده شود و در جذب و شناسایی جوانان و نوجوانان مستعد و انقلابی کوشش شود.

جدول (۶): نمونه‌ای از گزاره‌ها، مفاهیم و مقولات مربوط به پیامدهای حکمرانی

مسجدمحور

مقوله	مفاهیم	گزاره
مسجد احیاءکننده اعتماد مردم به حکمرانان	مسجد احیاءکننده توان انقلابی و کار جهادی	من اعتقاد دارم نماز جماعت و جلسات پس از نماز با امام جماعت به عنوان حکمران اصلی هر محله می‌تواند به مردم این اطمینان را بدهد که تمامی مشکلات قابلیت حل شدن را دارند و مسئولان نیز توان خود را در این زمینه به کار خواهند گرفت
		اصل کارهای جهادی اگه به زمانی تو میدون جنگ بود الان تو کارهای فرهنگیها
		مسجد به کمک هویت دینی و تاریخی که داره می‌تونه واقعاً تحول آفرین باشه
	نقش جمع‌گرا بودن مسجد در شکل‌دادن به کارهای گروهی	به نظر من به‌عنوان یک انسانی که همیشه به مسجد رفت‌وآمد دارم اینه که جمع‌گرایی که در مسجد وجود دارد باعث دوری از فردیت شده و انسان را به سمت کارهای مشارکت‌محورانه و کار گروهی خواهد برد.
	به کارهای گروهی	خود مسجد فضا را برای گفتگو پیرامون کارها فراهم میاره.
		ببینید وقتی با هم تصمیم می‌گیرم با هم باید عمل کنیم این خصلت کار جمعیه.

مقوله	مفاهیم	گزاره
	اعتماد مردم به مساجد حتی توسط انسان‌های غیر مذهبی	ببینید خانم دکتر از نظر من وقتی ما کارهای مردم رو به ترتیب در مسجد انجام می‌دهیم حتی انسان‌های غیر مذهبی هم اعتمادشان به ما بیشتر می‌شه
		ما اعتقاد داریم و ایمان داریم شاید نماز نخون ولی اعتماد پیدا میکنن که ما در مسجد دستشون رو گرفتیم کمکشون کردیم.
		برخورد ما خیلی مهمه خانم دکتر واقعاً برخورد ما مهمه همه باید جذب بشن مذهبی غیر مذهبی بچه‌های هیئت و سایر بچه‌ها همه.
ایجاد اتاق شیشه‌ای به منظور شفافیت‌سازی کمک‌های خیرین توسط امام جماعت مسجد	دیدن تأثیر فعالیت‌های اقتصادی خیران برای مردم	ببینید من اینجوری تشبیه می‌کنم همه چیز برای مردم باید شفاف باشه عین به اتاق شیشه‌ای تأثیر فعالیت‌های اقتصادی در زندگی نیازمندان محلات خود مشاهده کنند.
		من گفتم و همیشه معتقدم که آنچه باعث افزایش کمک‌های خیران میشه اینه که خودشون خروجی اون کمک‌ها رو ببینن.
		چه در محله ما چه در سایر محلات آمل اصلاً یکی از وظایف امام جماعت همینه باید بگه این پول این کمک چی شد کجا رفت.
	امام جماعت محله به‌عنوان حکمران	امام جماعت مسجد در کنار مصاحبه‌شوندگان محله با توجه به اشرافی که بر روی چالش‌ها و مشکلات و خدمات مورد نیاز محلات خود دارند می‌توانند الگوی حکمرانی مخصوص به خود را داشته باشند.
		به نظر بنده اگه حکمرانی محله سه پایه مهم و اصلی داشته باشه یکی از اون‌ها امام جماعت هستش در واقع حکمران اصلی.
		ببینید درسته همه تصمیم می‌گیرند و همه نظر میدن اما اگر امام جماعت نقش اصلی رو داشته باشه اون انسجام حفظ میشه...

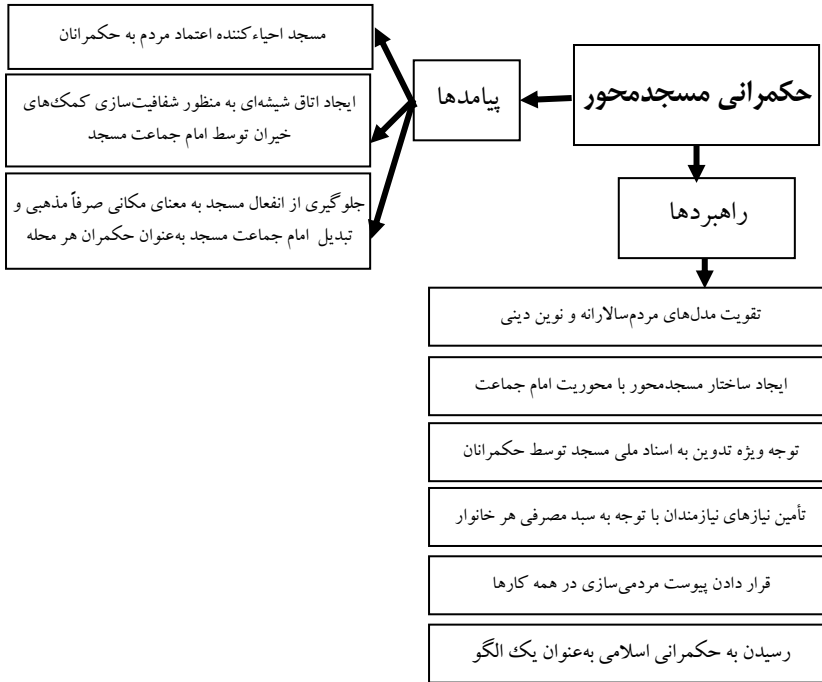
مقوله	مفاهیم	گزاره
	<p>رسانه‌های شدن فعالیت‌های محلات مختلف</p>	<p>یکی از مشکلات ما رسانه‌ای نشدن کارهامون هست مردم نمی‌بینن داریم چی کار می‌کنیم و تا الان چی کار کردیم.....</p> <p>افلا تو شبکه‌های استانی نشون بدن این نتیجه چیزها رو.... تلاش‌های مردم و مشارکت اونها اگر دیده بشه تأثیر زیادی در موفقیت اونها داره.</p> <p>خیلی از محلات در زمینه‌های مشارکت خیران موفقیت‌های زیادی دارند این‌ها باید به‌صورت مستند در بیاد و به مردم نشون داده بشه...</p>
<p>جلوگیری از انفعال مسجد به معنای مکانی صرفاً مذهبی و تبدیل امام جماعت مسجد به عنوان حکمران هر محله</p>	<p>ملاک فعالیت‌ها تلاش امام جماعت مسجد</p>	<p>ما همیشه گفتیم چه به امام جماعت قبلی چه امام جماعت حاضر میزان فعالیت مساجد، خدماتی که ارائه می‌دهند واقعاً مهمه آقای دکتر.</p> <p>تسهیلاتی که از خیرین یا سایر سازمانها دریافت میکنند بستگی به میزان فعالیت و توانمندی حکمران اصلی محله یا همون امام جماعت مسجدمون داره دارد.</p> <p>ببینید امام جماعت محله نقشش خیلی پررنگ نقش مردم هم اهمیت داره ولی نقش امام جماعت ساختاریه... چقدر تلاش کنه در دیدار مسئولین در کسب مجوزها و ...</p>
	<p>تغییر نقش مساجد از مکانی صرفاً مذهبی به مکانی فرهنگی - مذهبی</p>	<p>ما همیشه به خیرین مون به بچه‌های ارزشی اینو می‌گیم مساجد بیش از آنکه صرفاً در مباحث مذهبی و اعتقادی فعالیت داشته باشند باید از مسجد به‌عنوان یک جبهه فرهنگی علیه شبهاتی که دشمن علیه ما استفاده شود و در جذب و شناسایی جوانان و نوجوانان مستعد و انقلابی کوشش شود.</p>
		<p>واقعیت رو بخواین آقای دکتر مسجد بهانه‌ای برای جمع‌های سالم جوانان هست اونا دوست دارن بالاخره سوالاتشون به جایی پاسخ داده بشه مگه مسجد فقط جای نماز خوندن آقا.... به نظر من</p>

مقوله	مفاهیم	گزاره
		نیازهای یک انسان مومن بایستی در مسجد برآورده بشه تمام سؤالاتش پاسخ داده بشه.
	خادم یاری امام رضا (علیه‌السلام) نمونه‌ای از اقدامات مساجد فعال محلات	یکی از کارهای ما جذب افراد برای خادم یاری امام رضاست که این رو از طریق فعالیت هامون که در تارنما بارگذاری میکنیم هم نیرو جذب می‌کنیم.
		خیلی از افراد تمایل دارند و دوست دارند که به‌صورت خودجوش خادم یار امام رضا باشن ولی نمیشه باید فعالیت کنند امتیاز کسب کنند.
		برای فعالیت‌هایی که انجام میدیم برای خادم یاری امام رضا (علیه‌السلام) مستندات رو که ارائه می‌دیم می‌تونیم شیفت‌ها رو در حرم دریافت کنیم... بله براین اساس هستش.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر نقش و کارکرد حلقه‌های میانی در بهبود و انتظام‌بخشی نظام حکمرانی شهری: راهبردها و پیامدها (مورد مطالعه: شهر آمل) می‌باشد. اهداف پژوهش و سؤالات نویسندگان را بر آن داشت که با رویکرد کیفی و نظریه داده‌بنیاد (نظریه زمینه‌ای) به سؤالات پاسخ دهند. جامعه آماری پژوهش گروه‌های از کنشگران فردی و سازمان‌های مردم‌نهاد بوده است. پژوهش حاضر به کمک روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با ۲۹ نفر از کنشگران و مصاحبه‌شوندگان محلات به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شده است. بازه زمانی انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش در بهار ۱۴۰۳ بوده است. نوآوری پژوهش حاضر از آن جهت است که برای نخستین بار نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگران مردمی را در قالب حلقه‌های میانی در بهبود، ارتقاء و انتظام‌بخشی به مدیریت شهری را مورد بررسی قرار داده است و به‌همین جهت نشان داده که نقش حلقه‌های میانی فراتر از سمن‌ها و نهادهای مدنی است و از این باب تلاش داشته رویکرد جدیدی را در ادبیات حکمرانی شهری پیش‌روی مصاحبه‌شوندگان بگشاید. یافته‌های حاصل از مصاحبه با گروه‌های مختلف نشان داد که حکمرانی منحصر به فردی که در شهر آمل با واسطه حلقه‌های میانی باعث ارتقاء و

بهبود عملکرد نظام حکمرانی شهری به‌عنوان کلید توسعه استان خواهد شد
«حکمرانی مسجد - محور» است.



منبع: (یافته‌های نویسنده‌گان)

شکل (۲): مدل پژوهش

این نوع حکمرانی نشان می‌دهد که مسجد به‌عنوان یک مکان تاریخی - مذهبی از گذشته‌ها، نقش پررنگی در شکل‌گیری خیریه‌ها، انسجام بین مردم، احیاء اعتماد اجتماعی، فعالیت‌های خودجوش امامان جماعت و شکل‌گیری مشاغل کوچک و خانگی، داشته است. همچنین، کلیه خدماتی که با محوریت مساجد انجام می‌شود می‌تواند به شکل‌دهی نوعی حلقه میانی با محوریت مساجد منجر شود. پژوهش حاضر بنا دارد به بررسی پیامدها و راهبردهای حاکم بر ارتقاء و بهبود عملکرد حکمرانی شهری در آمل بپردازد. مدل پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است. ابتدا به تحلیل پیامدها و سپس راهبردهای پژوهش پرداخته شد. پیامدهای حکمرانی مسجد محور در خصوص ارتقاء و بهبود حکمرانی مسجد محور شامل مقولاتی چون: مسجد احیاء کننده اعتماد مردم به حکمرانان، ایجاد اتاق شیشه‌ای به منظور شفافیت‌سازی کمک‌های خیران توسط امام جماعت مسجد و جلوگیری از

انفعال مسجد به معنای مکانی صرفاً مذهبی و تبدیل امام جماعت مسجد به‌عنوان حکمران هر محله می‌باشد. همچنین راهبردهای حکمرانی مسجدمحور در قالب مقولاتی چون: تقویت مدل‌های دیوان‌سالارانه و نوین دینی، ایجاد ساختار مسجدمحور با محوریت امام جماعت، توجه ویژه تدوین به اسناد ملی مسجد، تأمین نیازهای نیازمندان با توجه به سبد مصرفی هر خانوار، قرار دادن پیوست مردمی‌سازی در همه کارها و رسیدن به حکمرانی اسلامی به‌عنوان یک الگو، مورد بررسی قرار گرفت. بدون شک، قراردادن پیوست مردمی‌سازی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی از اقداماتی است که نقش پررنگی در شکل‌گیری و پایداری حکمرانی مسجدمحور دارد؛ بنابراین، در اختیار قراردادن فضا به مردم راهی به‌منظور مشارکت‌دادن آنها و الگویی برای ایجاد شرایط مطلوب‌تر است. در همین راستا، نتایج پژوهش اخوان نیلچی؛ عیوضی و نادری (۱۴۰۳) نشان داد در کنار افزایش به‌رسمیت‌شناختن و اختیار دادن به گروه‌های مردمی تمرکز بر افزایش اعتماد مردم به دولت با نقش‌آفرینی مؤثر و همه‌جانبه حلقه‌های میانی برای فتح قله در جمهوری اسلامی امری ضروری می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش ویس مرادی، اکبری و فلاحی (۱۴۰۲) نشان داد مردمی‌شدن، اهمیت به نظر مردم، مشارکت مردم، نقش مهمی در ارزیابی عملکرد کارکنان با تأکید بر حلقه‌های میانی گام دوم انقلاب داشته است. همچنین، در خصوص اهمیت حلقه‌های میانی به‌عنوان تجربه‌ای در جمهوری اسلامی نتایج پژوهش ربیعی و سیاوشی (۱۴۰۱) نشان داد جریان حلقه‌های میانی، دارای اصلاتی دیرینه در تجارب مترکم جمهوری اسلامی ایران و عاملی مهم در ایجاد حرکت عمومی در مسیر دولت‌سازی است و بارزترین مصادیق آن‌ها بسیج مردمی، مساجد و هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، تشکل‌های دانشجویی و... می‌باشند.

پیشنهادها و راهکارها

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهای زیر را به‌منظور ارتقاء علمی تحقیق‌های آینده ارائه داد.

یافته‌های پژوهش نشان داد حکمرانی مسجدمحور شکلی از حکمرانی است. ضمن برقراری ارتباطات فرهنگی - مذهبی می‌تواند چالش‌ها و موانع اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - زیست‌محیطی را مرتفع کند (در شهر آمل)؛ اما حکمرانی مسجدمحور دارای چه شاخص‌هایی است؟ چگونه می‌توان دریافت که آیا حکمرانی در یک شهر از نوع مسجدمحور است یا خیر؟ به نظر می‌رسد شاخص‌سازی و طراحی

مفاهیم و گویه‌ها در خصوص این شکل از حکمرانی می‌تواند توسط پژوهشگران آتی مورد توجه قرار گیرد.

از یافته‌های پژوهش حاضر استفاده از ظرفیت‌های مساجد به‌منظور حل مشکلات جوامع شهری بود؛ بنابراین می‌تواند شوراهای حل اختلاف با محوریت مساجد در محلات مختلف طراحی کرد و بدین شکل تمرکز پرونده‌ها از شوراهای حل اختلاف مناطق و همچنین دادگاه‌ها کاست.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تأمین نیازهای نیازمندان با توجه به سبب مصرفی هر خانوار یکی از راهبردهای بهبود عملکرد حکمرانی شهری است. بدین‌سان سازمان‌های مردم‌نهاد و صاحب‌نظران می‌توانند سامانه‌ای را به‌منظور اولویت‌بندی نیازهای نیازمندان هر محله طراحی کرده و بدین‌روی به‌صورت ماهیانه بانکی از نیازهای واقعی نیازمندان وجود دارد و ازسوی‌دیگر محلات مختلف با ایجاد شبکه‌های مختلف از نیازهای نیازمندان سایر محلات آگاه شوند.

فهرست منابع

- آدینه‌وند، علی‌اصغر؛ حاجی‌زاده، مریم و قدمی، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر بابلسر). مدیریت شهری، ۱۱(۳۱)، ۴۱-۶۴.
- ابراهیم‌زاده، عیسی و اسدیان، مرتضی (۱۳۹۲). تحلیل و ارزیابی میزان تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری در ایران مورد شناسی: شهر کاشمر. جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۳(۶)، ۱۷-۲۹.
- اخوان نیلچی، نفیسه؛ عیوضی، محمدرحیم و نادری، مهدی (۱۴۰۳). سناریوهای ساخت جامعه مطلوب اسلامی بر اساس حلقه‌های میانی پیشروی جمهوری اسلامی ایران، نشریه گفتمان سیاسی/انقلاب اسلامی، ۳(۱)، ۱۰۵-۱۳۷.
- اخوان نیلچی، نفیسه؛ عیوضی، محمد و رحیم نادری، مهدی (۱۴۰۳). طراحی چهارچوب مفهومی جریان حلقه‌های میانی مردم‌پایه بر مبنای دیدگاه مقام معظم رهبری. نشریه دانش سیاسی، ۱(۲۰).
- الوانی، سید مهدی و علیزاده ثانی، محسن (۱۳۸۶). تحلیلی بر کیفیت حکمروایی خوب در ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۸(۵۳)، ۱-۲۴.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۵). بررسی انتقادی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه

- شهری در ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، (۱)۵، ۷۹-۱۰۲.
- بابایی مراد، بهناز (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در چهارچوب حکمرانی خوب و ارتباط آن با کیفیت زندگی شهری و سرمایه اجتماعی. معماری و شهرسازی آرمان شهر، (۳۹)، ۲۲۹-۲۳۸.
- بديسار، سيد ناصر و احمدی، سيد محمدصادق (۱۳۹۶). *قانون حاکم بر آب*، در *چهارچوب حقوق عمومی در ایران*. تهران: انتشارات میزان.
- تقوایی، علی‌اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری - رویکردی تحلیلی. *مدیریت شهری*، (۲۳)۷، ۴۵-۵۸.
- حدادی پیشه، مرتضی؛ موسوی نسب، سيد محمدصادق و شرف‌الدین، حسین (۱۴۰۲). تحول خواهی آموزش‌وپرورش در بستر مسجد؛ ارائه الگوی مدارس مسجدمحور بر اساس راهبرد پژوهش داده‌بنیاد. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، (۱)۱۵، ۷-۳۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری: www.khamenei.farsi.ir
- خانمحمدی، کریم و رنجبری، شهاب (۱۴۰۱). تحلیل الگوی مدیریت فرهنگی مؤسسات مسجدمحور (مطالعه موردی کانون فرهنگی تیبان). *دوفصلنامه اسلام و علوم اجتماعی*، (۲۷)۱۴، ۳۹-۵۶.
- خیرآبادی، حمید؛ لطیفی، میثم و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۸). واکاوی عوامل مؤثر بر موفقیت امام جماعت در نظام فرهنگی مسجدمحور. *دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی*، (۲)۶، ۳۲-۷.
- دلیری، سام و شیرینی، کاظم (۱۴۰۰). سناریوهای سازمان‌های مردم نهاد ایران در افق ده ساله آینده. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، (۴۵)۱۱، ۱۸۱-۲۰۸.
- ربیعی، سینا و سیاوشی، مهدی (۱۴۰۱). صورت‌بندی مفهومی حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران. *نشریه دولت پژوهی ایران معاصر*، (۴)۸، ۱۳۳-۱۷۸.
- زهیری، علیرضا (۱۳۹۸). گذار نسلی در تجربه جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، (۱)۸، ۹۸-۱۱۹.
- زیاری، کرامت‌اله؛ نیک پی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲). سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی؛ شهر یاسوج). *مسکن و محیط روستا*، (۱۴۱)۳۲، ۶۹-۸۶.
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۹). چپ‌نشین مصاحبه‌شوندگانی، جوانان و چالش‌های پیش روی تمدن نوین اسلامی؛ تأکید بر مصاحبه‌شوندگان دانشگاهی. *دوفصلنامه علمی*

- مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۳(۲)، ۱۶۱-۱۸۶.
- شریف‌زاده، فتح و قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱(۲)، ۹۳-۱۰۹.
- شیری، محمد و سام دلیری، کاظم (۱۴۰۰). پیشران‌های مؤثر بر تشکل‌های مردم‌نهاد ایران در افق ده‌ساله آینده، ۵(۱۷).
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، با تأکید بر نظریه بر پایه گراند تئوری (GTM). تهران: انتشارات آگاه.
- قاسمی، ابوالفضل؛ علویان، مرتضی؛ لطفی، صدیقه و رحمانی، مریم (۱۴۰۰). تحلیل مضامین حکمرانی خوب شهری در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های راهبردی، مسائل اجتماعی ایران، ۱۰(۳)، ۱۱۷-۱۴۱.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۲)، ۱-۲۴.
- گرچی، محمدرضا (۱۳۹۵). حکومت و حکمرانی خوب. فصلنامه چالش‌های جهان سوم، ۳(۱)، ۱۰۹-۱۵۸.
- مجیدی، محمدرضا (۱۴۰۲). حکمرانی نوین. نوشته: مهدی افراز کنجین و سیدعلیرضا مدرس مصلی، جلد دوم، قم: انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم.
- مجیدی، محمدرضا و سبزی کریم‌آبادی، یونس (۱۴۰۱). جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب. فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۵(۱)، ۲۹-۵۲.
- محمدرضا بنی‌طرفی، مهدی (۱۴۰۱). جهاد تبیین و نقش حلقه‌های میانی در تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. نشریه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۴)، ۱۱۷-۱۳۵.
- مصاحبه با خانم سهرابی، معاون سازمان‌های مردم‌نهاد، اداره کل امور اجتماعی استانداری مازندران، ۱۴۰۱.
- ویس مرادی، اکبر؛ اکبری، پیمان و فلاحی، عرفان (۱۴۰۲). ارائه مدل مردمی ارزیابی عملکرد کارکنان با تأکید بر حلقه‌های میانی گام دوم انقلاب رویکرد داده بنیاد. نشریه مطالعات دین، معنویت و مدیریت، ۱(۱۹)، ۱-۲۴.
- یعقوبی، الهام؛ نوشیروان بابلی، پگاه؛ محمدی، سارا و خان‌محمدی، هادی (۱۴۰۰). تحلیل تأثیر و تأثر اهم مسائل سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱(۴۰)، ۷۴-۱۰۰.

- Cars, G.; Healey, P.; Madanipour, A. & Magalhaes, C.D. (2002). *Urban governance, institutional capacity and social milieu*. Published Routledge.
- Elahi, kh. (2009). UNDP on good governance. *International Journal of Social Economics*, (12), 1167-1180.
- Epstein, G.S. & Gang, I.N. (2009). Good governance and good aid allocation. *Journal of Development Economics*, (1), 12-18.
- Healey, P. (1997). *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies*.
- Hyden, G.; Court, J. & Mease, K.W. (2004). *Making sense of governance: empirical evidence from sixteendeveloping countries*.
- Keping, Y. (2018). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis *Fudan. Journal of the Humanities and Social Sciences*, (11), 1-8.
- Lockwood, M. (2010). Good governance for terrestrial protected area: A framework, principle and performance outcoms. *Journal of Environmental Management*, (3), 754-766.
- Roberts, S.M.; Sarah, S. & Oneill, P. (2007). Good governance in pacific? Ambivalence and possibility? *Geoforum*, (5), 967-984.
- Srivastava, M. (2009). *Good governance-concept meaning and features: A detailed study*.
- Torfing, J.; Peterrs, G.; Pierre, J. & Sorensen, E. (2012). *Interactive governance: advancing the paradigm*. Oxford: Oxford University Press.
- UN. Secretariat (2006). *Definition of basic concepts and terminologies in governance and public administration, UN*.
- Word Bank (2000). *Cities in transition: A strategic view of urban and local government issues*. Infrastucture Group, Urban Development, Washington , DC: Word Bank.

References

- Adinehvand, A.A.; Hajizadeh, M & Ghadami, M. (2013). Investigating the performance of the municipality within the framework of good urban governance (case study: Babolsar city). *Urban Management*, 11(31), 41-64. (In Persian)
- Akhavan Nilchi, N; Eyvazi, M.R & Naderi, M. (2024). Scenarios for building a desirable Islamic society based on the middle circles of the Islamic Republic of Iran's progress, *Journal of Political Discourse of the Islamic Revolution*, 3(1). 105-137. (In Persian)
- Alvani, S.M. & Alizadeh Sani, M. (2007). An analysis of the quality of good governance in Iran, *Quarterly Journal of Improvement and Development Management Studies*, 18(53), 24-1. (In Persian)
- Babaei Morad, B. (2022). Evaluation of urban management performance within the framework of good governance and its relationship with the

- quality of urban life and social capital, *Arman Shahr Architecture and Urban Planning*, (39), 238-229. (In Persian)
- Badisar, S.N. & Ahmadi, S.M.S. (2017). *The Law Governing Water, in the Framework of Public Law in Iran*. Mizan Publications. (In Persian)
- Cars, G.; Healey, P.; Madanipour, A. & Magalhaes, C.D. (2002). *Urban governance, institutional capacity and social milieu*. Published Routledge.
- Daliry, S. & Shiri, K. (2020). Scenarios of Iranian Non-Governmental Organizations in the Next Ten-Year Horizon, *Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 11(45), 181-208. (In Persian)
- Ebrahimzadeh, I. & Asadian, M. (2013). Analysis and evaluation of the feasibility of good urban governance in Iran. Case study: Kashmar city. *Geography and Urban-Regional Planning*, 3(6), 17-29. (In Persian)
- Elahi, kh. (2009). UNDP on good governance. *International Journal of Social Economics*, (12), 1167-1180.
- Epstein, G.S. & Gang, I.N. (2009). Good governance and good aid allocation. *Journal of Development Economics*, (1), 12-18.
- Farastkhah, M. (2019). *Qualitative Research Method in Social Sciences, with Emphasis on Grounded Theory (GTM)*, Tehran: Agah Publications.
- Ghasemi, A; Alavian, M; Lotfi, S. & Rahmani, M. (2000). Analysis of the themes of good urban governance in the development programs of the Islamic Republic of Iran, *Strategic Research, Social Issues of Iran*, 10(3), 117-141. (In Persian)
- Gorji, M.R. (2016). Government and good governance. *Third World Challenges Quarterly*, 3(1), 158-109. (In Persian)
- Haddadi Pisheh, M.; Mousavi Nasab, S.M.S. & Sharaf al-Din, H. (2013). The Transformation of Education in the Context of the Mosque; Presenting a Model of Mosque-Based Schools Based on a Data-Based Research Strategy, *Islam and Educational Research*, 15(1), 32-7. (In Persian)
- Healey, P. (1997). *Collaborative Planning: Shaping Places in Fragmented Societies*.
- Hyden, G.; Court, J. & Mease, K.W. (2004). Making sense of governance: empirical evidence from sixteendeveloping countries.
- Imani Jajarami, H. (2016). A critical review of urban development policies and programs in Iran. *Social Studies and Research in Iran*, 5(1), 79-102. (In Persian)
- Keping, Y. (2018). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis Fudan. *Journal of the Humanities and Social Sciences*, (11), 1-8.
- Khairabadi, H.; Latifi, M. and Nazemi Ardakani, Mehdi. (2019). Analysis of factors affecting the success of the congregational imam in the mosque-centered cultural system. *Bi-Quarterly Scientific Research Journal of Religion and Cultural Politics*, 6(2).7-32

- Khamenei, S.A. (2019) Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Students 2019-5-22. www.khamenei.farsi.ir. (In Persian)
- Khanmohammadi, K. & Ranjbari, Sh. (2013). Analysis of the Cultural Management Model of Mosque-Based Institutions (Case Study of the Cultural Center of Tiban, Bi-Quarterly Journal of Islam and Social Sciences 14(27), 56-39. (In Persian)
- Komijani, A. & Salatin, Parvaneh. (2008). The impact of good governance on economic growth in selected OPEC and OECD countries. Economic Modeling, 2(2), 1-24. (In Persian)
- Lockwood, M. (2010). Good governance for terrestrial protected area: A framework, principle and performance outcoms. Journal of Environmental Management, (3), 754-766.
- Majidi, M.R. & Sabzi Karimabadi, Y. (2016). The position of middle circles in organizational governance and its role in civilization-building, with a look at the category of partisanship. Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization, 5(1), 29-52. (In Persian)
- Majidi, Mohammad Reza. (2023). Modern Governance, written by: Mehdi Afraz Kanjin and Seyyed Alireza Modarres Mosali, Volume 2, Qom: Baqir-ul-Uloom Research Institute Publications.
- Mohammadzadeh Bani Tarafi, M. (2016). Jihad of Explanation and the Role of Middle Circles in Realizing the Second Step Manifesto of the Islamic Revolution, Journal of Political Sociology of the Islamic Revolution, 3(4), 117-135. (In Persian)
- Rabi'i, S. & Siavoshi, M. (2021). Conceptual Formulation of Middle Circles Based on the Experience of the Islamic Republic of Iran, Journal of Contemporary Iranian Government Studies, 8(4), 133-178. (In Persian)
- Roberts, S.M.; Sarah, S. & Oneill, P. (2007). Good governance in pacific? Ambivalence and possibility? Geoforum, (5), 967-984.
- Sarkhil, B. (2019). Arrangement of interviewees, youth and challenges facing the modern Islamic civilization; Emphasis on academic interviewees, Bi-Quarterly Scientific Journal of Fundamental Studies of Islamic Civilization, 3(2), 186-161. (In Persian)
- Sharifzadeh, F. & Gholipour, R. (2003). Good governance and the role of the state, Organizational Culture Management, 1(2), 109-93. (In Persian)
- Sohrabi, S. (2016). Interview with the Deputy Director of Non-Governmental Organizations, General Directorate of Social Affairs, Mazandaran Governorate. (In Persian)
- Srivastava, M. (2009). Good governance-concept meaning and features: A detailed study.
- Taghvaei, A.A. & Tajdar, R. (2009). An Introduction to Good Urban Governance - An Analytical Approach. Urban Management, 7(23), 45-58. (In Persian)
- Torfing, J.; Peterss, G.; Pierre, J. & Sorensen, E. (2012). Interactive

- governance: advancing the paradigm. Oxford: Oxford University Press.
- UN. Secretariat (2006). Definition of basic concepts and terminologies in governance and public administration, UN.
- Vais Moradi, A.; Akbari, P. & Fallahi, E. (2023). Presenting a popular model for evaluating employee performance with emphasis on the middle links of the second step of the data-based approach revolution, *Journal of Religion, Spirituality and Management Studies*, 19, 1-24. (In Persian)
- Word Bank (2000). *Cities in transition: A strategic view of urban and local government issues*. Infrastructure Group, Urban Development, Washington, DC: Word Bank.
- Yaghoubi, E; Noushirvan Baboli, P; Mohammadi, S. & Khan-Mohammadi, H. (2021). Analyzing the impact and impact of the most important issues of non-governmental organizations in Iran, *Strategic Studies of Public Policy*, 11(40), 74-100. (In Persian)
- Ziari, K.; Nikpi, V. & Hosseini, A. (2013). Measuring the level of citizen participation in urban management based on the model of good urban governance - a case study; Yasuj city. *Housing and Rural Environment*, 32(141), 69-86. (In Persian)
- Zohiri, A. (2019). Generational Transition in the Experience of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Research*. 8(1), 119-98. (In Persian)

قصد و انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت

فاطمه تنها

استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

f.tanhaa@ut.ac.ir

0009-0009-0464-9679

حبیبه بی بی رازقی نصرآباد

استادیار جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
hrazeghi@ut.ac.ir

0000-0002-0990-9689

چکیده

اهداف: باروری پایین یکی از مسائل مهم جمعیتی در ایران و بسیاری از کشورهای دنیا است. در سال‌های اخیر، علل و پیامدهای باروری پایین مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است؛ اما بررسی تمایلات باروری در گروه‌های مختلف سیاسی کمتر مورد توجه بوده است. هدف این پژوهش، شناسایی قصد و انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش‌های مختلف سیاسی است.

روش تحقیق: این پژوهش با رویکرد کیفی انجام شد و با ۲۱ زن متأهل در تهران از طریق نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه عمیق صورت گرفت. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که زنان با گرایش انقلابی و ولایتی تعداد فرزندان بیشتری داشته و قصد داشتند تا رسیدن به پنج فرزند فرزندآوری کنند. در مقابل، سایر زنان با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، داشتن بیش از دو فرزند را غیرمنطقی ارزیابی می‌کردند. این پژوهش دو مدل تصمیم‌گیری فرزندآوری را معرفی کرد: «فرزندآوری برای خود و حاکمیت» که میان زنان ولایتی و انقلابی غالب است و از عواملی چون دغدغه‌های ملی، پیروی از رهبری، دین‌مداری، و اعتماد نهادی به حاکمیت تأثیر می‌گیرد، و «فرزندآوری برای خود» که در میان زنان با سایر گرایش‌های سیاسی رایج است و تحت تأثیر هنجارهای دو فرزند، نامنی اقتصادی، و بی‌اعتمادی نهادی قرار دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌گذاران می‌توانند با اتخاذ تدابیر مؤثر، افزایش امنیت اقتصادی و حمایت از مادران، به افزایش نرخ باروری کمک کنند.

کلیدواژه‌ها: باروری، سیاست‌های کلی جمعیت، عوامل سیاسی، گرایش سیاسی، روش کیفی.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۵X / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/scs.2024.472639.1598



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد. و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

جمعیت تأثیرات گسترده‌ای بر جنبه‌های مختلف زندگی مانند محیط‌زیست، آموزش، اشتغال و رشد اقتصادی دارد. تنظیم جمعیت برای دستیابی به اهداف اقتصادی و اجتماعی همواره از برنامه‌های اصلی دولت‌ها بوده است (عزیزمحمدی و حمیدی دورباش، ۱۴۰۱). در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، کاهش باروری را تجربه کرده‌اند. این کاهش باروری و اثرهای آن بر ساختار سنی جمعیت، پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی مختلفی به همراه داشته و باعث توجه ویژه محققان و سیاستمداران به این موضوع شده است. پیش‌بینی‌های جمعیتی نشان داده‌اند که چگونه تغییرهای ساختار جمعیتی می‌تواند بر اقتصاد، دولت رفاه و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه تأثیر بگذارد (United Nations, 2021). در نتیجه، حفظ باروری در سطح جایگزینی یا بالاتر به یکی از اهداف مهم سیاست‌گذاری‌های جمعیتی و اجتماعی کشورها تبدیل شده است.

ارتقاء باروری به سطح جایگزینی تضمین می‌کند که تعداد نوزادان کافی برای حمایت و جایگزینی گروه‌های مسن‌تر جامعه به دنیا می‌آیند. این مسئله به‌ویژه در جوامعی که با سالخوردگی جمعیت مواجه‌اند، اهمیت دارد (United Nations, 2005). ایران نیز یکی از کشورهایی است که کاهش باروری را با سرعت بالایی تجربه کرده است. از سال ۱۳۷۹، ایران باروری حد جانشینی (میانگین ۲/۱ فرزند به ازای هر زن) و از نیمه اول دهه ۱۳۸۰ باروری زیر حد جانشینی را تجربه کرده است. این بدان معناست که جمعیت موجود نمی‌تواند خود را بازتولید کند و این موضوع می‌تواند در آینده به کاهش رشد جمعیت منجر شود. کاهش سریع باروری در دو دهه اخیر، تغییرهای قابل توجهی در ساختار سنی جمعیت ایران به وجود آورده و به تدریج کاهش عرضه نیروی کار و در نهایت کاهش کلی جمعیت را در پی خواهد داشت (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۹۹).

در واکنش به این چالش‌ها، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در ایران با هدف تقویت نهاد خانواده، انواعی از سیاست‌های جمعیتی را به کار گرفته‌اند. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳ و تصویب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ اشاره کرد. در بند اول سیاست‌های کلی جمعیت که توسط معظم له ابلاغ شده است بر ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح

جانشینی اشاره شده است. لازم است جهت اجرای این سیاست و افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی عوامل مرتبط و مؤثر بر رفتار باروری بررسی شود تا با شناخت این عوامل اقدامات لازم در جهت افزایش باروری صورت گیرد. در این خصوص بررسی تفاوت‌های اجتماعی و سیاسی در رفتارهای باروری ضروری است، چراکه سیاست‌های جمعیتی در خلأ عمل نمی‌کنند و تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی متفاوتی قرار دارند.

در همین راستا، این پژوهش به بررسی تأثیر گرایش‌های سیاسی بر فرزندآوری و رفتارهای باروری در میان افراد با دیدگاه‌های سیاسی مختلف می‌پردازد؛ موضوعی که کمتر مورد توجه محققان داخلی و خارجی قرار گرفته است. میدان مطالعه این تحقیق شهر تهران است. تهران به دلیل اهمیت سیاسی و جمعیتی خود که بیش از یک‌ششم جمعیت کشور را دربرمی‌گیرد، به عنوان محیط مناسبی برای این پژوهش انتخاب شده است. تهران همچنین به دلیل تنوع قومی، فرهنگی و سیاسی، و باروری پایین (میانگین ۱/۲ فرزند به ازای هر زن)، محیطی ایدئال برای بررسی تصمیم‌گیری‌های فرزندآوری در زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف به‌شمار می‌رود. این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و مصاحبه‌های عمیق به دنبال کشف لایه‌های پنهان تصمیم‌گیری در مورد فرزندآوری است. رویکرد کیفی می‌تواند به شناسایی محرک‌ها و موانع فرزندآوری در زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف کمک کند که در مطالعات کمی قابل شناسایی نیستند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند تا حدودی خلأ تحقیقاتی موجود را پوشش دهد و به غنای ادبیات مربوط به باروری در ایران بیفزاید. همچنین، این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات بیشتر در خصوص نقش عوامل سیاسی در تصمیمات باروری و سیاست‌گذاری مؤثر باشد.

۱. هدف پژوهش

هدف از این مطالعه، شناسایی قصد و انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش‌های مختلف سیاسی است.

۲. سؤال‌های پژوهش

در راستای این هدف ذکر شده، دو سؤال اساسی به شرح زیر مطرح است:

- ۱- قصد فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف چگونه است؟
- ۲- انگیزه و دلایل فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف چیست و این

افراد تصمیم‌های فرزندآوری خود را در بستر سیاسی اقتصادی کنونی جامعه چگونه تفسیر می‌کنند؟

۳. پیشینه پژوهش

مطالعه عبداللهی و رحیمی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که بخشی از نگرش و رفتار باروری پایین به رویکرد انتقادی در خصوص موانع پیش‌روی فرزندآوری به سیاست‌گذاری و مسئولان مربوط معطوف است.

مطالعه میرابی و همکاران (۱۳۹۹) نشان از این دارد که زندگی در ایران، نداشتن اطمینان به آینده ایران و بی‌ثباتی اجتماعی در ایران از جمله موانع فرزندآوری در بین نمونه زنان متأهل مورد بررسی بوده است.

مطالعه عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که بین امنیت اقتصادی عینی و امنیت اخلاقی (آسیب‌های اجتماعی) و قصد فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد. نگرانی از آسیب‌های اجتماعی شامل نگرانی از شیوع اعتیاد جوانان، شیوع رفتارهای پرخطر جنسی، طلاق در جامعه و... باعث می‌شود حتی در بین کسانی که به لحاظ اقتصادی شرایط مناسبی دارند، تصمیم‌گیری برای فرزندآوری چالش‌برانگیز شود، و افرادی که نگرانی بیشتری از شیوع آسیب‌های اجتماعی داشته باشند، به دلیل ناامن تلقی کردن شرایط جامعه، قصد فرزندآوری بیشتر ندارند.

نتایج مطالعه مزینانی و محمدیان (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که افزایش نااطمینانی اقتصادی دولت باعث کاهش نرخ باروری در دوره زمانی و مکانی مورد بررسی شده است، به طوری که در مدل‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت اثر این شاخص بر نرخ باروری معنادار است.

مطالعه شمس‌قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که اقتصاد متزلزل متأثر از تورم لجام‌گسیخته و بی‌ثباتی اقتصادی، از یک‌سو منجر به بی‌اعتمادی به دولت می‌شود و از سوی دیگر باعث استقبال سرد از سیاست‌های تشویق فرزندآوری می‌شود. مطالعه مدیری و تنها (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که پاسخگویانی که امنیت سیاسی و اقتصادی پایینی را تجربه می‌کنند، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند.

نتایج پژوهش شمس‌قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) بر روی نمونه‌ای از زنان و مردان شهر اصفهان نشان داده است که بیم و هراس‌های اقتصادی و آینده‌هراسی، تصمیم به فرزندآوری را درگیر محاسبات مبتنی بر عقلانی بودن ابزاری کرده و با تغییر ارزش فرزندآوری، تمایل به فرزندآوری را کاهش داده است.

مطالعه علی‌مندگاری و رازقی نصرآباد (۱۴۰۱) در شهر یزد نشان داد که به‌رغم اطلاع از مخاطره‌های فرزندآوری، مصاحبه‌شوندگان آن را مایه اطمینان و خیر و برکت و دارای ارزش‌های مذهبی و خانوادگی بیان کردند.

نتایج مطالعه تاج‌بخش (۱۴۰۳) با بررسی دیدگاه نخبگان از تمایل زوجین به فرزندآوری نشان داد که احساس ناامنی در بعد هزینه‌های زندگی با ۷۲/۴ درصد و احساس ناامنی در بعد مالی و درآمدی با ۶۱/۴ درصد از مهمترین عوامل کاهش تمایل زوجین به فرزندآوری از دیدگاه نخبگان می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مطالعات اندکی به تأثیر مستقیم بی‌ثباتی سیاسی بر باروری پرداخته‌اند. پرلی هریس^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود در مورد باروری پایین در اوکراین تأکید کرد: بی‌ثباتی‌های سیاسی که منجر به آنومی‌های اجتماعی و شکست در هنجارهای اجتماعی شده از عوامل اساسی کاهش باروری به سطوح پایین است. اوکراین یک جامعه تحصیل کرده است که در آن پدر و مادر ایده کیفیت را ارتقاء داده‌اند. اوکراینی‌ها نه به دلیل اینکه شرایط ملزومات فرزندآوری را ندارند بلکه به دلیل اینکه کنترل‌شان را بر محیط اطراف‌شان از دست داده‌اند نمی‌خواهند بچه دیگری به دنیا بیاورند. در واقع تأخیر یا پرهیز از فرزندآوری بیش از اینکه یک پاسخی به نگرانی‌های مادی باشد، یک واکنش روان‌شناختی به شرایط آنومیک و بی‌اطمینانی اجتماعی است (عباسی‌شوازی و دیگران، ۱۳۹۹).

فیدر و هوپر^۲ (۲۰۱۸) مطالعه‌ای در زمینه اثر نگرش سیاسی بر باروری در برخی از کشورهای جهان با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی انجام داده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده است که در ایالات متحده یک ارتباط U شکل بین نگرش سیاسی و تعداد فرزندان وجود دارد؛ افراد دارای گرایش سیاسی قوی یا افراط‌گرایانه چپ و راست، به‌طور میانگین، تعداد فرزندان بیشتری نسبت به افراد با نگرش سیاسی متوسط دارند. به‌علاوه، بالاترین میانگین تعداد کودکان در افراد با گرایش راست قوی دیده می‌شود. باین‌حال این مطالعه نشان داد این الگوی کلی برای همه کشورهای بررسی شده در این مطالعه صادق نیست. بر اساس داده‌های سال ۲۰۱۳ کشور، ایران از جمله کشورهایی است که افراد با گرایش سیاسی راست قوی، باروری بالاتری نسبت به افراد با گرایش‌های سیاسی چپ و متوسط دارند. گرچه ضریب تعیین به‌دست آمده قابل توجه نیست (حدود ۰/۰۰۸)؛ اما به‌لحاظ

1. Perelli-Harris

2. Fieder and Huber

آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار است. با وجود این، جهت‌گیری و گرایش سیاسی تنها نسبت بسیار کمی از واریانس در فرزندآوری را توضیح می‌دهد. مطالعه دال^۱ و همکاران (۲۰۲۲) در ایالات متحده آمریکا نشان از اثر تغییرات در رهبری سیاسی بر باروری دارد که باعث تغییرات شدید در سیاست‌های عمومی و باورهای حزبی و عمومی در مورد آینده می‌شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ و تغییر در قدرت سیاسی بر تصمیمات خانواده‌ها بر فرزنددار شدن اثر گذاشته است. ایالت‌های جمهوری خواه، افزایش شدید و مداوم باروری را نسبت به ایالات‌های دموکرات تجربه کردند یعنی تغییری بین ۲/۱ تا ۲/۲ درصد در نرخ باروری. علاوه بر این، اسپانیایی‌ها کاهش بیشتر در باروری نسبت به غیر اسپانیایی‌ها داشته‌اند، به‌ویژه در مقایسه با سفیدپوستان روستایی. نویسندگان این مقاله از اصطلاح «باروری وطن‌پرستانه^۲» برای توضیح افزایش باروری در ایالت‌های جمهوری خواه استفاده کردند که نشان از اثر سیاست بر تصمیمات افراد با گرایش سیاسی راست بر باروری دارد.

در انتها باید گفت مطالعات انگشت‌شماری در زمینه نقش عوامل سیاسی بر تمایل به فرزندآوری در کشورهای مختلف انجام شده است؛ اما در خصوص موضوع این پژوهش اطلاعات و داده‌های بسیار اندکی در ایران وجود دارد، در نتیجه حضور در میدان و مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان و افراد جامعه آماری این پژوهش که زنان متأهل در سن باروری ساکن شهر تهران می‌باشند، می‌تواند به غنای ادبیات موجود در این حوزه کمک شایانی بکند.

۴. مبانی نظری

به‌منظور دستیابی به چهارچوب مفهومی در ارتباط با نقش عوامل سیاسی در تصمیمات باروری، در این بخش به مرور سه نظریه اصلی که می‌تواند به تحلیل نیت و رفتارهای باروری کمک کند، پرداخته می‌شود. این نظریات شامل: (۱) نظریه انتخاب عقلانی، (۲) نظریه اجتناب از خطر، (۳) تبیین نهادی باروری هستند که به‌عنوان چهارچوب نظری این پژوهش استفاده می‌شوند.

۴-۱. نظریه انتخاب عقلانی

نظریه انتخاب عقلانی، والدین را به‌عنوان عاملانی عقلانی در نظر می‌گیرد که به شیوه‌ای

1. Dahl

2. Partisan Fertility

منطقی و با ارزیابی هزینه‌ها و فواید فرزندآوری تصمیم می‌گیرند. این نظریه فرض می‌کند که افراد با تحلیل هزینه‌ها و منافع ناشی از داشتن فرزند، به دنبال افزایش حداکثری رفاه خود هستند. در این نظریه، عواملی همچون هزینه‌های بالای فرزندپروری، شرایط اقتصادی ناپایدار و مشکلات اجتماعی از جمله عواملی هستند که موجب کاهش تمایل به فرزندآوری می‌شوند (Androka, 1978, p. 27). طبق این دیدگاه، افراد به دلیل بار سنگین هزینه‌های مالی و فرصت‌های ازدست‌رفته، ممکن است تصمیم بگیرند تعداد فرزندان خود را محدود کنند. همچنین، خانواده‌ها در مواجهه با شرایطی مانند افزایش هزینه‌های مسکن، تحصیل و خدمات بهداشتی، تصمیم می‌گیرند از داشتن فرزندان بیشتر صرف‌نظر کنند یا آن را به تعویق بیندازند؛ بنابراین، در این نظریه، تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان عمدتاً تحت تأثیر عوامل اقتصادی قرار دارد و باروری به‌مثابه تصمیمی عقلانی در نظر گرفته می‌شود که باید بهینه شود (Andorka, 1978, p. 27).

۴-۲. نظریه اجتناب از خطر

نظریه اجتناب از خطر که از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار نشئت می‌گیرد (Becker, 1960, 1973, 1981)، بُعد دیگری را به فرایند تصمیم‌گیری اضافه می‌کند: بُعد بی‌اطمینانی و ریسک. بر اساس این نظریه، افراد علاوه بر ارزیابی هزینه‌ها و منافع فعلی، با بی‌اطمینانی‌های زیادی نسبت به آینده روبرو هستند که آن‌ها را وادار می‌کند از تصمیمات برگشت‌ناپذیری مثل فرزندآوری اجتناب کنند. مک‌دونالد (۲۰۰۲) بیان می‌کند که زوج‌ها با ارزیابی هزینه‌ها و منافع فرزندآوری در آینده تصمیم به باروری می‌گیرند و از آنجاکه این هزینه‌ها و منافع عمدتاً نامشخص هستند، افراد در مورد آینده اطمینان ندارند. بی‌اطمینانی نسبت به ثبات شغلی، بازار کار و شرایط اقتصادی باعث می‌شود که جوانان تمایل کمتری به ازدواج و فرزندآوری داشته باشند و این تصمیمات را به تأخیر بیندازند. در نتیجه، هرچه ریسک‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش یابد، افراد بیشتر تمایل به تأخیر در تصمیمات باروری دارند (Sobotka & et al., 2010, 2018; Fiori & et al., 2013). افزایش ناامنی اقتصادی، بحران‌های شغلی و کاهش پس‌اندازها در شرایط فعلی، باعث می‌شود افراد به آینده خود و فرزندانشان نامطمئن باشند و همین امر بر کاهش تمایل به باروری تأثیر می‌گذارد. در این شرایط، افراد ترجیح می‌دهند به جای ازدواج و فرزندآوری، به کسب سرمایه انسانی و مهارت‌های شغلی بپردازند تا بتوانند ریسک‌های آینده را کاهش دهند (Arnstein & et al., 2021; Kohler & et al., 2004; McDonald, 1996).

۳-۴. تبیین نهادی باروری

تبیین نهادی باروری، که توسط جفری مک‌نیکل (۱۹۸۰) مطرح شده است، بیان می‌کند که نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه بر رفتارهای باروری تأثیر می‌گذارند. مک‌نیکل نقش مهمی برای دولت قائل است، و معتقد است که دولت‌ها از طریق سیاست‌ها و قوانین خود می‌توانند رفتارهای باروری افراد را تغییر دهند (حسینی، ۱۳۹۲). بر اساس این نظریه، نهادهای اجتماعی و سیاسی همچون دولت، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های باروری دارند. فرهنگ جامعه، هنجارهای حاکم بر جنسیت، و نقش‌های اجتماعی افراد در خانواده و جامعه می‌توانند به شدت بر تمایلات باروری و تصمیم‌گیری‌های مربوط به فرزندآوری تأثیرگذار باشند (Branisa & et al., 2014)؛ برای مثال، در جوامعی که هنجارهای اجتماعی تعداد کمتری فرزند را ترویج می‌کنند، افراد تمایل دارند به این هنجارها پیروی کرده و تعداد فرزندان خود را محدود کنند. مک‌نیکل همچنین اشاره می‌کند که دولت‌ها می‌توانند از طریق اعمال سیاست‌هایی مانند افزایش هزینه‌های فرصت یا ایجاد شرایط قانونی و اجرایی، رفتارهای باروری را تحت تأثیر قرار دهند و حتی بر تصمیم‌گیری‌های افراد در زمینه فرزندآوری تأثیر بگذارند (McNicol, 1980, p. 441). با تکیه بر این نظریات، پژوهش حاضر تلاش دارد رفتارهای باروری را در بافتی پیچیده و چندوجهی از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی کند. برخلاف رویکردهای پوزیتیویستی که به دنبال اثبات یا رد نظریه‌ها هستند، در این مطالعه کیفی، نظریه‌های مطرح شده پایه‌ای قوی برای تحلیل عمیق‌تر و درک بهتر تصمیمات فرزندآوری فراهم می‌کنند. این نظریه‌ها نه تنها به حساسیت محقق در فرایند گردآوری داده‌ها کمک می‌کنند بلکه به عنوان چهارچوبی برای تحلیل و تفسیر داده‌ها به کار می‌روند (Strauss & Corbin, 1997؛ محمدپور، ۱۳۸۹).

۵. روش پژوهش

با توجه به هدف مطالعه که شناسایی درک زنان با گرایش‌های مختلف سیاسی از اهمیت فرزندآوری و نقش عوامل سیاسی در قصد فرزندآوری است؛ بنابراین رویکرد این پژوهش کیفی است. میدان پژوهش حاضر، شهر تهران است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف هستند که در سن باروری قرار دارند. ابتدا به شیوه نمونه‌گیری هدفمند با چند نفر از هر گروه یا جناح سیاسی مصاحبه انجام شد. در مرحله بعد از طریق این افراد سایر افراد نمونه به شیوه گلوله

برفی شناسایی شدند. به این صورت که از افراد در انتهای هر مصاحبه خواسته شد تا زنان دیگری را جهت شرکت در مطالعه معرفی کنند. در این پژوهش، نمونه‌گیری تا سطح اشباع داده‌ها ادامه یافت. داده‌های مورد نیاز پژوهش از طریق انجام مصاحبه عمیق از اردیبهشت ۱۴۰۳ آغاز گردید و به مدت ۲ ماه به طول انجامید.

اجرای مصاحبه‌ها به این صورت بود که در ابتدا محقق معرفی کوتاهی از خود و موضوع تحقیق داشت در صورت موافقت با مصاحبه زمان مصاحبه تعیین شد. همه مصاحبه‌ها به صورت تلفنی انجام شد. قبل از شروع مصاحبه به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اسامی و اطلاعات خصوصی آنها کاملاً محرمانه است. تعدادی از شرکت‌کنندگان در مطالعه تمایلی به ضبط مصاحبه نداشته؛ لذا اطلاعات در حین مصاحبه توسط مصاحبه‌کننده یادداشت شد.

به منظور گردآوری اطلاعات تلاش شد از راهنمای بحث و یا سؤالات اصلی و محوری که هدف اصلی پژوهش می‌باشند استفاده شود. سؤالات از کل به جزء طرح گردید تا شرکت‌کنندگان به تدریج وارد بحث شوند؛ لذا به تدریج در حین مصاحبه تلاش شد تا سؤالات پرسیده شود. با توجه به حساسیت موضوع، سؤالات مربوط به گرایش سیاسی در پایان مصاحبه زمانی که مشخص شد شرکت‌کننده احساس راحتی داشته و بدون نگرانی و راحت به سؤالات پاسخ می‌دهد و به عبارتی اعتماد لازم را به دست آورد، پرسیده شد. به منظور مشخص کردن گرایش سیاسی مصاحبه‌شونده سؤال مستقیم پرسیده شد و از او خواسته شد که بگوید در کدام یک از گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه از جمله اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه و... قرار دارد. مصاحبه‌ها به طور متوسط ۳۵ دقیقه طول کشید. با طرح سؤالات محوری به شرکت‌کنندگان در پژوهش کمک شد تا تجربیات زنده خود را توصیف کنند، همچنین از طریق گفتگوهای عمیق تلاش شد به‌دنیای شرکت‌کنندگان وارد شده تا به تجربیات آن‌ها دسترسی پیدا کنیم. محور اصلی سؤالاتی که پرسیده شد عبارت بود از: قصد دارید چند فرزند به دنیا بیاورید؟ چه دلایلی باعث شده است تصمیم بگیرید صاحب فرزند (بیشتر) شوید؟ چه دلایلی باعث شده که تصمیم بگیرید فرزندان کمتری داشته باشید؟ اقدامات سیاستمداران و مسئولان در ابعاد مختلف چگونه در قصد فرزندآوری شما نقش داشته است؟ همچنین به منظور تقویت و تکمیل پاسخ‌ها از سؤالات تکمیلی و توضیحی مانند: آیا مورد دیگری هم هست؟ ممکن است بیشتر توضیح دهید؟ و... استفاده شد.

گرایش‌هایی که در این مطالعه نام برده می‌شود مبتنی بر نظر زنان است دیدگاه

خود خود را به چه گروهی نزدیک می‌دانستند. در مجموع ۲۱ مصاحبه انجام شد که از این ۲۱ مصاحبه ۵ مصاحبه با زنان با گرایش انقلابی و ولایی، ۴ مصاحبه با زنان با گرایش اصول‌گرا، ۴ مصاحبه با زنان با گرایش میانه، ۴ مصاحبه با زنان با گرایش اصلاح‌طلب و ۴ مصاحبه با زنان بی‌طرف بود.

برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها، از تحلیل مضمون استفاده شد که روشی مناسب برای داده‌های متنی است. مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش تحلیل مضمون از نظر براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) به شرح زیر است: ۱- آشنایی با داده‌ها، ۲- استخراج کدهای اولیه، ۳- شناسایی تم‌ها، ۴- بررسی تم‌ها، ۵- تعریف تم‌ها، ۶- ارزیابی و نتیجه‌گیری. واحد تحلیل در این مطالعه، کل مصاحبه‌ها بود. متن همه مصاحبه‌ها خوانده شده و نکات و جملات مهم و یادداشت شد. سپس از جملات خوانده شده کدهای اولیه استخراج گردید. هر یک از مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد. در مرحله بعد بر اساس تفاوت‌ها و تشابهات در کلمات کلیدی، درون‌مایه فرعی انتخاب شدند. با اضافه شدن هر مصاحبه تکرار شد و کدها و طبقات اصلاح گردید. در نهایت بر اساس ارتباط بین درون‌مایه فرعی و با به‌کارگیری کدگذاری انتخابی، مقولات اصلی انتخاب شدند.

برای دستیابی به اعتبارپذیری از سه روش استفاده شد:

- ۱- روش مقایسه تحلیل که در این روش به داده‌های خام مراجعه شد تا الگو داده‌ها با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود.
- ۲- تکنیک اعتباریابی توسط اعضاء که از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی آن را ارزیابی کرده و در مورد آن نظر دهند.
- ۳- بازرسی خارجی؛ یافته‌ها توسط دو ناظر بررسی و تأیید شده است. در این پژوهش موارد متعددی از نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان به‌منظور باورپذیر کردن یافته‌های پژوهش بیان شده است.

۶. یافته‌های پژوهش

در این مطالعه با ۲۱ زن با گرایش‌های مختلف سیاسی مصاحبه به‌عمل آمد. میانگین سن زنان شرکت‌کننده در مطالعه ۳۴ سال است. سطح تحصیلات از دیپلم تا دکتری، تعداد فرزند از بدون فرزند تا ۳ فرزند، وضعیت مالی از ضعیف تا متوسط روبه‌بالا و وضعیت اشتغال شامل شاغل، خانه‌دار و دانشجو می‌باشد. ویژگی مصاحبه‌شوندگان به

تفکیک متغیرهایی چون سن، سن ازدواج، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایدئال، تحصیلات و وضعیت مالی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	اسم ^۱	سن ازدواج	تعداد فرزند	سن فرزند	تعداد ایدئال فرزند	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت مالی	گرایش سیاسی
۱	مهسا	۴۰	۳۸	۰	-	۴	کارشناسی ارشد	متوسط روبه بالا	انقلابی
۲	زهرا	۳۴	۲۷	۲	۳-۵	۴ یا ۵	کارشناسی ارشد	متوسط	اصول‌گرا
۳	مریم	۲۶	۱۹	۱	۴	۴	کارشناسی	متوسط	میانه
۴	فاطمه	۴۶	۱۸	۳	۱۵-۲۴	۴	کارشناسی ارشد	متوسط روبه پایین	انقلابی
۵	محدثه	۴۴	۲۹	۲	۱۰-۱۲	۲	کارشناسی ارشد	متوسط روبه بالا	بی طرف
۶	شیوا	۲۸	۱۸	۳	۱-۳-۷	۵	حوزوی	متوسط روبه بالا	انقلابی
۷	ملیکا	۳۷	۲۰	۳	۳-۶-۱۰	۴	کارشناسی	متوسط	اصول‌گرا
۸	مبینا	۴۰	۲۱	۲	۱۰-۱۴	۳	کاردانی	متوسط روبه پایین	اصول‌گرا
۹	ریحانه	۳۰	۲۹	۰	-	۲ تا ۳	کارشناسی	متوسط	میانه
۱۰	راضیه	۴۰	۲۰	۲	۹-۱۸	۲	کاردانی	متوسط	میانه
۱۱	هورا	۳۳	۱۹	۳	۵-۱۰	۴ تا ۵	کارشناسی ارشد	متوسط روبه پایین	انقلابی
۱۲	هستی	۳۸	۲۴	۲	۸-۱۲	۲	دیپلم	ضعیف	بی طرف
۱۳	یاسمن	۳۳	۲۵	۲	۲/۵-۵	۲	کارشناسی	متوسط روبه ضعیف	بی طرف
۱۴	یسنا	۳۳	۲۹	۰	-	۲	دکتری	متوسط روبه بالا	بی طرف
۱۵	سارا	۳۶	۲۳	۲	۴-۹	۲	دیپلم	متوسط	اصول‌گرا
۱۶	محیا	۲۳	۱۷	۲	۲-۴ ماه	۵	دیپلم	متوسط	انقلابی
۱۷	نرگس	۲۹	۱۸	۲	۳/۵-۷	۲ تا ۳	دیپلم	متوسط روبه بالا	میانه

۱. اسامی ذکر شده مستعار می‌باشد.

ردیف	اسم ^۱	سن	سن ازدواج	تعداد فرزند	سن فرزند	تعداد ابدنال فرزند	تحصیلات	وضعیت اشتغال	وضعیت مالی	گرایش سیاسی
۱۸	نیره	۳۴	۲۸	۱	۱	۲	دکتری	شاغل	متوسط	اصلاح طلب
۱۹	مهديه	۳۹	۲۷	۱	۱۰	۱	کارشناسی	شاغل	متوسط روبه بالا	اصلاح طلب
۲۰	زینب	۲۷	۲۵	۰	-	۲	دیپلم	دانشجو	متوسط روبه پایین	اصلاح طلب
۲۱	سوسن	۲۴	۲۳	۰	-	۲	کارشناسی	خانه دار	متوسط	اصلاح طلب

۶-۱. قصد فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف

یکی از سؤالات اساسی مطرح در این پژوهش این بود که قصد و تمایل فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف چگونه است؟ یافته‌ها نشان داد که زنان با گرایش‌های انقلابی و ولایی نسبت به سایر گروه‌ها تمایل بیشتری به داشتن تعداد فرزندان بیشتر (۴ تا ۵ فرزند) داشتند. این تمایل مستقل از شرایط اقتصادی آن‌ها بود؛ به طوری که حتی زنانی با وضعیت اقتصادی متوسط روبه پایین نیز همین تمایل را داشتند. در مقابل، سایر زنان (اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه‌رو و بی‌طرف) داشتن بیش از دو فرزند را در شرایط اقتصادی و اجتماعی کنونی کشور منطقی نمی‌دانستند و مطابق با هنجار تعمیم‌یافته در سطح جامعه تمایل به محدود کردن تعداد فرزندان خود به دو فرزند داشتند.

۶-۲. انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف

سؤال دیگر پژوهش به این موضوع اختصاص داشت که انگیزه و دلایل فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف چیست و چگونه تصمیمات خود را در بستر سیاسی و اقتصادی کنونی تفسیر می‌کنند؟ از تحلیل سخنان زنان با گرایش انقلابی و ولایی، ۵ مقوله اصلی و ۱۵ مقوله فرعی مرتبط با انگیزه‌های فرزندآوری استخراج شد که از ارتباط این مقولات، مضمون نهایی «فرزندآوری برای خود و حاکمیت» احصاء گردید. زنان با این گرایش‌ها، انگیزه‌های خود را در راستای تبعیت از رهبری، دغدغه ملی، دین‌مداری، اعتماد به حاکمیت و عدم تأثیرپذیری از تغییرات دولت‌ها بیان کردند. در مقابل، زنان با گرایش‌های اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه‌رو و بی‌طرف، دیدگاه‌های مشترکی در مورد فرزندآوری داشتند. از تحلیل سخنان این گروه نیز ۱۶ درون‌مایه و ۴ مضمون اصلی استخراج شد که مضمون نهایی «فرزندآوری برای خود»

از ارتباط این مقولات به دست آمد. مضامین اصلی این گروه عبارت بودند از: تسلط هنجار دو فرزندی، ناامنی اقتصادی، عدم اعتماد نهادی و ناامنی سیاسی. در ادامه مضامین مستخرج از انگیزه فرزندآوری زنان در قالب دو بخش انگیزه‌های فرزندآوری زنان با گرایش انقلابی و ولایی و سایر گرایش‌های سیاسی شرح داده شده است.

۶-۲-۱. انگیزه‌های فرزندآوری در بین زنان با گرایش انقلابی و ولایی

در جدول ۲، درون‌مایه اصلی و فرعی از انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش سیاسی انقلابی به باروری ارائه شده است. تحلیل انگیزه‌های فرزندآوری در زنان با گرایش انقلابی و ولایی: از تحلیل سخنان این زنان، ۵ درون‌مایه اصلی در انگیزه‌های فرزندآوری استخراج شد که شامل تبعیت از رهبری، دغدغه ملی، بازتاب دین‌مداری در تصمیمات، اعتماد به حاکمیت و عدم تأثیر تغییرات سیاسی بود. این مضامین نشان‌دهنده این است که زنان با گرایش انقلابی و ولایی، تصمیمات خود را بر اساس وظیفه دینی و ملی گرفته و هدف آن‌ها فرزندآوری نه فقط برای خود بلکه در راستای منافع حاکمیت نیز است.

جدول (۲): درون‌مایه‌های اصلی و فرعی تمایل به فرزندآوری زنان با گرایش انقلابی و ولایی

ردیف	درون‌مایه اصلی	درون‌مایه‌های فرعی
۱	فرزندآوری برای تبعیت از رهبری	قبول بیانات و دیدگاه‌های رهبری - کاهش نگرانی رهبری در حوزه باروری - افزایش جمعیت شیعیان - انجام وظیفه در قبال بیانات رهبری
۲	دغدغه ملی	کمبود نیروی انسانی در آینده - ملاحظات مرتبط با سالمندی جمعیت - ملاحظات مرتبط با امنیت ملی
۳	بازتاب دین‌مداری در تصمیمات فرزندآوری	توکل بر خدا برای غلبه بر مشکلات اقتصادی - قناعت در هزینه‌های فرزندپروری - عدم تحمل‌گرایی در هزینه‌های فرزندپروری ت احساس امنیت از آینده فرزندان
۴	اعتماد نهادی به حاکمیت در حمایت از فرزندآوری	رضایت نسبی از اجرای سیاست‌های حمایت از فرزندآوری
۵	عدم تأثیر تغییر دولت و بحران‌های سیاسی در تصمیمات فرزندآوری	عدم تأثیر تغییرات سیاسی - موقتی بودن بحران‌های سیاسی

الف) فرزندآوری برای تبعیت از رهبری

زنان با گرایش انقلابی و ولایی اظهار داشتند که علاقه قلبی به رهبری و تأکيدات ایشان در زمینه افزایش جمعیت، مهم‌ترین عامل تمایل آن‌ها به فرزندآوری است و به دلیل تبعیت از سخنان ایشان، احساس انجام وظیفه در مقابل بیانات رهبری و کاهش نگرانی‌های رهبری در زمینه جمعیت و فرزندآوری، قصد فرزندآوری بیشتر دارند. بسیاری از آن‌ها اظهار داشتند که در صورت عدم توصیه رهبری، تمایل به داشتن ۴ یا ۵ فرزند نداشتند. در این خصوص شیوا ۲۸ ساله می‌گوید: «گر حرف آقا نبود شاید می‌گفتم همین ۳ تا بچه برام کافیه چون از هر دو جنس هم بچه دارم. اما خب با توجه به حرف‌های آقا و خدا و روزی و نعمت‌هایی که خدا بهمون داده می‌خوام ۴ یا ۵ تا بچه داشته باشم». فاطمه ۴۶ ساله که فرزند سوم خود را با فاصله زیاد از فرزند اول به دنیا آورده است در این خصوص می‌گوید: «من به خاطر حرف آقا بچه آوردم با اینکه بچه اولم بزرگ بود ۲۲ سالش بود دانشجو بود؛ اما با همسرم گفتیم باید به حرف آقا گوش بدیم».

افرادی که گرایش خود را انقلابی و ولایی عنوان کردند بر این نظر بودند که ضمن تبعیت از سخنان رهبری، در زمینه افزایش جمعیت، وظیفه مهمی بر عهده شیعیان است و به این علت فارغ از وجود یا عدم وجود امکانات لازم، تمایل داشتند فرزندان بیشتری داشته باشند. هورا ۳۳ ساله در این زمینه می‌گوید: «من احساس وظیفه می‌کنم که بچه چهارم و پنجم رو بیارم و وظیفه خودم می‌دونم که نسل شیعه رو افزایش بدم. چون ۳ تا دارم خیلی برای خودم ملاک نیست و به خاطر خودم نمی‌خوام بچه بیشتر بیارم ولی از اون ور با همسرم به توافق رسیدیم که وظیفه داریم به خاطر حرف‌های آقا جمعیت شیعیان رو زیاد کنیم». سارا ۳۶ ساله می‌گوید: «اگه فقط خودم بودم خب همین ۲ تا بچه کافی بود؛ اما فکر می‌کنم می‌بینم این حداقل کاری که می‌تونم برای جامعه شیعی و رهبرم انجام بدم اینه که بچه بیارم. حتماً رهبری هم چیزی میدونن از آینده که می‌گن بچه بیاریم».

ب) دغدغه ملی

زنان با گرایش انقلابی و ولایی با تأیید سخنان رهبری و توصیه‌های مسئولان و سیاستمداران در زمینه اهمیت افزایش جمعیت و باروری، بر این نظر بودند که در صورت کاهش باروری و فرزندآوری زنان، مشکلاتی برای کشور در آینده ایجاد خواهد شد. از نظر آن‌ها مشکلاتی همچون کمبود نیروی انسانی برای کار، نیروی انسانی سرباز

و مشکل امنیت برای کشور و سالمندی جمعیت، مشکلاتی هستند که کشور در صورت کاهش فرزندآوری در آینده با آن‌ها دست‌به‌گریبان خواهد بود. بدین‌منظور آن‌ها برای کاهش این مشکلات تمایل به فرزندآوری بیشتر داشته و اطرافیان را نیز به این کار تشویق می‌کنند. فاطمه ۴۶ ساله می‌گوید: «مقام معظم رهبری بحث نیروی انسانی، سرباز و جمعیت شیعه را مطرح می‌کنند. اینکه ایشون این بحث رو دارند به نظرم درسته. آدم الان دور و برش رو نگاه می‌کنه هر کسی یکی یا دو تا بچه بیشتر نداره و یک‌سری مشکلاتی دارند. اینکه ایشون دغدغه‌شون بحث جمعیت هست به نظر من واقعا مسئله مهمی هست در جامعه و ما در آینده به مشکل بر می‌خوریم». محیا ۲۳ ساله می‌گوید: «خیلی مهمه وضعیت جمعیت. ما می‌دونیم که آینده به پیری جمعیت دچار می‌شیم. ممکنه جمعیت ما کمتر و کمتر بشه. باید افراد بخوان تعداد بچه بیشتر بیارن که مشکل زیاد در آینده پیش نیاد».

پ) بازتاب دین‌مداری در تصمیم‌های فرزندآوری

افراد با گرایش انقلابی و ولایی ضمن بیان اینکه آن‌ها نیز مثل بسیاری از افراد دیگر جامعه با مشکلات اقتصادی مانند نداشتن مسکن مناسب دست‌به‌گریبان هستند، با تأکید بر آموزه‌های دینی در زمینه روزی‌رسان بودن خداوند اذعان داشتند که با داشتن فرزند بیشتر با توکل و ایمان به خداوند بر مشکلات اقتصادی غلبه می‌کنند. آن‌ها بیان کردند که در هزینه‌های فرزندپروری قناعت پیشه کرده و تجمل‌گرایی در این زمینه ندارند. برخی نیز با تأکید بر آموزه‌های دینی به بیان تجربیاتی از فرزندآوری خود در زمینه روزی‌رسان بودن خداوند پرداختند و بیان کردند با افزایش تعداد فرزندان، شرایط اقتصادی آن‌ها نیز بهبود یافته است. در این خصوص شیوا ۲۸ ساله می‌گوید: «هن وقتی تصمیم گرفتم که ۳ تا بچه رو داشته باشم این خونه و ماشین رو نداشتم که بحث همون روزی هست که مال ایناست. ما با توکل رفتیم و خدا خودش روزی‌هاش رو از غیب بهمون رسوند. آدم قناعت کنه مشکلات اقتصادی هم حل میشه». افراد انقلابی و ولایی با تأکید بر آموزه‌های دینی نسبت به آینده فرزندان خود نگران نبودند و بیان کردند که شرایط موجود کشور و نگرانی‌های معمول از آینده فرزندان مانع تمایل آن‌ها برای فرزندآوری بیشتر نیست. این افراد ضمن بیان اینکه شرایط زندگی آینده فرزندان آن‌ها تحت کنترل آن‌ها نیست، توکل بر خداوند را وسیله‌ای برای افزایش احساس امنیت نسبت به آینده فرزندان خود در ابعاد مختلف عنوان کردند. هورا ۳۳ ساله می‌گوید: «درسته الان مشکلات زیاده هم اقتصادی هم

فرهنگی هم تربیتی برای بچه‌داری هست و آدم از آینده مطمئن نیست. ولی خب ایمان ما می‌تونه کمک بکنه به ما. ما یکی از سنگین‌ترین وزنه‌های زندگی مون ایمان و توکمون هست. هرچقدر اعتقاد قوی داره که خدا کمک میکنه این مشکلات نمی‌تونه مشکل ایجاد کنه خیلی».

ت) اعتماد نهادی به حاکمیت در حمایت از فرزندآوری

در خصوص تأثیر قانون جوانی جمعیت و مشوق‌های مالی برای فرزندآوری، افراد با گرایش انقلابی و ولایی بیان کردند که فرزندآوری آن‌ها مستقل از وجود یا عدم وجود مشوق‌های مالی است. با این حال از اجرای قانون جوانی جمعیت و اعطای مشوق‌های مالی برای فرزندآوری حمایت کردند. در این زمینه شیوا ۳۳ ساله می‌گوید: «این قانون جدید اثری در بچه آوردن من نداره. من فقط به خاطر حرف آقا می‌خوام بچه بیارم، ولی می‌گم این قانوناً خوبه. این قانوناً شاید یه سری آدمایی که اعتقاد قوی ندارن و نمی‌خوان رو حرف رهبر بچه بیان رو ممکنه تشویق کنه». برخی نیز با بیان تجربیات مثبتی که از اطرافیان دیده بودند، اعلام کردند که به نحوه اجرای این قانون و اعطای مشوق‌های مالی اعتماد دارند و شاهد این هستند که افرادی از اطرافیان آن‌ها توانستند از این مشوق‌ها استفاده کنند. مهسا ۴۰ ساله می‌گوید: «دیدم دور و برم که از این تسهیلات استفاده کردن هم وام گرفتن هم ماشین. خب اجرا شدنش که داره اجرا میشه الان».

ث) عدم تأثیر تغییر دولت و بحران‌های سیاسی در تصمیمات فرزندآوری

مصاحبه‌شوندگانی که گرایش سیاسی خود را انقلابی و ولایی معرفی کردند، بیان کردند که تغییرات سیاسی جامعه از جمله تغییر دولت، وجود بحران‌های سیاسی و عملکرد مسئولان و سیاستمداران در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، خللی در کاهش تمایل آن‌ها به فرزندآوری ایجاد نخواهد کرد. آن‌ها عنوان کردند از آنجایی که بیانات رهبری فارغ از شرایط سیاسی موجود و تغییر دولت‌هاست خود را ملزم به تبعیت از سخنان ایشان در شرایط مختلف سیاسی و اقتصادی می‌دانند. در این خصوص محیا ۲۳ ساله می‌گوید: «هر کی که عوض بشه تو این مملکت و هر شرایطی که باشه آقا که هستن خدا ایشون رو حفظ کنن. هر چی تغییر کنه امر ایشون که هست و تغییر نمی‌کنه. ما هر چی آقا بگه انجام می‌دیم». همچنین شیوا ۳۳ ساله می‌گوید: «ما تو این ۴۵ ساله کم بحران نداشته مملکتمون. همه اینا موقته. این بحران‌ها و مشکلات نمی‌تونه مانع بشه من بچه نیارم چون می‌دونم همه‌ش موقته».

۲-۲-۶. تحلیل انگیزه فرزندآوری در زنان با گرایش سیاسی اصول‌گرا،

اصلاح‌طلب، میانه و بی‌طرف

همان‌طور که پیشتر اشاره شد زنان با گرایش سیاسی اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه و بی‌طرف دیدگاه مشابهی نسبت به اهمیت فرزندآوری و تصمیم‌های باروری داشتند و تصمیمات باروری آنها را ۱۶ درون مایه و ۴ مضمون اصلی شکل بخشیده که از ارتباط آنها مضمون «فرزندآوری برای خود» استخراج شده است. مضامین اصلی عبارت‌اند از: تسلط هنجار دو فرزندی، ناامنی اقتصادی، عدم اعتماد نهادی و ناامنی سیاسی.

جدول (۳): درون مایه اصلی و فرعی انگیزه فرزندآوری زنان با گرایش اصول‌گرا،

اصلاح‌طلب و میانه و بی‌طرف

ردیف	درون مایه اصلی	درون مایه‌های فرعی
۱	تسلط هنجار دو فرزندی	پذیرش هنجار دو فرزندی، عمومیت هنجار دو فرزندی در جامعه
۲	ناامنی اقتصادی	هزینه‌های بالای فرزندپروری، نگرانی از آینده شغلی و اقتصادی فرزندان، نداشتن مسکن مناسب، عدم توانایی پس‌انداز برای آینده فرزندان، ناامیدی از بهبود شرایط اقتصادی کشور.
۳	عدم اعتماد نهادی	ناکارآمدی آموزش و پرورش، مدیریت ناکافی فضای فرهنگی و تربیتی جامعه، ناکافی بودن حمایت از فرزندآوری، عدم تأثیر مشوق‌های مالی، عدم اعتماد به اجرای درست مشوق‌های مالی، عدم اعتماد به سازمان‌ها جهت ترکیب وظایف مادری و شغلی.
۴	ناامنی سیاسی	عدم رضایت از عملکرد مسئولان، عدم امیدآوری نسبت به آینده کشور، عدم تأثیر قابل توجه تغییرات سیاسی بر فرزندآوری.

الف) تسلط هنجار دو فرزندی

برخی مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که ظرفیت روحی و روانی پذیرش بیشتر از دو فرزند را ندارند. سال‌ها تبلیغ دو فرزندی باعث شده که داشتن دو فرزند به شکل هنجار درآمده و تعدادی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کردند که داشتن بیش از ۲ فرزند را منطقی نمی‌دانند. همچنین این افراد بیان کردند که خانواده و اطرافیان نیز این هنجار

را پذیرفته و در صورت داشتن فرزند بیشتر مورد نکوهش قرار می‌گیرند. در خصوص تسلط هنجار دو فرزندگی ۳۷ ساله می‌گوید: «الان اگه سه تا بچه داشته باشی میگن طرف دیوونه ست. دیگه فوقش دو تا. میخوای چه کار سه تا بچه رو. انگار بیشتر آدم‌ها قبول کردن که باید دو تا بچه داشته باشی. من الان سه تا دارم همیشه فامیل و خاله‌هام میگن آخه میخواستی چی کار سه تا بچه رو».

ب) ناامنی اقتصادی

در بین اثر عوامل سیاسی بر فرزندآوری، مهم‌ترین نکاتی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند نسبت به عملکرد اقتصادی سیاستمداران و تبعات آن در زندگی خانواده و فرزندانشان بود. از آنجایی که حجم قابل‌توجهی از اقتصاد ما اقتصاد دولتی است و اقدامات دولتمردان و سیاستمداران مختلف در این زمینه می‌تواند تغییرات فراوانی را در وضعیت معیشت و شرایط مالی افراد ایجاد کند، بیشتر مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که عملکرد اقتصادی مسئولان بر داشتن فرزند یا فرزندان بیشتر آن‌ها اثر منفی داشته است. برخی از مصاحبه‌شوندگان ضمن اذعان به تفاوت‌های موجود بین نیازهای خودشان در زمان کودکی و نیازهای فرزندانشان در شرایط کنونی جامعه بیان کردند که هزینه‌های فرزندپروری افزایش یافته و در شرایط موجود اقتصادی این اطمینان را ندارند که آیا امکان برآوردن نیازهای فرزندانشان را در آینده دارند یا خیر؟ برخی نیز بیان کردند زمانی که صاحب فرزند می‌شدند درکی از آینده شرایط اقتصادی کشور نداشتند و اگر به عقب بازگردند حتی از تعداد فرزندان کنونی خود نیز کم می‌کنند. در این باره نرگس ۲۹ ساله می‌گوید: «بچه سومم رو در شرایطی به دنیا میارم که شرایط اقتصادی خوبه. می‌دونم می‌تونم در آینده خواسته‌هایم رو برآورده کنم. بچه‌های ما الان چند سال دیگه یه گوشی موبایل می‌خوان کلی هزینه دارن». هستی ۳۸ ساله در زمینه اثر ناامنی و شرایط اقتصادی بر فرزندآوری می‌گوید: «من خیلی از دوستانم بچه تک‌فرزند دارن به من میگن خیلی اشتباه کردی دومی رو آوردی میگم خب اون موقع شرایط فرق داشت این طوری نبود. شاید اگه منم می‌خواستم تو این شرایط بچه بیارم دومی رو نمی‌آوردم. نمی‌خوام ناشکری کنم. ولی واقعاً تو این شرایط اقتصادی بود اصلاً بچه دومم رو نمی‌آوردم».

مصاحبه‌شوندگان بر این باور بودند که وجود مشکلات اقتصادی در نتیجه عملکرد نادرست سیاستمداران، موجب نگرانی‌های آنان از آینده شغلی و وضعیت مالی فرزندانشان در بزرگسالی شده است. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند در صورتی که

اطمینان کافی از آینده شغلی و مالی فرزندانمان داشته باشند ممکن است تمایل به داشتن فرزند بیشتر (عمدتاً فرزند سوم) را داشته باشند. در این زمینه راضیه ۴۰ ساله می‌گوید: «من الان بچه بزرگم دیگه باید بره سرپازی و بعد بره سرکار. نمی‌دونم تو این شرایط جامعه قراره چی بشه. کاری برایش هست یا نه. موفق میشه یا نه. اینها همه برای آدم نگرانیه خوب. نمیشه که همین‌جوری بچه بیاری بدون اینکه فکر کنی آینده‌ش تو این کشور چی میشه».

از جمله مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن به‌عنوان یکی از پیامدهای منفی عملکرد سیاستمداران و مسئولان کشور بر فرزندآوری آن‌ها اشاره کردند، مشکلات مرتبط با حوزه مسکن بود. از نظر آن‌ها در صورت داشتن فرزند بیشتر باید مسکن بزرگ‌تری داشته باشند و تورم در حوزه مسکن توسط مسئولان و سیاستمداران کنترل شود. برخی نیز با اشاره به هزینه‌های فراوان اجاره مسکن در شهر تهران، داشتن مسکن و صاحب‌خانه‌شدن را شرط داشتن فرزند بیشتر بیان کردند. در این باره یاسمن ۳۳ ساله می‌گوید: «ما به زندگی رو با همسر شروع کردیم. مدت‌ها مستأجر بودیم. الان به خونه کوچیک تهیه کردیم که دیگه مستأجر نباشیم. فقط برای اینکه مستأجر نباشیم و گرنه خونه‌مون خیلی کوچیکه. برای ۴ نفرمون هم جا نیست چه برسه بخوام بچه بیشتر بیارم».

مصاحبه‌شوندگان با اشاره به تورم و مشکلات اقتصادی کشور بیان کردند که امکان پس‌انداز برای آینده فرزندان خود را ندارند و این را یکی از عوامل نگرانی برای آینده فرزندان موجود و عدم تمایل به داشتن فرزندان بیشتر عنوان کردند. آنان بیان کردند که نسبت به آینده فرزندان که به دنیا می‌آورند مسئول هستند و باید از کودکی فرزندان خود به فکر هزینه‌های تحصیل در دانشگاه و ازدواج آنان باشند و در شرایط موجود و افزایش هزینه‌های مصرفی خانواده، امکان این پس‌انداز یا وجود نداشته و یا کاهش یافته است. در این خصوص راضیه ۴۰ ساله می‌گوید: «گه قیمت‌ها روزبه‌روز بیشتر نشه. بدونم می‌تونم برای آینده بچه‌م کاری کنم خوب بیشتر احتمال داره بچه سوم رو بیارم. نه اینکه چیزهای اولیه رو هم نتونم برایشون فراهم کنم. کلاس‌هایی که میرن روزبه‌روز گرون‌تر نشه و نمیتونم هیچ پس‌اندازی برای آینده‌شون داشته باشم».

برخی از مصاحبه‌شوندگان با توجه به عملکرد اقتصادی سیاستمداران مختلف در دوره‌های مختلف سیاسی (دولت‌های مختلف) بیان کردند که امیدی به بهبود شرایط کلان اقتصادی ندارند. این عدم امیدواری از نظر آن‌ها نتیجه ناکارآمدی سیاستمداران در حوزه اقتصادی، تصمیم‌های نادرست توسط مسئولان و سیاستمداران و تجربه

اثرهای نامطلوب تصمیم‌های نادرست اقتصادی مسئولان در زندگی آن‌ها و اطرافیان‌شان می‌باشد. آن‌ها بیان کردند که عدم امیدواری به بهبود شرایط کلان اقتصادی کشور باعث می‌شود که در تصمیم به داشتن بیشتر از ۲ فرزند تردید داشته باشند. یاسمن ۳۳ ساله می‌گوید: «من دارم می‌بینم که یه سری آدم تحصیلکرده با تحصیلات بالا صبح تا شب دارن می‌دون ولی ۱۰ تومن حقوق می‌گیرن؛ مثلاً ۸ تومن فقط اجاره میدن. من آدم‌هایی رو دارم می‌بینم که شب می‌خوابه صبح بلند میشه سرمایه‌ای نداره عملاً خب خیلی تقصیر دولت و حکومت هست. ببین شما همین قضیه بورس رو ببینید چقدر ملت امید داشتن که وضعیتون خوب میشه. من تو دور و بریام میشناسم که ماشینش رو فروخت. منم خودم همین‌طور سرمایه‌م رو از دست دادم. من خودم همیشه می‌گفتم ۳ تا ۴ تا بچه داشته باشیم؛ اما الان میگم همینا رو بتونم تأمین کنم برام بسه. وقتی میگم بچم مثل من قراره صبح تا شب تو این جامعه بدویه برای یه لقمه نون خب چه کاریه گناه داره برای چی بیارمش تو این جامعه».

پ) عدم اعتماد نهادی

از جمله مواردی که مصاحبه‌شوندگان نسبت به اثر عملکرد مسئولان و سیاستمداران بر تمایل به فرزندآوری خود اشاره کردند، عملکرد مسئولان در نظام آموزش و پرورش بود. بسیاری از زنان شرکت‌کننده در مطالعه به ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش در حوزه تربیت فرزندان خود اشاره کردند. برخی از آن‌ها عنوان کردند که تحول در حوزه تربیتی در نظام آموزش و پرورش می‌تواند با ایجاد حدی از دلگرمی و اطمینان خاطر از جهت تربیت فرزندان در محیط بیرون از خانه، نگرانی آن‌ها نسبت به تربیت فرزندان حاضر و تربیت فرزندانی که قصد دارند به دنیا آورند را کاهش دهد. آن‌ها بیان کردند که اتخاذ و اعمال سیاست‌های درست و کارآمد تربیتی در نظام آموزش و پرورش می‌تواند از عوامل ایجاد انگیزه برای فرزندآوری آن‌ها و یا کاهش تأخیر در فرزندآوری آن‌ها باشد. برخی از مصاحبه‌شوندگان که افراد مذهبی بودند در تلاش بودند تا جهت محافظت از فضاهای فرهنگی و تربیتی نامناسب مدارس دولتی، فرزندان خود را در مدارس مذهبی ثبت‌نام کنند که هزینه‌های فراوان ثبت‌نام در این مدارس از جمله گلیه‌های آن‌ها بود. زهرا ۳۴ ساله می‌گوید: «خیلی بحث آموزش و پرورش تأثیر داره. هم تو خانواده‌هایی که هنوز میتونن بچه‌دار بشن یه خورده خیالشون راحت میشه اگه آموزش و پرورش ما درست بشه هم از نظر تحصیل هم از نظر تربیتی یه کم دغدغه‌شون کم میشه. هم خیالشون از بچه‌ای که الان دارن راحت میشه هم بچه‌ای که میخوان به دنیا بیارن یه کم خیالشون

راحت‌تر میشه. می‌بینن حکومت و دولت پیگیرن مدرسه‌ها درست باشن و خوب. خیال من رو میتونن یه کم راحت کنن». در این خصوص محدثه ۴۴ ساله می‌گوید: «خیلی چیزها از کنترل خانواده‌ها خارج شده. حالا ما هم تلاش می‌کنیم از بچه‌هامون حمایت کنیم باهاشون دوست باشیم که این مشکلات تربیتی و فرهنگی کمتری داشته باشن. من تا حالا بچه‌م دبستان بوده ولی اگه بره متوسطه اول تو این مدرسه‌ها که می‌شنویم معلوم نیست چه اتفاقی براش بیفته. شنیدم خیلی افتضاحه شرایط مدارس متوسطه. باید بیشتر مدیریت کنن. ما که نمیتونیم کاری برای مدرسه‌ها بکنیم».

از جمله مواردی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند عملکرد مسئولان و احساس عدم اعتماد و ناامنی از عملکرد آنان در حوزه اجتماعی و فرهنگی بود. بیشتر مصاحبه‌شوندگان فضای فرهنگی و تربیتی موجود در جامعه (شهر تهران) را برای تربیت فرزندانشان منفی ارزیابی کردند. این ارزیابی منجر به نگرانی‌هایی از تربیت فرزندان که دارند و یا فرزندان که قصد به دنیا آوردن آن‌ها را دارند شده بود. از آنجایی که فضای فرهنگی جامعه تحت کنترل والدین نمی‌باشد، این افراد بیان کردند که در حوزه فرهنگی، ناکارآمدی قابل توجهی در مدیریت مسئولان وجود دارد و نسبت به عملکرد مسئولان و سیاستمداران در حوزه فرهنگی و تربیتی اعتماد لازم را ندارند. مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که انجام اقدامات فرهنگی و تربیتی برای محافظت فرزندانشان از وجود انواع ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فرهنگی و تربیتی، منوط به اقدامات لازم توسط مسئولیت و سیاست‌گذاران است. در این زمینه نیره ۳۴ ساله می‌گوید: «من آینده کشورم رو خیلی نگران‌کننده می‌بینم. حتی شرایط فرهنگی. الان یه دختر ۱۵-۱۶ ساله رو تو خیابون میبینی به راحتی داره سیگار میکشه خیلی واقعا نگران‌کننده‌ست. حالا اقتصادی به جای خود. تو این شرایط بچه داشتن نگرانی‌های خودش رو داره».

با توجه به اینکه در سال‌های اخیر خصوصاً بعد از تصویب قانون حمایت از جوانی جمعیت، اقداماتی جهت حمایت از مادران و تشویق فرزندآوری شده است، بخشی از سوالات مربوط به بررسی امنیت سیاسی بر فرزندآوری مرتبط به نگرش مصاحبه‌شوندگان نسبت به عملکرد مسئولان در اجرای این قوانین و اثر آن بر تمایل به فرزندآوری آن‌ها بود. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که به دلیل عدم اعتماد به عملکرد مسئولان در حوزه‌های مختلف، نسبت به اجرای درست قوانین تشویقی فرزندآوری اعتماد لازم را ندارند. تعدادی از آن‌ها با اذعان به اهمیت این تشویق‌ها، تجربیات ناموفقی از عدم دریافت این تشویق‌های برای خود و اطرافیان خود عنوان

کردند که منجر به افزایش عدم اعتماد در اجرای درست این قوانین شده بود. به این سبب، آن‌ها در صورت تصمیم به داشتن فرزند بیشتر از فرزندان‌ی که در زمان مصاحبه داشتند، بر روی دریافت مشوق‌های مالی از جانب دولت امیدوار نبودند. در این خصوص یاسمن ۳۳ ساله چنین می‌گوید: «من خیلی اعتمادی به این اجرای قانون‌های جوانی جمعیت ندارم. من برای همین بچه دوم که دارم تلاش کردم که وام بگیرم؛ اما به نتیجه نرسیدم». مهدیه ۲۷ ساله نیز می‌گوید: «من از ۱۰۰ درصد ۲۰ درصد این اعتماد رو داشته باشم که مسئولان بتونن این قانون جوانی جمعیت رو اجرا کنن. خیلی نمیتونم بهشون اعتماد کنم. خصوصاً اینکه قانون برای بچه بالای ۳ تا ۴ تا بچه ست. الان کمتر کسی این ریسک رو میکنه که به خاطر این قانون بچه بیاره».

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ضمن بیان اینکه خود و یا اطرفیان خود از تسهیلات فرزندآوری مانند وام و خرید خودرو استفاده کردند، عنوان کردند که میزان حمایت‌های تشویقی فرزندآوری در مقابل هزینه‌های فرزندآوری و نگرانی آن‌ها نسبت به هزینه‌های فرزندان در آینده کفایت نمی‌کند. آن‌ها تأکید داشتند که دولت‌ها و حکومت باید تشویق‌های دیگری که می‌تواند تا حدودی نگرانی نسبت به هزینه‌های دوران بارداری و نگرانی از آینده فرزندان‌شان را تأمین کند، به خانواده‌ها اعطا کنند. در این زمینه سارا ۳۶ ساله می‌گوید: «واقعاً من خیلی چیزی این مسئولان رو باور نمی‌کنم. من یکی از دوستانم بچه‌ش رو بعد ۱۴۰۰ به دنیا آورد ۶۰ میلیون بهش دادن. به نظر شما تو این شرایط ۶۰ میلیون چیزی میشه تو این جامعه تهیه کرد. نه میشه روش حساب کرد بابت رهن خونه و وسیله زیر پات». زینب ۲۷ ساله می‌گوید: «من دیدم دور و بر خودم تسهیلات میدن ماشین گرفتن؛ اما اینکه آدم به خاطر یه وام اندکی که میدن بخواد بچه بیاره که به نظرم یک کار احمقانه ست. چون مقدارشم آنقدر نیست که بتونه پشتوانه بچه باشه».

مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که مشوق‌های مالی فرزندآوری که در قانون جوانی جمعیت وجود دارد تأثیری بر تصمیم آن‌ها برای فرزند بیشتر ندارد. یاسمن ۳۳ ساله می‌گوید: «حقیقتاً در مورد خودم این تشویق‌های مالی نمی‌تونه در بچه داشتن من اثر داشته باشه. من خودم سر همین بچه دومم که به دنیا اومد. من ماشین ثبت‌نام کردم و به اسمم دراومد؛ اما برای وام کلی رفتیم و اومدیم آخرش همسرم گفت نم‌بخوام مگه چقدره که من این همه بابتش تحقیر بشم؛ اما می‌شناسم کسانی که رفتن و گرفتن». هستی ۳۸ ساله می‌گوید: «دیدم چند نفر رو ماشین ثبت‌نام کردن و وام گرفتن خب این یعنی داره انجام میشه این حمایت‌ها؛ اما در رابطه با خودم اگر قصد داشته باشم

بچه میارم حالا اگر حمایتی از دولت بود که می‌گیرم اگر نبود که هیچی. به‌خاطر این قانون من بچه نمیارم».

برخی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند با وجود اینکه مشوق‌های مالی اعطایی برای فرزندآوری اثری بر تصمیم‌گیری آن‌ها برای داشتن فرزندان بیشتر ندارد؛ اما دریافت این مشوق‌ها می‌تواند دلگرمی برای آن‌ها بعد از فرزندآوری باشد. در این خصوص ریحانه ۳۰ ساله می‌گوید: «درسته این وام‌هایی که میدن نمی‌تونه باعث بشه بچه بیارم. آخه کی به‌خاطر ۴۰ میلیون و ۶۰ میلیون بچه میاره. ولی باز به دلگرمی برای من مادر میشه که می‌دونم مهمه من بچه آوردم. باز به یه زخم کوچیکی میشه زد این پول رو».

برخی از مصاحبه‌شوندگان نسبت به نوع حمایت و تشویق فرزندآوری توسط سیاستمداران و مسئولان انتقاد داشتند. این مصاحبه‌شوندگان خودشان از مادران شاغل بودند و یا اینکه قصد داشتند در آینده وارد بازار کار شوند. این افراد بیان کردند که سیاست‌های درست برای حمایت از مادران اتخاذ نشده است و نسبت به حمایت دولت و مسئولان از مادران شاغل بی‌اعتماد هستند. آن‌ها عنوان کردند که باید سیاست‌های کامل‌تری از جانب مسئولان برای حمایت از فرزندآوری اتخاذ شود و صرف پرداخت مبلغی وام نمی‌تواند مادران را تشویق به فرزندآوری کند. این افراد بیان کردند که در صورتی که حمایت‌های لازم از دولت و مسئولان در خصوص مراقب از فرزندان و حمایت از زنان برای انجام وظایف مادری و شغلی در کنار یکدیگر انجام شود، ممکن است در آینده بتوانند فرزندان بیشتری داشته باشند. در این خصوص سارا ۳۶ ساله می‌گوید: «خب من مادر بعد تموم شدن مرخصی زایمان کسی رو ندارم بچه رو نگه داره. خونه مامانم شهرستانه. خونه خواهرم دوره. من دسترسی به کسی ندارم بچه من رو نگهداره. یا باید با خودم ببرم مهدکودک. یا ببرم سر کار. مگه اصلاً این امکانات بچه‌داری در سر کار من هست. تا حالا هیچ کاری نشده برای حمایت از مادران. فقط چند ساله در موردش حرف می‌زنن. فقط به وام و ماشین که نمیشه. اصلاً زیرساخت جوانی جمعیت تو کشور ما نیست».

ت) ناامنی سیاسی

از جمله مضامین مشترک و پرتکراری که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، نارضایتی از عملکرد مسئولان و سیاستمداران بود. این نارضایتی تقریباً در بیشتر ابعاد از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و موارد دیگر وجود داشت. نکته مورد توجه در این بخش این است که این نارضایتی از دولت‌های مختلف که بر روی کار آمدند بیان شد. در این خصوص یسنا ۳۳ ساله چنین می‌گوید: «مسائل اقتصادی، تربیتی و شرایط

مناسب جامعه برای بچه‌دار شدنم مهمه. اگر از نظر جامعه و کشور شرایط خوبی داشتیم بچه‌دار می‌شدیم. چون کلاً مخالف یه دونه بچه هستیم. یا شرایط جور باشه دو یا ۳ تا بچه نه اینکه کلاً بچه نداشته باشیم. با توجه به این شرایط جامعه ترجیح میدیم کلا هیچی نباشه». مبینا ۴۰ ساله می‌گوید: «خیلی زیاد تورم و ایرادات سیاسی و اقتصادی تو جامعه است. با اینکه ما خودمون خانواده مذهبی هستیم تو همه انتخابات شرکت کردیم. همیشه از انقلاب دفاع کردیم؛ اما با این حال خیلی مشکلات در مملکت هست و خیلی نواقص تو تصمیمات سیاستمداران وجود داره. خیلی این تصمیمات نادرست سیاسی اثرگذار بود تو حوزه اقتصادی که این تورم‌ها رو ایجاد کرد. اگه اینا نبود خب شاید آدم بچه می‌آورد».

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان همزمان با بیان ناراضیاتی نسبت به عملکرد مسئولان و سیاستمداران اعلام کردند که نسبت به آینده سیاسی کشور و تصمیمات سیاسی در حوزه‌های مختلف امیدوار نیستند. این عدم امیدواری نسبت به آینده سیاسی کشور، ترس و نگرانی نسبت به آینده فرزندان را برای آن‌ها ایجاد کرده بود. همچنین، عدم امیدواری نسبت به آینده سیاسی کشور در سال‌های اخیر با افزایش تورم اقتصادی و تغییرات اجتماعی افزایش یافته بود. نرگس ۲۹ ساله می‌گوید: «من یه خورده ترس دارم. شاید نصف دلیل اینکه بچه سومم رو نمی‌ارم به این دلیله. چون نمی‌دونم چی می‌خواد بشه. نمی‌دونم اوضاع جامعه چطور میشه. ولی سر بچه دوم اوضاع جامعه این نبود این ترس رو نداشته‌م؛ اما سر بچه سوم ترس دارم. چون نمیدونم آینده بچه‌م چی میشه چون هیچی مون معلوم نیست اینجا».

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که تغییر شرایط سیاسی، برای مثال تغییر دولت‌ها (اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب)، تغییری در تمایل به فرزندآوری آن‌ها ندارد و آنها تعداد ایدئال فرزندان خود را فارغ از تغییرات سیاسی و تغییرات دولت‌ها می‌دانند. با توجه به اینکه تعداد ایدئال فرزندان همه مصاحبه‌شوندگان بالاتر از ۲ فرزند بود، آن‌ها داشتن ۲ فرزند را مستقل از شرایط سیاسی کشور بیان کردند. با این حال برخی از آنها عنوان کردند بهبود شرایط اقتصادی ناشی از عملکرد مسئولان و افزایش اعتماد آنها نسبت به تصمیم‌ها و عملکرد مسئولان کشور می‌تواند در تصمیم آن‌ها برای تولد فرزند سوم و یا تولد زودتر فرزند دوم اثرگذار باشد. در این خصوص سارا ۳۶ ساله می‌گوید: «من ۳ تا بچه می‌خوام. حالا شرایط سیاسی مملکت هر چی باشه. بحران باشه یا نباشه یا هر کی سر کار بیاد برام فرقی نداره. به نظرم کلاً این که کی بیاد سر کار فرقی نداره مهم تصمیمات اونهاست. حالا اگر شرایط خود باشه بینه مملکت اوضاعش خوبه فرزند سوم رو زودتر می‌ارم».

نتیجه‌گیری

باروری پایین یکی از مسائل چالش‌برانگیز جمعیتی در ایران و بسیاری از کشورهای جهان است. در سال‌های اخیر، محققان به‌طور گسترده به بررسی علل و پیامدهای باروری پایین پرداخته‌اند؛ اما توجه کمتری به تفاوت‌های تصمیم‌های باروری در گروه‌های مختلف سیاسی معطوف شده است. این مقاله با هدف شناسایی درک زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف از فرزندآوری و بررسی نقش عوامل سیاسی در قصد فرزندآوری آنها نگاشته شد. به‌منظور دستیابی به این هدف، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ زن از گرایش‌های سیاسی مختلف انجام شد تا به دو پرسش کلیدی پاسخ داده شود.

پرسش اول این بود که قصد فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف چگونه است؟ نتایج نشان داد که زنان با گرایش‌های انقلابی و ولایی، در زمان انجام تحقیق، نسبت به سایر مصاحبه‌شوندگان فرزندان بیشتری داشتند و تعداد مطلوب فرزندان برای آنان بین ۴ تا ۵ فرزند بود. همچنین، این گروه از زنان قصد داشتند در آینده فرزندان بیشتری به دنیا بیاورند تا به معیارهای خود در زمینه باروری دست یابند. درمقابل، زنان با گرایش‌های اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه‌رو و بی‌طرف، با توجه به شرایط کنونی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، داشتن بیش از دو فرزند را غیرمنطقی می‌دانستند و قصد داشتند مطابق با هنجار رایج، دو فرزند داشته باشند.

پرسش دوم به انگیزه‌ها و دلایل فرزندآوری زنان با گرایش‌های سیاسی مختلف و چگونگی تفسیر این افراد از تصمیم‌های باروری خود در بستر سیاسی و اقتصادی کنونی جامعه می‌پرداخت. تحلیل‌های کیفی از مصاحبه‌ها به شناسایی دو مدل تصمیم‌گیری باروری منجر شد. نخست، مدل «فرزندآوری برای خود و حاکمیت» در میان زنان با گرایش‌های ولایی و انقلابی غالب بود. این زنان به ترکیبی از انگیزه‌های فردی و جمعی، اعم از ملی و مذهبی، برای فرزندآوری اشاره داشتند. در تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، پنج مضمون اصلی شناسایی شد: تبعیت از رهبری، دغدغه‌های ملی، بازتاب دین‌مداری در تصمیم‌های فرزندآوری، اعتماد نهادی به حاکمیت و بی‌تأثیری بحران‌های سیاسی و تغییر دولت‌ها در تصمیم‌های فرزندآوری. یافته‌ها نشان داد که تصمیم‌های باروری این گروه از زنان به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر آموزه‌های دینی و توصیه‌های رهبران مذهبی، به‌ویژه تأکیدهای مقام معظم رهبری بر افزایش جمعیت قرار دارد. با وجود اذعان به مشکلات اقتصادی و تربیتی، این زنان انگیزه بالایی برای حمایت از حاکمیت از طریق افزایش تعداد فرزندان داشتند. این

نتیجه با یافته‌های فیدر و هوبر (۲۰۱۸) همخوانی دارد که نشان داد افراد با گرایش‌های سیاسی راست قوی، تمایل بیشتری به فرزندآوری نسبت به گرایش‌های چپ و میانه دارند. افزون‌براین، ارتباط بین گرایش مذهبی و تمایل به باروری بیشتر، مطابق با مطالعات مدیری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۴) و حاج‌علی و همکاران (۱۳۹۷) بود. از منظر دیدگاه نهادی باروری مکنیکل (۱۹۸۰)، این مدل باروری را می‌توان تحلیل کرد. مکنیکل تأکید می‌کند که تحلیل رفتار باروری در هر کشور باید با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی آن کشور انجام شود؛ زیرا ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به‌طور مستقیم بر رفتار باروری افراد تأثیر می‌گذارند و واکنش‌های جمعیتی متفاوتی در جوامع مختلف ایجاد می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۰). نقش رهبری سیاسی و مذهبی و تأکیدهای ایشان بر افزایش جمعیت، واکنش ویژه‌ای در میان زنان با گرایش‌های ولایی و انقلابی ایجاد کرده است. این زنان، به‌دلیل التزام ایدئولوژیک به رهبری، علی‌رغم مشکلات اقتصادی و اجتماعی، خود را ملزم به افزایش تعداد فرزندان می‌دانند. شرکت‌کنندگان مکرراً به سخنان رهبری اشاره داشتند و فرزندآوری خود را به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی تلقی می‌کردند. این یافته‌ها با رویکرد نهادی (Baughn & et al., 2006). نیز همخوانی دارد؛ در این رویکرد، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد با هنجارها و انتظارات اجتماعی سازگار می‌شوند و فرزندآوری به‌عنوان یک کنش سیاسی تلقی می‌شود.

درمقابل، مدل «فرزندآوری برای خود» در میان زنان با گرایش‌های اصول‌گرا، اصلاح‌طلب، میانه‌رو و بی‌طرف غالب بود. مضامین اصلی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها شامل تسلط هنجار دو فرزندی، ناامنی اقتصادی، عدم اعتماد نهادی و ناامنی سیاسی بود. این نتایج با نظریه اجتناب از خطر که یکی از نظریه‌های برگرفته از نظریه انتخاب عقلانی و اقتصاد جدید خانوار است، هم‌راستا است. طبق این نظریه، وجود مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های اجتماعی و اقتصادی، موجب شده است که این زنان از آینده فرزندان خود در ابعاد مختلف اقتصادی و تربیتی اطمینان کافی نداشته باشند و برای جلوگیری از مواجهه با مخاطره‌های احتمالی، تمایلی به داشتن تعداد بیشتری فرزند نداشته باشند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات میرابی و همکاران (۱۳۹۹)، عباسی‌شوازی و همکاران (۱۳۹۹)، مزینانی و محمدیان (۱۳۹۹)، شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۰)، مدیری و تنها (۱۴۰۱)، شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۱) و تاج‌بخش (۱۴۰۳) که نشان دادند ناامنی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجب کاهش تمایل به فرزندآوری شده است، همخوانی دارد.

در این مطالعه تلاش شد تا با تمرکز بر عوامل سیاسی و مذهبی به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیم‌های فرزندآوری، درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری نیت فرزندآوری در میان زنان با گرایش‌های مختلف سیاسی حاصل شود. این مطالعه همچنین به بررسی تفاوت‌های چشمگیر میان نگرش‌های زنان با گرایش‌های ولایی و انقلابی نسبت به سایر گروه‌های سیاسی پرداخته و نقش مؤلفه‌های سیاسی و ایدئولوژیک را در این زمینه برجسته کرده است. باوجوداین، پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز است. ازجمله اینکه این مطالعه تنها بر روی نمونه محدودی از زنان متمرکز شده و ممکن است نتایج آن به سایر گروه‌های اجتماعی یا مناطق جغرافیایی تعمیم‌پذیر نباشد. ازاین‌رو، تحقیقات آتی می‌توانند با گسترش دامنه تحقیق به گروه‌های مختلف اجتماعی، قومی و جغرافیایی به درک کامل‌تر و جامع‌تری از این پدیده دست یابند.

پیشنهادها

درنهایت، با توجه به یافته‌های این پژوهش و در جهت دستیابی به اصل اول سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری که به جوانی جمعیت و افزایش باروری به بالای سطح جانشینی اشاره دارد، راهکارهایی زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- اتخاذ سیاست‌های جامع در زمینه تقویت امنیت اقتصادی و ثبات شغلی؛
- ۲- بهبود فضای تربیتی از طریق اصلاحات بنیادی در نظام آموزشی و فرهنگی؛
- ۳- تعامل سازنده میان مسئولان و جامعه برای ایجاد اعتماد و امنیت سیاسی؛
- ۴- طراحی و اجرای برنامه‌های حمایتی ویژه برای زنان شاغل، ازجمله مشوق‌های مالی و تسهیلات مربوط به ترکیب وظایف شغلی و مادری؛
- ۵- انجام اقدامات رسانه‌ای اثرگذار جهت تشویق به فرزندآوری و کاهش تسلط هنجار دو فرزندی در جامعه.

فهرست منابع

- تاج‌بخش، غلامرضا (۱۴۰۳). واکاوی دیدگاه نخبگان از تمایل زوجین به فرزندآوری با تأکید بر سیاست‌های کلی جمعیت. *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، انتشار آن‌لاین ۱۷ خرداد ۱۴۰۳.
- حاج علی، سعیده؛ سیدمیرزایی، سیدمحمد و مهدوی، سید محمدصادق (۱۳۹۷). بررسی تأثیر دینداری، حمایت اجتماعی و تحصیلات بر گرایش به باروری زنان. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۶(۱۳)، ۲۷-۴۲.
- حسینی، حاتم (۱۳۹۲). *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- سوفالچین لنگرودی، عاطفه و عینی زیناب، حسن (۱۳۹۸). بررسی چند متغیره تغییرات باروری ویژه سنی مقطعی در ایران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۴(۲۸)، ۴۵-۶۷.
- شمس قهفرخی، فریده؛ عسگری‌ندوشن، عباس؛ عینی‌زیناب، حسن؛ روحانی، علی و عباسی‌شوازی، محمدجلال (۱۴۰۱). دوراهی تصمیم به فرزندآوری: واکاوی چالش‌های فردی و اجتماعی فرزندآوری در بستر باروری پایین در شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳(۴): ۱-۲۸.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال؛ رازقی‌نصرآباد، حجه بی‌بی و حسینی‌چاوشی، میمنت (۱۳۹۹). امنیت اقتصادی - اجتماعی و قصد باروری در شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۵(۲۹)، ۲۱۱-۲۳۸.
- عبداللهی، عادل و رحیمی، علی (۱۳۹۶). بر ساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزندآوری و موانع پیش‌رو: مطالعه موردی کاربران اینترنتی. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰(۷۷)، ۳۵-۶۰.
- عزیزمحمدی، سیمین و حمیدی‌دورباش، زهرا (۱۴۰۱). نقش دولت در تغییرات نرخ باروری در ایران از منظر متغیرهای اقتصادی. *دوفصلنامه تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، ۸(۲۲)، ۱۳۳-۱۵۲.
- علی‌مندگاری، ملیحه و رازقی‌نصرآباد، حجه بی‌بی (۱۴۰۱). فرزندآوری، دوگانه‌انگاری مخاطره و اطمینان: مطالعه کیفی در شهر یزد. *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ۱۱(۴۵)، ۴۰۳-۴۳۶.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *فراروش، بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی*

در علوم اجتماعی و رفتاری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
مدیری، فاطمه و تنها، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی تأثیر احساس امنیت بر رفتار ایده‌آل و قصد فرزندآوری در شهر تهران. *مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۴(۴)، ۹۳-۱۱۵.

مدیری، فاطمه و رازقی نصرآباد، حجه بی بی (۱۳۹۴). بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۰(۲۰)، ۱۲۸-۱۶۳.
مزینانی، عاطفه و محمدیان، نجمه (۱۳۹۹). تأثیر نااطمینانی اقتصادی بر نرخ باروری ایران (در دوره زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۸). *مطالعات امنیت اقتصادی*، ۱(۱)، ۱۴۹-۱۷۶.
میرابی، سعیده؛ میرزایی، حسین و حسینی درمیان، غلامرضا (۱۳۹۹). بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۱(۷۹)، ۱-۲۰.

- Andorka, R. (1978). *Determinants of fertility in Advanced Societies*. London: Methuen and Co Ltd.
- Arnstein, A.; Marco, L. M. & Mencarini, L (2021). Trust and fertility in uncertain times. *Population Studies*, 75(1), 19-36.
- Becker, G. S. (1981). *A Treatise on the Family*. Harvard University Press, Cambridge: MA.
- Becker, G. S. (1960). *An economic analysis of fertility*. In G. S. Becker (Ed.), *Demographic and economic change in developed countries* (209-231). Princeton: Princeton University Press.
- Becker, G. S. & Lewis, H. G. (1973). On the interaction between the quantity and quality of children. *Journal of Political Economy*, 81(2), S279-S288.
- Branisa, B.; Klasen, S.; Ziegler, M.; Drechsler, D. & Jütting, J. (2014). The institutional basis of gender inequality: The Social Institutions and Gender Index (SIGI). *Feminist Economics*, 20(2), 29-64.
- Braun, V. & Clark, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 10-77.
- Dahl, G. B.; Runjing, L. & Mullins, W. (2022). Partisan Fertility and Presidential Elections. *American Economic Review: Insights*, 4(4), 473-90.
- Fieder, M. & Huber, S. (2018). Political Attitude and Fertility: Is There a Selection for the Political Extreme?. *Front Psychol*, (9), 23-43.
- Fiori, F.; Rinesi, F.; Pinnelli, A. & S. Prati (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child. *Population Research and Policy Review*, 32(3).
- Kohler, H. P.; Billari, F. C. & J. A. Ortega (2004). The Emergence of Lowest-low Fertility in Europe during the 1990s, *Population and Development Review*, 28(4), 641-680.

- McDonald, P. (2002). Sustaining Fertility through Public Policy: The Range of Options. *Population-E*, 57(3), 417-446.
- McDonald, P. (2006). Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, *Population and Development Review*, 32(3), 485-510.
- McNicoll, G. (1980). Institutional determinants of fertility change. *Population and Development Review*, 6(3), 441-462.
- Perelli-Harris, B. (2008). *Ukraine: on the border between old and new*. Childbearing Trends and Policies: Country Case Studies, edited by Tomas Frejka, Jan Hoem, and Laurent Toulemon. Demographic Research. 19:29. 1145-1178. <http://dx.doi.org/10.4054/DemRes.2008.19.29>.
- Sobotka, T.; Skirbekk, V. & D. Philipov (2010). Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review, European Commission, Directorate-General Employment, Social Affairs and Equal Opportunities”, Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.
- Sobotka, T.; Zeman K. & Basten, S. (2018). The Low Fertility Future? Projections Based on Different Methods Suggest Long-term Persistence of Low Fertility. *Paper presented at European population conference*, Nov 13, 2018.
- Social support, and education on the tendency towards the women pregnancy. *The Islamic Journal of Women and Family*, 6 (13): 27-42.
- Strauss, A. & Corbin, J. M. (1997). *Grounded theory in practice*. SAGE Publications, Incorporated.
- United Nations (2005). Total fertility change. Retrieved from https://www.un.org/esa/sustdev/natlinfo/indicators/methodology_sheets/demographics/total_fertility_rate.pdf.
- United Nations (2021). Shifting demographics. Retrieved from https://www.un.org/sites/un2.un.org/files/un75_shifting_demographics.pdf.

References


- Abbasi-Shavazi, M.J.; Razeghi-Nasrabad, H.B. & Hosseini-Chavoshi, M. (2020). Socio-Economic Security and Fertility Intention in Tehran City, *Journal of Population Association of Iran*, 15(29), 211-238. (In Persian)
- Abdollahi, A. & Rahimi, A. (2017). Social construction of the policies of increasing of childbearing and leading obstacles: A case study of internet users. *The Journal of Strategic studies of women*, 20(77), 35-60. (In Persian)
- Alimondegari, M. & Razeghi-Nasrabad, H.B. (2022). childbearing as a dualism of risk and certainty: The results of a qualitative study in the Yazd province. *Socio-Cultural Strategy*, 11(45), 403-436. (In Persian)
- Andorka, R. (1978). *Determinants of fertility in Advanced Societies*. London: Methuen and Co Ltd.
- Arnstein, A.; Marco, L. M. & Mencarini, L (2021). Trust and fertility in

- uncertain times. *Population Studies*, 75(1), 19-36.
- Azizmohammadi, S. & Hamidi-Durbash, Z. (2022). Economic aspects of changing fertility rate. *Journal of Iranian Economic Development Analysis*, 8(22), 133-152. (In Persian)
- Becker, G. S. & Lewis, H. G. (1973). On the interaction between the quantity and quality of children. *Journal of Political Economy*, 81(2), S279-S288.
- Becker, G. S. (1960). An economic analysis of fertility. In G. S. Becker (Ed.), *Demographic and economic change in developed countries* (209-231). Princeton: Princeton University Press.
- Becker, G. S. (1981). *A Treatise on the Family*. Harvard University Press, Cambridge: MA.
- Branisa, B.; Klasen, S.; Ziegler, M.; Drechsler, D. & Jütting, J. (2014). The institutional basis of gender inequality: The Social Institutions and Gender Index (SIGI). *Feminist Economics*, 20(2), 29-64.
- Braun, V. & Clark, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 10-77.
- Dahl, G. B.; Runjing, L. & Mullins, W. (2022). Partisan Fertility and Presidential Elections. *American Economic Review: Insights*, 4(4), 473-90.
- Fieder, M. & Huber, S. (2018). Political Attitude and Fertility: Is There a Selection for the Political Extreme?. *Front Psychol*, (9), 23-43.
- Fiori, F.; Rinesi, F.; Pinnelli, A. & S. Prati (2013). Economic Insecurity and the Fertility Intentions of Italian Women with One Child. *Population Research and Policy Review*, 32(3).
- Hajali, Saeideh; Seyyed Mirzaei, Seyyed Mohammad & Mahdavi, Seyyed Mohammad Sadeq (). An Investigation into the Effect of Religiosity, Social Support, and Education on the Tendency towards the Women's Pregnancy. *THE ISLAMIC JOURNAL OF WOMEN AND THE FAMILY*, 6(13), 27-42. (In Persian)
- Hosseini, H. (2013). *Socio-economic demography and family planning*. Hamedan: Boali Sina University. (In Persian)
- Kohler, H. P.; Billari, F. C. & J. A. Ortega (2004). The Emergence of Lowest-low Fertility in Europe during the 1990s, *Population and Development Review*, 28(4), 641-680.
- Mazinani, A. & Mohammadian, N. (2021). The Effect of Economic Uncertainty on the Fertility Rate of Iranian. *Journal of Economic Security Studies*, 1(1), 149-176. (In Persian)
- McDonald, P. (2002). Sustaining Fertility through Public Policy: The Range of Options. *Population-E*, 57(3), 417-446.
- McDonald, P. (2006). Low Fertility and the State: The Efficacy of Policy, *Population and Development Review*, 32(3), 485-510.
- McNicoll, G. (1980). Institutional determinants of fertility change. *Population and Development Review*, 6(3), 441-462.
- Mirabi, S.; Mirzaei, H. & Hassani Darmian, GH. (2020). A Phenomenological Study on Married Women Awareness of Childbearing. *Applied Sociology*, 31(79), 1-20. (In Persian)


- Modiri, F. & Razeghi-Nasrabad, H.B. (2016). A Study on the Relationship between Religiosity and Fertility Intention in Tehran. *Journal of Population Association of Iran*, 10(20), 128-163. (In Persian)
- Modiri, F. & Tanhaa, F. (2022). The effect of security feeling on behavior, ideal and childbearing intentions in Tehran. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(4), 93-115. (In Persian)
- Mohammadpour, Ahmad (2010). *Para-Method, Philosophical and Practical Foundations of Mixed Research Method in Social and Behavioral Sciences*. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Perelli-Harris, B. (2008). Ukraine: on the border between old and new. *Childbearing Trends and Policies: Country Case Studies*, edited by Tomas Frejka, Jan Hoem, and Laurent Toulemon. *Demographic Research*, 19:29. 1145-1178. <http://dx.doi.org/10.4054/DemRes.2008.19.29>.
- Shams Gahfarokhi, F.; Askari-Nodoushan, A.; Eini-Zeinab, H.; Ruhani, A. & Abbasi-Shavazi, M.J. (2022). At the Crossroad of Decision to Have Children: An Analysis of Individual and Social Childbearing Challenges in the Context of Low Fertility in Isfahan. *Applied Sociology*, 33(4), 1-28. (In Persian)
- Sobotka, T.; Skirbekk, V. & D. Philipov (2010). *Economic Recession and Fertility in the Developed World: A Literature Review*, European Commission, Directorate-General Employment, Social Affairs and Equal Opportunities”, Unit E1-Social and Demographic Analysis, Vienna Institute Demography.
- Sobotka, T.; Zeman K. & Basten, S. (2018). *The Low Fertility Future? Projections Based on Different Methods Suggest Long-term Persistence of Low Fertility*. Paper presented at European population conference, Nov 13, 2018.
- Social support, and education on the tendency towards the women pregnancy. *The Islamic Journal of Women and Family*, 6 (13): 27-42.
- Sofalchin-Langrudy, A. & Eini-Zinab, H. (2020). Multivariate Analysis of Cross-sectional Age-specific Fertility Changes in Iran (Using Microdata Sample of the 2006 and 2011 National Censuses). *Journal of Population Association of Iran*. 14(28), 45-67. (In Persian)
- Strauss, A. & Corbin, J. M. (1997). *Grounded theory in practice*. SAGE Publications, Incorporated.
- Tajbakhsh, GH. (2024). Analyzing the opinion of the elites about the desire of couples to have children with an emphasis on general policies of the population, *Socio-Cultural Strategy*, Articles in Press. (In Persian)
- United Nations (2005). *Total fertility change*. Retrieved from https://www.un.org/esa/sustdev/natlinfo/indicators/methodology_sheets/demographics/total_fertility_rate.pdf.
- United Nations (2021). *Shifting demographics*. Retrieved from https://www.un.org/sites/un2.un.org/files/un75_shifting_demographics.pdf.

نقد و بررسی عدالت آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی

محمدجواد ولی‌زاده

عضو هیأت علمی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Mj.valizadeh@sccr.ir  0000-0003-1405-1063

رحمت‌الله محمودی

عضو هیأت علمی گروه فلسفه و منطق، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
r.mahmodi@cfu.ac.ir  0000-0000-0000-0000


چکیده

هدف این پژوهش کاربردی، بررسی ابعاد نرم شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی و تأثیر آن بر محدودش ساختن اعتبار و قدرت نرم جمهوری اسلامی و نیز توصیف زوایای تفصیلی شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی، به‌ویژه پیامدهای مغفول تربیتی و پرورشی از جنبه سیاست‌گذاری است. این مطالعه از نظر شیوه اجرا کیفی است. جامعه پژوهش، تمام صاحب‌نظران دستگاهی (مسئولان)، دانشگاهی (محقق و پژوهشگر) و افراد دارای تجربه عملیاتی (مدیر و معلم) بودند که طبق اصل اشباع نظری ۱۳ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود و روایی و پایایی تحقیق با استفاده از روش ارزیابی «لینکلن و گوبا» تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کیفی «کلایزی» استفاده شد.

مطابق یافته‌های پژوهش، ۲۰ شاخص (گویه)، ۶ مولفه اصلی و ۳ بُعد اصلی (شامل: «عدول نظام از اصول و مبانی خود در حوزه عدالت»، «ضعف فزاینده در بخش آموزشی مدارس عادی»، «از اولویت خارج شدن حوزه پرورشی و به فراموشی سپردن آن»، قابل شناسایی است. نتایج این پژوهش قابل‌استفاده برای حل مسائل و در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آموزش و پرورش است. پیشنهاد این پژوهش، بازگشت اصولی به قانون اساسی و بازنگری و تحول در ختمش‌ها و سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش مبتنی بر هدف کلان ۳ و راهبرد کلان ۴ از «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» است.

کلیدواژه‌ها: عدالت آموزشی، مدارس خاص و غیردولتی، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی، آموزش فراگیر و پاسخگو به فرهنگ، سیاست‌های آموزشی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

 10.22034/scs.2024.480748.1611

 CC BY

 OPEN ACCESS

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرهای مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

مقدمه و بیان مسئله

مسئله عدالت همیشه به‌عنوان گفتمان اصلی و حیاتی‌ترین عامل نهادهای اجتماعی مطرح بوده است. توسعه پایدار، اقتصاد پویا، قضاوت صحیح، تحکیم ارزش‌های اصیل اسلامی و ملی و عدالت آموزشی در سایه تعلیم و تربیت به‌وجود می‌آید. آموزش و پرورش یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌رود که با رشد و توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیوندی ناگسستنی دارد و از آنجاکه آموزش و پرورش و مدارس جزء نهادهای اجتماعی هستند، بحث عدالت در این محیط‌ها نکته‌ای کلیدی است، به‌طوری‌که یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت در جامعه، عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی، بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است و زمینه بر خورداری افراد را از امکانات برابر آموزشی فراهم می‌آورد (بیات و قاسمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰)؛ لذا عدالت آموزشی همواره کانون توجه متخصصان تعلیم و تربیت بوده است چنان‌که رشد نظریه‌های فلسفی و آموزشی جدید نیز به امکان تحقیق بیشتر آن کمک کرده است.

عدالت آموزشی، حسب ابعاد مختلفش، تعاریف متعدد و بعضاً متفاوت دارد که در این تحقیق با نظر به اسناد بالادستی، به معنای ایجاد امکانات لازم برای برخورداری تمام افراد دارای شرایط تحصیل از آموزش و پرورش با کیفیت و متناسب با استعدادها و نیازهای فردی و اجتماعی است، به‌طوری‌که از حق هیچ‌یک به نفع دیگری استفاده نشود. عدالت در آموزش، شامل مدارس و جوامعی می‌شود که در آن‌ها معلمانی واجد شرایط استخدام می‌شوند و می‌توانند آموزشی با کیفیت ارائه دهند و دسترسی عادلانه‌ای به منابع آموزشی و دوره‌های پیشرفته برای همه دانش‌آموزان فراهم شود تا اطمینان حاصل شود که همه آن‌ها آموزش عمومی با کیفیت بالا و مناسب داشته و از دبیرستان فارغ‌التحصیل شده و آماده برای اشتغال هستند (نقی‌زاده، ۱۴۰۱).

براین اساس در کنار سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی، تأمین عدالت در نهاد آموزش و پرورش، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. به‌طوری‌که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» برای تأمین چنین آرمانی تصویب شد؛ چنان‌که واژه عدالت به‌طور انفرادی و یا با ترکیباتی، حدود چهارده بار در «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» آمده است؛ در مهم‌ترین موارد آن، در هدف کلان ۳ بیان می‌دارد: «گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی»، نیز راهبرد کلان ۴ چنین ترسیم شده است: «توسعه و نهادینه کردن عدالت آموزشی و تربیتی در مناطق

مختلف کشور و تقویت آموزش و پرورش مناطق مرزی با تأکید بر توانمندسازی معلمان و دانش‌آموزان این مناطق با تمرکز بر کیفیت فرصت‌های تربیتی هماهنگ با نظام معیار اسلامی» و محور ۵ از شماره ۴ «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» در فصل ششم اعلام می‌دارد: «تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹-۱۳۹۰).

اما همچنان میان آرمان عدالت و واقعیت‌های موجود، فاصله، بسیار و عدالت همه جانبه تحقق نیافته است و شاهد تأسیس روزافزون مدارس خاص و غیردولتی و اثر آن بر عدالت در آموزش هستیم؛ توضیح بیشتر آنکه، در سایه کم‌حرکی و ضعف نهادهای مسئول برای افزایش امکانات و کیفیت آموزش همگانی، پدیده مدارس خاص و غیردولتی سر برمی‌آورد و در این هنگام است که معلمان به دلایلی، از جمله مشکلات معیشتی، به تأسیس و تدریس در چنین مدرسی رومی‌آوردند. این موضوع پدیدآورنده تبعیض آموزشی بین دانش‌آموزان می‌شود؛ زیرا افرادی که تمکن مالی بیشتر و بهتری داشته باشند می‌توانند به آموزش و امکانات بهتری دست یابند (ر.ک.: آمارهای «ترک تحصیل»، «معدل دروس نهایی» و «قبولی کنکور»، به تفکیک مدارس، سازمان سنجش آموزش کشور؛ آمارهای مقایسه میزان تراکم دانش‌آموزان در مدارس مختلف و نیز نسبت معلم به دانش‌آموز در سالنامه‌های آمار وزارت آموزش و پرورش).

در فضایی این‌چنینی، دانش‌آموزانی که در مناطق کم‌برخوردار و حاشیه شهر و کشور زندگی می‌کنند، نمی‌توانند به آموزش و امکانات مناسب دسترسی داشته باشند و به مرور دچار ضعف علمی خواهند شد. این، نقطه مقابل «عدالت آموزشی» در نظام آموزشی، یعنی «تبعیض آموزشی» است. درحالی‌که یکی از اصول عدالت آموزشی، آموزش فراگیر با کیفیت و با تمهید امکانات در تمامی نقاط کشور است.

تبعیض آموزشی و پرورشی، موجب بروز مشکلات بسیاری همچون شکاف طبقاتی و نارضایتی و نابهنجاری اجتماعی خواهد شد. جلوگیری از مشکلات این‌چنینی نیازمند توجه ویژه نهادهای مسئول به موضوع عدالت آموزشی است. با عدالت آموزشی است که می‌توان استعداد‌های موجود در سراسر کشور را شناسایی نمود و پرورش داد.

این در حالی است که نهاد آموزش و پرورش یکی از نهادهای پایه و مؤثر هر

جامعه است که هم می‌تواند عاملی برای تحقق عدالت باشد و هم احیاناً در خدمت تبعیض و فراگیری بی‌عدالتی؛ به‌همین دلیل و به‌دلیل گسترش علوم و تجارب بشری و توسعه فناوری و پیشرفت‌های صنعتی، گرایش به سازمان‌های آموزش و پرورش امری فراگیر و جهانی شده است، به‌حدی که یکی از شاخص‌های مهم رشد هر جامعه را وسعت دامنه وظایفی می‌دانند که آموزش و پرورش آن به عهده گرفته است (علاقه بند، ۱۳۸۹، ص. ۷).

با مقدمات و توضیحاتی که گذشت، مسئله تحقیق آن است که علی‌رغم تأکید تلویحی «قانون اساسی» و صریح «سند تحول»، هنوز عدالت آموزشی در سطح مدارس، جاری‌وساری نشده و روزبه‌روز نیز در حال بدتر شدن است! لذا سؤالی هم که مطرح می‌شود این است که شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی باعث بروز و ظهور چه ابعاد و گونه‌هایی از بی‌عدالتی آموزشی شده است؟ با این حساب، هدف این تحقیق، کنکاش و تعمق در گستره، ابعاد و انواع بی‌عدالتی آموزشی متأثر از به‌وجود آمدن مدارس خاص و غیردولتی است تا نتایج آن گامی در جهت تبیین دقیق‌تر و علمی‌تر موضوع برای مسئولان امر شده و دستگاه‌های مسئول را برای انجام اقدامات هر چه سریع‌تر و جدی‌تر مجاب و ملزم نماید.

۱. هدف پژوهش

کنکاش و تعمق در گستره، ابعاد و انواع بی‌عدالتی آموزشی متأثر از به‌وجودآمدن مدارس خاص و غیردولتی.

۲. سؤال پژوهش

شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی باعث بروز و ظهور چه ابعاد و گونه‌هایی از بی‌عدالتی آموزشی شده است؟

۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

عدالت در محیط‌های آموزشی با احساس ارزشمند بودن همراه است و جایگاه رفیع آموزش و وجود استعدادها سرشار و توانمند، وجود عدالت را بیشتر ضروری می‌سازد. عدالت آموزشی نزد دانش‌آموزان برای فعالیت هر چه بیشتر در فرایندهای یادگیری، امری لازم و ضروری است. بی‌عدالتی آموزشی موجب دلسردی و ناامیدی به نتایج فعالیت‌های یادگیری می‌شود (ر.ک.: ناظری بافقی، ۱۳۹۹).

با این مقدمه، قابل‌ذکر است؛ وجود این پژوهش گامی در جهت آشنایی هر چه

بیشتر مسئولان و دستگاه‌های ذی‌ربط با ابعاد و عمق مسئله بی‌عدالتی آموزشی متأثر از شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی خواهد شد و آن‌ها را در جایگاه تصمیم و پیگیری، جدی‌تر و مصمم‌تر می‌سازد. متقابلاً، نبود این پژوهش، سبب تداوم وضعیت فعلی و گسترش و عمیق‌تر شدن بی‌عدالتی از یک طرف و از آن سو باعث هدررفت منابع مالی و انسانی آموزش و پرورش بدون نیل به نتایج و آثار مورد انتظار اسناد بالادستی خواهد شد.

۴. پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش	روش تحقیق	سال و نحوه انتشار
۱	قریشی، مریم، سادات؛ نظرزاده، محسن؛ بهرامی، بهنوش	بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس دولتی شهر تهران	مصاحبه / روش تحلیل تماتیک	نشریه مدیریت مدرسه، سال ۱۴۰۰، دوره ۹ شماره ۱
۲	شیخ سعدآبادی، عصمت؛ مسعودی، شکوفه	مفهوم عدالت و عدالت آموزشی از دیدگاه قرآن و روایات و اندیشمندان اسلامی	کتابخانه‌ای / روش تحلیل استنباطی استنتاجی	همایش سمپوزیوم علوم زمین، سال ۱۳۸۴، دوره ۲۴
۳	کریمی، نسرين؛ جویباری، آریتا و مصلح، مریم	رابطه عدالت توزیعی به‌عنوان ابعاد عدالت آموزشی با نگرش تحصیلی دانش‌آموزان دختر مدارس متوسطه دوم منطقه ۵ تهران	ابزار پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آزمون رگرسیون و نرم‌افزار SPSS	همایش ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، ... سال ۱۳۹۷، دوره ۱
۴	باقری، خسرو و نجفی، نفیسه	عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس	کتابخانه‌ای / روش تحلیل استنباطی استنتاجی	نشریه روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۷، دوره ۳۸، شماره ۱
۵	سرمردی، محمدرضا و معصومی‌فرد، مرجان	جایگاه عدالت آموزشی در تحول نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر سازنده‌گرایی	کتابخانه‌ای / روش تحلیل استنباطی استنتاجی	نشریه پژوهش در یادگیری آموزشی، مجازی، سال ۱۳۹۴، دوره ۳، شماره ۱۰
۶	بابادی عکاشه، زهرا؛ شریف،	تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی	تحقیق توصیفی با روش مصاحبه و	نشریه رفاه اجتماعی، سال ۱۳۸۹، دوره ۱۰،

ردیف	پژوهشگر	عنوان پژوهش	روش تحقیق	سال و نحوه انتشار
	سیدمصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول	در آموزش و پرورش استان اصفهان	پرسشنامه	شماره ۳۷
۷	اسلامی، هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا؛ نادى، محمدعلی	طراحی مدل عدالت آموزشی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و اعتبار یابی آن	تحقیق توصیفی با روش مصاحبه	نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۱۳۹۷، دوره ۳، شماره ۳
۸	دانایی فرد، حسن و ترابزاده جهرمی، محمدصادق	تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط مشی های آموزشی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد ارزیابی نظریه برنامه	کتابخانه ای / روش تحلیل استنباطی استنتاجی	نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۱۳۹۶، دوره ۱۱، شماره ۱
۹	اکبرزاده، فهیمه؛ قائدی، یحیی و صالحی، اکبر	تبیین مؤلفه های عدالت آموزشی و تحلیل انتقادی جایگاه آن در گفتمان های ایدئولوژیک سازی و سازندگی	توصیفی - استنتاجی و روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکالف	نشریه فلسفه تربیت، سال ۱۳۹۸، دوره ۴، شماره ۲
۱۰	صالحی، محمد و چاری سرستی، فرشته	بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عدالت آموزشی از دیدگاه مدیران مدارس دوره متوسطه استان مازندران	تحقیق توصیفی با روش پرسشنامه	نشریه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۱
۱۱	محمدی، رضا و سلیمانی، امیر	مرور نظام مند عدالت آموزشی در ایران: مفهوم پردازی، چالش ها و شاخص ها	تحقیق توصیفی با روش تحلیل محتوا، سندی کاوی و کتابخانه ای	فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی، شهریور ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۲۳
۱۲	اسلامی هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا و نادى، محمدعلی	شناسایی مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران	تحقیق توصیفی با روش فرا تحلیل	نشریه پژوهش در نظام های آموزشی، سال ۱۳۹۸، دوره ۱۳، شماره ۴۷

در توضیح ارتباط پیشینه یادشده با این پژوهش، باید گفت که تحقیقات انجام شده تاکنون مستقل از این پژوهش بوده و به تنهایی برای پوشش کامل موضوع کافی

نیستند. به دلیل آنکه اولاً، مربوط و متمرکز به ابعاد سخت‌افزاری عدالت آموزشی هستند و از ابعاد نرم‌افزاری آن و تأثیری که در مخدوش ساختن اعتبار و قدرت نرم جمهوری اسلامی و نظام آموزشی اسلامی می‌گذارد غفلت گردیده و یا عمده توجه بر بُعد سخت‌افزاری معطوف شده است؛ ثانیاً، اینکه صرفاً جنبه آموزش را لحاظ نموده‌اند و به پیامدهای تربیتی و پرورشی شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی، ورودی صورت نگرفته است! لیکن یافته‌های ذیل از تحقیقات پیشین، مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد:

- بین عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از ابعاد عدالت آموزشی با نگرش تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد خصوصاً که دانش‌آموزان، بیشتر می‌توانند این نوع عدالت را درک کنند.
- الگوی عدالت توزیعی از سه بعد «امکانات آموزشی»، «امکانات کمک‌آموزشی» و «تجهیزات فیزیکی» تشکیل شده است. وضعیت عدالت آموزشی، در مؤلفه‌های «کمک‌آموزشی» و «تجهیزات فیزیکی» پایین‌تر از حد متوسط و در مؤلفه «امکانات آموزشی» بالاتر از حد متوسط بوده است.
- چالش‌های مطرح‌شده پیرامون عدالت آموزشی در ایران را می‌توان بر مبنای چهار مؤلفه «موجود بودن آموزش»، «دسترسی به آموزش»، «سازگاری» و «مقبولیت تعلیمات»، دسته‌بندی کرد.
- راهکارهای اصلی و کلیدی در مدل عدالت آموزشی عبارت‌اند از: ۱- بسترسازی عادلانه توزیع منابع، ۲- بهره‌مندی عادلانه از منابع، ۳- شایسته‌پروری.
- فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق توسعه گسترده دسترسی، انعطاف‌پذیر کردن یادگیری فردی، انعطاف‌پذیر کردن یادگیری محیطی و ارائه بازخورد فوری، می‌تواند در ایجاد عدالت آموزشی نقش داشته باشد.
- «تأسیس انجمن‌های خیرین مدرسه‌ساز در مناطق محروم»، مهم‌ترین راهکار تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی می‌باشد؛ و راهکار «توزیع متناسب معلمان باکیفیت و ماهر در مناطق»، مهم‌ترین راهکار مطلوب تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی می‌باشد.

۵. ملاحظات نظری

یکی از جنبه‌های عدالت، عدالت آموزشی است که به مهیاسازی فرصت‌های برابر متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد؛ زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی، انواع

یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی‌شان باهم متفاوت‌اند (دهقانی، ۱۳۸۴، ص. ۳). منظور از فرصت برابر، جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی است؛ به عبارتی دیگر، دولت باید در توزیع منابع و خدمات آموزشی، عدالت و انصاف را رعایت کند (شیخ رضایی، ۱۳۹۸، ص. ۷).

عدالت آموزشی، بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است و زمینه بر خورداری افراد را از امکانات برابر آموزشی فراهم می‌آورد (بابادی عکاشه؛ شریف و جمشیدیان، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۵). در واقع، نهاد آموزش و پرورش یکی از نهادهای پایه و مؤثر هر جامعه است که هم می‌تواند عاملی برای تحقق عدالت باشد و از آن نیز متأثر شود؛ از این رو در هر جامعه‌ای مردم انتظار دارند نظام آموزش و پرورش، کارکردها و وظایف گوناگونی برای اعضای آن انجام دهد از جمله اینکه جامعه را از طریق فراگرد آموزش و پرورش به سوی زندگی اجتماعی بهتر و عادلانه‌تری سوق دهد (علاقه‌بند، ۱۴۰۲). بر این اساس در کنار سایر نهادهای اجتماعی و اقتصادی، تأمین عدالت در نهاد آموزش و پرورش نیز بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» برای تأمین چنین آرمانی در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ تصویب شد؛ اما همچنان میان آرمان عدالت و واقعیت‌های موجود، فاصله بسیار و عدالت همه‌جانبه تحقق نیافته است (صفا حیدری و حسین نژاد، ۱۳۹۳).

عدالت آموزشی موجب کاهش در فرسودگی تحصیلی در ابعاد مختلف، خستگی هیجانی، بی‌علاقگی تحصیلی و ناکارآمدی تحصیلی مدارس می‌شود. همچنین عدالت آموزشی در ارتقای کیفیت و کمیت آموزش، موفقیت تحصیلی و تحقق اهداف آموزشی تأثیر به‌سزایی دارد (انصاری و رجبی، ۱۳۹۵). محققان دیگری نیز به تأثیر عدالت آموزشی در بروز رفتارهای مدنی تحصیلی از جمله پایبندی به اخلاق تحصیلی، یاری‌رسانی و مشارکت در کارها اذعان داشتند. به طور کلی عدالت آموزشی، تربیت دانش‌آموزان و انسان‌سازی در جامعه را در پی خواهد داشت (قریشی و دیگران، ۱۴۰۰).

گفتنی است، مفهوم عدالت، ضمن اینکه به لحاظ اجتماعی جذاب و پسندیده است؛ اما قضاوت در مورد آن، به نگاه‌ها و رویکردهای کلی بستگی دارد؛ به‌طور کلی، نسبت به عدالت آموزشی سه رویکرد مساوات‌جویانه، نخبه‌گرا و رویکرد واقع‌گرایانه وجود دارد؛ در رویکرد مساوات‌جویانه، فرض بر این است که تمام افراد، استعداد ذاتی لازم برای بر خورداری از امکانات آموزشی دارند، در مقابل، هزینه‌هایی که از ناحیه

ادامه تحصیل در سطوح مختلف آموزشی به افراد تحمیل می‌شود، برای همه یکسان نیست، به‌همین دلیل، دولت‌ها با اجرای سیاست‌های مناسب در تلاش هستند شرایط را برای بهره‌مندی تمام افراد از امکانات آموزشی فراهم کنند. در رویکرد نخبه‌گرا، فرض بر این است که افراد به‌لحاظ توانمندی‌های ذاتی کاملاً متفاوت‌اند، گروهی دارای استعداد بالا و گروهی فاقد چنین استعدادی هستند، از این‌رو، این منطق که افراد بااستعداد، شایستگی استفاده از امکانات آموزشی را دارند، مطرح می‌شود. در این رویکرد برای ارزیابی عادلانه بودن توزیع امکانات آموزشی، میزان بهره‌مندی نخبگان از آموزش، مدنظر قرار می‌گیرد. در رویکرد واقع‌گرایانه نیز، هم تفاوت در استعدادهای ذاتی افراد و هم ناهمسان بودن هزینه‌های آموزشی بین افراد مختلف در نظر گرفته می‌شود، از این‌رو، این رویکرد به واقعیت نزدیک‌تر است (نادری، ۱۴۰۰، صص. ۴۱-۴۵).

از نگاه تاریخی، در تاریخ فرهنگی ایران طی ۱۰۰۰ سال گذشته، دو ساختار آموزشی وجود داشته است: مکتب و مدرسه. مکتب‌خانه‌ها در سراسر کشورهای اسلامی وجود داشتند و دولت‌ها در ارائه آن‌ها نقشی نداشتند. این آموزش به‌عنوان یک کار خیریه انجام می‌شد؛ به این‌صورت که یک میرزا یا فرد تحصیل‌کرده در مکانی مثل بازار، خانه یا هر جای دیگری که ممکن بود، به کودکان آموزش می‌داد و والدین نیز به‌صورت نقدی یا کالایی از او حمایت می‌کردند. در این‌میان، هیچ‌گونه معامله‌ای به شکل مدارس غیردولتی امروزی وجود نداشت.

در سال ۱۲۹۰ هجری قمری، پنج سال پس از مشروطیت، قانون اساسی معارف تدوین شد و دولت با ورود به این عرصه، تأسیس و مدیریت مدارس را بر عهده گرفت. منطق مداخله دولت برای مدرسه‌سازی، ملت‌سازی بوده است؛ یعنی نوعی ایجاد وحدت ملی و انسجام اجتماعی. در سال ۱۳۲۲ قانون جدی اجباری و رایگان شدن آموزش تصویب می‌شود و دولت را با فشار، مسئول مدرسه‌سازی، مدرسه‌داری و توسعه مدارس و مجانی کردن مدارس می‌کنند. نقطه عطفی در این جریان وجود دارد که مربوط به سال ۱۳۳۵ شمسی است. در این سال، یعنی چند سال پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قانونی تصویب شد که به‌موجب آن تأسیس مدارس و دبستان‌های چهارکلاسه ملی و دبیرستان‌های غیردولتی مجاز شد. دلیل این امر، استقبال گسترده از مدارس بود، درحالی‌که دولت بودجه کافی برای تأمین و توسعه آن‌ها را نداشت. به‌همین دلیل، اجازه ورود بخش خصوصی به عرصه آموزش داده شد و این روند آغاز شد. آن زمان به مدارس غیردولتی مدارس ملی گفته می‌شد. این

جریان تا سال ۱۳۵۳ ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۵۳ ارزیابی‌ها نشان می‌دهد، تعداد زیادی از کسانی که در دانشگاه‌ها قبول می‌شوند فرزندان خانواده‌های مرفهی هستند که در مدارس غیردولتی درس خوانده‌اند و این برای حاکمیت، نگرانی ایجاد می‌کند. با رشد قیمت نفت و افزایش نجومی قیمت نفت و پُرشدن دست دولت با پول، قانونی تصویب شد که تمامی مدارس غیردولتی جمع‌آوری شوند و تنها چند مدرسه غیردولتی می‌مانند که عموماً مدارس مذهبی بودند؛ مثل علوی، نیکان و روشنگر و... حکومت پهلوی در اواخر حکومتش با افزایش درآمدهای نفتی، مدارس را خریداری و دولتی می‌کند. او سعی می‌کند کاری کند که فرزندان کم‌برخوردار و اقشار ضعیف جامعه هم بتوانند وارد دانشگاه شده و در رشته‌های خوب تحصیل کنند. در سال ۱۳۵۳ قانونی به نام «قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی» تصویب می‌شود که دولت موظف می‌شود بیشترین امکانات را فراهم کند؛ برای مثال تغذیه رایگان که تا دوره راهنمایی، یعنی پایه هشتم به دانش‌آموزان داده می‌شد. این هدف نیز بعد از انقلاب اسلامی با اصل سی‌ام قانون اساسی پیگیری می‌شود و واقعیت این است که در دوره معاصر این اصل درخشان‌ترین اصل عدالت آموزشی است و مشابه آن وجود ندارد (حسنی، ۱۴۰۲).

در دوره جمهوری اسلامی، بر سر بودن یا نبودن مراکز آموزش غیردولتی اختلاف نظر به وجود آمد. جناح چپ که طرفدار دولتی‌سازی همه امور بود توانست با تصویب قانونی برخلاف قانون الحاق به قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، همه مدارس ملی کشور را دولتی و مراکز آموزش عالی خصوصی را در قالب دو دانشگاه دولتی ادغام کند؛ با تصویب این قانون، مدارسی که در اختیار گروه‌های مارکسیست قرار داشت از دست آنان خارج شد ولی مدارس اسلامی در برابر قانون یادشده مقاومت کردند و بدان تن ندادند. چند سال بعد، کوشش برای نظام‌مند کردن این مدارس در کنار عواملی از قبیل تداوم مهاجرت از روستاها به شهرها و رشد جمعیت شهری، افزایش شمار دانش‌آموزان و به‌ویژه دانش‌آموزان دختر که بعضی از آن‌ها تا پیش از آن به دلایل شرعی به مدارس نمی‌رفتند، مشکل کمبود مدارس و در نتیجه شکل‌گیری مدارس چند نوبته را در پی آورد؛ طعنه مخالفان قانون آموزش دولتی بر موافقان، مبنی بر التقاط و چپ‌گرایی، گستردگی فعالیت آموزش و پرورش دولتی و فقدان کادرهای مجرب و کافی در اداره امور، شکست رویکردهای اقتصاد سوسیالیستی در عرصه جهانی و نیز چرخش گفتمانی در صحنه بین‌المللی از آموزش دولتی به آموزش غیردولتی، موضع مخالفان قانون آموزش

دولتی را تقویت کرد. بدین ترتیب راه‌اندازی مدارس خصوصی که نام غیرانتفاعی یافته بودند راهکار گسترش عدالت آموزشی، معنا شد. بالاخره قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد در حالی که پیش‌تر در معنای نفی عدالت معنا می‌شد. در واقع بر اساس قانون ۱۳۵۳ این تکلیف به دولت داده شده بود که بیشترین امکانات را فراهم کند و اصل سی قانون اساسی جمهوری اسلامی هم که بسیار درخشان بود؛ اما مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی تمام مدارس غیردولتی را دوباره ملی کرد.

هم‌زمان با عوامل گفته‌شده، کاهش درآمدهای دولت در پی تداوم جنگ و کاهش ناگهانی قیمت نفت در اواخر ۱۳۶۴ که موجب کاهش درآمدهای نفتی به یک‌سوم در ۱۳۶۵ و کاهش بودجه آموزش عالی شد، افزایش شمار داوطلبان کنکور در وضعیت کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو و نیز کادر آموزشی در پی انقلاب فرهنگی و نیز شیوع بیکاری که موجب نارضایتی عمومی شده بود، زمینه را برای تحول در آموزش عالی دولتی فراهم کرد. از همین‌رو با وجود دیدگاه‌هایی که بر لزوم تحول در دوره آموزش عمومی برای جلوگیری از شیوع بیکاری و هجوم به دانشگاه‌ها تأکید داشت با حمایت رئیس وقت مجلس شورای اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی به‌وجود آمد و آموزش عالی خصوصی نیز در کنار آموزش عالی دولتی حیات خویش را آغاز کرد.

علی‌رغم نگرانی‌های مخالفان مدارس غیرانتفاعی و مراکز آموزش عالی خصوصی که مراکز خصوصی را مخالف عدالت آموزشی می‌دانستند، متأثر از اشاره موافقان به محدودیت‌های منابع مالی در زمان جنگ و تراکم تقاضا با تأکید بر ملاحظات و رعایت اصل عدالت آموزشی، تصویب شد؛ ولی به تدریج در عمل به اجرای همین ملاحظات نیز بی‌توجهی شد. بدین ترتیب زمینه برای گسترش آموزشگاه‌های خصوصی و غیردولتی فراهم شد و آموزش، بیش‌ازپیش در این دوره از کالایی عمومی به کالایی خصوصی تبدیل شد (حاضری و آریان راد، ۱۳۹۶، صص. ۱۶۶-۱۶۸).

این روند تداوم داشت و هر روز نیز بر آمار مدارس و دانش‌آموزان غیرانتفاعی - که در عمل کاملاً انتفاعی بوده و به صنعتی پرسود در حوزه آموزش تبدیل شده بودند - اضافه می‌گردید تا اینکه مدارس سمپاد (تیزهوشان) نیز ظاهراً با هدف تربیت استعدادهای برتر مدارس دولتی پا به عرصه گذاشتند که آن‌ها نیز عملاً - ولو ناخواسته - آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره زخم‌خورده عدالت آموزشی وارد ساختند.

جمع‌بندی: تحولات نظام آموزشی ایران نشان می‌دهد که مسئله عدالت آموزشی نه تنها یک مسئله آموزشی بلکه یک مسئله اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

عوامل مختلفی از جمله سیاست‌های دولت، وضعیت اقتصادی، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی و تقاضای اجتماعی بر شکل‌گیری نظام آموزشی و توزیع فرصت‌های آموزشی تأثیرگذار هستند. درحالی‌که هدف دولت‌ها از دولتی‌سازی آموزش، ایجاد عدالت آموزشی بوده است؛ اما گسترش مدارس غیردولتی و خصوصی و تمرکز بر آموزش عالی، شکاف‌های آموزشی را عمیق‌تر کرده و به تجاری‌سازی آموزش و به تبع آن، طبقاتی شدن دامن زده است. برای تحقق عدالت آموزشی پایدار، نیازمند رویکردی جامع هستیم که در آن عوامل مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موردتوجه قرار گیرد و سیاست‌های آموزشی با رویکرد واقع‌گرایانه و مبتنی بر شواهد طراحی و اجرا شوند.

در طول یک هزاره گذشته، ساختار آموزشی ایران از مکتب‌خانه‌ها و مدارس به نظام آموزش و پرورش گسترده‌ای بدل شده است که تلاش دارد در مسیر عدالت آموزشی گام بردارد. مطالعه تحول تاریخی این ساختار از آموزش‌های مردمی و خیریه‌وار تا مداخله دولت برای توسعه مدارس و فراهم آوردن دسترسی عمومی، از نقطه نظر ملت‌سازی و انسجام اجتماعی تا به امروز ادامه یافته است. باین حال، ورود و گسترش آموزش‌های غیردولتی و پیامدهای آن، به‌ویژه در قالب مدارس غیرانتفاعی و سمپاد، به‌نوعی چالشی برای تحقق عدالت آموزشی به‌شمار می‌آید و موجب تبعیض و نابرابری در توزیع فرصت‌های آموزشی شده است.

براین اساس، این بررسی با ابتناء بر گام‌های پیموده شده و یافته‌های پژوهش‌های پیشین و با التزام به اصل عدالت آموزشی، تأثیرهای شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی بر عدالت آموزشی در منظومه جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند.

۶. روش پژوهش

در این تحقیق توصیفی - تحلیلی با روش مصاحبه نیمه‌ساختارمند، در نظر است ابعاد، گستره و انواع بی‌عدالتی آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی موردبررسی قرار گیرد؛ لذا ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند می‌باشد و از اصل اشباع به‌منظور پایان دادن به مصاحبه‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، دربرگیرنده صاحب‌نظران دستگامی (مسئولان)، دانشگاهی (محقق و پژوهشگر) و افراد دارای تجربه عملیاتی (مدیر و معلم) بودند که ارتباط فکری یا عملی با موضوع پژوهش داشتند. طی فرایند پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده گردید و با انتخاب هدفمند، نمونه‌ها انتخاب گردید.

چنان‌که گفته شد اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری بود، به طوری که پژوهش‌گر بعد از ۱۳ نفر مصاحبه‌شونده به اشباع نظری رسید. هر مصاحبه بین ۱ تا ۲ ساعت طول می‌کشید و مصاحبه‌ها ضبط می‌شد. مصاحبه با صحبت در مورد موضوع تأثیر شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی بر عدالت آموزشی آغاز می‌گردید و در طی مصاحبه محقق، از سؤالات باز در مورد ابعاد، گستره و انواع بی‌عدالتی آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی، پرسیده می‌شد.

همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مؤلفه‌های کلیدی مصاحبه‌ها استفاده شد. از آن‌رو که تحلیل کمی برای تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌های پیاده شده با محدودیت‌هایی مواجه بود، ولی تحلیل محتوای کیفی را می‌توان برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی و کدگذاری یا طراحی الگوهای شناخته‌شده به کار گرفت. تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کنند و براین اساس، اعتبار نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند رمزبندی نظام‌مند، تضمین می‌شود.

گفتمنی است برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل کیفی «کلایزی»^۱ استفاده شد؛ به این ترتیب که نسخه‌ها به‌طور کامل خوانده و سپس جملات مهم آن‌ها استخراج و فضای هر جمله از نظر محقق نوشته شد. آنگاه مضامین (تم‌ها) بر اساس مفهومشان به صورت خوشه‌هایی سازمان‌دهی گردید. سپس تم‌ها و خوشه‌های استخراج‌شده از نسخه‌ها تلفیق شد تا توصیفی از نظرات خبرگان به دست آید. نتایج نهایی با شرکت‌کنندگان به اشتراک گذاشته شد تا مشخص شود آیا این توصیفات، نظرهای آن‌ها را به‌درستی منعکس می‌کند یا خیر.

در انجام این تحقیق از کمک یک همکار متخصص استفاده گردید، وی به بخش‌هایی از سی‌دی مصاحبه گوش می‌داد و در تحلیل داده‌ها کمک می‌نمود. همچنین همسانی و قابلیت تأیید یافته‌ها نیز از طریق کنار هم قرار دادن یادداشت‌ها و یافته‌های خام، یادداشت‌های عرصه و معانی، استخراج و انجام شد.

روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) پرسش‌های مصاحبه با استفاده از روش ارزیابی «لینکلن و گوبا»^۲ تأیید شد که معادل روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵) و شامل چهار معیار اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت

1. Colaizzi

2. Lincoln & Guba

اطمینان و انطباق‌پذیری می‌باشد. اعتبار پرسش‌های مصاحبه پژوهش، توسط گروهی از متخصصان موضوعی بررسی و تأیید شد و برای اطمینان از قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهش، با سه متخصص موضوعی که در انجام کار مشارکت نداشتند، مشاوره به‌عمل آمد. علاوه‌براین، برای افزایش اطمینان از روایی، از فن سه‌سویه‌سازی (مثلث‌سازی) شامل استفاده از منابع تأییدگر، پژوهشگران و روش‌های متعدد در طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد.^۱

برای شناسایی ابعاد، گستره و انواع بی‌عدالتی آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی، چهار مرحله پشت سر گذاشته شد:

۱- طرح پژوهش: سؤال اصلی پژوهش این بود که؛ شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی چه تأثیری بر عدالت آموزشی می‌گذارد؟

۲- گردآوری و تنظیم داده‌ها: در این مرحله، داده‌ها از طریق مصاحبه و یادداشت برداری میدانی، جمع‌آوری گردید. در خصوص سؤالات مصاحبه، قابل‌ذکر است؛ سؤال اصلی پژوهش به شکل یکسان در اختیار افراد مصاحبه‌شونده قرار می‌گرفت و با ابراز و اظهار ابعاد و گستره تأثیر از سوی مصاحبه‌شونده، احیاناً پرسش بعدی شکل می‌گرفت و مطرح می‌شد توضیح آنکه ابعاد و گستره اظهارشده از دو حال خارج نبود یا اینکه خود، معلول ابعاد و گستره عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تری بود که در این صورت از آن‌ها پرسش می‌شد و یا اینکه خود، بُعد و جنبه ریشه‌ای و مبنایی بود و برای آن حلقه عمیق‌تری متصور نبود؛ در این حالت سؤال به انتها می‌رسید.

۳- کدگذاری باز: در این مرحله، نکات کلیدی داده‌ها در قالب ۸۹ «مفهوم» استخراج شد. سپس، با مقایسه مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله قبل، چند مفهوم که اشاره به یک جنبه مشترک در پدیده موردبررسی داشتند، عنوان یک «زیرمقوله (مقوله فرعی)» را به خود اختصاص دادند. درنهایت، ۲۰ کد باز یا مقوله فرعی از این روند به‌دست آمد.

۴- کدگذاری محوری: در این مرحله، زیرمقوله‌های به‌دست‌آمده با توجه به اشتراک مفهومی، در قالب ۶ «مقوله محوری و اصلی» ابعاد، گستره و انواع بی‌عدالتی

۱. مثلث‌سازی (triangulation)، یک راهبرد تحقیقاتی است که می‌تواند به محققان در افزایش اعتبار و اعتبار یافته‌های خود کمک کند. مثلث‌سازی از لحاظ مفهومی به معنای استفاده از چند منبع یا روش (حداقل ۳ منبع) به‌منظور حصول نتیجه‌ای دقیق‌تر و معتبرتر است. استفاده از این شیوه پژوهشی به نسبت، مرسوم‌تر است هرچند در ایران بیشتر پژوهشگران از طرح پژوهش اکتشافی سود می‌برند.

آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی مشخص شدند.

۵- کدگذاری گزینشی: در مرحله آخر، مقوله‌های محوری به‌دست‌آمده با توجه به قرابت در مفهوم و دلالت، در قالب ۳ «مقوله انتخابی و گزینشی» دسته‌بندی شدند.

در این پژوهش، از ۱۳ نفر متخصص و خبره در حوزه عدالت آموزشی در شهر تهران مصاحبه به‌عمل آمد و اشباع نظری برای پژوهش حاصل شد. پیرو مصاحبه‌ها و جلسات برگزارشده با نمایندگان تام‌الاختیار آن وزارتخانه در بخش‌های مختلف مرتبط با حوزه پرورشی و فرهنگ دینی و مسائل اخلاقی و تربیتی و آسیب‌های اجتماعی (از جمله: معاونت پرورشی و فرهنگی، بسیج دانش‌آموزی، بسیج فرهنگیان، سازمان دانش‌آموزی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن اولیاء و مربیان، مدارس و مراکز غیردولتی، مدارس چندپایه) با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران دستگاهی و دانشگاهی و با معاضدت نتایج برخی بررسی‌های میدانی و گزارش‌ها و تحلیل‌های رصدی و کارشناسی از وضعیت آموزش و پرورش، داده‌های ارزشمندی به‌دست آمد که جمع‌بندی نتایج آن جهت بهره‌برداری مسئولان امر در ادامه خواهد آمد. در جدول ۱ اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان، گزارش شده است.

جدول (۱): اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

متغیر	سطوح	فراوانی
جنسیت	مرد	۹
	زن	۴
صاحب‌نظر	دستگاهی (مسئولان)	۴
	دانشگاهی (محقق و پژوهشگر)	۴
	دارای تجربه عملیاتی (مدیر و معلم)	۳
سابقه کار / آشنایی با موضوع	دارای تجربه عملیاتی (دانش‌آموز و اولیاء)	۲
	۱-۱۰ سال	۳
	۱۱-۲۰ سال	۶
	۲۱-۳۰ سال	۴

نتایج بررسی اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان نشان داد که بیشتر نمونه‌ها مرد (۶۹ درصد) و صاحب‌نظر از نوع دانشگاهی و دستگاهی (هرکدام ۳۱ درصد) و دارای سابقه کار و آشنایی با موضوع ۱۱-۲۰ سال (۴۶ درصد) بودند.

این پژوهش در سال ۱۴۰۲ انجام گرفته است.

۷. یافته‌های پژوهش

به‌عنوان مقدمه بحث قابل ذکر است؛ چنان‌که در روش تحقیق نیز گفته شد، منطق سؤال و پرسش در مصاحبه‌ها به این‌صورت بود که سؤال اصلی پژوهش به شکل یکسان در اختیار افراد مصاحبه‌شونده قرار می‌گرفت و با ابراز و اظهار ابعاد و گستره تأثیر از سوی مصاحبه‌شونده، احیاناً پرسش بعدی شکل می‌گرفت و مطرح می‌شد توضیح آنکه ابعاد و گستره اظهارشده از دو حال خارج نبود یا اینکه خود، معلول ابعاد و گستره عمیق‌تر و ریشه‌ای‌تری بود که در این‌صورت از آن‌ها پرسش می‌شد و یا اینکه خود، بُعد و جنبه ریشه‌ای و مبنایی بود و برای آن حلقه عمیق‌تری متصور نبود؛ در این حالت سؤال به انتها می‌رسید؛ لذا سؤالات متعدد و پرسش‌های تفکیک شده وجود نداشت که احیاناً، هر بخشی از یافته‌ها مربوط به یک پرسش و سؤال مجزا باشد.

براین‌اساس، در این مرحله، نتایج کدگذاری باز اولیه (شاخص یا مفهوم)، محوری (مؤلفه یا مقوله‌های عمده) و انتخابی یا گزینشی (ابعاد یا مقوله‌های هسته‌ای) از مجموع یافته‌های مربوط به سؤال اصلی پژوهش و زیرشاخه‌های آن که توضیح‌گشت، گزارش می‌شود. با این توضیح که؛ کدگذاری باز یا همان شاخص‌ها و مفاهیم اولیه، نخستین مرحله در فرایند تفسیر داده‌هاست. (فراستخواه، ۱۴۰۱، ص. ۳۷). بعد از پیاده‌کردن هر مصاحبه، کدگذاری باز آغاز شده و به هر سطر یا بند که حاوی نکته‌ای مرتبط با پرسش پژوهش، تلقی شده برچسبی از کلمات که گویای آن نکته بود، اختصاص داده شد. سپس کدهای به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها با یکدیگر مقایسه شدند تا کدهای مشابه در کنار یکدیگر قرار گیرند. در این مرحله پس از حذف کدهای مشابه درنهایت ۲۰ مفهوم مربوط به «بررسی عدالت آموزشی با شکل‌گیری مدارس غیردولتی و خاص» شناسایی شد که در جدول ۲ در ستون مفهوم نشان داده شده‌اند.

در کدگذاری محوری مقوله‌های عمده و محوری یا همان مؤلفه‌ها با مفاهیم به دست‌آمده در مرحله کدگذاری باز مرتبط شده و این ارتباط از طریق داده‌ها بررسی می‌شود. پژوهشگر در کدگذاری محوری، مفاهیم به‌دست‌آمده از مرحله کدگذاری باز را باهم مقایسه کرده و آن‌ها را ترکیب، ادغام، تقلیل و تلخیص می‌کند (فراستخواه، ۱۴۰۱، ص. ۳۷). در این مرحله کدهای حاوی معانی مشابه در کنار یکدیگر و زیر یک مفهوم انتزاعی بزرگ‌تر که همه آن‌ها را دربرگیرد، قرار می‌گیرند و مقوله‌های محوری و عمده را می‌سازند. از این‌رو در پژوهش حاضر، مفاهیم شناسایی‌شده در

مرحله کدگذاری باز ذیل ۶ مقوله محوری طبقه‌بندی شدند که این مقوله‌ها نیز در ستون دوم جدول ۲ آورده شده است.

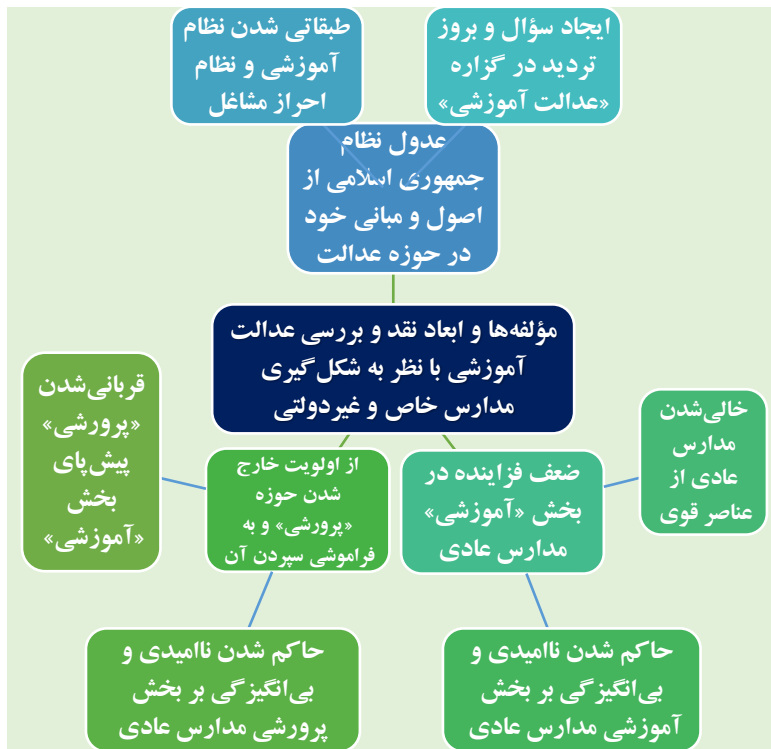
بعد از کدگذاری محوری، مرحله نهایی کدبندی، کدبندی انتخابی یا گزینشی است. در این مرحله مقوله‌های مورداستفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و پژوهشگر باید مقوله هسته‌ای یا همان بُعد را انتخاب کرده یا به تعیین و ساخت یک مقوله جدید اقدام کند (محمدپور، ۱۳۹۲، ص. ۲۴). در این مرحله از فرایند کدگذاری، تمام ۶ مقوله محوری و مؤلفه‌های شناسایی شده پیرامون پدیده هسته‌ای که همان بررسی عدالت آموزشی متأثر از شکل‌گیری مدارس غیردولتی و خاص است باهم تلفیق شده و ۳ بُعد یا مقوله هسته‌ای را تشکیل دادند. ستون سوم شکل ۲ خروجی این مرحله را نیز نشان می‌دهد.

جدول (۲): نتایج کدگذاری باز، محوری و گزینشی (انتخابی) جهت شناسایی مفاهیم، ابعاد و مؤلفه‌های نتایج نقد و بررسی عدالت آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی

کدهای باز (شاخص یا مفهوم)	کدهای محوری (مؤلفه‌ها یا مقوله‌های محوری)	کدهای انتخابی / گزینشی (ابعاد یا مقوله‌های هسته‌ای)
۱- مخدوش شدن اصل سی‌ام قانون اساسی در موضوع «آموزش رایگان همگانی»	ایجاد سؤال و بروز تردید در گزاره «عدالت آموزشی»	عدول نظام جمهوری اسلامی از مبانی و مبانی خود در حوزه عدالت
۲- مخدوش شدن مبانی قوام‌بخش جامعه دینی در موضوع «عدالت اجتماعی و رسیدگی به اقشار مستضعف»		
۱- انفکاک اجتماعی اقشار دارا و ندار (افراد دارا در مدارس خاص و غیردولتی و ناتوان‌ها در دولتی عادی)	طبقاتی شدن نظام آموزشی و نظام احراز مشاغل	
۲- تجمع امکانات آموزشی در مدارس غیردولتی (به دلیل توانمندی مالی اولیاء و اهتمام بیشتر مسئولان)		
۳- اختصاص صندلی‌های بهتر دانشگاه و به تبع، مناصب اجتماعی بالاتر به فرزندان قشر مرفه و تیزهوشانی‌ها		
۱- تخلیه مدارس عادی از معلمان باتجربه و ماهر و گسیل شدن معلمان باتجربه و بهتر به مدارس خاص و غیردولتی	خالی شدن مدارس عادی از عناصر قوی	ضعف فزاینده در بخش «آموزشی» مدارس عادی

کدهای باز (شاخص یا مفهوم)	کدهای محوری (مؤلفه‌ها یا مقوله‌های محوری)	کدهای انتخابی / گزینشی (ابعاد یا مقوله‌های هسته‌ای)
۲- تخلیه مدارس عادی از دانش‌آموزان زرنگ و باهوش		
۳- ضعف سواد غیرقابل وصف در دانش‌آموزان مدارس عادی		
۴- ظلم مضاعف به دورافتاده‌ها (مدارس چندپایه)		
۱- کاهش انگیزه‌های آموزشی در معلمان مدارس عادی	حاکم شدن ناامیدی و بی‌انگیزگی بر بخش آموزشی مدارس عادی	
۲- کاهش انگیزه‌های تعلیمی در دانش‌آموزان مدارس عادی		
۳- تلقی عموم بر رهاشدگی مدارس دولتی معمولی به‌لحاظ آموزشی		
۴- افزایش آمار ترک تحصیل در مدارس عادی		
۱- آفت مدارس عادی از لحاظ تربیت و پرورش دینی	حاکم شدن ناامیدی و بی‌انگیزگی بر بخش پرورشی مدارس عادی	از اولویت خارج شدن حوزه «پرورشی» و به فراموشی سپردن آن
۲- فراهم آمدن زمینه «آسیب‌های رفتاری و اخلاقی» با ناامیدی از آینده «آموزشی»		
۳- تلقی عموم بر رها بودن مدارس عادی در امر «پرورش» به‌مثابه «آموزش»		
۴- کم‌رونقی کالای دین و اخلاق در مدارس دولتی (خود را قربانی بی‌عدالتی اجتماعی می‌بیند)		
۵- تخلیه مدارس عادی از دانش‌آموزان خوب به‌لحاظ تربیتی و دینی		
۱- صرف بودجه «پرورشی» در بخش «آموزشی» به‌منظور جبران بخشی از عقب‌ماندگی از مدارس رقیب	قربانی شدن «پرورشی» پیش پای بخش «آموزشی»	
۲- مصادره وقت «دروس غیر کنکوری» به نفع «دروس کنکوری» برای جبران عقب‌ماندگی از مدارس رقیب		

با توجه به مقوله‌ها و زیرمقوله‌های شناسایی‌شده، در شکل ۱ الگوی تبیینی از نتیجه نقد و بررسی عدالت آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی قابل مشاهده است.



شکل (۱): الگوی تبیینی از مؤلفه‌ها و ابعاد نقد و بررسی عدالت آموزشی با نظر به شکل‌گیری مدارس خاص و غیردولتی

نمونه‌هایی از جملات مصاحبه‌شوندگان نیز به شرح ذیل می‌باشد:

- فردی که خود را قربانی بی‌عدالتی در اولی‌ترین حقوق اجتماعی و «آموزش» برای ساختن آینده بهتر خویش می‌بیند و انقلاب و نظام اسلامی را در برآوردن یکی از کلیدی‌ترین و محوری‌ترین شاخص‌های فرهنگ دینی یعنی «عدالت اجتماعی»، ناتوان و ضعیف می‌یابد، بی‌گمان به توصیه‌های دینی و آموزه‌های فرهنگی در بخش «پرورش» نیز چندان روی خوش نشان نمی‌دهد و دل‌بستگی نخواهد داشت.

- مدارس دولتی خاص و غیردولتی، به دلیل دریافت شهریه‌ای که همگان توان پرداخت آن را ندارند سبب جدا شدن و ایجاد تبعیض بین اقشار «توانمند و دارا» و «مستضعف و ندار» جامعه می‌شوند و با تجمیع امکانات آموزشی در این مدارس و عمدتاً در شهرهای مرکزی استان، صندلی‌های بهتر دانشگاه و به‌تبع، مناصب اجتماعی بالاتر را، به شکلی انحصاری برای فرزندان این اقشار تضمین و رزرو

می‌کنند و دور ماندن قشر مستضعف جامعه (حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان) از گردونه رشد و پیشرفت علمی را موجب می‌شوند.

- با گسیل شدن معلمان باتجربه و بهتر به مدارس خاص و غیردولتی، عملاً مدارس دولتی معمولی با معلمان سطح پایینی اداره می‌شوند معلمینی که شاید تجربه کمتر و یا توانمندی کمتری نسبت به بقیه داشته باشند.

- طبقاتی شدن «آموزش» با از بین بردن امید به آینده در مدارس معمولی و هدف شدن «وقت‌گذرانی» برای دانش‌آموزان، تحرک و شکوفایی را از بین برده و زمینه هرگونه آسیب رفتاری و اخلاقی، ناسازگاری و ناهنجاری فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

موضوع طبقاتی شدن نظام آموزش کشور و تأسیس مدارس ویژه، تحت عناوین مختلف (غیردولتی / تیزهوشان / ...) عملاً سبب شده تا آرمان‌ها و مبانی قوام‌بخش جامعه دینی در موضوع «عدالت» و «رسیدگی به اقشار مستضعف» زیر سؤال رفته و مخدوش شود؛ این وضعیت هم‌اکنون به شکل غیرمستقیم ولی بسیار اثرگذار، سبب کم‌رونقی کالای دین و گزاره‌ها و توصیه‌های اخلاقی در مدارس دولتی شده است (صافی، ۱۳۷۳، ص. ۷۲).

حسب داده‌های آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۰، مدارس غیردولتی با داشتن ۱۳ هزار مدرسه از مجموع ۱۰۰ هزار مدرسه کشور حدود ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر دانش‌آموز (حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان) را در خود جای داده‌اند ولی نحوه پراکندگی و اثرگذاری آن‌ها در نظام آموزش کشور به همین نسبت و با توزیع جغرافیایی یکسان نیست بلکه با نزدیک‌تر شدن به مناطق بالادست و مرفه‌نشین در شهرها آمار آن‌ها نیز بیشتر می‌شود طوری که فقط ۱۷۰۰ مدرسه غیردولتی با ۲۰۰ هزار نفر دانش‌آموز در شهر تهران و مناطق مرفه آن قرار دارد و در مناطق بالادست این شهر، اکثریت با مدارس غیردولتی است. از طرف دیگر علی‌رغم سهم ۱۰ درصدی آن‌ها از مجموع دانش‌آموزان، حدود ۲۰ درصد قبولی‌های کنکور از این مجموعه اندک است و این مسئله زمانی حادتر می‌شود که متوجه می‌شویم این ۲۰ درصد،

۱. مدارس تیزهوشان در راستای رهنمود مقام معظم رهبری، مبنی بر نخبه‌پروری و با مطالعات و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌وجود آمد و ایشان با پیش‌بینی تبعات آن بر مدارس دولتی، در حکم خویش بر مغفول نماندن مدارس دولتی تأکید فرمودند ولی این دستور چندان موردتوجه قرار نگرفت.

پراکندگی یکسانی در تمام رشته‌ها ندارند بلکه عمده آن‌ها رشته‌های پُرطرفدار را حائز شده و به‌دست می‌آورند! در واقع عمده قبولی رشته‌های پُرطرفدار از دانش‌آموزان مدارس دولتی خاص و غیردولتی بوده و به شکل غیرمستقیم، طبقاتی شدن فرصت‌های شغلی در حال نهادینه شدن است! (ر.ک.: آمارهای «قبولی کنکور» به تفکیک نوع مدارس، سازمان سنجش آموزش کشور).

آنچه قابل‌ذکر است آنکه؛ تقویت بخش «آموزش» مدارس دولتی خاص و غیردولتی، از طریق ظرفیت‌های بلااستفاده نظام آموزشی و مانند آن صورت نمی‌گیرد، بلکه تماماً از طریق تخلیه مدارس عادی از معلمان باتجربه و با بهای ضعیف نگه‌داشتن آن‌ها است (آراسته، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۳)؛ اما موضوع، زمانی پُررنگ و حاد می‌شود که این دسته‌بندی به بدنه دانش‌آموزی نیز سرایت می‌کند بدین معنی که با رفتن دانش‌آموزان قوی و زرنگ به مدارس غیردولتی و تیزهوشان و... (که اکنون در شهرهای کوچک نیز شکل گرفته‌اند و حتی دانش‌آموزان زرنگ و البته دارای توانایی مالی روستاها را هم جذب می‌کنند) مدارس دولتی معمولی عملاً با سطح ضعیفی از دانش‌آموزان مواجه می‌شود درحالی‌که دانش‌آموز زرنگ و باهوش، مایه رونق کلاس است، از طرفی مایه امید و انگیزه معلم و شوق تدریس بهتر اوست و از طرف دیگر به سبب جایگاه الگویی برای دانش‌آموزان دیگر، مایه‌ی قوت قلب و رشد آن‌هاست (سمیع‌آذر، ۱۳۷۶، ص. ۱۲).

نتیجه رویکرد فعلی در طبقاتی ساختن آموزش آن شده که مدارس دولتی معمولی با ضعف مضاعفی در حوزه آموزش مواجه‌اند؛ انگیزه‌های علمی در معلمان و دانش‌آموزان به شدت کاهش یافته و ناامیدی بسیار شدید جایگزین آن شده است (نوریان، ۱۳۷۲، ص. ۵۸). درنتیجه تلقی عموم نیز بر آن شده که مدارس دولتی معمولی به‌لحاظ آموزشی رها هستند و به قول عامیانه «صاحب» ندارند (خصوصاً در پایه‌های متوسطه) و اگر کسی دغدغه آموزش فرزند خویش و پیشرفت علمی وی را دارد نباید او را به این مدارس بفرستد!

درهمین‌راستا، یافته‌ها و مشاهدات عینی از وضعیت نامناسب در بخش آموزش مدارس دولتی معمولی به‌ویژه سطح متوسطه آن‌ها حکایت می‌کند! آمار بالای ترک تحصیل^۱ در مدارس دولتی معمولی و ضعف غیرقابل وصف دانش‌آموزان که بعضاً

۱. بر اساس داده‌های آموزش و پرورش، در سال ۹۷-۹۸ در مقطع متوسطه اول ۳٫۹ درصد دختران و ۴٫۵۵ درصد پسران ترک تحصیل کرده‌اند. همچنین نرخ ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم ۳٫۷ درصد و در

حتی در پایه متوسطه سواد ابتدایی خواندن و نوشتن را ندارند و ورقه امتحانی را از روی کتاب هم نمی‌توانند تکمیل نمایند!

در حال حاضر سیاست نانوخته آموزش و پرورش در قبال این وضعیت، بسترسازی برای شنیده‌نشدن و دیده‌نشدن آن است؛ از آمارهایی که به‌سختی منتشر می‌شود تا حذف نمره در دوره دبستان^۱ و گرفتن امتحان‌های مکرر تا قبول شدن اجباری و الزام غیرمستقیم مدیران و معلمان به بالا بردن تراز نمرات و قبولی‌ها که همه و همه حکایت از این واقعیت دارد.

بی‌عدالتی مضاعف به دورافتاده‌های نقاط محروم نیز مسئله‌ای جدی است؛ دانش‌آموزان روستایی چندپایه که علی‌رغم تعداد زیادشان یعنی حدود ۷۰۰ هزار نفر، نه‌تنها توجه لازم به آن‌ها که تربیون و رسانه‌ای ندارند نمی‌شود بلکه در مواقعی از ضعیف‌ترین معلمان برایشان استفاده می‌شود. چنان‌که در چند سال اخیر و با کمبود معلم و تبدیل وضعیت هزاران راننده بخش نقلیه وزارتخانه به معلم، اکثر آن‌ها به مناطق دوردست و این مناطق گسیل شدند تا صدای این فاجعه و ضعف کیفی آن‌ها سرپوشیده بماند! لازم به ذکر است که ضعف عدالت آموزشی از عوامل عمده مهاجرت و حاشیه‌نشینی است (ساکی، ۱۳۸۸، ص. ۳۲).

طبقاتی شدن «آموزش»، سبب می‌شود تا خانواده‌ها و جامعه، رها بودن مدارس دولتی معمولی در امر «آموزش» را به «پرورش» نیز تسری دهند و این‌بار این تلقی در اذهان عامه و اولیای دانش‌آموزان شکل بگیرد که اگر می‌خواهی فرزندت تربیت خوبی داشته باشد به غیردولتی بفرست و کسی که فرزندش را به مدارس دولتی می‌فرستد نسبت به تربیت و اخلاق او دلسوزی ندارد و بی‌اهمیت است! همین مسئله در یکی دو دهه اخیر و با روندی افزایشی سبب شکل‌گیری بخشی از مدارس غیردولتی و دولتی خاص با هدف برآورده ساختن دغدغه‌های فرهنگی و تربیتی خانواده‌ها شده و تخلیه مدارس دولتی معمولی از دانش‌آموزان خوب به لحاظ تربیتی و دینی را، بیش‌ازپیش موجب شده است (صفوی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۱). خصوصاً که در مدارس غیردولتی و نمونه دولتی، رفتارهای دانش‌آموزان از حیث آسیب‌زانبودن و اینکه مطابق رفتارهای مطلوب جامعه باشد به مراتب بیشتر از مدارس دولتی کنترل می‌شود هرچند این به معنی دغدغه تربیت دینی داشتن و دین‌دار بار آمدن فرزندان و توجه به اخلاق اسلامی

پسران ۴،۵۱ درصد و در مجموع ۴،۱۲ درصد بوده است. (حدود ۲۶۰ هزار نفر صرفاً در طول یک سال تحصیلی و فقط در دوره متوسطه!).

۱. ظاهراً حذف نمره دلایل علمی دارد، ولی از پیامدهای خواسته و ناخواسته آن، همین است.

نیست ولی بخشی از نگرانی‌ها را و در جنبه آسیبی مرتفع می‌سازد. در چنین فضایی که اولویت «وزارت آموزش و پرورش» صرفاً «آموزش» است، مدارس غیردولتی و دولتی خاص به دلیل مبسوط‌الید بودن از حیث مالی، سطح بالایی از کیفیت و بهره‌وری آموزشی را به نسبت مدارس دولتی معمولی دارند (به شکلی محسوس و فاصله‌دار)؛ مدارس دولتی نیز برای اینکه خود را در سطح مناسبی از لحاظ علمی در مقایسه با رقبایشان نگه‌دارند سعی می‌کنند اولاً، بودجه سرانه‌ای را که در اختیارشان قرار می‌گیرد و مساعدت‌های مالی که از اولیاء دریافت می‌کنند، اگر از هزینه‌های جاری مدرسه چیزی باقی ماند، بیشتر صرف مسائل «آموزشی» کنند و «پرورش» به محاق برود؛ ثانیاً، دروس غیرکنکوری (همچون «تاریخ» در برخی رشته‌ها و دروس معارف با ضریب پائین در کنکور) را به نفع دروس کنکوری با ضریب بالا (همچون زیست‌شناسی، ریاضی، فیزیک) مصادره کنند و وقت کلاس آن‌ها را - با اینکه دروس مهمی به لحاظ اندیشه و تعالی فکری و شناختی دانش‌آموزان هستند - با لطایف‌الحیلی به دروس کنکوری اختصاص دهند.

برجسته‌سازی تأثیر مشکلات کلان فرهنگی و اقتصادی، از دلایل و بهانه‌های عمده در کم‌کاری و مماشات با ضعف‌ها و کاستی‌ها توسط وزارت آموزش و پرورش است؛ البته این عوامل و اثرگذاری‌شان محل تردید نیست، ولی موجه فرار از مسئولیت نمی‌باشد. خصوصاً که این وزارتخانه در رأس هرم فرهنگ قرار دارد. طوری که موتور محرکه فرایند اصلاح فرهنگ است و باید خودش فرهنگ‌ساز باشد نه هم‌نوا با برخی خرده‌فرهنگ‌های اشتباه جامعه. در واقع هر دستگاهی هم بخواهد منفعل و منتظر اصلاح از سوی دیگران باشد این دستگاه را نشاید؛ زیرا رسالت این دستگاه دقیقاً ناهمنوایی و ناسازگاری با ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها - ولو در صورت نهادینه شدن نسبی آن‌ها در جامعه - و بلکه اصلاح آن‌ها است و چنین رسالتی را هر دستگاهی ندارد.

پیشنهادها

در پایان برای گام‌های آتی طرح، پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بررسی اثربخشی سیاست‌ها: ارزیابی اثربخشی سیاست‌های مختلف آموزشی بر کاهش نابرابری و بهبود کیفیت آموزش.
- ۲- پژوهش‌های کیفی: مطالعه عمیق تجربیات دانش‌آموزان، معلمان و اولیاء در مدارس مختلف از عدالت آموزشی.

۳- پایش و ارزیابی مستمر عدالت آموزشی: ایجاد یک سازوکار پایش مستمر برای ارزیابی میزان دستیابی به عدالت آموزشی در سطوح مختلف می‌تواند نتایج مفیدی برای اصلاحات آتی ارائه دهد. این ارزیابی‌ها باید شامل جمع‌آوری بازخورد از دانش‌آموزان، معلمان و والدین باشد و به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آینده استفاده شود.

۴- گسترش تعامل و مشارکت اجتماعی: ترغیب نهادهای محلی، والدین و سازمان‌های غیردولتی برای مشارکت در فرایند آموزشی و حمایت از مدارس، می‌تواند به بهبود تجربه آموزشی دانش‌آموزان و تقویت پیوندهای اجتماعی منجر شود و کمک کند که نیازهای آموزشی بهتر شناسایی و برآورده شوند.

این راهکارها می‌توانند به‌طور عملیاتی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی در جهت ارتقای عدالت آموزشی و افزایش کیفیت کلی آموزش در نظام آموزشی مورد استفاده قرار گیرند.

فهرست منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۳). «ساختار آموزش عالی»، در *دائرةالمعارف آموزش عالی* تألیف نادر قلی قورچیان و همکاران. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- آمارهای «ترک تحصیل»، «معدل دروس نهایی» و «قبولی کنکور»، به تفکیک مدارس دولتی، غیردولتی و خاص (۱۳۹۰-۱۴۰۲)، سازمان سنجش آموزش کشور.
- اسلامی هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا و نادى، محمدعلی (۱۳۹۷). طراحی مدل عدالت آموزشی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی و اعتباریابی آن. *نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳(۳).
- اسلامی هرندی، فاطمه؛ کریمی، فریبا و نادى، محمدعلی (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۳(۴۷).
- اکبرزاده، فهیمه؛ قاندى، یحیی و صالحی، اکبر (۱۳۹۸). تبیین مؤلفه‌های عدالت آموزشی و تحلیل انتقادی جایگاه آن در گفتمان‌های ایدئولوژیک‌سازی و سازندگی. *نشریه فلسفه تربیت*، ۴(۲).
- انصاری، مریم و رجبی، معصومه (۱۳۹۵). *تحلیلی بر مؤلفه‌های عدالت آموزشی از نظر*

- جان راولز. همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، دوره ۷. بآبادی عکاشه، زهرا؛ شریف، سیدمصطفی و جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۹). تأمین و گسترش برابری فرصت‌ها و عدالت آموزشی در آموزش و پرورش استان اصفهان. نشریه رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۷).
- باقری، خسرو و نجفی، نفیسه (۱۳۸۷). عدالت در آموزش و پرورش از دیدگاه اسلام با تأکید بر خصوصی‌سازی مدارس. نشریه روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۸(۱).
- بیات، قدسی و قاسمی، مرضیه (۱۳۹۸). مفهوم‌پردازی عدالت در نظام آموزشی ایران: مطالعه موردی کتاب‌های درسی پیش از دانشگاه. مجلس و راهبرد، ۱۰(۱۰۰).
- حاضری، علی‌محمد و آریان راد، امین (۱۳۹۶). مسئله عدالت آموزشی در دهه نخست دوره جمهوری اسلامی. نشریه تاریخ‌نامه انقلاب، ۱۱(۱).
- حسینی، محمد (۱۴۰۲/۷/۱۶). عدالت آموزشی در حکمرانی آموزش و پرورش. گزارش هم‌اندیشی در مجمع عالی علوم انسانی اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن و ترابزاده جهرمی، محمدصادق (۱۳۹۶). تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط‌مشی‌های آموزشی جمهوری اسلامی ایران، رویکرد ارزیابی نظریه برنامه. نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، ۱۱(۱).
- دهقانی، سعیده (۱۳۸۴). بررسی فرصت‌های آموزشی در استان فارس در برنامه دوم و سوم توسعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- ساکس، رضا (۱۳۸۸). بررسی موانع مدرسه محوری در آموزش و پرورش. پروژه تحقیقاتی پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰-۱۴۰۱).
- سرمدی، محمدرضا و معصومی‌فرد، مرجان (۱۳۹۴). جایگاه عدالت آموزشی در تحول نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر سازنده‌گرایی. نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، ۳(۱۰).
- سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۷۶). نقش محیط کالبدی در پویایی آموزش و پرورش. فصلنامه مدرسه نو، ۴(۶ و ۷).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، (۱۳۸۹-۱۳۹۰).
- شیخ‌رضائی، حسین (۱۳۹۶). عدالت آموزشی چیست؟. مجله رشد مدرسه فردا، ۱۳(۸).
- شیخ‌سعدآبادی، عصمت و مسعودی، شکوفه (۱۳۸۴). مفهوم عدالت و عدالت

- آموزشی از دیدگاه قرآن و روایات و اندیشمندان اسلامی. همایش سمپوزیوم علوم زمین، دوره ۲۴.
- صافی، احمد (۱۳۷۳). عوامل مؤثر در قابلیت یا عدم قابلیت اجرای بخشنامه‌های وزارت آموزش و پرورش از دیدگاه مدیران کل ستادی و مدیران مدارس تهران. پروژه تحقیقاتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- صالحی، محمد و چاری سرستی، فرشته (۱۳۹۳). بررسی نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عدالت آموزشی از دیدگاه مدیران مدارس دوره متوسطه استان مازندران. نشریه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۵(۱).
- صفارحیدری، حجت و حسین‌نژاد، رزا (۱۳۹۳). رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران). پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، (۱).
- صفوی، امان‌الله (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران. تهران: رشد.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۹). مبانی و اصول مدیریت آموزشی. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- علاقه‌بند، علی (۱۴۰۲). مدیریت عمومی. تهران: انتشارات روان.
- فراستخواه، مسعود (۱۴۰۱). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی. تهران: نشر آگاه.
- قریشی، مریم‌سادات؛ نظرزاده، محسن و بهرامی، بهنوش (۱۴۰۰). بررسی وضعیت عدالت آموزشی در مدارس دولتی شهر تهران. نشریه مدیریت مدرسه، ۹(۱).
- کریمی، نسرین؛ جویباری، آزیتا و مصلح، مریم (۱۳۹۷). رابطه عدالت توزیعی به‌عنوان ابعاد عدالت آموزشی با نگرش تحصیلی دانش آموزان دختر مدارس متوسطه دوم منطقه ۵ تهران. همایش ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، دوره ۱.
- لینکلن و گوبا (۱۹۸۵). تحقیق طبیعت‌گرایانه. کالیفرنیا: انتشارات سیج.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدی، رضا و سلیمانی، امیر (۱۴۰۲). مرور نظام‌مند عدالت آموزشی در ایران: مفهوم‌پردازی، چالش‌ها و شاخص‌ها. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۲(۲۳).
- نادری، ابوالقاسم (۱۴۰۰). اقتصاد آموزش. تهران: نشر آگاه.
- ناظری بافقی، الهه‌سادات (۱۳۹۹). اهمیت و ضرورت مؤلفه عدالت آموزشی در

سیستم آموزش و پرورش. ششمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی مدرسه. نقی‌زاده، نازنین (۱۴۰۱)، عدالت آموزشی چه جایگاهی در سند حول بنیادین آموزش و پرورش دارد؟، مجله بنیاد دانش. نوریان، محمد (۱۳۷۲). مقایسه دیدگاه مدیران، معلمان و اولیاء دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی با مدارس دولتی نسبت به عملکرد آن مدارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

References

- Akbarzadeh, Fahimeh, Ghaedi, Yahya and Salehi, Akbar (2019). Explanation of the Components of Educational Justice and Critical Analysis of Its Position in Ideological Formation and Construction Discourses. *Journal of Philosophy of Education*, 4(2). (In Persian)
- Alahband, Ali (2009). *Fundamentals and Principles of Educational Management*, Tehran: Besat Publishing Institute. (In Persian)
- Alahband, Ali (2010). *General Management*, Rawan Publishing, 34th Edition. (In Persian)
- Ansari, Maryam & Rajabi, Masoumeh (2016). An Analysis of the Components of Educational Justice from the Perspective of John Rawls. *National Conference of the Iranian Society of Philosophy of Education*, (7). (In Persian)
- Arate, Hamidreza (2004). Structure of Higher Education, *Encyclopedia of Higher Education*, edited by Nader Gholi Qorchian et al. Tehran, Foundation of the Great Persian Encyclopedia. (In Persian)
- Babadi-Okasheh, Zahra, Sharif, Seyyed Mostafa & Jamshidian, Abdolrasoul (2009). Ensuring and Developing Equal Opportunities and Educational Justice in Education in Isfahan Province. *Social Welfare Journal*, 10(37). (In Persian)
- Bagheri, Khosrow & Najafi, Nafiseh (2008). Justice in Education from the Perspective of Islam with Emphasis on the Privatization of Schools. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 38(1). (In Persian)
- Bayat, Ghodsi & Ghasemi, Marzieh (2019). Conceptualizing Justice in the Iranian Educational System: A Case Study of Pre-University Textbooks. *Majles and Rahbad*, (100). (In Persian)
- Danaei Fard, Hassan & Torabzadeh Jahromi, Mohammad Sadeq (2017). An Analysis of the Coherence of Justice Theory in the Educational Policies of the Islamic Republic of Iran, an Approach to the Evaluation of Program Theory. *Journal of Strategic Management Thought*, 11(1). (In Persian)
- Dehghani, Saeideh (2005). *Investigation of Educational Opportunities in Fars Province in the Second and Third Development Plans*. Master's Thesis, Isfahan University. (In Persian)

- Eslami Harandi, Fatemeh, Karimi, Fariba & Nadi, Mohammad Ali (2018). Designing an Educational Justice Model for the Formal and Public Education System and Its Accreditation. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 3(3). (In Persian)
- Eslami Harandi, Fatemeh, Karimi, Fariba & Nadi, Mohammad Ali (2019). Identifying the Components of Educational Justice in Iranian Education. *Journal of Research in Educational Systems*, 13(47). (In Persian)
- Farastkhah, Masoud (2010). *Qualitative Research Method in Social Sciences*, Tehran, Agah Publishing. (In Persian)
- Hassani, Mohammad (2023). Educational Justice in the Governance of Education. Report of a Symposium at the Supreme Assembly of Islamic Humanities. (In Persian)
- Hazeri, Ali Mohammad & Arian Rad Amin (2017). The Issue of Educational Justice in the First Decade of the Islamic Republic. *Tarikhnameh Enghelab Journal*, 1(1). (In Persian)
- Karimi, Nasrin, Jooybari, Azita & Mosleh, Maryam (2018). The Relationship between Distributive Justice as Dimensions of Educational Justice and the Academic Attitude of Female Students in Secondary Schools in Tehran Region 5. National Conference on New World Achievements in Education, (1). (In Persian)
- Lincoln & Guba (1985). *Naturalistic Research*, California, Sage Publishing. (In Persian)
- Mohammadi, Reza & Soleimani, Amir (2013). Systematic Review of Educational Justice in Iran: Conceptualization, Challenges and Indicators. *Quarterly Journal of Educational Planning Studies*, 12(23). (In Persian)
- Mohammadpour, Ahmad (2013). *Qualitative Research Methodology Countermethod 1 (Logic and Design in Qualitative Methodology)*. Second Edition, Tehran, Sociologists Publishing. (In Persian)
- Naderi, Abolghasem (2013). *Economics of Education*, Tehran, Agah Publishing. (In Persian)
- Naghizadeh, Nazanin (2022). *Danesh Foundation Journal*. (In Persian)
- Nazeri Bafghi, Elah Sadat (2010). The Importance and Necessity of the Educational Justice Component in the Education System. Sixth International Conference on School Psychology. (In Persian)
- Noorian, Mohammad (2013). Comparing the views of principals, teachers, and parents of students in non-profit schools with public schools regarding the performance of those schools, Master's thesis. Allameh Tabatabaei University. (In Persian)
- Qoresh, Maryam Sadat, Nazarzadeh, Mohsen & Bahrami, Behnoush (2001). Investigating the Status of Educational Justice in Public Schools in Tehran. *School Management Journal*, 9(1). (In Persian)
- Safara-Heidari, Hojjat & Hossein-Nejad, Rosa (2014). Approaches to educational justice (A look at the position of educational justice in the document of fundamental transformation of the Iranian education

- system). Research Journal of Fundamentals of Education, Year 4, (1). (In Persian)
- Safavi, Amanollah (2004). History of Education in Iran, Tehran: Rashd. (In Persian)
- Safi, Ahmad (2004). Factors affecting the ability or inability to implement the Ministry of Education's circulars from the perspective of general directors of schools and principals of Tehran schools. Research project of the Educational Research and Planning Organization. (In Persian)
- Saki, Reza (2009). Investigation of School-Centered Barriers in Education. Research Project of the Institute of Education and Training. (In Persian)
- Salehi, Mohammad & Chari-Seresti, Fereshteh (2014). Investigating the role of information and communication technology on educational justice from the perspective of secondary school principals in Mazandaran province. Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences, 5(1). (In Persian)
- Sami'Azar, Ali Reza (2007). The Role of the Physical Environment in the Dynamics of Education. Madrasah, 4(6, and 7). (In Persian)
- Sarmadi, Mohammad Reza & Masoumi Fard, Marjan (2015). The Place of Educational Justice in the Transformation of the Education System Based on Constructivism. Journal of Research in School and Virtual Learning, 3(10). (In Persian)
- Sheikh Rezaei, Hossein (2017). What is Educational Justice?. Roshd Madrasah Farda Magazine, 13(8). (In Persian)
- Sheikh Saadabadi, Esmat & Masoudi, Shokofeh (2005). The Concept of Justice and Educational Justice from the Perspective of the Quran, Traditions, and Islamic Scholars. Earth Sciences Symposium, (24). (In Persian)
- Statistical Yearbook of the Ministry of Education, 2011-2012. (In Persian)
- Statistics on "dropout", "final grade point average" and "entrance exam acceptance", by state, private and private schools (2011-2023), National Education Assessment Organization. (In Persian)
- Supreme Council of Cultural Revolution, "Document of Fundamental Transformation of Education," 2009-2010. (In Persian)

بررسی مسائل و چالش‌های اجرایی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در ایران (مطالعه موردی استان گیلان)^۱

جواد نظری مقدم

استادیار پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

j.moghaddam@guilan.ac.ir

0000-0001-8626-7766

چکیده

با توجه به کاهش باروری و نرخ مولید در ایران، نظام سیاست‌گذار در ایران اقدام به تغییر سیاست‌های جمعیتی نموده تا از این طریق ضمن وضع قوانین خاصی در حوزه جمعیت و خانواده و تشویق جامعه به فرزندآوری، از کاهش فزاینده جمعیت جلوگیری نموده و زمینه افزایش نسبی آن را فراهم نماید. از آنجاکه گیلان از جمله پیرترین استان‌های کشور است و مسئله کاهش جمعیت و نرخ مولید یکی از مهم‌ترین مسائل این استان به‌شمار می‌رود، در این پژوهش کیفی تلاش شد تا با استفاده از مصاحبه عمیق با شماری از صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه خانواده و جمعیت در گیلان، مهم‌ترین مسائل و خلأهایی قانونی و چالش‌های سیاستی و اجرایی «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در گیلان احصاء و راهکارهای عملیاتی جهت تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی متناسب با نیازها و نظام مسائل استان ارائه گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جهت حل مسئله جمعیت توجه به نقش مؤلفه‌های فرهنگی و ذهنی در مقایسه با مؤلفه‌های اقتصادی از اهمیت بیشتری برخوردارند. چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف قانون در چهار حوزه اجرایی و مدیریتی، حوزه فرهنگی و اجتماعی، حوزه آموزشی و رسانه‌ای و حوزه بهداشت و درمان وجود دارد. درنهایت با توجه به مسائل و چالش‌های موجود، راهکارهای عملیاتی متناسب با نظام مسائل حوزه جمعیتی در استان استخراج و در پنج حوزه آموزشی و تربیتی خانواده‌محور، رسانه‌ای و تبلیغی، بهداشتی و درمانی، اجرایی و مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی پیشنهادهایی با اتکا بر نظر کارشناسان ارائه گردید. نتایج و دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک بسته پیشنهاد سیاستی در اختیار مدیران و کارگزاران حوزه جمعیت و فرزندآوری قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، خانواده، سیاست‌های جمعیتی، فرزندآوری، گیلان.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/ses.2024.486282.1622



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظریات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

۱. این پژوهش حاصل طرح پژوهشی با عنوان «سنجش نگرش شناختی، عاطفی و رفتاری مردم گیلان نسبت به سیاست‌های جمعیتی» با حمایت استناداری گیلان است.

مقدمه و بیان مسئله

آگاهی از وضعیت رشد جمعیت همراه با سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، پایه و اساس هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای توسعه در سطح ملی است، چراکه پیش‌بینی نیازمندی‌ها و اقتضائات اولیه هر جامعه مبتنی بر آمارهای مربوط به رشد جمعیت است. می‌توان گفت از مهم‌ترین متغیرها که در برنامه‌ریزی به‌عنوان مبنای محاسبات در نظر گرفته می‌شود، جمعیت، دگرگونی آن در گذشته، حال و پیش‌بینی تحولات آن در آینده است.

در سطح جهانی به‌ویژه در اروپا سیاست‌های کاهش جمعیت موجبات نگرانی دولتمردان اروپایی را به‌دنبال داشته است. محققان غربی نیز امروز به مسئله جمعیت و تأثیر آن در توسعه کشورها توجه دارند و معتقدند این روند کاهش جمعیت در جهان در کشورهای پیشرفته صنعتی بیشتر اثر خواهد گذاشت و آنها از کمبود جمعیت واقعاً نگران خواهند شد. چراکه کاهش جمعیت به‌منزله کاهش نیروی انسانی اثرگذار در چرخه توسعه اقتصادی است (فریدمن، ۱۴۰۲). از طرفی بر خلاف دیدگاه مالتوسی که در آن بر لزوم کاهش جمعیت تأکید می‌شود (کتابی، ۱۳۶۴). افزایش جمعیت نه تنها عامل ایجاد مشکلات اقتصادی نخواهد بود بلکه در افزایش توانمندی، قدرت نظامی و اقتصادی کشور تأثیر به‌سزایی دارد (کلانتری و صادقی ده چشمه، ۱۳۷۵، ص. ۹۷).

تغییر الگوی ازدواج و نظام خانواده در ایران که رنگی همچون الگوهای نظام‌های اجتماعی جوامع پیشرفته غربی را به‌خود گرفته و مسائلی مانند تأخیر در امر ازدواج و هزینه‌های بالای زندگی، هزینه تربیت فرزند و آموزش و الگوهای پرورشی کودکان و دیگر عوامل موجود، نتایجی مانند کاهش جمعیت و یا اکتفا نمودن خانواده‌ها به یک یا حداکثر دو فرزند را به‌دنبال داشته است. کاهش جمعیت و میزان باروری موجب پیرتر شدن جامعه و در نتیجه کاهش نیروی انسانی جوان خواهد شد و این مسئله تأثیر مستقیمی در مسئله توسعه و پیشرفت و چرخه حرکت جامعه را خواهد گذاشت.

کاهش شدید میزان باروری در جامعه ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر، پیامدهای جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی زیادی دارد و همین مسئله دولتمردان و سیاست‌گذاران را وادار به تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی و تصویب و اجرای برنامه‌هایی به‌منظور جلوگیری از پیر شدن جمعیت در سال‌های آینده و تشویق خانواده‌ها به زاد و ولد بیشتر کرده است. با توجه به آهنگ تغییرات جمعیتی در ایران قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در تاریخ ۱۴۰۰/۸/۱۹ توسط

مجلس شورای اسلامی در قالب اصل ۸۵ قانون اساسی و اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال مصوب گردید تا در این زمان پیش‌بینی‌شده بتوان با استفاده از سیاست‌های تشویقی و حمایتی دولت ضمن جلوگیری از روند کاهش فرزندآوری در کشور زمینه افزایش جمعیت و میزان مولید را فراهم نمود. با وجود این به نظر می‌رسد علی‌رغم سیاست‌های تشویقی دولت در راستای حمایت از فرزندآوری، نگرانی‌هایی در خصوص تحقق اهداف تعیین‌شده در طرح حمایت از خانواده و جوانی جمعیت احساس می‌شود.

این نگرانی به‌ویژه در گیلان که دارای کمترین نرخ باروری در کشور است محسوس است. استان گیلان جزو استان‌های شمالی کشور و به مرکزیت رشت است. مساحت آن ۱۴۰۴۴ کیلومتر مربع است و بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیتی بالغ بر ۲۵۳۰۰۶۹۶ نفر دارد. بر طبق آخرین تقسیمات کشوری، این استان شامل ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر، ۴۳ بخش و ۱۰۹ دهستان است (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۵). مسئله کاهش جمعیت و نرخ مولید در استان یکی از مهم‌ترین مسائل استان گیلان به‌شمار می‌رود. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد نسبت سالمندی گیلان به ۱۳٫۲ درصد رسیده است. در حالی که میانگین کشوری ۹٫۲ درصد از میزان کل جمعیت است (حسینی‌نثار و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۷۶). آمارهای جدیدتر ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال نیز همه حاکی از آن است که استان گیلان از نظر نرخ مولید در وضعیت نامطلوب و بحرانی قرار دارد. روند تغییرات جمعیتی از سال ۹۵ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد نرخ سالمندی در گیلان با ۱۵٫۲۶ صدم بیشتر از میزان آن در کشور است (۱۰۵۴). (گزارش سازمان ثبت احوال استان گیلان، ۱۴۰۰). با وجود ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، گیلان همچنان پیرترین استان کشور به‌شمار می‌رود؛ لذا این پژوهش می‌کوشد موانع تحقق اهداف قانون حمایت از خانواده در استان را در نقطه تمرکز خود قرار دهد.

۱. اهداف پژوهش

در این پژوهش تلاش می‌گردد تا ضمن تمرکز بر قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مهم‌ترین چالش‌های اجرایی مرتبط با این قانون و مهم‌ترین راهکارها جهت رفع چالش‌ها و تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی از منظر کارشناسان و نخبگان حوزه جمعیت بررسی شود.

۲. سؤال‌های پژوهش

این پژوهش می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ۱- از منظر نخبگان و کارشناسان حوزه جمعیت چه مسائل و خلأهایی در متن قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نادیده گرفته است؟
- ۲- از منظر نخبگان و کارشناسان حوزه جمعیت چه چالش‌هایی فراروی اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در گیلان وجود دارد؟
- ۳- راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود در گیلان کدام است؟

۳. پیشینه پژوهش

در اواخر دهه هشتاد، سمیعی‌نسب و ترابی (۱۳۸۹)، ضمن تمرکز بر شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران تلاش کردند تا به این پرسش پاسخ دهند که سیاست‌های کاهش جمعیت از جنبه اقتصادی و اجتماعی تا چه اندازه در جهت منافع ملی ایران خواهد بود. در این پژوهش تلاش شد تا نشان داده شود که اگرچه صرف افزایش جمعیت در صورت عدم تناسب میان رشد جمعیتی و شرایط اقتصادی، مشکلات متعددی مانند فقر و عدم تحقق عدالت اجتماعی را به همراه خواهد داشت اما در صورتی که شیب کاهش جمعیت کنترل و مدیریت نشود در آینده با مشکل پیروی و سالمندی جمعیت و بحران جمعیتی مواجه خواهیم بود.

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «رصد رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در موضوع فرزندآوری» (ارحامی، ۱۴۰۱)، از جمله اولین پژوهش‌های مرتبط با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت به بررسی وضعیت فرزندآوری و نگرش نسبت به مطلوبیت آن در جامعه پیش از اجرایی شدن قانون پرداخته است. در این گزارش تلاش شده است تا ضمن ارائه تصویر روشنی از وضعیت موجود و چرایی تلاش در جهت تغییر سیاست‌های جمعیتی به سوی تشویق و حمایت از فرزندآوری، زمینه لازم جهت ارزیابی اثربخشی اجرای قانون در بهبود وضعیت فراهم گردد. لزوم سیاست‌گذاری مطلوب در جهت تسهیل ازدواج و کاهش سن ازدواج با هدف افزایش نرخ باروری، لزوم سیاست‌گذاری در جهت کاهش سن فرزندآوری در کنار حفظ سلامت مادر و کودک، حمایت از پژوهش‌های علمی در حوزه جمعیت و فرزندآوری (در ابعاد رفتاری و نگرشی)، لزوم سنجش و مطالعه عوامل تأثیرگذار بر شکاف میان رفتارها و نگرش ایرانیان در حوزه فرزندآوری از جمله توصیه‌های سیاستی است که در این گزارش مورد اشاره قرار گرفته است.

غمامی و همکاران (۱۳۹۸) به آسیب‌شناسی قوانین و مقررات جمعیتی دولت از اوایل انقلاب اسلامی تاکنون پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از جمله نقص‌ها و خلأهای قوانین و مقررات جمعیتی عبارت‌اند از: عدم اثربخشی و کارآمدی قوانین؛ پیش‌بینی نشدن منابع تأمین مالی؛ پیش‌بینی نشدن سازوکارهایی برای رفع موانع اقتصادی فرزندآوری؛ رعایت نکردن آمایش سرزمینی و سیاست‌های منطقه‌گرایی همچون مهم‌ترین شاخص‌های مطلوب حاکم بر قوانین و مقررات جمعیتی نیز عبارت‌اند از: توجه به کیفیت جمعیتی و تمرکز بر اصل تناسب و لحاظ نمودن منطقه‌گرایی و... اشاره کرد.

شمس قهفرخی و همکاران (۱۴۰۰)، نخستین تلاش جهت بررسی نحوه ارزیابی مردم و مخاطبان سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی، پس از ابلاغ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مشوق‌های ناکافی و بی‌ارزش، ابهام در سیاست‌گذاری از تصویب تا اجرا، سیاست‌های موقتی و مقطعی، نادیده‌انگاری شرایط جامعه منجر به بی‌اعتمادی نهادی و غیرنهادی شده است که همسوسازی خواست افراد با سیاست‌ها را دشوار و پیچیده نموده است. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، سیاست‌های تشویقی را صرفاً اقتصادی می‌دانستند و از این جهت بر این باور بودند که این سیاست‌ها تنها اقشار کمتر برخوردار را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در آن اقشار برای فرزندآوری ایجاد انگیزه می‌کنند.

پژوهش بالاخانی (۱۴۰۱)، نشان می‌دهد نگرش افراد نگرش جوانان ۲۰ تا ۳۵ سال شهر اردبیل به سیاست‌های جمعیتی از لحاظ شناختی پایین است از جهت نبود اقدام عملی منفی است و در مجموع سیاست‌های جمعیتی کشور به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه با چالش نارضایتی و عدم اقبال عمومی مواجه است. در چهارچوب مطالعات بومی با موضوع گیلان، مولایی (۱۳۷۹)، بر اساس سیاست‌های جمعیتی به بررسی پراکندگی جغرافیایی تغییر و تحولات جمعیتی در بخش غرب استان گیلان پرداخته است.

آمار و حسن‌پور (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر تحولات جمعیتی و متروک شدن بخش‌های روستایی در شرق گیلان از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین مکان‌نگاری یا جانگاری (توپوگرافی) و اقلیم با تغییرات جمعیتی و خالی از سکنه شدن روستاها رابطه نزدیک وجود دارد.

مطالعه حمیدی‌فر و همکاران (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد کم‌رنگ شدن ارزش‌های

سنتی، آزادی انتخاب، میزان تحصیلات و سن ازدواج از جمله متغیرهایی هستند که در کاهش میل به فرزندآوری در میان زنان و مردان رشتی تأثیرگذار هستند. پژوهش موسی‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، با هدف مطالعه وضعیت جمعیت سالمندی در شهرهای استان گیلان انجام یافته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد همه شهرهای گیلان به‌ویژه انزلی با مسئله سالمندی جمعیتی روبه‌رو هستند و گسترش سالمندی زنانگی در این شهرها محسوس است. در این مطالعه راهکارهایی جهت مقابله با پیامدهای سالمندی در چهارچوب مطالعات برنامه‌ریزی شهری با هدف تحقق شهر دوستدار سالمند ارائه شده است.

با نگاهی بر پژوهش‌های انجام یافته در این حوزه می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی چالش‌های موجود بر سر راه اجرایی شدن قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در گیلان و راهکارهای اساسی در جهت تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی و قانون حمایت از خانواده انجام نشده است.

۴. چهارچوب مفهومی

۴-۱. سیاست جمعیتی

به تمامی تصمیم‌ها و تدابیری که در رابطه با جمعیت یک سرزمین توسط دولت با توجه به میزان منابع و شرایط خاص آن جامعه اتخاذ و اعمال می‌شود، سیاست جمعیتی گویند. هر خط‌مشی و سیاستی که به‌نحوی از انحاء و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر ویژگی‌ها و تغییرهای جمعیتی تأثیر بگذارد را می‌توان سیاست جمعیتی نامید. سیاست‌های توزیع جمعیت، سیاست‌های مهاجرتی و حتی سیاست و خط‌مشی‌هایی که در جهت بهبود کیفیت جمعیت‌ها اتخاذ می‌شوند را می‌توان در زمره سیاست‌های جمعیتی دانست (سبکتکین ریزی، ۱۳۸۶، ص. ۹۹). به‌عبارتی هدف از سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌ریزی برای تأثیرگذاری در تغییرات جمعیتی و حفظ تعادل ساختار کلی جمعیت است (امینی و راستی، ۱۴۰۲).

مفهوم سیاست‌های جمعیتی دلالت دارد بر مجموعه تدابیری که با هدف مدیریت روند تغییرات جمعیت تدوین و اجرا می‌شود. انواع متفاوتی از سیاست‌های جمعیتی، با توجه به ابعاد مدیریت جمعیت از یکدیگر متمایز شده است. با وجود ابعاد چندگانه، درو نمایه اصلی همه آنها تمرکز بر تغییر روندهای جمعیت به شکل هدفمند است. این هدفمندی اگرچه خود به اشکال مختلف نظیر اهداف کمی یا کیفی قابل طبقه‌بندی است؛ اما همواره سیاست‌های جمعیتی، هدف مشخصی را به‌لحاظ کمی دنبال می‌کند

و آن رشد و افزایش درست است که می‌تواند در چهارچوب دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و نگرش‌های جمعیتی یا با مجموعه اقدامات عملی به شکل اجرایی دنبال شود. سیاست‌های جمعیتی که صرفاً بر دیدگاه خاص جمعیتی مبتنی است، سیاست‌های کلان و آن دسته از اقدامات اجرایی که در چهارچوب سیاست‌گذاری جمعیتی به اجرا درمی‌آید سیاست‌های خرد می‌نامند (بالاخانی، ۱۴۰۱).

سیاست‌های جمعیتی را به دو دسته سیاست‌های پنهان و آشکار طبقه‌بندی کرده‌اند. سیاست‌های جمعیتی پنهان به مجموعه گسترده‌ای از تدابیر نظام‌های سیاسی در جهت بهبود وضعیت جمعیت مربوط می‌شود و این سیاست‌ها را می‌توان به نوعی در کلیه برنامه‌های مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد؛ اما سیاست‌های جمعیتی آشکار، سیاست‌هایی هستند که به شکل مستقیم بر کاهش یا افزایش جمعیت متمرکز هستند. سیاست‌های جمعیتی موضوع پژوهش حاضر از نوع سیاست‌های جمعیتی کلان و آشکار است و بر «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» متمرکز است.

جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی سه دوره مختلف را پشت سر گذاشته است. از اوایل انقلاب تا سال‌های میانی دهه شصت روند جمعیت افزایشی بوده، از سال‌های میانی دهه شصت تا اوایل دهه نود سیاست‌های جمعیتی کاهش و کنترلی بوده و از اوایل دهه نود به بعد بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی و توجه به افزایش جمعیت و جلوگیری از روند کاهش جمعیت تأکید شده است (غمامی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۳۴؛ علیی، ۱۳۹۴، صص. ۱۸-۱۹؛ مهزیار، ۱۳۹۳، صص. ۳۰-۳۲).

۵. روش پژوهش

پژوهش حاضر، پژوهشی کیفی به‌شمار می‌رود و از نظر هدف، در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. در این پژوهش تلاش شد تا با تمرکز بر روش مصاحبه عمیق با ۱۵ تن از صاحب‌نظران و متخصصان حوزه خانواده و مطالعات جمعیت‌شناسی و فعالان حوزه جمعیت و فرزندآوری در استان، ضمن بررسی نحوه اجرای قانون در استان، مهم‌ترین ویژگی‌ها و چالش‌های سیاستی و اجرایی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در گیلان احصاء و راهکارهای عملیاتی جهت تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی متناسب با نیازها و نظام مسائل استان ارائه گردد. پژوهش حاضر در زمستان ۱۴۰۲ انجام یافته است. از آنجا که موضوع پژوهش موضوع تخصصی

است، براین اساس روش نمونه‌گیری هدفمند با لحاظ اشباع نظری مدنظر قرار گرفت. معیار انتخاب کارشناسان، تجربه و تخصص و دانش آنان در زمینه مطالعات حوزه جمعیت و خانواده بوده است. مصاحبه‌شوندگان در سه دسته کلی نخبگان دانشگاهی و حوزوی، کارشناسان دستگاه‌ها و کارشناسان و فعالان فرهنگی حوزه خانواده و جمعیت جای می‌گیرند. داده‌های حاصل از گفتگو با مصاحبه‌شوندگان در زمینه مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفتار فرزندآوری، تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و فرهنگی در فرزندآوری، میزان موفقیت دولت در تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی، تناسب قانون با نظام مسائل و نیازهای مردم گیلان، نقاط قوت و ضعف و بخش‌های مغفول‌مانده در قانون، ارزیابی نگرش جامعه نسبت به قانون حمایت از خانواده، مهم‌ترین چالش‌هایی اجرای قانون در گیلان و راهکارهای عملیاتی جهت اجرای شدن قانون و همراهی و استقبال مردم از آن در قالب مقوله‌های کلان در سه سطح مسائل و خلأهای موجود در قانون، چالش‌های اجرایی قانون در استان، اولویت راهبردی در حوزه سیاست‌های جمعیتی و راهکارهای عملیاتی در این زمینه مورد دسته‌بندی قرار گرفت.

جدول (۱): مشخصات کارشناسان

۸ نفر	اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاهی با درجه دکتری
۲ نفر	فعالان و نخبگان حوزوی در زمینه خانواده و جمعیت
۳ نفر	کارشناسان مطلع در حوزه خانواده و جمعیت در دستگاه‌های استان
۲ نفر	فعالان فرهنگی و تشکل‌های مردم‌نهاد در حوزه خانواده و جمعیت

۶. یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، و استخراج مقوله‌های کلان و خرد در چهارچوب هدف پژوهش در این بخش با تکیه بر نظر کارشناسان و نخبگان به مسائل و خلأهای موجود در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و چالش‌های فرآروی اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در استان و اولویت راهبردی و راهکارهای به عملیاتی جهت برون‌رفت از چالش‌های موجود در گیلان پرداخته می‌شود.

۶-۱. مسائل و خلأهای موجود در قانون

در گفتگو با صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه جمعیت و فرزندآوری تلاش شد تا

مسائل و نیازهای مغفول‌مانده در متن قانون از نظر جامعه‌نخبگان استخراج گردد. پس از بررسی نظرهای نخبگان مسائل و خلأهای مورد نظر در قالب پنج مقوله کلان و در ابعاد اجرایی و سیاستی، ابعاد اقتصادی، ابعاد نظارتی و حقوق و قضایی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی و ابعاد بهداشتی و درمانی دسته‌بندی گردید.

جدول (۲): مسائل و خلأهای موجود در قانون

مقوله‌ها	مسائل و خلأهای موجود در قانون
ابعاد اجرایی و سیاستی	<ul style="list-style-type: none"> • مشخص نبودن چگونگی فرایند اجرای قانون • ابهام در فرایند تقسیم کار و وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط • عدم تأمین اعتبار و پیش‌بینی‌های لازم در خصوص امتیازات مصرح در قانون (مانند: مهد کودک، زمین، بیمه عشایر و خانه‌های روستایی و...)
ابعاد اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم تناسب امتیازات و مشوق‌های قانونی با نیازهای طبقات اقتصادی مختلف • عدم تأمین نیازهای اولیه خانواده‌ها در زمینه فرزند از قبیل پوشک و شیر خشک • عدم توجه به گروه‌های که به صورت غیرمستقیم می‌توانند در ایجاد انگیزه برای فرزندآوری تأثیرگذار باشند و عدم تخصیص امتیاز برای آنان (به‌طورمثال تخفیف بیمه‌ای و مالیاتی برای صاحب‌خانه‌هایی که منازل خود را به خانواده‌های پُرجمعیت اجاره می‌دهند) • توجه بیشتر قانون به خانواده داری سه فرزند در حالی که در گیلان با سالمندی روبه‌رو هستیم غالباً تک‌فرزند هستند نهایتاً دو فرزند • توجه صرف به اقشار متوسط به پایین جامعه عدم توجه قانون به اقشار متوسط به بالا
ابعاد نظارتی و حقوق و قضایی	<ul style="list-style-type: none"> • مشخص نبودن مکانیسم نظارتی در قانون • عدم تعریف سازوکاری جهت برخورد نهادهای نظارتی و قضایی با ترک فعل‌ها و موانع اجرای قانون
ابعاد اجتماعی و فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم توجه به اقشار مختلف جامعه و تعیین امتیازات متناسب با آن • عدم توجه به ویژگی‌های بومی و محلی و زیست بوم هر

مقوله‌ها	مسائل و خلأ‌های موجود در قانون
	<p>منطقه</p> <ul style="list-style-type: none"> • عدم توجه به اقناع نخبگان در قانون • تأکید صرف قانون بر جامعه جوان و عدم توجه به گروه‌هایی که می‌توانند تأثیر غیرمستقیم در فرزندآوری داشته باشند مانند نخبگان و والدین زوجین و تبیین‌کنندگان مسئله جمعیت در جامعه • عدم توجه به متغیرهایی مثل مهاجرت در قانون ازجمله مسائل فرهنگی و اجتماعی
ابعاد بهداشتی و درمانی	<ul style="list-style-type: none"> • مسئله سلامت بهداشت مادران • تغذیه مادران باردار در مناطق مختلف

در ابعاد اجرایی و مدیریتی، عدم مشخص نبودن چگونگی فرایند اجرای قانون، ابهام در فرایند تقسیم کار و وظایف سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله مهم‌ترین مسائلی مغفول مانده در قانون است. در بُعد اقتصادی، عدم تناسب امتیازات و مشوق‌های قانونی با نیازهای طبقات اقتصادی مختلف، در ابعاد نظارتی و حقوق و قضایی، مشخص نبودن سازوکار نظارتی در قانون، در ابعاد اجتماعی فرهنگی، عدم توجه به اقشار مختلف جامعه و تعیین امتیازات متناسب با آن، عدم توجه به ویژگی‌های بومی و محلی و زیست بوم هر منطقه، عدم توجه به متغیرهایی مثل مهاجرت در قانون و در ابعاد بهداشتی درمانی مسئله سلامت بهداشت مادران و تغذیه مادران باردار در مناطق مختلف از جمله مسائلی است که از نگاه کارشناسان، در قانون کمتر به آن توجه شده است.

۶-۲. چالش‌های پیش‌روی قانون جوانی جمعیت در گیلان

در این بخش، مسائل، موانع و چالش‌های موجود و پیش‌روی قانون جوانی جمعیت با تأکید بر اقتضائات و شرایط استان گیلان در نگاه اساتید، کارشناسان و فعالان حوزه جمعیت مورد مذاقه قرار گرفته است و در نهایت چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف قانون حمایت از خانواده و سیاست‌های جمعیتی در استان در قالب ۴ مقوله کلان مورد دسته‌بندی قرار گرفته است. بدین ترتیب، عمده چالش‌ها در حوزه اجرای سیاست‌های جمعیتی و قانون حمایت از خانواده عبارت‌اند از:

۱- چالش‌های حوزه اجرایی و مدیریتی؛

- ۲- چالش‌های حوزه فرهنگی و اجتماعی؛
- ۳- چالش‌های حوزه آموزشی و رسانه‌ای؛
- ۴- چالش‌های حوزه بهداشت و درمان.



شکل (۱): مجموعه مقولات «چالش‌های موجود قانون جوانی جمعیت در گیلان»

جدول (۳): چالش‌ها و موانع تحقق اجرای قانون

مقوله‌ها	چالش‌ها و موانع تحقق اجرای قانون
حوزه اجرایی و مدیریتی	<ul style="list-style-type: none"> • عدم ثبات مدیریتی در دستگاه‌های دولتی • عدم اعتقاد و باورمندی مسئولان به قانون و ترک فعل برخی مسئولان • نبود هماهنگی میان نهادهای اجرایی • مدیریت سلیقه‌ای و وابسته بودن اجرای خیلی از قوانین به نظر مدیر دستگاه مربوطه • تأخیر در ارائه تسهیلات و امتیازات زمین و خودرو • نقص در زیرساخت‌ها در جهت تأمین منابع مالی (مانند زمین برای مسکن) • کارشکنی برخی سازمان‌ها و مسئولان در اجرای قانون
حوزه آموزشی و رسانه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> • ضعف در اطلاع‌رسانی • عدم توجه شایسته در حوزه آموزش و پژوهشی و افزایش

مقوله‌ها	چالش‌ها و موانع تحقق اجرای قانون
	<ul style="list-style-type: none"> کیفیت واحدها درسی دانشگاهی با موضوع جمعیت نقص در آموزش در جهت توانمندسازی کارکنان حوزه‌های مرتبط با جمعیت وجود تبلیغات منفی نظام رسانه‌ای
حوزه بهداشت و درمان	<ul style="list-style-type: none"> چالش‌های اجرایی حوزه بهداشت و درمان و هزینه‌های زایمان عدم باور کادر بهداشت و درمان به ضرورت افزایش جمعیت عدم اختصاص ماما برای مادران باردار با هدف کاهش استرس و هراس از زایمان
حوزه فرهنگی و اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> عدم روشن‌گری در زمینه تبعات کاهش جمعیت در جامعه برای مردم عدم پیگیری و اطلاع‌بخشی از جامعه نسبت به قوانین تضعیف اعتماد عمومی و عدم اعتمادبخشی از مردم به دولت و نظام سیاست‌گذار

۳-۶. اولویت راهبردی در حوزه سیاست‌های جمعیتی در استان گیلان

در این پژوهش تلاش گردید نظر کارشناسان در خصوص مهم‌ترین اولویت راهبردی دولت به‌مثابه سیاست‌گذار در حوزه سیاست‌های جمعیتی اخذ گردد. از نگاه صاحب‌نظران و کارشناسان اگرچه اقتصاد نقش مهمی در نوع رفتار فرزندآوری جامعه دارد؛ اما نمی‌تواند به‌عنوان علت تامه و مقدم بر فرهنگ و نوع ذهنیت جامعه در نظر گرفته شود. امتیازات و مشوق‌های اقتصادی و تسهیلات در کوتاه‌مدت شاید در نوع رفتار فرزندآوری جامعه اثرگذار باشد؛ اما با توجه به ویژگی‌ها و اقتضائات جامعه گیلان اقتصاد نمی‌تواند به‌مثابه مهم‌ترین مؤلفه در نظر گرفته شود. نکته حائز اهمیت آنکه از نگاه کارشناسان اگر چنانچه اقتصاد را به‌عنوان یکی از عوامل و مؤلفه‌های اثرگذار در نظر داشته باشیم، باید بدانیم که منظور از اقتصاد سطح درآمد افراد نیست بلکه منظور این است که فرد از لحاظ ذهنی، چشم‌انداز مثبتی نسبت به آینده خود و خانواده داشته باشد؛ برای مثال شهرستان لاهیجان با سطح رفاهی مناسب و جمعیت ۱۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۹، یک‌هزار و ۳۶۳ مورد تولد را ثبت کرد در حالی که شهرستان کمتر برخوردار تالش با جمعیت ۲۰۰ هزار نفری ۲ هزار و ۶۲۱

مورد ولادت را ثبت کرده است. شهرستان تالش با ۱۷ درصد جمعیت بیشتر، ۹۲ درصد فرزندآوری بیشتری نسبت به لاهیجان داشته است. با اتکا بر نظرهای کارشناسی نخبگان و کارشناسان حوزه جمعیت، با توجه به اهمیت باورمندی و متقاعدسازی جامعه، تأثیر تعیین‌کننده طرز تفکر بر نوع رفتار فرزندآوری خانواده‌ها، انتخاب نوع سبک زندگی، تمایل کمتر خانواده‌های مرفه به داشتن فرزند بیشتر، همبستگی منفی میان تحصیلات و رفاه و فرزندآوری، تأثیر ذهنیت‌ها و تأثیر ایمنی روانی و خوش‌بینی و امید به آینده بر رفتار فرزندآوری، نقش کاهش فشارهای روحی و روانی خانواده‌ها در فرزندآوری، هراس از آینده تربیتی فرزندان به‌مثابه مؤلفه‌ای اثرگذار در فرزندآوری، تأثیر معنویت و نگرش مذهبی بر فرزندآوری می‌توان گفت تأمین صرف نیازهای اقتصادی جامعه نمی‌تواند در زمینه میل جامعه به فرزندآوری برانگیزاننده باشد؛ البته باید توجه داشت احساس رضایت نسبی از وضعیت اقتصادی خانواده و تأمین نیازهای اولیه مانند مسکن می‌تواند در تمایل به فرزندآوری تأثیرگذار باشد.

جدول (۴): اولویت راهبردی در حوزه سیاست‌های جمعیتی

گزاره‌های مورد اشاره	اولویت راهبردی در حوزه سیاست‌های جمعیتی
اهمیت باورمندی و متقاعدسازی جامعه	مقدم بودن عوامل فرهنگی و ذهنی بر عوامل اقتصادی
تأثیر تعیین‌کننده طرز تفکر بر نوع رفتار فرزندآوری خانواده‌ها	
انتخاب نوع سبک زندگی	
تمایل کمتر خانواده‌های مرفه به داشتن فرزند بیشتر	
همبستگی منفی میان تحصیلات و رفاه و اقتصاد و فرزندآوری	
تأثیر ناامیدی نسبت به جامعه بر فرزندآوری	
تأثیر ذهنیت‌ها بر رفتار	
تأثیر ایمنی روانی و خوش‌بینی و امید به آینده	
اثرگذاری فرهنگ و نوع جهانی‌بیتی افراد در فرزندآوری	
چشم‌انداز مثبت نسبت به آینده	
نقش کاهش فشارهای روحی و روانی خانواده‌ها در	

اولویت راهبردی در حوزه سیاست‌های جمعیتی	گزاره‌های مورد اشاره
	فرزندآوری
	هراس از آینده تربیتی فرزندان به‌مثابه مؤلفه‌ای اثرگذار
	تأمین صرف نیازهای اقتصادی نمی‌تواند برانگیزاننده باشد
	تأثیر معنویت و نگرش مذهبی بر فرزندآوری
	میل بیشتر طبقات اقتصادی ضعیف تر به فرزندآوری

۴-۶. راهکارهای عملیاتی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی

پس از احصاء مسائل و خلأهای موجود در قانون و چالش‌ها و موانع اجرای قانون، مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی متناسب با نظام مسائل حوزه جمعیتی در استان ضمن گفتگو و مصاحبه با کارشناسان و نخبگان حوزه مطالعات جمعیتی استخراج و در پنج حوزه مورد نظر ذیل، جهت کاربست در حوزه سیاست‌گذاری جمعیتی و رفع موانع تحقق و اجرای سیاست‌های جمعیتی و قانون حمایت از خانواده، ارائه گردید.



شکل (۲): دسته‌بندی راهکارهای عملیاتی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی

۴-۱- راهکارهای حوزه بهداشت و درمان در جهت تحقق

سیاست‌های جمعیتی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم در حوزه سیاست‌های جمعیتی رفع مسائل و چالش‌های حوزه بهداشت و درمان است. پیش‌ازاین به مهم‌ترین مسائل و چالش‌های متداول در این بخش اشاره شد در اینجا مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی با هدف رفع موانع و چالش‌های حوزه درمان پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد توجه به این بخش مهم در حوزه سیاست‌های جمعیتی می‌تواند ضمن رفع بخشی از نگرانی‌های جامعه در خصوص تولید نسل و در نتیجه کمک به افزایش جمعیت در استان را به دنبال داشته باشد.

با توجه به رشد آمار سقط جنین در جامعه، آگاهی‌بخشی به جامعه و خانواده‌ها نسبت به آسیب‌ها و عوارض سقط جنین از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. در اظهارنظرهای مردمی مشخص گردید که مادرانی پس از زایمان دوم و بیشتر در بیمارستان‌ها یا مراکز درمانی و یا پس از مراجعه به خانه‌های بهداشت مورد نکوهش بخشی از کادر درمان و بهداشت قرار می‌گیرند. براین‌اساس تربیت و آموزش کادر درمان در مراکز درمانی و بهداشتی استان و آموزش مهارت‌های عمومی و ارتباطی به کارکنان این بخش جهت ایجاد ارتباط مؤثر کادر درمان با مادران و خانواده‌ها می‌تواند در ایجاد انگیزه افراد به فرزند بیشتر نقش داشته باشد.

جدول (۵): راهکارهای حوزه بهداشت و درمان

ردیف	راهکارهای حوزه بهداشت و درمان
۱	آگاهی‌بخشی جامعه نسبت به آسیب‌ها و عوارض سقط جنین برای خانواده‌ها به‌ویژه مادران
۲	حل نگرانی‌های مردم در زمینه هزینه‌های ناباروری
۳	مشاوره‌های روانی جهت کاهش استرس ناشی از حاملگی و زایمان در مادران
۴	تربیت و آموزش کادر درمان در مراکز درمانی و بهداشتی استان
۵	آگاهی‌بخشی مادران نسبت به نقش فرزندآوری در کاهش ابتلا به برخی بیماری‌ها و سرطان‌های شایع در میان زنان
۶	استفاده از ظرفیت خانه‌های بهداشت در جهت حل چالش‌های درمانی و بهداشتی در زمینه سیاست‌های جمعیتی

۴-۲. راهکارها در حوزه فرهنگی و اجتماعی در جهت تحقق

سیاست‌های جمعیتی

از دیگر مهم‌ترین مسائل در حوزه سیاست‌های جمعیتی رفع مسائل و چالش‌های حوزه فرهنگی و اجتماعی است. در اینجا مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی با هدف رفع موانع و چالش‌های حوزه فرهنگی و اجتماعی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی پیشنهاد می‌گردد. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت نقش فرهنگ و انگاره‌های ذهنی و سبک زندگی در نوع رفتار فرزندآوری افراد توجه به این بخش از راهکارهای عملیاتی و کاربست آن در فرایند سیاست‌گذاری و اجرای قانون حمایت از خانواده رافع بسیاری از مشکلات و مسائل حوزه جمعیتی در گیلان باشد. چراکه به نظر می‌رسد پیش‌و‌پیش از مؤلفه اقتصاد و درآمد این فرهنگ و انگاره‌های ذهنی و نوع نگرش افراد است که تأثیر عمیقی در نوع رفتار فرزندآوری افراد دارد.

برایند نظریات کارشناسی حاکی از آن است که علی‌رغم تصویب قانون حمایت از خانواده و توجه و تمرکز نسبی دولت به امر جمعیت این موضوع در صدر اولویت‌ها و مسائل اصلی جامعه و مردم قرار نگرفته است. بدین منظور ضرورت دارد تا با تکیه بر ابزارها و سازوکارهای رسانه‌ای و فرهنگی و آموزشی، زمینه گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در جامعه و تبدیل شدن مسئله جمعیت و کاش نسل به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه و مسئله جامعه و مردم فراهم گردد.

فرهنگ‌سازی در زمینه سبک زندگی مطلوب مطابق با الگوی ایرانی - اسلامی و بازتولید ارزش‌ها و میراث برخاسته از سنت و فرهنگ بومی و آگاهی‌بخشی جامعه نسبت به پیامدهای منفی ورود ارزش‌های غربی و نهادینه‌شدن الگوی سبک زندگی غربی در جامعه از طریق سازوکار آموزشی و رسانه‌ای و فرهنگی می‌تواند به تحکیم پایه‌های خانواده و افزایش میل به ازدواج و کاهش طلاق و در نتیجه افزایش میل به فرزندآوری در جامعه بیانجامد. این مسئله به‌ویژه در شرایط کنونی که جامعه ایران پس از اغتشاشات سال ۱۴۰۱ در معرض حمله‌های رسانه‌ای و فرهنگی تبلیغی موسوم به «جنبش زن، زندگی و آزادی» قرار گرفت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه عمده معارضان و مخالفان جمهوری اسلامی از طریق نظام رسانه‌ای و همه ابزارهای موجود به‌دنبال ارائه الگویی دیگر از زن مطلوب مطابق با نظام اندیشه‌ای و معرفتی غرب و نیز نقد و نکوهش سنت و میراث سنتی و سبک زندگی ایرانی اسلامی است. الگویی که در غرب منجر به تزلزل نظام خانواده و پیری جمعیت

در اروپا و افزایش سقط جنین و افزایش طلاق و دیگر آسیب‌های اجتماعی شده است. براین اساس تقویت هویت زن ایرانی اسلامی و آگاهی‌بخشی جامعه نسبت به پیامدهای اجتماعی ترویج سبک زندگی غربی در جامعه باید در صدر اولویت‌های فرهنگی سیاست‌گذاران در حوزه مسائل زنان باشد.

ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و سبک زندگی معنوی، آگاهی‌بخشی جامعه نسبت به آثار مثبت روانی و اجتماعی چندفرزندی در خانه و خانواده، تشویق به ازدواج و قبح دانستن طلاق از جمله دیگر راهکارهای فرهنگی و اجتماعی در جهت تحقق اجرای سیاست‌های جمعیتی است. باید توجه داشت که افزایش امیدبخشی به جامعه و اعتماد بیشتر مردم به دولت در زمینه سیاست‌های جمعیتی از جمله متغیرهای تأثیرگذار در رفتار فرزندآوری مردم به‌شمار می‌رود.

جدول (۶): راهکارهای حوزه فرهنگ و اجتماعی

ردیف	راهکارهای حوزه فرهنگ و اجتماعی
۱	گفتمان‌سازی و جریان‌سازی
۲	ترویج فرهنگ ساده‌زیستی و سبک زندگی معنوی
۳	امیدبخشی به جامعه
۴	آگاهی‌بخشی جامعه نسبت به آثار مثبت روانی و اجتماعی چندفرزندی در خانه و خانواده
۵	تشویق به ازدواج و قبح دانستن طلاق
۶	آگاهی‌بخشی نسبت به منفعت‌های فردی فرزندآوری برای خانواده‌ها

۳-۴-۶. راهکارهای آموزشی و تربیتی خانواده‌محور در جهت تحقق

سیاست‌های جمعیتی

با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌ها در زمینه تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی چالش‌های حوزه آموزشی است، در اینجا مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی با هدف رفع موانع و چالش‌های حوزه آموزشی و تربیتی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی پیشنهاد می‌گردد.

در حوزه آموزش و تربیت ضروری است تا آموزش و تربیت خانواده، به‌عنوان محور راهبرد کلان آموزشی و تربیتی در حوزه سیاست‌های جمعیتی در نظر گرفته شود. از آنجاکه فرهنگ، ذهنیات، باورها و الگوی ذهنی افراد در نوع رفتار فرزندآوری تأثیرگذار است؛ لذا نباید و نمی‌توان از نقش آموزش و تربیت در جهت ترویج فرهنگ

فرزندآوری غفلت ورزید. از این رو با اتکا بر نظرهای کارشناسی و نخبگانی تمرکز و توجه سیاست‌گذاران در استان به تقویت آموزشی عمومی و همگانی جهت ازدواج مناسب و توانمندسازی و آموزش خانواده‌ها در جهت تحکیم خانواده و جلوگیری از طلاق، خدمات مستمر و قابل دسترس مشاوره‌ای برای متأهلان در سطح استان از جمله ضرورت‌ها و راهکارهای آموزشی است که در سطح آموزش عمومی و همگانی باید در دستور کار مجریان قانون حمایت از خانواده قرار گیرد. همچنین با توجه به افزایش تعداد دختران مجرد در استان، برنامه‌ریزی جهت دوره‌های تربیتی آموزشی برای سلامت دختران مجرد با هدف ترغیب به ازدواج و فرزندآوری از جمله دیگر راهکارهای آموزشی است.

نباید از نقش تعیین‌کننده و محوری آموزش و پرورش و نیز نهاد آموزش عالی در زمینه فرهنگ‌سازی ازدواج و فرزندآوری غافل شد. در سطح آموزش و پرورش، آموزش معلمان و مربیان پرورشی آموزشگاه‌ها و مدارس و در سطح دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، توجه ویژه مراکز دانشگاهی و آموزشی و پژوهشی به حوزه جمعیت از طریق انجام پژوهش‌های اجتماعی مرتبط با حوزه جمعیت جهت برون‌رفت از این بحران جمعیتی استان، بازننگری و تقویت واحدهای درسی تنظیم خانواده در دانشگاه‌ها، برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌ها آموزشی و هم‌اندیشی‌ها در سطح کارکنان، دانشجویان و اساتید، و تولید و تشویق آثار پژوهشی با موضوع جمعیت از جمله راهکارهای آموزشی در جهت اجرای سیاست‌های جمعیتی در استان به‌شمار می‌رود. با توجه نقش چشمگیر مراکز ارتباطات سنتی مانند مساجد و منبر و دیگر مراکز فرهنگی از قبیل فرهنگسراها و کانون‌های تربیتی ضروری است از ظرفیت آموزشی مسجد و منبر و دیگر مراکز فرهنگی اجتماعی در این حوزه نهایت استفاده صورت پذیرد.

جدول (۷): راهکارهای آموزشی و تربیتی خانواده‌محور

ردیف	راهکارهای آموزشی و تربیتی خانواده‌محور
۱	آموزش جهت ازدواج مناسب
۲	برنامه‌ریزی جهت دوره‌های تربیتی آموزشی برای سلامت دختران مجرد
۳	توانمندسازی و آموزش خانواده‌ها در جهت تحکیم خانواده
۴	خدمات مستمر و قابل دسترس مشاوره‌ای برای متأهلان
۵	آموزش‌های عمومی و همگانی
۶	آموزش معلمان و مربیان پرورشی آموزشگاه‌ها و مدارس

ردیف	راهکارهای آموزشی و تربیتی خانواده‌محور
۷	توجه مراکز دانشگاهی و آموزشی به حوزه جمعیت
۸	بازنگری و تقویت واحدهای درسی تنظیم خانواده در دانشگاه‌ها
۹	برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های فرهنگی و تربیتی
۱۰	تربیت و آموزش کارکنان سازمان‌های مرتبط
۱۱	استفاده از ظرفیت آموزشی مسجد و منبر و دیگر مراکز فرهنگی اجتماعی

۴-۴-۶. راهکارهای اجرایی و مدیریتی در جهت تحقق سیاست‌های

جمعیتی

پس از بررسی پاسخ‌های مردم به پرسش‌های باز و نیز نظرهای کارشناسان و نخبگان مهم‌ترین مسائل و چالش‌های در سطح مدیریتی و اجرایی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی استخراج گردید. مهم‌ترین چالش‌های استان در این حوزه عبارت‌اند از: عدم ثبات مدیریتی در دستگاه‌های دولتی؛ عدم اعتقاد و باورمندی مسئولان به قانون؛ نبود هماهنگی میان نهادهای اجرایی؛ مدیریت سلیقه‌ای و وابسته بودن اجرای خیلی از قوانین به نظر مدیر دستگاه مربوطه؛ ترک فعل برخی مسئولان؛ عدم اجرای قوانین و تأمین نیازهای مصرح در قانون مثل مهدکودک و زمین و...؛ تأخیر در ارائه تسهیلات و امتیازات زمین و خودرو؛ نقص در زیرساخت‌ها در جهت تأمین منابع مالی؛ عدم اجرای درست قوانین در مراکز دانشگاهی (انتقال محل خدمت و یاز برگزاری کلاس مجازی برای مادران دانشجو یا عضو هیئت علمی دارای فرزند زیر دو سال و...)؛ کارشکنی برخی سازمان‌ها و مسئولان در اجرای قانون و توجه به منافع فردی و گروهی و بازندبازی در گیلان.

پس از احصاء مسائل مورد مغفول در قانون و چالش‌های موجود در استان در زمینه اجرای قانون، با در نظر گرفتن نظرهای نخبگانی و کارشناسی، راهکارهای عملیاتی در سه سطح قانون و نحوه اجرای قانون، در سطح مدیریت مردم‌محور و استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی و در سطح اصلاح و تقویت فرایندهای نظارتی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی ارائه گردید.

در سطح قانون و نحوه اجرای آن پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه مسئله بحران جمعیت به‌مثابه یک مسئله جهانی مبتلا به بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای غربی است ضرورت دارد تا از تجربیات جهانی در حوزه جوانی جمعیت و فرزندآوری استفاده گردد

چراکه بخش قابل توجهی از کشورهای اروپایی در حال حاضر به جهت جلوگیری از روند افزایشی پیری جمعیت در اروپا اقدام به بازنگری در سیاست‌های جمعیتی نموده‌اند؛ لذا استفاده از تجربیات جهانی در این زمینه تا اندازه‌ای می‌تواند راهگشا باشد.

با عنایت به اینکه در دوره‌ای از تاریخ پس از انقلاب اسلامی سیاست کاهش و تحدید نسل از جمله محوری‌ترین سیاست‌های جمعیتی کشور بوده است شناخت و احصاء راهبردهای کاهش جمعیت و انجام اقدامات معکوس و واکنش به آن سیاست‌ها از دیگر اقداماتی است که در سطح قانون و اجرای آن می‌تواند دنبال شود. مواجهه صادقانه و شفاف مدیران و مسئولان با مردم، اجرای درست قانون و عمل به وعده‌ها در حوزه جوانی جمعیت و فرزندآوری و گزارش‌دهی مستمر و شفاف از روند اجرای قانون جهت اعتمادسازی می‌تواند من افزایش اعتماد عمومی به دولت در زمینه سیاست‌های جمعیتی زمینه افزایش تمایل به ازدواج و فرزندآوری را فراهم نماید. بر اساس نتایج پیمایش، شهرستان‌هایی مثل املش که جزو شهرستان‌های پیر و کم زاد و ولد هستند کمترین میزان اعتماد را به دولت دارند؛ اما مردم شهرستان تالش که از جمله شهرستان‌هایی که میزان زاد و ولد در آن در مقایسه با دیگر نقاط گیلان بیشتر است اعتماد بیشتری به دولت در زمینه اجرای سیاست‌های جمعیتی دارند. در نتیجه می‌توان گفت احتمالاً اعتماد به دولت متغیر تأثیرگذاری در افزایش تمایل به ازدواج و فرزندآوری در جامعه است. بدین منظور ضمن شناسایی موانع تحقق و تقویت اعتماد عمومی باید در جهت رفع آن گام برداشت.

بر اساس نتایج پیمایش به نظر می‌رسد قانون حمایت از خانواده صرفاً در اقشار کم‌درآمد انگیزه‌بخش باشد و در متن قانون به نیازهای همه اقشار و طبقات اقتصادی جامعه توجه نشده است. طبق نظرات کارشناسی متناسب‌سازی قانون با نیازهای مناطق مختلف و اقشار مختلف اجتماعی و نیز توجه به ویژگی‌های بومی و محلی در اختصاص امتیازات قانونی و اختصاص مشوق‌های قانونی برای کسانی که امکان فرزندآوری ندارند؛ اما گروه‌هایی که نقش تبیینی و تربیتی دارند یا اختصاص امتیازاتی مانند معافیت‌های مالیاتی برای صاحبخانه‌ها جهت اجاره به خانواده‌های پُر جمعیت از جمله مواردی است که در سطح قانون می‌توان به آن توجه داشت.

بازآفرینی طرح‌هایی نظیر طرح کاد با هدف تحقق سیاست‌های جمعیتی، ترویج اخلاق حرفه‌ای از جمله تعهد به قانون و مسئولیت‌پذیری در سازمان‌ها، افزایش مشوق‌ها و امتیازات قانونی و اختصاص حقوق ماهانه و مزایا بیشتر برای مادران دارای فرزند بیشتر از جمله دیگر راهکارهایی است که در سطح قانون و اجرای آن پیشنهاد می‌شود.

جدول (۸): قانون و نحوه اجرای قانون

الف. قانون و نحوه اجرای قانون	
۱	شناخت و احصاء راهبردهای کاهش جمعیت و واکنش به آن سیاست‌ها
۲	بازآفرینی طرح‌هایی نظیر طرح کاد با هدف تحقق سیاست‌های جمعیتی
۳	مواجهه صادقانه و شفاف مدیران و مسئولان با مردم
۴	استفاده از تجربیات جهانی در حوزه جوانی جمعیت و فرزندآوری
۵	اجرای درست قانون و عمل به وعده‌ها در حوزه جوانی جمعیت و فرزندآوری
۶	متناسب‌سازی قانون با نیازهای مناطق مختلف و اقشار مختلف اجتماعی
۷	توجه به ویژگی‌های بومی و محلی در اختصاص امتیازات قانونی
۸	اختصاص مشوق‌های قانونی برای کسانی که امکان فرزندآوری ندارند؛ اما گروه‌هایی که نقش تبیینی و تربیتی دارند
۹	اختصاص امتیازاتی مانند معافیت‌های مالیاتی برای صاحبخانه‌ها جهت اجاره به خانواده‌های پُرجمعیت
۱۰	گزارش‌دهی مستمر و شفاف از روند اجرای قانون جهت اعتمادسازی
۱۱	ترویج اخلاق حرفه‌ای از جمله تعهد به قانون و مسئولیت‌پذیری در سازمان‌ها
۱۲	افزایش مشوق‌ها و امتیازات قانونی
۱۳	اختصاص حقوق ماهانه و مزایا بیشتر برای مادران دارای فرزند بیشتر

دسته‌های دیگر از راهکارهای اجرایی و مدیریتی در ذیل مدیریت مردم‌محور و استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی قابل دسته‌بندی است. در سطح مدیریت مردم‌محور و استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی تأکید می‌شود تا زمینه تقویت مشارکت‌های اجتماعی و مردمی جهت حل مسئله و دخالت دادن همه گروه‌های ذی‌نفع در تصمیم‌گذاری در حوزه مسئله جمعیت فراهم گردد چراکه حل این مسئله اجتماعی و عمومی جز از طریق درگیرکردن مردم با مسئله جمعیت ممکن نخواهد بود. جهت افزایش مشارکت مردمی و درگیر نمودن جامعه با مسئله ضروری است تا مجریان قانون ضمن توجه به دغدغه‌ها و نیازهای مردم در فرایند تصمیم‌سازی و اجرای قانون زمینه آگاهی‌بخشی جامعه و مردم نسبت به تبعات امنیتی، اقتصادی و اجتماعی کاهش جمعیت را فراهم نمایند.

تقویت حسّ مسئولیت‌پذیری اجتماعی جامعه نسبت به مسئله جمعیت، فعال نمودن بسترهای تعاملی دولت با مردم جهت حل مسئله جمعیت، استفاده از ظرفیت

دانشگاه‌های غیرانتفاعی و غیردولتی و حضور نماینده‌های تشکل‌های مردمی در ستاد نهاد خانواده، ایجاد و تقویت کانون‌های اجتماع‌محور مانند سرای محله با الگوگیری از شهرهای بزرگ جهت ترویج فرهنگ فرزندآوری و استفاده از ظرفیت جامعه نخبگانی و متخصصان و غیردولتی در حوزه جمعیت و فرزندآوری از جمله دیگر اقداماتی است که در جهت افزایش مشارکت عمومی در این زمینه پیشنهاد می‌گردد.

یکی از حوزه‌های و نهادهای غیردولتی که در این زمینه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد نهاد وقف به‌مثابه یکی از نهادهای اجتماعی و مردم‌محور است. سازمان اوقاف ضمن برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در این زمینه با توجه به نظام مسائل استان می‌تواند با برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها و دیگر سازوکارهای تبلیغی و رسانه‌ای زمینه جهت‌دهی نیت واقفان محترم را متناسب با نیازهای جدید و به‌ویژه مسائل حوزه جمعیتی و فرزندآوری فراهم نمایند.

جدول (۹): مدیریت مردم‌محور

ب. مدیریت مردم‌محور و استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی	
۱	تقویت مشارکت‌های اجتماعی و مردمی جهت حل مسئله
۲	دخالت دادن همه گروه‌های ذی‌نفع در تصمیم‌گذاری در حوزه مسئله جمعیت
۳	توجه به دغدغه‌ها و نیازهای مردم در فرایند تصمیم‌سازی و اجرای قانون
۴	توجه‌دادن مردم نسبت به تبعات آمینیتی، اقتصادی و اجتماعی کاهش جمعیت
۵	تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی جامعه نسبت به مسئله جمعیت
۶	فعال نمودن بسترهای تعاملی دولت با مردم جهت حل مسئله جمعیت
۷	استفاده از ظرفیت دانشگاه‌های غیرانتفاعی غیردولتی
۸	استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد
۹	حضور نماینده‌های تشکل‌های مردمی در ستاد نهاد خانواده
۱۰	ایجاد و تقویت کانون‌های اجتماع‌محور مانند سرای محله با الگوگیری از شهرهای بزرگ جهت ترویج فرهنگ فرزندآوری
۱۱	استفاده از ظرفیت جامعه نخبگانی و متخصصان و غیردولتی در حوزه جمعیت و فرزندآوری
۱۲	استفاده از ظرفیت نهاد اجتماعی و مردمی وقف در حوزه جمعیت و فرزندآوری

بخشی از راهکارهای عملیاتی در جهت اجرای سیاست‌های جمعیتی در ذیل اصلاح و تقویت فرایندهای نظارتی قابل دسته‌بندی است. با توجه به برخی چالش‌های نظارتی در مسیر اجرای قانون حضور و دعوت از نماینده‌های مردمی در ستاد نهاد خانواده جهت نظارت در حوزه جمعیت و فرزندآوری می‌تواند ضمن افزایش مشارکت مردمی در فرایند اجرای قانون به تقویت فرایندهای نظارتی در مسیر اجرای قانون کمک کند. همچنین تعیین ضرب‌الاجل و محدوده زمان مشخص جهت پایش زمانی اهداف و سیاست‌های جمعیتی و تطبیق چگونگی اجرای سیاست‌ها با برنامه‌هی و اهداف زمانبندی شده و نظارت بر اجرای قانون در هر وزارتخانه در حوزه جمعیت و فرزندآوری به صورت جداگانه می‌تواند به رفع بسیاری از موانع و مشکلات در مسیر اجرای قانون کمک نماید.

جهت اهتمام دستگاه‌ها به اجرای قانون و ارائه و تخصیص امتیازات قانونی به خانواده‌ها لازم است دستگاه متولی مشخصی جهت پایش و نظارت و برخورد با ترک فعل‌ها در زمینه قوانین حوزه جمعیت و فرزندآوری در استان معرفی گردد. ستاد امر به معروف و نهی از منکر و یا دیگر نهادهای نظارتی می‌تواند ایجاد فرهنگ‌سازی در زمینه تقویت فرهنگ فرزندآوری، مطالبه‌گری از مسئولان (بانک‌ها، مسکن و شهرسازی و...) در حوزه جمعیت و فرزندآوری را دستور کار و اولویت برنامه‌های خود قرار دهد.

جدول (۱۰): اصلاح و تقویت فرایندهای نظارتی

ج. اصلاح و تقویت فرایندهای نظارتی در جهت تحقق سیاست‌های جمعیتی	
۱	حضور نماینده‌های مردمی در ستاد نهاد خانواده جهت نظارت در حوزه جمعیت و فرزندآوری
۲	لزوم تعیین ضرب‌الاجل جهت پایش زمانی اهداف و سیاست‌های جمعیتی
۳	نظارت بر اجرای قانون در هر وزارتخانه در حوزه جمعیت و فرزندآوری
۴	لزوم تعریف دستگاه متولی جهت پایش و نظارت و برخورد با ترک فعل‌ها در زمینه قوانین حوزه جمعیت و فرزندآوری
۵	مطالبه‌گری از مسئولان (بانک‌ها، مسکن و شهرسازی و...) در حوزه جمعیت و فرزندآوری
۶	مطالبه‌گری از نهادهای متولی اجرای قانون حمایت از نهاد خانواده از سوی ستاد امر به معروف و نهی از منکر و یا دیگر نهادهای مردمی

۴-۵. راهکارهای رسانه‌ای و تبلیغی در جهت تحقق سیاست‌های

جمعیتی

آگاهی‌بخشی از طریق نهادهای آموزشی و ابزارهای رسانه‌ای هم نسبت به محتوای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و فرهنگ‌سازی در زمینه ازدواج و فرزندآوری باید از جمله اولویت‌های رسانه‌ای دستگاه‌های رسمی و مراکز خبری و اطلاع‌رسانی باشد تا از این طریق مسئله جمعیت و فرزندآوری در صدر مسائل و موضوعات مورد توجه مردم و جامعه قرار گیرد. با توجه به نقش سلامت و امنیت روانی و و تأثیر ذهنیت‌ها و باورها در نوع رفتار فرزندآوری نقش صداوسیما و نهادهای فرهنگی رسانه‌ای در آموزش به خانواده‌ها و ساخت برنامه‌ها و تولیدات رسانه‌ای با مضامین جمعیت و خانواده و فرزندآوری و آگاهی‌بخشی نسبت به تبعات تجرد و بی‌فرزندگی یا تک‌فرزندگی بیش‌ازپیش اهمیت دارد.

با توجه به افزایش فزاینده استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه در میان نسل جوان پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی رسانه‌ای تولید آثار و فیلم‌ها و کلیپ‌های آموزشی و جذاب و توزیع و پخش آن در فضای مجازی را در دستور کار قرار دهند. بدین‌منظور می‌توان زمینه برگزاری جشنواره تولیدات رسانه‌ای با موضوع فرزندآوری را فراهم نمود تا از این راه ضمن جهت‌دهی تولیدات رسانه‌ای زمینه گفتمان‌سازی و جریان‌سازی در جامعه با هدف نهادینه‌سازی فرهنگ فرزندآوری فراهم گردد.

رویکرد خلاقانه و مبتکرانه در زمینه تبلیغات محیطی و رسانه‌ای در سطح شهر و متناسب‌سازی تبلیغات رسانه‌ای با ویژگی‌های بومی و محلی گیلانی حوزه جمعیت و فرزندآوری نقش مهمی در ترویج فرهنگ ازدواج و فرزندآوری در جامعه دارد. همچنان‌که به نظر می‌رسد تبلیغات محیطی دهه ۷۰ با موضوع کاهش نسل و با عنوان «فرزند کمتر زندگی بهتر» در حافظه تاریخی بخش قابل‌توجهی از ملت نشسته است و تأثیر عمیقی بر نوع نگرش جامعه بر جای گذاشته است.

یکی از راهکارهای پیشنهادی استفاده از ظرفیت مبلغان، کنشگران فرهنگی و تربیتی و توجه به تناسب مبلغین و مروجین فرزندآوری با ویژگی‌های اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی است. بدین‌منظور ضروری است تا جهت تأثیربخشی اقدامات تربیتی و تبلیغی و برقرار ارتباط و تعاملی سازنده و اثربخش، از گروه‌های مرجع متناسب با اقتضات اقشار مختلف استفاده شود.

جدول (۱۱): راهکار رسانه‌ای و تبلیغی

ردیف	راهکار رسانه‌ای و تبلیغی
۱	تولید فیلم و محصولات رسانه‌ای و هنری در حوزه جمعیت و فرزندآوری
۲	برگزاری نشست‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای با هدف تحلیل مسائل حوزه جمعیت
۳	ضرورت رویکرد خلاقانه و مبتکرانه در زمینه تبلیغات محیطی و رسانه‌ای در سطح شهر در ابعاد ایجابی و سلبی حوزه جمعیت و فرزندآوری
۴	متناسب‌سازی تبلیغات رسانه‌ای با ویژگی‌های بومی و محلی گیلانی حوزه جمعیت و فرزندآوری
۵	توجه به تناسب مبلغان و مروجین فرزندآوری با ویژگی‌های اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی
۶	ضرورت ایجاد جریان‌سازی و گفتمان‌سازی حوزه جمعیت و فرزندآوری از طریق رسانه‌های متناسب با مخاطبان مرتبط
۷	بازتاب گسترده رسانه‌ای قوانین حوزه جمعیت و فرزندآوری

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با مصاحبه با خبرگان و کارشناسان مهم‌ترین مسائل و خلأهای قانون و اساسی‌ترین چالش‌ها و موانع پیش‌روی اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت احصاء و نیز راهکارهای عملیاتی جهت تحقق اهداف سیاست‌های جمعیتی ارائه گردد.

پس از بررسی نظریات کارشناسی، مسائل و خلأهای موجود در قانون در قالب پنج مقوله کلان و در ابعاد اجرایی و سیاستی، ابعاد اقتصادی، ابعاد نظارتی و حقوق و قضایی، ابعاد اجتماعی و فرهنگی و ابعاد بهداشتی و درمانی معرفی گردید و در گام بعدی مشخص شد که چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه تحقق اهداف قانون حمایت از خانواده و سیاست‌های جمعیتی در استان در قالب ۴ مقوله عبارت‌اند از:

۱- چالش‌های حوزه اجرایی و مدیریتی؛

۲- چالش‌های حوزه فرهنگی و اجتماعی؛

۳- چالش‌های حوزه آموزشی و رسانه‌ای؛

۴- چالش‌های حوزه بهداشت و درمان.

با اتکا بر نظریات کارشناسی خبرگان و کارشناسان حوزه جمعیت می‌توان گفت تأمین صرف نیازهای اقتصادی جامعه نمی‌تواند در زمینه میل جامعه به فرزندآوری

برانگیزاننده باشد، در نتیجه مسئله فرهنگ و نظام ذهنی و باورهای جامعه در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ لذا در سیاست‌گذاری حوزه جمعیت باید به این مسئله توجه داشت.

در این پژوهش مهم‌ترین راهکارهای عملیاتی متناسب با نظام مسائل حوزه جمعیتی در استان استخراج و در پنج حوزه آموزشی و تربیتی خانواده‌محور، رسانه‌ای و تبلیغی، بهداشتی و درمانی، اجرایی و مدیریتی، فرهنگی و اجتماعی پیشنهادهایی با اتکا بر نظر کارشناسان ارائه گردید.

با توجه به پیامدهای منفی کاهش جمعیت در زندگی خانواده‌ها و اثرهای منفی سالمندی و پیری جمعیت طی سال‌های آینده باید اقدامات لازم برای فرهنگ‌سازی و اصلاح نگرش مردم نسبت فرزندآوری صورت گیرد. با وجود تصویب و اجرایی شدن قانون جوانی جمعیت، رشد ازدواج و افزایش فرزندآوری نیازمند روشنگری و گشودن گره‌های ذهنی شهروندان است که باید به همت دستگاه‌های متولی و رسانه‌های جمعی در این خصوص صورت گیرد.

پیشنهادها

نتایج و دستاوردهای این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک بسته پیشنهاد سیاستی در اختیار مدیران و کارگزاران حوزه جمعیت و فرزندآوری استان گیلان و حتی سایر استان‌های کشور قرار گیرد. امید است تا با استفاده از ظرفیت‌ها و اقتضانات جامعه گیلانی شرایط لازم جهت تحقق سیاست‌های مطلوب و راهبردهای کمی و کیفی حوزه جمعیت و فرزندآوری فراهم گردد.

فهرست منابع

- آمار، تیمور و حسن‌پور، رضا (۱۳۸۹). بررسی جغرافیایی ناپایداری جمعیت و متروک شدن روستاهای شرق گیلان در بیست سال اخیر. *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۵(۱۲)، ۱-۲۴.
- ارحامی، آسیه (۱۴۰۱). گزارش رصد رفتارها و نگرش‌های ایرانیان در موضوع فرزندآوری. تهران: معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی دفتر مطالعات فرهنگ و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس.
- امینی، محمد و راستی، حسن (۱۴۰۲). *مداخله پیشگیرانه از واقعه طلاق در پرتو تحقق سیاست‌های کلی جمعیت*. مجموعه مقالات همایش زن و هویت ایرانی اسلامی، دانشگاه گیلان.
- بالاخانی، قادر (۱۴۰۱). بررسی کیفی نگرش به سیاست‌های جمعیتی و فرزندآوری (مطالعه موردی جوانان استان اردبیل). *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۴(۹۶)، ۳۹-۶۷.
- حسینی‌نثار، مجید و دیگران (۱۳۹۶). بررسی کیفیت زندگی سالمندان در استان گیلان و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۰(۱)، ۷۵-۸۸.
- حمیدی‌فر، مهدی؛ کنعانی، محمدمین و عبادالهی چندانق، حمید (۱۳۹۵). *جامعه در مخاطره و فرزندآوری: مطالعه‌ای در شهر رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۱(۲۱)، ۱۰۱-۱۳۵.
- سازمان ثبت احوال استان گیلان (۱۴۰۰). *گزارش شناسنامه جمعیتی استان گیلان*. سالنامه آماری استان گیلان (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵). سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
- سبکتکین‌ریزی، قربانعلی (۱۳۸۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی جمعیت*. تهران: چاپ نقشینه پیمان.
- سمیعی‌نسب، مصطفی و ترابی، مرتضی (۱۳۸۹). شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران. *برداشت دوم*، ۷(۱۱)، ۱۴۳-۱۸۸.
- شمس قهفرخی، فریده و دیگران (۱۴۰۰). چالش‌های اجرای سیاست‌های تشویقی فرزندآوری: مطالعه‌ای کیفی در شهر اصفهان. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۶(۳۲)، ۷۹-۱۱۲.
- علیئی، محمدرولی (۱۳۹۴). نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران. *آفاق امنیت*، ۲۸(۲)، ۱۰۷-۱۳۳.

- غمامی، محمدمهدی و دیگران (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی سیاست‌های تقنینی جمعیت جمهوری اسلامی ایران و ارائه شاخص‌های مطلوب. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۶)، ۳۱-۵۸.
- فریدمن، جورج (۱۴۰۲). *جهان در صد سال آینده*. ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: فرزنان روز.
- کتابی، احمد (۱۳۶۴). *نظریه‌های جمعیت‌شناسی*. تهران: اقبال.
- کلانتری، صمد و صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۵). برآورد و مقایسه چند شاخص جمعیتی در ایران و برخی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه. *جمعیت*، (۵۵) و (۵۶)، ۱۳۳-۱۵۰.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور*. موسی‌پور، سیدمهدی؛ حاتمی، داود و حاتمی، حمیده (۱۴۰۲). بررسی وضعیت سالمندی جمعیت شهری استان گیلان جهت نیل به شهر دوستدار سالمند. *مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۴(۳)، ۱۷-۳۲.
- مولایی هاشجین، نصرالله (۱۳۷۹). *بررسی جغرافیایی روند تحولات جمعیت در غرب گیلان*. *جمعیت*، (۳۳-۳۴)، ۱۱۳-۱۴۴.
- مهزیار، امیرهوشنگ (۱۳۹۳). *جمعیت ایران و تحولات آن در نیم قرن گذشته*. *سیاست کلان*، ۳(۳)، ۲۹-۶۲.

References

- Aliei, M. (2015). The Role of Population and Population Policies in Strengthening the Internal Structure of Power in the Islamic Republic of Iran. *Afaq-e-Amniyat*, (28), 107-133. (In Persian)
- Amar, T. & Hassanpour, R. (2010). Geographical Study of Population Instability and Abandonment of Villages in Eastern Guilan Over the Past Twenty Years. *Human Settlements Planning Studies*, 5(12), 1-24. (In Persian)
- Amini, M. & Rasti, H. (2023). Preventive Intervention against Divorce Incidents in Light of General Population Policies, Proceedings of the Conference on Women and Iranian-Islamic Identity, University of Guilan. (In Persian)
- Arhami, A. (2022). Monitoring the Behaviors and Attitudes of Iranians Towards Childbearing, Deputy for Social and Cultural Research, Office for Culture and Education Studies, Research Center of the Parliament. (In Persian).


- Balakhani, Gh. (2022). Qualitative Study of Attitudes towards Population Policies and Childbearing (A Case Study of Youth in Ardabil Province), *Women's Strategic Studies*, 24(96), 39-67. (In Persian)
- Civil Registry Organization of Guilan Province (2021). Population Identity Report of Guilan Province. (In Persian)
- Friedman, G. (2023). *The Next Hundred Years*, Translated by Abolhassan Tahami, Tehran: Farzan Rooz.
- Ghamami, M.; Mohajeri, M.; Javid, M. & Hekmatnia, M. (2019). Diagnosis of Legislative Population Policies in the Islamic Republic of Iran and Providing Ideal Indicators. *Women's Strategic Studies*, 22(86), 58-31. (In Persian)
- Hamidifar, M.; Kanaani, M. & Ebadollahi, H. (2016). Society at Risk and Childbearing: A Study in Rasht. *Journal of the Iranian Population Association*, 11(21), 135-101. (In Persian)
- Hosseini-Nesar, M.; Zanjani, H.; Mirzaei, M. & Kaldi, A. (2017). Study of the Quality of Life of the Elderly in Guilan Province and Its Influential Factors, *Iranian Social Development Studies*, 10(1), 75-88. (In Persian)
- Iranian Statistical Center, Detailed Results of the National Census of Iran (2016). (In Persian)
- Kalantari, S. & Sadeqi, S. (2006). Estimation and Comparison of Several Population Indicators in Iran and Some Developed and Developing Countries. *Population*, (55-56), 133-150. (In Persian)
- Ketabi, A. (1985). *Theories of Population Studies*. Tehran: Eghbal Publishing. (In Persian)
- Mahziar, A. (2014). The Population of Iran and Its Changes Over the Last Half-Century. *Strategic Policies*, 3(3), 29-62. (In Persian)
- Molaei, N. (2000). Geographical Analysis of Population Changes in Western Guilan. *Population*, (33-34), 113-144. (In Persian)
- Moussapour, M.; Hatami, D. & Hatami, H. (2023). Study of the Urban Aging Population in Guilan Province for the Purpose of Elder-Friendly Cities. *Sustainable Urban and Regional Development Studies*, 4(3), 17-32. (In Persian)
- Sabektakinrezaei, Gh. (2007). *An Introduction to Sociology of Population*. Tehran: Nashr Nashin Peyman. (In Persian)
- Samieinasab, M. & Torabi, M. (2010). Indicators and Population Policies in Iran. Second Edition, 7(11), 143-188. (In Persian)
- Shams, F.; Askari Nodoushan, A.; Eini, H; Rouhani, A. & Abbasi, M. (2021). Challenges in Implementing Pro-Natalist Policies: A Qualitative Study in Isfahan. *Journal of the Iranian Population Association*, 6(32), 112-79. (In Persian)
- Statistical Yearbook of Guilan Province (Census of Population and Housing, 2016). Organization of Planning and Budget, Guilan Province. (In Persian)

Examining the implementation issues and challenges of the Family and Youth Protection Law in Iran (case study of Gilan province)

Javad Nazarimoghaddam

Assistant Professor, Research Institute of Guilan studies, University of Guilan, Rasht, Guilan, Iran.

j.moghaddam@guilan.ac.ir

 0000-0001-8626-7766

Abstract

Considering the decrease in fertility and the birth rate in Iran, the policy-making system in Iran has changed demographic policies in order to prevent the increasing decrease in the population and the relative increase of provide it. Gilan is one of the oldest provinces in the country, and the issue of population decline and birth rate is one of the most important issues of this province. In this qualitative research, an attempt was made to use in-depth interviews with a number of experts and experts in the field of family and population in Gilan. The most important legal issues and loopholes and political and executive challenges of the "Family and Youth Protection Law" in Gilan, statistics and operational solutions to achieve the goals of population policies in accordance with the needs and system of the province should be presented. The findings of the research show that in order to solve the population problem, attention to the role of cultural and mental components is more important compared to economic components. There are challenges and obstacles on the way to the realization of the goals of the law in four executive and management areas, cultural and social areas, educational and media areas, and health and treatment areas. Finally, according to the existing issues and challenges, operational solutions appropriate to the system of demographic issues in the province are extracted and suggestions are made in five areas of family-oriented education and training, media and propaganda, health and treatment, executive and managerial, cultural and social. It was presented based on the opinion of experts. The results and achievements of this research can be provided as a package of policy proposals to managers and agents in the field of population and childbearing.


Keywords: Population, family, population policies, having children, Gilan.

Criticism of educational justice with regard to the formation of special and non-governmental schools

Mohammad Javad Valizadeh

Member of the Academic Staff of the Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran (Corresponding author).

Mj.valizadeh@sccr.ir

 0000-0003-1405-1063

Rahmatollah Mahmodi

Department of Philosophy and Logics Education, Farhangian University, Tehran, Iran.

r.mahmodi@cfu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The purpose of this applied research is to investigate the soft aspects of the formation of special and non-governmental schools and its impact on distorting the credibility and soft power of the Islamic Republic, as well as describing the detailed aspects of the formation of special and non-governmental schools, especially the consequences of neglecting education and upbringing from the policy-making aspect.

This study is qualitative in terms of implementation method. The research community consisted of all institutional experts (officials), academics (researchers and researchers) and people with operational experience (managers and teachers) who were selected according to the principle of theoretical saturation, 13 people were selected by purposive sampling method. The research tool was a semi-structured interview, and the validity and reliability of the research was confirmed using the "Lincoln and Guba" evaluation method. To analyze the data, the qualitative analysis method "Claysey" was used.

According to the findings of the research, 20 indicators (items), 6 main components and 3 main dimensions, can be identified.

The results of this research can be used to solve problems and make decisions, policies and plans related to education. The proposal of this research is a principled return to the constitution and revision and transformation in the policies and policies of the Ministry of Education based on the 3rd major goal and 4th major strategy of the "fundamental transformation of education document"


Keywords: Educational justice, Special and non-governmental schools, Socio-economic inequalities, Inclusive and culturally responsive education, Educational policies.

Fertility Intentions and Motivations of Women with Different Political Orientations Emphasizing the general policies of the population

Fatemeh Tanhaa

Department of Demography, Social Science Faculty, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).


f.tanhaa@ut.ac.ir

 0009-0009-0464-9679

Hajieh Bibi Razeghi Nasarabad

Associate Professor of Demography, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

hrazeghi@ut.ac.ir

 0000-0002-0990-9689

Abstract

Low fertility is a major demographic issue in Iran and many other countries worldwide. In recent years, numerous researchers have focused on the causes and consequences of low fertility, yet examining fertility intentions across different political groups has been relatively neglected. This study aims to explore the fertility intentions and motivations of women with varying political orientations. Utilizing a qualitative approach, in-depth interviews were conducted with 21 married women in Tehran, selected through purposive sampling. Thematic analysis was employed for data analysis. The results revealed that women with revolutionary and pro-leadership orientations tended to have more children, aiming for up to five. On the other hand, considering the country's economic, social, and political conditions, other women found having more than two children unreasonable. The study introduced two models of fertility decision-making: "Childbearing for Self and the State," prevalent among revolutionary and pro-leadership women, influenced by national concerns, loyalty to leadership, religiosity, and institutional trust; and "Childbearing for Self," common among women with other political orientations, shaped by the two-child norm, economic insecurity, and institutional distrust. The findings suggest that policymakers can promote higher fertility rates by implementing effective strategies that enhance economic security and support mothers.


Keywords: Fertility, general policies of the population, political factors, political tendency, Qualitative method.

Sociological Study of mosque-centered governance as the Key to development: strategies and Consequences (case study: Amol City)

Sadegh Salehi

Department of Development Sociology, Faculty of Humanities & Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran (Corresponding author).


S.salehi@umz.ac.ir

 0000-0003-2108-2132

Hossein Sharifpour

Assistant Professor of Crime Prevention Management, Amin University of Police Sciences, Tehran, Tehran, Iran.

Ali_2124@yahoo.com

 0009-0004-8396-061X

Leila bonyad

Postdoctoral Researcher in Environmental Sociology, Department of Development Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.


l.bonyad@umail.umz.ac.ir

 0000-0001-6895-4247

Mehraban Parsamehr

Associate Professor, Department of Development Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.


parsamehr@umz.ac.ir

 0000-0002-9611-9190

Esmail Shirali

Associate Professor, Department of Anthropology, Faculty of Literature and Humanities, Velayat University, Iranshahr, Iran.


esmaeil.shirali@gmail.com

 0000-0003-3795-7108

Ahmad Rezaei

Associate Professor, Department of Development Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

arezaei@umz.ac.ir

 0000-0003-4696-5900

Abstract

The present research has been carried out in line with the implementation of the policies of the Second Step Statement of the Islamic Revolution and with the aim of studying and empirically analyzing the place of middle circles in organizational governance and its role in solving socio-cultural issues in Amol city. According to the goals and questions of the researchers, this research was conducted with a qualitative approach, foundational data method and semi-structured in-depth interview technique. The statistical population was 29 activists and interviewees active in neighborhoods in different parts of Amol city, who were selected by snowball sampling. The analysis of the findings showed that the governance that has been effective in improving and regulating the urban governance system of Amol through middle circles is "Mosque-Centered Governance". This type of governance is an example of governance in modern Islamic civilization, which plays an important role in urban development by maintaining the functions of modern man. The meaning of mosque-centered governance is that the mosque as a social-economic-political-cultural and religious system is always an intermediary between the government and the people. According to the findings of the research, strategies for improving urban governance in Amol were examined in the form of categories, which have consequences such as: the mosque reviving people's trust in the rulers, the creation of a glass room to create transparency and prevent the mosque from becoming passive in a spatial sense. It is purely religious.

Keywords: Middle circles, Urban governance system, Statement of the second step of the Islamic revolution, Mosque-centered governance, Amol.

Discourse Analysis of movies related to State in Iranian cinema in the years 1358-1369 A.H

Alireza Telvari

Ph.D. Student of Department of Political sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.


telvari.alireza@gmail.com

 0009-0007-3056-6055

Hassan Bashir

Professor of Communication and Propaganda Department, Faculty of Education, Culture and Communication, Imam Sadegh University (AS), Tehran, Iran (Corresponding author).


bashir@isu.ac.ir

 0000-0003-0793-6832

Ebrahim Mottaghi

Professor of International relations Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

emottaghi@ut.ac.ir

 0000-0002-2458-7999

Abstract

Understanding the concept of "State" as the most important pillar of the political system is one of the most strategic issues in socio-political research. Mass communication media is considered an important source for shaping public opinion in relation to the government institution. "Cinema" is the most influential media has the ability to attract people's thoughts and imaginations on the one hand, and on the other hand, it represents the prevailing social conditions and the role of the state in every historical period. In this regard, after the Islamic Revolution of Iran, cinema has received the attention of governments as a strategic tool and the center of cultural-media policies. Therefore, the aim of the research is to interpret and explain the discourse of the phenomenon of state in the art-media of cinema. The main question is to explain how and in which discourses the state is represented in movies considering the important role of this institution in social life? By applying the "Practical Discourse Analysis" method, Discourse and Representation theories, 16 important socio-political films produced between 1358-1369 have been analyzed. The result of the discourse analysis of the studied films shows that almost all the political films produced in these years have represented the authoritarian Pahlavi government and its oppression on the Iranian society. And the Iranian political cinema in the 60s until the end of the imposed war, influenced by the revolutionary atmosphere of that time, by criticizing the previous political system, has represented the government in the form of "Authoritarian government" discourse.

Keywords: Agenda-setting, Cinema, Cinema of the 60th, Cinema sociology, Discourse Analysis Method, Practical Discourse Analysis Method, Political sociology, Representation, State.

Modeling Happiness in Society based on Personality Characteristics (Introversion-Extroversion) with the Mediation of Social Adaptation in Adolescents

Azam Hosseinpour

Ph.D student in Educational Psychology, Faculty of Psychology, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Roudhen, Iran.


a.hosseinpour075@gmail.com

 0009-0009-7216-9984

Katrin Vaziri

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Roudhen, Iran (Corresponding author).


vaziri42@gmail.com

 0000-0002-4085-1016

Nasrin Bagheri

Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Roudhen Branch, Roudhen, Iran.

Bagheri.nas@gmail.com

 0000-0002-5919-2591

Abstract


Happiness is an essential element of life hope and quality enhancement in society. Therefore, paying attention to it from adolescence, which is a period of growth and identity formation, is of great importance. The aim of the present study was to model happiness in society based on personality traits (introversion-extraversion) with the mediation of social adaptation in adolescents. The research design was applied and the method was descriptive-correlational based on the structural equation model. The statistical population of the study consisted of all female high school students in the second cycle of high school, who were 352 people and were selected using a multi-stage cluster random sampling method. They responded to the Oxford Happiness Questionnaire (2002), the Eysenck Adolescent Personality Questionnaire (1975), and the Sinha and Singh Student Adaptation Questionnaire (1993). The results indicated a positive association between personality traits and happiness in adolescents. However, the study failed to find evidence for the mediating role of social adaptation between these two variables. In other words, it appears that personality traits directly influence happiness in adolescents, and social adaptation does not play an intermediary role in this relationship.

Keywords: Happiness, Happiness, Personality Traits (Introversion-Extraversion), Social Adaptation, Adolescents.

Assessing the Status of Social Identity in Tourism-Pilgrimage Destinations (Case Study: Mashhad)

Seyed Mohammad Mousavi


Assistant Professor, Department of Tourism Management, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, shahrekord, Iran (Corresponding author).
s.mohammadmousavi@sku.ac.ir

 0000-0003-1634-445X

Mohammadreza Majidi

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

mmajidi@ut.ac.ir

 0000-0001-6801-9136

Abstract

Social identity, as one of the key elements in the field of tourism sociology, plays an unparalleled role in improving the level of social security of tourism destinations. Objective: The present study aims to introduce the components and indigenous indicators of social identity in tourism and pilgrimage destinations, and to examine the status of these components in the tourism-pilgrimage destination of Mashhad. Method: The present study is applied and has a descriptive-analytical approach. In this study, the framework of sustainable tourism development and ethical codes in tourism were used, and for social identity, the theory of socialized security was used. Documentary-library techniques were used to collect data. For data analysis, an expert survey using an expertise questionnaire and statistical techniques using a researcher-made questionnaire based on a five-point Likert scale were used in the sample of Mashhad. Findings: Social identity has two components: intra-group and inter-group relations, and the status of the two components of intra-group relations (collectivism and commitment) and inter-group relations (awareness, dialogue, and respect) has been assessed as undesirable in terms of social identity dimensions in the tourism-pilgrimage destination of Mashhad. Conclusion: Sustainable tourism development in the Mashhad metropolis is aimed at maintaining the continuity of the social and cultural identity of the society in changing and evolving social conditions. For the development of tourism, the Mashhad metropolis needs, above all, warm and effective relations between individuals in the host society, which enables commitment and respect, social cohesion and consensus, and ultimately active social awareness.

Keywords: Social identity, Destination, Tourism, Pilgrimage, Mashhad.

Compilation of criteria for evaluating the cultural and social performance of universities: a research based on meta-synthesis

Ali Adibinia

Master of Public Administration, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.


ali.adibinia@ut.ac.ir

 0009-0005-6532-465X

Mohammad Mahdi Zolfagharzadeh

Department of Public Policy and Administration, Tehran, Iran (Corresponding author).


zolfaghar@ut.ac.ir

 0000-0002-6803-4616

Abbas Nargesian

Associate Professor, Department of Leadership and Human Capital, School of Public Administration and Organizational Sciences, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

anargesian@ut.ac.ir

 0000- 0003-0598-5630

Abstract

Cultivation and excellence of the character of students and their education as the future generation of the society in which they should be actively present and interact has always been of interest and the aspects related to it have somehow found themselves in the cultural, social and educational field of this It shows the reference institution in the society. Therefore, it is important to identify the performance indicators of universities in this field, and the purpose of this research is to identify the dimensions, components, and indicators of the cultural and social performance of Iranian universities. The current research has been carried out with documentary and meta-composite method. Sandelowski and Barroso's seven-step metacomposition method was used for data analysis. Glynn's tool (2006) was also used to evaluate the quality of ultracomposition. In total, based on the resource search strategy, 52 sources out of 571 sources were suitable for the final synthesis, and among these sources, 8 dimensions, 31 components and 64 indicators were identified and approved by experts in this field. The findings of the present research showed that the dimensions of important tasks, interactions and communications, programs, university groups, management system, infrastructures and facilities, special activities of professors and employees and finally, content productions, on the evaluation of cultural performance and The university community is effective. The results of the present research have the ability to be used in order to evaluate the performance and cultural and social ranking of Iranian universities in the Ministry of Science, Research and Technology.


Keywords: Performance evaluation, cultural indicators, cultural and social indicators, university, metasynthesis approach.

Analyzing the opinion of elites about the desire of couples to have children and related factors in Lorestan

Gholamreza Tajbakhsh

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Grand Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Tehran, Iran.

Tajbakhsh@abru.ac.ir

 0000-0002-1155-8857

Abstract

Background and purpose: The decrease in the fertility rate and the demographic movement of the society towards aging are among the reasons that have made it necessary for researchers to investigate the issue of having children in Iran. Based on this, the aim of the current research is to analyze the opinion of elites about the desire to have children and to identify factors related to it in Lorestan province.

Method: Quantitative methodology (Q method) was used for this research. The statistical population of this research includes elites who are knowledgeable about the subject. The sample size includes 90 elite experts in the field of demographics and child bearing. A researcher-made questionnaire was also used to collect information. Validity and reliability analysis was performed in the quantitative part of Cronbach's alpha test and determining the factor loading of the items. SPS 26 and Imus Graphics 24 statistical software were used to analyze the findings. **Findings:** The findings of the Q method showed that couples feel insecure in the job dimension with 4/97, feeling insecure in the living expenses dimension with 4/72, feeling insecure in the financial and income dimension with 4/61, in the housing dimension with 4/55, Immigrating with 4/42, life skills of couples with 3/67 have the greatest effect on the propensity to have children of couples in Lorestan province. Also, the results of the path analysis using structural equation modeling show that cultural factors with 0/385, social factors with 0.354, economic factors with 0.325, political factors with 0.211 and psychological factors with 0.162 respectively are the most have an effect on the desire of couples to have children in Lorestan province. **Conclusion:** Different factors play a role in couples' desire to have children. Among these proven factors are economic factors such as financial income, employment, housing, political factors such as government support for couples and appropriate planning and policies, cultural and social factors that can change the view of couples on having children.


Keywords: Family, Childbearing, Fertility, Iran, Lorestan.

Public social supervision system based on the traditions and traditions of the innocent

Mohammad Soltanieh

Assistant Professor Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran
(Corresponding author).

m.soltanieh@razavi.ac.ir

 0000-0001-7791-2620

Mahdi Soltanieh

Scholar level 4 of Qom seminary. Research Deputy of Semnan Seminary Management Center, Semnan, Iran.

ms.1268@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Systematic processing of the social control mechanism and systematic monitoring in the words and deeds of the Innocents, peace be upon them, as a basic principle, will advance the goals of an Islamic society. Understanding the way of such control from the side of Imam and the epistemic and systematic tools of its formation and correct application will play a role in the advancement of society and even social institutions. This research was done with the aim of identifying and introducing these components and using descriptive exploratory method and referring to Islamic sources and sociology. The result is that with social control, targeted cases are set and the results are checked so that wrong activities can be identified from correct activities and the necessary corrections can be made to achieve the goal. Every social control and supervision, from the point of view of Imam words and actions, consists of components, which are under the general social control problem in four main branches: supervision of society members over each other, supervision of society members over managers, supervision of managers over individuals Community and supervision of managers and officials can be realized. Managers' supervision over the people of their society is realized in two modes of open social control (directly and indirectly), covert or covert social control. According to the point of view of the narrations, in order to realize each of the above types correctly, one should use the appropriate tool for the same type.

Keywords: Social control, public surveillance, direct and indirect surveillance, overt and hidden control, narrations.

List of Articles

- **Public social supervision system based on the traditions and traditions of the innocent 1383**
Mohammad Soltanieh and Mahdi Soltanieh
- **Analyzing the opinion of elites about the desire of couples to have children and related factors in Lorestan..... 1411**
Gholamreza Tajbakhsh
- **Compilation of criteria for evaluating the cultural and social performance of universities: a research based on meta-synthesis 1445**
Ali Adibinia, Mohammad Mahdi Zolfagharzadeh and Abbas Nargesian
- **Assessing the Status of Social Identity in Tourism-Pilgrimage Destinations (Case Study: Mashhad)..... 1481**
Seyed Mohammad Mousavi and Mohammadreza Majidi
- **Modeling Happiness in Society based on Personality Characteristics (Introversion-Extroversion) with the Mediation of Social Adaptation in Adolescents 1509**
Azam Hosseinpour, Katrin Vaziri and Nasrin Bagheri
- **Discourse Analysis of movies related to State in Iranian cinema in the years 1358-1369 A.H..... 1541**
Alireza Telvari, Hassan Bashir and Ebrahim Mottaghi
- **Sociological Study of mosque-centered governance as the Key to development: strategies and Consequences (case study: Amol City) 1571**
Sadegh Salehi, Hossein Sharifpour, Leila bonyad, Mehraban Parsamehr, Esmail Shirali and Ahmad Rezaii
- **Fertility Intentions and Motivations of Women with Different Political Orientations Emphasizing the general policies of the population..... 1613**
Fatemeh Tanhaa and Hajieh Bibi Razeghi Nasarabad
- **Criticism of educational justice with regard to the formation of special and non-governmental schools 1645**
Mohammad Javad Valizadeh and Rahmatollah Mahmudi
- **Examining the implementation issues and challenges of the Family and Youth Protection Law in Iran (case study of Gilan province)..... 1675**
Javad Nazarimoghaddam



Institute for Strategic
Research

Publisher
Institute for Strategic
Research
Expediency Council

Managing Director
Dr. Mohammadreza
Majidi

Editor-in-Chief
Dr. Gholamreza
Jamshidiha

Deputy editor
Dr. Iman Irfan Mensh

Internal Director
Dr. Maryam Fakhri

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: 2251-7081
Electronic ISSN
2588-655X

Publication
Information for
Strategic Research

Quarterly of
**The Socio-cultural
Strategy Journal**
54
Vol. 13 - No. 4 - Issue. 54 - Winter 2025

Editorial Board

Dr. Gholamreza Jamshidiha

Dr. Mohammad Bagher Khorramshad

Dr. Seyyed Mohammad Hosseini

Dr. Bahram Bayat

Dr. Ibrahim Fayaz

Dr. Hamid Parsania

Dr. Seyed Saeed Zahid Zahedani

Dr. Hossein Bostan (Najafi)

Dr. Abdulhossein Kalantari

Dr. Gholamreza Tajbakhsh

Members of the international Editorial board

Dr. Talal Etrisi

*This journal is printed according to letter No. 90/25595,
dated 12 December 2011*

*According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of
the Ministry of Science, Research and Technology, The
Socio-cultural Strategy Journal has been accredited as a
scientific-research Journal since spring 2012.*

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North
Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: rahbordfarhangi.csr.ir

Email: rahmagiran@gmail.com

Price: 200000 Rials